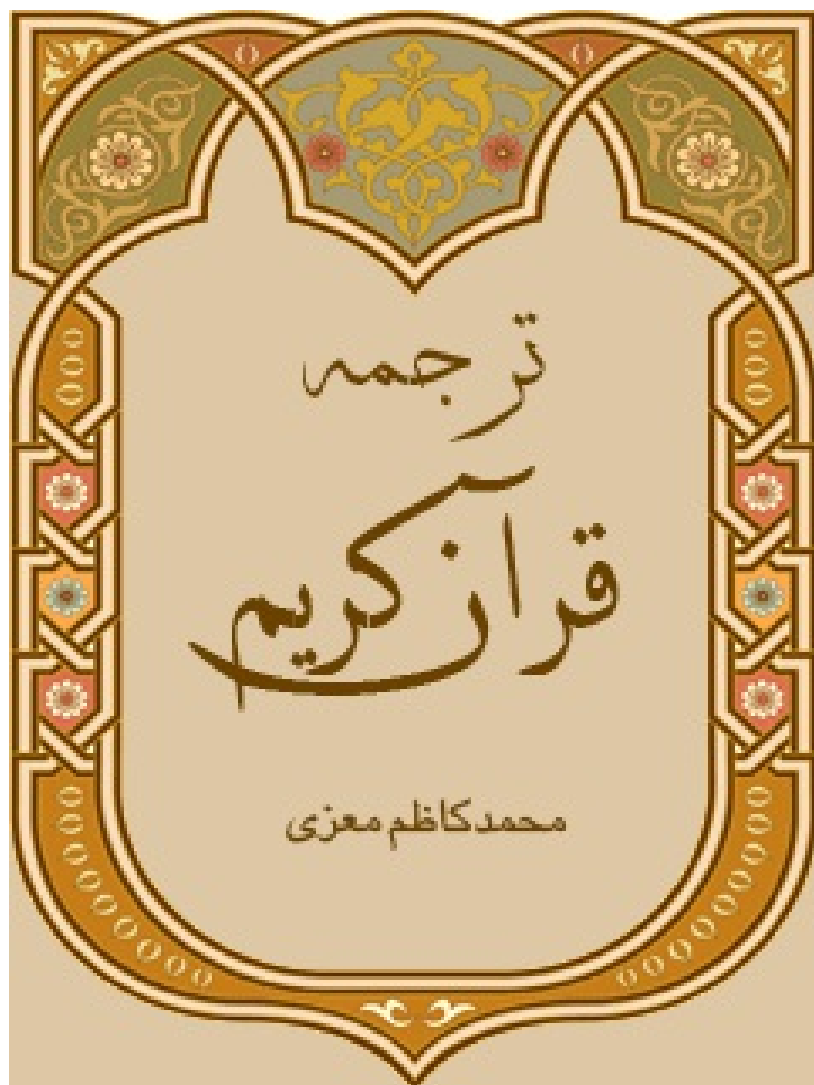


سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه قرآن کریم استاد معزی

نویسنده:

محمد کاظم معزی

ناشر چاپی:

جمهوری اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|----------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۱۰ | ترجمه قرآن کریم استاد معزی |
| ۱۰ | مشخصات کتاب |
| ۱۰ | الفاتحه |
| ۱۰ | البقره |
| ۲۳ | آل عمران |
| ۳۰ | النساء |
| ۳۸ | المائدة |
| ۴۴ | الأنعام |
| ۵۱ | الأعراف |
| ۵۸ | الأنفال |
| ۶۱ | التوبة |
| ۶۶ | يونس |
| ۷۰ | هود |
| ۷۴ | يوسف |
| ۷۸ | الرعد |
| ۸۰ | إبراهيم |
| ۸۲ | الحجر |
| ۸۳ | النحل |
| ۸۷ | الإسراء |
| ۹۱ | الكهف |
| ۹۴ | مريم |
| ۹۷ | طه |

| | |
|----------------|-----|
| الأنبياء | ۱۰۰ |
| الحج | ۱۰۲ |
| المؤمنون | ۱۰۵ |
| النور | ۱۰۷ |
| الفرقان | ۱۱۰ |
| الشعراء | ۱۱۲ |
| النمل | ۱۱۵ |
| القصص | ۱۱۸ |
| العنكبوت | ۱۲۱ |
| الروم | ۱۲۳ |
| لقمان | ۱۲۵ |
| السجدة | ۱۲۶ |
| الأحزاب | ۱۲۷ |
| سبأ | ۱۳۰ |
| فاطر | ۱۳۲ |
| يس | ۱۳۳ |
| الصفات | ۱۳۵ |
| ص | ۱۳۷ |
| الزمر | ۱۳۹ |
| غافر | ۱۴۲ |
| فصلت | ۱۴۴ |
| الشورى | ۱۴۶ |
| الزخرف | ۱۴۸ |
| الدخان | ۱۵۰ |

| | |
|-----------|-----|
| الجاثية | ۱۵۱ |
| الأحقاف | ۱۵۲ |
| محمد | ۱۵۳ |
| الفتح | ۱۵۵ |
| الحجرات | ۱۵۶ |
| ق | ۱۵۷ |
| الذاريات | ۱۵۸ |
| الطور | ۱۵۹ |
| النجم | ۱۶۰ |
| القمر | ۱۶۰ |
| الرحمن | ۱۶۱ |
| الواقعه | ۱۶۳ |
| الحديد | ۱۶۴ |
| المجادله | ۱۶۵ |
| الحشر | ۱۶۶ |
| المتحنه | ۱۶۷ |
| الصف | ۱۶۸ |
| الجمعه | ۱۶۸ |
| المنافقون | ۱۶۹ |
| التغابن | ۱۶۹ |
| الطلاق | ۱۷۰ |
| التحريم | ۱۷۱ |
| الملك | ۱۷۱ |
| القلم | ۱۷۲ |

| | |
|----------|-----|
| الحاقه | ۱۷۳ |
| المعارج | ۱۷۴ |
| نوح | ۱۷۴ |
| الجن | ۱۷۵ |
| المزمل | ۱۷۵ |
| المدثر | ۱۷۶ |
| القيامة | ۱۷۷ |
| الإنسان | ۱۷۷ |
| المرسلات | ۱۷۸ |
| النبأ | ۱۷۸ |
| النازعات | ۱۷۹ |
| عبس | ۱۷۹ |
| التكوير | ۱۸۰ |
| الانفطار | ۱۸۰ |
| المطففين | ۱۸۰ |
| الانشقاق | ۱۸۱ |
| البروج | ۱۸۱ |
| الطارق | ۱۸۲ |
| الأعلى | ۱۸۲ |
| الغاشية | ۱۸۲ |
| الفجر | ۱۸۲ |
| البلد | ۱۸۳ |
| الشمس | ۱۸۳ |
| الليل | ۱۸۳ |

| | |
|----------|-----|
| الضحى | ۱۸۴ |
| الشرح | ۱۸۴ |
| التين | ۱۸۴ |
| العلق | ۱۸۴ |
| القدر | ۱۸۴ |
| البينة | ۱۸۴ |
| الزلزلة | ۱۸۵ |
| العاديات | ۱۸۵ |
| القارعة | ۱۸۵ |
| التكاثر | ۱۸۵ |
| العصر | ۱۸۵ |
| الهمزة | ۱۸۶ |
| الفيل | ۱۸۶ |
| قريش | ۱۸۶ |
| الماعون | ۱۸۶ |
| الكوثر | ۱۸۶ |
| الكافرون | ۱۸۶ |
| النصر | ۱۸۶ |
| المسد | ۱۸۷ |
| الإخلاص | ۱۸۷ |
| الفلق | ۱۸۷ |
| الناس | ۱۸۷ |

ترجمه قرآن کریم استاد معزی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران سرشناسه : معزی، محمد کاظم عنوان و نام پدیدآور : ترجمه های فارسی قرآن کریم/محمد کاظم معزی منشا مقاله : جمهوری اسلامی ، ۱۹ شهریور ۱۳۸۸ : ص ۶ توصیفگر : تفسیر قرآن توصیفگر : ترجمه

الفاتحه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سپاس خدایا پروردگار جهانیان (۲) بخشنده مهربان (۳) که فرمانروای روز رستاخیز است (۴) خدایا تو را پرستش کنیم و از تو یاری خواهیم (۵) ما را به راه راست هدایت فرما (۶) راه آنانکه برایشان روزی فرستادی نه راه غضب شدگان و نه راه گمگشتگان (۷)

البقره

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) [الم] (۲) این نامه که تردیدی در آن نیست راهنمای پرهیزکاران است (۳) که به نادیده ایمان آوردند و برپای دارند نماز را و از آنچه بدانان داده ایم ببخشند (۴) و آن کسانی که ایمان آوردند بدانچه بر تو و پیش از تو نازل شده است و به آخرت یقین دارند (۵) آنانند بر هدایتی از پروردگار خویش و آنانند رستگاران (۶) همانا گروه کفار یکسان است بر ایشان بترسانیشان یا ترسانیشان ایمان نیاورند (۷) مهر نهاد خدا بر دلهایشان و بر گوش ایشان و بر دیدگان ایشان است پرده ای و برای ایشان است شکنجه بزرگ (۸) و از مردمند گروهی که گویند ایمان آوردیم به خدا و به روز بازپسین حالی که نیستند مؤمنان (۹) نیرنگ با خدا و مؤمنان می بازند حالی که فریب نمی دهند جز خویشان را و در نمی یابند (۱۰) در دلهای آنان است مرضی و خدا بیفزودشان مرضی و ایشان را است عذابی دردناک بدانچه بودند دروغ می گفتند (۱۱) و اگر گفته شود بدیشان فساد نکنید در زمین گویند نیستیم ما جز اصلاح کنندگان (۱۲) همانا آنانند مفسدان و لیکن در نمی یابند (۱۳) و هرگاه گفته شود بدیشان ایمان آرید چنان که ایمان آوردند مردم گویند آیا ایمان آریم چنان که ایمان آوردند بی خردان همانا ایشانند بی خردان و لیکن نمی دانند (۱۴) و هرگاه ملاقات کنند مؤمنان را گویند ایمان آوردیم و چون خلوت کنند با شیاطین خود گویند همانا ما با شما نیستیم ما جز مسخره کنندگان (۱۵) خدا مسخره کند بدیشان و مهلتشان دهد در سرکشی خود فرو روند (۱۶) آنانند که خریدند گمراهی را به هدایت پس نه سودمند شد سوداگریشان و نبودند راه یافتگان (۱۷) مثل ایشان مثل آن است که افروخت آتشی تا گاهی که روشن کرد پیرامونش را ببرد خدا نور ایشان را و بگذاردشان در تاریکی هائی که نمی بینند (۱۸) کرانند گنگانند کورانند پس باز نمی گردند (۱۹) یا مانند بارانی از آسمان که در آن است تاریکی هائی و رعد و برقی می نهند انگشتان خویش را در گوشه اشان از صاعقه ها از ترس مرگ و خداوند فراگیرنده است به کافران (۲۰) نزدیک است برق بر باید دیدگان ایشان را هرگاه روشنائیشان دهد روان شوند در آن و گاهی که تاریکی افکند بر ایشان بایستند و اگر می خواست خدا می برد گوش و دیدگان ایشان را همانا خداوند است بر همه چیز توانا (۲۱) ای مردم پرستش کنید پروردگار خویش را آنکه بیافرید شما و پیشینیان را شاید که شما پرهیزکاری کنید (۲۲) آنکه گردانید برای شما زمین را فرش و بستری و آسمان را سازمانی و پوششی و فرو ریخت از آسمان آبی پس برون آورد بدان از میوه ها روزی برای شما پس قرار ندهید برای خدا همتایانی و خود می دانید (۲۳) و اگر در شکی هستید بدانچه فرستادیم بر بنده خود پس بیارید سوره ای همانند آن و بخوانید گواهان خویش را جز خدا اگر هستید راستگویان (۲۴) پس

اگر نکرديد و هرگز نمی کنید پس پرهیزید آتشی را که سوختش مردم است و سنگ آماده شده است برای کافران (۲۵) و مژده ده آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند که ایشان را است باغهایی که روان است از زیر آنها نهرها هرگاه روزیمنند شوند از آن میوه ای گویند این است همانکه روزیمنند بودیم از پیش و آورده شدندش همانند و ایشان را است در آن زنانی پاک شده و ایشانند در آن جاودانان (۲۶) همانا پروا ندارد خدا که مثلی زند پشه ای تا برتر از آن پس آنان که ایمان آوردند دانند آن را حقّ از نزد پروردگار خود و آنان که کفر ورزیدند گویند آیا خدا را غرض چه باشد از این مثل که گروهی را بدان گمراه و گروهی را بدان هدایت کند حالی که گمراه نمی کند بدان مگر فاسقان را (۲۷) آنان که بشکنند پیمان خدا را پس از بستنش و ببرند آنچه را که خدا دستور پیوندش داده و فساد کنند در زمین همانا آنانند زیانکاران (۲۸) چگونه کافر شوید به خدا با آنکه مردگانی بودید که زنده کرد شما را پس می میراند و سپس زنده کند شما را پس بسوی او بازگردانیده شوید (۲۹) اوست آن که آفرید برای شما هرچه در زمین است و سپس پرداخت به آسمان و آن را هفت آسمان ساخت و اوست به هر چیز دانا (۳۰) و هنگامی که گفت پروردگار تو به فرشتگان که خواهم قرار داد در زمین جانشینی گفتند آیا قرار دهی در زمین آن را که فساد جوید در آن و خون ریزد حالی که ما ستایش و سپاس تو گوئیم و تو را تقدیس کنیم گفت من می دانم آنچه را که نمی دانید (۳۱) و آموخت به آدم نامها را همگی سپس عرضشان کرد بر ملائکه و گفت خبر دهید مرا از نامهای اینان اگر هستید راستگویان (۳۲) گفتند منزّهی تو نیست ما را دانشی جز آنچه تو آموختی همانا توئی دانشمند حکیم (۳۳) گفت ای آدم آگهیشتان ده به نامهای آنان و گاهی که آگهیشتان داد به نامهای آنان گفت آیا نگفتم شما را که من می دانم غیب آسمانها و زمین را و می دانم آنچه را که فاش و پنهان سازید (۳۴) و هنگامی که گفتیم به فرشتگان سجده کنید به آدم پس سجده کردند همه جز ابلیس که سر پیچید و بزرگی طلبید و بود از گروه کافران (۳۵) و به آدم گفتیم که با همسر خویش در بهشت بیارام و بخورید از آن گوارا آنچه خواهید و نزدیک نشوید بدین درخت که می شوید از ستمگران (۳۶) پس بلغزاندشان شیطان و برون راندشان از آنچه بودند در آن و گفتیم فرود شوید گروهی از شما دشمن گروهی و شما را است در زمین آرامشگاه و بهره ای تا زمانی (۳۷) پس دریافت آدم از پروردگار خود سخنانی که توبه اش پذیرفت و همانا اوست بسی توبه پذیرنده مهربان (۳۸) گفتیم فرود شوید از آن همگی هرگاه شما را راهنمایی از جانب من آید پس آنانکه پیروی کنند راهنمایی مرا نه برایشان است ترسی و نه اندوهگین شوند (۳۹) و آنان که کفر ورزیدند و تکذیب آیتهای ما کردند ایشانند یاران آتش در آنند جاودانان (۴۰) ای بنی اسرائیل یاد آورید نعمتی را که به شما ارزانی فرمودم و وفا کنید به عهد من وفا کنم به عهد شما و مرا پس بترسید (۴۱) و ایمان آرید بدانچه فرستادم که مصدّق آنچه با شما است و نباشید نخستین کس که بدان کفر ورزد و نفروشد آیتهای مرا به بهائی کم و از من پس بترسید (۴۲) و پوشانید حقّ را به باطل و کتمان نکنید حقّ را و شما می دانید (۴۳) و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را و رکوع گزارید (نماز گزارید) با رکوع گزاران (۴۴) آیا مردم را به نیکی خوانید و خود را فراموش کنید حالی که می خوانید کتاب را آیا بخرد نمی یابید (۴۵) و کمک جوئید از صبر و نماز و همانا گران است آن جز بر فروتنان (۴۶) آنان که ملاقات پروردگار خویش را گمان دارند و آن که ایشانند بسوی او بازگشت کنندگان (۴۷) ای بنی اسرائیل یاد آرید نعمتم را که به شما ارزانی داشتم و آنکه برتری دادم شما را بر جهانیان (۴۸) و بترسید از روزی که انجام ندهد کسی برای کسی چیزی را و نه از کسی شفاعتی پذیرفته شود و نه بدلی از او قبول گردد و نه ایشان یاری شوند (۴۹) و زمانی که نجات دادیم شما را از آل فرعون که روا می داشتند بر شما شکنجه زشت را می کشتند به سختی پسران شما را و زنده می گذاشتند زنان شما را و در آنتان بود آزمایشی از پروردگار شما بزرگ (۵۰) و هنگامی که بشکافیم برای شما دریا را پس نجات دادیم شما را و غرق نمودیم آل فرعون را حالی که بودید نگران (۵۱) و هنگامی که میعاد نهادیم با موسی چهل شب سپس برگرفتید گوساله را از آن پس و بودید ستمگران (۵۲) پس بخشودیم بر شما پس از آن باشد که شما شکر گزارید (۵۳) و هنگامی که دادیم به موسی کتاب و فرقان را شاید رهبری شوید (۵۴) و هنگامی که گفت موسی به قوم خود ای قوم من همانا ستم بر خود کردید به گرفتن شما

گوساله را پس باز گردید به آفریدگار خود و بکشید نفوس خویش را آن بهتر است از برای شما نزد پروردگارتان پس پذیرفت توبه شما را که اوست توبه پذیرنده مهربان (۵۵) و هنگامی که گفتید ای موسی ایمان نیاریم به تو تا ببینیم خدا را آشکارا پس بگرفت شما را صاعقه حالی که بودید نگران (۵۶) سپس زنده کردیم شما را پس از مرگتان شاید که شما شکر گزارید (۵۷) و سایبان گردانیدیم بر شما ابر را و فرود آوردیم بر شما «مَن» و «سَیْلوی» را بخورید از پاکهای آنچه روزیتان دادیم و ستم نکردند ما را لیکن بودند نفوس خویش را ستم کنندگان (۵۸) و هنگامی که گفتیم در آئید این قریه را و بخورید از آن هر جا خواهید گوارا و در آئید در را سجده کنان و بگوئید کاهشی تا بیامرزیم از برای شما لغزشهای شما را و بزودی بیش دهیم به نیکوکاران (۵۹) پس تبدیل کردند ستمگران سخن را به غیر از آنچه به ایشان گفته شد پس فرستادیم بر ستم پیشه گان شکنجه ای را از آسمان بدانچه بودند نافرمانی کنندگان (۶۰) و هنگامی که آب خواست موسی برای قوم خود پس گفتیم بزن عصایت را به سنگ پس منفجر شد از آن دوازده چشمه که بشناخت هر گروهی آبشخور خود را بخورید و بنوشید از روزی خدا و نکوشید در زمین فساد کنندگان (۶۱) و هنگامی که گفتید ای موسی هرگز شکیا نشویم بر یک خوراک پس بخوان برای ما پروردگار خود را تا بیرون آرد برای ما از رستنی های زمین از سبزش و خیارش و سیرش و عدسش و پیازش گفت آیا تبدیل کنید آن را که پست تر است به بهتر به شهر در آئید (فرود آئید) که شما را است آنچه را خواستید و زده شد بر ایشان خواری و بینوائی و بازگشتند به خشمی از خدا این بدان شد که بودند کفر می ورزیدند به آیت های خدا و می کشتند پیمبران را به ناحق این بدان شد که نافرمانی کردند و بودند تجاوز کنندگان (۶۲) همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که جهود شدند و ترسایان و صائبان هر کس ایمان آرد به خدا و روز باز پسین و کردار نیک کند آنان را است پاداششان نزد پروردگارشان نه ترسی است بر ایشان و نه اندوهگین شوند (۶۳) و هنگامی که گرفتیم پیمان شما را و برافراشتیم بر فراز شما طور را بگیری آنچه را به شما دادیم به نیرومندی و یاد آرید آنچه را در آن است شاید پرهیزکاری کنید (۶۴) سپس پشت کردید پس از آن که اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش هر آینه می شدید از زیانکاران (۶۵) و همانا دانستید آنان را که تجاوز کردند از شما در روز شنبه که گفتیم ایشان را باشید بوزینه هایی سرافکندگان (۶۶) پس قرارش دادیم عبرتی برای پیش روی آن و پشت سر آن و اندرزی برای پرهیزکاران (۶۷) و هنگامی که گفت موسی به قوم خود که خدا فرمانتان دهد که بکشید گاوی گفتند ما را به مسخره گیری گفت پناه می برم به خدا که باشم از نادانان (۶۸) گفتند بخوان پروردگارت را بیان کند برای ما چیست آن گفت او گوید همانا آن گاوی است نه پیر و نه جوان میانه بین آن پس بکنید آنچه را مأمور می شوید (۶۹) گفتند بخوان پروردگار خود را بیان کند برای ما چیست رنگش گفت او گوید همانا آن گاوی است به سختی زردفام که رنگش سرور آورد برای بینندگان (۷۰) گفتند بخوان پروردگار خود را بیان کند برای ما چیست آن همانا گاو بر ما مشته شده است و همانا مائیم اگر خدا خواهد هدایت یافتگان (۷۱) گفت او گوید همانا آن گاوی است نه رام تا زمین را شیار کند و نه کشت را آب دهد تندرست است نیست لگه ای در آن گفتند اکنون حق را آوردی پس سربریدندش و نزدیک نبودند آن را کنندگان (۷۲) و هنگامی که کشتید تنی را پس بیزاری جستید در آن و خداست بیرون آورنده آنچه بودید نهان کنندگان (۷۳) پس گفتیم بزیدش با پاره ای از آن چنین زنده کند خدا مُردگان را و بنمایاند به شما آیت های خویش را شاید بخرد آئید (۷۴) سپس سخت شد دل های شما پس از آن که مانند سنگ است یا سنگین تر و همانا از سنگها است آنچه روان گردد از آن جوی ها و از آنها است آنچه بشکافد پس برون آید از آن آب و از آنها است آنچه فرود آید از ترس خدا و نیست خدا غافل از آنچه می کنید (۷۵) آیا طمع دارید که ایمان آرند به شما حالی که بودند گروهی از ایشان می شنیدند سخن خدا را پس دگرگونش می کردند از پس آنکه می یافتندش بخرد و ایشان می دانستند (۷۶) و هرگاه ملاقات کنند مؤمنان را گویند ایمان آوردیم و چون خلوت کند بعضی از ایشان با بعضی گویند آیا حدیث کنید ایشان را بدانچه بگشود است خدا بر شما تا بدان بستیزند با شما نزد پروردگارتان آیا بخرد نمی یابید (۷۷) آیا نمی دانند که خدا می داند آنچه را نهان می کنند و آنچه را آشکار می کنند (۷۸) و از ایشانند

گروهی اُمّی و مادرزاد که نمی‌دانند کتاب را جز آرزو و افسانه‌هایی و نیستند جز پندارندگان (۷۹) پس وای بر آنان که می‌نویسند کتاب را با دستهای خود و سپس گویند که آن از نزد خدا است تا بخرند بدان بهائی اندک را پس وای بر آنان از آنچه بنوشت دستهای ایشان و وای بر آنان از آنچه فراهم می‌کنند (۸۰) گفتند هرگز نرسد ما را آتش جز روزکی چند بگو آیا برگرفتید نزد خدا پیمانی که هرگز نشکند خدا پیمان خود را یا گوئید بر خدا آنچه را نمی‌دانید (۸۱) بلکه آن کس که بدی را فراهم کرد و فراگرفتش گناه او آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان (۸۲) و آنانکه ایمان آوردند و کردارهای نیک کردند آنانند یاران بهشت ایشانند در آن جاودانان (۸۳) و هنگامی که گرفتیم پیمان بنی اسرائیل را که پرستش نکنید جز خدا را و به والدین نیکی را و به نزدیکان و یتیمان و بینوایان و بگوئید با مردم گفتاری نیک و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را سپس پشت کردید جز کمی از شما حالی که بودید روی گردانان (۸۴) و هنگامی که گرفتیم پیمان شما را که نریزید خونهای خود را و بیرون نرانید همدیگر را از دیار خویش پس اقرار کردید حالی که بودید گواهان (۸۵) سپس اینک شمائید که می‌کشید همدیگر را و بیرون می‌رانید گروهی را از شما از خانه‌های ایشان پشتیبانی جوئید بر ایشان به گناه و ستم و اگر بیابند شما را اسیران فدیة از ایشان دهید حالی که حرام است بر شما برون راندن ایشان آیا ایمان آرید به بعض کتاب و کفر ورزید به بعضی پس چیست کیفر آنکه این کار را کند از شما جز خواری در زندگانی دنیا و روز قیامت برگردانیده شوند بسوی اشدّ عذاب و نیست خدا غافل از آنچه می‌کنید (۸۶) آنانند که خریدند زندگانی دنیا را به آخرت پس سبک نشود از ایشان عذاب و نه یاری شوند (۸۷) همانا دادیم به موسی کتاب را و در پی آوردیم پس از وی پیمبران را و دادیم عیسی بن مریم را بینات و مؤیدش داشتیم به روح القدس آیا هرگاه بیاید شما را پیمبری بدانچه نپسندد نفوستان سرکشی کردید پس گروهی را تکذیب کردید و گروهی را می‌کشتید (۸۸) و گفتند دل‌های ما نهان در پرده است بلکه لعنت کرد خدا ایشان را به کفرشان پس به کمی ایمان آرند (۸۹) هنگامی که پیامدشان کتابی از نزد خدا که مصدق بود آنچه را با ایشان است و بودند از پیش پیروزی می‌جستند بر آنان که کفر ورزیدند تا گاهی که پیامدشان بشناختند آنچه کافر شدند بدان پس لعنت خدا باد بر کافران (۹۰) چه زشت است آنچه بدان فروختند نفوس خود را که کفر ورزند بدانچه فرستاده است خدا به ستمگری که چرا می‌فرستد از فضلش بر هر که از بندگانش که خواهد پس جلب کردند بر خود غضبی را بر غضبی و کافران را است عذابی خوارکننده (۹۱) و هرگاه گفته شود بدانان ایمان آرید بدانچه خدا فرستاده است گویند ایمان آوریم بدانچه فرو شده است بر ما و کفر ورزند به ماورای آن حالی که آن است حقّ تصدیق‌کننده آنچه با ایشان است بگو پس چرا می‌کشتید پیمبران خدا را از پیش اگر هستید مؤمنان (۹۲) و همانا پیامد شما را موسی با بینات پس برگرفتید گوساله را پس از او حالی که بودید ستمگران (۹۳) و هنگامی که گرفتیم پیمان شما را و برافراشتیم بر فراز شما طور را بگیرد آنچه را به شما دادیم به نیرومندی و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و نوشانیده شدند در دل‌های خود گوساله را (دوستی گوساله با دلشان آمیخته شد) به کفرشان بگو چه زشت است آنچه فرمانتان دهد ایمانتان اگر هستید مؤمنان (۹۴) بگو اگر برای شما است خانه آخرت نزد خدا مختص شما جز مردم پس آرزوی مرگ کنید اگر هستید راستگویان (۹۵) و آرزو نکنندش هیچگاه بدانچه پیش آورده است دستهای ایشان و خدا عالم است به ظالمان (۹۶) و همانا یابیشان حریص‌ترین مردم بر زندگی و از مشرکانند آنان که دوست دارد هر کدام که عمر داده شود هزار سال و نیستش دورکننده از عذاب که سالمند باشد و خدا بینا است بدانچه می‌کنند (۹۷) بگو هر کس دشمن جبرئیل باشد همانا او فرود آوردش بر دلت با دستوری از خدا مصدق آنچه پیش روی آن است و هدایت و بشارتی از برای مؤمنان (۹۸) کسی که دشمن خدا و فرشتگان او و پیمبرانش و جبرئیل و میکائیل باشد همانا خداوند است دشمن کافران (۹۹) و همانا فرستادیم بسوی تو نشانی‌های تابناک و کفر نورزند بدانها جز فاسقان (۱۰۰) آیا هرگاه پیمانی بستند دور افکندش گروهی از ایشان بلکه بیشتر ایشان ایمان نیاورند (۱۰۱) و هنگامی که پیامدشان پیکری از نزد خدا تصدیق‌کننده آنچه با ایشان افکندند گروهی از آنان که داده شدند کتاب را کتاب خدا را پشت سر خود چنان که گوئی نمی‌دانند (۱۰۲) و پیروی کردند آنچه می‌خواندند شیاطین بر پادشاهی (کشور) سلیمان و

کافر نشد سلیمان و لکن شیاطین کافر شدند می آموختند به مردم جادو را و آنچه فرستاده شد بر دو فرشته در بابل هاروت و ماروت و نمی آموختند کسی را تا می گفتند جز این نیست که ما آزمایشیم زنهار کافر مشو پس می آموختند از آنان آنچه را جدائی بدان می افکندند میان مرد و زنش و زیان نمی رساندند بدان کس را جز با اذن خدا و یاد می گرفتند آنچه را زیانشان داشت و سودشان نمی رسانید و همانا دانسته بودند که هر کس آن را بخرد نیست او را بهره ای در آخرت چه زشت است آنچه فروختند بدان خویشان را اگر بودند می دانستند (۱۰۳) و اگر ایمان می آوردند و پرهیزکاری می کردند همانا ثوابی از نزد خدا بهتر است اگر بودند می دانستند (۱۰۴) ای مؤمنان نگوئید راعنا (رعایت کن ما را) و بگوئید انظرنا (منظور دار ما را) و بشنوید و کافران راست عذابی دردناک (۱۰۵) دوست ندارند آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و از مشرکان که فرود شود بر شما خیری از پروردگار شما و خدا مخصوص کند به رحمت خود هر که را خواهد و خدا است دارنده فضلی بزرگ (۱۰۶) آنچه براندازیم از آیتها یا از یاد بریمش بیاریم بهتر از آن یا مانند آن را آیا ندانی که خدا بر همه چیز تواناست (۱۰۷) آیا ندانی که خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و نیست شما را جز خدا دوست و نه یاور (۱۰۸) یا خواهید پرسید پیمبر خود را بدانسان که پرسیده شد موسی از پیش و آنکه تبدیل کند کفر را به ایمان همانا گم کرده است راه راست را (۱۰۹) دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که برگردانند شما را پس از ایمان شما کافران به رشکی از نزد خود از پس آنکه آشکار شد برای ایشان حق پس در گذرید و گذشت کنید تا بیارد خدا امر خویش را همانا خدا بر همه چیز است توانا (۱۱۰) و بپای دارید نماز را و بدهید زکات را و آنچه پیش فرستید برای خود از خوبی یابیدش نزد خدا همانا خدا است بدانچه می کنید بینا (۱۱۱) و گفتند به بهشت درنیايد جز آنکو جهود است یا ترسا این است آرزوهای ایشان بگو بیارید دستاویز خویش را اگر هستید راستگویان (۱۱۲) بلکه هر که رویش را به خدا آورد و نیکوکار باشد او را است پاداش او نزد خدا و نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین شوند (۱۱۳) و گفتند جهودان نیستند ترسایان بر چیزی و گفتند ترسایان نیستند جهودان بر چیزی و ایشان همی خوانند کتاب را بدینسان گفتند آنان که نمی دانند همانا گفتار ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف کنندگان (۱۱۴) و کیست ستمگرتر از آنکه بازداشت است مساجد خدا را از آنکه برده شود در آنها نامش و بکوشید است در ویرانی آنها آنان را نرسد که در آنها در آیند مگر هراسان ایشان را است در دنیا خواری و ایشان را است در آخرت عذابی بزرگ (۱۱۵) و از آن خدا است مشرق و مغرب به هر سو که روی آرید همانجا است روی خدا همانا خدا است گشایشمند دانا (۱۱۶) و گفتند برگرفت خدا فرزندی منزّه است او بلکه او را است آنچه در آسمانها است و زمین همگی برای اویند فروتنان (۱۱۷) پدید آرنده آسمانها و زمین و هرگاه بگذارند امری را جز این نیست که گویدش بشو پس بشود (۱۱۸) و گفتند آنان که نمی دانند چرا سخن نگوید با ما خدا یا نیاید ما را آیتی بدینسان گفتند آنان که پیش از ایشان بودند همانند گفتار ایشان مانده شده است دلهای آنان همانا بیان کردیم آیتها را برای گروهی که یقین دارند (۱۱۹) همانا فرستادیمت به حق بشارت دهنده و ترساننده و پرسیده نمی شوی تو از دوزخیان (۱۲۰) و هرگز راضی نشوند از تو جهودان و نه ترسایان تا پیروی کنی آنان را بگو همانا هدایت خدا است هدایت و اگر پیروی کنی هوسهای آنان را پس از آنچه بیامدت از دانش نباشدت از خدا دوست و نه یاور (۱۲۱) آنان که بدیشان دادیم کتاب را تلاوتش کنند حق تلاوت آن، آنان ایمان آرند بدان و کسی که کفر ورزد بدان همانا ایشانند زیانکاران (۱۲۲) ای بنی اسرائیل یاد آرید نعمت مرا که به شما دادم و آنکه برتری دادم شما را بر جهانیان (۱۲۳) و بترسید روزی را که کفایت نکند کسی از کسی چیزی را و نه پذیرفته شود از او بدلی و نه سود دهدش شفاعتی و نه یاری شوند (۱۲۴) و هنگامی که بیازمود ابراهیم را پروردگار او با کلماتی پس به انجام رسانید آنها را گفت همانا گرداننده توأم از برای مردم پیشوائی گفت و از نژاد من گفت نرسد عهد من به ستمگران (۱۲۵) و هنگامی که گردانیدیم خانه را بازگشتگاهی برای مردم و امنی برگزید از مقام ابراهیم نمازگاهی و سپردیم به ابراهیم و اسماعیل که پاک دارید خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع گزاران سجده کنان (۱۲۶) و هنگامی که گفت ابراهیم پروردگارا بگردان این را شهرستانی امن و روزی ده اهلش را از ثمرات آن که ایمان

آورده است از ایشان به خدا و روز بازپسین گفت و آن کس که کفر ورزیده است کامیابیش دهم اندکی و سپس کشانمش بسوی عذاب آتش و چه زشت است آن بازگشتگاه (۱۲۷) و هنگامی که برمیافراشت ابراهیم ستونهای خانه را و اسماعیل پروردگارا بپذیر از ما همانا توئی شنونده دانا (۱۲۸) بار پروردگارا بگردان ما را اسلام آرندگانی برای تو و از نژاد ما مردمی اسلام آورنده برای تو و بنمای به ما عبادتهای ما را و توبه کن بر ما که توئی توبه پذیرنده مهربان (۱۲۹) بار پروردگارا و برانگیز در ایشان پیمبری از ایشان که تلاوت کند بر ایشان آیتهای تو را و بیاموزدشان کتاب و حکمت را و پاکشان سازد که توئی عزتمند حکیم (۱۳۰) و کیست که روی بگرداند از آئین ابراهیم جز آن کس که تباه کرده است خویشتن را و همانا برگزیدیمش در دنیا و او است در آخرت از شایستگان (۱۳۱) هنگامی که بدو گفت پروردگارش اسلام آور گفت اسلام آوردم برای پروردگار جهانیان (۱۳۲) و وصیت کرد بدان ابراهیم فرزندان خویش را و یعقوب ای فرزندان من همانا برگزید خدا برای شما دین را پس نمیرید جز آنکه باشید مسلمانان (۱۳۳) یا بودید گواهان هنگامی که رسید یعقوب را مرگ گاهی که گفت به فرزندان خود چه را می پرستید پس از من گفتند می پرستیم خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحق را خداوندی یگانه و مائیم برای او اسلام آوردندگان (۱۳۴) این است ائمتی که گذشت وی را است دسترنج او و شما را است دسترنج شما و پرسش نشوید از آنچه بودند می کردند (۱۳۵) و گفتند جهود شوید یا ترسا تا هدایت یابید بگو بلکه ملت ابراهیم یکتاپرست و نبود از شرک ورزندگان (۱۳۶) بگوئید ایمان آوردیم به خدا و بدانچه فرستاده شد بسوی ما و بدانچه فرستاده شد بسوی ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و بدانچه داده شدند موسی و عیسی و آنچه آورده شدند پیمبران از پروردگارشان جدائی نیفکنیم میان هیچکدام از آنان و مائیم از برای او اسلام آوردندگان (۱۳۷) پس اگر ایمان آوردند به مثل آنچه بدان ایمان آوردید همانا هدایت یافتند و اگر روی گردانیدند جز این نیست که ایشانند در خلافتی بزودی کفایت کند شما را از ایشان خدا و او است شنوای دانا (۱۳۸) رنگ خدا و کیست نکوتر از خدا در رنگ و مائیم برای او پرستش گران (۱۳۹) بگو آیا در خدا با ما می ستیزید و او است پروردگار ما و شما و ما را است کردار ما و شما را است کردار شما و مائیم برای او اخلاص آوردندگان (۱۴۰) یا گوئید ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و سبطها بودند جهودان یا ترسایان بگو آیا شما داناترید یا خدا و کیست ستمگرتر از آنکه نهان کرده است گواهی را که نزد او است از خدا و نیست خدا غافل از آنچه می کنید (۱۴۱) این است ملّتی که گذشت ایشان را است دسترنجشان و شما را است دسترنج شما و پرسش نشوید از آنچه بودند می کردند (۱۴۲) بزودی گویند نابخردان از مردم که چه چیز بر گردانیدشان از قبله ای که بر آن بودند بگو از آن خدا است مشرق و مغرب هدایت کند هر که را خواهد به راه راست (۱۴۳) و بدینسان گردانیدیم شما را ائمتی میانه تا باشید گواهانی بر مردم و باشد پیمبر گواهی بر شما و نهادیم قبله ای را که بر آن بودی مگر تا بشناسیم آن را که پیروی کند پیمبر را از آنکه بر پاشنه پای خود برگردد و همانا گران است آن مگر بر آنان که هدایت کرده است خدا و نیست خدا تباه کننده ایمان شما همانا خداوند است به مردم رؤوف مهربان (۱۴۴) هر آینه دیدیم گردش (بی تابی) روی تو را بسوی آسمان همانا خواهیم گردانید تو را بسوی (یا ارزانی داشت به تو) قبله ای که راضی از آن باشی پس بگردان رویت را بسوی مسجد حرام و هر جا باشید بگردانید روی های خود را بسوی آن و آنان که داده شدند کتاب را هر آینه دانند که آن است حقّ از پروردگارشان و نیست خدا غافل از آنچه می کنند (۱۴۵) و اگر بیاری آنان را که کتاب را داده شدند هر آینه پیروی نکنند قبله تو را و نه توئی پیروی کننده قبله آنان و نه بعضی از ایشان است پیرو قبله بعضی و اگر پیروی کنی هوسهای آنان را پس از آنچه پیامده است تو را از دانش همانا باشی از ستمگران (۱۴۶) آنان که بدیشان دادیم کتاب را بشناسندش چنان که بشناسند فرزندان خویش را و همانا گروهی از ایشان فروپوشند حقّ را حالی که می دانند (۱۴۷) حقّ از پروردگار تو است پس نباش از شکّ کنندگان (۱۴۸) و هر کدام را وجهه ای (سوئی) است که بدان روی آورنده پس مسابقه کنید بسوی خیرات هر جا باشید بیارد شما را همگی خدا زیرا خدا است بر همه چیز توانا (۱۴۹) و هر گاه (یا هر جا) برون رفتی پس بگردان روی خود را بسوی مسجد حرام

و همانا آن است حقّ از پروردگار تو و نیست خدا غافل از آنچه می‌کنید (۱۵۰) و هرگاه (یا هر جا) برون رفتی پس بگردان روی خود بسوی مسجد حرام و هر جا باشید بگردانید روی‌های خود را بسوی آن تا نباشد مردم را بر شما دستاویزی مگر آنان که ستم کردند از ایشان پس نترسید از ایشان و مرا بترسید و تا تمام کنم نعمتم را بر شما و شاید هدایت یابید (۱۵۱) چنان که فرستادیم بر شما فرستاده‌ای از شما که می‌خواند بر شما آیت‌های ما را و پاکیزه می‌سازد شما را و می‌آموزد به شما کتاب و حکمت را و می‌آموزد شما را آنچه نبودید بدانید (۱۵۲) پس یاد کنید مرا یاد کنم شما را و سپاس گزارید برای من و به من کفر نورزید (۱۵۳) ای آنان که ایمان آوردید کمک جوئید از صبر و نماز همانا خداوند است با صبرکنندگان (۱۵۴) و نگوئید بدانان که کشته شدند در راه خدا مردگان بلکه زندگانند و لیکن در نمی‌یابید (۱۵۵) و هر آینه بی‌ازمائییم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی از مالها و جانها و میوه‌ها و مژده ده به صبرکنندگان (۱۵۶) آنان که هرگاه پیشامدی بدیشان رسد گویند ما از خدائیم و مائیم بسوی او بازگردندگان (۱۵۷) آنانند که بر ایشان است درودهایی از پروردگارشان و رحمتی و آنانند هدایت‌شدگان (۱۵۸) همانا صفا و مروه از شعارها (پرستشگاه‌ها)ی خدا است پس کسی که حجّ بیت کند یا عمره به جا آورد نیست بر او باکی که طواف کند بر آنها و کسی که خواستار نکوئی شود همانا خداست سپاسگزار دانا (۱۵۹) همانا آنان که کتمان می‌کنند آنچه را فرستادیم از نشانی‌ها و راهنمایی پس از آنکه بیانش کردیم برای مردم در کتاب آنان را لعن کند خدا و لعن کنند لعن‌کنندگان (۱۶۰) مگر آنان که بازگشتند و درستی کردند و بیان کردند که بر ایشان بازگشت کنم و منم بازگشت‌کننده مهربان (۱۶۱) همانا آنان که کفر ورزیدند و مُردند حالی که کافرنند بر ایشان است لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی (۱۶۲) جاودانان در آن نه کاسته شود از ایشان عذاب و نه مهلت داده شوند (۱۶۳) و خدای شما خداوند یکتا است نیست خدائی جز او بخشنده مهربان (۱۶۴) همانا در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز و کشتی که روان شود در دریا بدانچه سود دهد به مردم و آنچه فرو فرستاده است خدا از آسمان از آبی که زنده ساخته است بدان زمین را پس از مُردنش و پراکنده است در آن از هر جنبه‌ای و گردش بادهای و ابری که مسخر است میان آسمان و زمین همانا آیت‌هایی است برای قومی که بخرد یابند (۱۶۵) و از مردمند گروهی که بگیرند جز خدا همتایانی دوستشان دارند مانند دوستی خدا و آنان که ایمان آوردند سخت‌ترند در دوستی خدا و اگر می‌دیدند آنانکه ستم ورزیدند گاهی که بینند عذاب را آنکه نیرو از آن خدا است همگی و آنکه خدا است سخت شکنجه (۱۶۶) هنگامی که بیزاری جستند آنان که پیروی شدند از آنان که پیروی کردند و نگریستند عذاب را و گسیخته شد از ایشان رشته‌ها (۱۶۷) و گویند آنان که پیروی کردند کاش ما را بازگشتی می‌بود تا بیزاری می‌جستیم از ایشان بدانسان که بیزاری جستند از ما بدینگونه بنمایدشان خدا کردارهای ایشان را حسرت‌هایی بر ایشان و نیستند برون‌روندگان از آتش (۱۶۸) ای مردم بخورید از آنچه در زمین است حلال پاک و پیروی نکنید گامهای شیطان را که او شما را دشمنی است آشکار (۱۶۹) جز این نیست که شما را امر کند به بدی و فحشاء و اینکه گوئید بر خدا آنچه را نمی‌دانید (۱۷۰) و اگر گفته شود بدیشان پیروی کنید آنچه را خدا فرستاده گویند بلکه پیروی کنیم آنچه را یافتیم بر آن پدران خویش را و اگر چه باشند پدرانشان نه چیزی را تعقل کنند و نه هدایت یابند (۱۷۱) و مثل آنان که کفر ورزیدند مثل آن کس است که بانگ زند بر حیوانی که نمی‌شنود جز فراخواندن و بانگ‌زدن را کراند گنگانند کوراند که تعقل نمی‌کنند (۱۷۲) ای آنان که ایمان آوردید بخورید از پاکهای آنچه روزی دادیم به شما و سپاس گزارید برای خدا اگر هستید او را پرستش کنندگان (۱۷۳) جز این نیست حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را برده شده است بر آن نام جز خدا پس اگر کسی ناچار شود نه ستم کننده و نه تجاوزکننده نیست گناهی بر او همانا خداوند است آمرزنده مهربان (۱۷۴) همانا آنان که کتمان کنند آنچه را خدا فرستاده است از کتاب و بفروشدنش به بهائی کم آنان نمی‌خورند در شکمهای خویش جز آتش و نه سخن گوید با ایشان خدا روز قیامت و نه پاک سازدشان و ایشان را است عذابی دردناک (۱۷۵) آنانند که خریدند گمراهی را به هدایت و عذاب را به مغفرت شگفتا چه بردارند بر آتش (۱۷۶) این بدان است که فرستاد خدا کتاب را به حقّ و آنان که اختلاف

کردند در کتاب همانا ایشانند در ستیزشی دور (۱۷۷) نیکی آن نیست که گردانید روی‌های خود را بسوی مشرق و مغرب لیکن نکوکار آن است که ایمان آورده است به خدا و به روز بازپسین و فرشتگان و کتاب و پیمبران و داده است مال را با همه دوستی آن به نزدیکان و یتیمان و بینوایان و درماندگان و درپوزگان و در راه آزاد کردن بندگان و بیای داشته است نماز را و داده است آکو را و آنان که وفا به پیمان کنند هرگاه پیمان بندند و بردباران در پریشانی و رنجوری و هنگام ترس جنگ آنانند که راست گفته‌اند و آنانند پرهیزکاران (۱۷۸) ای گروه مؤمنان نوشته شده است بر شما قصاص (خونخواهی) در کشتگان آزاد به آزاد و بنده به بنده و زن به زن و آن کس که بخشیده شده است بدو از برادرش چیزی پس پیروی کردن خوبی و پرداختنی بدو به نکوئی این کاهشی است از پروردگار شما و رحمتی پس آنکه تعدی کند پس از این او را است عذابی دردناک (۱۷۹) و شما را است در قصاص (خون خواستن) زندگانی ای خردمندان شاید پرهیزکاری کنید (۱۸۰) نوشته شده است بر شما گاهی که برسد یکی از شما را مرگ اگر مالی باز گذاشته است وصیت برای والدین و نزدیکان بخوبی حقی است بر پرهیزکاران (۱۸۱) پس آنکو بگرداندش پس از شنیدنش همانا گناه آن بر آنان است که بگرداندش همانا خدا شنوای دانا است (۱۸۲) و کسی که بترسیده است از وصیت کننده ستم یا گناهی را پس اصلاح افکنده است میان ایشان پس نیست گناهی بر او همانا خدا است آمرزنده مهربان (۱۸۳) ای گروه مؤمنان نوشته شده است بر شما روزه بدانسان که نوشته شده است بر آنان که پیش از شما بودند شاید پرهیزکاری کنید (۱۸۴) روزکی چند و هر کس از شما بیمار یا در سفری باشد پس چند روز از روزهای دیگر و بر آنان که نتوانندش فدیة است خوراک بینوایی و آن کس که خواستار نکوئی شود بهتر است او را و روزه بگیرد بهتر است از برای شما اگر بدانید (۱۸۵) ماه رمضان که فرو شد در آن قرآن راهنمایی برای مردم و تابشهایی یا نشانی‌ها از هدایت و فرقان پس هر کس شهر باشد از شما در این ماه روزه بگیردش و آن کس که بیمار یا در سفری باشد چند روز از روزهای دیگر خدا بر شما آسانی خواهد و نخواهد برای شما سختی را و تا به انجام رسانید شما را و تا بزرگ شمرد خدا را بدانچه رهبریتان کرد و شاید شکر گزاری (۱۸۶) و هرگاه پرسندت بندگان من از من همانا منم نزدیک اجابت کنم دعای آنکه مرا خواند پس بپذیرند از من و ایمان آورند به من شاید رهبری شوند (۱۸۷) حلال شد برای شما شب روزه در آمیختن با زنان خود آنانند پوشاک شما و شمائید پوشاک آنان دانست خدا که بودید شما خیانت می‌ورزیدید با خویشتن پس توبه کرد بر شما و ببخشود بر شما اکنون در آمیزید با آنان و بخواید آنچه را خدا برای شما نوشت و بخورید و بنوشید تا پدیدار شود برای شما رشته سفید از رشته سیاه در بامدادگاه سپس به انجام رسانید روزه را تا شب و در نیامیزید با آنان حالی که معتکفید در مساجد این است حدود خدا زنهار بدانها نزدیک نشوید بدینسان بیان کند خدا آیت‌های خویش را برای مردم شاید پرهیزکاری کنند (۱۸۸) و نخورید مالهای خویش را میان خویش به بیهوده و نیفکنید آنها را بسوی فرمانداران تا بخورید پاره‌ای از اموال مردم را به گناه حالی که خود می‌دانید (۱۸۹) پرسندت از ماه‌های تو بگو آنها گاهنماهایی است برای مردم و حج و نیست نکوئی که در آئید به خانه‌ها از پشت آنها بلکه نکوکار آن است که پرهیزکاری کند و به خانه‌ها در آئید از درگاه‌های آنها و بترسید خدا را باشد رستگار شوید (۱۹۰) و پیکار کنید در راه خدا آنان را که پیکارتان کنند و تجاوز نکنید که خدا دوست ندارد تجاوزگران را (۱۹۱) و بکشیدشان هر جا که یابیدشان و برون کنیدشان بدانسان که برون کردندتان و آشوب و نیرنگ سخت‌تر است از کشتن و پیکارشان نکنید نزد مسجد حرام تا پیکارتان کنند در آن پس اگر کشتند شما را بکشید ایشان را چنین است کیفر کافران (۱۹۲) و اگر دست کشیدند همانا خداوند است آمرزنده مهربان (۱۹۳) و نبرد کنید با ایشان تا نماند آشوبی و بشود دین از آن خدا پس اگر دست برداشتند همانا نیست ستمی مگر بر ستمگران (۱۹۴) ماه ارجمند (یا حرام) به ماه ارجمند و ارجمندی‌ها (حرمتها) برابر است پس آن کس که تجاوز کند بر شما تجاوز کنید بر او برابر آنچه بر شما تجاوز کرده است و بترسید خدا را و بدانید که خدا است با پرهیزکاران (۱۹۵) و ببخشید در راه خدا و خود را با دست خود به پرتگاه نیفکنید و نکوئی کنید که خدا دوست دارد نکوکاران را (۱۹۶) به انجام رسانید حج و عمره را برای خدا و اگر بازداشته شدید پس آنچه فراهم شود از قربانی و نتراشید سرهای

خویش را تا برسد قربانی به جایگاه خود و آن کس از شما که بیمار یا به او آزاری از سرش باشد پس فدیهای از روزه یا صدقه یا قربانی تا گاهی که ایمن شدید پس هر کس متمتع شده است عمره را بسوی حج پس آنچه فراهم شود از قربانی و آنکس که نیابد پس روزه سه روز در حج و هفت روز گاهی که بازگردید اینک ده روز کامل این برای آن کس است که نیستند خاندان او نزدیک مسجد حرام و بترسید خدا را و بدانید که خداوند است سخت شکنجه (۱۹۷) حج ماههائی است دانسته پس آنکه حج در آنها کند نه آمیزش نه نافرمانی و نه ستیزه کردنی است در حج و آنچه خوبی کنید میدانندش خدا و توشه بگیرید که بهترین توشه‌ها تقوی است و بترسید مرا ای خردمندان (۱۹۸) نیست بر شما باکی که بخواهید فزونی از پروردگار خود سپس گاهی که کوچ کردید از عرفات پس یاد خدا کنید نزد مشعر حرام و یاد او کنید بدانسان که رهبری کرد شما را و اگر چه بودید پیش از آن همانا از گمراهان (۱۹۹) سپس کوچ کنید بدانسان که کوچ کردند مردم و استغفار کنید خدا را که خدا است آمرزنده مهربان (۲۰۰) و هنگامی که جای آوردید عبادات خویش را پس یاد کنید خدا را مانند یاد کردن پدران خویش یا سخت‌تر و از مردم است کسی که گوید پروردگارا بده ما را در دنیا و نیستش در آخرت بهره‌ای (۲۰۱) و از آنان است آنکه گوید پروردگارا بده ما را در دنیا نکوئی و در آخرت نکوئی و نگهدار ما را از عذاب آتش (۲۰۲) آنان را است بهره‌ای از آنچه فراهم کردند و خدا است شتابنده در حساب (۲۰۳) و یاد کنید خدا را روزهائی چند پس آن کس که بشتابد در دو روز نیست بر او گناهی و آن کس که دیر کند نیست بر او گناهی برای آن کس که پرهیز کرده است و بترسید خدا را و بدانید که بسوی او گرد آورده شوید (۲۰۴) و از مردم است آنکه شگفت آورد تو را سخنش در زندگانی دنیا و گواه گیرد خدا را بر آنچه در دل او است و او است سخت‌ترین دشمنان (۲۰۵) و هرگاه پشت کند بکوشد در زمین تا فساد کند در آن و نابود کند کشت و نژاد را و خدا را خوش نیاید فساد (۲۰۶) و هرگاه بدو گفته شود بترس از خدا بگیردش تکبر به گناه بس است وی را دوزخ و چه زشت است آرامشگاه (۲۰۷) و از مردم است آنکه بفروشد خود را در پی خوشنودی خدا و خداوند است مهربان به بندگان (۲۰۸) ای گروه مؤمنان اندر آئید به صلح همگی و پیروی نکنید گامهای شیطان را که او است برای شما دشمنی آشکار (۲۰۹) و اگر لغزیدید از پس آنکه بیامده است شما را نشانی‌ها پس بدانید که خدا است عزتمند حکیم (۲۱۰) آیا انتظار دارند جز آنکه بیایندشان خدا در سایانهائی از ابر و فرشتگان و بگذرد کار و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها (۲۱۱) پیرس بنی اسرائیل را چند آوردیمشان از آیتهای پدیدار و کسی که تبدیل کند نعمت خدا را پس از آنکه بیامدستش همانا خدا است سخت شکنجه (۲۱۲) آراسته شد برای کافران زندگانی دنیا و مسخره کنند به مؤمنان و آنان که پرهیزکاری کرده‌اند برتر از ایشانند روز قیامت و خدا روزی دهد هر که را که خواهد بی حساب (۲۱۳) بودند مردم یک امت پس برانگیخت خدا پیمبران را بشارت‌دهندگان و ترسانندگان و فرستاد با ایشان کتاب را به حق تا حکم کند میان مردم در آنچه اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر آنان که داده شدندش پس از رسیدن نشانی‌ها بدیشان به ستمی میان خویش پس هدایت کرد خدا مؤمنان را بدانچه اختلاف کردند در آن از حق به اذن خود و خدا هدایت کند هر که را خواهد به راه راست (۲۱۴) یا گمان کردید که به بهشت در آئید و هنوز نیامده است شما را نمونه آنان که پیش از شما بودند که بدیشان رسید پریشانی و رنجوری و بر خود لرزیدند تا گفت پیمبر و آنان که ایمان آورده و با او بودند چه وقت است یاری خدا همانا یاری خدا است نزدیک (۲۱۵) پرسندت چه را انفاق کنند بگو آنچه انفاق کنید از مال پس برای والدین و نزدیکان و یتیمان و بینویان و درماندگان راه است و آنچه نیکی کنید همانا خداوند است بدان دانا (۲۱۶) نوشته شد بر شما جنگ و آن ناپسند شما است و چه بسا ناخوش دارید چیزی را و آن است خوب برای شما و چه بسا دوست دارید چیزی را و آن است بد برای شما و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید (۲۱۷) پرسندت از ماه حرام جنگ کردن در آن بگو جنگ کردن در آن گران است و بازداشتن است از راه خدا و کفر است بدو و به مسجد حرام و برون راندن مردمش از آن بزرگتر است نزد خدا و فتنه بزرگتر است از کشتن و پیوسته همی جنگ کنند با شما تا باز گردانند شما را از کیشتان اگر بتوانند و کسی که باز گردد از کیش خود پس بمیرد حالی که او است کافر آنان

تباه شده است کردارشان در دنیا و آخرت و آنانند یاران آتش در آند جاودانان (۲۱۸) همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا امید دارند رحمت خدا را و خداست آمرزنده مهربان (۲۱۹) پرسندت از باده و قمار بگو در آنها است گناهی بزرگ و سودهائی برای مردم و گناه آنها بزرگتر است از سود آنها و پرسندت چه چیز انفاق کنند بگو گذشت یا فزونی را چنین بیان کند خدا برای شما آیات را شاید بیندیشید (۲۲۰) در دنیا و آخرت و پرسندت از یتیمان بگو کارسازی ایشان بهتر است و اگر با آنان اختلاط کنید پس برادران شمایند و خدا می شناسد تبهکار را از کارساز و اگر می خواست خدا به ستوه می آورد شما را و خداست عزّتمند حکیم (۲۲۱) و همسر نگیرید زنان مشرک را تا ایمان آرند و همانا یک کنیزک مؤمنه بهتر است از زنی مشرکه اگر چه شیفته سازد شما را و همسر نگیرید مردان مشرک را تا ایمان آرند و همانا بنده مؤمن بهتر است از مشرک و اگر چه شگفت آورد شما را آنان دعوت کنند بسوی آتش و خدا دعوت کند بسوی بهشت و آمرزش به فرمان او و بیان کند آیتهای خویش را برای مردم شاید یادآور شوند (۲۲۲) پرسندت از حیض (خون زنان) بگو آن آزاری است پس کناره گیرید زنان را در حیض و نزدیکی نکنید با ایشان تا پاک شوند سپس گاهی که پاک شدند نزدیکی کنید با ایشان بدانسان که خدا دستورتان داده است همانا خدا دوست دارد توبه کنندگان و دوست دارد پاکیزگی جوان را (۲۲۳) زنان شما کشتزار شمایند پس به کشتزار خویش در آئید هر جا خواهید و پیش فرستید برای خود و بترسید خدا را و بدانید شمائید ملاقات کننده او و بشارت ده به مؤمنان (۲۲۴) نگردانید خدا را آماج سوگندهای خویش که نکوکاری کنید و پرهیزکاری کنید و کارسازی کنید میان مردم و خدا است شنوای دانا (۲۲۵) نگیرد شما را خدا به یاهو گویی در سوگندهای شما و لیکن بگیردتان بدآنچه فراهم کرده است دلهای شما و خداست آمرزنده بردبار (۲۲۶) برای آنان که به سوگند از زنان خود کناره گیری کنند انتظار چهار ماه است پس اگر باز گشتند همانا خداست آمرزنده مهربان (۲۲۷) و اگر خواستار طلاق شدند همانا خداست شنوای دانا (۲۲۸) و زنان طلاق گرفته در انتظار نگه دارند خویشان را مدت سه پاک شدن و روا نیست آنان را که نهان دارند آنچه بیافریده است خدا در رحمهای ایشان اگر ایمان دارند به خدا و روز آخر شوهران ایشان سزاوارترند به بازگرداندنشان در آن اگر خواستار آشتی شدند و برای آن زنان است مثل آنچه بر آنان است به متعارف و مردان را است بر فراز ایشان پایه ای و خداست عزّتمند حکیم (۲۲۹) طلاق دو بار است پس نگه داشتنی به خوبی یا رها ساختنی با نیکی و روا نیست شما را که بازستانید از آنچه بدانان داده اید چیزی را مگر آنکه بترسند که بیای ندارند حدود خدا را و اگر ترسیدید که بیای ندارند حدود خدا را نیست باکی بر آنان در آنچه زن به فدیة دهد (کابین بخشد و جان آزاد سازد) این است حدود خدا پس تجاوز نکنید آنها را و هر که تجاوز کند حدود خدا را آنانند ستمکاران (۲۳۰) و اگر طلاقش داد پس وی را روا نیست از آن پس تا در آمیزد با شوهری جز او سپس اگر طلاقش داد نیست باکی بر آنان که بازگردند به همدیگر اگر پنداشتند که بیای می کنند حدود خدا را این است حدود خدا بیان سازدش برای قومی که می دانند (۲۳۱) و اگر طلاق دادید زنان را و رسیدند به سرآمد خویش پس نگه داریدشان بخوبی یا رهاشان کنید بخوبی و نگهداری نکنید آنان را به آزار تا ستم کنید و آنکه این کار را کند ستم کرده است خویشان را و نگیرید آیتهای خدا را به مسخره و یاد آرید نعمت خدا را بر شما و آنچه فرستاده است بر شما از کتاب و حکمت که اندرز دهد شما را بدان و بترسید خدا را و بدانید که خداست به هر چیزی دانا (۲۳۲) و هنگامی که طلاق دادید زنان را و رسیدند به سرآمدشان پس بازندارید آنان را از آنکه همسر شوند با شوهران خویش اگر تراضی کنند فی ما بین خویش به خوبی بدین اندرز داده شود آن کس از شما که ایمان دارد به خدا و روز بازپسین این پاکتر است برای شما و پاکیزه تر و خدا می داند و شما نمی دانید (۲۳۳) و مادران شیر دهند کودکان خویش را دو سال کامل برای کسی که بخواهد تمام کند شیر دادن را و بر مولودله (پدر کودک) است خوراک و پوشاک آنان به متعارف تکلیف نشود کسی جز به اندازه توانائیش آزار نشود مادر به کودک کش و نه مولودله (پدر) به فرزندش و بر وارث است مانند این پس اگر خواستند از شیر بازگرفتن را با تراضی و مشاورت هر دو باکی بر آنان نیست و اگر برای کودکان خود شیرده خواستید باکی بر شما نیست اگر بپردازید آنچه

را دهید بخوبی و بترسید خدا را و بدانید که خدا بدانچه می‌کنید بینا است (۲۳۴) و آنان که بمیرند از شما و بازمی‌گذارند زنانی در انتظار بگذارند آن زنان خویشتن را چهار ماه و ده روز تا گاهی که به سرآمد خود رسیدند باکی نیست بر شما در آنچه در باره خود کنند به نیکی و خدا بدانچه می‌کنید دانا است (۲۳۵) و نیست باکی بر شما در آنچه بدان اشارت کرده‌اید به خواستگاری زنان یا نهان داشته‌اید نزد خویشتن (در دل خویش) دانست خدا که خواهید سخن گفت با آنان و لیکن وعده ندهید ایشان را در خلوت (پنهانی) مگر آنکه بگوئید گفتاری متعارف و نبندید گره نکاح را (زناشویی را) تا برسد نامه به سر رسید خود و بدانید که خدا می‌داند آنچه را در دل‌های شما است پس بترسیدش و بدانید که خدا است آمرزنده بردبار (۲۳۶) نیست باکی بر شما اگر طلاق دهید زنان را مادامی که دست بدیشان نرسانیده یا چیزی برای ایشان معین نکرده باشید و بهره‌مندشان (برخوردارشان) کنید بر توانگر است به مقدار توانائیش و بر تنگدست است به اندازه قدرتش بهره به خوبی حقی است بر نکوکاران (۲۳۷) و اگر طلاقشان دادید پیش از آنکه دست بدانان رسانید حالی که فریضه‌ای برای آنان فرض کرده باشید (کابینی بسته باشید) پس نیمی از آنچه فرض کرده‌اید مگر آنکه ببخشند یا ببخشند آنکه به دست اوست گره زناشویی و ببخشید نزدیکتر است به تقوی و فراموش نکنید نکوکاری را میان خود همانا خدا بدانچه می‌کنید بینا است (۲۳۸) مواظبت کنید بر نمازها و نماز میانه و بیای ایستید برای خدا فروتنان (۲۳۹) و اگر ترسیدید پس پیادگان یا سواران تا گاهی که ایمن شدید یاد کنید خدا را بدانچه پیاموخت شما را آنچه نمی‌دانستید (۲۴۰) و آنان که می‌میرند از شما و باز می‌گذارند زنانی وصیتی است برای زنانشان بهره‌ای تا یک سال بی‌برون کردن پس اگر برون شدند نیست باکی بر شما در آنچه درباره خویش کرده‌اند به متعارف و خدا است عزّتمند حکیم (۲۴۱) و برای زنان طلاق گرفته است بهره به متعارف حقی است بر پرهیزکاران (۲۴۲) چنین بیان کند خدا آیت‌های خود را برای شما شاید تعقل کنید (۲۴۳) آیا ندیدی آنان را که برون شدند از کشور خود حالی که هزاران بودند از ترس مرگ پس بدیشان گفت خدا بمیرید سپس زنده کردشان همانا خدا است خداوند افزایش و بخشایش بر مردم و لیکن بیشتر مردم سپاس نمی‌گزارند (۲۴۴) و جنگ کنید در راه خدا و بدانید که خدا است شنوای دانا (۲۴۵) کیست آنکه وام دهد خدا را وامی نیکو تا بیافزایدش برای او چندین برابر و خدا تنگی و گشایش دهد و بسوی او بازگردانیده می‌شوید (۲۴۶) آیا ننگری بدان گروه از بنی اسرائیل پس از موسی هنگامی که گفتند به پیمبری که ایشان را بود برانگیز برای ما پادشاهی (فرماندهی) تا جنگ کنیم در راه خدا گفت آیا چنین نیستید که اگر جنگ بر شما نوشته شود نکنید گفتند چه شود ما را که پیکار نکنیم در راه خدا و برون رانده شدیم از خانمان و فرزندان خویش اما گاهی که نوشته شد بر ایشان جنگ پشت کردند جز کمی از ایشان و خدا دانا است به ستمگران (۲۴۷) و گفت بدیشان پیغمبرشان همانا خدا برانگیخت برای شما طالوت را پادشاهی گفتند چگونه وی را بر ما فرمانروائی باشد و ما سزاوارتریم از او به پادشاهی و داده نشده است گشایشی در مال گفت همانا خدا برگزیدش بر شما و بیفزودش عظمتی در دانش و پیکر و خدا دهد پادشاهی را به هر که خواهد و خدا است گشایشمند دانا (۲۴۸) و گفت بدیشان پیغمبرشان همانا نشانی پادشاهی او آن است که بیاید شما را تابوت در آن آرامشی از پروردگار شما و بازمانده‌ای از آنچه باز گذاردند خاندان موسی و هارون که حمل کنندش فرشتگان همانا در این است نشانی برای شما اگر هستید مؤمنان (۲۴۹) و هنگامی که سان داد و براند طالوت سپاه را گفت هر آینه خداوند است آزماینده شما به وسیله جویی تا هر کس بنوشد از آن نباشد از من و آن کس که نچشیدش از من باشد مگر آنکه با دست خویش کفی از آن برگیرد پس نوشیدند از آن جز کمی از ایشان سپس گاهی که بگذشت از آن او و آنان که ایمان آورده بودند با او گفتند نیست ما را نیرویی امروز برابر جالوت و لشکرش گفتند آنان که می‌پنداشتند که ایشانند ملاقات کننده خدا چه بسا گروهی کم پیروز شدند بر گروهی بسیار به اذن خدا و خدا است با شکیبایان (۲۵۰) و هنگامی که برابر شدند با جالوت و سپاهش گفتند پروردگارا بریز بر ما شکیبایی را و استوار ساز پاهای ما را و یاری کن ما را بر گروه کافران (۲۵۱) پس شکستشان دادند به اذن خدا و کشت داود جالوت را و داد خدا بدو پادشاهی و حکمت را و پیاموختش از آنچه می‌خواست و اگر نبود برکنار کردن خدا مردم را بعضی را با بعضی

هر آینه تباه می شد زمین و لیکن خدا دارای فضل است بر جهانیان (۲۵۲) این است آیت های خدا که می خوانیمش بر تو به حق و همانا توئی از فرستادگان (۲۵۳) اینک پیمبران برتری دادیم بعضیشان را بر بعضی از آنان است آنکه سخن گفت با او خدا و بالا برد بعضی را از ایشان پایه هائی و دادیم به عیسی ابن مریم نشانی ها را و مؤیدش داشتیم به روح القدس و اگر می خواست خدا هر آینه کارزار نمی کردند آنان که پس از ایشانند از پس آنچه بیامدشان نشانی ها و لکن اختلاف کردند پس بعضی از ایشان ایمان آوردند و بعضی کفر ورزیدند و اگر می خواست خدا کارزار نمی کردند و لیکن خدا می کند آنچه را بخواهد (۲۵۴) ای آنان که ایمان آوردید اتفاق کنید از آنچه شما را روزی دادیم پیش از آنکه بیاید روزی که نیست در آن سوداگری و نه دوستی و نه شفاعتی و کافرانند ستمگران (۲۵۵) خدا که نیست خداوندی جز او زنده پاینده نگیردش خمار و نه خوابی (یا بیداری و خوابی) او را است آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین کیست که شفاعت کند به نزدش جز با اذن او می داند آنچه را پیش روی ایشان و آنچه را پشت سر ایشان است و فرانگیرند به چیزی از دانش او جز بدانچه خواهد فرا گرفته است کرسیش آسمانها و زمین را و بر او گران نیاید نگهداری آنها و او است برتر بزرگوار (۲۵۶) نیست به ناخواه واداشتنی در دین همانا آشکار شد رهبری از گمراهی پس آنکه کفر ورزد به ستمگر و ایمان آورد به خدا همانا چنگ زده است به دست آویزی استوار که نیستش گسیختنی و خدا است شنوای دانا (۲۵۷) خدا دوست آنان است که ایمان آوردند برون آردشان از تاریکی ها بسوی روشنائی و آنان که کفر ورزیدند دوستانشان ستمگرانند که برون رانندشان از روشنائی بسوی تاریکی ها آنانند یاران آتش در آند جاودانان (۲۵۸) آیا ندیدی آن را که ستیزه کرد با ابراهیم درباره پروردگارش زیرا که خدا داده بودش پادشاهی را هنگامی که گفت ابراهیم پروردگار من آن است که زنده کند و بمیراند گفت من زنده کنم و بمیرانم ابراهیم گفت همانا خدا بیاورد خورشید را از خاور پس بیارش از باختر پس سراسیمه شد آنکه کفر ورزید و خدا هدایت نکند گروه ستمگران را (۲۵۹) یا مانند آنکه بگذشت بر شهری که فرو خوابیده بود بر ستونها (یا بر پوشهای) خود گفت کی (چگونه) خدا زنده کند این را پس از مردنش پس بمیرانیدش خدا صد سال سپس برانگیختش گفت چند مانده ای گفت مانده ام روزی یا پاره ای از روز گفت بلکه مانده ای صد سال پس بنگر به خوراک و نوشابه خویش که بویش نگشته و بنگر به درازگوش خود و تا بگردانیم آیتی برای مردم و بنگر به استخوانها چگونه پیوند کنیم سپس آنها را به گوشت پوشانیم پس هنگامی که آشکار شد برای او گفت می دانم که خدا به هر چیز است توانا (۲۶۰) و هنگامی که گفت ابراهیم پروردگارا بنمایانم چگونه زنده کنی مردگان را گفت مگر ایمان نیاوردی گفت بلی و لیکن تا آرام گیرد دلم گفت پس بر گیر چهار مرغ را و پاره گردان آنها را به نزد خود پس بگذار فراز هر کوهی از آنها پاره ای را پس فراخوانشان بیاندت به دویدن و بدان که خدا است عزتمند حکیم (۲۶۱) مثل آنان که بخشند مال خود را در راه خدا مانند دانه است که برویاند هفت خوشه در هر خوشه صد دانه و خدا چند برابر کند برای هر که خواهد و خدا است گشایمند دانا (۲۶۲) آنان که بخشند مال خود را در راه خدا و در پی نیارند آنچه را بخشیدند منی و نه آزاری ایشان را است پاداش ایشان نزد پروردگار خویش و نه ترسی بر ایشان است و نه اندوهگین شوند (۲۶۳) گفتاری نیک و آمرزش گنهی بهتر است از تصدقی که در پیش آزاری باشد و خدا است بی نیاز بردبار (۲۶۴) ای آنان که ایمان آوردید تباه نکنید تصدقهای خود را به منت و آزار مانند آنکه اتفاق کند مال خویش را برای ریای (خودنمائی) مردم و ایمان نیارد به خدا و روز جزا پس مثل او مانند سنگی است لغزان که بر آن باشد خاکی و رسیده باشدش بارانی سخت که باز گذاردش لغزنده قدرت ندارند بر چیزی از آنچه فراهم آوردند و خدا هدایت نکند گروه کافران را (۲۶۵) و مثل آنان که می بخشند مال خویش را در پیجویی رضای خدا و برای استوار ساختن نفوس خود مانند باغی است بر پشته ای که رسیده باشدش بارانی سخت پس داده باشد میوه خود را چهار برابر و اگر نرسیده باشدش بارانی درشت پس بارانی خرد و خدا بدانچه می کنید بینا است (۲۶۶) آیا دوست دارد یکی از شما که وی را باغی باشد از نخلستان و تاکستان روان باشد زیر آن جوی ها و برای او در آن از تمام میوه ها باشد و رسیده باشدش پیری و او را فرزندان بیاورند پس برسدش بادی که در آن باشد آتشی پس

بسوخته باشد چنین بیان کند خدا برای شما آیت‌های خویش را شاید اندیشه کنید (۲۶۷) ای گروه مؤمنان ببخشید از پاکیزه‌های آنچه فراهم کردید و از آنچه بیرون آوردیم از زمین و آهنگ پلید نکنید که از آن انفاق کنید و نیستید ستاننده آن جز با فروخواباندن چشم در آن و بدانید که خدا است بی‌نیاز ستوده (۲۶۸) شیطان به شما وعده فقر دهد و بفرماید تان به فحشاء و خدا نویدتان دهد به آمرزشی از خویش و فزونی و خداست گشایشمند دانا (۲۶۹) دهد حکمت را به هر که خواهد و آن کس که حکمت را داده شده است همانا داده شده است خیری بسیار و یادآور نشوند جز خردمندان (۲۷۰) و آنچه انفاق کرده‌اید از نفقه یا نذر کرده‌اید از نذر همانا می‌داندش خدا و نیست ستمگران را یاران (۲۷۱) اگر آشکارا دهید تصدقها را چه خوب و اگر پنهان دارید و به فقراء دهید بهتر باشد برای شما و جبران کند از گناهان شما و خدا بدانچه می‌کنید دانا است (۲۷۲) نیست بر تو هدایت ایشان و لیکن خدا هدایت کند آنکه را خواهد و آنچه انفاق کنید از مال برای خود شما است و انفاق نمی‌کنید جز در پیجویی روی خدا و آنچه انفاق کنید از مال داده می‌شود به شما و ستم کرده نمی‌شوید (۲۷۳) برای بینوایانی که در راه خدا دچار تنگی شدند نتوانند گشتن را در زمین از پی روزی پنداردشان نادان توانگرانی از عفت‌نمائی شناسایشان به چهره‌های ایشان دریوزگی نکنند از مردم به سماجت و آنچه انفاق کنید از مال همانا خداوند است بدان دانا (۲۷۴) آنان که انفاق کنند مال خود را در شب و روز پنهان و آشکارا ایشان را است پاداش ایشان نزد پروردگار خود و نه ترسی بر ایشان است و نه اندوهگین شوند (۲۷۵) آنان که ربا (سود) می‌خورند برنخیزند جز مانند برخاستن آن که آشفته سازدش شیطان به دیوانگی این بدان است که گفتند همانا سوداگری مانند مانند ربا است حالی که حلال کرد خدا سوداگری را و حرام کرده است سودخوری را و آن کس که بیایدش اندرزی از پروردگار او پس باز ایستد او را است آنچه بگذشت و کار او با خدا است و آن کس که باز گردد پس آنانند یاران آتش در آند جاودانان (۲۷۶) نابود کند خدا ربا را و برکت دهد به صدقات و خدا دوست ندارد هر ناسپاس تبهکاری را (۲۷۷) همانا آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و بپا کردند نماز را و دادند زکات را ایشان را است پاداششان نزد پروردگارشان نه ترسی بر ایشان است و نه اندوهگین شوند (۲۷۸) ای آنان که ایمان آوردید بترسید خدا را و رها کنید آنچه را به جای مانده است از ربا اگر هستید مؤمنان (۲۷۹) و اگر نکردید پس اعلام کنید جنگی را با خدا و پیمبرش و اگر توبه کردید شما را است سرمایه‌های شما نه ستم کنید و نه ستم کرده شوید (۲۸۰) و اگر تنگدست باشد پس مهلتی تا گشایش و تصدق کنید بهتر است شما را اگر بدانید (۲۸۱) و بترسید روزی را که باز گردانیده شوید در آن بسوی خدا پس داده شود به هر کس آنچه را فراهم کرده است و ستم نشوند (۲۸۲) ای آنان که ایمان آوردید هرگاه وام دهید یا گیرید تا سرآمدی نامبرده پس بنویسیدش و باید نویسد میان شما نویسنده‌ای به داد و نباید خودداری کند نویسنده‌ای از آنکه بنویسد بدانسان که خدا بیا موخته است او را پس بنویسد و املاء کند بر او آن کس که بر او است حق و بترسد خدا را پروردگار خویش و نگاهد از آن چیزی و اگر آن کس که بر او است حق کم خرد بود یا ناتوان یا نتوانست املاء کند پس املاء کند ولی او به داد و گواه گیرید دو گواه از مردان خویش را و اگر نبود دو مرد پس یک مرد و دو زن از آنان که پسند کنید از گواهان تا چون فراموش کند یکی به یاد آردش دیگری و خودداری نکنند گواهان هرگاه خوانده شدند و خسته نشوید از نوشتن آن خرد یا کلان تا سرآمدش این است داد گرانه‌تر نزد خدا و استوارتر برای گواهی و نزدیکتر بدانکه شک نیارید مگر آنکه باشد داد سندی جاری که می‌گردانیدش میان خویش که نیست باکی بر شما نوشتن آن و گواه گیرید گاهی که داد ستد کنید و آزار نشود نویسنده‌ای و نه گواهی و اگر بکنید همانا آن نافرمانی است از شما و بترسید خدا را و می‌آموزدتان خدا و خدا است به هر چیز دانا (۲۸۳) و اگر بر سفری باشید و نیابید نویسنده‌ای پس گروگانی به دست و اگر بسپرد یکی از شما به دیگری پس باید بپردازد آن کس که سپرده شده است سپرده خویش را و باید بترسد خدا را پروردگار خود و کتمان نکنید گواهی را و هر کس کتمان کند آن را همانا گنهکار است دلش و خدا بدانچه می‌کنید دانا است (۲۸۴) خدا را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اگر آشکار کنید آنچه را در دل‌های شما است یا پنهان داریدش حساب کند شما را بدان خدا پس بیامرزد هر که را خواهد و عذاب کند هر که را

خواهد و خدا بر هر چیزی توانا است (۲۸۵) ایمان آورده است پیمبر بدانچه فرستاده شده به سوی او از پروردگار خویش و مؤمنان هر کدام ایمان آوردند به خدا و فرشتگان او و کتابهای او و پیمبران او فرق نگذاریم بین احدی از پیمبرانش و گفتند شنیدیم و فرمان بردیم آمرزشی از تو پروردگارا و به سوی تو است بازگشت (۲۸۶) تکلیف نکند خدا کسی را جز به قدر طاقت او برای او است آنچه دست آورد اوست و بر او است آنچه دست آورده است پروردگارا مگیر بر ما اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم پروردگارا بار مکن ما را گرانی چنانکه بار کردی آن را بر آنان که پیش از ما بودند پروردگارا و نه تحمیل کن بر ما آنچه را بدان طاقتی نیست و ببخش بر ما و بیامرز ما را و رحم کن ما را تویی سرپرست ما پس یاری کن ما را بر گروه کافران (۲۸۷)

آل عمران

به نام خداوند بخشنده مهربان (۱) [الم] (۲) خدا که نیست خدائی جز او زنده پاینده (۳) فرستاده است بر تو نامه را به حقّ حالی که تصدیق کننده آنچه پیش روی آن است و فرستاده است تورات و انجیل را (۴) از پیش حالی که هدایتی است برای مردم و فرستاده است فرقان را همانا آنانکه کفر ورزیدند به آیتهای خدا ایشان را است شکنجه ای سخت و خدا است عزتمند انتقام جوی (۵) همانا خدا مخفی نیست بر او چیزی در زمین و نه در آسمان (۶) اوست که صورتگری کند شما را در رحمها هرگونه که خواهد نیست خدائی جز او عزتمند حکیم (۷) او است آنکه فرستاده است بر تو نامه را از آن است آیتهای استواری که آنها است مادر کتاب و بخش دیگر متشابها (ناهویدا) پس آنان که در دلهایشان کجی است پیروی کنند آنچه را متشابه است از آن برای فتنه جوئی و از پی تاویل آن حالی که نمی داند تاویل آن را جز خدا و فرورفتگان در علم گویند ایمان آوردیم بدان هر یک (همگی) از نزد پروردگار ما است و یادآور نشوند جز خردمندان (۸) پروردگارا ملغزان دلهای ما را پس از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی که تویی بسیار بخشنده (۹) پروردگارا همانا تویی گردآورنده مردم برای روزی که نیست در آن شکی همانا خدا خلف نکند وعده را (۱۰) آنان که کفر ورزیدند بی نیاز نکنندشان اموالشان و نه فرزندانشان از خدا به چیزی و ایشانند سوخت آتش (۱۱) همچون شیوه آل فرعون و آنان که پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیتهای ما را پس گرفت خدا ایشان را به گناهانشان و خدا است سخت شکنجه (۱۲) بگو بدانان که کفر ورزیدند به زودی سرکوب شوید و گرد آورده شوید به سوی دوزخ و چه زشت است آرامشگاه (۱۳) همانا شما را است آیتی در دو سپاه که تلاقی کردند سپاهی که نبرد می کرد در راه خدا و دیگری که کافر بود می دیدندشان دو برابر خویش به دیدن چشم و خدا است آنکه کمک کند به یاری خود هر که را خواهد همانا در این است پندی از برای خردمندان یا بینایان (۱۴) آراسته شد برای مردم دوستی شهوتها از زنان و فرزندان و پوستهای گاو آکنده از زر و سیم و اسبان داغدار و دامها و کشت این است بهره زندگانی دنیا و خدا است نزد او نکو بازگشتنگاه (۱۵) بگو آیا آگهیستان دهم به بهتر از این آنان را که پرهیزکارند نزد پروردگارشان باغهایی است روان زیر آنها جویها جاودانند در آنها و زنانی پاک شده و خوشنودیی از خدا و خدا به بندگان است بینا (۱۶) آنان که گویند پروردگارا ایمان آوردیم پس بیامرز برای ما گناهان ما را و نگه دار ما را از عذاب آتش (۱۷) آن شکیبایان و راستگویان و فروتنان و بخشاینده گان و استغفارکنندگان در سحرها (۱۸) گواهی داد خدا که نیست خدائی جز او و فرشتگان و دانشمندان قیام کننده به داد نیست خداوندی جز او عزتمند حکیم (۱۹) همانا دین نزد خدا اسلام است و اختلاف نکردند آنان که داده شدند کتاب را مگر پس از آنکه بیامدشان علم به ستمگری میان خویش و کسی که کفر ورزد به آیتهای خدا همانا خدا است شتابنده در حساب (۲۰) پس اگر با تو در ستیزند بگو روی آوردم به سوی خدا و آنکه مرا پیروی کرد و بگو بدانان که داده شدند کتاب را و امیون (مادرزادگان یا ناخوانایان) آیا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند همانا هدایت یافتند و اگر پشت کردند نیست بر تو جز رساندن و خدا به بندگان است بینا (۲۱) همانا آنان که کفر ورزند به آیتهای خدا و بکشند پیمبران را به ناحق و بکشند آنان را که امر کنند به دادگری از مردم پس آگهیستان ده به عذابی دردناک (۲۲) آنانند که تباه

شد کارهای ایشان در دنیا و آخرت و نیستشان یارانی (۲۳) آیا ندیدی آنان را که داده شدند بهره‌ای را از کتاب خوانده می‌شوند به کتاب خدا تا حکم کند میانشان پس پشت کنند گروهی از ایشان حالی که روگردانند (۲۴) این بدان است که گفتند نرسد ما را آتش جز روزکی چند و بفرفتشان در دینشان آنچه دروغ می‌بستند (۲۵) پس چگونه است هنگامی که گرد آوریمشان برای روزی که نیست شکی در آن و داده شود به هر کس هر آنچه دست آورده است و ستم نشوند (۲۶) بگو بار خدایا دارنده پادشاهی (فرمانروائی) دهی پادشاهی را به هر که خواهی و بستایش از هر که خواهی و عزیز گردانی هر که را خواهی و خوار کنی هر که را خواهی به دست تو است خیر همانا تویی بر همه چیز توانا (۲۷) فرو بری شب را در روز و فرو بری روز را در شب و برون آری زنده را از مرده و بیرون آوری مرده را از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بی‌شمار (۲۸) نگیرند مؤمنان کافران را دوستانی جز مؤمنان و آنکس که بکند این کار را نیست از خدا در چیزی مگر آنکه پرهیز کنید از ایشان پرهیزی و بیم دهد شما را خدا از خویشتن و به سوی خدا است بازگشت (۲۹) بگو اگر پنهان سازید آنچه را در سینه‌های شما است یا آشکار کنید بدانندش خدا و می‌داند آنچه را در آسمانها است و آنچه در زمین و خدا بر هر چیزی توانا است (۳۰) روزی که بیابد هر کس آنچه را کرده است از خوبی آماده و هر چه کرده است از بدی آرزو کند کاش میان او و میان آن مسافت دوری می‌بود و بیم دهد شما را خدا از خویش و خداوند است به بندگان مهربان (۳۱) بگو اگر دوستدار خدائید مرا پیروی کنید تا دوست دارد شما را خدا و بیامزد از گناهان شما و خدا است آمرزنده مهربان (۳۲) بگو فرمان برید خدا و رسول را پس اگر پشت کردند همانا خدا دوست ندارد کافران را (۳۳) همانا برگزید خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان (۳۴) نژادی که بعضیشان از بعضی است و خدا شنوای دانا است (۳۵) هنگامی که گفت زن عمران پروردگارا نذر کردم برای تو آنچه را در شکم دارم آزاد پس پذیر از من همانا تویی شنوای دانا (۳۶) و هنگامی که بنهادش گفت پروردگارا همانا بنهادمش مادینه و خدا داناتر است بدانچه بنهاد و نیست نرینه مانند مادینه و همانا نامیدش مریم و پناه دادمش به تو خود و فرزندان را از شیطان رانده شده (۳۷) پس پذیرفتش خدا پذیرفتنی نکو و رویانیدش روئیدنی نکو و کفیلش ساخت زکریا را هرگاه درآمدی بر او زکریا در محراب یافتی نزدش روزی گفتی ای مریم از کجا است تو را این گفتی آن از نزد خدا است همانا خداوند روزی دهد هر که را خواهد بی‌شمار (۳۸) اینجا خواند زکریا پروردگار خویش را گفت پروردگارا ببخش مرا از نزد خود نسلی پاکیزه که تویی همانا شنونده دعا (۳۹) پس بانگ زدندش فرشتگان و او ایستاده بود به نماز در پرستشگاه که خدایت مژده دهد به یحیی تصدیق کننده به کلمه‌ای از خدا و بزرگواری (مهتری) و خویشتن نگهدار و پیمبری از شایستگان (۴۰) گفت پروردگارا چگونه مرا پسری شود و رسیده است مرا پیری و زخم نازا است گفت بدینگونه خدا می‌کند هر چه را خواهد (۴۱) گفت پروردگارا قرار ده برای من آیتی گفت آیت تو آن است که سخن نگوئی با مردم سه روز جز به رمز و یاد کن پروردگار خویش را بسیار و سپاس گزار به شامگاهان و بامداد (۴۲) و هنگامی که گفتند فرشتگان ای مریم همانا خداوندت برگزید و پاک ساخت و اختیار کرد تو را بر زنان جهانیان (۴۳) ای مریم فروتن شو برای پروردگار خویش و سجود کن و رکوع کن با رکوع گزاران (۴۴) این از اخبار نهان است که وحی فرستیمش به سوی تو و نبودی نزد آنان گاهی که می‌افکندند قلمهای خویش را که کدامین کفیل شوند مریم را و نبودی نزد ایشان گاهی که ستیزه می‌کردند (۴۵) هنگامی که گفتند فرشتگان ای مریم همانا خدایت بشارت دهد به کلمه‌ای از خود نامش مسیح عیسی فرزند مریم آبرومندی در دنیا و آخرت و از مقربان (۴۶) و سخن گوید مردم را در گهواره و در پیری و از شایستگان (۴۷) گفت پروردگارا چگونه باشدم فرزندی و به من نزدیک نشده است بشری گفت بدینسان خدا بیافرد هر چه را خواهد چون بگذراند کاری را جز این نیست که گویدش بشو پس بشود (۴۸) و بیاموزدش کتاب و حکمت و تورات و انجیل را (۴۹) و فرستاده‌ای به سوی بنی‌اسرائیل که آوردم شما را آیتی از پروردگار شما که می‌آفرم برای شما از گل مانند پیکر پرنده و می‌دمم در آن پس می‌شود پرنده‌ای به اذن خدا و بهبودی دهم کور مادرزاد و پیس را و زنده کنم مردگان را به اذن خدا و آگهی دهم شما را از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌های خود نگه می‌دارید همانا در این است آیتی

برای شما اگر هستید مؤمنان (۵۰) و تصدیق کننده آنچه پیش روی من است از تورات و تا حلال کنم برای شما بعض آنچه حرام بوده است بر شما و آوردم شما را آیتی از پروردگار شما پس بترسید خدا را و مرا فرمان برید (۵۱) همانا خدا است پروردگار من و شما پس پرستیدش این است راهی راست (۵۲) و هنگامی که احساس کرد عیسی از ایشان کفر را گفت کیستند یاران من به سوی خدا گفتند حواریون مائیم یاران خدا ایمان آوردیم به خدا و گواه باش که مائیم مسلمانان (۵۳) پروردگارا ایمان آوردیم بدانچه فرستادی و پیروی کردیم پیمبر را پس بنویس ما را با گواهان (۵۴) و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا است بهترین مکر کنندگان (۵۵) هنگامی که گفت خدا ای عیسی همانا باز گیرنده ام تو را و بالا برنده ام تو را به سوی خود و پاک کننده ام تو را از آنان که کفر ورزیدند و گرداننده ام آنان را که پیرویت کردند برتر از آنان که کفر ورزیدند تا روز قیامت سپس به سوی من است باز گشت شما پس حکم کنم میان شما در آنچه بودید در آن اختلاف می کردید (۵۶) پس آنان که کفر ورزیدند عذابشان کنم عذابی سخت در دنیا و آخرت و نیستشان یارانی (۵۷) و اما آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند پس سراسر دهد بدیشان پاداششان را و خدا نیست دوستدار ستمگران (۵۸) این را همی خوانیمش بر تو از آیتها و یادداشت حکمت آمیز (استوار) (۵۹) همانا مثل عیسی نزد خدا مانند آدم است بیافریدش از خاک پس بدو گفت بشو پس شد (۶۰) حق از پروردگار تو است پس نباش از شک کنندگان (۶۱) پس هر که بستیزد با تو در آن از پس آنچه بیامده است تو را از دانش بگو بیائید بخوانیم فرزندان ما و فرزندان شما را و زنان ما و زنان شما را و ما خود و شما خویش را سپس نفرین کنیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغگویان (۶۲) همانا این است داستانهای حق و نیست خدائی جز خدا و همانا خدا است عزتمند حکیم (۶۳) پس اگر روی بر گردانیدند همانا خدا دانا است به تبهکاران (۶۴) بگو ای اهل کتاب بیائید به سوی سخنی یکسان میان ما و شما که نپرستیم جز خدا را و انباز وی نگردانیم چیزی را و نگیرد بعضی از ما بعضی را خدایانی جز خدا پس اگر پشت کردند بگوئید گواه باشید که مائیم مسلمانان (۶۵) ای اهل کتاب چرا ستیزه کنید در ابراهیم حالی که فرستاده نشده است تورات و انجیل مگر پس از او آیا تعقل نمی کنید (۶۶) اینک شما ستیزه کردید در آنچه شما را است علمی بدان پس چرا ستیزه کنید در آنچه نیستان علمی بدان و خدا می داند و شما نمی دانید (۶۷) نبود ابراهیم یهود و نه ترسائی و لیکن بود یکتاپرستی مسلمان و نبود از شرک ورزندگان (۶۸) همانا سزاوارترین مردم به ابراهیم آنانند که پیرویش کردند و این پیمبر و آنان که ایمان آوردند و خدا است سرپرست مؤمنان (۶۹) دوست داشتند گروهی از اهل کتاب کاش گمراه می کردند شما را و گمراه نکنند جز خویشان را و در نمی یابند (۷۰) ای اهل کتاب چرا کفر می ورزید به آیتهای خدا و شما خود گواهید (۷۱) ای اهل کتاب چگونه می پوشانید حق را به باطل و نهان می دارید حق را و خود می دانید (۷۲) و گفتند گروهی از اهل کتاب ایمان آرید بدانچه فرستاده شده است بر آنان که ایمان آوردند آغاز روز و کفر ورزید آخر آن شاید باز گردند (۷۳) و ایمان نیارید جز برای آنکو پیروی کرده است کیش شما را بگو همانا هدایت خدا است هدایت تا نبادا داده شود کسی مانند آنچه داده شدید یا بستیزند با شما نزد پروردگارتان بگو همانا فرونی به دست خدا است دهدش به هر که خواهد و خدا است گشایشمند دانا (۷۴) مخصوص گرداند به رحمت خود هر که را خواهد و خدا است دارنده فضلی بزرگ (۷۵) و از اهل کتاب است آنکه اگر بسپری بدو پوست گاوی آکنده از زر باز گرداندش به تو و از ایشان است آنکه اگر دیناری بدو سپری بازش نگرداند به تو مگر آنچه پیوسته بر آن ایستاده باشی این بدان است که گفتند نیست بر ما در اُمّین (مادرزادگان یا ناخوانایان) راهی و گویند بر خدا دروغ را و خود می دانند (۷۶) بلکه آن کس که وفا کند به عهد خود و بپرهیزد همانا خدا است دوستدار پرهیزکاران (۷۷) همانا آنان که بفروشدن پیمان خدا و سوگندهای خویش را به بهائی اندک آنان را نیست بهره ای در آخرت و سخن نگویند با ایشان خدا و ننگرد بدیشان روز قیامت و نه پاک سازدشان و برای ایشان است عذابی دردناک (۷۸) و همانا از ایشان است گروهی که گردانند زبانهای خویش را به کتاب تا پنداریدش از کتاب و نیست آن از کتاب و گویند آن از نزد خدا است و نیست آن از نزد خدا و گویند بر خدا دروغ را و خود می دانند (۷۹) نبوده است برای بشری که بدهدش خدا کتاب و حکم و پیمبری را

سپس به مردم گوید باشید بندگان من جز خدا و لیکن باشید خدایگان (یا دانشمندان دین یا پرورش دهندگان) بدانچه آموزید کتاب را و بدانچه درس فراگیرید (۸۰) و نفرماید شما را که برگزید فرشتگان و پیمبران را خدایانی آیا فرمان دهد شما را به کفر پس از آنکه هستید مسلمانان (۸۱) و هنگامی که برگرفت خدا پیمان پیمبران را که آنچه آوردم شما را از کتاب و حکمت پس آمد شما را فرستاده‌ای تصدیق کننده آنچه با شما است البته بدو ایمان آرید و البته یاریش کنید گفت آیا اقرار کردید و گرفتید بر این پیمان مرا گفتند اقرار کردیم گفت پس گواه باشید و منم با شما از گواهان (۸۲) و آن کس که روی گرداند پس از این آنانند نافرمانان (۸۳) پس آیا جز دین خدا را خواهند و برای او اسلام آورده است هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه و به سوی او بازگردانیده می شوند (۸۴) بگو ایمان آوردیم به خدا و آنچه بر ما فرود آمد و آنچه فرود آمد بر ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و آنچه داده شدند موسی و عیسی و پیمبران از پروردگارشان فرق نگذاریم میان هیچکدام از ایشان و مائیم برای او اسلام آرند گان (۸۵) و هر کس بخواهد جز اسلام دینی را هرگز پذیرفته نشود از او و او است در آخرت از زیانکاران (۸۶) چگونه هدایت کند خدا قومی را که کافر شدند پس از ایمانشان و گواهی دادند که پیغمبر است حق و پیامدشان نشانی‌ها و خدا نیست هدایت کننده گروه ستمکاران (۸۷) آنان را پاداش آن است که بر ایشان است لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی (۸۸) جاودانند در آن کاسته نشود از ایشان عذاب و نه مهلت داده شوند (۸۹) مگر آنان که توبه کردند پس از این و اصلاح کردند که خداوند است آمرزنده مهربان (۹۰) همانا آنان که کفر ورزیدند پس از ایمانشان سپس فزونی گرفتند در کفر هرگز پذیرفته نشود توبه ایشان و آنانند گمراهان (۹۱) همانا آنان که کفر ورزیدند و مُردند حالی که کافرند هرگز قبول نشود از یکی از ایشان سراسر زمین آکنده از زر و گرچه فدیة دهد آن را به جای خویش آنان را است عذابی دردناک و نیست برای ایشان یارانی (۹۲) هرگز به نیکی نرسید تا بدهید از آنچه دوست دارید و آنچه می‌دهید همانا خداوند است بدان دانا (۹۳) همه خوراکیها حلال بود برای بنی اسرائیل جز آنچه حرام کرد اسرائیل بر خویشان پیش از آنکه نازل شود تورات بگو بیارید تورات را پس بخوانیدش اگر هستید راستگویان (۹۴) پس آن کس که دروغ بندد بر خدا پس از این آنانند ستمکاران (۹۵) بگو راست گفته است خدا پس پیروی کنید ملت ابراهیم یکتاپرست را و نبوده است از شرک و رزان (۹۶) همانا نخست خانه که پیا شد برای مردم آن است که در مکه است فرخنده‌ای و هدایتی برای جهانیان (۹۷) در آن است آیت‌های تابناک مقام ابراهیم و کسی که در آیدش ایمن باشد و خدا را است بر مردم حج خانه آن کس که بتواند به سویی راهی و آن کس که کفر ورزد همانا خدا بی‌نیاز است از جهانیان (۹۸) بگو ای اهل کتاب چرا کفر می‌ورزید به آیت‌های خدا و خدا گواه است بر آنچه می‌کنید (۹۹) بگو ای اهل کتاب چرا باز می‌دارید از راه خدا آن را که ایمان آورده است خواهیدش کج و شما خود گواهد و نیست خدا غافل از آنچه می‌کنید (۱۰۰) ای گروه مؤمنان اگر فرمان برید گروهی را از آنان که داده شدستند کتاب را برمی گردانند شما را پس از ایمانتان کافران (۱۰۱) و چگونه کفر ورزید و بر شما خوانده می‌شود آیت‌های خدا و در میان شما است فرستاده او و آن کس که نگهداری از خدا خواهد همانا هدایت شده است به سوی راهی راست (۱۰۲) ای گروه مؤمنان بترسید خدا را حق ترسیدنش و نمیرید جز آنکه باشید مسلمانان (۱۰۳) و چنگ زنید به رشته خدا همگی و پراکنده نشوید و یاد آرید نعمت خدا را بر شما هنگامی که بودید دشمنان پس الفت افکند میان دلهای شما تا شدید به نعمت او برادران و بودید بر کنار گودالی از آتش پس رهانید شما را از آن چنین بیان کند خدا برای شما آیت‌های خویش را شاید هدایت یابید (۱۰۴) و باید باشد از شما گروهی که دعوت کنند به نیکی و امر کنند به خوبی و نهی کنند از بدی و آنانند رستگاران (۱۰۵) و نباشید مانند آنان که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آنکه پیامدشان نشانی‌ها و از برای آنان است عذابی سخت (۱۰۶) روزی که سفید شوند روی‌هایی و سیاه شوند روی‌هایی پس آنان که سیاه شده است روی‌های ایشان آیا کفر ورزیدید پس از ایمان خود پس بپشید عذاب را بدانچه بودید کفر می‌ورزیدید (۱۰۷) و اما آنان که سفید شده است روی‌های ایشان پس در رحمت خداوندند ایشانند در آن جاودانان (۱۰۸) این است آیت‌های خدا که خوانیمش بر تو به حق و نیست خدا خواهان ستمی بر جهانیان (۱۰۹) و برای خدا است

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و به سوی خدا بازگردانیده شوند امور (۱۱۰) بودید بهترین امتی که برون آورده شدید برای مردم امر می کنید به نیکی و نهی می کنید از زشتی و ایمان می آورید به خدا و اگر ایمان می آوردند اهل کتاب همانا بهتر بود ایشان را از ایشانند ایمان آرند گانی و بیشتر ایشانند نافرمانان (۱۱۱) هرگز به شما آسیبی نرسانند جز آزاری و اگر جنگ کنند با شما پشت به سوی شما کنند و سپس یاری نشوند (۱۱۲) زده شد بر ایشان خواری هر کجا یافت شوند مگر با رشته ای از خدا و رشته ای از مردم و گرفتار شدند به خشمی از خدا یا آوردند خشمی از خدا و افکنده شد بر ایشان پریشانی این بدان بود که کفر می ورزیدند به آیت های خدا و می کشتند پیمبران را به ناحق این بدان شد که عصیان ورزیدند و بودند تجاوز کنندگان (۱۱۳) نیستند یکسان از اهل کتابند گروهی ایستاده نماز گزار می خوانند آیت های خدا را اثار شب و ایشانند سجده کنندگان (۱۱۴) ایمان آورند به خدا و روز آخر و امر می کنند به معروف و نهی می کنند از منکر و بر همدیگر پیشی می گیرند در شتافتن به سوی خوبی ها و آنانند از شایستگان (۱۱۵) و آنچه کنند از نیکی ناسپاس نمانند بدان و خدا دانا است به پرهیزکاران (۱۱۶) همانا آنان که کفر ورزیدند بی نیازشان نکند اموالشان و نه اولادشان از خدا به چیزی و آنانند یاران آتش در آند جاودانان (۱۱۷) مثل آنچه انفاق کنند در این زندگانی دنیا مانند بادی است که در آن است سرمائی سخت وزیده باشد به کشتزار گروهی که خویشتن را ستم کردند پس نابودش ساخته باشد و خدا ستم بر آنان نکرد و لیکن بودند خویشتن را ستم کنندگان (۱۱۸) ای گروه مؤمنان نگیرید همدستانی جز از خویش اطرافیان از غیر از خویش انتخاب نکنید که در آشفتگی شما فرو گزار نکنند آنان دوست داشتند رنج شما را همانا کینه از دهانهای آنان هویدا است و آنچه نهان کند سینه های ایشان بزرگتر است همانا بیان کردیم آیتها را برای شما اگر تعقل کنید (۱۱۹) اینک شما دوست دارید ایشان را و دوست ندارند شما را و ایمان می آورید به کتاب همه آن و هرگاه ملاقات کنند شما را گویند ایمان آوردیم و هرگاه به خلوت روند سرانگشت خشم بر شما به دندان گزند بگو بمیرید به خشم خود همانا خدا دانا است بدانچه در سینه ها است (۱۲۰) اگر به شما خویی رسد ناخوش دارنش و اگر بدی به شما رسد شاد شوند بدان و اگر شکیا شوید و پرهیزکاری کنید آیان نرساند نیرنگ ایشان شما را به چیزی همانا خدا است بدانچه کنند فراگیرنده (۱۲۱) و هنگامی که بامداد کردی از نزد خاندان خویش برون شدی و مؤمنان را در مواضع خود جای می دادی برای جنگ و خدا است شنوای دانا (۱۲۲) هنگامی که آهنگ کردند دو گروه از شما که سست شوند و خدا است سرپرست آنان و بر خدا باید توکل کننده مؤمنان (۱۲۳) و همانا یاری کرد شما را خدا در بدر حالی که خوار بودید پس بترسید خدا را شاید شکر گزارید (۱۲۴) هنگامی که می گفتی به مؤمنان آیا بس نیست شما را که کمک فرستد شما را پروردگار شما به سه هزار فرشته فرود آوردگان (۱۲۵) بلکه اگر بردباری گزینید و پرهیزکاری کنید و بر شما در آیند به زودی هم اکنون کمک فرستد شما را پروردگار شما به پنج هزار تن از فرشتگان نشان دارندگان (۱۲۶) و نگردانید آن را خدا جز بشارتی برای شما و تا آرام گیرد دل های شما بدان حالی که نیست یاری پیروزی جز از نزد پروردگار عزتمند حکیم (۱۲۷) تا ببرد دنباله آنان را که کفر ورزیدند یا سرکوبشان سازد تا باز گردند زیانکاران (۱۲۸) نیست تو را از امر چیزی یا پذیرد توبه آنان را یا عذابشان کند آنانند ستمگران (۱۲۹) خدای را است آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین بیا مرزد هر که را خواهد و عذاب کند هر که را خواهد و خدا است آمرزنده مهربان (۱۳۰) ای آنان که ایمان آوردید نخورید ربا را سودهائی چند برابر و بترسید خدا را شاید رستگار شوید (۱۳۱) و بترسید آتشی را که آماده شده است برای کافران (۱۳۲) و فرمان برید خدا و رسول را شاید رحم شوید (۱۳۳) و بشتابید به سوی آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که فراخیش پهنای آسمانها و زمین است آماده است برای پرهیزکاران (۱۳۴) آنان که انفاق می کنند مال خود را هنگام گشایش و تنگدستی و خشم فروخورندگان و گذشت کنندگان از مردم و خدا دوست دارد نکوکاران را (۱۳۵) و آنان که هرگاه فحشائی کنند یا بر خود ستم کنند یاد خدا کنند و آمرزش گناهان خویش خواهند و کیست که بیا مرزد گناهان را جز خدا و اصرار نکنند بر آنچه کرده اند و خود می دانند (۱۳۶) آنان را پاداش آمرزشی است از پروردگارشان و باغهای که روان است زیر آنها جوی ها جاودانند در

آنها و چه نیکو است پاداش عمل کنندگان (۱۳۷) همانا بگذشت پیش از شما ملت‌هایی پس بگردید در زمین و بنگرید چگونه بود فرجام ناباوران تکذیب کنندگان (۱۳۸) این بیانی است برای مردم و راهنمایی و اندرزی برای پرهیزکاران (۱۳۹) سست نشوید و اندوهگین نباشید و شما برترید اگر هستید مؤمنان (۱۴۰) اگر شما را گزندى رسد همانا دشمن را رسیده است گزندى همانند آن و این روزگار می‌گردانیمش میان مردم و تا خدا بداند آنان را که ایمان آوردند و تا بگیرد از شما گواہانی و خدا دوست ندارد ستمگران را (۱۴۱) و تا پاک سازد خدا مؤمنان را و تباه گرداند کافران را (۱۴۲) یا پنداشته‌اید که به بهشت درمی‌آید و هنوز ندانسته است خدا آنان را که کوشیدند جهاد کردند از شما و نشناخته است بردباران را (۱۴۳) و همانا شما بودید که آرزوی مرگ می‌کردید پیش از آنکه بدان رسید اکنون دیدید آن را و شمائید نگران (۱۴۴) و نیست محمد «ص» مگر پیمبری که بگذشته است پیش از او پیمبرانی پس آیا اگر بمیرد یا کشته شود باز گردید بر پاشنه‌های خویش و آن کس که برگردد بر پاشنه‌های خود همانا آیان نرساند خدا را به چیزی و به زودی پاداش دهد خدا به شکر گزاران (۱۴۵) و نرسیده است کسی را که بمیرد مگر به اذن خدا نامه سرآمددار و هر کس خواهد پاداش دنیا دهیمش از آن و هر که پاداش آخرت خواهد دهیمش از آن و زود است پاداش دهیم به شکر گزاران (۱۴۶) و چه بسا پیمبری که همراهش کارزار کردند گروندگان بسیار پس نه سست شدند از آنچه بدیشان رسید در راه خدا و نه ناتوان شدند و نه سرافکندگی به خود گرفتند و خدا است دوست‌دار پایداری‌کنان (۱۴۷) و نبود سخن ایشان جز آنکه گفتند پروردگارا بیا مرز از برای ما گناهان ما و فزون رفتن ما را در کار خویش و استوار دار پای‌های ما را و یاری کن ما را بر گروه کافران (۱۴۸) پس بدیشان داد خدا اجر دنیا و پاداش نکوی آخرت را و خدا است دوستدار نکوکاران (۱۴۹) ای گروه مؤمنان اگر اطاعت کنید آنان را که کفر ورزیدند برگردانند شما را بر پاشنه‌های شما پس باز می‌گردید زیانکاران (۱۵۰) بلکه خدا است سرپرست شما و او است بهترین یاری‌کنندگان (۱۵۱) بزودی افکنیم در دلهای آنان که کفر ورزیدند هراس را بدانچه شریک گردانیدند با خدا آن را که فرو نفرستاده است بدان فرمانروائی و جایگاه ایشان آتش است و چه زشت است جایگاه ستمکاران (۱۵۲) و همانا راست آورد بر شما خدا وعده خویش را هنگامی که به سختی می‌کشتید آنان را به اذن او تا گاهی که از هم گسیختید و با هم ستیزه کردید در کار و نافرمانی کردید پس از آنکه بنمود به شما آنچه دوست می‌داشتید از شما گروهی خواهان دنیا بودند و گروهی خواهان آخرت سپس منصرف ساخت شما را از ایشان تا بیازمایدتان و هرآینه بخشود بر شما و خدا است دارنده فضلی بر مؤمنان (۱۵۳) هنگامی که بالا می‌رفتید و بر نمی‌گشتید به سوی کسی و پیمبر می‌خواند شما را از پشت سرتان پس رسانید به شما اندوهی بر اندوهی تا اندوهگین نشوید بر آنچه از شما فوت شده است و نه بدانچه به شما رسیده است و خدا دانا است بدانچه می‌کنید (۱۵۴) سپس فرود آورد بر شما پس از اندوه برای آرامش خماری را گنجی را که فرامی‌گرفت گروهی از شما را و گروهی دیگر را سرگرم داشته بود جانهای ایشان گمان می‌بردند به خدا ناروا را گمان جاهلیت می‌گفتند آیا ما را است از امر چیزی بگو همانا امر همه آن از آن خدا است نهان می‌داشتند در دلهای خود آنچه را آشکار نمی‌کردند برای تو می‌گفتند اگر ما را از امر چیزی می‌بود کشته نمی‌شدیم در اینجا بگو اگر می‌بودید در خانه‌های خویش همانا برون می‌آمدند آنان که نوشته شده بود بر ایشان کشته شدن به سوی آرامگاه‌های خود و تا بیازماید خدا آنچه را در سینه‌های شما است و تا پاک کند آنچه را در دلهای شما است و خدا دانا است بدانچه در سینه‌ها است (۱۵۵) همانا آنان که پشت کردند از شما روز تلاقی دو سپاه نلغزیندشان شیطان جز به پاره آنچه خود فراهم کردند و هرآینه بخشود خدا بر ایشان همانا خدا است آمرزنده بردبار (۱۵۶) ای گروه مؤمنان نباشید مانند آنان که کفر ورزیدند و گفتند به برادران خویش هنگامی که به سفر می‌رفتند یا به جنگ می‌شدند که اگر می‌ماندند نزد ما نمی‌مردند و نه کشته می‌شدند تا قرار دهد خدا آن را حسرتی در دلهای ایشان و خدا زنده می‌کند و می‌میراند و خدا بدانچه می‌کنید بینا است (۱۵۷) و اگر کشته شوید در راه خدا یا بمیرید همانا آمرزشی از خدا و رحمتی بهتر است از آنچه گرد می‌آورند (۱۵۸) و اگر بمیرید یا کشته شوید همانا به سوی خدا گرد آورده می‌شوید (۱۵۹) و هرآینه با مهری از خدا نرم گشته‌ای

برای ایشان و اگر تندخوئی سنگین دل می بودی همانا پراکنده می شدند از پیرامونت پس ببخش بر ایشان و آمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن با ایشان در کار سپس گاهی که آهنگ کردی پس توکل کن بر خدا که خدا است دوستدار توکل کنندگان (۱۶۰) اگر یاری کند شما را خدا نیست چیره شونده ای بر شما و اگر خوارتان دارد پس کیست که یاری کند شما را پس از او و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان (۱۶۱) و نرسد یا نبوده است پیمبری را که خیانت ورزد در بهره های جنگ و هر کس خیانت کند بیاید با آنچه خیانت کرده است روز قیامت سپس سر به سر پرداخته شود به هر کس آنچه را فراهم کرده است و آنان ستم نشوند (۱۶۲) آیا کسی که پیرو خوشنودی خدا است مانند کسی است که بیانگیزد خشم خدا را و جایش دوزخ است و چه بد بازگشتگاهی است (۱۶۳) آنانند بر پایه هائی نزد خدا و خدا بینا است بدانچه می کنند (۱۶۴) همانا منت نهاد خدا بر مؤمنان هنگامی که برانگیخت در ایشان فرستاده ای پیمبری از خود ایشان تا بخواند بر ایشان آیت های او را و پاک سازد ایشان را و بیاموزدشان کتاب و حکمت را و اگر چه بودند پیش از آن در گمراهی آشکار (۱۶۵) آیا چنین است که هرگاه برسد شما را پیش آمدی که شما رسانده باشید دوبرابر آن را گوئید از کجاست این بگو آن از نزد خود شما است همانا خدا بر همه چیز است توانا (۱۶۶) و آنچه به شما رسید روز تلاقی دو سپاه همانا به اذن خدا بود و تا بشناسد مؤمنان را (۱۶۷) و بشناسد آنان را که نفاق ورزیدند و چون بدیشان گفته شد که بیائید پیکار کنید در راه خدا یا دفاع کنید گفتند اگر پیکاری می دانستیم پیروی می کردیم شما را آنان به کفر نزدیکترند در آن روز از ایمان گویند با دهانهای خویش آنچه را نیست در دلهایشان و خدا دانایتر است بدانچه نهان می دارند (۱۶۸) آنان که گفتند به برادرانشان و بازنشستند که اگر فرمان ما را می بردند کشته نمی شدند بگو پس دور کنید از خویشتن مرگ را اگر هستید راستگویان (۱۶۹) و نپندارید آنان را که کشته شدند در راه خدا مردگان بلکه زندگانند نزد پروردگار خویش روزیمندان (۱۷۰) شادمانند بدانچه خدا از فضل خود بدیشان ارزانی داشته و به خود مژده دهند بدانان که هنوز بدیشان نیپوسته اند از پشت سر ایشان که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین شوند (۱۷۱) شادمانی کنند به نعمتی از خدا و فضلی و آنکه خدا تباه نمی کند پاداش مؤمنان را (۱۷۲) آنان که دعوت خدا و رسول را اجابت کردند از پس آنچه زخم بدیشان رسید برای آنان که نکوکاری و پرهیزکاری کردند از ایشان است پاداشی بزرگ (۱۷۳) آنان که گفتند بدیشان مردم که مردم بسیج کردند برای شما پس بترسیدشان پس بیفزود آنان را ایمان و گفتند بس است ما را خدا و چه خوب کارگزاری است (۱۷۴) پس باز گشتند به نعمتی از خدا و فضلی نرسیدشان گزند و پیروی کردند خوشنودی خدا را و خدا است دارای فضلی بزرگ (۱۷۵) نیست آن جز شیطان که می ترساند دوستان خویش را پس نترسید او را و مرا بترسید اگر هستید مؤمنان (۱۷۶) اندوهگینت نکنند آنان که می شتابند در کفر هرگز زیان نرسانند خدا را به چیزی خدا خواهد که نگذارد برای ایشان بهره ای در آخرت و برای ایشان است عذابی بزرگ (۱۷۷) همانا آنان که خریدند کفر را به ایمان زیان نرسانند خدا را به چیزی و ایشان را است عذابی دردناک (۱۷۸) و نپندارند آنان که کفر ورزیدند مهلت دادن ما را بدانان نکویی برای ایشان جز این نیست که مهلت دهیمشان تا بیفزایند در گناه و ایشان را است عذابی خوارکننده (۱۷۹) نیست خدا که باز گذارد مؤمنان را بر آنچه شما برآید تا جدا گرداند پلید را از پاکیزه (زشت از زیبا) و نبوده است خدا که آگاه سازد شما را بر ناپیدا و لکن خدا انتخاب می کند از فرستادگان خویش هر که را خواهد پس ایمان آرید به خدا و فرستادگانش و اگر ایمان آرید و پرهیزکاری کنید شما را هست پاداشی بزرگ (۱۸۰) و نپندارند آنان که بخل ورزیدند بدانچه خدا از فضل خویش بدیشان ارزانی داشته آن را بهتر برای ایشان بلکه آن بدتر است برای ایشان بزودی گردن بندشان شود آنچه خودداری از دادن آن کردند روز قیامت و خدا را است میراث آسمانها و زمین و خدا بدانچه می کنید دانا است (۱۸۱) همانا شنید خدا گفتار آنان را که گفتند خدا نیازمند است و ما بی نیاز بزودی بنویسیم آنچه را که گفتند و کشتار ایشان پیمبران را به ناحق و گوئیم بچشید عذاب سوزان را (۱۸۲) این بدان است که پیش فرستاد دستهای شما و نیست خدا ستم کننده بر بندگان (۱۸۳) آنان که گفتند همانا خدا با ما پیمان بسته است که ایمان نیاریم برای پیمبری تا بیاورد ما را به قربانی که بخوردش آتش بگو همانا آمد شما

را پیمبرانی پیش از من به نشانی‌ها و بدانچه گفتید پس چرا کشتید ایشان را اگر هستید راستگویان (۱۸۴) پس اگر باورت نداشتند همانا باور نداشتند فرستادگانی را پیش از تو که آمدند به نشانی‌ها و نوشته‌ها و نامه‌ای درخشان (۱۸۵) همه کس چشیده مرگ است و جز این نیست که به شما پرداخته شود مزدهای شما روز قیامت پس کسی که برکنار شد از آتش و برده شد به بهشت همانا رستگار شد و نیست زندگانی دنیا جز کالای فریب (سرگرمی) (۱۸۶) همانا خواهید آزموده شد در مالها و جانهای خویش و خواهید شنید از آنان که داده شدند کتاب را پیش از شما و از شرک‌ورزان آزار فراوانی و اگر شکبیا شوید و پرهیزکاری کنید همانا آن است از عزیمت کارها (۱۸۷) و هنگامی که گرفت خدا پیمان آنان که داده شدند کتاب را که بیان کنندش برای مردم و کتمان‌ش نکنند پس افکندند آن را پشت سر خویش و فروختندش به بهائی کم و چه بد است آنچه بها ستانند (یا فروشند) (۱۸۸) مپندار آنان را که شاد شوند بدانچه آوردند و دوست دارند که ستوده شوند بدانچه نکردند مپندار ایشان را بر رستگاری از عذاب و آنان را است عذابی دردناک (۱۸۹) و خدا را است فرمانروائی آسمانها و زمین و خدا بر هر چیز توانا است (۱۹۰) همانا در آفرینش آسمانها و زمین و گردش شب و روز نشانی‌هایی است برای خردمندان (۱۹۱) آنان که یاد خدا کنند ایستادگان و نشستگان و بر پهلوی‌های خویش و می‌اندیشند در آفرینش آسمانها و زمین پروردگارا نیافریدی این را به باطل (بیهوده) دور از تو (منزهی تو) نگهدار ما را از عذاب آتش (۱۹۲) پروردگارا هر که را در آتش بری همانا خوارش کرده‌ای و نیست ستمگران را یارانی (۱۹۳) پروردگارا همانا ما شنیدیم بانگ‌دهنده‌ای را که بانگ می‌داد برای ایمان که ایمان آرید به پروردگار خویش پس ایمان آوردیم پروردگارا پیامرزی برای ما گناهان ما را و بزداي از ما زشتی‌های ما را و دریاب ما را با نیکان (۱۹۴) پروردگارا و ارزانی دار به ما آنچه بر زبان فرستادگانت به ما نوید دادی و خوار مکن ما را روز قیامت که نیستی تو شکنده پیمان (۱۹۵) پس پذیرفت از ایشان پروردگارشان که تباه ننمایم کار هر عمل‌کننده‌ای را از شما مرد یا آن بعضیتان از بعضی پس آنان که هجرت کردند و برون (رانده شدند) از خانه‌های خویش و آزار شدند در راه من و جنگ کردند و کشته شدند همانا بژدایم از ایشان زشتی‌های ایشان را و در آرمشان باغهایی که روان است از زیر آنها جوی‌ها پاداشی از نزد خدا و خدا نزد او است پاداش نیکو (۱۹۶) فریفته‌ات نکند گردش آنان که کفر ورزیدند در شهرها (۱۹۷) بهره‌ای است اندک و سپس جایگاه ایشان دوزخ است و چه زشت آرامشگاهی است (۱۹۸) لیکن آنان که پروردگار خود را ترسیدند برای ایشان است باغهایی که جاری است از زیر آنها جوی‌ها جاودانان در آنها پیشکشی از نزد خدا و آنچه نزد خدا است بهتر است برای نیکان (۱۹۹) همانا از اهل کتاب است آنکه ایمان آورد به خدا و آنچه فرود آورده شد بر شما و آنچه فرود آورده شد بر ایشان فروتنی کنان برای خدا نفروشد آیت‌های خدا را به بهائی کم آنان را است پاداش ایشان نزد پروردگارشان همانا خدا است شتابنده در حساب (۲۰۰) ای آنان که ایمان آوردید بردبار باشید و شکبایی ورزید و خویش را آماده جنگ نگه دارید و بترسید خدا را شاید رستگار شوید (۲۰۱)

النساء

به نام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای مردم بترسید پروردگار خود را که آفریدتان از یک تن و آفرید از او جفتش را و گسترانید از آنان مردانی بسیار و زنانی و بترسید خداوندی را که از او پرسش شوید و رحمها همانا خداوند است بر شما نگهبان (۲) پیردازید به یتیمان اموال ایشان را و زشت را به جای زیبا ندهید و نخورید اموال آنان را با اموال خویش که آن است همانا گناهی بزرگ (۳) و اگر بترسید که دادگری نکنید در یتیمان پس کابین بندید بر آنچه خوش آید شما را (یا پاک باشد برای شما) از زنان دو تا و سه تا و چهار تا و اگر ترسیدید که دادگری نکنید پس یکی را یا آنچه ملک یمین شما باشد این است نزدیکتر بدانکه ستم نکنید (یا کجروی نکنید) (۴) و دهید به زنان تصدّقه‌های (کابینه‌های) آنان را بخششی و اگر به دلخواه خویش گذشتند از چیزی از آن برای شما پس بخوریدش گوارا نوش باد (۵) و ندهید به کم‌خردان اموالتان را که آن را خدا پایداری شما گردانیده است و لیکن خوراک و

پوشاک دهیدشان از آن و بگوئید بدیشان گفتاری نیک(۶) و بیازمائید یتیمان را تا گاهی که به زناشوئی رسیدند پس اگر یافتید از ایشان خردمندی پس پردازید بدیشان اموال ایشان را و نخورید آنها را به اسراف (به بیهوده و گزاف در هزینه) و پیشی جستن که نبادا بزرگ شوند و آن که بی نیاز است خودداری کند و آن که نیازمند است باید بخورد به متعارف و هرگاه دادید بدیشان اموالشان را پس گواه گیرید بر ایشان و بس است خدا حسابداری(۷) مردان را است بهره‌ای از آنچه باز گذاردند پدر و مادر و نزدیکان و زنان را است بهره‌ای از آنچه باز گذاردند پدر و مادر و نزدیکان از کم یا بیش آن بهره‌ای بایسته و مشخص(۸) و اگر حاضر شدند قسمت را نزدیکان و یتیمان و بینوایان پس بخورائیدشان از آن و بگوئید بدیشان گفتاری نیکو(۹) و باید بترسند آنان که اگر باز گذارند پس از خود فرزندان ناتوانی می ترسند بر ایشان پس بترسند خدا را و بگویند سخنی استوار(۱۰) همانا آنان که می خورند اموال یتیمان را به ستم جز این نیست که می خورند در شکمهای خویش آتش را و بزودی در آیند در آتش افروخته(۱۱) دستور دهد شما را خدا در باره فرزندان شما که برای نرینه است مانند بهره دو مادینه پس اگر زنانی باشند بیش از دو تن برای ایشان است دو ثلث آنچه باز گذارده و اگر یک آن باشد پس برای او است نیم و برای پدر و مادرش هر کدام از آنان است شش یک از آنچه باز گذارده اگر وی را فرزندی باشد و اگر وی را فرزندی نباشد و ارث برد از او پدر و مادرش پس برای مادرش سه یک است و اگر وی را برادرانی باشند پس مادرش را شش یک است پس از وصیتی که کرده باشد یا وامی پدران شما و فرزندان شما ندانید کدامین نزدیکترند به شما در سودمندی بایسته است از خدا همانا خداوند است دانای حکیم(۱۲) و شما را است نیمی از آنچه باز گذارند همسران شما اگر نباشد ایشان را فرزندی و اگر بود ایشان را فرزندی پس برای شما است چهار یک از آنچه باز گذارند پس از وصیتی که کرده باشند یا وامی و ایشان را است چهار یک از آنچه باز گذارید اگر نباشد شما را فرزند و اگر شما را فرزند باشد پس ایشان را است هشت یک از آنچه باز گذارید پس از وصیتی که کنید یا وامی و اگر مردی باشد که ارث برده شود به کلاله (برادران و خواهران) یا زنی باشد که وی را برادر یا خواهری باشد پس برای هر کدام است شش یک و اگر باشند بیشتر از این پس آنانند شریکانی در ثلث پس از وصیتی که کرده شود و یا وامی نازیان آورنده دستوری است از خدا و خدا است دانای پردبار(۱۳) این است مرزهای خدا و آن کس که اطاعت کند خدا و پیمبرش را در آردش به باغهایی که جاری است از زیر آنها جویها جاودانان در آن و این است کامیابی بزرگ(۱۴) و آن کس نافرمانی خدا و پیمبرش کند و بگذرد از مرزهای او فروبردش در آتشی جاودان ماند در آن و برای او است عذابی خوارکننده(۱۵) و آنان که فحشائی آرند از زنان شما پس گواه گیرید بر آنان چهار تن از خود شما پس اگر گواهی دادند نگهدارید ایشان را (بازداشت کنیدشان) در خانه‌ها تا برسندشان مرگ یا بگذارد خدا برای ایشان راهی(۱۶) و آن دو مرد از شما که فحشائی آرند آزارشان کنید پس اگر توبه کردند و به شایستگی آمدند بگذرید از ایشان همانا خدا است بسی توبه پذیرنده مهربان(۱۷) جز این نیست که بر خدا پذیرفتن توبه آنانی است که به نادانی کرداری زشت کنند و سپس بزودی توبه کنند آنانند که بپذیرد خدا توبه ایشان را و خدا است دانای حکیم(۱۸) و نیست توبه برای آنان که کردار زشت کنند تا گاهی که یکی از ایشان را مرگ فرارسد گوید توبه کردم اکنون و نه آنان که می میرند و ایشانند کافران آنان را آماده کردیم برای ایشان عذابی دردناک(۱۹) ای آنان که ایمان آوردید روا نیست شما را که ارث برید زنان را به ناخواه و بازشان ندارید از زناشوئی که ببرید پاره آنچه را بدیشان دادید مگر آنکه بیارند فحشائی آشکار و زندگانی کنید با ایشان به خوبی و اگر خوش نداشتید آنان را چو بسا چیزی را ناخوش دارید و قرار دهد خداوند در آن خیری بسیار(۲۰) و اگر خواستید بگزینید همسری به جای همسری گزینید و دادید یکی از ایشان را پوست گاوی آکنده از زر یا سیم نگیرید از او چیزی آیا می گیریدش به دروغ بستن و گناهی آشکار(۲۱) و چگونه می گیریدش و حالی که رسانده اند بعضی از شما به بعضی و گرفته اند از شما پیمانی سخت(۲۲) و همسر نگیرید آنان را که پدران شما همسر گرفتند از زنان مگر آنچه گذشته است که آن است فحشائی و خشمی و چه زشت راهی است(۲۳) حرام شده است بر شما مادران شما و دختران شما و خواهران شما و عمه‌های شما و خاله‌های

شما و دختران برادر و دختران خواهر و مادران شما آنان که شیرتان دادند و خواهران شما در شیر و مادران زنان شما و دخترانی که در دامن شما هستند از زنانی که همبستر شده‌اید با آنان پس اگر همبستر نشده باشید با آنان نیست باکی بر شما و همسران فرزندان شما آنان که از صلبهای (کمرهای) شما هستند و آنکه جمع کنید میان دو خواهر جز آنچه گذشته است همانا خداوند است آمرزنده مهربان (۲۴) و زنان شوهردار مگر آنچه از آن شما است به ملک یمین کتاب خدا است بر شما و حلال شد برای شما جز اینان که به مالهای خویش خواستگاری کنید حالی که شوهران باشید نه زناکاران پس هرچند کامیاب شدید از ایشان بدهید بدیشان مرزدهای ایشان را به واجب و نیست باکی بر شما در آنچه تراضی کنید بدان پس از واجب همانا خدا است دانای حکیم (۲۵) و آن کس که توانائی مالی ندارد از شما که کابین کند زنان آزاد با ایمان را پس از آنچه در ملک یمین شما است از کنیزکان با ایمان و خدا داناتر است به ایمان شما یک به یک (یا بعضی از شما از بعضی است) پس ازدواج کنید با آنان به اذن خانواده‌های آنان و بدیشان دهید مرزدهای ایشان را به خوبی حالی که خویشان نگهدارند گانند نه زناکاران و نه یارگیرندگان پس گاهی که شوی کردند اگر فحشائی آوردند بر ایشان است نصف آنچه بر زنان آزاد است از شکنجه این برای کسی است از شما که رنج عزوبت را ترسد و صبر کردن بهتر است برای شما و خدا است آمرزنده مهربان (۲۶) خدا خواهد بیان کند برای شما و هدایت کند شما را به راه‌های آنان که پیش از شما بودند و بگذرد از شما و خدا است دانای حکیم (۲۷) خدا خواهد که بپذیرد توبه شما را و خواهند آنان که پیروی شهوات کنند که منحرف شوید انحرافی بزرگ (۲۸) خدا خواهد سبک کند از شما و آفریده شده است انسان ناتوان (۲۹) ای آنان که ایمان آوردید نخورید اموال خویش را میان خویش به ناحق مگر آنکه داد و ستدی باشد بر تراضی شما و نکشید همدیگر را همانا خداوند است به شما مهربان (۳۰) و آن کس که این کار را کند به بیداد و ستم بزودی چشائیمش آتش را و آن است بر خدا آسان (۳۱) اگر دوری کنید از گرانه‌های آنچه نهی شوید از آن بستیم از شما گناهان شما را و در آریمتان جایگاهی ارجمند (۳۲) و آرزو نکنید آنچه را خداوند فرونی داد (برتری داده است) بدان بعضی از شما را بر بعضی مردان را است بهره‌ای از آنچه کسب کردند و زنان را است بهره‌ای از آنچه کسب کردند و بخواهید خدا را از فضلش همانا خدا است به همه چیز دانا (۳۳) و برای هر کدام قرار دادیم نزدیکی که ارث برند از آنچه به جای گذارند پدر مادر و خویشاوندان و آنان را که پیمان بسته است سوگندهای شما پس بدهید ایشان را بهره ایشان همانا خدا است بر همه چیز گواه (۳۴) مردان ایستادگانند (سرپرستند) بر زنان بدانچه برتری داد خدا بعضی از ایشان را بر بعضی و بدانچه داده‌اند از اموال خویش پس زنان شایسته فرمانبردارانند (فروتانند) خویشان نگهدارند گانند در نهان بدانچه خدا نگهداشته است و آنان را که بیم سرکشی‌شان دارید اندرز دهید و دوری گزینید از ایشان در بسترها و بزیندشان پس اگر فرمانبرداری کردند شما را نجوئید بر ایشان راهی همانا خداوند است برتر بزرگوار (۳۵) و اگر بیم داشتید خلافتی میان آنان (زن و شوهر) پس برانگیزید داوری از خاندان مرد و داوری از خاندان زن تا اگر ساز آوردنی خواهند بساز آورد خدا میان ایشان همانا خدا است دانای کارآگاه (۳۶) و پرستش کنید خدا را و همتا قرار ندهید برای او چیزی و با پدر و مادر نکوئی کنید و با نزدیکان و یتیمان و بینوایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و یار هم پهل و راهگذر نیازمند و آنکو شما را است به ملک یمین همانا خدا دوست ندارد آن را که او است گردنفر از خودخواه (خودستای) (۳۷) آنان که بخل ورزند و مردم را به بخل‌ورزی فرمان دهند و پنهان کنند آنچه را خدا بدیشان داده است از فضل خویش و آماده کردیم برای کافران عذابی خوارکننده (۳۸) و آنان که دهند اموال خود را برای خودنمائی به مردم و ایمان نیارند به خدا و روز بازپسین و آن کس که شیطان‌ش همنشین باشد چه زشت است همنشینی (۳۹) و چه چیز بر ایشان بود اگر ایمان می‌آوردند به خدا و روز بازپسین و می‌بخشیدند از آنچه روزی داده است ایشان را خدا و خدا بدیشان است دانا (۴۰) همانا خدا ستم نکند به سنگینی ذره‌ای و اگر کردار خوبی باشد دو برابرش کند و بیارد از نزد خویش پاداشی بزرگ (۴۱) پس چگونه است هنگامی که بیاریم از هر گروهی گواهی و بیاریم تو را بر اینان گواه (۴۲) در آن روز دوست دارند آنان که کفر ورزیدند و نافرمانی کردند پیمبر را کاش یکسان می‌شدند با زمین و نهان

نمی‌دارند از خدا داستانی را (۴۳) ای آنان که ایمان آوردید نزدیک نشوید به نماز حالی که مست هستید تا آنگاه که بدانید چه می‌گوئید و نه جنب مگر راهگذری تا آنگاه که غسل کنید و اگر بیمار باشید یا در سفری یا یکی از شما از آب ریز برون آید یا با زنان نزدیکی کنید و نیابید آبی پس آهنگ زمینی پاکیزه کنید و بمالید روی‌ها و دستهای خود را همانا خدا است بخشنده آمرزگار (۴۴) آیا ننگریستی بدانان که داده شدند بهره‌ای از کتاب را می‌خرند گمراهی را و خواهند که گم کنید راه را (۴۵) و خدا داناتر است به دشمنان شما و بس است خدا سرپرستی و بس است خدا یآوری (۴۶) از آنان که جهودند گروهی برمی‌گردانند سخنان را از جای‌هایش و گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنوان ناشنوائی را و رعایت کن ما را به گردانیدن زبانهای خویش و ستیزگی در دین و اگر آنان می‌گفتند شنیدیم و فرمان بردیم و بشنوان و مهلت ده ما را هرآینه بهتر بود ایشان را و درست‌تر لیکن دورشان کرد خدا به کفرشان پس ایمان نیارند جز اندکی (۴۷) ای آنان که داده شدید کتاب را ایمان آرید بدانچه فرستادیم تصدیق‌کننده آنچه با شما پیش از آنکه واژگون کنیم روی‌هائی را پس بازگردانیمشان به سوی پشت یا دور سازیم آنان را چنان که دور ساختیم یاران شنبه را و بوده است کار خدا شدنی (۴۸) همانا خدا نمی‌آمرزد که شرک بدو ورزیده شود و می‌آمرزد هر چه کمتر از آن باشد برای هر کس که خواهد و هر که شرک ورزد به خدا همانا دروغ بسته است گناهی بزرگ را (۴۹) آیا ندیدی آنان را که خویشان را ستایند (پاک شمرند) بلکه خدا ستوده دارد (پاک کند) هر که را خواهد و ستم نشوند به اندازه رشته‌ای که میان هسته خرما است (۵۰) بنگر چگونه بر خدا دروغ می‌بندند و بس است آن گناهی آشکار (۵۱) آیا نبینی آنان را که داده شدند بهره‌ای را از کتاب ایمان آرند به جبت و طاغوت و گویند بدانان که کفر ورزیدند که اینان رهبرنده‌ترند از آنان که ایمان آوردند راه را (۵۲) آنانند که دور کردشان خدا و کسی که دور سازدش خدا نیابی برای او یآوری را (۵۳) یا ایشان را است بهره‌ای از فرمانروائی که در آن هنگام ندهند به مردم پیشیزی را (۵۴) یا رشک برند مردم را بدانچه خدا از فضل خویش بدانان داده است همانا دادیم به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت را و دادیم بدیشان پادشاهی بزرگ را (۵۵) پس از ایشان است آنکه ایمان بدان آورده است از ایشان است آنکه بازداشته است از آن و بس است دوزخ آتشی سوزان (۵۶) همانا آنان که کفر ورزیدند به آیت‌های ما بزودی چشانیمشان آتشی که هرگاه پخته شود پوستهای ایشان جایگزین گردانیمشان پوستهای دیگری تا بجشند عذاب را همانا خداوند است عزتمند حکیم (۵۷) و آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند بزودی در آریمشان باغهایی که جاری است از زیر آنها جوی‌ها جاودانان در آنها همیشه برای ایشان است در آنها همسرانی پاکیزه و در آریمشان در سایه‌ای سایه افکن (۵۸) همانا خدا فرمانتان دهد که بازگردانید سپرده‌ها را به اهل آنها و اگر داوری کنید میان مردم آنکه داوری کنید به داد چه خوب است آنچه خدا اندرز دهد شما را بدان همانا خداوند است شنونده‌ای بینا (۵۹) ای آنان که ایمان آوردید فرمان برید خدا و رسول را و اولیاء امر (کارداران) را از شما و اگر در چیزی با هم ستیزه کردید به خدا و رسولش بازگردانید اگر هستید ایمان آورنده به خدا و روز آخر این بهتر است و نکوتر در فرجام (۶۰) آیا ندیدی آنان را که پندارند آنکه ایشان ایمان آورده‌اند بدانچه به سوی تو فرستاده شده است و آنچه پیش از تو فرستاده شده است خواهند داوری برند به سوی ستمگر حالی که امر شدند که کفر ورزند بدو و خواهد شیطان که گمراهشان سازد گمراهی دور (۶۱) و اگر گفته شود بدیشان که بیابید به سوی آنچه خدا فرستاده است و به سوی رسول بنگری منافقان را که بازمی‌دارند از تو بازداشتنی (۶۲) پس چگونه است که اگر پیش آمدی بدیشان رسد بدانچه دست‌هایشان پیش فرستاده است آیند نزد تو سوگند خورند که نخواستیم ما جز نکوکاری و کارساز آوردن را (۶۳) آنانند که خدا می‌داند آنچه در دل‌های ایشان است پس روی گردان از ایشان و اندرز ده ایشان را و بگو ایشان را به دل‌های ایشان گفتاری رسا (۶۴) و نفرستادیم پیمبری را مگر تا اطاعت شود به اذن خدا و اگر اینان گاهی که به خود ستم روا می‌داشتند می‌آمدند نزد تو و آمرزش می‌خواستند از خدا و آمرزش می‌خواست برای ایشان پیمبر همانا می‌یافتند خدا را بسی توبه‌پذیرنده مهربان (۶۵) نه چنین است به پروردگار تو سوگند ایمان نیارند به تو تا به داوری بگزیندت در آنچه سرزده است بینشان و سپس نیابند در دل‌های خویش چاره‌ای از آنچه تو قضاوت کرده‌ای و

تسلیم شوند تسلیم شدنی (۶۶) و اگر ما می‌نوشتیم بر ایشان که بکشید همدیگر را یا برون روید از شهرهای خود نمی‌کردندش جز کمی از ایشان و اگر می‌کردند آنچه را پند داده می‌شدند هرآینه برای آنان بهتر بود و سخت استوارتر (۶۷) و در آن هنگام می‌دادیمشان از نزد خویش مزدی بزرگ (۶۸) و رهبریشان می‌کردیم به راهی راست (۶۹) و آن کس که اطاعت کند خدا و پیمبر را همانا آنان با کسانیند که خدا نعمت بدیشان داده است از پیمبران و راستگویان و کشتگان راه خدا و شایستگان و چه نیکو رفیقانند (۷۰) این است فزونی از خدا و بس است خدا دانا (۷۱) ای آنان که ایمان آوردید برگیرید اسلحه خویش را پس کوچ کنید دسته دسته یا کوچ کنید با هم (۷۲) و همانا از شما است آنکه به سختی درنگ کاری کند پس اگر پیشامدی به شما رسد گوید خدا به من نعمت داد که نشدم با ایشان کشته (۷۳) و اگر فضلی از خدا به شما رسد بگوید چنان که تو گوئی هرگز بین تو و او دوستی نبوده کاش با شما بودم تا بهره‌مند می‌شدم به بهره‌ای بزرگ (۷۴) پس باید نبرد کند در راه خدا آنان را که می‌فروشدند زندگانی دنیا را به آخرت و کسی که پیکار کند در راه خدا پس کشته شود یا پیروز گردد بزودی دهیمش پاداشی گران (۷۵) و چیست شما را که پیکار نمی‌کنید در راه خدا و ناتوانان از مردان و زنان و کودکانی که گویند پروردگارا برون کن ما را از این شهری که ستمگرند مردمش و قرار ده برای ما از نزد خود سرپرستی و قرار ده برای ما از نزد خود یابوری (۷۶) آنان که ایمان آورده پیکار کنند در راه خدا و آنان که کفر ورزیده‌اند پیکار کنند در راه ستمگر پس پیکار کنید با یاران شیطان همانا نیرنگ شیطان است ناتوان (۷۷) آیا ننگریستی بدانان که بدیشان گفته شد بازدارید دستهای خود را و بپای دارید نماز را و بدهید زکات را تا گاهی که بر ایشان جنگ نوشته شد ناگهان گروهی از ایشان ترسند مردم را مانند ترسیدن خدا یا سخت‌تر و گفتند پروردگارا چرا جنگ بر ما نوشتی کاش ما را مهلت می‌دادی تا سرآمدی نزدیک بگو کامیابی دنیا است اندک و آخرت بهتر است برای آنکه پرهیزکاری کند و ستم بر شما نشود به مقدار تاری که در هسته خرما است (۷۸) هر جا باشید دریابد شما را مرگ و اگر چه در دژهای استوار باشید و اگر بدیشان رسد خوشی گویند این از نزد خدا است و اگر بدی بدیشان رسد گویند این از نزد تو است بگو همه از نزد خدا است پس چه شود این گروه را نزدیک نیستند دریابند سخنی را (۷۹) آنچه تو را از نکوئی رسد همانا از نزد خدا است و آنچه رسد از بدی از خویشتن است و فرستادیم تو را برای مردم پیغمبری و بس است خداوند گواه (۸۰) آن کس که اطاعت پیمبر کند خدا را اطاعت کرده است و آن کس که پشت کند همانا نفرستادیم بر ایشان نگهبان (۸۱) گویند اطاعت ولی گاهی که برون روند از نزد تو درون پروراند گروهی از ایشان غیر آنچه را که گویند و خدا می‌نویسد آنچه را نهان می‌دارند پس روی گردان از ایشان و توکل کن بر خدا و بس است خداوند وکیل (۸۲) آیا تدبّر (بررسی) نمی‌کنند قرآن را و اگر می‌بود از نزد غیر از خدا همانا می‌یافتند در آن اختلافی بسیار (۸۳) و هرگاه برسندشان امری درباره امتّیت یا ترس فاش کنندش و اگر بازمی‌گردانیدند آن را به سوی پیمبر و به سوی اولیاء امر (کارداران) خویش همانا می‌دانستندش آنان که استخراجش می‌کردند از ایشان و اگر نبود فضل خدا و رحمت او بر شما همانا پیروی می‌کردید شیطان را مگر کمی (۸۴) پس نبرد کن در راه خدا تکلیف نشود جز خودت و برانگیز مؤمنان را امید است خدا بازدارد نیروی آنان را که کفر ورزیدند و خدا است سخت نیروتر و سخت‌تر به شکنجه (۸۵) کسی که شفاعت نیکی کند او را است بهره‌ای از آن و کسی که شفاعت بدی کند او را است بهره‌ای از آن و خدا است بر همه چیز نگهبان (۸۶) و هرگاه به شما درود گفته شود درود گوئید به بهتر از آن یا همان را برگردانید همانا خداوند است بر همه چیز حسابگر (۸۷) خدا نیست خداوندی جز او گردآورنده شما است به روز قیامت نیست شکی در آن و کیست راستگوتر از خدا در سخن (۸۸) چیست شما را که درباره منافقین بر دو گروهید حالی که برگردانیدستشان بدانچه دست آوردند آیا خواهید هدایت کنید آن را که گمراه کرده است خدا و آن کس که گمراهش کند خدا نیایی برای او راهی (۸۹) دوست داشتند شما نیز مانند ایشان کافر شوید تا با هم همانند گردید پس نگیرید از ایشان دوستانی تا هجرت کنند در راه خدا و اگر روی گردانیدند بگیریدشان و بکشیدشان هر کجا بیابیدشان و نگیرید از ایشان دوست و نه یابوری (۹۰) مگر آنان که پیوندند با گروهی که میان شما و ایشان است پیمانی یا بیابند شما را حالی که تنگ آمده

باشد سینه‌های ایشان از آنکه نبرد کنند با شما یا نبرد کنند با قوم خود و اگر می‌خواست خدا همانا مسلط می‌ساختشان بر شما تا جنگ کنند با شما ولی اگر کناره‌گیری کردند از شما و نبرد نکردند با شما و دست صلح بسوی شما دراز کردند همانا قرار نداده است خدا برای شما بر ایشان راهی (۹۱) بزودی یابید دیگرانی را که خواهند ایمن باشند از شما و ایمن باشند از قوم خویش هرگاه خوانده شوند بسوی آشوبی بیفتند در آن پس اگر دور نشدند از شما و آشتی نکردند با شما و بازداشتند دستهای خود را پس بگیرید ایشان را و بکشیدشان هر کجا بیابیدشان و آنان را قرار دادیم برای شما بر ایشان فرمانروائی آشکار (۹۲) و نیست برای مؤمنی که بکشد مؤمنی را مگر به خطا و کسی که مؤمنی را به خطا بکشد بر او است آزاد کردن بنده مؤمنی و خونبهایی که پرداخت شود به خاندانش مگر آنکه تصدق کنند و اگر از گروهی باشند که دشمن شما هستند و او مؤمن باشد پس آزاد کردن بنده مؤمنی و اگر از گروهی باشد که میان شما و ایشان است پیمانی پس دیه‌ای پرداخت شده به خویشان او و آزاد ساختن بنده مؤمن و آن کس که ندارد پس روزه دو ماه پی در پی توبه است از نزد خدا و خدا است دانای حکیم (۹۳) و کسی که بکشد مؤمنی را دانسته و خواسته پس کیفرش دوزخ است جاودان در آن و خشم آورد خدا بر او و دورش کند و آماده کند برای او عذابی بزرگ (۹۴) ای آنان که ایمان آوردید هرگاه در راه خدا سفر کردید رسیدگی کنید و نگوئید بدان کس که از در زشتی با شما درآمده است نیستی مؤمن خواهید بهره زندگانی دنیا را و نزد خدا است خواسته‌های فراوان چنین بودید پیش از این پس منت نهاد خدا بر شما پس رسیدگی کنید که خداوند است بدانچه می‌کنید آگاه (۹۵) یکسان نیستند بازنشستگان از مؤمنان که از نه مرد رنج و آسینند با کوشش گران در راه خدا به مالها و جانهای خویش برتری داده است خدا کوشش کنندگان را به مالها و جانهای خود بر بازنشستگان از جنگ در پایه و هر کدام را نوید نکوئی داده است و فزونی داده است خدا رزم دهندگان را بر خانه‌نشینان به پاداشی گران (۹۶) پایه‌هایی از نزد خود و آرمزش و رحمتی و خداوند است آمرزنده مهربان (۹۷) همانا آنان که دریابندشان فرشتگان ستم کنندگان بر خویشان گویند در چه بودید گویند بودیم ناتوانانی در زمین گویند آیا نبود زمین خدا پهناور تا هجرت کنید در آن آنان جایگاهشان دوزخ است و چه بد بازگشتگاهی است (۹۸) مگر ناتوانان از مردان و زنان و کودکانی که نه چاره توانند و نه راه به جایی برند (۹۹) که اینان را امید است خدا درگذرد از ایشان و خدا است بخشنده آمرزگار (۱۰۰) و کسی که هجرت کند در راه خدا بیابد در زمین هجرتگاه‌هایی بسیار و گشایشی و کسی که برون آید از خانه خویش حالی که هجرت کننده است به سوی خدا و پیمبرش پس دریابدش مرگ همانا مزدش بر خدا افتاد و خدا است آمرزنده مهربان (۱۰۱) و هرگاه سفر کنید باکی نیست بر شما که کوتاه کنید نماز را اگر بترسید که بتازند بر شما آنان که کفر ورزیدند زیرا کافرانند برای شما دشمنی آشکار (۱۰۲) و اگر در میان ایشان بودی و پبای داشتی برای ایشان نماز را پس بایستد گروهی از ایشان با تو و برگیرند اسلحه خود را تا هرگاه به سجده روند باشند پشت سر شما و بیابند گروهی دیگر که نماز نگزارده‌اند پس نماز بگذارند با تو و بردارند با خود اسلحه و آمادگی خویش را دوست داشتند آنان که کفر ورزیدند کاش غفلت می‌کردید از خواسته‌ها و اسلحه خود تا بتازند بر شما به یک تاختن و باکی نیست بر شما اگر شما را آزاری از باران باشد یا بیمار باشید که بگذارید سلاحهای خود را و بگیرید بیمناکی و آمادگی خویش را همانا خدا آماده کرده است برای کافران عذابی خوارکننده را (۱۰۳) پس گاهی که به جای آوردید نماز را یاد کنید خدا را ایستادگان و نشستگان و بر پهلوهایی خویش سپس گاهی که دل آسوده شدید به پا بدارید نماز را همانا نماز است بر مؤمنان نوشته بایسته (۱۰۴) سستی موزید در جستجوی دشمن اگر رنج می‌کشید همانا رنج می‌برند ایشان چنانکه رنج می‌برید شما و امید دارید از خدا آنچه را امید ندارند و خدا است دانای حکیم (۱۰۵) همانا فرستادیم کتاب را به سوی تو به حق تا حکومت کنی میان مردم بدانچه نمایاند تو را خدا و نباش برای خیانتکاران ستیزه‌گری (۱۰۶) و آرمزش خواه از خدا که خدا است آمرزنده مهربان (۱۰۷) و ستیزه مکن از آنان که با خود خیانت می‌ورزند زیرا خدا دوست ندارد آن را که خیانت‌کننده گنهکار است (۱۰۸) نهفتگی جویند از مردم و نهفتگی نمی‌جویند از خدا حال آنکه او با ایشان است هنگامی که درون می‌پروراند آنچه را

خوش ندارد از گفتار و خدا است بدانچه می کنند فراگیرنده (۱۰۹) اینک شما از ایشان دفاع کردید در زندگانی دنیا پس کیست تا خدا را دفاع کند از ایشان روز قیامت یا کیست که باشد بر ایشان وکیل (۱۱۰) و کسی که به کاری زشت پردازد یا ستم کند بر خویشتن و سپس از خدا آموزش خواهد بیابد خداوند را آمرزنده مهربان (۱۱۱) و کسی که گنهی فراهم آورد همانا بر خویشتن آورده است و خدا است دانای حکیم (۱۱۲) و کسی که فراهم کند لغزش یا گنهی را سپس بسوی کسی که بیزار باشد افکندش همانا بار کرده است بر خود تهمتی و گناهی آشکار را (۱۱۳) و اگر نبود فضل خدا و رحمتش بر تو همانا آهنگ کردند گروهی از ایشان که گمراهت کنند و گمراه نکنند جز خویشتن را و زیانت نرسانند به چیزی و فرستاد خدا بر تو کتاب و حکمت را و پیاموخت آنچه را ندانستی و همانا فضل خدا است بر تو بزرگ (۱۱۴) نیست نیکیی در بسیاری از رازگوئیهایشان جز آنکه امر کند به صدقه یا نیکی یا کارسازی میان مردم و آن کس که این کار را کند از پی خوشنودی خدا بزودی دهیمش پاداشی بزرگ (۱۱۵) و آن کس که مخالفت کند با پیمبر پس از آنکه پدیدار شد برایش هدایت و پیروی کند غیر از راه مؤمنان را رسانیمش بدانچه دوست دارد و افکنیمش در دوزخ و چه بد بازگشتگاهی است (۱۱۶) همانا خدا نمی آمرزد آنکه شرک ورزیده شود بدو و می آمرزد جز آن را برای هر کس خواهد و کسی که شرک ورزد به خدا همانا گمراه شده است گمراهی دور (۱۱۷) نمی خوانند جز او مگر مادگانی را و نمی خوانند جز شیطانی گردنکش را (۱۱۸) که دورش کرده است خدا و گفت هر آینه بگیرم از بندگان تو بهره ای معین را (۱۱۹) و همانا گمراهشان کنم و به آرزوشان افکنم و بفرمایمشان که بشکافند گوشهای چهارپایان را و بفرمایمشان که برگردانند آفرینش خدا را و کسی که شیطان را به دوستی گزیند جز خدا همانا زیان کرده است زیانی آشکار (۱۲۰) نویدشان دهد و به آرزوشان افکند و نویدشان ندهد شیطان مگر فریب (سرگرمی) (۱۲۱) آنان جایگاهشان دوزخ است و نیابند از آن چاره ای (۱۲۲) و آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند بزودی در آریمشان باغهایی که جاری است در آنها جویها جاودانان در آن همیشه وعده خدا به درست و کیست راستگوتر از خدا در سخن (۱۲۳) نیست به دلخواه شما و نه به دلخواه اهل کتاب هر کس کردار زشت کند کیفر شود بدان و نیابد برای خویشتن از خدا یار و نه یابوری (۱۲۴) و آن کس که کرداریهای شایسته کند مرد یا زن و او مؤمن باشد آنان به بهشت در آیند و ستم بر ایشان نشود به اندازه متقارگاهی (۱۲۵) و کیست به دین تر (نکو تر دین) از آن کس که روی به خدا آورد و او نکوکار باشد و پیروی کند آئین ابراهیم یکتاپرست را و برگرفت خدا ابراهیم را دوستی (۱۲۶) و خدا را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خداوند است به همه چیز فراگیرنده (۱۲۷) پرسندت درباره زنان بگو خدا دستور دهد شما را درباره ایشان و آنچه خوانده شود بر شما در کتاب درباره یتیمان زنانی که نمی دهیدشان آنچه نوشته شده است برای ایشان و خوش ندارید که زناشوئی کنید با ایشان و ناتوانان از کودکان و آنکه قیام کنید درباره یتیمان به داد و هر چه کنید از نیکی همانا خداوند است بدان دانا (۱۲۸) و اگر زنی ترسید از شوی خویش ناسازگاری یا روی گردانی را پس باکی بر آنان نیست که آشتی افکند میان خویش آشتی و آشتی بهتر است و جانها را فرآورده شد بخل و اگر نکوکاری و پرهیزکاری کنید همانا خدا بدانچه کنید دانا است (۱۲۹) و هرگز نتوانید دادگری کنید میان زنان و اگر چه آرزومند آن باشید پس کج نشوید با همه خواست خود به یک سوی تا او را باز گذارید مانند آویخته و اگر اصلاح کنید و پرهیزکاری کنید همانا خداوند است آمرزنده مهربان (۱۳۰) و اگر جدا شوند (زن و شوهر از همدیگر) خدا بی نیاز کند هر کدام را از گشایش خویش و خدا است گشایشمند حکیم (۱۳۱) و برای خدا است آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین و همانا اندرز دادیم آنان را که داده شدند کتاب را پیش از شما و شما که بترسید خدا را و اگر کفر ورزید همانا برای خدا است آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین و خدا است بی نیاز ستوده (۱۳۲) و خدا را است آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین و بس است خداوند وکیل (کارگذار) (۱۳۳) اگر بخواهد می برد شما را ای مردم و می آورد دیگران را و خداوند است بر آن توانا (۱۳۴) کسی که بخواهد پاداش دنیا را همانا نزد خدا است پاداش دنیا و آخرت و خدا است شنونده بینا (۱۳۵) ای آنان که ایمان آوردید باشید قیام کنندگان به داد (یا نگهبانان بر داد) گواهانی برای خدا هر چند بر خویشتن یا پدر و

مادر و نزدیکان اگر بی نیاز یا نیازمند باشد همانا خدا سزاوارتر است بدانان پس پیروی هوس نکنید تا کج شوید و اگر سرپیچید یا روی گردانید همانا خدا است بدانچه می کنید آگاه (۱۳۶) ای آنان که ایمان آوردید ایمان آرید به خدا و پیمبرش و کتابی که فرستاد بر پیمبرش و کتابی که فرستاده است از پیش و کسی که کفر ورزد به خدا و فرشتگان و کتابهایش و پیمبرانش و به روز بازپسین همانا گمراه شده است گمراهی دور (۱۳۷) همانا آنان که ایمان آوردند پس کافر شدند و سپس ایمان آوردند و پس کافر شدند پس فرونی یافتند در کفر نیست خدا آمرزنده ایشان و نه راهنمائیشان کند به راهی (۱۳۸) مژده ده منافقان (مردم دوروی) را که برای آنان است شکنجه دردناک (۱۳۹) آنان که می گیرند کافران را دوستانی جز مؤمنان آیا نزد آنان عزت را جویند همانا عزت از آن خدا است همگی (۱۴۰) و همانا فرود آورده است بر شما در کتاب که اگر شنیدید به آیتهای خدا کفرورزی می شود یا استهزاء می شود بدانها نه نشینید با ایشان تا فرو روند در سخنی غیر از آن که شما می کشند تا اگر شما را پیروزی (گشایشی) از خدا باشد گویند آیا منافقان و کافران در دوزخ همگی (۱۴۱) آنان که انتظار به شما می کشند تا اگر شما را پیروزی (گشایشی) از خدا باشد گویند آیا نبودیم با شما و اگر کافران را بهره ای بود گویند آیا چیرگی نورزیدیم بر شما و نگاهداری نکردیم شما را از مؤمنان پس خدا حکم کند بین شما روز رستاخیز و هرگز قرار ندهد خدا برای کافران بر مؤمنان راهی (۱۴۲) همانا منافقان نیرنگ ورزند با خدا و او است فریب دهنده ایشان و هرگاه برخیزند به سوی نماز برخیزند سرگران خودنمائی کنند به مردم و یاد نکنند خدا را جز اندکی (۱۴۳) سرگردانند میان این نه به سوی آنانند و نه به سوی اینان و کسی را که خدا گمراه کند نیابی برای او راهی (۱۴۴) ای آنان که ایمان آوردید نگیرید کافران را دوستانی جز مؤمنان آیا خواهید قرار دهید برای خدا بر خویشتن دستاویزی آشکار (۱۴۵) همانا منافقان در پایه فرو دینند از آتش و نیابی برای ایشان یآوری (۱۴۶) مگر آنان که توبه کردند و اصلاح نمودند و به خدا چنگ زدند (نگهداری از خدا خواستند) و پاک کردند دین خود را برای خدا پس آنانند با مؤمنان و بزودی می دهد خدا مؤمنان را پاداشی بزرگ (۱۴۷) چه می کند خدا به عذاب شما مگر سپاسگزاری و ایمان آرید و خدا است شکرپذیرنده دانا (۱۴۸) دوست ندارد خدا بلند سخن گفتن را به گفتار زشت جز آن کس که ستم بر او شده است و خدا است شنونده دانا (۱۴۹) اگر آشکار کنید نیکی را یا نهان داریدش یا گذشت کنید از زشتی همانا خدا است گذشت کننده توانا (۱۵۰) همانا آنان که کفر ورزیدند به خدا و پیمبرانش و خواهند جدائی افکنند میان خدا و پیمبرانش و گویند ایمان آریم به بعضی و کفر ورزیم به بعضی و خواهند که برگیرند میان این راهی (۱۵۱) آنانند کافران به راستی و آماده کردیم برای کافران عذابی خوارکننده را (۱۵۲) و آنان که ایمان آوردند به خدا و پیمبرانش و جدائی نیفکندند میان هیچیک از ایشان آنان را به زودی دهد بدیشان پادشاهای ایشان را و خدا است آمرزنده مهربان (۱۵۳) می خواهند از تو اهل کتاب که فرو فرستی بر ایشان نامه ای از آسمان همانا خواستند از موسی بزرگتر از این را گفتند به ما بنمایان خدا را آشکار پس فرا گرفتشان صاعقه (آتش آسمانی) به ستمکاریشان پس برگرفتند گوساله را پس از آنکه بیامدشان نشانی ها پس در گذشتیم از آن و دادیم به موسی فرمانروایی آشکار (۱۵۴) و برافراشتیم بر فراز ایشان طور را به پیمانیشان و بدیشان گفتیم اندر آید در را سجده کنان و گفتیم بدیشان که تجاوز نکنید در شنبه و گرفتیم از ایشان پیمانی سخت (۱۵۵) پس بشکستن ایشان پیمان خویش را و کفر ورزیدن ایشان به آیتهای خدا و کشتن ایشان پیمبران را به ناحق و گفتن ایشان که دلای ما است نهان در پرده بلکه مهر نهاده است خدا بر آنها به کفرشان پس ایمان نیارند مگر اندکی (۱۵۶) و به کفرشان و گفتارشان در باره مریم تهمتی بزرگ (۱۵۷) و گفتارشان که ما کشتیم مسیح عیسی ابن مریم پیمبر خدا را حالی که نکشتندش و نه به دارش آویختند بلکه مشتبه شد بر ایشان و همانا آنان که در او اختلاف کردند در شکی از او هستند نیستشان بدان دانایی جز پیروی پندار حالی که نکشتند او را به یقین (۱۵۸) بلکه بالا بردش خدا به سوی خویش و خدا است عزتمند حکیم (۱۵۹) و اگر نیست از اهل کتاب جز آنکه ایمان آورد بدو پیش از مرگش و روز رستاخیز می باشد بر ایشان گواه (۱۶۰) پس به ستمی از آنان که جهود شدند حرام کردیم بر ایشان پاکهائی را که حلال بود برای ایشان و به بازداشتن ایشان از راه خدا بسیاری را (۱۶۱) و گرفتن ایشان ربا

را حالی که نهی شدند از آن و خوردن ایشان اموال مردم را به ناحق و آماده کردیم برای کافران از ایشان عذابی دردناک (۱۶۲) لیکن به دانش فرورفتگان از ایشان و مؤمنان ایمان آورند بدانچه فرستاده شد به سوی تو و بدانچه فرستاده شده است پیش از تو و پبای دارندگان نماز و دهندگان زکوة و ایمان آرندگان به خدا و روز بازپسین آنان را بزودی دهیمشان پاداشی بزرگ (۱۶۳) همانا وحی فرستادیم به سوی تو چنانکه وحی فرستادیم بسوی نوح و پیمبران پس از او و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و دادیم به داود زبور را (۱۶۴) و پیمبرانی که خواندیم داستانشان را بر تو پیش از این و پیمبرانی که نخواندیم داستانشان را بر تو و سخن گفت خدا با موسی سخن گفتنی (۱۶۵) پیمبرانی نویددهندگان و ترسانندگان تا نباشد برای مردم بر خدا بهانه‌ای پس از پیمبران و خدا است عزتمند حکیم (۱۶۶) لیکن خدا گواهی دهد بدانچه فرستاده است به سوی تو فرستاد آن را به علم خود و فرشتگان گواهی دهند و بس است خداوند گواه (۱۶۷) همانا آنان که کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا هر آینه گمراه شدند گمراهی دور (۱۶۸) همانا آنان که کفر ورزیدند و ستم کردند نیست خدا که بیامرزیشان و نه رهبریشان کند به راهی (۱۶۹) مگر به راه دوزخ جاودانند در آن همیشه و همانا آن است بر خدا آسان (۱۷۰) ای مردم همانا بیامد شما را فرستاده‌ای به حق از پروردگار شما پس ایمان آرید بهتر است برای شما و اگر کفر ورزید همانا برای خدا است آنچه در آسمانها است و زمین و خدا است دانای حکیم (۱۷۱) ای اهل کتاب فزون نروید در کیش خود و نگوئید بر خدا مگر حق جز این نیست که مسیح عیسی ابن مریم فرستاده خدا است و سخن او که افکندش به سوی مریم و روحی است از او پس ایمان آرید به خدا و پیمبرانش و نگوئید سه تا بس کنید بهتر است شما را جز این نیست که خداوند خدای یکتا است منزّه است او از آنکه وی را فرزندی باشد او را است آنچه در آسمانها است و زمین و بس است خداوند وکیل (۱۷۲) هرگز سرنیچد مسیح از آنکه بنده‌ای از برای خدا باشد و نه فرشتگان مقرب و آن کس که سرپیچد از پرستش او و گردن فرازد بزودی گردآورد آنان را بسوی خود همگی (۱۷۳) پس آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند پیردازد بدیشان همه مزد ایشان را و بیفزایدشان از فضل خویش و آنان که استنکاف ورزیدند و سرکشی کردند عذاب کند ایشان را عذابی دردناک و نیابند برای خویش جز خدا دوست و نه یابوری (۱۷۴) ای مردم همانا بیامد شما را برهانی از پروردگار شما و فرستادیم به سوی شما پرتوی آشکار (۱۷۵) پس آنان که ایمان آوردند به خدا و چنگ زدند بدو بزودی درآوردشان به رحمتی و فضلی از خویش و رهبریشان کند به سوی خود به راهی راست (۱۷۶) فتوی از تو خواهند بگو خدا فتوی دهد شما را در کلاله (خواهران و برادران) اگر مردی بمیرد و نباشدش فرزندی و او را خواهری باشد پس برای آن خواهر است نصف آنچه بجای گذارده است و او ارث می‌برد اگر نباشدش فرزندی و اگر دو خواهر باشند پس ایشان را است دو ثلث آنچه به جای گذارده است اگر باشند برادرانی مردان و زنان پس برای مرد است مانند بهره دو زن بیان می‌کند خدا برای شما نبادا گمراه شوید و خدا است به همه چیز دانا (۱۷۷)

المائدة

به نام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای آنان که ایمان آوردید وفا کنید به پیمانها حلال شده است برای شما دامهای چهارپا مگر آنچه سروده شود بر شما حلال ناشمرندگان شکار حالی که هستید در احرام همانا خدا حکم می‌کند بدانچه می‌خواهد (۲) ای آنان که ایمان آوردید روا ندارید شعارهای خدا و نه ماه حرام را و نه قربانی و نه اشتران قلاّده‌دار و نه پویندگان خانه حرام را که می‌جویند فضلی از پروردگار خود و خوشنودیی و هنگامی که برون شدید از احرام پس شکار کنید و واندازد شما را کینه گروهی که بازداشتند شما را از مسجد حرام بر آنکه ستم کنید و کمک کنید همدیگر را بر نکوکاری و پرهیزکاری و کمک نکنید بر گناه و ستم و بترسید خدا را همانا خدا است سخت‌شکنجه (۳) حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر از خدا بر آن برده شود و گلوگیر شده و کوبیده و پرتاب‌شده و شاخ‌زده و آنچه خورند ددان مگر آنچه پاک کنید و آنچه نزد بتان کشته شود

و آنکه بخش کنید با تیرها این است برون رفتن از فرمان خدا امروز نومید شدند آنان که کفر ورزیدند از دین شما پس نترسید ایشان را و مرا بترسید امروز به انجام رسانیدم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمتم را و پسندیدم برای شما اسلام را کیشی پس آن کس که ناچار شود در گرسنگی ناگراینده به سوی گناهی همانا خدا است آمرزنده مهربان (۴) پرسندت چه چیز حلال شده است برای ایشان بگو حلال شده است برای شما پاکیزه‌ها و شکار و آنچه آموختید از دادن شکاری حالیکه پرورش دهندگان آنها باشید که بیاموزید آنها را از آنچه آموختن خدا پس بخورید از آنچه نگهداشتند بر شما و یاد کنید نام خدا را بر آن و بترسید خدا را که خدا است شتاب کننده در حساب (۵) امروز حلال شد برای شما پاکیزه‌ها و خوراک آنان که داده شدند کتاب را حلال است برای شما و خوراک شما حلال است برای آنان و زنان پارسا از ایمان آورندگان و زنان پارسا از آنان که داده شدند کتاب را پیش از شما هرگاه دهید بدیشان مزدهای ایشان را حالی که پارسا باشید نه زناکاران و نه گیرندگان یار و آن که کفر ورزد به ایمان همانا تباه شده است کردار او و اوست در آخرت از زیانکاران (۶) ای آنان که ایمان آوردید گاهی که برخاستید به سوی نماز بشوئید روی‌ها و دستهای خویش را تا مرفقها (آرنجها) و بمالید سرها و پای‌های خود را تا دو قبا یا اگر جنب شدید پس پاک کنید خود را و اگر بیمار بودید یا در سفری یا برون آمد یکی از شما از آب‌ریز یا با زنان در آمیختید و آب نیافتید پس آهنگ زمینی پاک کنید سپس بمالید بر روی‌ها و دستهای خود از آن نخواهد خدا که سخت بر شما گیرد لیکن خواهد که شما را پاک سازد و تمام کند بر شما نعمتش را و شاید شکر گزاری (۷) و یاد آرید نعمت خدا را بر شما و پیمانش را که با شما بست هنگامی که گفتید شنیدیم و فرمان بردیم و بترسید خدا را که خداوند است دانا بدانچه در سینه‌ها است (۸) ای آنان که ایمان آوردید باشید نگهبانان یا قیام کنندگان برای خدا گواهانی به داد و وانداد شما را کین قومی بر آنکه داد نکنید دادگری کنید که آن نزدیکتر است به پرهیزکاری و بترسید خدا را که خدا آگاه است بدانچه می‌کنید (۹) نوید داده است خدا آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ایشان را است آمرزشی و پاداشی بزرگ (۱۰) و آنان که کفر ورزیدند و دروغ پنداشتند آیت‌های ما را آنانند یاران دوزخ (۱۱) ای آنان که ایمان آوردید یاد آرید نعمت خدا را بر شما هنگامی که آهنگ نمودند گروهی که دست به سوی شما دراز کنند پس بازداشت دستهای ایشان را از شما و بترسید خدا را و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان (۱۲) همانا برگرفت خدا پیمان بنی اسرائیل را و برانگیختیم از ایشان دوازده سردار و گفت خدا منم با شما اگر پیا داشتید نماز را و دادید زکوة را و ایمان آوردید به فرستادگان من و احترام گذاردید آنان را و وام دادید خدا را و امی نکو همانا بستم از شما زشتی‌های شما را و درآرم شما را باغهایی که جاری است زیر آنها جوی‌ها پس آنکس که کفر ورزد پس از این از شما هر آینه گم کرده است راه راست را (۱۳) پس بشکستن ایشان پیمان خویش را لعنتشان کردیم و گردانیدیم دلهای ایشان را سنگین که برگردانند (جایجا کنند) سخنان را از جای‌های خود و فراموش کردند بخشی را از آنچه یادآوری شدند بدان و گاهی نیست که آگاه نشوی بر خیانتی از آنان مگر کمی از آنان پس درگذر از ایشان و چشم‌پوشی کن که خدا دوست دارد نکوکاران را (۱۴) و از آنان که گفتند مائیم ترسایان گرفتیم پیمان ایشان را پس فراموش کردند بخشی را از آنچه یادآوری شدند بدان و برانگیختیم میان آنان دشمنی و کینه را تا روز قیامت و بزودی آگهی‌شان دهد خدا بدانچه بودند می‌ساختند (۱۵) ای اهل کتاب همانا بیامد شما را فرستاده‌ای که بیان می‌کند برای شما بیشی را از آنچه بودید نهان می‌داشتید از کتاب و درمی‌گذرد از بیشی همانا بیامد شما را از خدا پرتوی و نامه‌ای آشکارا (۱۶) هدایت می‌کند خدا بدان هر که را پیرو خوشنودی او باشد به راه‌های آشتی (و آرامش) و برون می‌برد ایشان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به اذن خود و رهبریشان می‌کند به راهی راست (۱۷) همانا کفر ورزیدند آنان که گفتند خدا او مسیح فرزند مریم است بگو که را دستی بر خدا است اگر خواهد نابود کند مسیح فرزند مریم و مادرش را و هر که در زمین است همگی و خدا را است فرمانروائی آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است می‌آفرد هرچه خواهد و خدا است بر هر چیز توانا (۱۸) گفتند جهودان و ترسایان مائیم فرزندان خدا و دوستان او بگو پس چرا عذاب کند شما را به گناهانتان بلکه شمائید بشری از آنکه بیافرید

بیمارزد برای هر که خواهد و عذاب کند هر که را خواهد و از آن خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است و به سوی او است بازگشت (۱۹) ای اهل کتاب همانا پیامد شما را فرستاده ما بیان می کند برای شما پس از فترتی از پیمبران تا نگوئید نیامد ما را امیددهنده و بیم دهنده همانا آمد شما را نویددهنده ای و ترساننده ای و خدا است بر همه چیز توانا (۲۰) و هنگامی که گفت موسی به قوم خود ای قوم من یاد آرید نعمت خدا را بر شما هنگامی که قرار داد در شما پیمبرانی و گردانید شما را پادشاهانی و ارزانی داشت به شما آنچه را نداد به کسی از جهانیان (۲۱) ای قوم من اندر آئید سرزمین مقدسی را که خدا برای شما نوشت و برنگردید بر پشتهای خود تا باز گردید زیانکاران (۲۲) گفتند ای موسی همانا در آنند گروهی سرکش و هرگز ما در آن نرویم تا برون آیند از آن سپس گاهی که برون آمدند از آن مائیم در آیندگان (۲۳) گفتند دو تن از آنان که می ترسیدند و خدا بر ایشان انعام کرده بود در آئید بر ایشان در گاه را که هر گاه درون شدید همانا شمائید پیروزمندان و بر خدا تکیه کنید اگر هستید مؤمنان (۲۴) گفتند ای موسی هرگز در آن نشویم هیچگاه تا آنان در آنند پس برو تو و پروردگار خود و نبرد کنید که مائیم در اینجا نشستگان (۲۵) گفت پروردگارا مالک نیستم من جز خود و برادرم را پس جدائی افکن میان ما و گروه نافرمانان (۲۶) گفت همانا آن حرام است بر ایشان چهل سال سرگردان مانند در زمین پس دریغ نخور بر گروه نافرمانان (۲۷) و بخوان بر ایشان داستان فرزندان آدم را به حق هنگامی که قربان کردند پس پذیرفته شد از یکیشان و پذیرفته نشد از دیگری گفت همانا می کشمت گفت جز این نیست که می پذیرد خدا از پرهیزکاران (۲۸) اگر دست فراسوی من آری که بکشی مرا دراز نکنم دستم را به تو تا تو را بکشم همانا می ترسم من خداوند را پروردگار جهانیان (۲۹) همانا می خواهم که برگیری گناه من و گناه خویش را تا شوی از یاران آتش و این است پاداش ستمگران (۳۰) پس بیاراست برای او دلش کشتن برادر خویش را پس کشت او را و گردید از زیانکاران (۳۱) پس برانگیخت خدا کلاغی که می کاوید در زمین تا بنمایاندش چگونه نهان سازد پیکر برادر خویش را گفت ای وای بر من آیا عاجز شدم از آنکه مانند این غراب باشم که نهان کنم پیکر برادر خویش را پس گشت از پشیمانان (۳۲) برای این نوشتیم بر بنی اسرائیل که هر کس بکشد تنی را نه در برابر تنی یا تبهکاری در زمین مانند آن است که بکشد مردم را همگی و آن کس که زنده سازدش گوئیا زنده ساخته است مردم را همگی و همانا پیامدشان فرستادگان ما به نشانی ها سپس بسیاری از ایشانند پس از این در زمین اسراف کنندگان (۳۳) همانا پاداش آنان که با خدا و رسولش بستیزند و راه تبهکاری در زمین پویند (به تبهکاری در زمین کوشند) آن است که به سختی کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا به سختی بریده شود دستها و پای های ایشان از برابر یکدیگر یا رانده شوند از زمین این است برای ایشان خواری در دنیا و ایشان را است در آخرت عذابی سنگین (۳۴) مگر آنان که توبه کردند پیش از آنکه بر ایشان دست یابید پس بدانید که خداوند است آمرزنده مهربان (۳۵) ای آنان که ایمان آوردید بترسید خدا را و بجوئید به سوی او دستاویزی و کوشش کنید (جهاد کنید) در راه او شاید رستگار شوید (۳۶) همانا آنان که کفر ورزیدند اگر برای ایشان باشد آنچه در زمین است همگی و مانند آن با آن تا عوض خود دهند از عذاب روز قیامت پذیرفته نشود از ایشان و ایشان را است عذابی دردناک (۳۷) خواهند برون روند از آتش و نیستند برون روندگان از آن و ایشان را است عذابی پاینده (۳۸) مرد دزد و زن دزد را ببرید دستهای آنان را کیفری بدانچه خود فراهم کردند شکنجه ای از نزد خدا و خدا است عزتمند حکیم (۳۹) ولی آن کس که توبه کند پس از ستمگریش و شایستگی گزیند بپذیرد خدا توبه او را و خدا است آمرزنده مهربان (۴۰) آیا ندانستی که خدای را است پادشاهی آسمانها و زمین عذاب کند هر که را خواهد و بیمارزد هر که را خواهد و خداوند است بر هر چیز توانا (۴۱) ای پیمبر اندوهگینت نکند آنان که می شتابند در کفر از آنان که گویند ایمان آوردیم با دهانهای خود ولی ایمان نیاورده است دلهای ایشان و از آنان که جهودند شنوندگانند دروغ را شنوندگانند برای گروهی دیگر که نیامدند تو را برمی گردانند کلمات را پس از جایگاه های آن گویند اگر داده شدید این را بگیری دش و اگر داده نشدیدش پس بترسید و کسی که خدا خواهد آزمایش وی را هرگز مالک نیستی برای او از خدا چیزی را آنانند که نخواسته است خدا پاک ساختن دلهای ایشان را آنان را است در دنیا خواری

و آنان را است در آخرت عذابی بزرگ (۴۲) شنوندگانند دروغ را خورند گانند رشوت را اگر آمدند تو را پس حکم کن میان ایشان یا روی گردان از ایشان و اگر روی گردانی از ایشان همانا آسیب نرسانند به چیزی و هرگاه حکم کنی پس حکم کن میان ایشان به داد همانا خدا دوست دارد دادگران را (۴۳) چگونه تو را به داوری گزینند حالی که نزد ایشان است تورات که در آن است حکم خدا سپس پشت می کنند پس از آن و نیستند آنان مؤمنان (۴۴) همانا فرستادیم تورات را در آن رهبری و روشنایی حکم می کنند بدان پیمبرانی که اسلام آوردند برای آنان که جهود شدند و علماء عاملین و دانشمندان بدانچه نگهبان آن شدند از کتاب خدا و بودند گواهانی بر آن پس نترسید مردم را و بترسید مرا و نفروشید آیتهای مرا به بهائی اندک و کسی که حکم نکند بدانچه خدا فرستاده است آنانند کافران (۴۵) و نوشتیم بر ایشان در آنکه جان برابر جان و چشم برابر چشم و بینی برابر بینی و گوش برابر گوش و دندان برابر دندان و زخمها برابر است پس کسی که تصدق کند بدان همانا آن زداینده گناهان او است و آن کس که حکم نکند بدانچه خدا فرستاده است آنانند ستمگران (۴۶) و از پی ایشان فرستادیم عیسی بن مریم را تصدیق کننده آنچه پیش روی اوست از تورات و بدو دادیم انجیل را که در آن بود راهنمایی و روشنایی و تصدیق کننده آنچه پیش روی اوست از تورات و رهبری و اندرزی برای مؤمنان (۴۷) و باید حکم کنند انجیلیان بدانچه فرستاده است خدا در آن و آن کس که حکم نکند بدانچه فرستاده است خدا آنانند تبهکاران (۴۸) فرستادیم بر تو کتاب را به حق تصدیق کننده آنچه پیش روی اوست از کتاب و نگهبانی بر آن پس حکم کن میان ایشان بدانچه خدا فرستاد و پیروی مکن آرزوهای ایشان را که متجاوز است از آنچه بیامده است تو را از حق برای هر کدام قرار دادیم راه و روشی و اگر می خواست خدا می گردانید شما را یک ملت لیکن تا بیازماید شما را در آنچه به شما داده است پس بشتابید به سوی نیکی ها به سوی خدا است باز گشت شما همگی سپس آگهی دهد شما را بدانچه بودید در آن اختلاف کنندگان (۴۹) و آنکه حکم کن میان ایشان بدانچه فرستاد خدا و پیروی منما هوسهای ایشان را و بترس از ایشان که نبادا بفریبندت از پاره آنچه خدا فرستاده است به سوی تو پس اگر پشت کردند بدانکه می خواهد خدا آنکه بگیرد ایشان را به پاره ای از گناهانشان و همانا بسیاری از مردمند نافرمانان (۵۰) آیا دستور جاهلیت را خواهند و کیست نکوتر از خدا در دستور برای گروهی که یقین دارند (۵۱) ای آنان که ایمان آوردید نگیرید جهودان و ترسایان را دوستانی برخی از ایشانند دوستان برخی و کسی که دوستی کند با آنان از شما هر آینه او از آنان است همانا خدا هدایت نکند گروه ستمگران را (۵۲) بینی آنان را که در دلهایشان بیماری است می شتابند در ایشان گویند ترسیم به ما رسد پیشامدی امید است خدا بیارد پیروزی یا امری را از نزد خویش چنان که بگردند از آنچه در دلهای خود نهان می داشتند پشیمان (۵۳) گویند کسانی که ایمان آوردند آیا اینانند آنان که سوگند یاد نمودند به سوگندهای سخت خویش که ایشانند با شما تباه شد کارهای ایشان و شدند زیانکاران (۵۴) ای آنان که ایمان آوردید هر کس باز گردد از شما از دین خود بزودی بیارد خدا قومی را که دوستش دارند و دوستشان دارد فروتنان برابر مؤمنان گردن فرازان بر کافران بکوشند در راه خدا و نترسند سرزنش سرزنشگری را این است فضل خدا که دهدش به هر که خواهد و خدا است گشایشمند دانا (۵۵) جز این نیست که دوست شما خدا است و رسول او و آنان که ایمان آوردند آنان که بپای دارند نماز را و بدهند زکوة را حالی که ایشانند رکوع گزاران (۵۶) و آنکس که دوستی کند با خدا و پیمبرش و آنان که ایمان آوردند همانا حزب خدا است پیروزمندان (۵۷) ای آنان که ایمان آوردید نگیرید آنان را که دین شما را ریشخند و بازیچه گرفتند از آنان که داده شدند کتاب را پیش از شما و کافران و دوستانی و بترسید خدا را اگر هستید مؤمنان (۵۸) و هنگامی که بانگ برآید برای نماز گیرندش مسخره و بازیچه این بدان است که آنانند گروهی نابخردان (۵۹) بگو ای اهل کتاب آیا کینه جوئید از ما جز آنکه ایمان آوردیم به خدا و آنچه بر ما فرستاده شده و آنچه فرستاده شده است از پیش و همانا بیشتر شمائید نافرمانان (۶۰) بگو آیا خبر دهم شما را به بدتر از این پاداشی از نزد خدا آنکس که دور کردش خدا و خشم بر او گرفت و قرار داد از ایشان میمونان و خوکان و پرستندگان سرکش آنانند بدترین در جایگاه و گمراهتر از راه راست (۶۱) و هرگاه شما را آیند گویند ایمان آوردیم حالی که با کفر درون

رفتند و با آن برون آمدند و خدا است دانای بد آنچه نهان می سازند (۶۲) بینی بسیاری را از ایشان پیشی می گیرند بر همدیگر در شتافتن به سوی گناه و ستمگری و خوردنشان رشوت را چه زشت است آنچه بودند می کردند (۶۳) چرا نهیشان نمی کنند خدا پرستان و دانشمندان از گفتنشان گناه را و خوردنشان رشوت را چه زشت است آنچه بودند می ساختند (۶۴) گفتند جهودان دست خدا بسته به زنجیر است به زنجیر بسته باد دستهای آنان و لعنت بر آنان باد بدانچه گفتند بلکه دستهای او است باز می بخشد هر گونه خواهد و همانا می افزاید بسیاری از آنان را آنچه فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت سرکشی و کفر و افکندیم میان ایشان دشمنی و کینه را تا روز قیامت هرگاه بیفروزند آتشی را برای جنگ فرو نماندش خدا و بکوشند به تبهکاری در زمین و خدا دوست ندارد تبهکاران را (۶۵) اگر آنکه اهل کتاب ایمان می آوردند و پرهیزکاری می کردند هر آینه می ستردیم از ایشان گناهان ایشان را و درمی آوردیمشان به باغستان نعمت (۶۶) و اگر پپای می داشتند تورات و انجیل و آنچه را فرستاده شده است به سوی ایشان از پروردگارشان همانا می خوردند از بالای سر و از زیر پای های خود ایشانند گروهی میانه رو و بسیاری از ایشان زشت است آنچه می کنند (۶۷) ای پیمبر ابلاغ کن آنچه را فرود آمد بر تو از پروردگارت و اگر نکنی نرسانده باشی پیام او را و خدا ننگه می داردت از مردم همانا خدا هدایت نکند گروه کافران را (۶۸) بگو ای اهل کتاب نیستید بر چیزی تا پپای دارید تورات و انجیل را و آنچه فرود آمده است بر شما از پروردگار شما و هر آینه بیفزاید بسیاری از ایشان را آنچه فرود آمده است بر تو از پروردگارت سرکشی و کفر پس اندوهگین نباش بر گروه کافران (۶۹) همانا آنکه ایمان آوردند و آنان که جهود شدند و صابیان و ترسایان هر کس ایمان آرد به خدا و روز بازپسین و کردار شایسته کند نیست بر ایشان بیمی و نه اندوهگین شوند (۷۰) همانا گرفتیم پیمان بنی اسرائیل را و فرستادیم بسوی آنان پیمبرانی هرگاه می آمدشان پیمبری بدانچه هوس نمی کرد دل های ایشان گروهی را دروغگو شمردند و کشتند گروهی را (۷۱) پنداشتند نخواهد بود آزمایشی پس کور شدند و کر شدند سپس پذیرفت توبه ایشان را خدا پس کور شدند و کر گردیدند بسیاری از ایشان و خدا بینا است بدانچه می کنند (۷۲) همانا کفر ورزیدند آنان که گفتند خدا مسیح فرزند مریم است حالی که گفت مسیح ای بنی اسرائیل پرستش کنید خدا پروردگار من و پروردگار شما را همانا کسی که شرک ورزد به خدا حرام کرده است بر او بهشت را و جایگاه او است آتش و نیست ستمکاران را یارانی (۷۳) همانا کفر ورزیدند آنان که گفتند خدا سیمین سه تا است حالی که نیست خداوندی جز خدای یکتا و اگر دست بر ندارند از آنچه گویند هر آینه برسد آنان را که کفر ورزیدند از ایشان عذابی دردناک (۷۴) چرا باز نگردند بسوی خدا و از او آمرزش نخواهند و خدا است آمرزنده مهربان (۷۵) نیست مسیح پسر مریم جز پیمبری که بگذشت پیش از او پیمبرانی و مادرش زنی است راستگو بودند می خوردند خوراک را بنگر چگونه برای ایشان بیان کنیم آیتها را سپس بنگر کجا به دروغ رانده می شوند (۷۶) بگو آیا پرستش کنید جز خدای آنچه را ندارد برای شما زیان و نه سودی و خدا است شنونده دانا (۷۷) بگو ای اهل کتاب فزون نروید در دین خود به ناحق و پیروی نکنید خواسته های گروهی را که گمراه شدند از پیش و گمراه کردند بسیاری را و گم شدند از راه راست (۷۸) لعنت شدند آنان که کفر ورزیدند از بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی ابن مریم این بدان است که نافرمانی کردند و بودند تجاوز کنندگان (۷۹) بودند دست بر نمی داشتند از زشتی که می کردند چه زشت است آنچه بودند می کردند (۸۰) بینی بسیاری از ایشان را دوستی می کنند با آنان که کفر ورزیدند چه زشت است آنچه پیش آورده است برای ایشان نفوسشان که خشم گرفت خدا بر ایشان و در عذابند جاودانان (۸۱) و اگر اینان ایمان می آوردند به خدا و پیمبر و آنچه فرستاده شده است بسوی او نمی گرفتندشان دوستانی لیکن بسیاری از ایشانند نافرمانان (۸۲) همانا بیابایی سخت ترین مردم را در دشمنی با آنان که ایمان آوردند جهودان و آنان که مشرک شدند و همی یابی هر آینه نزدیکترین مردم را در دوستی با آنان که ایمان آوردند کسانی که گویند مائیم ترسایان این بدان است که از ایشانند کشیشان و صومعه نشینانی و آنکه ایشان کبر نمی ورزند (۸۳) و گاهی که بشنوند آنچه را فرود آمده است بر پیمبر بینی دیدگان شان را اشک ریزد بدانچه شناخته اند از حق گویند پروردگارا همانا ایمان آوردیم پس بنویس ما را با گواهان (۸۴) و چه شود ما را ایمان نیاریم به خدا و آنچه

بیامد ما را از حقّ حالی که طمع داریم که درآرد ما را پروردگار ما با گروه شایستگان (۸۵) پس پاداششان داد خدا بدانچه گفتند باغهایی که روان است زیر آنها جویها جاودانان در آن و این است پاداش نکوکاران (۸۶) و آنان که کفر ورزیدند و دروغ پنداشتند آیتهای ما را آنانند یاران دوزخ (۸۷) ای آنان که ایمان آوردید حرام نکنید پاکهای آنچه را حلال کرده خدا برای شما و تجاوز نکنید که خدا دوست ندارد تجاوزکنندگان را (۸۸) و بخورید از آنچه روزی داد شما را خدا حلال پاکیزه و بترسید خداوندی را که شمائید بدو ایمان آورندگان (۸۹) نگیرد شما را خدا به یاهو در سوگندهای شما و لیکن بگیرد شما را به بستن سوگندها پس کفاره آن خوراک ده تن بینوا است از میانه آنچه خوراک دهید خانواده خود را یا پوشاک آنان یا آزاد کردن یک بنده و آنکس که ندارد پس روزه سه روز این است کفاره سوگندهای شما هرگاه سوگند خوردید و نگهدارید سوگندهای خویش را چنین بیان کند خدا برای شما آیتهای خود را شاید شکر گزاری (۹۰) ای آنان که ایمان آوردید جز این نیست که باده و قمار و بتان و تیرها پلیدی است از کردار شیطان پس دوری گزینید از آن شاید رستگار شوید (۹۱) جز این نیست که خواهد شیطان آنکه بیفکند میان شما دشمنی و کینه را در باده و قمار و بازدارد شما را از یاد خدا و از نماز پس آیا هستید دست بردارندگان (۹۲) فرمان برید خدا را و فرمان برید پیمبر را و بترسید پس اگر پشت کردید بدانید که بر فرستاده ما است همانا رساندن آشکار (۹۳) نیست بر آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند باکی در آنچه بخورند اگر پرهیزکاری کنند و ایمان آرند و کردار شایسته کنند پس پرهیز کنند و ایمان آورند سپس پرهیز کنند و نیکی کنند و خدا دوست دارد نکوکاران را (۹۴) ای آنان که ایمان آوردید همانا بیازماید شما را خدا به چیزی از شکار که دریابدش دستهای شما و نیزه‌های شما تا بداند خدا آن را که می‌ترسدش در نهان پس هر کس تجاوز کند پس از این او را است عذابی دردناک (۹۵) ای آنان که ایمان آوردید نکشید شکار را حالی که در جامه احرامید و آنکس که بکشد آنرا از شما دانسته و خواسته پس کیفری مانند آنچه کشته است از دامهای چهارپا که داوری بدان کند دو تن دادگر از شما قربانیی رسیده به کعبه یا کفاره خوراک بینوایان یا برابر آن روزه تا بجشد کیفر کار خود را در گذشت خدا از آنچه گذشت و آنکس که باز گردد انتقام کشد از او خدا و خداست عزتمند انتقام جوی (۹۶) حلال است برای شما شکار دریا و خوراک آن بهره‌ای برای شما و کاروان و حرام است بر شما شکار دشت مادامی که در لباس احرامید و بترسید خداوندی را که بسوی او گردآورده شوید (۹۷) گردانید خدا کعبه آن خانه محترم را ایستادگی برای مردم و ماه محترم را و قربانی و دامهای قلاده بگردن را این تا بدانید خدا می‌داند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و آنکه خدا است به هر چیز دانا (۹۸) بدانید که خدا است سخت‌شکنجه و آنکه خدا است به هر آمرزنده مهربان (۹۹) نیست بر پیغمبر جز رساندن و خدا می‌داند آنچه آشکار و آنچه نهان کنید (۱۰۰) بگو یکسان نیستند پلید و پاکیزه اگر چه تو را شگفت آید فراوانی پلید پس بترسید خدا را ای خردمندان شاید رستگار شوید (۱۰۱) ای آنان که ایمان آوردید نپرسید از چیزهایی که اگر فاش شود برای شما بد آید شما را و اگر پیرسید از آنها هنگامی که فرود آید قرآن فاش شود برای شما در گذشت خدا از آنها و خدا است آمرزنده بردبار (۱۰۲) همانا پرسیدند آنها را گروهی پیش از شما پس گردیدند بدانها کافران (۱۰۳) قرار نداده است خدا «بحیره» و نه «سائبه» و نه «وصیله» و نه «حامی» لیکن آنان که کفر ورزیدند می‌بندند بر خدا دروغ را و بیشتر ایشان بخرد در نمی‌یابند (۱۰۴) و اگر گفته شود بدیشان بیائید بسوی آنچه خدا فرستاده است و بسوی پیمبر گویند بس است ما را آنچه یافتیم بر آن پدران خویش را اگر چه پدران ایشان ندانند چیزی را و نه راه برند (۱۰۵) ای آنان که ایمان آوردید بر شما باد خود شما زیان نرساند شما را آنکو گمراه شده است اگر هدایت یافته‌اید به سوی خدا است بازگشت شما همگی پس آگهی‌تان دهد بدانچه بودید می‌کردید (۱۰۶) ای آنان که ایمان آوردید گواهی میان شما گاهی که برسد یکی از شما را مرگ به هنگام وصیت دو عدالتمند از شما یا دو تن دیگر از غیر شما اگر سفر کردید در زمین پس رسید شما را پیش آمد مرگ بازدارید آنان را پس از نماز تا سوگند یاد کنند به خدا اگر گمان بد بردید که نفروشیمش به هیچ بهائی اگر چه باشد خویشاوند و پنهان ننمائیم شهادت خدا را همانا مائیم در آن هنگام از گناهکاران (۱۰۷) و اگر اطلاع حاصل شد که آنان مستوجب گناهی شدند پس

دو دیگر جانشین آنان شوند از آنان که مستوجب شدند بر ایشان آن دو نخستین (با آن دو سزاوارتران) پس سوگند یاد کنند به خدا که گواهی ما درست تر است از گواهی آنان و تجاوز ننمودیم که مائیم در آن هنگام از ستمکاران (۱۰۸) این است نزدیکتر که بیارند گواهی را بر گونه آن یا بترسند که رد شود سوگندهائی پس از سوگندهای ایشان و بترسید خدا را و بشنوید و خدا هدایت نکند گروه نافرمانان را (۱۰۹) روزی که گردآرد خدا پیامبران را پس گوید چه چیز پاسخ داده شدید گویند نیست علمی ما را همانا توئی تو داند نه نمانها (۱۱۰) هنگامی که گفت خدا ای عیسی ابن مریم به یاد آر نعمت مرا بر تو و بر مادر تو گاهی که تأیید نمودم به روح القدس سخن گوئی با مردم در گهواره و هنگام سال خوردگی و گاهی که آموختم کتاب و حکمت و تورات و انجیل را و هنگامی که می آفریدی از گل مانند پیکر پرنده به اذن من پس می دمیدی در آن پس می شد مرغی به اذن من و بهبودی می دادی کور و پیس را به اذن من و هنگامی که برون می آوردی مردگان را به اذن من و آن هنگامی که بازداشتی بنی اسرائیل را از تو گاهی که بیامدی ایشان را با نشانی ها پس گفتند آنان که کفر ورزیدند از ایشان نیست این جز جادوئی آشکار (۱۱۱) و هنگامی که وحی فرستادم بسوی حواریون که ایمان آرید به من و به فرستاده من گفتند ایمان آوردیم و گواه باش که مائیم مسلمانان (۱۱۲) هنگامی که گفتند حواریون ای عیسی ابن مریم آیا تواند پروردگار تو بفرستد بر ما سفره خوراکی از آسمان گفت بترسید خدا را اگر هستید مؤمنان (۱۱۳) گفتند خواهیم از آن خوریم و مطمئن گردد دلهای ما و بدانیم که راست گفته ای با ما و باشیم بر آن از گواهان (۱۱۴) گفت عیسی بن مریم بار خدایا پروردگارا بفرست بر ما خوان خوراکی از آسمان که عیدی باشد برای آغاز ما و انجام ما و آیتی از تو و روزی ده به ما و توئی بهترین روزی دهندگان (۱۱۵) گفت خدا هر آینه فرستنده ام آن را بر شما تا هر کس کفر ورزد پس از آن از شما عذابش کنم بدانسان که عذاب نکنم بدان هیچکس را از جهانیان (۱۱۶) و هنگامی که گفت خدا ای عیسی بن مریم آیا تو گفتی به مردم که بگیرید من و مادرم را خدایانی جز خداوند گفت منزه می تو نرسد مرا که گویم آنچه را سزاوار من نیست اگر می گفتمش همانا می دانستیش می دانی آنچه را در نهاد من است و ندانم آنچه را در نهان تو است همانا توئی تو دانای نمانها (۱۱۷) نگفتم بدیشان جز آنچه مرا فرمودی که پرستش کنید خدا را پروردگار من و پروردگار شما و بودم گواه بر ایشان مادامی که بودم در ایشان تا هنگامی که مرا برگرفتی تو مراقب ایشان بودی و توئی بر همه چیز گواه (۱۱۸) اگر عذابشان کنی ایشانند بندگان تو و اگر بیامرزیشان همانا توئی عزتمند حکیم (۱۱۹) گفت خدا این است روزی که سود دهد راستگویان را راستی ایشان آنان را است باغهای که جاری است زیر آنها جوی ها جاودانند در آن همیشه خوشنود است خدا از ایشان و خوشنودند از او این است رستگاری بزرگ (۱۲۰) خدای را است پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنها است و او است بر همه چیز توانا (۱۲۱)

الأنعام

به نام خداوند بخشنده مهربان (۱) سپاس خداوندی را که آفرید آسمانها و زمین را و قرار داد تاریکی ها و روشنائی را پس آنان که کفر ورزیدند به پروردگار خویش شرک همی ورزند (۲) اوست آنکه آفرید شما را از گل پس گذارد سرآمدی را و سرآمدی نامبرده نزد او است سپس شما تردید می کنید (۳) و او است خدا در آسمانها و در زمین می داند نهان و آشکار شما را و می داند آنچه را فراهم آرید (۴) و نمی آیدشان آیتی از آیتهای پروردگارشان جز آنکه باشند از آن روی گردانان (۵) همانا دروغ پنداشتند حق را گاهی که پیامدشان پس بزودی بیایدشان خبرهای آنچه بودند بدان استهزاء کنندگان (۶) آیا نبینند بسا هلاک کردیم پیش از آنان قرنهایی که توانائیشان دادیم در زمین آنچه توانائیتان ندادیم و فرستادیم آسمان را بر ایشان ریزاریز و گردانیدیم جوی ها را روان از زیر ایشان پس نابودشان نمودیم به گناهانشان و آوردیم از نو پس از ایشان قرنهایی دگران (۷) و اگر می فرستادیم بر تو نامه ای در کاغذی که می سودندش با دستهای خویش هر آینه می گفتند آنان که کفر ورزیدند نیست این جز جادوئی آشکار (۸) و گفتند چرا

فرو نیامده است بر او فرشته‌ای و اگر می‌فرستادیم فرشته‌ای هر آینه می‌گذشت کار پس مهلت داده نمی‌شدند (۹) و اگر می‌گردانیدیمش فرشته‌ای همانا می‌گردانیدیمش مردی و همی پوشانیدیم بر او آنچه را می‌پوشند (۱۰) و همانا استهزاء شد به پیمبرانی که پیش از تو بودند پس فرود آمد بدانان که مسخره کردند از ایشان آنچه بودند بدان استهزاء کنندگان (۱۱) بگو بگردید در زمین پس بنگرید چگونه بوده است فرجام تکذیب کنندگان (۱۲) بگو از آن کیست آنچه در آسمانها است و زمین بگو از آن خدا نوشت بر خویشان رحمت را که گرد آورد شما را بسوی روز رستاخیز نیست تردیدی در آن آنان که زیانمند کردند خویشان را ایمان نمی‌آورند (۱۳) و از آن وی است آنچه آرمیده است در شب و روز و او است شنوای دانا (۱۴) بگو آیا جز خدا را برگیرم دوستی آفریننده آسمانها و زمین و او می‌خوراند و خورانده نشود بگو همانا مأمور شدم که نخستین اسلام آورنده باشم و نباش البته از شرک آورندگان (۱۵) بگو همانا می‌ترسم اگر نافرمانی کنم پروردگار خود را از عذاب روزی بزرگ (۱۶) آن کس که گردانیده شود از او در آن روز همانا رحم بدو کرده و آن است رستگاری آشکار (۱۷) و اگر برساندت خدا رنجی پس نیست باز گیرنده آن جز او و اگر رساندت به خیری پس او است بر همه چیز توانا (۱۸) و او است نیرومند بر فراز بندگان خویش و او است حکیم دانا (۱۹) بگو چه چیز بزرگتر است در گواهی بگو خدا گواه است میان من و شما و وحی شده است بسوی من این قرآن تا بترسانم بدان شما را و هر که را برسد آیا گواهی دهید که با خدا است خدایان دیگری بگو گواهی ندهم بگو جز این نیست که او است خداوند یکتا و همانا بیزارم از آنچه شرک می‌ورزید (۲۰) آنان که دادیمشان کتاب را بشناسندش چنانکه بشناسند فرزندان خود را آنان که زیانمند کردند خویشان را ایمان نیارند (۲۱) و کیست ستمگرتر از آنکه ببندد بر خدا دروغی یا دروغ پندارد آیت‌های او را همانا رستگار نشوند ستمگران (۲۲) و روزی که گردشان آریم همگی پس گوئیم بدانان که شرک ورزیدند کجا است شریکان شما آنان که بودید می‌پنداشتید (۲۳) پس نبود نیرنگ آنان جز آنکه گفتند به خدا سوگند پروردگار ما که نبودیم شرک‌ورزندگان (۲۴) بنگر چگونه دروغ گفتند بر خویشان و گم شد از ایشان آنچه بودند دروغ می‌بستند (۲۵) و از ایشان است آنکه گوش فرا می‌دهد بسوی تو و قرار دادیم بر دل‌های ایشان پرده‌هایی از آنکه دریابندش و در گوش‌های ایشان سنگینی و اگر بیند هر آیتی را ایمان نیارند بدان تا گاهی که آیندت ستیزه‌کنان با تو گویند آنان که کفر ورزیدند نیست این جز افسانه‌های پیشینیان (۲۶) و ایشان نهی کنند از آن و دوری گزینند از آن و نابود نکنند جز خویشان را و نمی‌دانند (۲۷) و ای کاش می‌دید گاهی را که بازداشت شدند بر آتش گفتند کاش برگردانیده می‌شدیم و دروغ نمی‌شمردیم آیت‌های پروردگار خود را و می‌شدیم از مؤمنان (۲۸) بلکه آشکار شد برای ایشان آنچه پنهان کرده بودند از پیش و اگر باز گردانیده شوند همانا برگردند بدانچه نهی شدند از آن و هر آینه آنانند دروغ‌گویان (۲۹) گفتند نیست آن جز زندگانی دنیای ما و نیستیم ما برانگیختگان (۳۰) و کاش می‌دید گاهی را که بازداشت شدند پیشگاه پروردگارشان گوید آیا نیست این به حق گویند بلی سوگند به پروردگار ما گوید پس بچشید عذاب را بدانچه بودید کفر می‌ورزیدید (۳۱) همانا آیان کردند آنان که دروغ شمردند ملاقات خدا را تا گاهی که پیامشان قیامت ناگهان گفتند دریغ ما را بدانچه کوتاهی کردیم در آن و حمل کنند بارهای خود را بر پشت‌های خویش چه زشت است آنچه بار برمی‌دارند (۳۲) و نیست زندگانی دنیا جز بازیچه و هوسرانی و همانا خانه آخرت است بهتر برای آنان که پرهیزکاری کنند آیا به خرد نمی‌آید (۳۳) همانا دانیم که اندوه‌گینت کند آنچه گویند و هر آینه تکذیب نمی‌کنند تو را و لیکن ستمگران به آیت‌های خدا انکار همی‌ورزند (۳۴) و همانا تکذیب شدند پیمبرانی پیش از تو پس شکبیا شدند بر آنچه تکذیب شدند و آزار کشیدند تا رسیدشان یاری ما و نیست برگرداننده برای سخنان خدا و همانا رسیده است تو را از داستان پیمبران (۳۵) و اگر گران آید بر تو پشت کردن ایشان پس اگر توانی بیابی سوراخی در زمین یا نردبانی به آسمان پس بیاریشان آیتی و اگر می‌خواست خدا هر آینه گردشان می‌آورد بر هدایت پس نباش از نادانان (۳۶) جز این نیست که می‌پذیرند از تو آنان که می‌شنوند و مردگان را خدا برانگیزد سپس بسوی او باز گردانیده شوند (۳۷) گفتند چرا فرود نیامده است بر او آیتی از پروردگارش بگو همانا خدا توانا است که فرستد آیتی را

لیکن بیشتر ایشان نمی‌دانند (۳۸) نیست جنبنده‌ای در زمین و نه پرنده‌ای پروازکننده با بالهای خود جز ملتتهائی همانند شما فروگذار نکردیم در کتاب از چیزی سپس بسوی پروردگارشان گردآورده شوند (۳۹) و آنان که تکذیب کردند آیتهای ما را کران و گنگانند در تاریکی‌ها هر که را خدا خواهد گمراه کند و هر که را خواهد بگرداندش بر راهی راست (۴۰) بگو آیا دیدستید که اگر بیاید شما را عذاب خدا یا بیاید شما را قیامت آیا جز خدا را خوانید اگر هستید راستگویان (۴۱) بلکه او را می‌خوانید پس برمی‌دارد از شما آنچه را خوانیدش بسوی آن اگر خواهد و فراموش می‌کنید آنچه را شرک می‌ورزید (۴۲) و همانا فرستادیم بسوی مللی پیش از تو پس گرفتیمشان به پریشانی و رنجوری شاید زاری کنند (۴۳) چرا هنگامی که پیامدشان خشم ما زاری نکردند لیکن سنگین شد دلهای آنان و آراست برای ایشان شیطان آنچه را بودند عمل می‌کردند (۴۴) پس هنگامی که فراموش کردند آنچه را تذکر بدان داده شدند بگشودیم بر ایشان درهای همه چیز را تا گاهی که شاد شدند بدانچه داده شدند گرفتیمشان ناگهان ناگاه ایشانند سرافکندگان (۴۵) پس بریده شد دنباله گروهی که ستم کردند و سپاس خدای را پروردگار جهانیان (۴۶) بگو آیا نگریسته‌اید که اگر خدای بگیرد گوش و دیدگان شما را و مهر زند بر دلهای شما کیست خدائی جز خداوند که برگرداند آنها را به شما بنگر چگونه می‌گردانیم آیتها را سپس ایشان روی برمی‌گردانند (۴۷) بگو آیا دیدستید اگر بیاید شما را عذاب خدا ناگهان یا آشکارا آیا نابود می‌شوند جز گروه ستمکاران (۴۸) و نمی‌فرستیم فرستادگان را جز نویددهندگان و ترسانندگان پس آنان که ایمان آوردند و اصلاح کنند نیست بر ایشان بیمی و نه اندوهگین شوند (۴۹) و آنان که تکذیب کنند آیتهای ما را برسد بدیشان عذاب بدانچه بودند نافرمانی می‌کردند (۵۰) بگو نمی‌گویم برای شما که نزد من است گنجهای خدا و نه ناپیدا را دانم و نمی‌گویم برای شما منم فرشته پیروی نمی‌کنم جز آنچه را به من وحی شود بگو آیا یکسان است کور و بینا آیا نمی‌اندیشید (۵۱) و بیم ده بدان آنان را که می‌ترسند گردآورده شوند بسوی پروردگار خود نیستشان دوست و نه شفاعتگری جز او شاید ایشان پرهیز کنند (۵۲) و از خود نران آنان را که می‌خوانند پروردگار خود را بامدادان و شامگاه خواهان روی اویند نیست بر تو از حساب ایشان چیزی و نه از حساب تو است بر ایشان چیزی که برانی آنان را پس بشوی از ستمگران (۵۳) و بدینگونه آزمودیم برخی از ایشان را به برخی تا بگویند آیا اینانند که خدا منت نهاده است بر ایشان از میان ما آیا نیست خدا دانایانتر به سپاسگزاران (۵۴) و هرگاه در آیند بر تو آنان که ایمان آورند به آیتهای ما بگو سلام بر شما نوشت پروردگار شما بر خویشتن رحمت را که هر کس انجام دهد از شما بدی را به نادانی سپس باز گردد پس از آن و اصلاح کند همانا او است آمرزنده مهربان (۵۵) چنین تفصیل دهیم آیتها را و تا پدیدار شود راه گنهکاران (۵۶) بگو همانا نهی شدم از آنکه پرستش کنم آنان را که می‌خوانید جز خدا بگو پیروی نکنم خواسته‌های شما را که گمراه شوم در آن هنگام و نباشم از هدایت یافتگان (۵۷) بگو همانا من بر نشانه‌ای از پروردگار خویشم و شما تکذیب آن کردید نیست نزد من آنچه شتاب دارید بدان نیست حکم جز از آن خدا میسراید حق را و او است بهتر جداسازندگان (۵۸) بگو اگر نزد من بود آنچه بدان شتاب می‌کنید همانا می‌گذشت کار میان من و شما و خدا دانایانتر است به ستمگران (۵۹) و نزد او است کلیدهای ناپیدا که نداند آنها را جز او و می‌داند آنچه را در دشت و دریا است و نیفتد برگی جز آنکه بداندش و نه دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و نه تری و نه خشکی مگر در کتابی است آشکار (۶۰) و او است آنکه دریابد (بمیراند) شما را در شب و می‌داند آنچه را فراآوردید در روز سپس برانگیزاند شما را در آن تا بگذرد سرآمدی معین سپس بسوی او است بازگشت شما پس آگهی دهد شما را بدانچه بودید عمل می‌کردید (۶۱) و او است نیرومند بر فراز بندگان خود و می‌فرستد بر شما نگهبانانی تا گاهی که برسد یکی از شما را مرگ دریابندش فرستادگان ما و آنان فروگذار نمی‌کنند (۶۲) سپس باز گردانیده شوند بسوی خدا سرپرست ایشان حق همانا از آن وی است حکم و اوست شتابنده‌ترین حسابگران (۶۳) بگو که شما را رهائی دهد از تاریکی‌های دشت و دریا خوانیدش به زاری و نهان که اگر رها ساختی ما را از این باشیم البته از سپاسگزاران (۶۴) بگو خدا رهائی دهد شما را از آن و از هر اندوهی سپس شما بدو شرک همی‌ورزید (۶۵) بگو او است توانا بر آنکه بیانگیزاند بر شما عذابی از فراز شما یا از زیر پای‌های شما یا به هم اندازد شما

را گروه‌هایی و بچشاند بعضی را از شما آیان بعضی بنگر چگونه می‌گردانیم آیتها را شاید دریابند ایشان(۶۶) و دروغش شمردند قوم تو و آن است حقّ بگو نیستیم بر شما و کیل(۶۷) برای هر خبری است قرارگاهی و بزودی می‌دانید(۶۸) و هرگاه بینی آنان را که فرو روند در آیتهای ما پس روگردان از ایشان تا فرو روند در داستانی دیگر و اگر فراموشی آردت شیطان پس منشین پس از یاد آوردن با گروه ستمگران(۶۹) و نیست بر آنان که پرهیز می‌کنند از حساب ایشان چیزی و لیکن یاد آوردنی است شاید بترسند ایشان(۷۰) و بگذارید آنان را که گرفتند دین خود را بازی و هوسرانی و بفریفت ایشان را زندگانی دنیا و تذکر ده بدان تا سرافکنده نشود کسی بدانچه دست آورده است نیستش جز خدا دوست و نه شفاعتگری و اگر به جای خود دهد هر بدلی پذیرفته نشود از او آنانند که سرافکنده شدند بدانچه دست آوردند ایشان را است نوشابه‌ای از آب جوشان و شکنجه‌ای سخت بدانچه بودند کفر می‌ورزیدند(۷۱) بگو آیا خوانیم جز خدا آنچه را نه سود دهد ما را و نه آیان رساند و برگردیم بر پاشنه‌های خود پس از آنکه راهنمایی کرد ما را خدا مانند آنکه فریفتندش شیاطین در زمین سراسیمه وی را یارانی است که خوانندش بسوی هدایت به نزد ما بیا بگو همانا هدایت خدا است هدایت و امر شدیم که گردن نهیم برای پروردگار جهانیان(۷۲) و آنکه بیا دارید نماز را و بترسیدش و او است آنکه بسوی او گرد آورده شوید(۷۳) و او است آنکه آفرید آسمانها و زمین را به حقّ و روزی که گوید بشو پس بشود گفتار او است حقّ و از آن وی است پادشاهی روزی که دمیده شود در صور دانای نهان و پدیدار و اوست حکیم دانا(۷۴) و هنگامی که گفت ابراهیم به پدر خود آزر آیا می‌گیری بتان را خدایانی همانا می‌بینم تو و قوم را در گمراهی آشکار(۷۵) و بدینسان بنمایانیم به ابراهیم پادشاهی‌های آسمانها و زمین را و تا بگردد از یقین دارندگان(۷۶) آنگاه که فراگرفتش تاریکی شب دید ستاره‌ای را گفت این است پروردگار من و هنگامی که فرو نشست گفت دوست ندارم فرو روندگان را(۷۷) و هنگامی که دید ماه را تابنده گفت این است پروردگار من و گاهی که درون شد گفت اگر رهبریم نکند پروردگارم همانا می‌شوم از گروه گمراهان(۷۸) تا گاهی که دید خورشید را درخشان گفت این است پروردگار من این بزرگتر است سپس هنگامی که ناپدید شد گفت ای قوم همانا بیزارم از آنچه شما شرک می‌ورزید(۷۹) همانا برگرداندم روی خود را بسوی آنکه آفرید آسمانها و زمین را یکتاپرست و نیستم از شرک ورزندگان(۸۰) و ستیزه کردند با وی قومش گفت آیا با من ستیزه کنید در خدا حالی که هدایت کرده است و ترسم آنچه را شرک بدان ورزید جز آنکه بخواهد پروردگار من چیزی را فرا گرفته است پروردگارم همه چیز را به دانش آیا یاد نمی‌آوردید(۸۱) و چگونه ترسم آنچه را شرک ورزیدید و نترسید از آنکه شرک ورزیدید به خدا آن را که نفرستاده است بدان بر شما فرمانروائی‌ای پس کدام یک از دو گروه سزاوارترند به ایمن شدن اگر می‌دانید(۸۲) آنان که ایمان آوردند و نیالودند ایمان خویش را به ستم برای آنان است ایمنی و ایشانند هدایت‌شدگان(۸۳) و این است حجت ما که دادیمش به ابراهیم بر قوم او بالا- بریم پایه‌های هر که را خواهیم همانا پروردگار تو است حکیم دانا(۸۴) و ارزانی داشتیم بدو اسحق و یعقوب را هر کدام هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم از پیش و از نژاد او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را و بدینسان پاداش دهیم نیکوکاران را(۸۵) و زکریا و یحیی و عیسی و ایلاس را هر کدام از شایستگان(۸۶) و اسمعیل و ائیسع و یونس و لوط و هر کدام را برتری دادیم بر جهانیان(۸۷) و از پدران ایشان و فرزندان ایشان و برادران ایشان و برگزیدمیشان و رهبریشان نمودیم بسوی راهی راست(۸۸) این است هدایت خدا که رهبری کند بدان هر که را خواهد از بندگان خویش و اگر شرک می‌ورزیدند هر آینه سترده می‌شد از ایشان آنچه بودند می‌کردند(۸۹) آنانند که بدیشان دادیم کتاب و حکم و پیمبری را پس اگر بدان کفر ورزند آنان همانا نگهبان کردیم بر آن گروهی را که نیستند بدان کفر ورزندگان(۹۰) آنانند که رهبریشان نمود خدا پس به رهبریشان پیروی جوی بگو نخواهم از شما بر آن پاداشی نیست آن جز یادآوری برای جهانیان(۹۱) و ارج نهادند خدا را شایان ارجمندیش هنگامی که گفتند نفرستاده است خدا بر بشری چیزی را بگو که فرستاده است کتابی را که بیاورد موسی روشنائی و هدایتی برای مردم که می‌گردانیدش کاغذهائی که آنها را آشکار کنید و نهان کنید بسیاری را و آموخته شدید آنچه را نمی‌دانستید نه شما و نه پدران شما بگو خدا سپس بگذارشان

در فرورفتگی (سرگرمی) خویش بازی کنند (۹۲) و این است کتابی فرستادیمش فرخنده تصدیق کننده آنچه پیش روی او است و تا بترسانی مادرشهرها و آنان را که پیرامون آنند و آنان که ایمان آرند به آخرت ایمان آرند بدان حالی که بر نماز خویشند مواظبت کنندگان (۹۳) و کیست ستمگرتر از آنکه ببندد بر خدا دروغی یا گوید وحی رسیده است به من حالی که وحی نشده است بسوی او چیزی و کسی که گوید بزودی می فرستم همانند آنچه خدا فرستاده است و اگر (کاش) می دیدی هنگامی را که ستمگران در گردابهای مرگند و فرشتگان گشاینده اند دستهای خویش را برون دهید جانهای خود را امروز کیفر شوید به عذاب خواری بدانچه می گفتید بر خدا نادرست را و بودید از آیتهای او سرکشی می کردید (۹۴) و همانا آمدید ما را تنها چنانکه آفریدیمتان نخستین بار و باز گذاشتید آنچه را به شما دادیم پشت سر خویش و نینیم با شما شفیعان شما را آنان که پنداشتیدشان در شما شریکان همانا بگسیخت میان شما و گم شد از شما آنچه بودید می پنداشتید (۹۵) همانا خدا است شکافنده دانه و هسته برون آرد زنده را از مرده و برون آورنده است مرده را از زنده این است خدای شما پس کجا به دروغ رانده شوید (۹۶) شکافنده صبح و گردانید شب را آرامشی و مهر و ماه را شمارگرانی این است تقدیر خداوند عزیز دانا (۹۷) و او است آنکه نهاد برای شما ستارگان را تا هدایت شوید در تاریکی های دشت و دریا همانا تفصیل دادیم آیتها را برای گروهی که می دانند (۹۸) و او است آنکه آفرید شما را از یک تن پس پایدار و ناپایداری همانا تفصیل دادیم آیتها را برای گروهی که درمی یابند (۹۹) و او است آنکه فرستاد از آسمان آبی پس برون آوردیم با آن روئیدنی همه چیز را پس برون آوردیم از آن سبزه ای که برون آریم از آن دانه ای انبوه و از خرما بن از شکوفه آن خوشه ای نزدیک (فروود) و باغستانی از انگورها و زیتون و انار همانند و گوناگون بنگرید به میوه آن گاهی که باردهد و رسیدن آن همانا در این است آیتهایی برای گروهی که ایمان آورند (۱۰۰) و قرار دادند برای خدا شریکانی جنی که آفریدستشان و به هم بافتند برایش پسران و دخترانی به نادانی منز و برتر است خدا از آنچه می ستایند (۱۰۱) پدید آورنده آسمانها و زمین چگونه وی را فرزندی باشد و نبوده است برای او همسری و آفریده است همه چیز را و او است به هر چیزی دانا (۱۰۲) این است خدا پروردگار شما نیست خدائی جز او آفریننده همه چیز پس بپرستیدش و او است بر همه چیز نگهبان (۱۰۳) در نیابندش دیدگان و او دریابد دیدگان را و او است بخشنده آگاه (۱۰۴) همانا بیامد شما را بینشهایی از پروردگار شما پس آنکه بینا شود برای خویشتن است و آنکه نابینا شود بر خویشتن است و نیستم من بر شما نگهبان (۱۰۵) و بدینسان بگردانیم آیتها را و تا گویند درس خوانده ای و تا بیان کنیمش برای گروهی که می دانند (۱۰۶) پیروی کن آنچه را وحی شده است بسوی تو از پروردگارت نیست خدائی جز او و روی گردان از شرک و رزان (۱۰۷) و اگر می خواست خدا شرک نمی ورزیدند و نگردانیدیمت بر آنان نگهبان و نیستی تو بر ایشان وکیل (۱۰۸) و دشنام ندهید آنان را که جز خدا می خوانند تا دشنام دهند خدا را ستمگرانه به نادانی بدینگونه آراستیم برای هر گروهی کردار ایشان را سپس بسوی پروردگار ایشان است باز گشتشان تا آگهی شان دهد بدانچه بودند می کردند (۱۰۹) و سوگند یاد نمودند به خدا سخت ترین سوگندهای خود را که اگر بیایدشان آیتی هر آینه ایمان آرند بدان بگو جز این نیست که آیتها نزد خدا است و چه دانید (یا چه آگهی تان دهد) گاهی که آنها آیند ایمان نیارند ایشان (۱۱۰) و باز گون سازیم دلها و دیدگان ایشان را چنانکه ایمان نیاورند بدان نخستین بار و بگذاریمشان در سرکشی خود فرو روند (۱۱۱) و اگر فرستیم بسوی ایشان فرشتگان را و سخن گویند با ایشان مردگان و گرد آریم بر ایشان همه چیز را روبروی نیستند که ایمان آرند جز آنکه بخواهد خدا و لیکن بیشتر ایشان نمی دانند (۱۱۲) و بدینسان قرار دادیم برای هر پیمبری دشمنی شیاطین آدمی و پری که وحی فرستند بعضی از ایشان بسوی بعضی سخنان بیهوده را بفریب و اگر می خواست پروردگار تو نمی کردندش پس بگذارشان به آنچه دروغ می بندند (۱۱۳) و تا بشنوندش دلهای آنان که ایمان نمی آورند به آخرت و تا پسندش دارند و تا فراهم آرند از گناه آنچه ایشانند فراهم کنندگان (۱۱۴) آیا جز خدا داوری جویم و اوست آنکه فرستاد بسوی شما کتاب را به تفصیل و آنان که دادیمشان کتاب را دانند که آن است فروود آمده از پروردگار تو به حق پس نباش از شک کنندگان (۱۱۵) و انجام یافت سخن پروردگار تو به راستی و

داد نیست برگردانده‌ای برای سخنان او و او است شنونده دانا(۱۱۶) و اگر فرمانبری بیشتر آنان را که در زمینند گمراهت کنند از راه خدا پیروی نمی‌کنند جز گمان را و نیستند جز پندارندگان(۱۱۷) همانا پروردگار تو داناتر است بدانکه گمراه شود از راه او و او است داناتر به هدایت‌شدگان(۱۱۸) پس بخورید از آنچه برده شده است نام خدا بر آن اگر هستید به آیت‌های او ایمان آورندگان(۱۱۹) و چه شود شما را نخورید از آنچه نام خدا بر آن برده شده است حالی که تفصیل داده است برای شما آنچه را حرام کرده است بر شما جز آنچه ناگزیر شوید بدان و همانا بسیاری گمراه می‌کنند به هوسهای خود به نادانی و هرآینه پروردگار تو داناتر است به تجاوزکنندگان(۱۲۰) و رها کنید آشکار گناه و نهانش (یا برون گناه و درونش را) همانا آنان که فراهم آورند گناه را بزودی کیفر شوند بدانچه بودند فراهم می‌آوردند(۱۲۱) و نخورید از آنچه برده نشده است نام خدا بر آن و هرآینه آن است نافرمانی و همانا شیاطین وحی کنند بسوی دوستان خود تا درستیزند با شما و اگر فرمان برید ایشان را هرآینه باشید شرک‌ورزندگان(۱۲۲) آیا آنکه مرداری بود پس زنده‌اش کردیم و قرار دادیم برای او روشنائی که راه رود بدان در مردم همانند آن است که در تاریکی‌ها نیست برون آینده از آنها بدینسان آراسته شد برای کافران آنچه بودند می‌کردند(۱۲۳) و بدینسان نهادیم در هر شهر سران گنهکارانش را تا نیرنگ آرند در آن و نیرنگ نیاورند جز بر خویشان و درمی‌یابند(۱۲۴) و هرگاه بیایدشان آیتی گویند ایمان نیاریم تا آورده شویم همانند آنچه آورده شدند فرستادگان خدا داناتر است کجا نهد پیمبری خویش را بزودی رسد آنان را که گناه کردند خواری نزد خدا و عذابی سخت بدانچه بودند نیرنگ می‌باختند(۱۲۵) آن را که خواهد خدا هدایت کند بگشاید سینه او را برای اسلام و آن را که خواهد گمراه سازد بگرداند سینه‌اش را تنگ فشرده چنانکه گوئی سخت می‌رود به آسمان بدینسان نهد خدا پلید را بر آنان که ایمان نمی‌آوردند(۱۲۶) و این است راه پروردگار تو راست همانا تفصیل دادیم آیتها را برای گروهی که یادآور شوند(۱۲۷) آنان را است خانه آرامش نزد پروردگار خویش و او است دوست ایشان بدانچه بودند می‌کردند(۱۲۸) و روزی که گردشان آرد همگی ای گروه پری همانا فراوان گرفتید از آدمی و گفتند دوستان ایشان از آدمیان پروردگارا بهره‌مند شدند بعضی از ما به بعضی و رسیدیم سرآمدی را که برای ما نهادی گفت آتش است جایگاه شما جاودانان در آن جز آنچه خدا خواهد همانا پروردگار تو است حکیم دانا(۱۲۹) و بدینسان دوست گردانیم بعضی ستمگران را با بعضی بدانچه بودند فراهم می‌کردند(۱۳۰) ای گروه پری و آدمی آیا نیامد شما را فرستادگانی از شما که بسرایند بر شما آیت‌های مرا و بترسانند شما را از رسیدنتان بدین روز گفتند گواهی دادیم بر خویشان و بفریفتشان زندگانی دنیا و گواهی دادند بر خویش که بودند کافران(۱۳۱) این بدان است که نیست پروردگار تو نابودکننده شهرها به ستم حالی که باشند مردم آنها بی‌خبران(۱۳۲) و هرکدام را پایه‌هایی است از آنچه کردند و نیست پروردگار تو غافل از آنچه می‌کنند(۱۳۳) و پروردگار تو است بی‌نیاز مهربان اگر خواهد ببرد شما را و جانشین سازد پس از شما هرچه را خواهد چنانکه پدید آورد شما را از نژاد گروه دگران(۱۳۴) همانا وعده‌های شما است آینده و نیستید شما به عجز آرندگان(۱۳۵) بگو ای قوم بکنید هر آنچه توانید که منم کننده زود است بدانید که را است پایان خانه همانا رستگار نشوند ستمگران(۱۳۶) و قرار دادند برای خدا از آنچه بیافریده است از کشت و دامها بهره‌ای پس گفتند این برای خدا بر پندار ایشان و این برای شریکان پس آنچه برای شریکان ایشان است نرسد به خدا و آنچه برای خدا است برسد به شریکان ایشان چه زشت است آنچه حکم می‌کند(۱۳۷) و بدینسان آراستند برای بسیاری از مشرکان کشتن فرزندان‌شان را شریکان ایشان تا بلغزانندشان و تا آشفته سازند بر ایشان دینشان را و اگر می‌خواست خدا نمی‌کردندش پس بگذار ایشان را با آنچه دروغ می‌بندند(۱۳۸) و گفتند این است دامها و کشتی بازداشت شده نچشدش جز آنکه خواهیم پندار ایشان و دامهایی که حرام است پشتهای آنها و دامهایی که نبرند نام خدا را بر آنها به دروغ‌بستن بر او بزودی کیفرشان دهد بدانچه بودند دروغ می‌بستند(۱۳۹) و گفتند آنچه در شکمهای این دامها است مختص مردان ما است و حرام است بر همسران ما و اگر مرداری باشد پس ایشانند در آن شریکان بزودی کیفرشان دهد ستودن ایشان را همانا او است حکیم دانا(۱۴۰) همانا زیان کردند آنان که کشتند فرزندان خود را

بی‌خردانه به نادانی و حرام کردند آنچه را خدا روزیشان داده است به دروغ‌بستن بر خدا همانا گمراه شدند و نبودند از هدایت‌شدگان (۱۴۱) و او است آنکه پدید آورده است باغهای افراشته و نافرشته و خرمابن و کشت‌زار حالی که گوناگون است میوه (یا مزه) آن و زیتون و انار را همانند و ناهمانند بخورید از میوه آن هنگامی که میوه دهد و پردازید بهره آن را روز درویدنش و اسراف نکنید که او دوست ندارد اسراف کنندگان را (۱۴۲) و از دامها باربرنده و بستری را بخورید از آنچه روزی داده است شما را خداوند و پیروی نکنید گامهای شیطان را که او است برای شما دشمنی آشکار (۱۴۳) هشت جفت از میش دو و از بزغاله دو بگو آیا دو نر را حرام کرده است یا دو ماده را یا آنچه فراگرفته است زهدانهای دو ماده آگهی دهید مرا به دانائی اگر هستید راستگویان (۱۴۴) و از شتر دو و از گاو دو بگو آیا دو نر را حرام کرد یا دو ماده را یا آنچه را فراگرفت زهدانهای دو ماده یا بودید شما گواهان هنگامی که اندرز داد شما را خدا بدین پس کیست ستمگرتر از آنکه ببندد بر خدا دروغی را تا گمراه کند مردم را به نادانی همانا خدا هدایت نکند گروه ستمکاران را (۱۴۵) بگو نمی‌یابم در آنچه به من وحی شده است حرامی را برخوردارند که بخوردش جز آنکه مردار باشد یا خونی ریخته یا گوشت خوک که آن است پلید یا نافرمانی که نام جز خدا بر آن برده شده است پس آنکه ناچار شود نه ستمکار و نه تجاوزکننده همانا پروردگار تو است آمرزنده مهربان (۱۴۶) و بر آنان که جهود شدند حرام کردیم هر ناخن‌داری را و از گاو و گوسفند حرام کردیم بر ایشان پیه‌های آنها را جز آنچه بر گرفته است پشتهای آنها یا پشکلدانها یا آنچه آمیخته است با استخوان این را کیفر بدیشان دادیم به ستمگریشان و هرآینه مائیم راستگویان (۱۴۷) پس اگر تکذیب کردند بگو همانا پروردگار شما است خداوند رحمتی پهنار و برنگردد خشمش از گروه گنهکاران (۱۴۸) زود است گویند آنان که شرک ورزیدند اگر می‌خواست خدا مشرک نمی‌شدیم ما و نه پدران ما و نه حرام می‌کردیم چیزی را بدینسان تکذیب کردند آنان که پیش از ایشان بودند تا چشیدند خشم ما را بگو آیا نزد شما دانشی است که برون آریدش برای ما پیروی نمی‌کنید جز پندار را و نیستید شما جز گمان‌آوران (۱۴۹) بگو خدای را است حجت رسا و اگر می‌خواست هرآینه رهبری می‌کرد شما را همگی (۱۵۰) بگو بیارید گواهان خویش را که گواهی می‌دهند آنکه خدا حرام کرده است این را پس اگر گواهی دادند تو گواهی نده با ایشان و پیروی نکن هوسهای آنان را که تکذیب نمودند آیتهای ما را و آنان که ایمان نمی‌آورند به آخرت و ایشانند به پروردگار خویش شرک‌ورزان (۱۵۱) بگو بیایید بخوانم بر شما آنچه را که حرام کرده است پروردگار شما بر شما که شرک نورزید بدو چیزی را و به پدر و مادر نکوئی کنید و نکشید فرزندان خویش را از تنگدستی ما روزی دهیم شما و ایشان را و گرد ناشایسته‌ها (فواحش) نگردید آنچه آشکار است از آنها و آنچه نهان و نکشید تنی را که خدا حرام کرده است جز به حق این است آنچه خدا به شما اندرز داده است شاید به خرد یابید (۱۵۲) و نزدیک نشوید به دارائی یتیم جز بدانچه نکوتر است تا برسد به نیروهای (به جوانی) خویش خویش و پردازید پیمان و سنجش را به داد تکلیف نکنیم کسی را جز به مقدار توانائیش و هرگاه سخنی گفتید دادگری کنید اگرچه باشد خویشاوند و به پیمان خدا وفا کنید این است آنچه توصیه کرده است شما را بدان شاید یادآور شوید (۱۵۳) و آنکه این است راه من راست پس پیرویش کنید و پیروی نکنید راه‌ها را که پراکنده‌تان کند از راه او بدین توصیه کرده است شما را شاید پرهیزکاری کنید (۱۵۴) سپس دادیم به موسی کتاب را تمامی بر آنکه نکوکاری کرد (یا بر آنچه نکوئی کرد) و تفصیلی برای همه چیز و هدایت و رحمتی شاید به ملاقات پروردگار خود ایمان آرند (۱۵۵) و این است کتابی فرستادیمش فرخنده پس پیرویش کنید و پرهیزکاری کنید شاید رحم آورده شوید (۱۵۶) تا نگوئید جز این نیست که فرود آورده شد کتاب بر دو گروه پیش از ما و بودیم از درس گرفتشان بی‌خبران (۱۵۷) یا گوئید اگر بر ما فرستاده می‌شد کتاب هرآینه بودیم هدایت‌یافته‌تر از ایشان اینک پیامد شما را نشانی از پروردگار شما و هدایت و رحمتی پس کیست ستمگرتر از آنکه دروغ پندارد آیتهای خدا را و بازدارد از آنها بزودی پاداش دهیم آنان را که بازمی‌دارند از آیتهای ما عذاب زشت را بدانچه بودند بازمی‌داشتند (۱۵۸) آیا انتظار دارند جز آنکه بیابندشان فرشتگان یا بیابند پروردگار تو یا بیاید پاره‌ای از آیات پروردگار تو روزی که می‌آید پاره‌ای از آیات پروردگار تو سود

ندهد کسی را ایمان آوردنش اگر ایمان نیاورده است از پیش یا نیندوخته است در ایمان خود خبری را بگو پس منتظر باشید که ما ئیم منتظران (۱۵۹) همانا آنان که پراکنده ساختند دین خود را و شدند گروهائی نیستی تو از ایشان در چیزی جز این نیست که کار آنان با خدا است پس آگهی شان دهد بدانچه بودند می کردند (۱۶۰) آن کس که نکوئی آورد وی را است ده برابر آن و آن کس که زشتی آورد کیفر نشود جز همانند آن و ایشان ستم نمی شوند (۱۶۱) بگو همانا مرا هدایت کرده است پروردگارم بسوی راهی راست دینی استوار آئین ابراهیم یکتاپرست و نبوده است از شرک و رزان (۱۶۲) بگو همانا نماز من و پرستش من و زندگیم و مرگم از آن خداوند است پروردگار جهانیان (۱۶۳) نیست انبازی برای او و بدان مأمور شدم و منم نخستین اسلام آرندگان (۱۶۴) بگو آیا جز خدا پروردگاری جویم و او است پروردگار همه چیز و نیندوزد هر کسی جز بر خویشتن و بر ندارد باربری بار دگری را پس بسوی پروردگار شما است بازگشت شما تا آگهی تان دهد بدانچه بودید در آن اختلاف می کردید (۱۶۵) و او است آنکه گردانید شما را جانشینان زمین و برتری داد گروهی از شما را بر گروهی پایه هائی تا بیازمایندتان در آنچه به شما داده است همانا پروردگار تو است زودشکنجه (شتابنده در عقوبت) و همانا او است آمرزنده مهربان (۱۶۶)

الأعراف

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) [المص] (۲) کتابی است که فرستاده شده است بسوی تو پس نباشد در سینهات تنگی از آن تا بترسانی بدان و یاد آوردنی است برای مؤمنان (۳) پیروی کنید آنچه را فرستاده شده است بسوی شما از پروردگارتان و پیروی نکنید جز آن دوستانی را چه کم یادآور می شوید (۴) و بسا شهری که نابودش ساختیم پس بیامدش خشم ما شبانگاه یا به خواب نیمروز بودند (۵) پس نبود سخن ایشان هنگامی که بیامدشان خشم ما جز آنکه گفتند همانا بودیم ما ستمگران (۶) پس خواهیم پرسید آنان را که به سویشان فرستاده شد و خواهیم پرسید از فرستادگان (۷) سپس هر آینه فرامی خوانیم بر ایشان به دانش و نبودیم ما غائبان (۸) و سنجش در آن روز حق است پس آنکه سنگین شود ترازوهایش آنانند رستگاران (۹) و آنکه سبک گردد ترازوهایش آنانند که زیان کردند خویشتن را بدانچه بودند به آیت های ما ستم می کردند (۱۰) همانا جایگزین ساختیم شما را در زمین و نهادیم در آن روزی هائی برای شما چه کم شکر گزارید (۱۱) و همانا آفریدیمتان پس صورتگریتان کردیم و سپس گفتیم به فرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند جز ابلیس که نشد از سجده کنندگان (۱۲) گفت چه چیز بازداشت که سجده نیاوردی گاهی که فرمودیمت گفت که من بهترم از او مرا از آتش آفریدی و او را از گل (۱۳) گفت فرود شو از آن نرسد تو را که کبر ورزی در آن پس برون شو که توئی از سرافکنندگان (۱۴) گفت مهلتم ده تا روزی که برانگیخته شوند (۱۵) گفت همانا توئی از مهلت دادگان (۱۶) گفت پس بدانکه مرا گمراه کردی همانا در کمینشان نشینم بر راه راست تو (۱۷) سپس بر ایشان درآیم از پیش رویشان و از پشت سرشان و از راستها و چپهای ایشان و نیابی بیشتر ایشان را شکر گزاران (۱۸) گفت برون شو از آن نکوهیده سرافکننده هر آنکه تو را پیروی کند از ایشان همانا پر سازم دوزخ را از شما همگی (۱۹) و ای آدم بیارام تو و همسرت در بهشت پس بخورید از هر جا خواهید و نزدیک نشوید بدین درخت که می شوید از ستمگران (۲۰) پس بفریفتشان شیطان تا بنمایاند بدیشان آنچه را نهان بود از ایشان از عورت های ایشان و گفت همانا نهی نکرده است شما را پروردگارتان از این درخت مگر تا نباشید دو فرشته یا باشید از جاودانان (۲۱) و سوگند آوردشان که منم برای شما از اندر دهندگان (۲۲) پس سرنگونشان ساخت به فریب تا گاهی که چشیدند از آن درخت پدیدار شد برای ایشان عورت هایشان و آغاز کردند گرد می آوردند بر خود از برگ های بهشت و بانگ زد بدیشان پروردگارشان که آیا نهی نکردم شما را از این درخت و نگفتم به شما که شیطان برای شما دشمنی است آشکار (۲۳) گفتند بار پروردگارا ستم کردیم خویش را و اگر نیامرزی ما را و رحم نکنی بر ما هر آینه باشیم از زیانکاران (۲۴) گفت فرودشوید گروهی از شما دشمن گروهی و شما را است در زمین قرارگاه و بهره ای تا زمانی (۲۵) گفت در آن زندگی می کنید و در آن می میرید و از

آن بیرون آورده شوید (۲۶) ای فرزندان آدم همانا فرستادیم بر شما جامه که بپوشد عورت‌های شما را و ساز و برگ و لباس پرهیزکاری بهتر است این است از آیت‌های خدا شاید یادآور شوند (۲۷) ای فرزندان آدم نفرید شما را شیطان چنانکه برون کرد پدر و مادر شما را از بهشت برمی‌کند از ایشان رخت ایشان را تا بنماید بدیشان عورت‌های ایشان را همانا بیند شما را او و کسانش چنانکه بیندشان همانا گردانیدیم شیاطین را دوستانی برای آنان که ایمان نمی‌آورند (۲۸) و هرگاه فحشائی (ناشیسته‌ای) مرتکب شوند گویند یافتیم بر آن پدران خویش و خدایمان بدان فرمود بگو همانا خدا امر نکند به فحشاء آیا بر خدا گوئید آنچه را نمی‌دانید (۲۹) بگو پروردگارم امر کرده است به دادگری و راست کنید روی‌های خود را نزد هر پرستشگاهی و بخوانیدش پاک‌دارندگان برای او دین را بدانسان که آغازتان کرده است برمی‌گردید (۳۰) گروهی را هدایت کرد و بر گروهی بیفتاد گمراهی همانا ایشان برگرفتند شیاطین را دوستانی جز خدا و پنداشتند که ایشانند هدایت‌یابندگان (۳۱) ای فرزندان آدم برگزید زینت خود را نزد هر پرستشگاهی و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا دوست ندارد اسراف‌کنندگان را (۳۲) بگو که حرام کرده است زینت خدا آن را که برون آورده است برای بندگان خویش و پاکیزه‌ها را از روزی بگو آنها از آن کسانی است که ایمان آوردند در زندگانی دنیا مخصوص بدیشان در روز رستاخیز چنین تفصیل دهیم آیتها را برای گروهی که می‌دانند (۳۳) بگو جز این نیست که حرام کرده است پروردگار من فواحش را آنچه آشکار است از آنها و آنچه نهان و گناه و ستمگری را به ناحق و آنکه شریک برای خدا گردانید آنها که نفرستاده است بدان فرمانروایی و آنکه گوئید بر خدا آنچه را نمی‌دانید (۳۴) و برای هر ملتی است سرآمدی که هرگاه رسدشان سرآمدشان نه دیر کنند ساعتی و نه پیشی گیرند (۳۵) ای فرزندان آدم اگر بیاید شما را فرستادگانی از شما که فروخوانند بر شما آیت‌های مرا پس آنکه پرهیزکاری کند و اصلاح کند نیست بیمی بر ایشان و نه اندوهگین شوند (۳۶) و آنان که تکذیب کنند آیت‌های ما را و سرپیچند از آنها آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان (۳۷) پس کیست ستمگرتر از آنکه دروغ بندد بر خدا یا دروغ پندارد آیت‌های او را اینان را رسد بهره ایشان از کتاب تا گاهی که در آیند بر ایشان فرستادگان ما یابندشان گویند کجا است آنکه بودید می‌خواندید جز خدا گویند گم شدند از ما و گواهی دادند بر خویشان که ایشان کافران (۳۸) گفت در آئید در ملت‌هایی که گذشتند پیش از شما از پری و آدمی در آتش هرگاه در آید ملتی لعن کند دیگری را تا گاهی که گرد آیند همگی در آن گوید آخرینشان برای اولین پروردگارا اینان گمراهان کردند پس بده ایشان را عذابی دوبرابر در آتش گوید برای هر کدام است دوبرابر لیکن نمی‌دانید (۳۹) و گوید اولیشان برای آخرینشان نبود شما را برتری بر ما پس بچشید عذاب را بدانچه بودید فراهم می‌کردید (۴۰) همانا آنان که تکذیب کردند آیت‌های ما را و سرپیچیدند از آنها گشوده نشود برای ایشان درهای آسمان و درنایند به بهشت تا برود اشتر در سوراخ سوزن بدینسان کیفر دهیم به گنهکاران (۴۱) ایشان را است در دوزخ آرامگاه‌هایی و از فرازشان پوشهایی و چنین کیفر دهیم ستمکاران را (۴۲) و آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند تکلیف نکنیم کس را جز به اندازه توانایش آنانند یاران بهشت ایشانند در آن جاودانان (۴۳) و برانداختیم آنچه در سینه‌های ایشان است از کینه روان شود از زیر ایشان جوی‌ها و گویند سپاس خداوندی را که ما را بدین هدایت نمود و نبودیم هدایت یابیم اگر نه هدایت می‌کرد ما را خدا همانا آمدند فرستادگان پروردگار ما به حق و خوانده شدند که اینک بهشت ارث داده شدید بدانچه بودید می‌کردید (۴۴) و بانگ برآوردند یاران بهشت به یاران آتش که همانا یافتیم آنچه وعده داد به ما پروردگار ما حق آیا یافتید آنچه وعده داده به شما پروردگارتان حق گفتند بلی پس بانگ داد بانگ دهنده‌ای میان ایشان که لعنت خدا باد بر ستمگران (۴۵) آنان که بازدارند از راه خدا و خواهندش کج و ایشانند به آخرت کافران (۴۶) و میان ایشان است حجابی و بر اعراف مردانی که بشناسند هر کدام را به سیمای ایشان و ندا کردند یاران بهشت را که سلام بر شما درون نشدندش حالی که طمع داشتند (۴۷) و هرگاه گردانیده شود روی‌های ایشان بسوی یاران آتش گویند پروردگارا نگردان ما را با گروه ستمکاران (۴۸) و بانگ دهند یاران اعراف مردانی را که بشناسندشان به سیمایشان گویند بی‌نیازتان نکرد گردآوردنتان و آنچه بودید کبر

می‌ورزیدید (۴۹) آیا اینانند آنان که سوگند آوردید که نرساندشان خدا به رحمتی در آئید بهشت را نیست بر شما بیمی و نه اندوهگین شوید (۵۰) و خواندند یاران آتش یاران بهشت را که بریزید بر ما از آب یا از آنچه روزیتان داده است خدا گویند همانا حرام کرده است خدا آنها را بر کافران (۵۱) آنان که گرفتند دین خود را هوسرانی و بازیچه و بفریفتشان زندگی دنیا پس امروز فراموششان کنیم بدانسان که فراموش کردند رسیدنشان را بدین روز و آنکه بودند آیتهای ما را انکار می‌کردند (۵۲) و همانا آوردیمشان به کتابی که تفصیلش دادیم بر دانش هدایت و رحمتی برای قومی که ایمان آرند (۵۳) آیا انتظاری جز تأویل آن دارند روزی که رسد تأویلش گویند آنان که فراموشش نمودند از پیش همانا پیامد فرستادگان پروردگار ما به حقّ آیا ما را است شفیعی که شفاعت کنند برای ما یا بازگردانیده شویم تا بکنیم جز آنچه را بودیم می‌کردیم همانا زیان کردند خویشان را و گم شد از ایشان آنچه بودند دروغ می‌بستند (۵۴) همانا پروردگار شما خداوندی است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز سپس پرداخت به عرش می‌پوشاند (فرامی‌گیرد) شب را به روز که در پی آن است به شتاب و مهر و ماه و ستارگان مسخرند به فرمانش همانا او راست آفرینش و امر بزرگ است خداوند پروردگار جهانیان (۵۵) بخوانید پروردگار خویش را به زاری و نهان که او دوست ندارد تجاوزگران را (۵۶) و فساد نکنید در زمین پس از اصلاحش و بخوانیدش از راه بیم و امید همانا رحمت خدا نزدیک است به نیکوکاران (۵۷) و او است آنکه فرستد بادها را مژده‌ای پیش روی رحمتش تا گاهی که بردارند ابرهائی سنگین برانیمش بسوی شهری مُرده تا فرود آریم بدان آب را پس برون آوریم بدان از هر میوه بدینسان برون آوریم مردگان را شاید یادآور شوید (۵۸) و شهر پاک برون آید رستیش به اذن پروردگار و آنی که پلید است برون نیاید جز ناچیزی پست بدینسان بگردانیم آیتها را برای قومی که شکر گزارند (۵۹) همانا فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم پرستش کنید خدا را نیست شما را خدائی جز او همانا بیمناکم بر شما از عذاب روزی بزرگ (۶۰) گفتند توده قومش هر آینه می‌بینیم در گمراهی آشکار (۶۱) گفت ای قوم نیست به من گمراهی ای لیکن منم فرستاده از پروردگار جهانیان (۶۲) که می‌رسانم به شما پیامهای پروردگار خویش را و اندرز گویم شما را و می‌دانم از خدا آنچه نمی‌دانید (۶۳) و آیا شکفت ماندید که پیامدتان یادآوری از پروردگارتان بر مردی از شما که بیم دهد شما را و تا پرهیزکاری کنید و شاید رحم آورده شوید (۶۴) پس دروغگویش شمرند پس نجاتش دادیم و آنان را که با وی بودند در کشتی و غرق کردیم آنان را که تکذیب کردند آیتهای ما را چه همانا بودند گروهی کوران (۶۵) و بسوی عاد برادرشان هود را گفت ای قوم پرستش کنید خدا را نیستان خدائی جز او آیا نمی‌ترسید (۶۶) گفتند گروهی که کفر ورزیدند از قومش می‌نگریم همانا در بی‌خردی و پنداریمت هر آینه از دروغگویان (۶۷) گفت ای قوم نیست به من بی‌خردی و لیکن منم فرستاده از پروردگار جهانیان (۶۸) که می‌رسانم به شما پیامهای پروردگار خود را و منم برای شما اندرز گوئی امین (۶۹) و آیا شکفت ماندید که آمد شما را یادآوری از پروردگارتان بر مردی از شما تا بیمتان دهد و یاد بیاورید گاهی را که گردانیدتان جانشینانی پس از قوم نوح و ییغزودتان سطبری در آفرینش پس یاد آرید نعمتهای خدا را شاید رستگار شوید (۷۰) گفتند آیا ما را آمدی که پرستش کنیم خدای را تنها و رها کنیم آنچه را می‌پرستیدند پدران ما پس بیاور ما را آنچه به ما وعده دهی اگر هستی از راستگویان (۷۱) گفت همانا افتاد بر شما از پروردگارتان چرک و خشم آیا با من می‌ستیزید در نامهایی که نامیدید آنها را شما و پدران شما نفرستاده است خدا بدانها فرمانروایی پس منتظر باشید که منم با شما از منتظران (۷۲) پس نجات دادیم او و آنان که با وی بودند به رحمتی از ما و بریدیم دنباله آنان را که تکذیب کردند آیتهای ما را و نبودند مؤمنان (۷۳) و بسوی ثمود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من پرستش کنید خدا را نیست شما را خدائی جز او همانا پیامدتان نشانی‌ای از پروردگار شما اینک اشتر خدا آیتی برای شما پس بگذاریدش بچرد در زمین خدا و گردش به بدی نگردید که می‌گیرد شما را عذابی دردناک (۷۴) و یاد آرید هنگامی را که گردانیدتان جانشینانی پس از عاد و جایگزینتان کرد در زمین که می‌گرفتید از هموارهای آن کاخهایی و می‌بریدید از کوه‌ها خانه‌هایی پس یاد آرید نعمتهای خدا را و نکوشید در زمین تبهکاران (۷۵) گفتند آن گروه که کبر ورزیدند از

قومش بدانان که ناتوان شمرده شدند بدانان که ایمان آوردند از ایشان آیا دانید که صالح است فرستاده‌ای از پروردگار خود گفتند مائیم بدانچه او فرستاده شده است بدان ایمان آرند گان (۷۶) گفتند آنان که کبر ورزیدند مائیم بدانچه شما ایمان آوردید بدان کافران (۷۷) پس پی کردند شتر را و سرکشی نمودند از فرمان پروردگار خود و گفتند ای صالح بیار ما را آنچه وعده دهی به ما اگر هستی از فرستادگان (۷۸) پس بگرفتشان زمین لرزشی که گردیدند در خانه خود مردگان (۷۹) پس پشت کرد بدیشان و گفت ای قوم همانا ابلاغ کردم به شما پیام پروردگار خود را و اندر زتان گفتم لیکن نیستید دوستدار اندرزگویان (۸۰) و لوط را هنگامی که گفت به قوم خود آیا فحشاء (ننگ) آورید که پیشی نگرفته است شما را بدان کسی از جهانیان (۸۱) همانا شما بر مردان به شهوت درآئید نه زنان بلکه شمائید گروهی اسراف کنندگان (۸۲) و نبود پاسخ قومش جز آنکه گفتند برون رانیدشان از شهر خود که اینانند مردمی پاکیزگی جویان (۸۳) پس نجات دادیم او و خاندانش را مگر همسرش که شد از گذشتگان (۸۴) و باریدیم بر آنان بارانی پس بنگر چگونه شد فرجام گنہکاران (۸۵) و بسوی مدین برادرشان شعیب را گفت ای قوم پرستش کنید خدا را نیستان خداوندی جز او همانا بیامد شما را نشانه‌ای از پروردگار شما پس تمام دهید پیمان و سنجش را و کم ندهید به مردم چیزهای ایشان را و تبهکاری نکنید در زمین پس از اصلاحش این بهتر است برای شما اگر هستید مؤمنان (۸۶) و ننشینید بر هر راهی تا بترسانید و بازدارید از راه خدا هر که را ایمان بدان آورده است و بخواهیدش کج و یاد آرید هنگامی را که کم بودید پس بیفزودتان و بنگرید چگونه بود فرجام تبهکاران (۸۷) و اگر باشند گروهی از شما ایمان آورده بدانچه فرستاده شدم بدان و گروهی ایمان نیاورده باشند پس صبر کنید تا حکم کند خدا میان ما و او است بهترین حکم کنندگان (۸۸) گفتند گروهی که کبر ورزیدند از قومش هر آینه برون رانیمت ای شعیب و آنان را که ایمان آوردند با تو از شهر خود مگر برگردید در ملت ما گفت آیا هر چند باشیم ناخوش دارند گان (۸۹) همانا بسته‌ایم بر خدا دروغی را اگر باز گردیم در ملت شما پس از آنکه نجاتمان داد خدا از آن و نرسد ما را که باز گردیم در آن مگر بخواهد خدا پروردگار ما فرا گرفته است پروردگار ما همه چیز را به دانش بر خدا توکل کردیم پروردگار ما بگشای میان ما و قوم ما به حق و توئی بهترین گشاینده گان (۹۰) و گفتند آن گروه که کافر شدند از قومش اگر پیروی کنید شعیب را همانا شمائید در آن هنگام زیانکاران (۹۱) پس بگرفتشان زمین لرزشی که گردیدند در خانه خود مردگان (۹۲) آنان که تکذیب کردند شعیب را گوئیا نشیمن نگزیدند در آن آنان که تکذیب کردند شعیب را بودند زیانکاران (۹۳) پس روی گردانید از ایشان و گفت ای قوم همانا ابلاغ نمودم به شما پیامهای پروردگار خود را و اندرز گفتم شما را پس چگونه افسوس خورم بر گروه کافران (۹۴) و نفرستادیم در شهری پیمبری را جز آنکه گرفتیم مردمش را به سختی و رنج شاید به زاری آیند (۹۵) سپس تبدیل کردیم به جای بدی نیکی را تا برآسودند و گفتند همانا رسیده است به پدران ما رنج و سختی پس گرفتیمشان ناگهان حالی که نمی دانستند (۹۶) و اگر مردم شهرها ایمان می آوردند و پرهیزکاری می نمودند هر آینه می گشودیم بر ایشان بر کتهائی را از آسمان و زمین لیکن تکذیب نمودند پس گرفتیمشان بدانچه بودند دست می آوردند (۹۷) آیا ایمن شدند مردم شهرها که بیایدشان خشم ما شبانه حالی که ایشانند به خواب اندران (۹۸) یا ایمن شدند مردم شهرها که بیایدشان خشم ما روزانه حالی که آنانند بازی کنان (۹۹) پس آیا ایمن شدند مکر خدا را که ایمن نشود مکر خدا را جز گروه زیانکاران (۱۰۰) آیا رهبری نشد برای آنان که ارث می برند زمین را پس از اهلش که اگر می خواستیم هر آینه می گرفتیمشان به گناهانشان و مهر می زدیم بر دلهای ایشان چنانکه نشنوند (۱۰۱) این شهرها می سرائیم بر تو از داستانهای آنها و همانا بیامدشان فرستادگان به نشانی ها پس نبودند که ایمان آرند بدانچه تکذیب کردند از پیش بدینگونه مهر نهاد خدا بر دلهای کافران (۱۰۲) و نیافتیم برای بیشترشان عهدی و بیافتیم بیشترشان را نافرمانان (۱۰۳) سپس برانگیختیم پس از ایشان موسی را به آیتهای ما بسوی فرعون و قومش پس ستم نمودند بدانها بنگر تا چگونه شد فرجام تبهکاران (۱۰۴) و گفت موسی ای فرعون همانا منم فرستاده از پروردگار جهانیان (۱۰۵) سزاوارم بر آنکه نگویم بر خدا جز حق را همانا آوردم شما را نشانی از پروردگار شما پس بفرست با من بنی اسرائیل را (۱۰۶) گفت اگر آیتی آورده‌ای پس بیارش اگر هستی از راستگویان (۱۰۷) پس

بیفکنند عصایش را ناگاه آن اژدهائی است آشکار (۱۰۸) و برآورد دستش را ناگهان آن پرتوی است برای بینندگان (۱۰۹) گفتند توده‌ای از قوم فرعون این است جادوگری دانشمند (۱۱۰) که خواهد برون راند شما را از سرزمینتان تا چه امر کنید (۱۱۱) گفتند بگذار او و برادرش را و بفرست در شهرها گردآورندگان (۱۱۲) تا آرندت به هر جادوگری دانا (۱۱۳) و بر فرعون درآمدند جادوگران گفتند همانا ما را است پاداشی اگر شدیم پیروزمندان (۱۱۴) گفت آری و همانا شمائید از مقربان (۱۱۵) گفتند ای موسی یا تو افکن و یا ما باشیم افکنندگان (۱۱۶) گفت بیفکنید پس گاهی که افکندند افسون نمودند (بستند) دیدگان مردم را و بترسانندشان و آوردند جادوئی گران (۱۱۷) و وحی نمودیم به موسی که بیفکن عصای خویش را ناگهان فروبرد آنچه را دروغ آوردند (۱۱۸) پس بیامد حق و باطل شد آنچه بودند می‌کردند (۱۱۹) پس شکست خوردند در آن هنگام و بازگشتند سرافکنندگان (۱۲۰) و بیفتادند جادوگران سجده کنندگان (۱۲۱) گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان (۱۲۲) پروردگار موسی و هارون (۱۲۳) گفت فرعون آیا ایمان آوردید بدو پیش از آنکه اذنتان دهم همانا آن نیرنگی است که شما در شهر باختید تا برون رانید از آن مردمش را زود است بدانید (۱۲۴) همانا سخت بیزم دستها و پاهای شما را از برابر (دست راست پای چپ) سپس به دارتان کشم همگی (۱۲۵) گفتند همانا مائیم بسوی پروردگار خود بازگشت کنان (۱۲۶) و کین نورزی با ما جز بدانکه ایمان آوردیم به آیتهای پروردگار ما گاهی که بیامدند ما را پروردگارا بریز بر ما شکیبائی را و دریاب ما را مسلمانان (۱۲۷) و گفتند توده‌ای از قوم فرعون آیا می‌گذاری موسی و قومش را تا فساد کنند در زمین و بگذارند تو و خدایانت را گفت بزودی زار بکشیم فرزندان ایشان را و بگذاریم زنانشان را و همانا مائیم بر فراز ایشان نیرومندان (۱۲۸) گفت موسی به قوم خود کمک جوئید از خدا و شکیا شوید همانا زمین از آن خدا است ارث دهدش به هر که از بندگان خود که خواهد و پایان است برای پرهیزکاران (۱۲۹) گفتند آزرده شدیم پیش از آنکه بیائی ما را و پس از آنکه بیامدی ما را گفت امید است پروردگار شما نابود کند دشمن شما را و جانشینان سازد در زمین تا بنگرد چگونه می‌کنید (۱۳۰) و هر آینه بگرفتیم خاندان فرعون را به قحطی و کاهشی از میوه‌ها شاید یادآور شوند (۱۳۱) پس گاهی که بیامدشان خوشی گفتند از آن ما است این و اگر می‌رسیدشان بدی شوم می‌گرفتند موسی را و آنان را که با وی بودند همانا شومی ایشان نزد خدا است لیکن بیشترشان نمی‌دانند (۱۳۲) و گفتند هرچند بیاری ما را آیتی که ما را بدان افسون کنی نباشیم به تو ایمان آرندگان (۱۳۳) پس فرستادیم بر ایشان طوفان و ملخ و شیشه (آفتی که در گندم به هم رسد) و غوک و خون را آیتهای جدا جدا پس کبر ورزیدند و شدند قومی گنهکاران (۱۳۴) و هنگامی که افتاد بر ایشان چرک گفتند ای موسی بخوان برای ما پروردگار خویش را بدانچه به نزد تو سپرده است که اگر برداری از ما چرک را هر آینه ایمان آریم به تو و با تو فرستیم بنی‌اسرائیل را (۱۳۵) و هنگامی که برداشتیم از ایشان چرک را تا سرآمدی که ایشانند بدان رسنده ناگهان ایشانند پیمان‌شکنان (۱۳۶) پس کین کشیدیم از ایشان و غرقشان نمودیم در دریا بدانچه تکذیب کردند آیتهای ما را و بودند از آنها غفلت کنان (۱۳۷) و ارث دادیم به گروهی که ناتوان شمرده می‌شدند خاورها و باخترهای زمین را که در آنها برکت نهادیم و انجام گرفت سخن پروردگارت نکوی بر بنی‌اسرائیل بدانچه شکیا شدند و واژگون ساختیم آنچه را می‌ساختند فرعون و قومش و آنچه می‌افراشتند (۱۳۸) و گذراندیم بنی‌اسرائیل را از دریا تا رسیدند به قومی که گرد می‌آمدند بر بتانی از آن خود گفتند ای موسی قرار ده برای ما خدائی چنانکه برای اینان است خدایانی گفت هر آینه شمائید گروهی نادانان (۱۳۹) همانا اینان تباه است آنچه در آن اندرند و باطل است آنچه می‌کنند (۱۴۰) گفت آیا جز خدا برای شما خدائی جویم و او برتری داده است شما را بر جهانیان (۱۴۱) و هنگامی که نجات دادیم شما را از خاندان فرعون که روا می‌داشتند بر شما عذاب زشت را به سختی می‌کشتند فرزندان شما را و می‌گذاشتند زنان شما را و در این بود بلائی از پروردگار شما گران (۱۴۲) و وعده نهادیم با موسی سی شب و تکمیل آن کردیم به ده‌تا تا تمام شد میعاد پروردگار او چهل شب و گفت موسی به برادرش هارون جانشینم باش در قوم و اصلاح کن و پیروی مکن از راه فسادکاران (۱۴۳) و هنگامی که آمد موسی به وعده‌گاه ما و سخن گفت با او پروردگارش گفت پروردگارا مرا بنمایان که

بنگرم بسوی تو گفت هرگز نخواهی مرا دید و لیکن بنگر بسوی کوه تا اگر آرام گرفت بر جای خود بزودی مرا بینی پس گاهی که تابید پروردگار او به کوه گردانیدش هموار (پست) و بیفتاد موسی بیهوش و هنگامی که به هوش آمد گفت منزهی تو باز گشتم بسوی تو و منم نخستین ایمان آرندگان (۱۴۴) گفت ای موسی همانا برگزیدمت بر مردم به پیامهای خود و به سخن خود پس برگیر آنچه را به تو دادم و باش از شکر گزاران (۱۴۵) و نوشتیم برایش در الواح از هر چیزی اندرز و تفصیلی برای همه چیز پس برگیر آن را به نیرو و بفرمای قومت را تا گیرند بهترین آن را بزودی بنمایانم شما را خانه فاسقان (۱۴۶) بزودی باز گردانم از آیتهای خود آنان را که تکبر کنند در زمین به ناحق و اگر بینند هر آیتی ایمان نیارند بدان و اگر بینند راه رهبری را نگیرندش راه و اگر بینند راه گمراهی را نگیرندش راه این بدان است که تکذیب کردند آیتهای ما را و بودند از آنها غافلان (۱۴۷) و آنان که تکذیب کردند به آیتهای ما و رسیدن آخرت تباه شده است اعمال ایشان آیا پاداش داده می شوند جز آنچه را بودند می کردند (۱۴۸) و برگرفتند قوم موسی پس از او از زیور خود گوساله ای را کالبدی که او راست بانگی آیا ندیدند که سخن نگوید با ایشان و نه رهبریشان کند به راهی برگرفتندش و بودند ستمگران (۱۴۹) و هنگامی که افتاد در دست ایشان و دیدند که گمراه شدند گفتند اگر رحم نکند بر ما پروردگار ما و نیامرزد ما را همانا باشیم از زیانکاران (۱۵۰) و هنگامیکه برگشت موسی بسوی قوم خود خشمگین اسفاک گفت چه زشت است آنچه جانشینم ساختید (بجای آوردید) پس از من آیا شتاب گرفتید امر پروردگار خود را و افکند الواح را و بگرفت سر برادر خویش را می کشیدش بسوی خود گفت ای فرزند مادر همانا قومم ناتوانم گرفتند و نزدیک شد بکشندم پس شاد کام نگردان به من دشمنان را و نگردانم با گروه ستمکاران (۱۵۱) گفت پروردگارا بیامرز برای من و برادرم و درآور ما را به رحمت خود و توئی مهربانترین مهربانان (۱۵۲) همانا آنان که برگرفتند گوساله را بزودی رسدشان خشمی از پروردگارشان و خواری در زندگانی دنیا و چنین کیفر دهیم به دروغ آوران (۱۵۳) و آنان که بدی ها کرده اند پس توبه کردند از آن پس و ایمان آوردند همانا پروردگار تو است پس از آن آمرزنده مهربان (۱۵۴) و هنگامی که فرونشست از موسی خشم بگرفت الواح را و در نسخه آنها هدایت و رحمتی است برای آنان که از پروردگار خویشند هراسان (۱۵۵) و برگزید موسی قومش را هفتاد مرد برای وعده گاه ما و هنگامی که بگرفتشان لرزش گفت پروردگارا اگر می خواستی نابود می کردی ایشان را و مرا از پیش آیا ما را نابود کنی بدانچه بی خردان از ما کردند نیست این جز فتنه تو (آزمایش تو) گمراه کنی بدان هر که را خواهی و هدایت کنی هر که خواهی توئی سرپرست ما پس بیامرز ما را و رحم کن بر ما و توئی بهترین آمرزندگان (۱۵۶) و بنویس برای ما در این دنیا نیکی و در آخرت نیکی همانا هدایت شدیم بسوی تو گفت عذاب من رسانم بدان هر که را خواهم و رحمتم فرا گرفته است همه چیز را زود است بنویسمش برای آنان که پرهیزکاری کنند و بدهند آکا را و آنان که به آیتهای ما ایمان آرند (۱۵۷) آنان که پیروی کنند پیمبر فرستاده درس ناخوانده ای را که می یابندش نوشته نزد ایشان در تورا و انجیل امرشان کند به نیکی و نهیشان کند از بدی و حلال کند برای ایشان پاکها را و حرام کند بر ایشان پلیدها را و بنهد از ایشان بارشان و آن زنجیرهایی را که بر ایشان بوده است پس آنان که ایمان بدو آوردند و ارجمندش (گرامیش) داشتند و یاریش کردند و پیروی کردند روشنائی را که با او فرستاده شده است آنانند رستگاران (۱۵۸) بگو ای مردم منم فرستاده خدا بسوی شما همگی آنچنان خدائی که وی را است پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدائی جز او زنده کند و بمیراند پس ایمان آرید به خدا و فرستاده او آن پیمبر درس ناخوانده که ایمان می آورد به خدا و سخنان او و پیرویش کنید شاید هدایت یابید (۱۵۹) و از قوم موسی امتی است که هدایت کنند به حق و بدان دادگری کنند (۱۶۰) و بخش کردیم آنان را دوازده سبط (نبره گان) امتهایی و وحی نمودیم به موسی هنگامی که آب از او خواستند قومش که بنواز عصای خویش را به سنگ پس برجهید از آن دوازده چشمه دانستند هر مردمی آبشخور خود را و سایه افکندیم بر ایشان با ابر و فرود آوردیم بر ایشان منّ و سلوی (نان و مرغ بریان) بخورید از پاکهای آنچه به شما روزی دادیم و ستم نکردند بر ما و لیکن بودند خویشان را ستم کنندگان (۱۶۱) و هنگامی که گفته شد بدیشان سکونت کنید در این شهر و بخورید از آن هر جا خواهید و بگوئید حطّه (کاهشی) و در آئید در را سجده کنان

می‌آموزیم برای شما گناهان شما را و بزودی فزونی دهیم به نکوکاران (۱۶۲) پس تبدیل کردند آنان که ستم کردند از ایشان سخن را بجز آنچه بدیشان گفته شد پس فرستادیم بر ایشان چرکی را از آسمان بدانچه بودند ستم می‌کردند (۱۶۳) و پیریشان از شهری که کنار دریا بود گاهی که تجاوز می‌کردند در روز شنبه چرا که می‌آمدشان ماهی‌هاشان روز شنبه ایشان بر روی آب و روزی که جز شنبه بود نمی‌آمدندشان بدینگونه آزمودیمشان بدانچه بودند نافرمانی می‌کردند (۱۶۴) و هنگامی که گروهی از ایشان گفتند چرا اندرز گوئید قومی را که خداست نابودکننده آنان یا عذاب‌کننده ایشان عذابی سخت گفتند پوزشی بسوی پروردگار شما و شاید پرهیزکاری کنند (۱۶۵) تا گاهی که فراموش کردند آنچه را یادآوری شدند نجات دادیم آنان را که نهی می‌کردند از بدی و گرفتیم آنان را که ستم کردند به عذابی زشت بدانچه بودند نافرمانی می‌کردند (۱۶۶) پس گاهی که سرپیچیدند از آنچه نهی شدند از آن گفتیم بدیشان بشوید بوزینه‌گانی راندگان (۱۶۷) و هنگامی که اعلام کرد پروردگار تو که برانگیزاند بر ایشان تا روز قیامت آن را که بچشانندشان شکنجه‌ای بد همانا پروردگار تو شتابنده است در عقوبت و هر آینه او است آمرزنده مهربان (۱۶۸) و بخش کردیمشان در زمین ملتئانی از ایشانند شایستگان و از ایشانند جز آن و آزمودیمشان به خوبی‌ها و بدی‌ها شاید باز گردند (۱۶۹) پس جانشین شد پس از ایشان جانشینانی که ارث بردند کتاب را می‌گیرند بهره این کوتاه (پست یا نزدیک) را و گویند بزودی آمرزش شود برای ما و اگر بیایدشان بهره‌ای همانند آن برگیرندش آیا گرفته نشد بر ایشان پیمان کتاب که نگوئید بر خدا جز حق را و خواندند آنچه را در آن بود و خانه آخرت بهتر است برای آنان که پرهیزکاری کنند آیا بخرد نمی‌یابید (۱۷۰) و آنان که می‌گیرند کتاب را (چنگ می‌زنند) به کتاب و پیا می‌دارند نماز را همانا تباہ نمائیم پاداش اصلاح‌کنندگان را (۱۷۱) و هنگامی که بالا بردیم کوه را فراز ایشان مانند سایبانی و پنداشتندش فرودآینده بر خویش بگیرید آنچه را به شما دادیم به قوت و یاد آرید آنچه را در آن است شاید پرهیزکاری کنید (۱۷۲) و هنگامی که بگرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان نژاد ایشان را و گواهاشان گرفت بر خویشتن آیا نیستم پروردگار شما گفتند بلی گواهی دادیم تا نگوئید روز قیامت بودیم ما از این ناآگاهان (۱۷۳) یا گوئید جز این نیست که شرک ورزیدند پدران ما از پیش و بودیم نژادی پس از ایشان آیا تباہ کنی ما را بدانچه کردند نادرستان (۱۷۴) و بدینسان تفصیل دهیم آیتها را و شاید ایشان باز گردند (۱۷۵) و بخوان بر ایشان داستان آن را که دادیمش آیتهای خود را پس برهنه گشت (برون شد) از آنها سپس شیطان پیروش گرفت و شد از گمراهان (۱۷۶) و اگر می‌خواستیم هر آینه بالا- می‌بردیمش بدانها لیکن او بسوی زمین گرائید و پیروی کرد هوس خود را پس مثل او مانند سگ است که اگر آهنگش کنی زبان از کام درآرد و اگر بگذارش زبان از کام درآرد (فروهلد) این است مثل گروهی که تکذیب نمودند آیتهای ما را پس بخوان داستانها را شاید اندیشه کنند (۱۷۷) چه زشت است مثل قومی که تکذیب کردند آیتهای ما و بودند خویشتن را ستم می‌کردند (۱۷۸) آن را که خدا هدایت کند او است هدایت شده و آنان را که گمراه کند آنانند زیانکاران (۱۷۹) و همانا بیافریدیم برای دوزخ بسیاری از پری و آدمی را آنان را است دلئانی که درنیابند بدانها و آنان را است دیدگانی که نبینند بدانها و آنان را است گوشهائی که نشنوند بدانها آنانند مانند دامها بلکه گمراه‌تر آنانند ناآگاهان (۱۸۰) و خدا را است نامهای نکو پس بخوانیدش بدانها و بگذارید آنان را که کجروی کنند در نامهای او بزودی پاداش داده شوند آنچه را بودند می‌کردند (۱۸۱) و از آنان که آفریدیم ملتی است که هدایت کنند به حق و بدان دادگری کنند (۱۸۲) و آنان که دروغ پنداشتند آیتهای ما را زود است به استدراج (به آهستگی ناگهان) گیریمشان از آنجا که ندانند (۱۸۳) و مهلتشان دهیم که همانا نیرنگ من است استوار (۱۸۴) آیا نیندیشیدند که نیست بر رفیقشان دیوانگی نیست او جز ترساننده آشکار (۱۸۵) آیا ننگریستند در پادشاهی‌های آسمانها و زمین و آنچه می‌آفریده است خدا از چیزها و آنکه شاید نزدیک شده سرآمد ایشان پس به کدام سخن پس از این ایمان می‌آورند (۱۸۶) آن را که گمراه کند خدا نیستش راهنمایی و بگذارشان در سرکشی خود فرو روند (۱۸۷) پرسندت از ساعت چه وقت است لنگرگاه آن بگو جز این نیست که علم آن نزد پروردگار من است پدیدارش نسازد به هنگامش جز او سنگین است در آسمانها و زمین نیایدتان مگر ناگهان پرسندت

چنانکه گوئی تو آگاهی از آن بگو جز این نیست که علمش نزد خدا است لیکن بیشتر مردم نمی دانند (۱۸۸) بگو دارا نیستم برای خویشتن سود و نه زیانی جز آنچه خدا خواهد و اگر دانای ناپیدا می بودم هر آینه فراوان می گرفتم از خوبی و به من نمی رسید بدی نیستم من مگر بیم دهنده و نوید دهنده برای گروهی که ایمان آرند (۱۸۹) او است آنکه آفرید شما را از یک تن و قرار داد از او جفتش را تا آرامش گیرد بدو سپس هنگامی که بر او درآمد برداشت باری سبک پس بگذشت بر آن تا گاهی که سنگین شد خواندند پروردگار خویش را که اگر ما را صالحی (شایسته) دهی باشیم از شکر گزاران (۱۹۰) ولی هنگامی که داد بدیشان صالحی (شایسته) و قرار دادند شریکانی برای او در آنچه بدیشان داد همانا برتر است خدا از آنچه شرک می ورزند (۱۹۱) آیا شریک کنند آنان را که نیافرند چیزی را و خود آفریده شوند (۱۹۲) و نتوانندشان یاری و نه خویشتن را یاری ای کنند (۱۹۳) و اگر بسوی هدایتشان خوانید پیرویتان نکنند یکسان است بر شما بخوانید ایشان را یا باشید خموشان (۱۹۴) همانا آنان را که جز خدا می خوانید بند گانید مانند شما پس بخوانیدشان تا اجابت کنند شما را اگر هستید راستگویان (۱۹۵) آیا آنان را است پاهائی که روان گردند بدانها یا آنان را است دستهای که آهنگ کنند بدانها یا آنان را است دید گانی که بیند بدانها یا آنان را است گوشهائی که بشنوند بدانها بگو بخوانید شریکان خویش را پس نیرنگ با من کنید و مهلتم ندهید (۱۹۶) همانا یار (دوست و سرپرست و پشتیبان) من خداوندی است که فرستاد کتاب را و او است سرپرست شایستگان (۱۹۷) و آنان را که جز او خوانید نتوانند شما را یاری کردن و نه خویشتن را یاری کنند (۱۹۸) و اگر خوانیشان بسوی هدایت نشنوند و بینیشان می نگرند بسوی تو و لیکن نمی بینند (۱۹۹) بگیر گذشت را و امر کن به خوبی و روی بگردان از نادانان (۲۰۰) و اگر برانگیزدت از شیطان انگیزشی پس پناهنده شو به خدا همانا او است شنوای دانا (۲۰۱) همانا آنان که پرهیزکاری کرده اند هرگاه آهنگشان کند رهگذاری از شیطان یاد آور شوند ناگاه ایشانند بینایان (۲۰۲) و برادران شیاطین را فروبرند شیاطین در گمراهی سپس کوتاه نمی آیند (۲۰۳) و هرگاه نیاوریشان آیتی گویند چرا آیتی نساختی بگو پیروی نکنم جز آنچه را وحی شود به من از پروردگار من اینک بینشهایی از پروردگارتان و هدایت و رحمتی برای گروهی که ایمان آرند (۲۰۴) و گاهی که خوانده شود قرآن گوش دهید بدان و خموشی گزینید شاید رحم کرده شوید (۲۰۵) و یاد کن پروردگار خویش را درون خود به زاری و ترس و پست تر از گفتار بلند بامدادان و شبانگاه و نباش از غافلان (۲۰۶) همانا آنان که نزد پروردگار تواند کبر نورزند از پرستش او و می ستاینندش و برای او سجده می کنند (۲۰۷)

الأفقال

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) پرسندت از بهره های جنگ بگو آنها از آن خدا و پیمبر است پس بترسید خدا را و اصلاح کنید میانه خویش را و فرمان برید خدا و پیمبرش را اگر هستید مؤمنان (۲) جز این نیست که مؤمنان آناند که هرگاه یاد خدا شود بهراسد دلهاشان و هرگاه خوانده شود بر ایشان آیت های او بفزایدشان ایمان و بر پروردگار خویش توکل کنند (۳) آنان که بیای می دارند نماز را و از آنچه روزیشان داده ایم ببخشند (۴) آنانند مؤمنان بدرست ایشان را است پایه های نزد پروردگارشان و آمرزشی و روزی گرامی (۵) بدانسان که برون آورد تو را پروردگار تو از خانه ات به حقّ حالی که گروهی از مؤمنانند ناخوش دارند گان (۶) می ستیزند با تو در حقّ پس از آنکه پدیدار شد گوئیا رانده می شوند بسوی مرگ و آنانند نگران (۷) و هنگامی که وعده می دادتان خدا یکی از دو گروه را که آن از آن شما است و دوست می داشتید که جز شوکت مند شما را باشد و خدا می خواست جایگزین کند حقّ را به کلمات خود و بُرد دنباله کافران را (۸) تا بیای دارد حقّ را و تباه کند باطل را و اگر چه ناخوش دارند گنه کاران (۹) هنگامی که می نالیدید (کمک می خواستید) به پروردگار خود پس اجابت کرد برای شما که کمک کننده ام شما را به هزار تن از فرشتگان دوش به دوش (۱۰) و نگردانید آن را خدا جز بشارتی و تا آرام گیرد بدان دل های شما حالی که نیست یاری جز از نزد خدا همانا خداوند است عزّت مند حکیم (۱۱) هنگامی که افکند بر شما خمار خواب را تا آرامشی باشد از او و فرستاد بر شما از آسمان آبی تا پاکتان

سازد بدن و تا دور کند از شما چرک شیطان را و تا پیوند نهند بر دل‌های شما و استوار سازد بدن قدمها را (۱۲) هنگامی که وحی می‌فرستاد پروردگار تو بسوی فرشتگان که من با شما هستم پس استوار دارید آنان را که ایمان آوردند زود است افکنم در دل‌های آنان که کفر ورزیدند هراس را پس بزید فراز گردنها را و بزید از ایشان هر سرانگشتی را (۱۳) این بدن است که درافتادند با خدا و رسولش و هر که با خدا و رسولش درافتد همانا خداوند است سخت عقوبت (۱۴) اینک بچشیدش و همانا کافران را است عذاب آتش (۱۵) ای آنان که ایمان آوردید هرگاه تلاقی کردید با آنان که کفر ورزیدند در جنگ پس برنگردانید بسوی آنان پشتها را (۱۶) و آنکس که بگرداند پشتش را بسوی آنان جز گرائیده برای جنگی یا ملحق شونده به گروهی همانا بازگشت است به خشمی از خدا و جایگاه او است دوزخ و چه زشت است آن جایگاه (۱۷) پس نکشید ایشان را شما و لیکن خداوند کشتشان و نه تو انداختی تیر را گاهی که انداختی و لیکن خدا بینداخت و تا بیازماید مؤمنان را از خود آزمایشی نکو همانا خداوند شنوای دانا (۱۸) این است و آنکه خدا است سست کننده نیرنگ کافران (۱۹) اگر پیروزی جوئید همانا بیامدتان پیروزی و اگر کوتاه آئید (دست بردارید) پس آن بهتر است برای شما و اگر باز گردید باز گردیم و بی‌نیازتان نکند جمعیت شما به چیزی و هر چند فزون باشد و آنکه خدا است با مؤمنان (۲۰) ای آنان که ایمان آوردید فرمانبرید خدا و پیمبرش را و برنگردید از او و شما می‌شنوید (۲۱) و نباشید مانند آنان که گفتند شنیدیم و ایشان نمی‌شنوند (۲۲) همانا بدترین جنبدگان نزد خدا کُران و گنگانی‌اند که ناخرمدندند (۲۳) و اگر می‌دانست خدا در ایشان خیری هر آینه می‌شنواندشان و اگر می‌شنواند ایشان را هر آینه پشت می‌کردند و آنانند روی گردانان (۲۴) ای آنان که ایمان آوردید اجابت کنید خدا و رسولش را گاهی که خواندندتان بدانچه زنده‌تان سازد و بدانید که خدا حایل می‌شود میان مرد و دلش و آنکه بسوی او گردآورده می‌شوید (۲۵) و پرهیزید فتنه (آزمایشی) را که نرسد بدانان که ستم کردند از شما تنها و بدانید که خداوند است سخت شکنجه (۲۶) و یاد آرید هنگامی را که بودید گروه اندکی ناتوان شمردگان در زمین بیم داشتید که برابند شما را مردم پس پناهتان داد و کمک کرد شما را به یاری خود و روزی داد شما را از پاکیزه‌ها شاید شکر گزارید (۲۷) ای آنان که ایمان آوردید خیانت نکنید خدا و رسول را و خیانت نکنید سپرده‌های خویش را و شما می‌دانید (۲۸) و بدانید که مال‌های شما و فرزندان شما فتنه است و همانا خدا نزد او است پاداشی بزرگ (۲۹) ای آنان که ایمان آوردید اگر بترسید خدا را بنهد برای شما جداکننده‌ای و بزدايد از شما گناهان شما را و بیامزد شما را و خدا است دارای فضلی بزرگ (۳۰) و هنگامی که می‌اندیشیدند برای تو آنان که کفر ورزیدند که بازدارندت یا بکشندت یا برون کنندت و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا است بهترین مکر آوران (۳۱) و هنگامی که خوانده شود بر ایشان آیت‌های ما گویند همانا شنیدیم اگر می‌خواستیم می‌گفتیم همانند این نیست این جز افسانه‌های باستان (۳۲) و هنگامی که گفتند بار خدایا اگر این است حق از نزد تو پس ببار بر ما سنگی از آسمان یا بیاور ما را عذابی دردناک (۳۳) و نبوده است خدا عذاب کننده آنان حالی که تویی در آنان و نبوده است خدا عذاب کننده ایشان و ایشانند استغفار کنندگان (۳۴) و چیست ایشان را (چرا) عذابشان نکند خدا حالی که بازمی‌دارند از مسجد حرام و نیستند یاران آن همانا نیستند یاران آن مگر پرهیزکاران و لیکن بیشتر ایشان نمی‌دانند (۳۵) و نبود نمازشان نزد خانه جز صغیر و دستک‌زدنی پس بچشید عذاب را بدانچه بودید کفر می‌ورزیدید (۳۶) همانا آنان که کافر شدند می‌دهند مال‌های خود را تا بازدارند از راه خدا زود است بدهند آنها را سپس حسرتی بر ایشان شود پس شکست خورند و آنان که کفر ورزیدند بسوی دوزخ گردآورده شوند (۳۷) تا جداسازد خدا پلید را از پاک و بنهد پلید را پاره‌ای از آن بر پاره‌ای پس انباشته سازدش با هم پس بگرداندش در دوزخ آنانند زیانکاران (۳۸) بگو بدانان که کفر ورزیدند اگر دست بردارند آمرزیده شود برای ایشان آنچه گذشته است و اگر باز گردند همانا گذشت شیوه پیشینان (۳۹) و نبرد کنید با ایشان تا نشود فتنه‌ای و بشود دین همه آن برای خدا پس اگر دست برداشتند همانا خدا بدانچه می‌کنند بینا است (۴۰) و اگر روی گردانیدند پس بدانید که خدا است سرپرست شما چه خوب سرپرست و چه خوب یآوری است (۴۱) و بدانید که آنچه در جنگ به دست آوردید همانا برای خدا است پنج یک آن و برای پیمبر

و برای نزدیکان و یتیمان و بینوایان و درماندگان راه اگر ایمان آورده‌اید به خدا و آنچه فرستادیم بر بنده خود روز جدانشدن روزی که دو سپاه روبرو شدند و خدا است بر هر چیزی توانا (۴۲) هنگامی که بودید بر کنار فرودین درّه و ایشان بر کنار فرازین آن و کاروان فرودتر از شما و اگر وعده می‌گزاردید با هم هر آینه اختلاف می‌کردید در وعده‌گاه لیکن تا بگذراند خدا کاری را که بوده است شدنی تا هلاک شود آنکه هلاک شده است از روی بینش و زنده شود آنکه زنده شده است از روی بینش و همانا خدا است شنونده دانا (۴۳) هنگامی که نمایانده‌اش خداوند به تو در خواب تو اندکی و اگر می‌نمایانده‌اش به تو فزون هر آینه سست می‌شدید و اختلاف می‌کردید در کار لیکن خدا نگه داشت همانا اوست دانا بدانچه در سینه‌ها است (۴۴) گاهی که می‌نمایاند ایشان را به شما هنگام تلاقی شما با ایشان در دیدگانتان اندک و اندک نمود شما را در دیدگان ایشان تا بگذراند خدا کاری را که بوده است شدنی و بسوی خدا بازگردانیده شوند کارها (۴۵) ای آنان که ایمان آوردید هرگاه ملاقات کردید گروهی را در جنگ پس پایداری کنید و یاد کنید خدا را فراوان شاید رستگار شوید (۴۶) و اطاعت کنید خدا و پیمبرش را و درنستیزید با هم که سست شوید و برود نیروی شما و شکبایا شوید همانا خدا است با صبرکنندگان (۴۷) و نباشید مانند آنان که برون رفتند از خانه‌های خود به سستی و خودنمائی به مردم و بازمی‌داشتند از راه خدا و خدا است بدانچه کنند فراگیرنده (۴۸) و هنگامی که آراست برای ایشان شیطان کردار ایشان را و گفت نیست چیره‌شونده شما را امروز از مردم و منم پشتیبان شما تا گاهی که دیدار کردند دو سپاه همدیگر را برگشت بر پاشنه‌های خود و گفت همانا بیزارم از شما چه می‌بینم آنچه را نمی‌بینید و همانا می‌ترسم خدا را و خدا است سخت‌شکنجه (۴۹) هنگامی که می‌گفتند دورویان و آنان که در دلهایشان بیماری است فریب داد اینان را دینشان و هر که بر خدا توکل کند همانا خداوند است عزّتمند حکیم (۵۰) و اگر (کاش) می‌دیدید هنگامی را که دریابند گروه کافران را فرشتگان زنند روی‌هایشان و پشت‌هایشان را و بچشید عذاب سوزان را (۵۱) این بدان است که پیش آورد دستهای شما و آنکه نیست خدا ستم‌کننده بر بندگان (۵۲) مانند شیوه خاندان فرعون و آنان که پیش از ایشان بودند کفر ورزیدند به آیت‌های خدا پس گرفتشان خدا به گناهانشان همانا خدا نیرومندی است سخت‌شکنجه (۵۳) این بدان است که نیست خدا تغییردهنده نعمتی که به قومی ارزانی داشته است تا تغییر دهند آنچه را که در خود ایشان است و آنکه خدا است شنونده دانا (۵۴) مانند شیوه خاندان فرعون و آنان که پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیت‌های پروردگار خود را پس نابودشان کردیم به گناهانشان و غرق ساختیم خاندان فرعون را و هرکدام بودند ستمگران (۵۵) همانا بدترین دامها نزد خدا آناند که کفر ورزیدند پس ایمان نمی‌آورند (۵۶) آنان که پیمان بستی با ایشان و سپس می‌شکنند عهد خویش را در هر بار و ایشان نمی‌پرهیزند (۵۷) پس هرگاه دست بر ایشان یافتی در جنگ پراکنده سازید ایشان آنان را که پشت سر ایشانند (چنان بتاز بر ایشان که تارومار شود هر که پشت ایشان است) شاید یادآور شوند (۵۸) و اگر بیم داشتی از قومی خیانتی را پس بیفکن بسوی ایشان برابر همانا خدا دوست ندارد خیانتکاران را (۵۹) و نپندارند آنان که کفر ورزیدند که سبقت جستند همانا به عجز نمی‌آورند ایشان (۶۰) و آماده کنید برای ایشان هرچه توانید از نیرو و از اسبان بسته که بترسانید بدان دشمن خدا و دشمن خویش را و دیگران را از غیر ایشان که ندانیدشان خدا داندشان و آنچه دهید در راه خدا پرداخت شود به شما سراسر و ستم نمی‌شوید (۶۱) و اگر گزائیدند به صلح پس بدان گرای و توکل کن بر خدای که او است شنونده دانا (۶۲) و اگر خواهند با تو نیرنگ کنند همانا بس است تو را خدا او است آنکه کمک کرد تو را به یاری خویش و به مؤمنان (۶۳) و الفت افکند میان دلهای آنان که اگر می‌دادی هرچه در زمین است نمی‌توانستی الفت افکنی میان دلهای آنان و لیکن خدا الفت افکند میان ایشان همانا او است عزّتمند حکیم (۶۴) ای پیمبر بس است تو را خدا و آنان که پیرویت کردند از مؤمنان (۶۵) ای پیمبر برانگیز مؤمنان را بر جنگ اگر باشد از شما بیست تن بردبار چیره شوند دویست تن را و اگر باشد از شما صد تن چیره شوند یک‌هزار را از آنان که کفر ورزیدند این بدان است که ایشانند گروهی که در نمی‌یابند (۶۶) اکنون کاست خدا (سبک کرد) از شما و دانست که در شما است ناتوانی‌ای پس اگر باشد از شما صد تن بردبار چیره شوند دویست تن را و اگر باشد از شما

هزار تن چیره آیند بر دو هزار به اذن خدا و خدا است با صبر کنندگان (۶۷) نبوده است پیمبری را که باشدش بردگانی تا کشتار کند در زمین خواهید بهره دنیا را و خدا آخرت را خواهد و خدا است عزّتمند حکیم (۶۸) اگر نبود سرنوشتی که از خدا پیشی گرفته است همان می‌رسید شما را در آنچه گرفتید عذابی بزرگ (۶۹) پس بخورید از آنچه به غنیمت گرفتید (در جنگ) حلال پاکیزه و بترسید خدا را که خدا است آمرزنده مهربان (۷۰) ای پیمبر بگو بدانان که در دست شما ایند از بردگان اگر بداند خدا در دلهای شما خیری بدهد شما را بهتر از آنچه گرفته شده است از شما و بیامزد شما را و خدا است آمرزنده مهربان (۷۱) و اگر خواهند خیانت ورزیدن با تو همانا خیانت ورزیدند خدا را پیش از این پس دستیابی داد بر ایشان و خدا است دانشمند حکیم (۷۲) همانا آنان که ایمان آوردند و مهاجرت کردند (از وطن آواره شدند) و جهاد کردند (کوشیدند) با مالها و جانهای خود در راه خدا و آنان که پناه دادند و یاری کردند همانا گروهی از ایشانند دوستان گروهی و آنان که ایمان آوردند و مهاجرت نمودند (از خانمان خود آواره نشدند) نیست شما را از دوستی ایشان چیزی تا ترک خانمان کنند و اگر یاری خواستند از شما در دین پس بر شما است یاری کردن مگر بر قومی که میان شما و ایشان است پیمانی و خدا بدانچه می‌کنید بینا است (۷۳) و آنان که کفر ورزیدند بعضی از ایشانند دوستان بعضی اگر نکنید این را می‌شود فتنه‌ای در زمین و فساد بزرگ (۷۴) و آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا و آنان که پناه دادند و یاری کردند آنانند مؤمنان به درست ایشان را است آمرزش و روزی گرامی (۷۵) و آنان که ایمان آوردند از این پس و هجرت نمودند و جهاد کردند همراه شما پس ایشانند از شما و خویشاوندان بعضی از ایشانند سزاوارتر به بعضی در کتاب خدا همانا خداوند است به همه چیز دانا (۷۶)

التوبة

بیزاری از خدا و پیمبرش بسوی آنان که پیمان بستید از مشرکان (۱) پس بگردید در زمین چهار ماه و بدانید که نیستید ناتوان کننده خدا و آنکه خدا است خوارکننده کافران (۲) و اعلانی است از خدا و پیمبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا بیزار است از مشرکان و پیمبرش پس اگر توبه کنید بهتر است برای شما و اگر پشت کردید بدانید که نیستید عاجز کننده خدا و بشارت ده کافران را به عذابی دردناک (۳) مگر آنان را که پیمان بستید از مشرکان پس نکاستند شما را چیزی و پشتیبانی نکردند بر شما کسی را پس به پایان رسانید بدیشان پیمانشان را تا سرآمدشان و خدا دوست دارد پرهیزکاران را (۴) تا گاهی که به پایان رسید ماه‌های حرام پس بکشید مشرکان را هر کجا بیابیدشان و دستگیرشان کنید و تنگ بر ایشان گیرید و بنشینید برای ایشان به هر کمینگاهی پس اگر توبه کردند و پبای داشتند نماز را و دادند زکات را رها کنید راه ایشان را همانا خدا است آمرزنده مهربان (۵) و اگر یکی از مشرکان به تو پناهنده شد پس پناهِش ده تا بشنود گفتار خدا را سپس برسانش به مأمن خویش این بدان است که آنانند گروهی که نمی‌دانند (۶) چگونه باشد برای مشرکان پیمانی نزد خدا و نزد پیمبرش جز آنان که پیمان بستید نزد مسجد حرام پس مادام که پایدارند برای شما پایدار باشید برای آنان همانا خدا دوست دارد پرهیزکاران را (۷) چگونه و اگر چیره آیند بر شما رعایت نکنند در شما خویشاوندی و نه پیمانی را خوشنودتان سازند با دهانهای خود و نمی‌خواهد دلهای ایشان و بیشتر ایشانند نافرمانان (۸) فروختند آیتهای خدا را به بهائی کم پس بازداشتند از راه او چه زشت است آنچه بودند می‌کردند (۹) رعایت نمی‌کنند در مؤمنی خویشاوندی و نه پیمانی را و ایشانند تجاوزگران (۱۰) پس اگر توبه کردند و پبای داشتند نماز را و دادند زکات را پس برادرانند شما را در دین و تفصیل دهیم آیتها را برای قومی که می‌دانند (۱۱) و اگر شکستند سوگندهای خویش را پس از پیمانشان و بد سگالیدند در دین شما پس بکشید پیشوایان کفر را که نیست سوگندهائی برای ایشان شاید دست بردارند (۱۲) چرا پیکار نکنید با قومی که شکستند سوگندهای خود را و آهنگ آن کردند که پیمبر را برون کنند و ایشان آغاز (جنگ) کردند با شما نخستین بار آیا همی‌ترسیدشان پس خدا سزاوارتر است که بترسیدش اگر هستید مؤمنان (۱۳) بکشیدشان عذابشان کند خدا به دست شما و خوارشان

گرداند و یاریتان کند بر ایشان و شفا بخشد سینه‌های قومی مؤمنان را (۱۴) و بردارد خشم را از دل‌های ایشان و توبه پذیرد خدا از هر که خواهد و خدا است دانای حکیم (۱۵) یا پنداشتید که رها شوید حالی که هنوز نمی‌داند خدا آنان را که کوشیدند (جهاد کردند) از شما و نگرفتند جز خدا و پیمبرش و مؤمنان همراهی و خدا آگاه است بدانچه کنید (۱۶) نرسد مشرکان را که آباد کنند مساجد خدا را حالی که گواهی دهند گانند بر خویشتن به کفر آنان باطل شده است کردارشان و در آتشند جاودانان (۱۷) جز این نیست که آباد می‌کند مساجد خدا را آنکه ایمان آورده است به خدا و روز بازپسین و بپا داشته است نماز را و بداده است زکات را و نرسیده است جز خدا را پس امید است آنان که باشند از هدایت شدگان (۱۸) آیا قرار دادید آب دادن حاجیان و آبادی مسجد حرام را مانند آنکه ایمان آورده است به خدا و در روز آخر و بکوشیده است در راه خدا یکسان نیستند نزد خدا و خدا هدایت نکند گروه ستمگران را (۱۹) آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و بکوشیدند در راه خدا به مالها و جانهای خود بزرگتر است پایه آنان نزد خدا و آنانند رستگاران (۲۰) نوید دهدشان پروردگارشان به رحمتی از خود و خوشنودی و باغستانی که ایشان را است در آن نعمتی پایدار (۲۱) جاودانند در آن همیشه همانا خداوند است نزد او پاداشی گران (۲۲) ای آنان که ایمان آوردید نگیرید پدران خود و برادران خود را دوستانی اگر برگزیدند کفر را بر ایمان و آنکه دوستی کند با ایشان از شما پس آنانند ستمگران (۲۳) بگو اگر هستند پدران شما و فرزندان شما و برادران شما و همسران شما و بستگان شما و مالهایی که اندوخته‌اید و سوداگری که از کسادش ترسید و خانه‌هایی که خوش دارید دوست‌تر بسوی شما از خدا و پیمبرش و جهادی در راهش پس منتظر باشید تا بیارد خدا امر خویش را و هدایت نکند خدا قوم نافرمانان را (۲۴) همانا یاریتان کرد خدا در جای‌هایی فراوان و روز حنین هنگامی که به شگفت آورد شما را فرونیتان پس بی‌نیاز نکرد شما را به چیزی و تنگ شد بر شما زمین با فراخیش سپس برگشتید پشت کنندگان (۲۵) پس فرستاد خدا آرامش خود را بر پیمبرش و بر مؤمنان و فرستاد لشکرهایی که ندیدید آنها را و عذاب کرد آنان را که کفر ورزیدند و این است پاداش کافران (۲۶) سپس توبه کند خدا پس از آن بر هر که خواهد و خدا است آمرزنده مهربان (۲۷) ای آنان که ایمان آوردید جز این نیست که مشرکان پلیدند پس نزدیک نشوند مسجد حرام را پس از سالشان این (امسال) و اگر ترسیدید از سنگینی هزینه بزودی بی‌نیازتان گرداند خدا از فضل خود اگر خواهد همانا خداوند است دانای حکیم (۲۸) بکشید آنان را که ایمان نیارند به خدا و روز آخر و حرام ندارند آنچه را که حرام کرده است خدا و رسولش و نمی‌گروند به کیش حقّ از آنان که داده شدند کتاب را تا جزیه پردازند از دسترنج خود (با دست خود یا به جای خود) و ایشانند سرافکنندگان (۲۹) و گفتند جهودان عزیر فرزند خدا است و گفتند ترسایان مسیح است فرزند خدا این است گفتارشان با دهانهایشان هم آهنگ شوند سخن آنان را که کفر ورزیدند از پیش بکشیدشان خدا کجا به دروغ رانده می‌شوند (۳۰) گرفتند کشیشان و دیرنشینان خود را خدایانی جز خدا و مسیح را فرزند مریم حالی که فرمان نشدند جز آنکه پرستش کنند خدائی یگانه را نیست خدائی جز او منزّه است از آنچه شرک ورزند (۳۱) خواهند فرو نشانند پرتو خدا را با دهانهای خود و نخواهد خدا مگر به انجام رساند پرتو خویش را و اگرچه ناخوش دارند کافران (۳۲) اوست آنکه فرستاد رسولش را به هدایت و دین حقّ تا چیره گرداندش بر کیشها همگی و هرچند نپسندند مشرکان (۳۳) ای آنان که ایمان آوردید همانا بسی از کشیشان و دیرنشینان می‌خورند اموال مردم را به ناروا و بازمی‌دارند از راه خدا و آنان که می‌اندوزند زر و سیم را و نمی‌دهندش در راه خدا نویدشان ده به عذابی دردناک (۳۴) روزی که تفتیده شوند در آتش دوزخ پس داغ شود بدانها پیشانی‌هایشان و پهلوهایشان و پشت‌هایشان این است آنچه اندوختید برای خویشتن پس بجشید آنچه را بودید می‌اندوختید (۳۵) همانا شماره ماه‌ها نزد خدا دوازده ماه است در کتاب خدا روزی که آفرید آسمانها و زمین را از آنها است چهار ماه حرام این است آئین استوار پس ستم نکنید در آنها خویش را و پیکار کنید مشرکان را همگی چنانکه پیکارتان کنند همگی و بدانید که خدا است با پرهیزکاران (۳۶) جز این نیست که نسیء (فراموشی) افزایش است در کفر گمراه شوند بدان آنان که کفر ورزیدند حلالش شمرند سالی و حرام شمرندش سالی تا پایمال کنند شمار آنچه را حرام کرد خدا پس حلال کنند آنچه را حرام کرد خدا آراسته برای

ایشان زشتی کردارشان و خدا هدایت نمی کند گروه کافران را (۳۷) ای آنان که ایمان آوردید چیست شما را که هرگاه گفته شود به شما بسیج کنید در راه خدا سرگرانی کنید بسوی زمین آیا خوشنود شدید به زندگانی دنیا به جای آخرت همانا نیست بهره زندگانی دنیا در آخرت مگر اندک (۳۸) اگر نکوچید عذاب کند شما را عذابی دردناک و برگردد به جای شما گروهی را جز شما و هرگز زیانش نرسانید به چیزی و خدا است بر هر چیز توانا (۳۹) اگر یاریش نکنید همانا خدا یاریش کرد هنگامی که برونش کردند آنان که کفر ورزیدند حالی که دوّمین دو تن بودند هر دو در غار هنگامی که می گفت به یار خود اندوهگین نباش که خدا با ما است پس فرستاد خدا آرامش خویش را بر او و یاریش کرد به لشگرهائی که ندیدیدشان و گردانید سخن آنان را که کفر ورزیدند فرودین و سخن خدا است فرازین و خدا است عزتمند حکیم (۴۰) بکوچید سبک و سنگین و پیکار کنید با مالها و جانهای خود در راه خدا این بهتر است برای شما اگر بدانید (۴۱) اگر می بود بهره ای نزدیک یا سفری هموار همانا پیرویت می کردند (از پیت می آمدند) لیکن گران آمد بر ایشان رنج و بزودی سوگند یاد کنند به خدا که اگر می توانستیم می آمدیم با شما خویشتن را تباه کنند و خدا می داند که ایشانند دروغگویان (۴۲) بگذرد خدا از تو چرا بدانان اذن دادی تا پدیدار شود برای آنان که راست گفتند و بدانی دروغگویان را (۴۳) اذن نخواهند از تو آنان که ایمان آرند به خدا و روز آخر که جهاد کنند با مالها و جانهای خود و خدا است دانا به پرهیزکاران (۴۴) جز این نیست که اذن از تو خواهند آنان که ایمان نیارند به خدا و روز آخر و شک دارد دلهای ایشان پس ایشانند در شک خویش مترددان (۴۵) و اگر می خواستند برون آمدن را هر آینه مهیا می کردند برایش تهیه ای و لیکن خوش نداشت خدا جنبش آنان را پس باز نشاندها و گفته شد باز نشینید با باز نشستگان (۴۶) اگر برون می آمدند در شما نمی افزودند شما را جز گسیختگی و همانا می گشتند میان شما تا فتنه برای شما جویند و در شما است شنوندگانی برای آنان و خدا دانا است به ستمگران (۴۷) همانا فتنه جوئی نمودند از پیش و دگرگون کردند برای تو کارها را تا بیامد حقّ و نمودار شد (پیروز شد) امر خدا و ایشانند ناخوش دارندگان (۴۸) و از ایشان است آنکه گوید رخصتم ده دچار فتنه ام نکن همانا در فتنه افتادند و هر آینه دوزخ است فراگیرنده به کافران (۴۹) اگر خوشی رسد ناخوش آیدشان و اگر رسد بدی گویند همانا گرفتیم کار خود را از پیش و برمی گردند حالی که ایشانند شادی کنان (۵۰) بگو هرگز نرسد به ما جز آنچه برای ما نوشته است خدا او است سرپرست ما و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان (۵۱) بگو آیا انتظار دارید به ما جز یکی از دو خوشی را و ما انتظار داریم به شما که رساندتان خدا به عذابی از نزد خویش یا به دست ما پس منتظر باشید که مائیم با شما منتظران (۵۲) بگو اتفاق کنید خواه یا ناخواه هرگز پذیرفته نشود از شما که هستید گروهی نافرمانان (۵۳) و بازشان نداشت از آنکه پذیرفته شود بخششهاشان جز آنکه آنان کفر ورزیدند به خدا و به پیمبرش و نیایند نماز را جز آنکه آنانند فسرندگان و نه بخشش کنند جز آنکه ایشانند ناخواستاران (۵۴) پس شگفت نیارد مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان جز این نیست که خدا خواهد تا عذابشان کند بدانها در زندگی دنیا و برون رود جانهای ایشان حالی که هستند کافران (۵۵) و سوگند یاد کنند به خدا که ایشانند از شما و نیستند از شما و لیکن آنانند گروهی هراسان (۵۶) اگر بیابند پناهگاهی یا غارهایی یا نهانگاهی هر آینه بسوی آن گرایند و ایشانند شتابان (۵۷) و از ایشان است آنکه خرده بر تو گیرد در صدقات تا اگر داده شوند از آنها خوشنود شوند و اگر داده نشوند از آنها ناگهان ایشانند خشم آوران (۵۸) و اگر که ایشان خوشنود می شدند بدانچه خدا و پیمبرش بدیشان داده و می گفتند بس است ما را خدا زود است بدهد به ما خدا از فضل خویش و پیمبرش همانا مائیم بسوی خدا گروندگان (۵۹) جز این نیست که صدقات برای بینویان و دریوزگان و کارگران بر آنها و دل به دست آوردگان و در آزاد کردن بندگان و وام داران و در راه خدا و درماندگان راه راست بایسته است از خدا و خدا است دانای حکیم (۶۰) و از ایشانند آنان که بیازارند پیمبر را و گویند او است گوشه (سخن شنو) بگو گوش خیری است برای شما ایمان آورد به خدا و ایمان آورد برای مؤمنان و رحمتی است برای آنان که ایمان آوردند از شما و آنان که می آزارند پیمبر خدای را ایشان را است عذابی دردناک (۶۱) سوگند خورند به خدا برای شما تا خوشنودتان کنند و خدا و پیمبرش سزاوارتر است که خوشنود کنندش اگر هستید

مؤمنان (۶۲) آیا ندانستید که هر که با خدا و پیمبرش درافتد همانا وی را است آتش دوزخ جاودان در آن این است خواری بزرگ (۶۳) ترسند منافقان که فرستاده شود بر ایشان سوره‌ای که آگهی‌شان دهد آنچه در دل‌های ایشان است بگو استهزاء کنید همانا خدا است برون آورنده آنچه می‌ترسید (۶۴) و اگر پرسیشان همانا گویند جز این نیست که فرو می‌رفتیم (سرگرمی داشتیم) و بازی می‌کردیم بگو آیا به خدا و آیت‌های او و پیمبرش استهزاء می‌کردید (۶۵) پوزش نخواهید همانا کافر شدید پس از ایمانتان اگر در گذریم از گروهی از شما عذاب کنیم گروهی را بدانکه بودند گنهکاران (۶۶) مردان دوروی و زنان دوروی برخیشان از آن برخی است فرمان دهند به زشتی و بازدارند از نیکی و بسته دارند دست‌های خود را فراموش کردند خدای را پس فراموششان کرد همانا دورویانند نافرمانان (۶۷) وعده داد خدا مردان دوروی و زنان دوروی و کافران را آتش دوزخ جاودانان در آن بس است ایشان را و برانداختن خدا و ایشان را است عذابی پاینده (۶۸) مانند آنان که پیش از شما بودند سخت‌تر از شما در نیرو و بیشتر در خواسته‌ها و فرزندان پس کامیاب شدند از بهره خویش سپس شما کامیاب شدید از بهره خود چنانکه کامیاب شدند آنان که پیش از شما بودند از بهره خود و فرورفتید چنانکه فرورفتند (سرگرم شدید) آنان تباه شد کردارشان در دنیا و آخرت و ایشانند زیانکاران (۶۹) آیا نرسیدشان داستان آنان که پیش از ایشان بودند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و یاران مدین و واژگون شدگان آمدندشان پیمبرانشان به نشانی‌ها پس ستم نکرد بر ایشان خدا لیکن بودند خویشان را ستم می‌کردند (۷۰) مردان مؤمن و زنان مؤمنه برخی از ایشانند دوستان برخی فرمان کنند به نیکی و بازدارند از بدی و بیای دارند نماز را و بدهند زکوٰه را و فرمان برند خدا و پیمبرش را آنان را بزودی رحم کند خدا و هر آینه خدا است عزّتمند حکیم (۷۱) وعده داد خدا مردان مؤمن و زنان مؤمنه را باغهایی که روان است زیر آنها جوی‌ها جاودانان در آن و نشیمنهای پاکیزه در باغستان جاودان و خوشنودی از خدا است بزرگتر این است آن رستگاری بزرگ (۷۲) ای پیمبر نبرد کن با کافران و منافقان و درشتی نمای بر ایشان و جایگاه ایشان است دوزخ و چه بد جایگاهی است (۷۳) سوگند خورند به خدا نگفتند و هر آینه گفتند سخن کفر را و کافر شدند پس از اسلامشان و خواستند آنچه را بدان نرسیدند و کین ندارند مگر از آن رو که بی‌نیازشان کرد خدا و پیمبرش از فضل خود پس اگر توبه کنند بهتر باشند و اگر پشت کنند عذابشان کند خدا عذابی دردناک در دنیا و آخرت و نیستشان در زمین دوست و نه یاور (۷۴) و از ایشان است آنکه پیمان بندد با خدا که اگر داد به ما از فضل خویش همانا صدقه دهیم و بشویم از شایستگان (۷۵) تا گاهی که داد بدیشان از فضلش بخل ورزیدند بدان و پشت کردند حالی که ایشانند روی گردانان (۷۶) پس پیرو ایشان گردانید نفاقی را در دل‌های ایشان تا روزی که بدو رسند بدانچه شکستند آنچه را با خدا پیمان بستند و بدانچه بودند دروغ می‌گفتند (۷۷) آیا ندانستند که خدا می‌داند نهانشان و رازشان را و آنکه خدا است دانای نهانها (۷۸) آنان که نکوهش کنند داوطلبان را از مؤمنان در صدقات و آنان را که ندارند جز تلاش خویش پس مسخره کنندشان خدا آنان را مسخره کند و برای آنان است عذابی دردناک (۷۹) آموزش بخواه برای آنان یا نخواه اگر هفتاد بار برای ایشان آموزش خواهی نیامرزده‌شان خدا این بدان است که کفر ورزیدند به خدا و پیمبرش و خدا هدایت نکند گروه نافرمانان را (۸۰) شاد شدند کنار گیرندگان به بازنشستن خود بر زیان پیمبر خدا و ناخوش داشتند جهاد کردن را به مالها و جانهای خود در راه خدا و گفتند نکوچید در گرما بگو آتش دوزخ سخت‌تر است به سوزش اگر درمی‌یافتند (۸۱) باید بخندند کم و بگیرند بسیار پاداشی بدانچه بودند دست می‌آوردند (۸۲) پس اگر باز گردانیدت خدا بسوی گروهی از ایشان پس دستور خواستند از تو برای کوچ بگو هرگز با من برون نیاید هیچگاه و هرگز نبرد نکنید با من دشمنی را همانا خوشنود شدید به بازنشستن نخستین بار پس بنشینید با بازماندگان (۸۳) و نماز نیار بر یکیشان که بمیرد هیچگاه و نایست بر قبرش همانا ایشان کفر ورزیدند به خدا و رسولش و مردند حالی که آنانند نافرمانان (۸۴) شگفت نیاردت خواسته‌ها و فرزندان ایشان جز این نیست که خدا خواهد عذابشان کند بدانها در دنیا و برون رود جانهاشان حالی که ایشانند کافران (۸۵) و هرگاه فرود آید سوره‌ای که ایمان آرید به خدا و جهاد کنید همراه پیمبرش رخصت طلبند از تو توانگران ایشان و گویند باز گذار ما را باشیم با بازنشستگان (۸۶) خرسند شدند که با

بازماندگان مانند و مهر نهاده شد بر دل‌های ایشان چنانکه در نمی‌یابند (۸۷) لیکن پیمبر و آنان که ایمان آوردند با وی جهاد کردند با مالها و جانهای خود و برای آنان است خوبی‌ها و ایشانند رستگاران (۸۸) آماده کرد خدا برای ایشان باغهایی که روان است زیر آنها جوی‌ها جاودانان در آن این است رستگاری بزرگ (۸۹) آمدند پوزش‌خواهان از اعراب (دشت نشینان) که اذن داده شود بدیشان و باز نشستند آنان که دروغ گفتند با خدا و پیمبرش زود است رسد آنان را که کفر ورزیدند از ایشان عذابی دردناک (۹۰) نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنان که ندارند چیزی که هزینه کنند پروائی اگر نکواندیشند برای خدا و پیمبرش نیست بر نکوکاران راهی و خدا است آمرزنده مهربان (۹۱) و نه بر آنان که گاهی که بی‌ایندت تا سوارشان کنی گوئی ندارم آنچه بر آن سوارتان کنم بر گردند حالی که دیدگانشان اشکبار است اندوه‌گینند چرا ندارند چیزی که هزینه کنند (۹۲) جز این نیست که راه آنانی است که از تو اذن می‌خواهند حالی که ایشانند توانگران خوشنودند که با بازماندگان مانند و مهر نهاد خدا بر دل‌های آنان پس نمی‌دانند (۹۳) بهانه آرند برای شما گاهی که باز گردید بسوی ایشان بگو بهانه می‌آید که باور نداریمتان همانا آگاه ساخت ما را خدا از اخبار شما و زود است ببیند خدا کردار شما را و پیمبرش سپس باز گردانیده شوید بسوی دانای نهان و آشکار پس آگهی‌تان دهد بدانچه بودید می‌کردید (۹۴) زود است سوگند خورند به خدا برای شما گاهی که باز گردید بسوی ایشان که روی گردانید از ایشان پس روی بگردانید از ایشان که ایشانند چرک و جایگاه ایشان است دوزخ پاداشی بدانچه بودند دست می‌آوردند (۹۵) سوگند یاد کنند برای شما تا خوشنود شوید از ایشان اگر شما خوشنود شوید از ایشان همانا خدا خوشنود نشود از گروه نافرمانان (۹۶) اعراب (دشت نشینان) سخت‌ترند در کفرورزی و دورویی و سزاوارترند که ندانند مرزهای آنچه خدا فرستاده است بر پیمبرش و خدا است دانای حکیم (۹۷) و از اعراب (دشت نشینان) است آنکه می‌شمرد آنچه را انفاق کند زبانی و انتظار کشد به شما پیش آمده‌ها را بر ایشان است پیش آمد بد و خدا است شنوای دانا (۹۸) و از اعراب (دشت نشینان) است آنکه ایمان آورد به خدا و روز بازپسین و برگیرد آنچه را انفاق کند نزدیکی‌هایی نزد خدا و آمرزشهایی از پیمبر همانا آنها است نزدیک شدنی برای ایشان بزودی در آردشان خدا به رحمتی از خدا همانا خداست آمرزنده مهربان (۹۹) و پیشینیان نخستین از مهاجرین (آوارگان) و انصار (پناه‌دهندگان) و آنان که پیرویشان کردند به نکوکاری خوشنود است خدا از ایشان و خوشنودند از او و آماده کرده است برای ایشان باغهایی که روان است زیر آنها جوی‌ها جاودانند در آن همیشه این است رستگاری بزرگ (۱۰۰) و از آنان که پیرامون شمايند از اعراب (دشت نشینان) دورویانند و از مردم مدینه ورزیدگان در دورویی شناسیشان ما شناسیمشان زود است عذابشان کنیم دوبار سپس بر گردانیده شوند بسوی عذابی بزرگ (۱۰۱) و دیگران که اقرار کردند به گناهان خویش بیامیختند کرداری شایسته با دیگری ناشایسته امید است خدا بپذیرد توبه ایشان را همانا خداوند است آمرزنده مهربان (۱۰۲) بگیر از اموالشان صدقه تا پاک سازیشان و پاکیزه گردانیشان بدان و نماز گزار بر ایشان که نماز تو آرامشی است برای ایشان و خدا است شنوای دانا (۱۰۳) آیا ندانستند که خدا است آنکه می‌پذیرد توبه را از بندگان خویش و می‌ستاند صدقات را و آنکه خدا است بسیار توبه‌پذیرنده مهربان (۱۰۴) بگو عمل کنید زود هست ببیند خدا کردار شما را و پیمبرش و مؤمنان و بزودی باز گردانیده شوید بسوی دانای نهان و هویدا تا آگهی‌تان دهد بدانچه بودید می‌کردید (۱۰۵) که به امید خدایند یا عذابشان کند و یا توبه‌شان پذیرد و خدا است دانای حکیم (۱۰۶) و آنان که برگرفتند مسجدی تا بیازارند و کفر ورزند و جدائی نهند میان مؤمنان و کمینگاهی برای آنان که با خدا و پیمبرش نبرد نمودند از پیش و همانا سوگند آورند که نخواستیم ما جز نکوکاری و خدا گواهی دهد که آنانند دروغگویان (۱۰۷) بیای نیست در آن هیچگاه همانا مسجدی که بنیاد شده است بر پرهیزکاری از نخستین روز سزاوارتر است که بیای ایستی در آن در آنند مردانی که دوست دارند آنکه پاک شوند و خدا است دوستدار پاکیزگی جویان (۱۰۸) آیا آنکه بنیاد کرده است شالوده آن را بر ترسی از خدا و خوشنودیی بهتر است یا آنکه بنیاد نهاده است سازمانش را بر کنار پرتگاهی سراشیب که واژگونش ساخت در آتش دوزخ و خدا هدایت نکند گروه ستمگران را (۱۰۹) بماند سازمانی که ساختند همیشه ربی در دل‌های

ایشان مگر آنکه بگسلد از هم (پاره پاره شود) دل‌های ایشان و خدا است دانای حکیم (۱۱۰) همانا خدا خرید از مؤمنان جانها و مالهای ایشان را که برای ایشان است بهشت جنگ کنند در راه خدا پس بکشند و کشته شوند وعده‌ای است بر او حق در تورات و انجیل و قرآن و کیست وفادارتر به عهد خود از خدا پس شاد باشید به سوداگری که سودا نمودید و این است آن رستگاری بزرگ (۱۱۱) توبه کنندگان پرستشگران سپاسگزاران رهروان رکوع گزاران سجده کنندگان امرکنندگان به نیکی و بازدارندگان از بدی و نگهبانان مرزهای خدا و بشارت ده به مؤمنان (۱۱۲) نرسد پیمبر را و نه آنان را که ایمان آوردند اینکه آمرزش خواهند برای مشرکان و اگر چه باشند خویشاوندان پس از آنکه آشکار شد برای ایشان که آنانند یاران دوزخ (۱۱۳) و نبود آمرزش خواستن ابراهیم برای پدر خود جز از روی وعده‌ای که بدو داد سپس گاهی که آشکار شد برای او آنکه وی دشمنی است برای خدا بیزاری جست از او و همانا ابراهیم است بسیار زاری کننده‌ای شکیا (۱۱۴) و نیست خدا که گمراه سازد قومی را پس از آنکه رهبریشان کرد تا بنمایدشان که از چه چیز پرهیز کنند همانا خداوند است به همه چیز دانا (۱۱۵) همانا خدا از آن وی است پادشاهی آسمانها و زمین زنده کند و بمیراند و نیست شما را جز خدا دوست و نه یاور (۱۱۶) همانا پذیرفت خدا توبه پیمبر و مهاجران و انصار را که پیرویش نمودند به هنگام سختی پس از آنکه نزدیک بود بلغزد دل‌های گروهی از ایشان پس توبه کرد بر ایشان همانا او است بدیشان نوازنده مهربان (۱۱۷) و بر آن سه تن که بازماندند تا آنکه تنگ شد بر ایشان زمین با فراخیش و تنگ آمد بر ایشان جانهای ایشان و دانستند که نیست پناهگاهی از خدا جز بسوی او پس توبه کرد بر ایشان تا توبه کنند همانا خدا است توبه پذیرنده مهربان (۱۱۸) ای آنان که ایمان آوردید بترسید خدا را و باشید با راستگویان (۱۱۹) نرسد مردم مدینه و آنان را که پیرامون آنند از اعراب (دشت نشینان) که بازمانند از رسول خدا و نه برگزینند جان خویش را بر جانش این بدان است که نمیرسدشان تشنگی و نه رنجی و نه گرسنگی در راه خدا و نه پای نهند در جایی که به خشم آرد کافران را و نه نبردی با دشمنی کنند جز آنکه نوشته شود برای ایشان بدان عملی صالح همانا خدا تباه نکند پاداش نکوکاران را (۱۲۰) و نه هزینه کنند خرد یا کلان و نه برند دره جز آنکه نوشته شود برای ایشان تا پاداش دهدشان خدا بهترین آنچه را بودند می کردند (۱۲۱) نرسد مؤمنان را که بکوچند همگی پس چرا نکوچند از هر گروهی از ایشان دسته‌ای تا دانش جویند در دین و تا بترسانند قوم خویش را گاهی که بازگردند بسوی آنان شاید بترسند ایشان (۱۲۲) ای آنان که ایمان آوردید پیکار کنید آنان را که نزدیکند به شما از کافران و باید بیابند در شما درشتخوئی و بدانید که خدا است با پرهیزکاران (۱۲۳) و هرگاه فرود شود سوره‌ای گویند گروهی از ایشان کدامیک را از شما بیفزودش ایمان اما آنان که ایمان آوردند بیفزودشان ایمان و ایشانند شادی کنان (۱۲۴) و اما آنان که در دلهاشان بیماری است پس بیفزودشان پلیدی بر پلیدی‌شان و مُردند حالی که آنانند کافران (۱۲۵) آیا نبینند که آزموده می شوند همه ساله یک بار یا دو بار پس نه توبه می کنند و نه یادآور می شوند (۱۲۶) و هرگاه فرود شود سوره‌ای بنگرد بر خیشان به برخی آیا می بیند شما را کسی سپس برگردند برگرداند خدا دل‌های ایشان را بدانکه آنانند گروهی نادریابندگان (۱۲۷) همانا پیامد شما را پیمبری از خود شما گران است بر او رنج بردن شما حریص است بر شما به مؤمنان است نوازنده‌ای مهربان (۱۲۸) پس اگر پشت کردند بگو بس است مرا خدا نیست خداوندی جز او بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ (۱۲۹)

یونس

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) این است آیت‌های کتاب حکیم (نامه استوار) (۲) آیا شگفت آمیز شد برای مردم که وحی نمودیم بسوی مردی از ایشان که بترسان مردم را و بشارت ده بدانان که ایمان آوردند که ایشان را است قدم راستی نزد پروردگارشان گفتند کافران همانا این است جادوگری آشکار (۳) همانا پروردگار شما خداوندی است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز پس استوار شد بر عرش تدبیر کند کار را نیست شفاعت کننده مگر پس از رخصتش این است خدا پروردگار شما پس پرستش

کنیدش آیا یادآور نمی‌شوید (۴) بسوی او است بازگشت شما همگی وعده خدا است به درست هر آینه آغاز کند آفرینش را و سپس برگرداندش تا پاداش دهد آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند به داد و آنان را که کفر ورزیدند ایشان را است نوشابه‌ای از آب جوشان و غذایی در دناک بدانچه بودند کفر می‌ورزیدند (۵) و او است آن که گردانید خورشید را درخشندگی و ماه را پرتوی و گردانیدش منزلهائی تا بدانید شمار سالها و حساب را نیافریده است خدا این را جز به حقّ تفصیل دهد آیتها را برای گروهی که می‌دانند (۶) همانا در گردش شبانه‌روز و آنچه آفرید خدا در آسمانها و زمین آیتهایی است برای گروهی که پرهیز کنند (۷) همانا آنان که امید ندارند ملاقات ما را و خوشنود شدند به زندگانی دنیا و دل بدان بستند و آنان که از آیتهای ما غفلت دارند (۸) آنان را جایگاه آتش است بدانچه بودند دست می‌آوردند (۹) همانا آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند رهبریشان کند پروردگارشان به ایمانشان روان شود زیرا آنان جوی‌هایی در باغستان نعمتها (۱۰) گفتارشان در آن منزهی تو بار خدایا و درود ایشان است در آن سلام و آخرین گفتارشان آنکه سپاس خدای را پروردگار جهانیان (۱۱) و اگر بشتابد خدا بسوی بدی برای مردم مانند شتافتن ایشان بسوی خوبی هر آینه گذرانده شود سرآمد ایشان پس می‌گذاریم آنان را که امید ندارند ملاقات ما را در سرکشی خود فرو روند (۱۲) و هرگاه برسد انسان را سختی بخواند ما را بر پهلوی یا نشسته یا ایستاده تا گاهی که باز کردیم (برگشودیم) از او سختیش را در گذرد چنانکه گوئی نخوانده است ما را بسوی سختی که بدو رسیده بدینسان بیاراست برای اسراف‌کنندگان آنچه بودند می‌کردند (۱۳) و هر آینه نابود کردیم قرنهایی که پیش از شما بودند گاهی که ستم کردند و بیامدشان پیمبران‌شان به نشانی‌ها و نبودند که ایمان آرند بدینسان کیفر دهیم به گروه گنهکاران (۱۴) سپس گردانیدیم شما را جانشینانی در زمین از پس ایشان تا بنگریم چگونه عمل می‌کنید (۱۵) و هرگاه خوانده شود بر ایشان آیتهای ما آشکار گویند آنان که امید ندارند ملاقات ما را بیاور قرآنی غیر از این یا تبدیلتش کن بگو نرسد مرا که تبدیلتش کنم از نزد خود پیروی نکنم جز آنچه را وحی شود به سویم همانا می‌ترسم اگر نافرمانی کنم پروردگارم را از عذاب روزی بزرگ (۱۶) بگو اگر می‌خواست خدا نمی‌سرودمش بر شما و نه می‌آموختمش به شما هر آینه درنگ کردم میان شما عمری را پیش از آن آیا در نمی‌یابید (۱۷) پس کیست ستمگرتر از آنکه ببندد بر خدا دروغی را یا تکذیب کند آیتهای او را همانا رستگار نشوند گنهکاران (۱۸) و پرستند جز خدا آنچه را نه زیانشان رساند و نه سودی و گویند اینانند شفیعان ما نزد خدا بگو آیا آگهی دهید خدا را بدانچه خود نمی‌داند در آسمانها و نه در زمین منزّه و برتر است او از آنچه شرک می‌ورزند (۱۹) و نبودند مردم جز یک ملت پس اختلاف کردند و اگر نبودند سرنوشتی که پیشی گرفته است از پروردگار تو همانا داوری می‌شد میان ایشان در آنچه بودند در آن اختلاف‌کنان (۲۰) گویند چرا فرود نیاید بر او آیتی از پروردگارش بگو جز این نیست که ناپیدا از آن خدا است پس منتظر باشید که مائیم با شما از منتظران (۲۱) و هرگاه چشاییم مردم را رحمتی پس از سختی که بدانان رسیده ناگهان ایشان را است نیرنگی در آیتهای ما بگو خدا شتابنده‌تر است در نیرنگ همانا فرستادگان ما می‌نویسند آنچه را نیرنگ کنید (۲۲) و او است آنکه می‌برد شما را در دشت و دریا تا گاهی که باشید در کشتی و روان شود بدیشان با بادی پاک (خوش) و شاد شوند بدان بیایدشان بادی تند و بیایدشان موج از هر سوی و پندارند که فرا گرفته شدند (فروماندند) بخوانند خدای را پاک‌کنندگان دین برای او که اگر رهائیمان دادی از این هر آینه باشیم از شکر گزاران (۲۳) تا گاهی که رهائیشان داد ناگهان سرکشی کنند در زمین به ناحقّ ای مردم جز این نیست که ستم شما بر خویش کامیابی زندگانی دنیا است پس بسوی ما است بازگشت شما تا آگهی‌تان دهیم بدانچه بودید می‌کردید (۲۴) جز این نیست که مثل زندگانی دنیا مانند آبی است که فرستادیمش از آسمان پس بیامیخت بدان روئیدنی زمین از آنچه می‌خورند مردم و چهارپایان تا گاهی که برگرفت زمین زیور خویش را و بیاراست خود را و پنداشتند اهلش که ایشانند توانایان بر آن بیامدش امر ما شبی یا روزی پس تبااهش ساختیم چنانکه گوئی مسکون نبوده است دیروز بدینسان تفصیل دهیم آیتها را برای گروهی که تفکر کنند (۲۵) و خدا می‌خواند بسوی خانه آرامش و هدایت کند هر که را خواهد بسوی راهی راست (۲۶) برای آنان که نکوئی کردند نکوئی است و فزونی و نشینند بر

چهره‌های ایشان گرد پریشانی و نه خواری آنان یاران بهشتند و در آند جاودانان (۲۷) و آنان که بدی‌ها کردند کیفر هر بدی همانند آن است و دستخوششان سازد خواری نیستشان از خدا نگهدارنده‌ای گوئیا پوشیده است روی‌های آنان با پاره‌هایی از شب تار آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان (۲۸) و روزی که گردشان آریم همگی پس گوئیم بدانان که شرک ورزیدند بر جای خود ایستید شما و شریکان شما سپس جدائی افکنیم میانشان و گویند شریکان ایشان نبودید شما ما را پرستش کنندگان (۲۹) و بس است خداوند گواهی میان ما و میان شما که بودیم از پرستش شما بی‌خبران (۳۰) اینجاست که می‌آزماید همه کس آنچه را پیش فرستاده است و باز گردانیده شوند بسوی خدا سرپرست ایشان به حق و گم شد از ایشان آنچه بودند دروغ می‌بستند (۳۱) بگو که روزی دهد شما را از آسمان و زمین یا کیست مالک گوش و دیدگان و که برون آرد زنده را از مُرده و مُرده را از زنده و که تدبیر کند کار را بزودی گویند خدا بگو پس چرا پرهیز نمی‌کنید (۳۲) این است خدا پروردگار شما به حق و چیست پس از حق جز گمراهی پس به کدام سوی گردانیده می‌شوید (۳۳) بدینسان استوار شد سرنوشت پروردگار تو بر آنان که نافرمانی کردند که ایشان ایمان نمی‌آورند (۳۴) بگو آیا هست از شریکان شما آنکه آغاز کند آفرینش را و سپس بازش گرداند بگو خدا است که آغاز کند آفرینش را و سپس باز همی گرداند پس کجا به دروغ رانده می‌شوید (۳۵) بگو آیا هست از شریکان شما آنکه هدایت کند بسوی حق بگو خدا هدایت کند بسوی حق آنکه هدایت کند بسوی حق سزاوارتر است که پیروی شود یا آنکه خود راه نبرد تا رهبریش کنند چه شود شما را چگونه حکم کنید (۳۶) و پیروی نکنند بیشتر ایشان جز گمان را و هر آینه گمان بی‌نیاز نکند از حق به چیزی همانا خدا دانا است بدانچه می‌کنند (۳۷) و نیست این قرآن که دروغ آورده شود از غیر از خدا و لیکن تصدیق آنچه پیش روی او است و تفصیل کتاب نیست شکی در آن از پروردگار جهانیان (۳۸) یا گویند دروغ بسته است آن را بگو پس بیارید یک سوره همانند آن و بخوانید هر که را توانید جز خدا اگر هستید راستگویان (۳۹) بلکه دروغ پنداشتند آنچه را فرانگرفتند به دانش آن و هنوز نرسیده است بدیشان تأویلش بدینگونه تکذیب کردند آنان که پیش از ایشان بودند پس بنگر چگونه شد فرجام ستمکاران (۴۰) و از ایشان است آنکه ایمان آورد بدان و از ایشان است آنکه ایمان نیاورد بدان و پروردگار تو دانایتر است به تبه‌کاران (۴۱) و اگر تکذیب نمودند بگو مرا است کردارم و شما را است کردار شما بیزارید از آنچه من می‌کنم و بیزارم از آنچه شما کنید (۴۲) و از ایشان است آنکه گوش فرادارد به سويت آیا تو می‌شنوای گنگان را و اگرچه درنیابند (۴۳) و از ایشان است آنکه بنگرد به سويت آیا تو رهبری کنی کوران را و اگر چه نبینند (۴۴) همانا خدا ستم نکند بر مردم به چیزی و لیکن مردم خویشتن را ستم می‌کنند (۴۵) و روزی که گردشان آرد چنانکه گوئی درنگ نکردند جز ساعتی از روز شناسا شوند با هم همانا زیان کردند آنان که تکذیب نمودند ملاقات خدا را و نبودند هدایت‌شدگان (۴۶) و اگر بنمایانیم تو را پاره‌ای از آنچه بدیشان وعده دهیم یا دریابیمت (بمیرانیمت) پس بسوی ما است بازگشت ایشان سپس خدا گواه است بر آنچه می‌کنند (۴۷) و هر ملتی را پیغامبری است که هرگاه بیاید پیغامبر آنان داوری شود میان ایشان به داد و ستم نمی‌شوند (۴۸) و گویند کی است (چه وقت) این وعده اگر هستید راستگویان (۴۹) بگو دارا نیستم برای خویشتن زیان و نه سودی را جز آنچه خدا خواهد برای هر ملتی است سرآمدی که هرگاه بیاید سرآمد ایشان نه دیر کنند ساعتی و نه پیشی گیرند (۵۰) بگو آیا دیده‌اید که اگر بیاید شما را عذاب او شبانه یا در روز چه چیز را می‌شتابند از آن گنه‌کاران (۵۱) آیا پس از آنکه فرود آمد ایمان آوردید بدان اکنون حالی که بودید بدان شتابندگان (۵۲) پس گفته شد بدانان که ستم کردند بچشید عذاب جاودانی را آیا پاداش داده می‌شوید جز بدانچه بودید فراهم می‌کردید (۵۳) پرسندت آیا حق است آن بگو آری سوگند به پروردگارم و همانا آن است حق و نیستید شما به عجز آرندگان (۵۴) و اگر باشد آن را که ستم کرده است هر آنچه در زمین است هر آینه بدهدش به جای خویش و نهان کردند پشیمانی را گاهی که دیدند عذاب را و داوری شد میان ایشان به داد و ستم نشوند ایشان (۵۵) همانا خدا را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همانا وعده خدا است حق و لیکن بیشترشان نمی‌دانند (۵۶) او زنده کند و بمیراند و به سويت باز گردانیده شوید (۵۷) ای مردم همانا بیامد شما را اندرزی از

پروردگار شما و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان (۵۸) بگو به فضل خدا و به رحمتش پس بدین باید شاد شوند آن بهتر است از آنچه گرد می‌آرند (۵۹) بگو آیا دیدید آنچه را فرستاد خدا برای شما از روزی پس قرار دادید از آن حرامی و حلالی بگو آیا خدا به شما اجازت داده است یا بر خدا دروغ بندید (۶۰) و چیست پندار آنان که بندگان بر خدا دروغ را روز قیامت همانا خدا دارای فضل است بر مردم و لیکن بیشتر ایشان سپاس نگزارند (۶۱) و نباشی تو در کاری و نه برخوانی از آن قرآنی (خواندنی) را و نکنید کاری را به جز آنکه باشیم بر شما گواه هنگامی که فرو می‌روید در آن و پوشیده نماند از پروردگارت سنگینی ذره‌ای نه در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر در کتابی است آشکار (۶۲) همانا دوستان خدا نیست بر ایشان بیمی و نه اندوهگین شوند (۶۳) آنان که ایمان آوردند و بودند پرهیز می‌کردند (۶۴) آنان را است بشارت در زندگانی دنیا و در آخرت نیست تبدیلی برای سخنان خدا این است آن رستگاری بزرگ (۶۵) و اندوهگینت نکند گفتارشان همانا عزت از آن خداست همگی او است شنوای دانا (۶۶) همانا خدای را است آنکه در آسمانها و آنکه در زمین است و پیروی نکنند آنان که خوانند جز خدا شریکانی پیروی نکنند جز پندار را و نیستند جز گمان‌آوران (۶۷) او است آنکه نهاد برای شما شب را تا بیاورامید در آن و روز را بینا همانا در این است آیت‌هایی برای گروهی که بشنوند (۶۸) گفتند برگرفت خدا فرزندی منزّه است او او است بی‌نیاز وی را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است نزد شما فرمانروائی بدان آیا گوئید بر خدا آنچه را نمی‌دانید (۶۹) بگو همانا آنان که بندگان بر خدا دروغ را رستگار نشوند (۷۰) کامیابی است در دنیا و سپس بسوی ما است بازگشت ایشان پس بچشامیشان عذاب سخت را بدانچه بودند کفر می‌ورزیدند (۷۱) و بخوان بر ایشان داستان نوح را گاهی که گفت به قوم خویش ای قوم من اگر گران است بر شما ماندن من و یاد آوردن من آیت‌های خدا را پس بر خدا توکل نمودم پس گرد آورید کار خود و شریکان خود را تا نباشد کار شما بر شما اندوهی سپس بگذرانید بسوی من و مهلتم ندهید (۷۲) پس اگر پشت کردید همانا نخواهم از شما پاداشی نیست پاداشم مگر بر خدا و مأمور شدم که باشم از مسلمانان (۷۳) پس تکذیبش کردند پس رهانیدمش و هر که را با او بود در کشتی و گردانیدیم ایشان را جانشینانی و غرق ساختیم آنان را که تکذیب کردند آیت‌های ما را پس بنگر چگونه شد فرجام بیم‌دادگان (۷۴) سپس برانگیختیم پس از او پیمبرانی بسوی قومشان پس بیامدندشان به نشانی‌ها پس نبودند که ایمان آرند بدانچه تکذیب کردند از پیش بدینسان مَهرِ نهم بر دل‌های تجاوزکنندگان (۷۵) سپس برانگیختیم پس از ایشان موسی و هارون را بسوی فرعون و قوم او به آیت‌های ما پس کبر ورزیدند و شدند قومی گنهکاران (۷۶) و هنگامی که بیامدشان حقّ از نزد ما گفتند همانا این است جادوئی آشکار (۷۷) گفت موسی آیا گوئید به حقّ گاهی که بیامده است شما را آیا جادو است این و رستگار نشوند جادوگران (۷۸) گفتند آیا آمدی ما را تا برگردانی ما را از آنچه یافتیم بر آن پدران خویش را و باشد برای شما بزرگواری در زمین و نیستیم ما برای شما باورکنندگان (۷۹) و گفت فرعون بیارید مرا به هر جادوگری دانشمند (۸۰) پس گاهی که آمدند جادوگران گفت بدیشان موسی بیفکنید آنچه را هستید افکنندگان (۸۱) سپس هنگامی که افکندند گفت موسی آنچه آوردید جادو است و خدا زود است تباہ سازدش همانا خدا راست نیارد کردار تبهکاران را (۸۲) و پپای می‌دارد خدا حقّ را به سخنان خویش و اگر چه خوش ندارند گنهکاران (۸۳) پس ایمان نیاورد برای موسی جز تیره‌ای از قومش با ترسی از فرعون و کسان او نبادا برآشوبند بر ایشان و همانا فرعون برتری جوئی است در زمین و همانا او است از اسراف‌کنندگان (۸۴) و گفت موسی ای قوم اگر ایمان آوردید به خدا پس بر او توکل کنید اگر هستید مسلمانان (تسلیم‌شدگان) (۸۵) گفتند بر خدا توکل کردیم پروردگارا نگردان ما را دستخوش گروه ستمکاران (۸۶) و برهان ما را به رحمت خود از گروه کافران (۸۷) و وحی نمودیم به موسی و برادرش که برگیرید برای قوم خویش در مصر (شهر) خانه‌هایی و بگردانید خانه‌های خویش را قبله و پپای دارید نماز را و بشارت ده به مؤمنان (۸۸) و گفت موسی پروردگارا همانا دادی فرعون و کسانش را زیوری و مال‌هایی در زندگانی دنیا تا گمراه کنند از راهت پروردگارا تباہ ساز اموال آنان را و ببند دل‌های آنان را که ایمان نیارند تا بنگرند عذاب دردناک را (۸۹) گفت همانا مستجاب شد دعای شما پس پایداری کنید و

پیروی نکنید راه آنان را که نمی‌دانند (۹۰) و گذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا پس پیروی کرد ایشان را فرعون و سپاه او به ستم و سرکشی تا گاهی که دریافت او را غرق گفت باور کردم که نیست خدائی جز آنکه ایمان بدو آوردند بنی اسرائیل و منم از مسلمانان (تسلیم شدگان) (۹۱) آیا کنون حالی که عصیان کردی پیش و بودی از تباهکاران (۹۲) پس امروز برهانیمت به کالبدت تا باشی برای آنان که پس از تو آیند نشانه (عبرتی) و همانا بسیاری از مردمند از آیت‌های ما غافلان (۹۳) و همانا جای دادیم بنی اسرائیل را جایگاه راستین و روزیشان دادیم از پاکیزه‌ها پس اختلاف نکردند تا آنکه پیامدشان دانش همانا پروردگار تو داوری کند میان آنان روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف کنان (۹۴) و اگر هستی در شکی بدانچه فرستادیم به سویت پس پیرس آنان را که می‌خوانند کتاب را پیش از تو همانا پیامد تو را حق از پروردگارت پس نباش از شک کنندگان (۹۵) و البته نباش از آنان که دروغ پنداشتند آیت‌های خدا را که می‌شوی از زیانکاران (۹۶) همانا آنان که فرود آمد بر ایشان سخن پروردگار تو ایمان نیارند (۹۷) و اگرچه پیامدشان هر آیتی تا ببینند عذاب دردناک را (۹۸) پس چرا نبود شهری که ایمان آورد و سود دهدش ایمانش مگر قوم یونس هنگامی که ایمان آوردند برگشودیم از ایشان عذاب خواری را در زندگانی دنیا و کامیابیشان دادیم تا سرآمدی (۹۹) و اگر می‌خواست پروردگار تو هر آینه ایمان می‌آوردند آنان که در زمینند همگی با هم پس آیا تو و امیداری به ناخواه مردم را که باشند از مؤمنان (۱۰۰) و نرسد تنی را که ایمان آرد مگر به دستور خدا و می‌گرداند پلید را بر آنان که در نمی‌یابند (۱۰۱) بگو بنگرید چیست در آسمانها و زمین و بی‌نیاز نگردانند آیتها و نه بیم‌دادنها از قومی که ایمان نمی‌آورند (۱۰۲) پس آیا انتظار می‌کشند جز همانند روزگار آنان را که گذشتند پیش از ایشان بگو پس منتظر باشید که منم با شما از منتظران (۱۰۳) سپس برهانیم پیمبران خود و آنان را که ایمان آوردند بدینسان حقی است بر ما که برهانیم مؤمنان را (۱۰۴) بگو ای مردم اگر هستید در شکی از آئینم پس نمی‌پرستم آنان را که می‌پرستید جز خدا و لیکن پرستش کنم خداوندی را که دریابد (بمیراند) شما را و مأمور شدم که باشم از ایمان‌آورندگان (۱۰۵) و آنکه راست کن روی خود را بسوی دین یکتاپرست و نباش البته از شرک‌ورزندگان (۱۰۶) و نخوان جز خدا آنچه را نه سودی دهدت و نه گزندت رساند که اگر کنی هر آینه باشی در آن هنگام از ستمکاران (۱۰۷) و اگر برساندت خدا به رنجی نیست گشاینده برای آن جز او و اگر اراده کند تو را به خیری نباشد برگرداننده برای فضلش رساندش به هر که خواهد از بندگان خود و او است آمرزنده مهربان (۱۰۸) بگو ای مردم همانا پیامد شما را حق از پروردگار شما پس هر که هدایت شود جز این نیست که هدایت شود برای خویشتن و هر که گمراه شود گمراه نشود مگر بر خویش و نیستم من بر شما و کیل (۱۰۹) و پیروی کن آنچه را وحی می‌شود بسوی تو و صبر کن تا حکم کند خدا و او است بهترین حکم‌کنندگان (۱۱۰)

هود

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) کتابی است که استوار شد آیت‌های آن و سپس تفصیل داده شده است از نزد حکیمی دانا (۲) که پرستش نکنید جز خدا را همانا منم برای شما از نزد او ترساننده و نویددهنده (۳) و آنکه آمرزش خواهید از پروردگار خویش و سپس بازگشت کنید بسوی او تا بهره دهد شما را بهره‌ای نکو تا سرآمدی نامبرده و بدهد به هر صاحب فضلی فضلش را و اگر پشت کردند همانا می‌ترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ (۴) بسوی خدا است بازگشت شما و او است بر هر چیز توانا (۵) همانا ایشان برمی‌تابند سینه‌های خود را تا پوشیده دارند از او همانا گاهی که می‌پوشند جامه‌های خود را می‌دانند آنچه را نهان کنند و آنچه را آشکار سازند که او دانا است بدانچه در سینه‌ها است (۶) و نیست جنبنده‌ای در زمین مگر بر خدا است روزی او و می‌داند آرامشگاه و کوچگاه او را هر کدام است در کتابی آشکار (۷) و او است آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش روز و بود عرش او بر آب تا بیازماید شما را کدامیک نکوترید در کردار و اگر گوئی شما نید برانگیختگان پس از مرگ هر آینه گویند آنان که کفر ورزیدند نیست این جز جادوئی آشکار (۸) و اگر دور کنیم از ایشان عذاب را تا امتی شمرده گویند چه بازدارد آن را همانا روزی

که می آید ایشان را نیست برگرداننده از ایشان و فرود آمد بر ایشان آنچه بودند بدان استهزاء کنان (۹) و اگر چنانچه انسان را از خود رحمتی و سپس بگیریمنش از او همانا او است نوید ناسپاس (۱۰) و اگر چنانچه نعمتی بعد از رنجی که بدو رسیده است هر آینه گوید رفت بدی ها از من همانا او است شادمان خودستای (۱۱) مگر آنان که صبر کردند و عمل صالح نمودند که آنان را است آمرزش و پاداشی بزرگ (۱۲) شاید توئی رهاکننده پاره ای از آنچه وحی می شود بسوی تو و تنگ شود بدان سینه تو که گویند چرا بر او فرود نیامد گنجی یا نیامد با او فرشته ای جز این نیست که توئی بیم دهنده و خدا است بر هر چیزی وکیل (۱۳) یا گویند دروغ بسته است آن را بگو بیاورید ده سوره همانند آن دروغ پرداخته و بخوانید هر آن را که بتوانید جز خدا اگر هستید راستگویان (۱۴) پس اگر نپذیرفتند از شما بدانید که آنچه فرستاده شده است به علم خدا است و آنکه نیست خدائی جز او پس آیا هستید شما اسلام آورندگان (۱۵) آنان که خواهان زندگانی دنیا و زیور آنند تمام دهیم بدیشان کردار ایشان را در آن و ایشان در آن کم داده نشوند (۱۶) آنانند که نیست ایشان را در آخرت جز آتش و تباه است آنچه ساختند در آن و ناچیز است آنچه بودند می کردند (۱۷) آیا آنکه بر روشنائی است از پروردگار خود و از پیش آید گواهی از آن و پیش از آن است کتاب موسی پیشوا و رحمتی ایشان ایمان آرند بدان و آنکه کفر ورزد بدان از احزاب آتش است وعده گاه او پس نباش در شکی از آن همانا آن است حق از پروردگار تو لیکن بیشتر مردم ایمان نمی آورند (۱۸) و کیست ستمگرتر از آنکه ببندد بر خدا دروغی را آنان عرض شوند بر پروردگار خویش و گویند گواهان اینانند آنان که دروغ گفتند بر پروردگار خویش همانا لعنت خدا باد بر ستمگران (۱۹) آنان که بازدارند از راه خدا و خواهندش کج و ایشانند به آخرت کافران (۲۰) آنان نیستند به عجز آرندگان در زمین و نیستشان جز خدا دوستانی افزوده شود برای ایشان عذاب نبوند بتوانند شنیدن را و نبوند که ببینند (۲۱) آنانند که زیان کردند خویشان را و گم شد از ایشان آنچه بودند دروغ می بستند (۲۲) ناگزیر آنانند در آخرت زیانمندتران (۲۳) همانا آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و زاری کردند بسوی پروردگار خویش آنانند یاران بهشت ایشانند در آن جاودانان (۲۴) مثل دو گروه مانند کور و کر و بینا و شنوا است آیا یکسانند در مثل آیا یادآور نمی شوید (۲۵) و همانا فرستادیم نوح را بسوی قومش که منم برای شما ترساننده آشکار (۲۶) که پرستش نکنید جز خدا را که می ترسم بر شما از عذاب روزی دردناک (۲۷) پس گفتند گروهی که کفر ورزیدند از قومش نمی بینیم جز بشری همانند خویش و نمی بینیم تو را که پیرویت کرده اند جز آنان که فرومایگان ما هستند نخستین بار و نمی بینیم شما را بر ما برتری بلکه می پنداریم شما را دروغگویان (۲۸) گفت ای قوم من آیا دیده اید که اگر باشم من بر روشنائی از پروردگار خود و بداد مرا رحمتی از نزدش پس پوشیده شد بر شما آیا و امیدارم شما بر آن حالی که هستید آنرا ناخوش دارندگان (۲۹) و ای قوم من نخواهم از شما بر آن مالی را نیست پاداشم جز بر خدا و نیستم دورکننده آنان که ایمان آوردند همانا ایشانند ملاقات کننده پروردگار خویش لیکن بینم شما را گروهی که نمی دانید (۳۰) و ای قوم من که مرا یاری می کند از خدا اگر برانمشان آیا یادآور نمی شوید (۳۱) و نمی گویم به شما که نزد من است گنجهای خدا و ندانم ناپیدا را و نگویم که منم فرشته و نمی گویم بدانان که به خواری نگرد دیدگان شما هرگز ندهد خدا بدیشان خیری خدا داناتر است بدانچه در دلهای آنان است که می باشم در آن هنگام از ستمکاران (۳۲) گفتند ای نوح همانا با ما ستیزه کردی پس فزون کردی ستیزه ما را پس بیاور ما را آنچه به ما وعده دهی اگر هستی از راستگویان (۳۳) گفت جز این نیست که آورد شما را بدان خدا اگر خواهد و نیستید شما به عجز آرندگان (۳۴) و سود ندهد شما را اندرز من اگر خواهم شما را اندرز دهم اگر خواهد گمراهتان کند او است پروردگار شما و بسوی او باز گردانیده شوید (۳۵) یا گویند دروغ بسته است آن را بگو اگر دروغش بسته باشم بر من است گناه و بیزارم از آنچه شما گناه کنید (۳۶) و وحی شد بسوی نوح که هرگز ایمان نیارند از قومت جز آنان که ایمان آوردند پس آزرده نشو از آنچه می کنند (۳۷) و بساز کشتی را به دیدگان ما و وحی ما و سخن نگوی با من در باره آنان که ستم کردند همانا ایشانند غرق شدگان (۳۸) و می ساخت کشتی را و هرگاه بر او گذشتی گروهی از قومش مسخره اش گرفتندی گفت اگر ما را مسخره کنید

همانا ما شما را مسخره کنیم چنانکه بودید شما مسخره می کردید (۳۹) زود است بدانید که را آید غذایی که خوار سازدش و فرود آید بر او غذایی جایگزین (۴۰) تا گاهی که بیامد امر ما و بجوشید تنور گفتیم بار کن در آن از هر کدام دو جفت را و خاندان خویش را مگر آنکه بر او پیشی گرفته است سخن و آنان را که ایمان آوردند و ایمان نیاورده بود با او جز اندکی (۴۱) گفت سوار شوید در آن با نام خدا روان شدنش و لنگر انداختنش همانا پروردگار من است آمرزنده مهربان (۴۲) و آن روان بود بدیشان در موجی همانند کوهها و برخواند نوح فرزند خود را و بود بر کناری که ای پسرک من سوار شو با ما و نباش با کافران (۴۳) گفت زود است پناه برم به کوهی که نگه دارم از آب گفت نیست نگهدارنده ای امروز از امر خدا مگر آن را که رحم کرده است و حایل شد میان ایشان موج پس شد از غرق شدن گان (۴۴) و گفته شد ای زمین فروخور آب خویش را و ای آسمان بس کن و فرونشست آب و گذشت کار و استوار شد بر جودی و گفته شد دور باد برای گروه ستمگران (۴۵) و خواند نوح پروردگار خود را پس گفت پروردگارا همانا پسر من از خاندان من است و هر آینه وعده تو حق است و توئی بهترین حکم کنندگان (۴۶) گفت ای نوح نیست او از خاندان تو و همانا او کرداری است ناشایست پس نپرس مرا آنچه نیستت بدان دانشی همانا اندرزت گویم تا نباشی از نادانان (۴۷) گفت پروردگارا پناه برم به تو که پیرست آنچه را نباشد مرا دانشی بدان و اگر نیامری مرا و رحم نکنی بر من باشم از زیانکاران (۴۸) گفته شد ای نوح فرود آی با آرامشی از ما و بر کتھائی بر تو و بر ملتھائی از آنان که با تو هستند و ملتھائی که زود است بهره مندشان گردانیم و سپس برسد ایشان را از ما غذایی دردناک (۴۹) این از خبرهای ناپیدا است که وحی می فرستیمش به سویت و نبوده ای که بدانی آنها را تو و نه قومت پیش از این پس بردبار شو همانا فرجام است از آن پرهیزکاران (۵۰) و بسوی عاد برادر ایشان هود را گفت ای قوم من پرستش کنید خدا را نیست شما را خداوندی جز او نیستید شما جز دروغ آوران (۵۱) ای قوم من نخواهم از شما بر آن مزدی را نیست مزد من جز بر آنکه مرا آفریده است پس آیا بخرد نمی یابید (۵۲) و ای قوم من آمرزش جوئید از پروردگار خود سپس بازگشت کنید بسوی او تا فرستد آسمان را بر شما ریزاریز و بیفزاید شما را نیروئی بر نیرویتان و پشت نکنید گنهکاران (۵۳) گفتند ای هود نیاوردی ما را نشانی و نیستیم ما ترک کننده خدایان خود به گفتار تو و نیستیم ما به تو ایمان آورندگان (۵۴) نگوئیم جز آنکه گرفته است تو را برخی از خدایان ما به بدی گفت همانا گواه گیرم خدا را و گواه باشید شما که بیزارم از آنچه شرک می ورزید (۵۵) جز خدا پس آهنگ من کنید همگی و سپس مهلتم ندهید (۵۶) همانا توکل کردم بر خدا پروردگار من و پروردگار شما نیست جنبنده ای جز آنکه او است گیرنده پیشانیش پروردگار من است بر راهی راست (۵۷) پس اگر پشت کردند همانا ابلاغ کردم به شما آنچه را بدان فرستاده شدم بسوی شما و برگیرد به جای شما پروردگار من قومی را غیر از شما و گزندش نرسانید به چیزی همانا پروردگار من است بر همه چیز نگهبان (۵۸) و هنگامی که بیامد امر ما رهانیدیم هود را و آنان که ایمان آوردند با او به رحمتی از ما و رهائیشان دادیم از غذایی انبوه (۵۹) و اینک عاد انکار کردند آیتهای پروردگار خود را و نافرمانی کردند پیمبران او را و پیروی کردند فرمان هر فرمانده خیره سری را (۶۰) و پیرو شدند در این دنیا لعنتی را و در روز قیامت همانا عاد کفر ورزیدند به پروردگار خویش همانا دور باد برای عاد قوم هود (۶۱) و بسوی ثمود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من پرستش کنید خدا را نیست شما را خدائی جز او پدید آورده است شما را از زمین و استعمار کرده است شما را در آن پس استغفار کنید او را سپس بازگشت کنید بسوی او که پروردگار من نزدیک است و پذیرنده (۶۲) گفتند ای صالح همانا امیدواری ما بودی پیش از این آیا نهی کنی ما را از آنکه پرستیم آنچه را می پرستند پدران ما و مائیم در شکی از آنچه خوانیمان بدان به ریب افکننده (۶۳) گفت ای قوم من آیا دیده اید که اگر بر رهبری از پروردگار خود باشم و آمده باشم مرا از او رحمتی پس که مرا یاری دهد از خدا اگر نافرمانیش کنم پس نیفزاید مرا جز زیانکاری (۶۴) و ای قوم من این است اشتر خدا برای شما آیتی پس بگذاریدش بچرد در زمین خدا و گردش نگردید به بدی که برگیرد شما را غذایی نزدیک (۶۵) پس پی کردند آن را پس گفت کامیاب مانید در خانه خود سه روز این است وعده نادروغ (۶۶) تا هنگامی که بیامد امر ما رهانیدیم صالح را و آنان که ایمان

آوردند با او به رحمتی از ما و از خواری آن روز همانا پروردگار تو است نیرومند دادستان (۶۷) و بگرفت آنان را که ستم کردند خروشی پس شدند در خانه‌های خود مُردگان (۶۸) چنانکه گوئی سکونت نگزیده‌اند در آنها همانا ثمود کفر ورزیدند به پروردگار خویش همانا دور باد برای ثمود (۶۹) و همانا آمدند فرستادگان ما ابراهیم را به مژده گفتند سلام گفت سلام پس درنگ ناکرده بیاورد گوساله بریان (۷۰) و هنگامی که دید دستهایشان نمی‌رسد بسوی آن ناشناسشان گرفت و برداشت از ایشان بیمی گفتند نترس که ما فرستاده شدیم بسوی قوم لوط (۷۱) و زنش ایستاده بود پس خندید پس مژده دادیمش به اسحق و از پس اسحق یعقوب (۷۲) گفت ای وای آیا برایم و منم پیری ناتوان و این است شوهر من پیری فرتوت همانا این است چیزی شکفت (۷۳) گفتند آیا شکفت مانی از کار خدا رحمت خدا و برکتهای او بر شما خاندان است همانا او است ستوده ارجمند (۷۴) تا گاهی که برفت از ابراهیم ترس و بیامدش مژده می‌ستیزد با ما در باره قوم لوط (۷۵) همانا ابراهیم بردباری است نالانی است زاری کنان (۷۶) ای ابراهیم در گذر از این همانا بیامد امر پروردگار تو و همانا آینده است ایشان را عذابی ناباز گردانیده (۷۷) و هنگامی که آمد فرستادگان ما لوط را به رنج شد از ایشان و تنگ آمدش بدیشان تاب و توان و گفت این است روزی سخت (خشم آگین) (۷۸) و بیامدندش قومش می‌شتافتند بسوی او و از پیش بودند می‌کردند بدی‌ها را گفت ای قوم اینک دخترانم پاکیزه‌ترند برای شما پس بترسید خدا را و خوارم نسازید در میهمانانم آیا نیست در شما مردی خردمند (۷۹) گفتند تو دانی نیست ما را در دختران تو کامی و هر آینه می‌دانی ما چه خواهیم (۸۰) گفت کاش مرا بر شما نیروئی می‌بود یا پناه می‌بردم به پایگاهی سخت (۸۱) گفتند ای لوط ما ئیم فرستادگان پروردگار تو هرگز نرسند به تو پس کوچ کن با خاندان خود در پاره‌ای از شب و روی برنگرداند از شما هیچکس جز زن تو که وی را رسنده است آنچه ایشان را رسد همانا وعده‌گاه آنان بامداد است آیا نیست بامداد نزدیک (۸۲) تا گاهی که بیامد امر ما گردانیدیم روی آن را زیر آن و باریدیم بر آن سنگهایی از سَجَل (سنگ گِل) به رشته کشیده (۸۳) نشاندارانی نزد پروردگار تو و نیست آن از ستمگران دور (۸۴) و بسوی مَدین برادر ایشان شُعَیب را گفت ای قوم من پرستش کنید خدا را نیست شما را خداوندی جز او و کم ندهید پیمانه و ترازو را همانا بینم شما را در خوشی و ترسم بر شما از عذاب روزی فراگیرنده (۸۵) و ای قوم تمام دهید پیمانه و ترازو را به داد و کم ندهید به مردم چیزهای ایشان را و نکوشید (تتازید) در زمین تباهکاران (۸۶) بازمانده خدا بهتر است برای شما اگر هستید مؤمنان و نیستیم من بر شما نگهبان (۸۷) گفتند ای شعیب آیا نمازت فرمانت دهد که رها کنیم آنچه را می‌پرستیدند پدران ما یا آنکه کنیم در مالهای خود هر آنچه خواهیم همانا توئی بردبار خردمند (۸۸) گفت ای قوم من آیا دیده‌اید که اگر باشم بر نشانه‌ای از پروردگارم و روزیم دهد از خویش روزئی نیکو و نخواهم مخالفت کنم شما را بسوی آنچه شما را از آن نهی می‌کنم نخواهم جز کار ساختن (درست کردن) را هر چه توانم نیست موفق داشتم جز با خدا بر او تکیه نمودم و بسوی او زاری کنم (۸۹) و ای قوم به گناه نیندازد شما را مخالفت من تا برسد شما را مانند آنچه رسیده است قوم نوح را یا قوم هود را یا قوم صالح را و نیست قوم لوط از شما دور (۹۰) و استغفار کنید پروردگار خویش را پس توبه کنید بسوی او همانا پروردگار من است مهربانی دوست‌دار (۹۱) گفتند ای شعیب در نمی‌یابیم بسیاری از آنچه گوئی و همانا بینیم میان ما ناتوان و اگر نبودند کسان تو هر آینه سنگسارت می‌کردیم و نیستی تو بر ما برتر (۹۲) گفت ای قوم آیا کسان من عزیزترند نزد شما از خدا و برگرفتید او را از پس خویش به پشت افکنده همانا پروردگار من است بدانچه می‌کنید فراگیرنده (۹۳) و ای قوم عمل کنید با توانائی خویش که منم عمل‌کننده زود است بدانید که را آید عذابی که خوار سازدش و کیست آنکه او است دروغگوی و چشم به راه باشید که منم با شما چشم به راه (۹۴) و هنگامی که بیامد امر ما رهانیدیم شعیب را و آنان که ایمان آوردند با او به رحمتی از ما و بگرفت آنان را که ستم کردند خروشی پس شدند در خانه‌های خویش مُردگان (۹۵) چنانکه گوئی نبوده‌اند در آن هرگز همانا دور باد برای مَدین چنانکه دور شدند ثمود (۹۶) و همانا فرستادیم موسی را به آیتهای ما و فرمانروائی آشکار (۹۷) بسوی فرعون و کسانش پس پیروی کردند امر فرعون را و نیست امر فرعون رهنمون (۹۸) پیشوا شود قوم خویش را روز قیامت پس در آوردشان در آتش و چه زشت

آبشخوری است فرود آمده بر آن (۹۹) و پیرو شدند در این لعنتی را و روز قیامت چه زشت است میهمانان پذیرائی شده (۱۰۰) این از داستان شهرها است که می‌سزایم بر تو از آنها است ایستاده و درویده (۱۰۱) و ستم نکردیم بر ایشان و لیکن ستم کردند خویش را پس بی‌نیاز نکرد از ایشان خدایانشان که می‌خواندند جز خدا به چیزی گاهی که بیامد امر پروردگار تو و نیفزودشان جز تباهی (۱۰۲) و بدینسان گرفتن پروردگار تو گاهی که گرفت شهرها را حالی که ستمکار بودند همانا گرفتن او است دردناک سخت (۱۰۳) همانا در این است آیتی برای آن که بترسد عذاب آخرت را این است روزی که گردآورده شود برای آن مردم و این است روزی گواهی شده (۱۰۴) و پس نیندازیمش مگر تا سرآمدی شمرده (۱۰۵) روزی که آید سخن نگوید کسی جز به رخصت او پس از ایشان است بدبخت و نیکبخت (۱۰۶) پس آنان که بدبخت شدند در آتش ایشان را است در آن آه و ناله (آهی که برآید و فرو رود) (۱۰۷) جاودانند در آن مادامی که آسمانها است و زمین جز آنچه خواهد پروردگار تو که پروردگار تو کننده است آنچه را خواهد (۱۰۸) و اما آنان که نیکبخت شدند پس در بهشت جاودانند در آن مادامی که آسمانها و زمین است جز آنچه خواهد پروردگار تو بخششی نابریده یا بیکران (۱۰۹) پس نباش در تردیدی از آنچه می‌پرستند اینان نمی‌پرستند مگر چنانکه پرستیدند پدران ایشان از پیش و همانا پردازنده‌ایم بدیشان بهره ایشان را ناکاسته (۱۱۰) و همانا دادیم به موسی کتاب را پس اختلاف شد در آن و اگر نبود سخنی که پیش گرفته است از پروردگار تو هر آینه قضاوت می‌شد میان ایشان و همانا ایشانند در شکی از آن به ریب افکننده (۱۱۱) و هر کدام را هر آینه بپردازد بدیشان پروردگار تو کردارهای ایشان را همانا او است بدانچه می‌کنند آگاه (۱۱۲) پس پایدار باش چنانکه مأمور شدی و آنان که توبه کردند با تو و سرکشی نکنید که او بدانچه می‌کنید بینا است (۱۱۳) و نگرید بسوی آنان که ستم کردند که می‌رسد شما را آتش و نمی‌باشد شما را جز خدا دوستانی و سپس یاری نمی‌شوید (۱۱۴) و پبای دار نماز را هر دو سر روز و پاره‌هایی از شب همانا خوبی‌ها می‌برند بدی‌ها را این است یادآورنی برای یادآرندگان (۱۱۵) و صبر کن که خدا تباه نکند پاداش نکوکاران را (۱۱۶) پس چرا نبود از قرنهای پیش از شما بازماندگانی که نهی کنند از تباه‌کاری در زمین مگر کمی از آنان که نجات دادیم از ایشان و پیروی کردند ستمگران آنچه را کامرانی نمودند در آن و شدند بزهکاران (۱۱۷) و نیست پروردگار تو که بکشد شهرها را به ستم و مردمان آنها بید اصلاح کنندگان (درست کاران) (۱۱۸) و اگر می‌خواست پروردگار تو هر آینه می‌گردانید مردم را یک ملت و پیوسته اختلاف کنندگان باشند (۱۱۹) مگر آنکه رحم کند پروردگار تو و برای این بیافریدستشان و تمام شد سخن پروردگار تو که همانا پُر سازم دوزخ را از جنیان و مردم همگی (۱۲۰) و هر کدام را خوانیم بر تو از داستانهای پیمبران آنچه استوار داریم بدان دلت را و بیامده است تو را در این حق و اندرزی و یادآورنی برای مؤمنان (۱۲۱) بگو بدانان که ایمان نمی‌آورند عمل کنید بر توانائی خویش که مائیم عمل کنندگان (۱۲۲) و منتظر باشید که مائیم منتظران (۱۲۳) و خدای را است ناپیدای آسمانها و زمین و بسوی او باز گردانیده شود امر همه آن پس او را پرستش کن و بر او توکل کن و نیست پروردگار تو غافل از آنچه می‌کنید (۱۲۴)

یوسف

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) این است آیتهای کتاب آشکارا (۲) همانا فرستادیمش خواندنیی به زبان تازی شاید بخرد یابید (۳) ما می‌خوانیم بر تو بهترین داستانها را بدانچه وحی فرستادیم بسوی تو این قرآن را و هر چند بوده‌ای پیش از آن از غافلان (۴) هنگامی که گفت یوسف به پدر خود ای پدر من همانا در خواب دیدم یازده ستاره و مهر و ماه را دیدمشان برایم سجده کنندگان (۵) گفت ای فرزند من فرونخوان خواب خویش را بر برادرانت تا برایت نیرنگی کنند همانا شیطان است برای انسان دشمنی آشکار (۶) و بدینسان برگزید تو را پروردگار تو و بیاموزدت از تعبیر خوابها و تمام کند نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب چنان که تمام کرد آن را بر پدران تو از پیش ابراهیم و اسحق همانا پروردگار تو است دانای حکیم (۷) همانا در یوسف و برادرانش آیتهایی است برای

پرسش کنندگان (۸) هنگامی که گفتند هر آینه یوسف و برادرش محبوبترند بسوی پدر ما از ما حالی که مائیم گروهی نیرومند همانا پدر ما است در گمراهی آشکار (۹) بکشید یوسف را یا بیفکنیدش بر زمینی که تنها ماند برای شما روی پدر شما و باشید پس از وی قومی شایستگان (۱۰) گفت گوینده‌ای از ایشان نکشید یوسف را و بیفکنیدش در تاریکی چاه تا برگرددش برخی از کاروانیان اگر هستید کنندگان (۱۱) گفتند ای پدر ما چه شود تو را که امین نشماری ما را بر یوسف حالی که مائیم برای او اندرزگویان (نیک‌اندیشان) (۱۲) بفرستش با ما بامداد بچرد و بازی کند و همانا مائیم او را نگهدارندگان (۱۳) گفت هر آینه اندوهگینم سازد که بریدش و ترسم بخوردش گرگ حالی که باشید شما از او غافلان (۱۴) گفتند اگر بخوردش گرگ حالی که مائیم گروهی نیرومند همانا باشیم در آن هنگام از زیانکاران (۱۵) سپس هنگامی که بردند او را و گرد آمدند بر آنکه نهندش در تک چاه و وحی فرستادیم بدو که همانا آگهی‌شان دهی به کارشان این و آنان در نیابند (۱۶) و آمدند شبانگاه پدر خویش را گریان (۱۷) گفتند ای پدر ما رفتیم مسابقه کنیم و گذاشتیم یوسف را نزد کالای خویش پس خورد او را گرگ و نیستی تو باورکننده ما را هر چند باشیم راستگویان (۱۸) و آوردند بر جامه وی خونی دروغین گفت بلکه بیاراست برای شما دلهای شما کاری را پس شکیبائی نکو است و خدا است یاری خواسته بر آنچه می‌ستائید (۱۹) و بیامد کاروانی پس فرو کردند آبگیرنده خویش را پس سرازیر کرد دلو خود را و گفت مژده باد اینک تازه‌پسری و نهانش داشتند کالائی برای سوداگری و خدا داناست بدانچه می‌کنند (۲۰) و فروختندش به بهائی کم درهمهائی چند و بودند در او از قناعت کنندگان (۲۱) و گفت آنکه خریدش در مصر به زن خود گرامی دار جایگاه او را شاید سودی به ما دهد یا برگیریمش فرزندی و بدینسان فرمانروائی دادیم به یوسف در زمین و تا پیاموزیمش از تعبیر خوابها و خدا چیره است بر کار او و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (۲۲) و هنگامی که رسید نیروهای خود را (جوانی خود را) دادیمش فرمانروائی و دانش را و بدینسان پاداش دهیم نیکوکاران (۲۳) و کام خواست زنی که در خانه‌اش بود از او و بیست درها را و گفت هان بشتاب گفت پناه برم به خدا همانا او پروردگار من نکو داشت جایگاه مرا همانا رستگار نشوند ستمکاران (۲۴) و هر آینه آن زن آهنگ او کرد و او آهنگ آن زن کرد اگر نمی‌دید دستاویز پروردگار خویش را چنین تا برگردانیم از او زشتی و ناشایست را که او است از بندگان ما ناآلودگان (۲۵) و سبقت گرفتند بر همدیگر بسوی در و بشکافت آن زن جامه او را از پشت و یافتند شوهرش را نزد در گفت آن زن چیست پاداش آنکه به خاندان تو بدی خواهد مگر آنکه زندانی شود یا شکنجه دردناک (۲۶) گفت این آن کام جست از من و گواهی داد گواهی از خاندان آن زن که اگر پیراهنش از پیش دریده باشد راست گوید آن زن و او است از دروغگویان (۲۷) و اگر جامه او از پشت بشکافته زن دروغ گوید و او است از راستگویان (۲۸) پس گاهی که دید پیراهنش از پشت بشکافته گفت همانا این از نیرنگ شما زنان است همانا نیرنگ شما است بزرگ (۲۹) ای یوسف در گذر از این و تو ای زن آمرزش خواه برای گناه خود که هستی تو از لغزشکاران (۳۰) و گفتند زنانی در شهر زن عزیز در پی جستن کام از بنده خویش است همانا مهر او دلش را ربوده هر آینه بینیمش در گمراهی آشکار (۳۱) پس هنگامی که بشنید آن زن آنان را پی ایشان فرستاد و فراهم کرد برای هر یک بالشی و داد به هر کدام از ایشان کاردی و گفت برون آی بر ایشان پس گاهی که بدیدندش بزرگش شمردند و بریدند دستهای خویش را و گفتند هرگز به خدا نباشد این بشری نیست او مگر فرشته گرامی (۳۲) گفت این است آنکه مرا بدو نکوهش می‌کردید و همانا کام از او خواستم ولی خودداری کرد و اگر نکند آنچه بفرمایم همانا زندانی شود و هر آینه بگردد از زبوان (۳۳) گفت پروردگارا زندان مرا خوشتر است از آنچه خوانندم بسوی آن و اگر بازنگردانی از من نیرنگ ایشان را آهنگشان کنم و بشوم از نادانان (۳۴) پس پذیرفت از او پروردگارش و برگردانید از او نیرنگ آنان را همانا او است شنوای دانا (۳۵) سپس نمایان شد برای ایشان پس از آنکه دیدند نشانی‌ها را که هر آینه به زندانش افکنند تا زمانی (۳۶) و درون شدند با وی زندان را دو جوان گفت یکیشان همانا به خواب دیدم خواب می‌فشارم و دیگری گفت دیدم به خواب خویش را که برگرفتم بر سر خود نانی که می‌خوردند پرندگان از آن آگهی ده ما را از تعبیر آن که بینیم هر آینه از نکوکاران (۳۷) گفت نیاید شما را خوراکی که

روزیمنند شویدش جز آنکه آگهیستان دهم به سرانجامش پیش از آنکه بیاید شما را این از آن است که بیاموخت مرا پروردگارم همانا من رها کردم آئین گروهی را که ایمان نیاورند به خدا و ایشانند به آخرت کافران (۳۸) و پیروی کردم آئین پدرانم ابراهیم و اسحق و یعقوب را نرسد ما را که شرک ورزیم به خدا چیزی این از فضل خداوند است بر ما و بر مردم لیکن بیشتر مردم سپاس نگزارند (۳۹) ای دو یار زندانم آیا پروردگاری پراکنده بهترند یا خداوند یگانه سخت گیر (۴۰) نمی پرستید جز او مگر نامهایی که نامیدید شما و پدران شما نفرستاده است خدا بدانها فرمانی نیست فرمان جز برای خدا فرمود که نپرستید جز او را این است دین استوار و لیکن بیشتر مردم نمی دانند (۴۱) ای یاران زندان اما یکی از شما بنوشاند خداوند خویش را باده و اما دیگری به دار آویزان شود پس بخورند پرندگان از سرش بگذشت کاری که در آن فتوی می خواستید (۴۲) و گفت بدان که می پنداشتش نجات یابنده از آن دو یاد کن مرا نزد خداوند خویش پس فراموشش ساخت شیطان یادآوری خداوندش را پس ماند در زندان چند سال (۴۳) و گفت پادشاه دیدم در خواب هفت گاو فربه ای که می خوردندشان هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و دیگری خشک ای گروه فتوی دهیدم در خوابم اگر خواب را تعبیر کنید (۴۴) گفتند پاره ای خوابهای بیهوده است و نیستیم ما تعبیر خوابهای بیهوده را دانایان (۴۵) و گفت آنکه نجات یافته بود از آن دو و یاد آمدش پس از نسلی من آگهیستان دهم به تعبیرش پس مرا بفرستید (۴۶) یوسف ای راستگو فتوی ده ما را در هفت گاو فربه که خوردندشان هفت لاغر و هفت خوشه سبز و دیگرانی خشک شاید بازگردم بسوی مردم شاید ایشان بدانند (۴۷) گفت کشت کنید هفت سال پیایی پس آنچه را درویدید بگذاریدش در خوشه خود جز اندکی از آنچه می خورید (۴۸) پس بیاید پس از این هفت سال سخت که می خورند آنچه آماده کردید برای آنها بجز اندکی از آنچه نگه می دارید (۴۹) پس بیاید پس از آن سالی که در آن باران بارد بر مردم و در آن رهائی یابند (۵۰) گفت شاه بیاوریدم بدو و هنگامی که آمدش فرستاده گفت برگرد بسوی خداوند خویش پس بپرس از او چه بود آن زنان را که سخت بریدند دستهای خود را همانا پروردگار من به نیرنگ آنان است دانا (۵۱) گفت چه شد شما را که کام جستید از یوسف گفتند هرگز خدا را ندانستیم بر او زشتی گفت زن عزیز اکنون پدیدار گشت حق من کام خواستم از او و او است راستگویان (۵۲) این تا بداند که من خیانتش نکردم پنهان و آنکه خدا نیست رهبری کننده نیرنگ خیانتکاران (۵۳) و تبرئه نکنم (بیزار نشمرم) خویشش را همانا دل بسیار امرکننده است به زشتی مگر آنکه رحم کرده است پروردگار من همانا پروردگار من است آمرزنده مهربان (۵۴) گفت شاه بر من درآریدش تا مخصوصش به خود سازم سپس گاهی که سخن گفت با او گفت همانا توئی امروز نزد ما فرمانروای امین (۵۵) گفت بگمار مرا بر گنجهای زمین که منم نگهبانی دانشمند (۵۶) بدینسان فرمانروائی دادیم یوسف را در زمین تا نشیمن گزیند از آن در هر جا که خواهد رسانیم به رحمت خویش هر که را خواهیم و تباه نکنیم پاداش نکوکاران را (۵۷) و همانا پاداش آخرت بهتر است برای آنان که ایمان آوردند و بودند پرهیز می کردند (۵۸) و آمدند برادران یوسف پس بر او درآمدند پس بشناخت آنان را و بودند ایشان او را ناشناسندگان (۵۹) و هنگامی که بست بار ایشان را گفت بیارید مرا برادری که شما را است از پدر شما آیا نبینید که تمام می دهم پیمانه را و منم بهترین میزبانان (فرودآرندگان) (۶۰) پس اگر نیاوریدم بدو نه پیمایشی باشد شما را نزد من و نه به من نزدیک شوید (۶۱) گفتند زود است بفریبیم از او پدرش را همانا مائیم کنندگان (۶۲) و گفت به جوانان خود بگذارید کالای ایشان را در بارهای ایشان باشد بشناسندش گاهی که بازگردند بسوی خاندان خود شاید بازگردند ایشان (۶۳) و هنگامی که بازگشتند بسوی پدر خویش گفتند ای پدر بازداشته شد از ما پیمایش پس بفرست با ما برادر ما را تا پیمائیم و همانا مائیم برای او نگهدارندگان (۶۴) گفت آیا امین شمرم شما را بر او جز بدانگونه که امین شمرم شما را بر برادرش از پیش پس خدا است بهترین نگاهدارنده و او است مهربانترین مهربانان (۶۵) و هنگامی که برگردوند بار خویش را دیدند کالای خود را که بازگردانیده شده است بسوی ایشان گفتند ای پدر چه می خواهیم اینک کالای ما برگردانیده شد بسوی ما و خوراک دهیم خاندان خویش را و نگهداریم برادر خویش را و بیفزائیم پیمایش اشتری را این است پیمایشی اندک (۶۶) گفت نفرستمش با شما تا دهیدم

گروگانی از خدا که بیاریدش بسوی من مگر آنکه فرا گرفته شوید و هنگامی که دادندش گروگان خود را گفت خدا است بر آنچه گوئیم و کیل (۶۷) و گفت ای فرزندان من درون نشوید از یک در و در آئید از درهای پراکنده و بی نیاز نگردانم شما را از خدا به چیزی نیست حکم جز آن خدا بر او توکل کردم و بر او توکل کنند توکل کنندگان (۶۸) و هنگامی که درآمدند بدانسان که فرمود ایشان را پدرشان نبود که بی نیاز کند از ایشان از خدا چیزی مگر خواسته‌ای را در دل یعقوب که بر آوردش و همانا او است دانشمندی بدانچه پیاموختیمش و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (۶۹) و هنگامی که درآمدند بر یوسف جای داد نزد خود برادر خود را گفت همانا منم برادر تو پس اندوهگین مباش بدانچه بودند می‌کردند (۷۰) و هنگامی که بست بار ایشان را گذارد جام را میان بار برادر خویش پس بانگ بر آورد بانگ‌دهنده‌ای که‌ای کاروان همانا شمائید دزدی‌کنندگان (۷۱) گفتند و باز گشتند بسوی آنان چه چیز گم کردید (۷۲) گفتند گم کردیم پیمانه (جام) شاه را و هر که آن را آورد برایش بار اشتری است و منم بدان ضامن (۷۳) گفتند به خدا سوگند شما می‌دانید ما نیامدیم تا تبهکاری کنیم در زمین و نبوده‌ایم دزدان (۷۴) گفتند پس چیست کیفر او اگر باشید دروغگویان (۷۵) گفتند کیفر او هر که یافت شود در بار اوست کیفرش بدینگونه کیفر دهیم ستمکاران (۷۶) پس آغاز کرد به بارهای آنان پیش از بار برادر خویش سپس در آوردش از بار برادر خویش بدینگونه تدبیر کردیم برای یوسف نمی‌رسید او را که برگرد برادرش را در کیش شاه جز آنکه خدا خواهد بالا بریم پایه‌های هر که را خواهیم و بر بالای هر دانشوری است دانشمند (۷۷) گفتند اگر بدزد همانا دزدیده است برادری او را پیش پس نهانش داشت یوسف در دل خود و فاش نمودش برای آنان گفت شما بدترید در جایگاه و خدا داناتر است بدانچه می‌ستایید (۷۸) گفتند ای عزیز همانا او را پدری است پیری فرتوت پس برگیر یکی از ما را به جای او که می‌بینیم تو را از نکوکاران (۷۹) گفت پناه برم به خدا که بگیریم جز آن را که یافتیم کالای خویش را به نزدش که مائیم در آن هنگام از ستمگران (۸۰) پس هنگامی که نومید شدند از او جدا شدند رازگویان گفت بزرگ ایشان آیا ندانستید که پدر شما بگرفت بر شما گروگانی از خدا و از پیش چه کوتاهی کردید در باره یوسف پس ترک نکنم زمین را هرگز تا رخصتم دهد پدرم یا حکم کند خدا برای من و اوست بهترین حکمرانان (۸۱) باز گردید بسوی پدر خویش پس بگوئید ای پدر همانا فرزندان دزدید و گواهی ندهیم جز بدانچه دانستیم و نیستیم ناپیدا را نگهبان (۸۲) و پیرس شهری را که در آن بودیم و کاروانی را که در آن آمدیم و همانا مائیم راستگویان (۸۳) گفت بلکه آراست برای شما دل‌های شما امری را پس شکیبائی نکو است امید است خدا بیاوردم به هر دو با هم که او است دانای حکیم (۸۴) و روی بر تافت از ایشان و گفت دریغ بر یوسف و سفید شد دیدگان او از اندوه و بود به اندوه گلوگیر (۸۵) گفتند به خدا ترک نکنی یاد کردن یوسف را تا بیماری فسرده گردی یا بشوی از نابودشدگان (۸۶) گفت جز این نیست که شکوه اندوه و فسرده‌گی خویش را به خدا برم و می‌دانم از خدا آنچه نمی‌دانید (۸۷) ای فرزندان من بروید پس جستجو کنید از یوسف و برادرش و نومید نشوید از روح خدا همانا نومید نشوند از روح خدا جز گروه کافران (۸۸) پس هنگامی که درآمدند بر او گفتند ای عزیز رسید به ما و خاندان ما رنج و آوردیم کالائی ناچیز پس پرکن برای ما پیمانه را و تصدق کن بر ما که خدا پاداش دهد به تصدق کنندگان (۸۹) گفت آیا دانستید چه کردید به یوسف و برادرش هنگامی که بودید نادانان (۹۰) گفتند مگر توئی یوسف گفت من یوسفم و این است برادرم که خدا منت نهاد بر ما بدرستی هر که پرهیزکاری کند و شکبیا شود همانا خدا تباه نگرداند پاداش نکوکاران را (۹۱) گفتند به خدا برگزیده است خدا تو را بر ما و همانا بودیم ما تباهکاران (۹۲) گفت نیست نکوهشی بر شما امروز پیامرزد شما را خدا و او است مهربانترین مهربانان (۹۳) ببرید جامه مرا این پس بیفکنیدش بر روی پدرم تا بینا گردد و بیارید مرا به خانواده خود همگی (۹۴) و هنگامی که بار نهاد کاروان گفت پدر ایشان همانا می‌یابم بوی یوسف را اگر نه کم خردم خوانید (۹۵) گفتند به خدا توئی در گمراهی پیشین (۹۶) و هنگامی که آمد مژده‌رسان بیفکنش بر روی او پس برگشت بینا گفت آیا نگفتم به شما که می‌دانم از خدا آنچه را نمی‌دانید (۹۷) گفتند ای پدر ما آمرزش خواه برای ما گناهان ما را که بودیم لغزشکاران (۹۸) گفت بزودی آمرزش خواهم برای شما از پروردگار خود همانا او است

آمرزنده مهربان (۹۹) و هنگامی که درآمدند بر یوسف کشید در بر خود پدر و مادرش را و گفت به مصر در آئید اگر خدا خواهد آسودگان (۱۰۰) و بر آورد پدر و مادر خویش را بر تخت و بیفتادند برایش سجده کنان و گفت ای پدر این است تعبیر خوابم از پیش که گردانیدش پروردگارم راست و همانا به من نکوئی کرد هنگامی که بروم آورد از زندان و بیاورد شما را از بیابان پس از آنکه آشوب کرد شیطان میان من و برادرانم همانا پروردگار من لطیف (بخشنده) است آنچه را خواهد همانا او است دانای حکیم (۱۰۱) پروردگارا همانا دادیم از پادشاهی و آموختیم از تعبیر خوابها ای پدیدآورنده آسمانها و زمین توئی دوست من در دنیا و آخرت دریاب مرا مسلمان و پیوسته دار مرا با شایستگان (۱۰۲) این از داستانهای ناپیدا است که وحی فرستیم بسوی تو و نبودی نزد ایشان گاهی که گرد آوردند کار خویش را حالی که نیرنگ می ساختند (۱۰۳) و نیستند بیشتر مردم و هر چند آرزومند باشی باورکنندگان (۱۰۴) و نپرسشان بر آن مزدی نیست آن مگر یادآوری برای جهانیان (۱۰۵) بسا نشانهای در آسمان و زمین که می گذرند بر آنها و ایشانند از آن روی گردانان (۱۰۶) و ایمان نیارند بیشتر ایشان به خدا مگر آنکه ایشانند شرک ورزندگان (۱۰۷) پس آیا ایمن شدند که بیایدشان فراگیرنده ای از شکنجه خدا یا بیایدشان ساعت ناگهان حالی که درنیابند ایشان (۱۰۸) بگو اینک راه من می خوانم بسوی خدا بر بینائی من و هر که پیرویم کند و منزّه است خدا و نیستم من از شرک ورزان (۱۰۹) و نفرستادیم پیش از تو جز مردانی که وحی فرستادیم بسوی آنان از اهل شهرها پس آیا نمی گردند در زمین تا بنگرند چگونه بود فرجام آنان که پیش از ایشان بودند و همانا خانه آخرت بهتر است برای آنان که پرهیز کنند آیا بخرد نمی یابید (۱۱۰) تا هنگامی که نوید شدند فرستادگان و پنداشتند که دروغ گفته شدند بیامدشان یاری ما پس نجات دهیم هر که را خواهیم و برنگردد خشم ما از گروه گنهکاران (۱۱۱) همانا بوده است در داستانهای ایشان عبرتی برای خردمندان نیست داستانی دروغ پرداخته و لیکن گواهی آنچه پیش روی او است و تفصیل همه چیز و هدایت و رحمتی برای گروه ایمان آورندگان (۱۱۲)

الرعد

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) این است آیتهای کتاب و آنچه فرستاده شد بسوی تو از پروردگار تو حق است و لیکن بیشتر مردم باور ندارند (۲) خدا است آنکه بیافراشت آسمانها را بی ستونی که بیندیش سپس استوار شد بر عرش و رام کرد مهر و ماه را هر کدام روانند تا سرآمدی نامبرده می پردازد کار را تفصیل دهد آیتها را شاید شما به ملاقات پروردگار خویش یقین آرید (۳) و او است آنکه گسترانید زمین را و نهاد در آن لنگرها و جوی هائی و از همه میوه ها نهاد در آن دو جفت می پوشاند شب را به روز همانا در این است آیتهای برای گروهی که اندیشه کنند (۴) و در زمین است بخشهایی نزدیک به هم و باغهایی از انگورها و کشتزار و درختان خرما رسته از یک بن و نارسته از یک بن که آبیاری می شود به یک آب و برتری نهیم پاره ای از آنها را بر پاره ای در خوراک همانا در این است آیتهای برای گروهی که بخرد دریابند (۵) و اگر شگفت مانی پس شگفت است گفتار ایشان که آیا گاهی که خاک شویم آیا به راستی مائیم در آفرینشی نوین آنانند که کفر ورزیدند به پروردگار خود و آنانند که زنجیرها به گردنهای ایشان است و آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان (۶) و شتاب خواهند از تو به بدی پیش از خوبی حالی که گذشت است پیش از ایشان شکنجه ها و همانا پروردگار تو آمرزشگر است برای مردم بر ستمگریشان و همانا پروردگار تو است سخت شکنجه (۷) و گویند آنان که کفر ورزیدند چرا فرود نیاید بر او آیتی از پروردگارش جز این نیست که توئی بیم دهنده و هر گروهی را است راهنمائی (۸) خدا داند آنچه بارور شود هر ماده ای و آنچه فروبرند زهدانها و آنچه بیفزایند و هر چیزی است نزد او به اندازه (۹) دانای نهان و آشکار آن بزرگ عالی جایگاه (۱۰) یکسان است از شما آنکه نهان کند گفتار را و آنکه آشکار سازدش و آنکه نهان است در شب و به کار خویش اندر است در روز (۱۱) او را است پیاپی آیندگانی از پیش رویش و از پشت سرش که نگه میدارندش از امر خدا همانا خدا دگرگون نکند آنچه را به گروهی است تا دگرگون سازند آنچه را که در خود آنان است و هرگاه

بخواهد خدا بر گروهی بدی پس نیست بازگشتی برای آن و نیست ایشان را جز او سرپرستی (۱۲) و او است آنکه بنماید به شما برق را بیمی و امیدی و پدید آرد ابرهای سنگین (۱۳) و درود گوید رعد به سپاس او و فرشتگان از بیمش و بفرستد صاعقه‌ها را تا برساند آنها را به هر که خواهد و می‌ستیزند در خدا و او است سخت‌نیرو (۱۴) وی را است دعوت حق و آنان را که خوانند جز او اجابت نکنندشان به چیزی مگر مانند گشاینده دستهای خویش بسوی آب تا برسد به دهانش و نیست رسنده بدان و نیست دعوت کافران مگر در گمراهی (۱۵) و برای خدا سجده کنند آنان که در آسمانها و زمینند خواه و ناخواه و سایه‌های آنان در بامداد و شامها (۱۶) بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خدا بگو پس آیا برگرفتید جز او دوستانی که دارا نیستند برای خویشتن سود و نه زبانی را بگو آیا یکسانند کور و بینا یا آیا یکسانند تاریکی‌ها و روشنائی یا قرار دادند برای خدا شریکانی که بیافریدند همانند آفرینش او پس مشتبه شده است آفرینش بر ایشان بگو خدا است آفریننده همه چیز و او است یکتای چیرگی جوی (۱۷) فرستاد از آسمان آبی پس روان گشت دره‌هایی از سیل به اندازه خود پس برداشت سیل کفی برآمده و از آنچه می‌افروزند بر آن در آتش به طلب زیوری یا کالائی کفی مانند آن بدینگونه می‌زند خدا حق و باطل را اما کف می‌رود کناری و اما آنچه سود دهد مردم را پس می‌ماند در زمین بدینگونه می‌زند خدا مثلها را (۱۸) آنان را که پذیرفتند از پروردگار خویش نکوئی است و آنان که نپذیرفتند اگر باشد ایشان را آنچه در زمین است همگی و مانند آن با آن هرآینه به جای خویش دهند آنان برای ایشان است بدی حساب و جایگاه ایشان است دوزخ و چه زشت است آن آرامیدنگاه (۱۹) آیا آنکه می‌داند که آنچه فرستاده شده است بسوی تو از پروردگار حق است مانند آن است که او کور است جز این نیست که یادآور شوند خداوندان خردها (۲۰) آنان که وفا کنند به عهد خدا و نشکنند پیمان را (۲۱) و آنان که پیوند کنند آنچه را خدا فرموده است که پیوند شود و بترسند پروردگار خویش را و بترسند از زشتی حساب (۲۲) و آنان که شکیبائی گزیدند برای روی پروردگار خود و بپا داشتند نماز را و دادند از آنچه روزیشان دادیم نهان و آشکارا و دور کنند به خوبی بدی را آنان را است فرجام آن سرای (۲۳) بهشتهای جاودان درآیند در آنها خود و آنان که شایسته شدند از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانسان و فرشتگان درآیند بر ایشان از هر دری (۲۴) سلام بر شما بدانچه صبر نمودید چه خوب است فرجام آن سرای (۲۵) و آنان که می‌شکنند پیمان خدا را پس از بستنش و می‌برند آنچه را خدا فرمود که پیوند شود و تبهکاری کنند در زمین آنان را است لعنت و برای ایشان است بدی آن سرای (۲۶) همانا خدا فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد و تنگ گرداند و خرسند شدند به زندگی دنیا حالی که نیست زندگانی دنیا در آخرت مگر بهره‌ای (۲۷) و گویند آنان که کفر ورزیدند چرا فرود نیاید بر او آیتی از پروردگارش بگو همانا خدا گمراه کند هر که را خواهد و هدایت کند بسوی خود هر که را بازگشت (یا زاری کند) (۲۸) آنان که ایمان آوردند آرام گیرد دلهای ایشان به یاد خدا همانا به یاد خدا آرام گیرد دلها (۲۹) آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند خوشی باد برای ایشان و نیکی بازگشتگاه (۳۰) بدینسان فرستادیم در امتی که بگذشته است پیش از آن امتهایی تا بخوانی بر ایشان آنچه را وحی فرستادیم بسوی تو حالی که کفر می‌ورزند به خدای مهربان بگو او است پروردگار من نیست خدائی جز او بر او توکل کردم و بسوی او است بازگشتم (۳۱) و اگر می‌بود قرآنی که روان می‌شدند بدان کوه‌ها یا پاشیده می‌شد بدان زمین یا سخن گفته می‌شدند بدان مردگان بلکه خدای را است کار همگی پس آیا نوید نشدند آنان که ایمان آوردند که اگر می‌خواست خدا هرآینه هدایت می‌کرد مردم را همگی و پیوسته آنان را که کفر ورزیدند می‌رسد بدانچه ساختند سرکوبی (کوبنده‌ای) یا فرود می‌آید نزدیکی خانه ایشان تا برسد وعده خدا همانا خدا خلف نمی‌کند میعاد را (۳۲) و همانا استهزاء شد به فرستادگانی پیش از تو پس مهلت دادم آنان را که کفر ورزیدند سپس گرفتم ایشان را پس چگونه بود مرا عقاب (۳۳) پس آیا آنکه او است ایستاده بر هر کس بدانچه دست آورده است و قرار دادند برای خدا شریکانی بگو نام بریدشان یا آگهی می‌دهید او را بدانچه نمی‌داند در زمین یا به ظاهری از گفتار بلکه بیاراست برای آنان که کفر ورزیدند نیرنگشان و بازداشته شدند از راه و آن را که گمراه کند خدا نباشدش راهنمای (۳۴) آنان را است شکنجه‌ای در زندگی دنیا و همانا

شکنجه آخرت است گرانتر و نیست ایشان را از خدا نگهدارنده‌ای (۳۵) مثل بهشتی که نوید داده شدند پرهیزکاران روان است زیر آن جوی‌ها خوراکیش همیشگی است و سایه‌اش این است فرجام آنان که پرهیزکاری کردند و فرجام کافران است آتش (۳۶) و آنان را که کتاب دادیم شاد شوند بدانچه فرود آید بسوی تو و از احزاب است آنکه انکار کند پاره آن را بگو جز این نیست مامور شدم که پرستش کنم خدا را و شرک نورزم بدو بسوی او می‌خوانم و بسوی او است بازگشتم (۳۷) و بدینسان فرستادیمش حکمی عربی (فرمانی به تازی) و اگر پیروی کنی هوسهای ایشان را پس از آنچه بیامدت از دانش نباشدت از خدا دوست و نه نگهدارنده‌ای (۳۸) و همانا فرستادیم پیمبرانی را پیش از تو و قرار دادیم برای ایشان زنان و فرزندان نبوده است فرستاده‌ای را که بیارد آیتی جز به اذن خدا برای هر سرآمدی است نامه‌ای (۳۹) بزدايد خدا آنچه را خواهد و بازنهد (ثبت کند) و نزد او است مادر کتاب (۴۰) و اگر بنمایانیمت پاره آنچه بدیشان وعده دهیم یا دریابیمت (بمیرانیمت) جز این نیست که بر تو است رساندن و بر ما است حساب (۴۱) آیا ندیدند که ما می‌پردازیم به زمین می‌کاهیمش از همه سوی آن و خدا حکم کند نیست تبدیل‌کننده برای حکمش و او است زود شمار (۴۲) و همانا نیرنگ ساختند آنان که پیش از ایشان بودند پس خدای را است نیرنگ همگی می‌داند آنچه را فراهم آورد هر کس و زود است بدانند کافران که برای کیست پایان آن سرای (۴۳) و گویند آنان که کفر ورزیدند نیستی فرستاده بگو بس است خدا گواهی میان من و شما و آنکه نزد او است علم کتاب (۴۴)

ابراهیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) کتابی است فرستادیمش به سویت تا برون آری مردم را از تاریکی‌ها بسوی روشنائی به اذن پروردگار ایشان بسوی راه خداوند ارجمند ستوده (۲) خدا است آنکه وی را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و وی برای کافران از شکنجه سخت (۳) آنان که برگزینند زندگانی دنیا را بر آخرت و بازدارند از راه خداوند و خواهندش کج آنانند در گمراهی دور (۴) و نفرستادیم فرستاده‌ای جز با زبان قوم خود تا آشکار کند برای ایشان پس گمراه کند خدا هر که را خواهد و هدایت کند هر که را خواهد و او است عزتمند حکیم (۵) و همانا فرستادیم موسی را به آیت‌های خود که برون آور قوم خویش را از تاریکی‌ها بسوی روشنائی و یادآوریشان کن به روزهای خدا همانا در این است آیت‌هایی برای هر شکیبائی سپاسگزار (۶) و هنگامی که گفت موسی به قوم خود یاد آرید نعمت خدا را بر خویشان گاهی که رهانید شما را از خاندان فرعون رومی داشتند بر شما زشتی عذاب را و به سختی می‌کشتند پسران شما را و به جای می‌گذارند زنان شما را و در این بود آزمایشی از پروردگار شما بزرگ (۷) و هنگامی که اعلام کرد پروردگار شما اگر سپاسگزارید هر آینه بیفزایم شما را و اگر کفر ورزیدید همانا عذاب من است سخت (۸) و گفت موسی اگر کفر ورزید شما و هر که در زمین است همگی همانا خدا بی‌نیازی است ستوده (۹) آیا نرسید به شما داستان آنان که پیش از شما بودند قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که پس از ایشان بودند ندانندشان جز خدا بیامدشان فرستادگان ایشان به نشانی‌ها پس باز گردانیدند دست‌های خویش را در دهانهای خود و گفتند همانا کفر ورزیدیم بدانچه فرستاده شده‌اید بدان و همانا مائیم در شکی از آنچه ما را بدان خوانید شک آورنده (۱۰) گفتند فرستادگان ایشان آیا در خدا هست شکی پدیدآورنده آسمانها و زمین می‌خواند شما را تا بیامرزد برای شما از گناهان شما و پس اندازد شما را تا سرآمدی نامبرده گفتند نیستید شما مگر بشری همانند ما خواهید که بازدارید ما را از آنچه می‌پرستیدند پدران ما پس بیاورید ما را به فرمانروائی آشکار (۱۱) گفت بدیشان فرستادگان ایشان نیستیم ما جز بشری همانند شما و لیکن خدا ممت نهد بر هر که خواهد از بندگان خویش و نرسد ما را که بیاریمتان فرمانروایی مگر به اذن خدا و بر خدا پس باید توکل کنند مؤمنان (۱۲) و چه شود ما را توکل نکنیم بر خدا حالی که به راستی هدایت کرده است ما را به راه‌های ما و همانا شکبای شویم بر آنچه ما را بیازده‌اید و بر خدا پس باید توکل کنند توکل‌کنان (۱۳) و گفتند آنان که کفر ورزیدند به پیمبران خود همانا برون رانیم شما را از سرزمین خود یا که بازگردید در

کیش ما پس وحی کرد بسوی ایشان پروردگارشان که البته هلاک کنیم ستمگران را (۱۴) و البته جایگزین سازیم شما را در زمین پس از ایشان این برای آن کس است که بترسد جایگاه مرا و بترسد از تهدید من (۱۵) و پیروزی (یا گشایش) جستند و نومید شد هر گردنکش کینه‌ورزی (۱۶) پشت سر او است دوزخ و نوشانیده شود از آب چرک خون آلود (۱۷) جرعه جرعه نوشدش و نیارد فروبردش (گوارا شودش) و بیایدش مرگ از همه سوی و نیست او مرده و از پس او است عذابی انبوه (۱۸) مثل آنان که کفر ورزیدند به پروردگار خویش کردار ایشان مانند خاکستری است که بوزد بدان باد در روزی تند قادر نباشند از آنچه فراهم کردند بر چیزی این است آن گمراهی دور (۱۹) آیا نبینی که خدا بیافریده است آسمانها و زمین را به حق اگر خواهد می‌برد شما را و می‌آورد آفرینشی نوین (۲۰) و نیست آن بر خدا گران (۲۱) و برون آمدند پیشگاه خدا همگی پس گفتند ناتوان بدانان که سرکشی ورزیدند که بودیم ما شما را پیروانی آیا هستید بی‌نیازکننده ما از عذاب خدا به چیزی گفتند اگر رهبری می‌کرد ما را خدا هر آینه راهبریتان می‌کردیم یکسان است بر ما چه بی‌تابی کنیم و چه شکیا شویم نیست ما را چاره‌ای (۲۲) و گفت شیطان هنگامی که گذشت کار همانا خدا وعده داد شما را وعده حق و وعده دادم شما را پس خلف کردم با شما و نبود مرا بر شما فرمانروایی جز آنکه خواندم شما را پس اجابتم کردید پس سرزنش نکنید مرا و سرزنش کنید خویشان را نه من فریاد شما رسم و نه شمائید دادرش من همانا کفر ورزیدم بدانچه مرا شریک گردانیدید از پیش همانا ستمگران را است عذابی دردناک (۲۳) و درآورده شدند آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند باغهایی که روان است زیر آنها جوی‌ها جاودانند در آن به اذن پروردگار خویش درود ایشان است در آن سلام (۲۴) آیا ندیدی چگونه برزد است خدا مثلی سخنی پاک مانند درختی است پاک بیخ و بنش برجا و شاخ و برگش در آسمان (۲۵) می‌دهد خوراک خود را هرگاه (همیشه) به اذن پروردگار خویش و می‌زند خدا مثلها را برای مردم شاید یادآور شوند (۲۶) و مثل سخنی پلید همانند درختی است پلید که برجهیده است از روی زمین نیستش آرامشی (۲۷) استوار دارد خدا آنان را که ایمان آوردند به گفتار استوار در زندگانی دنیا و در آخرت و گمراه کند خدا ستمگران را و می‌کند خدا هر چه خواهد (۲۸) آیا ننگریستی بدانان که تبدیل کردند نعمت خدا را به ناسپاسی و درآوردند قوم خویش را به خانه مرگ (نابودی) (۲۹) دوزخ می‌چشندش و چه زشت است آن آرامشگاه (۳۰) و قرار دادند برای خدا همتایانی تا گم کنند از راهش بگو کامیاب شوید که بازگشت شما است بسوی آتش (۳۱) بگو به بندگان من آنان که ایمان آوردند پبای دارند نماز را و بدهند از آنچه روزیشان دادیم نهان و آشکارا پیش از آنکه بیاید روزی که نیست سوداگری در آن و نه دوستی (۳۲) خدا است آنکه آفرید آسمانها و زمین را و فرستاد از آسمان آبی پس برون آورد بدان از میوه‌ها روزی برای شما و رام کرد برای شما کشتی را تا روان شود در دریا به فرمان او و رام کرد برای شما جوی‌ها را (۳۳) و رام کرد برای شما مهر و ماه را از پی هم درآیندگان و رام کرد برای شما شب و روز را (۳۴) و داد به شما از هرچه مسئلتش کردید و اگر بشمرید نعمت خدا را شمار آن را نتوانید همانا انسان است ستمگری ناسپاس (۳۵) و هنگامی که گفت ابراهیم پروردگارا بگردان این شهر را آسوده و برکنار دار مرا و فرزندام از پرستش بتها (۳۶) پروردگارا همانا آنها گمراه کردند بسیاری را از مردم پس هر که پیرویم کند همانا او از من است و هر که نافرمانیم کند همانا توئی آمرزنده مهربان (۳۷) پروردگارا همانا جای دادم از خاندانم (نژادم) در درّه بی‌گیاه (کشت) نزد خانه محترم تو پروردگارا تا پبای دارند نماز را پس بگردان دلهایی را از مردم بگروند بسوی آنان و روزیشان ده از میوه‌ها شاید سپاس گزارند (۳۸) پروردگارا همانا تو دانی آنچه را نهان کنیم و آنچه را آشکار سازیم و نهان نیست بر خدا چیزی در زمین و نه در آسمان (۳۹) سپاس خدائی را که بخشید به من سر پیری اسماعیل و اسحق را همانا پروردگار من است شنونده دعاء (۴۰) پروردگارا بگردانم برپاکننده نماز و از فرزندانم پروردگارا و بپذیر درخواست مرا (۴۱) پروردگارا بیامرز برای من و برای پدر و مادرم و برای مؤمنان روزی که پبای شود حساب (۴۲) و مپندار البته خدا را غافل از آنچه می‌کنند ستمگران جز این نیست که پس اندازدشان برای روزی که در آن بازمانند از گردش دیدگان (۴۳) شتاب‌زدگان بالا- نگهدارندگان سرهای خویش بازنگردد بسوی ایشان مژگان ایشان و دلهای ایشان است

تهی (۴۴) و بترسان مردم را روزی که بیایدشان عذاب پس گویند آنان که ستم کردند پروردگارا پس انداز ما را تا سرآمدی نزدیک بپذیریم دعوت را و پیروی کنیم پیمبران را آیا نبودید شما سوگند یاد کردید پیش از این که نیست شما را زوال (برافتادن) (۴۵) و آرمیدید در نشیمنهای آنان که ستم کردند خویش را و آشکار شد برای شما چه کردیم با ایشان و زدیم برای شما مثلها را (۴۶) و همانا آوردند نیرنگ خویش را و نزد خدا است نیرنگ ایشان و هر چند باشد نیرنگ ایشان که نابود شود از آن کوهها (۴۷) پس گمان مبر خدا را شکننده وعده خویش به فرستادگان خود همانا خدا عزّتمند است دارای انتقام (۴۸) روزی که دگرگون شود زمین به غیر از زمین و آسمانها و بیایند پیشگاه خداوند یگانه چیرگی جوی (۴۹) و بینی گناهکاران را در آن روز بستگان به زنجیرها (۵۰) جامه‌های ایشان است از قطران و بپوشد روی‌های ایشان را آتش (۵۱) تا پاداش دهد خدا به هر کس آنچه فراهم آورده است و همانا خداوند است شتابنده در حساب (۵۲) این است آگهی برای مردم و تا بیم داده شوند بدان و تا بدانند همانا او خداوندی است یکتا و تا یادآور شوند خداوندان خردها (۵۳)

الحجر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) این است آیت‌های کتاب و قرآنی آشکار (۲) بسا دوست دارند آنان که کفر ورزیدند کاش می‌بودند مسلمانان (۳) بگذارشان بخورند و کام روا دارند و سرگرمشان سازد آرزو پس زود است بدانند (۴) و نابود نکردیم شهری را جز آنکه بود آن را کتابی دانسته (۵) نه پیشی گیرد امتی سرآمد خویش را و نه پس افتد (۶) و گفتند ای آنکه فرود آورده شده است بر او قرآن همانا توئی دیوانه (۷) چرا نیاوری ما را به فرشتگان اگر هستی از راستگویان (۸) نمی‌فرستیم فرشتگان را جز به حق و نیستند در آن هنگام مهلت‌دادگان (۹) همانا ما فرستادیم قرآن را و همانا مائیم مر آن را نگهدارندگان (۱۰) و همانا فرستادیم پیش از تو در توده‌های پیشینیان (۱۱) و نیامدشان فرستاده‌ای جز آنکه بودند بدو استهزاء کنندگان (۱۲) بدینسان بمیرانیمش در دل‌های گنهکاران (۱۳) ایمان نیارند بدان حالی که گذشت آئین پیشینیان (۱۴) و اگر بگشائیم بر ایشان دری را از آسمان پس آغاز کنند در آن بالا روند (۱۵) هر آینه گویند جز این نیست که چشم‌بند شدیم بلکه مائیم گروهی جادو شدگان (۱۶) و همانا نهادیم در آسمان برج‌هایی و آراستیم آنها را برای بینندگان (۱۷) و حفظ کردیم آنها را از هر شیطانی رانده‌شده (۱۸) مگر آنکه بدزدد شنیدن را (دزدکی شنود) که در پیش افتد شهابی آشکار (۱۹) و زمین را گسترانیدیم و افکندیم در آن لنگرهای و رویانیدیم در آن از هر چیزی زیبا (۲۰) و قرار دادیم برای شما در آن روزی‌هایی (زندگی‌هایی) و آن کس را که نیستید مرا او را روزی‌دهندگان (۲۱) و نیست چیزی جز آنکه نزد ما است گنج‌هایش و نفرستیمش مگر به اندازه دانسته (۲۲) و فرستادیم باده‌ها را آّبستن کنندگان پس فرود آوردیم از آسمان آبی پس نوشانیدیمش به شما و نبودید آن را اندوزندگان (۲۳) و همانا ما زنده کنیم و بمیرانیم و مائیم ارث‌برندگان (۲۴) و همانا دانستیم پیشینیان را از شما و دانستیم پس آیندگان را (۲۵) و همانا پروردگار تو برانگیزانده‌شان همانا او است حکیم دانا (۲۶) و همانا آفریدیم انسان را از گل خشک از گلی تیره ریخته‌شده (۲۷) و جن را بیافریدیم از پیش از آتشی که بوی او است کشنده (۲۸) و هنگامی که گفت پروردگار تو به فرشتگان که همانا منم آفریننده بشری از گل خشک از گلی تیره‌رنگ ریخته‌شده (۲۹) پس گاهی که آراستمش و دمیدم در او از روح خویش پس بیفید برایش سجده کنان (۳۰) پس سجده کردند فرشتگان همگی با هم (۳۱) جز ابلیس که سرپیچید از آنکه باشد با سجده کنندگان (۳۲) گفت ای ابلیس چه شدت که نبودی با سجده کنندگان (۳۳) گفت نیستم من که سجده کنم برای بشری که آفریدی او را از گلی خشک از گل تیره ریخته‌شده (۳۴) گفت پس برون شو از آن که توئی رانده شده (۳۵) و همانا بر تو است لعنت من تا روز دین (۳۶) گفت پروردگارا مهلت ده تا روزی که برانگیخته شوند (۳۷) گفت همانا توئی از مهلت‌دادگان (۳۸) تا روز هنگام دانسته (۳۹) گفت پروردگارا بدانکه گمراهم کردی همانا آرایش دهم برای ایشان در زمین و هر آینه گمراهشان کنم همگی (۴۰) جز بندگان تو از ایشان آن نآلودگان (پاک‌شدگان) (۴۱) گفت این است راهی بر من

راست (۴۲) که بندگان را نباشد بر ایشان فرمانروایی مگر آنکه پیرویت کند از گمراهان (۴۳) و همانا دوزخ است وعده گاه آنان همگی (۴۴) برای آن است هفت در هر دری را است از ایشان بخشی جداگانه (۴۵) همانا پرهیزکارانند در باغها و چشمه سارهایی (۴۶) درآیدش به سلامت بر آسودگان (۴۷) و برافکنندیم آنچه در سینه های ایشان است از کینه برادرانند بر تختهائی روی بروی (۴۸) نزدیک بدیشان نشود رنجی و نباشند از آن برون رانندگان (۴۹) آگهی ده بندگان را که منم آمرزنده مهربان (۵۰) و آنکه عذاب من است آن عذاب دردناک (۵۱) و آگهیشان ده از میهمانان ابراهیم (۵۲) هنگامی که درآمدند بر او پس گفتند سلامی گفت همانا مائیم از شما هراسان (۵۳) گفتند بیم مدار همانا نویدیت دهیم به فرزندی دانا (۵۴) گفت آیا نوید دهیم با آنکه مرا رسیده است پیری پس به چه نویدم دهید (۵۵) گفتند بشارت آوردیمت به حقّ پس نباش از نومیدان (۵۶) گفت کیست که نوید شود از رحمت پروردگار خویش مگر گمراهان (۵۷) گفت پس چیست کار شما ای فرستادگان (۵۸) گفتند همانا فرستاده شدیم بسوی قومی گنهکار (۵۹) مگر خاندان لوط که نجات دهنده ایم ایشان را همگی (۶۰) مگر زنش مقدر کردیم که او است از گذشتگان (۶۱) پس گاهی که آمدند خاندان لوط را فرستادگان (۶۲) گفت همانا شمائید گروهی ناشناختگان (۶۳) گفتند بلکه آوردیمت بدانچه بودند در آن شکّ می آوردند (۶۴) و آوردیمت حقّ را و همانا مائیم راستگویان (۶۵) پس رهسپار شو با خاندان خویش در پاره ای از شب و پیروی کن پشتهای ایشان را و برنگردد از شما کسی و بگذرید آنجا که فرمان داده شوید (۶۶) و بگذرانندیم بسویش این امر را که دنباله آنان است بریده به بامداد درآیندگان (۶۷) و آمدند مردم شهر شادمانی کنان (۶۸) گفت همانا اینان میهمانان منند پس رسوایم نکنید (۶۹) و بترسید خدا را و خوارم نسازید (۷۰) گفتند آیا نهی نکردیم تو را از جهانیان (۷۱) گفت اینک دختران من اگر هستید کنندگان (۷۲) به جان تو اینانند در مستی خویش فرو روندگان (۷۳) پس بگرفتشان خروش حالی که خورشید بود تابنده بر ایشان (۷۴) پس گردانیدیم زیرش را رویش و باریدیم بر ایشان سنگی از سجّیل (۷۵) همانا در این است آیتهایی برای هوشمندان (۷۶) و همانا آن به راهی است استوار (پایدار) (۷۷) همانا در این است آیتی برای مؤمنان (۷۸) و هر چند بودند یاران آیکه همانا ستمگران (۷۹) پس کین کشیدیم از ایشان و همانا آنانند پیشوای آشکار (۸۰) و همانا تکذیب کردند یاران حجر فرستادگان را (۸۱) و آوردیمشان آیتهای خویش را پس بودند از آنها روی گردانان (۸۲) و بودند می تراشیدند از کوه ها خانه هایی بر آسودگان (۸۳) پس بگرفتشان خروش گاهی که بودند بامداد کنندگان (۸۴) پس بی نیاز نکرد از ایشان چیزی آنچه بودند فراهم می آوردند (۸۵) و نیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه میان آنها است جز به حقّ و همانا ساعت است آینده پس بگذر گذشتی نکو (۸۶) همانا پروردگار تو است آفریننده دانا (۸۷) و همانا آوردیم تو را هفت تا از بندها و قرآنی بزرگ (۸۸) باز مکن (برمکش) دیدگان خویش را بسوی آنچه بهره دادیم مردانی از ایشان را و اندوهگین نباش بر آنان و بخوابان بال خویش را برای مؤمنان (۸۹) و بگو منم همانا آن بیم دهنده آشکار (۹۰) بدانسان که فرستادیم بر بخش کنندگان (۹۱) آنان که گردانیدند قرآن را بخشهایی (۹۲) پس سوگند به پروردگارت همانا پیرسیمشان همگی (۹۳) از آنچه بودند می کردند (۹۴) پس بانگ درده بدانچه مأمور شوی و روی برگردان از شرک و رزان (۹۵) همانا ما نگهداشتیمت از استهزاء کنندگان (۹۶) آنان که قرار دهند با خدا خداوند دیگری پس زود است بدانند (۹۷) و همانا می دانیم تو را تنگ همی آید سینه بدانچه گویند (۹۸) پس تسبیح کن به سپاس پروردگار خویش و باش از سجده کنندگان (۹۹) و پرستش کن پروردگار خویش را تا بیایدت یقین (۱۰۰)

النحل

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) آمد امر خدا پس شتاب نجوئیدش منزّه و برتر است او از آنچه شرک می ورزند (۲) فرود آورد فرشتگان را با روح از امر خود بر هر که خواهد از بندگان خویش که بترسانید آنکه نیست خدائی جز من پس پرهیزکاری کنید (۳) بیافریده است آسمانها و زمین را به حقّ برتر است از آنچه شرک ورزند (۴) بیافرید انسان را از چگّه آبی که ناگهان او است

دشمنی آشکار (۵) و دامها را بیافرید برای شما در آنها است پوشاکی گرم و سودهائی و از آنها می‌خورید (۶) و شما را است در آنها زیبایی گاهی که شب کنید و گاهی که سردهید (۷) و می‌کشند بارهای شما را بسوی شهری که نرسید بدان جز با رنج کسان همانا پروردگار شما است نوازنده مهربان (۸) و اسبان و استرها و خرها تا سوار آنها شوید و زیبایی را و می‌آفریند آنچه را نمی‌دانید (۹) و بر خداست رهنمائی به راه راست و از آن است کج‌رونده و اگر می‌خواست هدایت می‌کرد شما را همگی (۱۰) و است آنکه فرستاد از آسمان آبی برای شما از آن است نوشابه و از آن است درختی که در آن می‌چرانید (۱۱) می‌رویند برای شما بدان کشت و زیتون و خرمانها و انگورها را و از همه میوه‌ها همانا در این است آیتی برای گروهی که بیاندیشند (۱۲) و رام کرد برای شما شب و روز و مهر و ماه را و ستارگان فرمانبردارند به فرمانش همانا در این است آیتها برای گروهی که بخرد یابند (۱۳) و آنچه آفرید برای شما در زمین رنگارنگ همانا در این است آیتی برای گروهی که یادآور شوند (۱۴) و او است آنکه رام کرد دریا را تا بخورید از آن گوشتی تازه و برون آرید از آن زیوری که بپوشیدش و بینی کشتی‌ها را در آن شکافندگان آب و تا بجوئید از فضلش و شاید شما سپاس گزارید (۱۵) و افکند در زمین لنگرهائی نبادا کج شود به شما و رودهائی و راههائی شاید هدایت یابید (۱۶) و نشانهای و با ستاره ایشان هدایت شوند (۱۷) پس آیا آنکه می‌آفرد مانند آن است که نمی‌آفرد پس آیا یادآور نمی‌شوید (۱۸) و اگر بشمید نعمت خدای را شمار آن نتوانید همانا خداوند است آمرزنده مهربان (۱۹) و خدا می‌داند آنچه نهان کنید و آنچه آشکار کنید (۲۰) و آنان را که می‌خوانند جز خدا نیافرند چیزی را و خود آفریده شوند (۲۱) مُردگانند نه زندگان و دریابند که چه وقت برانگیخته می‌شوند (۲۲) خداوند شما خدای یکتا است پس آنان که ایمان ندارند به آخرت دلهای ایشان است انکارکننده و ایشانند کبرورندگان (۲۳) لاجرم خدا می‌داند آنچه را نهان کنند و آنچه را آشکار کنند همانا او دوست ندارد گردنکشان را (۲۴) و هرگاه گفته شود به ایشان چه فرستاده است پروردگار شما گویند داستانهای باستان (۲۵) تا بردارند بارهای خویش را تمامی روز قیامت و از گناهان آنان که گمراهشان کنند به نادانی چه زشت است آنچه گنهار می‌شوند (۲۶) همانا مکر کردند آنان که پیش از ایشان بودند پس واژگون ساخت خدا بنیاد ایشان را از پایه‌ها پس فرود آمد بر ایشان بام از فراز ایشان و بیامدشان عذاب از آنجا که ندانستند (۲۷) سپس روز قیامت خوارشان سازد و گوید کجایند شریکان من آنان که بودید ستیزه می‌کردید در ایشان گویند آنان که داده شدند دانش را همانا خواری در امروز و بدی است بر کافران (۲۸) آنان که دریابندشان فرشتگان ستمگران بر خویشان پس بیفکندند آشتی را که ما نکردیم بدیی نه چنین است بلکه خدا دانا است بدانچه بودید می‌کردید (۲۹) پس در آئید درهای دوزخ را جاودانان در آن پس چه زشت است جایگاه گردنکشان (۳۰) و گفته شد بدانان که پرهیزکاری کردند چه فرستاده است پروردگار شما گفتند نکو را که نکوئی کردند در این دنیا است نکوئی و همانا خانه آخرت است بهتر و چه خوب است سرای پرهیزکاران (۳۱) بهشتهای جاودان در آیند در آنها روان است زیر آنها جوی‌ها ایشان را است در آنجا آنچه خواهند بدینسان پاداش دهد خدا به پرهیزکاران (۳۲) آنان که یابندشان فرشتگان پاک گویند سلام بر شما در آئید بهشت را بدانچه بودید می‌کردید (۳۳) آیا چشم به راهند جز آنکه بیایدشان فرشتگان یا بیاید امر پروردگار تو چنین کردند آنان که پیش از ایشان بودند و ستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بودند خویشان را ستم می‌کردند (۳۴) پس رسید بدیشان بدی‌های آنچه کردند و فرود آمد بدیشان آنچه بودند بدان استهزاء می‌کردند (۳۵) و گفتند آنان که شرک ورزیدند اگر می‌خواست خدا همانا نمی‌پرستیدیم جز از وی چیزی را نه ما و نه پدران ما و نه حرام (محترم) می‌شمردیم جز او چیزی را چنین کردند آنان که پیش از ایشان بودند پس آیا هست بر فرستادگان جز پیام آشکار (۳۶) و همانا برانگیختیم در هر ملتی پیمبری را که پرستش کنید خدا را و دوری گزینید از سرکش پس از ایشان است آنکه رهبریش کرد خدا و از ایشان است آنکه فرود آمد بر او گمراهی پس بگردید در زمین و بنگرید چگونه بود فرجام تکذیب کنندگان (۳۷) اگر حریص باشی بر هدایت ایشان همانا خدا هدایت نکند آن را که گمراه می‌کند و نیست ایشان را یاورانی (۳۸) و سوگند آوردند به خدا سخت‌ترین سوگندهای خویش که نیانگیزد خدا آن را که می‌میرد نه چنین است بلکه وعده‌ای

است بر او حق و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (۳۹) تا بیان کند برای ایشان آنچه را که اختلاف می‌کنند در آن و تا بدانند آنان که کفر ورزیدند که بودند ایشان دروغگویان (۴۰) نیست گفتار ما برای چیزی گاهی که بخواهیمش جز آنکه گوئیمش بشو پس می‌شود (۴۱) و آنان که هجرت کردند در راه خدا پس از آنکه ستم شدند البته جایشان دهیم در دنیا جایگاهی نکو و هر آینه پاداش آخرت است بزرگتر اگر باشند که بدانند (۴۲) آنان که شکبیا شدند و بر پروردگار خویش توکل کنند (۴۳) و فرستادیم پیش از تو مگر مردانی را که وحی می‌فرستادیم بدیشان پس پرسید اهل کتاب را اگر شما نمی‌دانید (۴۴) با نشانی‌ها و نامه‌ها و فرستادیم بسوی تو نامه را تا بیان کنی برای مردم آنچه را فرستاده شده است بسوی ایشان و شاید بیان‌دیشند (۴۵) آیا ایمن شدند آنان که مکر کردند بدی‌ها را که فروبردشان زمین یا بیایدشان عذاب از جایی که نمی‌دانند (۴۶) یا بگیردشان در گردش (رفت و شد) ایشان پس نباشند به عجز آورندگان (۴۷) یا بگیردشان بر بیمناکی (یا آهسته و اندک‌اندک) همانا پروردگار تو است نوازنده مهربان (۴۸) آیا ننگریستند بدانچه بیافرید خدا از چیزی که سایه افکن گردد سایه‌های آن از راست و چپ سجده‌کنان برای خدا حالی که آنانند فروتنان (۴۹) و برای خدا سجده کنند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از جنبنده فرشتگان و ایشان سرنیچند (۵۰) بترسند پروردگار خویش را از فراز خویش و کنند آنچه فرمان داده شوند (۵۱) و گفت خدا نگیرید خدایانی دوگانه جز این نیست که او است خداوند یگانه پس مرا بترسید (۵۲) و برای او است آنچه در آسمانها و زمین است و برای او است دین پیوسته پس آیا جز خدای را می‌پرهیزید (۵۳) و آنچه بر شما است از نعمت از خدا است سپس گاهی که می‌رسد شما را رنج پس بسوی او زاری کنید (۵۴) تا گاهی که بگشاید از شما رنج را ناگاه گروهی از شما به پروردگار خویش شرک ورزند (۵۵) تا ناسپاسی کنند بدانچه آوردیمشان پس کامیاب شوید که زود است بدانید (۵۶) و قرار دهند برای آنچه نمی‌دانند بهره‌ای از آنچه روزیشان دادیم به خدا پرسش شوید البته از آنچه بودید دروغ می‌بستید (۵۷) و قرار دهند برای خدا دختران منزّه است و برای خویش آنچه هوس کنند (۵۸) و گاهی که مژده داده شود یکیشان به مادینه بگردد روی او سیاه حالی که او است خشم‌خورنده (۵۹) نهان کند خویش را از قوم از زشتی آنچه مژده داده شده است بدان که آیا نگهداردش بر زبونی (خواری) یا فروکنش در خاک همانا زشت است آنچه حکم کنند (۶۰) آنان را که ایمان نمی‌آورند به آخرت مثل زشت است و برای خدا است مثل برتر و او است عزّتمند حکیم (۶۱) و اگر بگیرد خدا مردم را به ستمگریشان نگذارد بر آن جنبنده‌ای و لیکن پس می‌اندازدشان تا سرآمدی نامبرده و گاهی که بیاید سرآمد ایشان نه پس افتند ساعتی و نه پیش افتند (۶۲) و قرار دهند برای خدا آنچه را ناخوش دارند و می‌ستاید زبانهای ایشان دروغ را که ایشان را است نیکی لاجرم ایشان را است آتش و ایشانند پیش رانندگان (۶۳) به خدا سوگند که فرستادیم بسوی مللی پیش از تو پس بیاراست برای ایشان شیطان کردار ایشان را پس او است دوست ایشان آن روز و برای ایشان است عذابی دردناک (۶۴) و فرستادیم بر تو کتاب را مگر تا بیان کنی برای ایشان آنچه را اختلاف کردند در آن و هدایت و رحمتی برای گروهی که ایمان آرند (۶۵) خدا فرستاد از آسمان آبی پس زنده ساخت بدان زمین را پس از مردنش همانا در این است آیتی برای قومی که می‌شنوند (۶۶) و همانا شما را هست در دامها عبرتی بنوشانیمتان از آنچه در شکمهای آنها است از میان سرگین و خون شیر نیالوده گوارا برای نوشندگان (۶۷) و از میوه‌های خرمابنها و تاکها برمی‌گیرید از آن سکری و روزی نکو همانا در این است آیتی برای قومی که بخرد یابند (۶۸) و وحی نمود پروردگار تو بسوی زنبور (مگس عسل) که برگیر از کوه‌ها خانه‌هایی و از درخت و از آنچه برافرازند (۶۹) سپس بخور از همه میوه‌ها پس روان شو به راه‌های پروردگار خویش هموار برون شود از شکمهای آنها نوشابه‌ای به رنگهای گوناگون در آن است درمانی برای مردم همانا در این است آیتی برای قومی که بیندیشند (۷۰) و خدا بیافریدتان و سپس بمیراندتان و از شما است آنکه گردانیده شود بسوی پست‌ترین عمر تا ندانند پس از دانست چیزی را همانا خدا است دانای توانا (۷۱) و خدا برتری داد گروهی از شما را بر گروهی در روزی پس نیستند آنان که برتر شدند برگرداننده روزی خویش بر آنچه دارا است یمینهای ایشان (بندگان) که باشند ایشان در آن یکسان پس آیا نعمت خدا را نادیده گیرند (۷۲) و خدا قرار داد برای شما از خود شما جفتهائی و قرار داد برای

شما از جفتهای شما پسرانی و نبیرگانی و روزیتان داد از پاکیزه‌ها پس آیا به باطل ایمان آرند و به نعمت خدا کفر ورزند (۷۳) و می‌پرستند جز خدا آنچه را دارا نیست برای ایشان روزی از آسمانها و زمین چیزی را و نمی‌توانند (۷۴) پس نزنید برای خدا مثله‌ها را و همانا خدا می‌داند و شما نمی‌دانید (۷۵) زده است خدا مثلی بندهای مملوک که توانائی ندارد بر چیزی و آنکه روزیش دادیم از خود روزی نکو پس او انفاق می‌کند از آن نهان و آشکارا آیا یکسانند سپاس خدای را بلکه بیشترشان نمی‌دانند (۷۶) و زده است خدا مثلی دو مرد که یکیشان گنگ است توانائی ندارد بر چیزی و او است باری بر مهتر خویش به هر سویی گرداند نیارد به خیری آیا یکسان است او با آنکه امر کند به داد و او است بر راهی راست (۷۷) و از آن خدا است ناپیدای آسمانها و زمین و نیست امر ساعت جز مانند بهم زدن چشم یا نزدیکتر همانا خدا است بر همه چیز توانا (۷۸) و خدا برون آورد شما را از شکمهای مادرهای خویش نمی‌دانستید چیزی را و نهاد برای شما گوش و دیدگان و دلها را شاید سپاس گزاید (۷۹) آیا ننگریستند بسوی پرندگان که فرمانبردارانند در فضای (پهنه) آسمان نگه ندارندشان جز خدا همانا در این است آیتهایی برای قومی که ایمان آرند (۸۰) و خدا قرار داد برای شما از خانه‌های شما آرامشگاهی و قرار داد برای شما از پوست دامها خانه‌هایی که آسان برگیرید آنها را روز کوچیدن شما و روز ماندن شما و از پشمهای آنها و از کرکهای آنها و موی‌های آنها ابزار و کالائی (بهره‌ای) تا هنگامی (۸۱) و خدا قرار داد برای شما از آنچه بیافرید سایه‌هایی و قرار داد برای شما از کوه‌ها پناهگاه‌هایی و قرار داد برای شما جامه‌هایی که نگهدارد شما را از گرما و جامه‌هایی که نگاهتان دارد از خشم خویش بدینسان انجام رساند نعمت خود را بر شما شاید اسلام آورید (۸۲) و اگر پشت کردند پس جز این نیست که بر تو است رسانیدن آشکار (۸۳) می‌شناسند نعمت خدا را پس انکارش می‌کنند و بیشتر ایشانند کافران (۸۴) و روزی که برانگیزیم از هر ملتی گواهی پس اذن داده نشود به کافران و نه عتاب از ایشان خواسته شود (۸۵) و هنگامی که بینند ستمگران عذاب را پس نه از ایشان کاسته شود و نه مهلت داده شوند (۸۶) و هنگامی که بینند مشرکان شریکان خود را گویند پروردگارا اینانند شریکان ما که بودیم می‌خواندیم جز تو پس افکندند بسوی ایشان سخن را که شمائید همانا دروغگویان (۸۷) و افکندند بسوی خدا در آن روز آشتی را و گم شد از ایشان آنچه بودند دروغ می‌بستند (۸۸) آنان که کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا بیفزودیمشان عذابی بر روی عذاب بدانچه بودند فساد می‌کردند (۸۹) و روزی که برانگیزانیم از هر ملتی گواهی را بر ایشان از خود ایشان و بیاریم تو را بر اینان گواه و فرستادیم بر تو کتاب را بیانی برای همه چیز و هدایت و رحمت و بشارتی برای مسلمین (۹۰) همانا خدا امر می‌کند به داد و نیکی و دادن خویشاوندان و نهی می‌کند از فحشاء و ناشایست و ستم اندرز دهد شما را شاید یادآور شوید (۹۱) و وفا کنید به عهد خدا گاهی که عهد بندید و نشکنید سوگندها را بعد از استوار کردن آنها حالی که قرار دادید خدا را بر خویش نگهبان همانا خدا می‌داند آنچه را می‌کنید (۹۲) و نباشید مانند آن زن که واثابید رشته خود را پس از استوارشدن تارهایی گسیخته که برگیرید سوگندهای خویش را نیرنگی میان خویش تا بشود گروهی فزوده‌تر از گروهی جز این نیست که بیازماید شما را خدا بدان و بیان می‌کند برای شما روز قیامت آنچه را بودید در آن اختلاف می‌کردید (۹۳) و اگر می‌خواست خدا هر آینه می‌گردانید شما را یک ملت و لیکن گمراه کند هر که را خواهد و رهبری کند هر که را خواهد و هر آینه پرسیده شوید البته از آنچه بودید می‌کردید (۹۴) و نگیرید سوگندهای خود را نیرنگی میان خود تا بلغزد قدمی پس از استواریش و بچشید زشتی را بدانچه بازداشتید از راه خدا و برای شما است عذابی بزرگ (۹۵) و نفروشید پیمان خدا را به بهائی کم همانا آنچه نزد خدا است بهتر است برای شما اگر باشید که بدانید (۹۶) آنچه نزد شما است پایان یابد و آنچه نزد خدا است پاینده است و هر آینه پاداش دهیم آنان را که صبر ورزیدند مزدشان را به نکوترین چیزی که بودند می‌کردند (۹۷) آنکو کردار شایسته کند از نریا ماده حالی که مؤمن باشد هر آینه زنده داریمش زندگیی پاکیزه و همانا پاداششان دهیم مزدشان را به بهتر چیزی که بودند می‌کردند (۹۸) و هنگامی که می‌خوانی قرآن را پناه بر به خدا از شیطان رانده شده (۹۹) همانا نیست او را فرمانروائی بر آنان که ایمان آورند و بر پروردگار خویش توکل کنند (۱۰۰) جز این نیست که فرمانروائی او بر آنان است که دوست

دارندش و آنان که بدو شرک می‌ورزند (۱۰۱) و هرگاه تبدیل کنیم آیتی را به جای آیتی و خدا داناتر است بدانچه می‌فرستد گویند جز این نیست که تویی دروغ‌آورنده بلکه بیشتر ایشان نمی‌دانند (۱۰۲) بگو فرود آورد آن را روح‌القدس (روان پاک) از پروردگار تو به حق تا استوار گرداند آنان را که ایمان آوردند و هدایت و بشارتی برای مسلمانان (۱۰۳) و همانا دانیم که ایشان گویند جز این نیست که می‌آموزدش بشری زبان آنکه بدو این سخن را بندند عجمی (نارسا) است و این زبانی است عربی (رسا) آشکار (۱۰۴) همانا آنان که ایمان نیارند به آیت‌های خدا رهبریشان نکند خدا و برای ایشان است عذابی دردناک (۱۰۵) جز این نیست که دروغ را آنان بندند که ایمان نیارند به آیت‌های خدا و ایشانند دروغ‌گویان (۱۰۶) آنکه کفر ورزد به خدا پس از ایمانش مگر آنکه وادار شود بناخواه حالی که دلش آرمیده است به ایمان و لیکن آنکو گشاده باشد به کفر سینه او پس بر ایشان است خشمی از خدا و ایشان را است عذابی بزرگ (۱۰۷) این بدان است که ایشان برگزیدند زندگانی دنیا را بر آخرت و آنکه خدا هدایت نکند گروه کافران را (۱۰۸) آنانند که مَهر نهاد خدا بر دل‌هایشان و گوش‌هایشان و دیدگان‌شان و آنانند ناآگاهان (۱۰۹) ناگزیر ایشانند در آخرت زیانکاران (۱۱۰) همانا پروردگار تو برای آنان که هجرت کردند (آواره شدند) پس از آنکه آزرده شدند سپس جهاد کردند و شکیا شدند همانا پروردگار تو است پس از آن آمرزنده مهربان (۱۱۱) روزی که آید هر کس بستیزد از جانب خویش و داده شود به هر که آنچه کرده است و ستم نشوند (۱۱۲) و برزده است خدا مثلی شهری که بود آسوده و آرام می‌آمدش روزیش فراوان از هر سوی پس کفر ورزید به نعمت‌های خدا پس چشانی‌دش خداوند جامه گرسنگی و ترس را بدانچه بودند می‌کردند (۱۱۳) و هر آینه بیامدشان پیمبری از ایشان پس تکذیبش کردند پس گرفت ایشان را عذاب حالی که بودند ستمگران (۱۱۴) پس بخورید از آنچه روزی داد شما را خدا حلال پاکیزه و سپاس گزارید نعمت خدا را اگر هستید وی را پرستندگان (۱۱۵) جز این نیست که حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را نام جز خدا به آن برده شود پس آنکه ناچار گردد نه ستمگر و نه تجاوزکننده همانا خدا است آمرزنده مهربان (۱۱۶) و نگوئید بدانچه می‌ستاید زبان‌های شما به دروغ این است حلال و این است حرام تا ببندید بر خدا دروغ را همانا آنان که بندند بر خدا دروغ را رستگار نشوند (۱۱۷) کامیابی است اندک و ایشان را است عذابی دردناک (۱۱۸) و بر آنان که جهود شدند حرام کردیم آنچه را فروخواندیم بر تو از پیش و ستم نکردیم بر ایشان لیکن بودند خویش را ستم می‌کردند (۱۱۹) سپس پروردگار تو برای آنان که انجام دادند بدی را به نادانی پس توبه کردند پس از آن و شایستگی گزیدند همانا پروردگار تو است از پس آن آمرزنده مهربان (۱۲۰) همانا ابراهیم بوده است پیشوایی فروتن برای خدا یکتاپرست و نبوده است از شرک‌ورزندگان (۱۲۱) سپاس‌گزارنده نعمت‌های او برگزیدش و رهبریش کرد بسوی راهی راست (۱۲۲) و دادیمش در دنیا نیکی و همانا او است در آخرت از شایستگان (۱۲۳) سپس وحی کردیم بسوی تو که پیروی کن آئین ابراهیم یکتاپرست را و نبود از شرک‌ورزان (۱۲۴) جز این نیست که نهاده شد شبهه بر آنان که اختلاف کردند در آن و همانا پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف می‌کردند (۱۲۵) بخوان بسوی راه پروردگار خویش با حکمت و پند نیکو و درستیز با ایشان بدانچه آن است نکوتر همانا پروردگار تو داناتر است بدانکه گم شده است از راه او و او است داناتر به هدایت‌شدگان (۱۲۶) و اگر شکنجه کنید پس شکنجه کنید همانند آنچه شکنجه شدید و اگر بردباری گزینید همانا آن بهتر است برای بردباران (۱۲۷) و صبر کن و نیست صبرت جز به خدا و اندوهگین نباش بر ایشان و نباش در تنگنایی از آنچه نیرنگ کنند (۱۲۸) همانا خدا با آنانی است که پرهیز می‌کنند و آنان که ایشانند نکوکاران (۱۲۹)

الإسراء

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) منزّه است خداوندی که شبانه برد بنده خویش را از مسجد حرام بسوی مسجد اقصی آنی که برکت نهادیم پیرامونش تا بنمایانیمش از آیت‌های ما همانا او است شنوای بی‌نا (۲) و دادیم به موسی کتاب را و گردانیدیمش هدایتی برای بنی

اسرائیل که نگیرید جز من سرپرستی (۳) نژاد آنان که سوار کردیم با نوح همانا بود او بنده سپاسگزار (۴) و بگذرانیدیم بسوی بنی اسرائیل در کتاب که البته فساد می کنید در زمین دوبار و برتری می جوئید برترینی بزرگ (۵) تا گاهی که آید وعده نخستین آنها را برانگیزیم بر شما بندگان ما را دارندگان نیروئی سخت پس بگردند میان شهرها و بوده است وعده شدنی (۶) پس باز آوردیم برای شما تاختن را بر ایشان و کمک دادیم شما را به مالهای و پسرانی و گردانیدیم شما را فروتر در گروه (۷) اگر نیکی کنید برای خویش نیکی کرده اید و اگر بدی کنید پس برای آن است و هنگامی که بیاید وعده بار دوم تا ناخوش دارند وجوه شما را و در آیند مسجد را چنانکه در آمدنش نخستین بار و نابود کنند آنچه را برتر آمده اند نابود کردنی (۸) شاید پروردگار شما رحم کند بر شما و اگر باز گردید باز گردیم و گردانیدیم دوزخ را برای کافران تنگنائی (زندانی) (۹) همانا این قرآن رهبری می کند بدانچه آن استوارتر است و مژده می دهد مؤمنانی را که کردار شایسته کنند که ایشان را است پاداشی بزرگ (۱۰) و آنکه آنان که ایمان نمی آورند به آخرت آماده کردیم برای ایشان عذابی دردناک (۱۱) و می خواند انسان به بدی همانند خواندنش به خوبی و بوده است انسان شتاب کننده (۱۲) و گردانیدیم شب و روز را دو آیت پس برانداختیم آیت شب را و گردانیدیم آیت روز را روشن تا بجوئید فضلی را از پروردگار خویش و تا بدانید شمار سالها و حساب را و هر چیز را تفصیل دادیم تفصیلی (۱۳) و هر انسانی را افکنیدیم نامه او را به گردنش و برون آریم برایش روز قیامت نامه ای که بیابدش گشوده (۱۴) بخوان نامه خویش را تو خود بس باشی امروز بر خوشتن حسابگر (۱۵) هر کس هدایت شود جز این نیست که هدایت شود برای خوشتن و هر کس گمراه شود جز این نیست که گمراه شود بر خوشتن و بر ندارد هیچ گنهاری بار گناه دیگری را و نیستیم ما عذاب کننده تا برانگیزیم پیمبری را (۱۶) و هر گاه خواهیم نابود کنیم شهری را بفرومانیم کامرانان (هوسرانان) آن را تا نافرمانی کنند در آن پس فرود آید بر آن سخن پس نابود کنیمش نابود کردنی (۱۷) و بسا هلاک کردیم از قرنهای پس از نوح و بس است پروردگار تو به گناهان بندگان خود آگاهی بینا (۱۸) آنکو زندگانی شتابان را خواهد بشتاییم برایش در آن آنچه را خواهیم برای هر که خواهیم سپس گذاریم دوزخ را بچششش نکوهیده رانده (۱۹) و آنکو خواهد آخرت را و بکوشد برای آن کوشش آن را حالی که او است مؤمن پس آنان بوده است کوشش ایشان سپاس گزارده (۲۰) هر یک را کمک دهیم اینان و آنان را از بخشش پروردگار تو و نیست بخشش پروردگار تو بازداشته (۲۱) بنگر چگونه برتری دادیم برخی از ایشان را بر برخی و همانا آخرت بزرگتر است در پایه ها و بزرگتر است در برتری دادن (۲۲) و قرار مده با خدا خدائی دیگر را که بنشینن نکوهیده خوار شده (۲۳) و حکم کرد پروردگار تو که پرستش نکنید جز او را و به پدر و مادر نیکی کنید اگر برسند نزد پیری را یکی از آنان یا هر دو پس نگو به ایشان اُف و نهیب زن بر ایشان و بگو بدیشان گفتاری گرامی (۲۴) و فروخوابان برای آنان بال فروتنی را از مهر و بگو پروردگارا رحم کن بر آنان چنانکه مرا پروریدند در کودکی (۲۵) پروردگار شما دانایتر است بدانچه در دلهاست شما است اگر باشید شایستگان همانا او است برای بازگشت کنندگان آمرزنده (۲۶) و بده به خویشاوند حقش را و بینوا و درمانده راه و تبتذیر مکن تبذیری (بیهوده و فزون از اندازه دادن) (۲۷) که فزون دهندگانند برادران شیاطین و شیطان است پروردگار خویش را ناسپاس (۲۸) و اگر روی گردانی از ایشان در پی رحمتی از پروردگار خویش که امیدش داری پس بگو بدیشان گفتاری نرم و آرام (۲۹) و نگردان دست را بسته به گردنت و بازش نکن تمام باز تا بنشینن نکوهیده اندوهگین (۳۰) همانا پروردگار تو فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد و تنگ گرداند همانا او است به بندگان خویش آگاهی بینا (۳۱) و نکشید فرزندان خویش را از تنگدستی ما روزی دهیم ایشان را و شما را همانا کشتار آنان است لغزشی بزرگ (۳۲) و نزدیک نشوید زنا را که بوده است آن فحشائی (ناشیستی) و چه زشت است آن راه (۳۳) و نکشید تنی را که حرام کرد (محترم داشت) خدا جز به حق و آنکه کشته شود به ستم همانا قرار دادیم برای خونخواه او فرمانروائی پس فزون نرود در کشتار همانا او است یاری شده (۳۴) و نزدیک نشوید مال یتیم را جز بدانچه آن است نکوتر تا برسد نیروی خویش را و وفا کنید به پیمان که پیمان است همانا پرسیده شده (۳۵) و تمام دهید پیمانه را گاهی که پیمائید و بسنجید با ترازوی درست و راست این بهتر

است و نکوتر در سرانجام (۳۶) و پیروی نکن آنچه را نیستت بدان دانشی همانا گوش و دیده و دل هر کدام آنها است از آن پرسیده (۳۷) و راه مرو در زمین خرامان همانا تو نشکافی زمین را هرگز و نرسی کوهها را به بلندی (۳۸) همه اینها است زشت آن نزد پروردگار تو ناپسند (۳۹) این است از آنچه که وحی فرستاد بسوی تو پروردگار تو از حکمت و قرار نده با خدا خدائی دیگر را تا افکنده شوی در دوزخ نکوهیده رانده (۴۰) آیا برگزیده است شما را پروردگار شما به پسران و بگرفته است از فرشتگان مادگانی همانا شما می گوئید سخنی گران را (۴۱) و همانا گردانیدیم در این قرآن تا یادآور شوند و نمیفزایدشان جز رمیدن (۴۲) بگو اگر می بود با او خدایانی چنانکه گوئید در آن هنگام می جستند بسوی خداوند عرش راهی را (۴۳) منزّه است او و برتر از آنچه گویند برتری بزرگ (۴۴) تسبیح کنند برای او آسمانهای هفت گانه و زمین و آنان که در آنها است و نیست چیزی جز آنکه تسبیح گوید به سپاس او و لیکن در نمی یابید ستایش ایشان را همانا او است بردبار آمرزنده (۴۵) و هرگاه بخوانی قرآن را بر نهیم میان تو و میان آنان که ایمان نمی آورند به آخرت پردهای پوشیده (۴۶) و نهیم بر دلهای آنان پردههایی از آنکه دریابندش و در گوشهای ایشان سنگینی و هرگاه یاد کنی پروردگار خویش را در قرآن تنها بازگردند بر پشتهای خویش رمنندگان (۴۷) ما داناتریم بدانچه گوش می دهند بدان هنگامی که گوش می دهند به تو و هنگامی که سخن به گوش همدیگر می گویند هنگامی که گویند ستمگران پیروی نمی کنی جز مردی جادو شده را (۴۸) بنگر چگونه زدند برایت مثلها را پس گم شدند پس نمی توانند راهی را (۴۹) و گفتند آیا گاهی که شدیم ما استخوانهایی و خاکی آیا ما برانگیختگانیم در آفرینشی نوین (۵۰) بگو باشید سنگ یا آهن (۵۱) یا آفرینشی از آنچه بزرگ آید در سینههای شما زود است گویند که ما را برمی گرداند بگو آنکه آفریدتان نخستین بار زود است نجبانند سرهای خویش را به سویت و گویند چه هنگام است آن بگو امید است که باشد نزدیک (۵۲) روزی که خوانندتان پس اجابت کنید با سپاس او و پندارید که نماندید جز اندکی (۵۳) و بگو به بندگان من گویند آنچه آن است نکوتر همانا شیطان آشوب افکند میان آنان همانا شیطان است برای انسان دشمنی آشکار (۵۴) پروردگار شما داناتر است به شما اگر خواهد رحمت آورد بر شما و اگر خواهد عذاب کند شما را و نفرستادیم تو را بر ایشان نگهبان (۵۵) و پروردگارت داناتر است بدانکه در آسمانها است و زمین و همانا برتری دادیم بعض پیمبران را بر بعضی و دادیم به داود زبور را (۵۶) بگو بخوانید آنان را که جز او پندارید دارا نیستند گشودن رنجی را از شما و نه برگرداندنی (۵۷) آنانند که می خوانند جویند بسوی پروردگار خویش دستاویز را هر کدام از ایشان است نزدیکتر و امیدوارند رحمتش را و می ترسند عذابش را همانا عذاب پروردگار تو است ترسناک (۵۸) و نیست شهری جز آنکه مائیم نابودکننده آن پیش از روز قیامت یا عذاب کننده آن عذابی سخت بوده است این در کتاب نوشته (۵۹) و بازداشت ما را از آنکه فرستیم آیتها را جز آنکه تکذیب کردند بدانها پیشینیان و دادیم به ثمود اشتر را بینا پس ستم کردند بدان و نمی فرستیم آیتها را جز ترساندن را (۶۰) و هنگامی که گفتیم تو را که پروردگار تو فراگرفته است بر مردم و نگردانیدیم خوابی را که نمودیمت جز آزمایشی برای مردم و آن درخت لعنت شده را در قرآن و می ترسانیمشان پس نیفزایدشان مگر سرکشی بزرگ (۶۱) و هنگامی که گفتیم به فرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند جز ابلیس گفت آیا سجده کنم برای آنکه آفریدی گل (۶۲) گفت آیا دیده باشی این را که تو بر من برتری دادی اگر مرا بگذاری تا روز قیامت هر آینه مهار کنم (یا براندازم) فرزندان او را مگر کمی را (۶۳) گفت برو که هر که پیرویت کند از ایشان همانا دوزخ است پاداش شما پاداشی تمام داده (۶۴) و بلغزان هر که را توانستی از ایشان به آواز خود و تاخت آور بر ایشان با سواره و پیاده خویش و شرکت کن با ایشان در مالها و فرزندان و وعده بده ایشان را و وعده نمی دهد ایشان را شیطان مگر فریب (۶۵) همانا بندگان من نیست بر ایشان فرمانروایی و بس است پروردگار تو کارگزاری (۶۶) پروردگار تو است آنکه می راند برای شما کشتی را در دریا تا بجوئید از فضلش همانا او است به شما مهربان (۶۷) و هرگاه برسد شما را رنجی در دریا گم است آنکه بخوانیدش جز او تا گاهی که رهائیتان داد بسوی دشت روی گردانیدید و بوده است انسان بسیار ناسپاس (۶۸) آیا ایمن شدید که فروبرد شما را در یک سوی دشت یا بفرستد بر شما طوفان سنگریزه را پس نیابید برای خویش

نگهبانی (۶۹) یا ایمن شدید که بازگرداند شما را در آن بار دیگری پس بفرستد بر شما خردکننده‌ای (و شکننده‌ای) از باد تا غرق کند شما را بدانچه ناسپاسی کردید سپس نیاید برای خویش بر ما بدان خونخواه و نه یآوری را (۷۰) و همانا گرامی داشتیم فرزندان آدم را و سوارشان کردیم در دشت و دریا و روزیشان دادیم از پاکیزه‌ها و برتریشان دادیم بر بسیاری از آنان که آفریدیم برتری دادنی (۷۱) روزی که بخوانیم هر مردمی را به پیشوای ایشان پس آنکو داده شود کتابش را به دست راستش آنان بخوانند کتاب خود را و ستم نشوند به اندازه تار میان هسته خرما (۷۲) و آنکه بوده است در این (دنیا) کور پس او است در آخرت کورتر و گمراه‌تر در راه (۷۳) و هر آینه نزدیک بود فریبت دهند از آنچه وحی فرستادیم بسوی تو تا دروغ بندی بر ما جز آن را و در آن هنگام می‌گرفتند دوست (۷۴) و اگر نه استوار می‌داشتیمت همانا نزدیک بود که کج شوی بسوی ایشان چیزی اندک (۷۵) در آن هنگام می‌چشاندیمت دو برابر زندگی و دو برابر مردن را سپس نمی‌یافتی برای خویش بر ما یآوری را (۷۶) و همانا نزدیک بود که بلغزانندت از زمین تا برون کنند از آن و در آن هنگام درنگ نمی‌کردند پس از تو مگر کمی (۷۷) شیوه آنان که فرستادیم پیش از تو از پیمبران خویش و نیابی برای شیوه ما تبدیلی (۷۸) پهای دار نماز را از بازگشتگاه خورشید تا تاریکی شب و خواندنی (نماز) بامداد همانا خواندنی بامداد است گواهی شده (۷۹) و از شب پس بیدار باشد در آن این فرویزی است برای تو باشد برانگیزدت پروردگارت به جایگاهی ستوده (۸۰) و بگو پروردگارا درآور مرا در آوردنی راست و بروم آور برون آوردنی راست و قرار ده برای من از نزد خویش فرمانروایی یاری شده (۸۱) و بگو بیامد حق و نابود شد باطل همانا باطل است نابودشونده (۸۲) و می‌فرستیم از قرآن آنچه درمان و رحمتی است برای مؤمنان و نیفزاید ستمگران را مگر زیان (۸۳) و هرگاه نعمت فرستیم بر انسان روی گرداند و دور کند پهلوی خویش را و هرگاه برسدش بدیی بوده است بسیار نومیدشونده (۸۴) بگو هر کدام عمل می‌کند بر راه و روش خویش پس پروردگار شما دانایتر است بدانکه او رهبرنده‌تر است در راه (۸۵) و می‌پرسندت از روح (روان) بگو روح از امر پروردگار من است و داده نشده‌اید از دانش جز اندکی را (۸۶) و اگر خواهیم همانا می‌بریم آنچه را وحی فرستادیم به سویت پس نیابی برای خویش بدان بر ما نگهبانی را (۸۷) بجز رحمتی از پروردگارت که فضل او است همانا بر تو بزرگ (۸۸) بگو اگر گردآیند آدمیان و پریان بر آنکه بیارند مانند این قرآن را نیارند مانندش و اگر چه باشد برخیشان برای برخی پشتیبان (۸۹) و همانا گردانیدیم برای مردم در این قرآن از هر مثلی پس نخواستند بیشتر مردم جز ناسپاسی را (۹۰) و گفتند هرگز ایمان نیاریم برایت تا بشکافی برای ما از زمین چشمه‌ای (۹۱) یا باشدت باغی از خرمانها و انگور پس بشکافی جوی‌ها را میان آن شکافتنی (۹۲) یا افکنی آسمان را چنانچه می‌پنداری بر ما پاره‌هائی یا بیاری خدا و فرشتگان را روی به روی (۹۳) یا باشدت خانه‌ای از زر یا بالا روی در آسمان و هرگز باور نکنیم بالا- رفتن را تا بفرستی بر ما نامه‌ای که بخوانیمش بگو منزّه است پروردگار من آیا هستم من جز بشری فرستاده‌شده (۹۴) و باز نداشت مردم را از آنکه ایمان آرند گاهی که بیامدشان رهبری جز آنکه گفتند آیا برانگیخته است خدا بشری را پیمبر (۹۵) بگو اگر میبود در زمین فرشتگانی که راه می‌رفتند آرمیدگان هر آینه می‌فرستادیم بر ایشان از آسمان فرشته‌ای را پیامبر (۹۶) بگو بس است خدا گواهی میان من و شما همانا او است به بندگان خود آگاهی بینا (۹۷) و آن را که خدا هدایت کند او است هدایت‌شده و آن را که گم کند هرگز نیابی برای ایشان دوستانی جز او و گردآرمیشان روز قیامت بر چهره‌هاشان کوران و گنگان و کران جایگاه ایشان است دوزخ هرگاه خاموش شود (فرو نشیند) بیفزائیمشان آتش را (۹۸) این است پاداش ایشان بدانچه کفر ورزیدند به آیت‌های ما و گفتند آیا هرگاه شدیم استخوانهائی و خاکی آیا مائیم برانگیختگان در آفرینشی نوین (۹۹) آیا ندیدند که خداوندی که آفرید آسمانها و زمین را توانا است بر آنکه بیافرد مانند ایشان را و نهاده است برای ایشان سرآمدی را که نیست شکی در آن پس نخواستند ستمگران جز ناسپاسی را (۱۰۰) بگو اگر شما می‌داشتید گنجهای رحمت پروردگار مرا در آن هنگام خودداری می‌کردید از ترس بخشش و انسان است بسی خویشان نگهدار (۱۰۱) و همانا دادیم به موسی نُه آیت روشن پس پیرس بنی‌اسرائیل را گاهی که بیامدشان پس گفت بدو فرعون که می‌پندارمت ای موسی جادوشده (۱۰۲) گفت همانا دانستی که نفرستاده است آنها را مگر

پروردگار آسمانها و زمین بینشهایی و همانا می‌پنداریمت ای فرعون نابودشده (۱۰۳) پس خواست بلغزندشان از زمین پس غرقش نمودیم و آنان را که با او بودند همگی (۱۰۴) و گفتیم پس از او به بنی اسرائیل جایگزین شوید در زمین تا گاهی که بیاید وعده آخرت بیاوریم شما را پیچیده (۱۰۵) و به حق فرستادیمش و به حق فرود آمد و نفرستادیم تو را مگر نویددهنده و ترساننده (۱۰۶) و قرآنی که جدا ساختیمش تا بخوانیمش بر مردم بر درنگی و فرستادیم آن را فرستادنی (۱۰۷) بگو ایمان آرید بدان یا نیارید همانا آنان که داده شدند دانش را پیش از آن گاهی که خوانده شود بر ایشان بیفتند بر چانه‌ها سجده کنان (۱۰۸) و گویند منزّه است پروردگار ما همانا وعده پروردگار ما است شدنی (۱۰۹) و بیفتند بر چانه‌ها گریه کنند و بیفزایندشان زاری (فروتنی) (۱۱۰) بگو بخوانید الله را یا بخوانید رحمن را هر کدام را بخوانید او را است نامهای نکو و نه بلند گردان آواز را به نماز خویش و نه آهسته بیارش و بجوی میانه این راهی را (۱۱۱) و بگو سپاس خداوندی را که برنگرفت فرزندی و نبودش شریکی در پادشاهی و نیستش سرپرستی از زبونی و بزرگ دار او را بزرگ داشتنی (۱۱۲)

الکھف

به نام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سپاس خدائی را که فرستاد بر بنده خویش کتاب را و قرار نداد برای آن کجی را (۲) راست است تا بترساند نیروئی سخت را از نزدش و مژده دهد مؤمنان را که کردار شایسته کنند آنکه ایشان را پاداشی نکو است (۳) درنگ کنندگان در آن همیشه (۴) و بترساند آنان را که گفتند برگرفت خدا فرزندی را (۵) نیستشان بدان علمی و نه پدران ایشان را بزرگ سخنی است که برون آید از دهانهای ایشان نمی‌گویند جز دروغی را (۶) شاید بازی تو جان خود را از پی ایشان اگر ایمان نیاوردند بدین داستان بدریغ (۷) همانا گردانیدیم آنچه را بر زمین است آرایشی برای آن تا بیازمائیم ایشان را کدامین نکوترند در کردار (۸) و همانا گرداننده‌ایم آنچه را بر آن است بیابانی خشک زار (۹) یا پنداشتی که یاران کھف و رقیم بودند از آیتهای ما شگفت (۱۰) هنگامی که پناه بردند جوانان به غار پس گفتند پروردگارا بیاور ما را از نزد خویش رحمتی و آماده کن برای ما از کار ما رهبری را (۱۱) پس زدیم بر گوشه‌های آنان در غار سالیانی بی‌شمار (یعنی خوابانیدنشان) (۱۲) سپس برانگیختیمشان تا بدانیم کدام از دو گروه شمرنده‌ترند آنچه را درنگ کردند از مدّت (۱۳) ما می‌خوانیم بر تو داستان ایشان را به حقّ همانا آنانند جوانانی که ایمان آوردند به پروردگار خویش و بیفزودیمشان هدایت را (۱۴) و پیوند زدیم بر دل‌های ایشان هنگامی که برخاستند پس گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است نخوانیم جز او خدائی هر آینه گوئیم در آن هنگام بیهوده را (۱۵) اینان قوم ما برگرفتند جز او خدایانی چرا نمی‌آورند بر ایشان فرمانروایی آشکار پس کیست ستمگرتر از آنکه بست بر خدا دروغی را (۱۶) و هنگامی که کنار گرفتید از ایشان و آنچه می‌پرستند جز خدا پس پناه آرید به غار می‌گستراند برای شما پروردگار شما از رحمت خود و آماده کند برای شما از کار شما آسایش را (۱۷) و بینی خورشید را گاهی که برآید کج شود از غار ایشان بسوی راست و گاهی که فرورود می‌بردشان بسوی چپ و ایشانند در پهناوری از آن این از آیتهای خدا است آن را که رهبری کند خدا او است هدایت‌شده و آن را که گمراه کند نیابی برایش دوستی راهنما (۱۸) و پنداریشان بیداران حالی که خفتگانند و می‌گردانیمشان بسوی راست و چپ و سگ ایشان پهن کننده است بازوهای خود را در آستانه اگر سرمی‌کشیدی بر آنان همانا پشت می‌کردی از ایشان گریزان و هر آینه پرمی‌شدی از ایشان ترس را (۱۹) و بدینسان برانگیختیمشان تا بپرسند میان خویش (از همدیگر) گفت گوینده‌ای از ایشان چند مانند گفتند مانند روزی یا پاره‌ای از روز گفتند پروردگار شما داناتر است بدانچه مانند بفرستید یکتان را با برگ بهای خود این بسوی شهر تا ببیند کدامین پاکیزه‌تر است در خوراک پس بیارد شما را روزی از آن و باید به نرمی رفتار کند و آگاه نسازد بر شما کسی را (۲۰) همانا ایشان اگر دست یابند بر شما سنگسارتان کنند یا برگردانند شما را در کیش خود و هرگز رستگار نشوید در آن هنگام هیچگاه (۲۱) و بدینسان آگاه ساختیم بر ایشان تا بدانند که وعده خدا است حقّ و آنکه ساعت نیست

شکی در آن هنگامی که ستیزه می کردند با همدیگر در کار خویش پس گفتند بسازید بر ایشان سازمانی را پروردگار ایشان داناتر است بدیشان گفتند آنان که دست یافتند بر کار ایشان همانا برگیریم بر ایشان پرستشگاهی را (۲۲) بزودی گویند سه تنند چهارمیشان سگشان و گویند پنج تنند ششمی ایشان سگشان انداختنی به ناپیدا و گویند هفت تنند و هشتمیشان سگشان بگو پروردگار من داناتر است به شمار آنان ندانندشان مگر کمی پس نستیز در آنان مگر ستیزه‌ای به ظاهر و نپرس در آنان از ایشان احدی را (۲۳) و نگوی به چیزی که منم کننده آن فردا (۲۴) مگر آنکه بخواهد خدا و یاد کن پروردگار خویش را گاهی که فراموش کردی و بگو امید است آنکه هدایتیم کند پروردگار من به نزدیکتر از این راه را (۲۵) و ماندند در غار خود سیصد سال و بیفزودند نه را (۲۶) بگو خدا داناتر است بدانچه ماندند وی را است ناپیدای آسمانها و زمین چه بینا و چه شنوا است نیستشان جز او دوستی و شریک نگرداند در حکم خویش کسی را (۲۷) و بخوان آنچه وحی شده است بسوی تو از کتاب پروردگارت نیست برگرداننده‌ای برای سخنانش و هرگز نیابی جز او پناهگاهی را (۲۸) و شکبیا ساز خویش را با آنان که می‌خوانند پروردگار خویش را بامداد و شب خواهند روی او را و تجاوز نکنند (یا برمگردان) دیدگان تو از ایشان که بخواهی زیور زندگانی دنیا را و فرمانبردار مشو آن را که غافل کردیم دلش را از یاد ما و پیروی کرد هوس خویش را و شد کار او از دست‌رفته (۲۹) و بگو حق از پروردگار شما است پس هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کافر شود همانا آماده کردیم برای ستمکاران آتشی که فراگرفته است بدیشان سراپرده آن و اگر فریاد کنند فریادرسی شوند به آبی چون آهن گداخته بریان کند چهره‌ها را چه زشت نوشابه است و چه زشت آسایشگاهی (۳۰) همانا آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ما تباه نمی‌سازیم پاداش آنکه نکو کرد کار را (۳۱) ایشان را است بهشت‌های جاودان جاری است زیر آنان جوی‌ها زیب داده شوند در آن با دستبندها از زر و پوشند جامه‌های سبزی از سُندس و استبرق تکیه‌کننده‌اند در آن بر تختها چه خوب پاداشی است و چه نکو است آن آسایشگاه (۳۲) و بزن برای ایشان مثلی دو مرد را که قرار دادیم برای یکیشان دو باغ از انگورها و پیچیده داشتیم آنها را با درخت خرما و نهادیم میان آنها کشتزاری (۳۳) هر دو باغ دادند میوه خود را و ستم نکرد از آن چیزی را و شکافتیم میان آنها جوئی (۳۴) و بود او را میوه‌ای پس گفت به یار خویش حالی که با او گفتگو می‌کرد من بیشترم از تو در مال و نیرومندتر در گروه (۳۵) و درآمد به باغ خویش حالی که ستم‌کننده بود خویشتن را گفت نپندارم نابود شود این هیچگاه (۳۶) و نپندارم ساعت را برپا شونده و اگر بازگردم بسوی پروردگار خویش هر آینه بیابم بهتر از این جایگاه را (۳۷) گفت بدو یار او حالی که با وی سخن می‌گفت آیا کافر شدی بدانکه بیافریدت از خاکی سپس از چگه آبی پس بیاراستت مردی (۳۸) لیکن همانا خدا است پروردگارم و شرک نورزم به پروردگارم کسی را (۳۹) و چرا گاهی که در باغ خویش درآمدی نگفتی چه خواسته است خدا نیست نیروئی جز با خدا اگر مرا بینی کمترم از تو درخواست و فرزند (۴۰) امید است پروردگار من بدهم بهتر از باغ تو و بفرستد بر آن آفتی از آسمان تا بامداد کند خشکزاری لغزنده (۴۱) یا بامداد کند آب آن فرورفته که هرگز توانی برای آن جستی را (۴۲) و نابود شد میوه آن پس بامداد کرد می‌گردانید دستهای خویش را بر آنچه هزینه کرده بود در آن و آن فرود آمده بود بر پایه‌ها (یا پوشها)ی خود و می‌گفت کاش شرک نمی‌ورزیدم به پروردگار خود کسی را (۴۳) و نبودش دسته که یاریش کنند جز خدا و نبود یاری شده (یا یاری جوینده) (۴۴) در آنجا فرمانروائی از آن خداست حق او است بهتر به پاداش و بهتر در فرجام (۴۵) و بزن برای ایشان مثل زندگانی دنیا را مانند آبی که فرستادیمش از آسمان پس بیامیخت با آن رستنی زمین پس گردید خُرد که پراکنده می‌سازندش باده‌ها و خدا است بر همه چیز توانا (۴۶) خواسته و فرزندان زیب زندگانی دنیا است و بازمانده‌های شایسته بهتر است نزد پروردگار تو به پاداش و بهتر است در آرزو (۴۷) و روزی که برانیم کوه‌ها را و بینی زمین را نمودار (یا برآمده) و گردشان آوردیم پس بجای نگذاشتیم از ایشان کسی را (۴۸) و عرض شدند بر پروردگار تو صفی همانا آمدید ما را چنانکه آفریدیمتان نخستین بار بلکه پنداشتید که هرگز نگذاریم برای شما وعده‌گاهی را (۴۹) و نهاده شد کتاب پس بینی گنهکاران را شوریده از آنچه در آن است و گویند ای وای بر ما چه شود این کتاب را که نگذارد کوچک و نه بزرگی را مگر

آنکه بر شمرش و یافتند آنچه را کردند حاضر و ستم نکند پروردگار تو کسی را (۵۰) و هنگامی که گفتیم به فرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند جز ابلیس بود از جنّ پس سرپیچید از فرمان پروردگار خویش آیا گیریدش او و نژادش را دوستانی جز از من حالی که ایشانند برای شما دشمن چه زشت است ستمگران را بدلی (۵۱) گواه نگرفتم ایشان را بر آفرینش آسمانها و زمین و نه آفرینش خودشان و نبودم هرگز گیرنده گمراهان بازوئی (۵۲) و روزی که گوید بخوانید شریکانم را آنان که می پنداشتید پس خواندندشان پس پاسخشان نگفتند و نهادیم میانشان پرتگاهی را (۵۳) و دیدند گنهکاران آتش را پس پنداشتند که افتادگانند در آن و نیافتند از آن کنارگاهی را (۵۴) و همانا گردانیدیم در این قرآن برای مردم از هر مثلی و انسان بیشتر از هر چیز است ستیزه گری را (۵۵) و بازداشت مردم را از آنکه ایمان آرند گاهی که بیامدشان هدایت و از آنکه آمرزش خواهند از پروردگار خویش جز آنکه بیامدشان شیوه پیشینیان یا بیامدشان عذاب روی بروی (۵۶) و نفرستیم پیمبران را مگر بشارت دهندگان و ترسانندگان و می ستیزند کافران با باطل تا تباه کنند بدان حقّ را و برگرفتند آیتهای مرا و آنچه بیم داده شدند مسخره (۵۷) و کیست ستمگرتر از آنکه یادآوری شد به آیتهای خدا پس روی گردانید از آنها و فراموش کرد آنچه را پیش فرستاد دستهایش همانا نهادیم بر دلهای ایشان پوششهایی از آنکه دریابندش و در گوشهای ایشان سنگینی را و اگر خوانیشان بسوی هدایت هرگز هدایت نشوند هیچگاه (۵۸) و پروردگار تو است آمرزنده صاحب رحمت اگر گرفتارشان کند بدانچه فراهم کردند هر آینه بشتابد برای ایشان در عذاب بلکه ایشان را است وعده گاهی که هرگز نیابند جز آن پناهگاهی را (۵۹) و اینک شهرها نابود کردیم آنها را گاهی که ستم کردند و نهادیم برای نابودیشان وعده گاهی را (۶۰) و هنگامی که گفت موسی به جوان خویش نروم (دست بردارم) تا نرسم ملتقای (رسیدنگاه) دو دریا را یا راه سپرم هفتاد سال (۶۱) پس هنگامی که رسیدند مجمع (رسیدنگاه) آن دو را فراموش کردند ماهی خویش را تا برگرفت راه خویش را در دریا شکافنده (۶۲) پس هنگامی که گذشتند گفت به جوان خود بیاور برای ما چاشت ما را همانا رسیدیم از سفر خویش این رنجی را (۶۳) گفت آیا دیدی گاهی که جای گرفتیم نزدیک آن سنگ همانا فراموش کردم ماهی را و فراموشم نکرد جز شیطان از آنکه به یاد آرمش و برگرفت راه خود را در دریا شکفت (۶۴) گفت این است آنچه می خواستیم پس باز گشتند بر جای پای های خویش پی جویان (۶۵) تا یافتند بنده ای از بندگان ما را که داده بودیمش رحمتی را از نزد خود و آموخته بودیمش از نزد خود دانش را (۶۶) گفت بدو موسی آیا پیرویت کنم بر آنکه بیاموزیم از آنچه آموخته شدی رهبری را (۶۷) گفت همانا تو نتوانی با من صبر کردن (۶۸) و چگونه صبر کنی بر آنچه فرانگرفتی بر آن آگاهی را (۶۹) گفت زود است بیایم شکبیا اگر خدا خواهد و نافرمانی نکنم امری را (۷۰) گفت پس اگر پیرویم کردی نپرس مرا از چیزی تا پدید آرم تو از آن سخنی را (۷۱) پس برفتند تا گاهی که سوار شدند در کشتی بشکافتش گفت آیا سوراخ کردیش که غرق کنی مردمش را همانا بیاوردی چیزی زشت را (۷۲) گفت آیا نگفتم که تو نتوانی با من صبر کردن (۷۳) گفت مرا نگیر بدانچه فراموش کردم و نرسان به من از کارم سختی را (۷۴) پس برفتند تا گاهی که به کودکی رسیدند بکشتش گفت آیا کشتی تنی پاک را نه در برابر تنی همانا آوردی چیزی ناپسند را (۷۵) گفت آیا نگفتم به تو که نتوانی هرگز با من صبر کردن (۷۶) گفت اگر پرسیدمت از چیزی پس از این همراهم نگیر به درست رسیدی از نزدم بهانه ای را (۷۷) پس برفتند تا گاهی که رسیدند مردم شهری را خوراک خواستند از مردمش پس خودداری کردند از آنکه مهمانشان کنند پس یافتند در آن دیواری را که می خواست فرو ریزد پس بیای داشتش گفت اگر می خواستی می گرفتی بر این مزدی را (۷۸) گفت این است جدائی میان من و تو بزودی آگهیتم دهم به سرانجام آنچه نتوانستی بر آن صبر کردن را (۷۹) اما کشتی پس از آن بینوایانی بود که کار می کردند در دریا خواستم آسیبی بدان رسانم و بود پشت سر ایشان پادشاهی که می گرفت هر کشتی را به ستم (بیگاری) (۸۰) و اما کودک بودند پدر و مادرش مؤمنان پس ترسیدیم که وادارشان (یا تنگ آوردشان) به سرکشی و ناسپاسی (۸۱) پس خواستیم تا بازدهد ایشان را پروردگارشان به جای او بهتر از او را به پاکی و نزدیکتر به رحم آوردن (۸۲) و اما دیوار پس از آن دو کودک یتیم بود در شهر و بود زیر آن گنجی از برای ایشان و بود پدر ایشان

شایسته پس خواست پروردگار تو که برسند نیروی (جوانی) خود را و برون آرند گنج خویش را مهربانی از پروردگار تو و من نکردم بش به فرمان خود این است سرانجام آنچه نتوانستی بر آن صبر کردن را (۸۳) و پرسندت از ذوالقرنین بگو زود است بخوانم بر شما از او سخنی را (۸۴) همانا فرمانروایش ساختم در زمین و دادیمش از هر چیز دستاویزی (۸۵) پس پیروی کرد دستاویزی را (۸۶) تا گاهی که رسید فرودگاه خورشید را یافتش فرو می‌رود در چشمه گل آلودی و یافت نزد آن گروهی را گفتیم ای ذوالقرنین آیا یا شکنجه می‌کنی و یا برمی‌گیری در ایشان نکوئی را (۸۷) گفت اما آنکه ستم کند زود است عذابش کنیم و سپس باز گردانیده شود بسوی پروردگار خویش پس عذابش کند عذابی زشت (۸۸) و اما آنکو ایمان آورد و کردار شایسته کند پس او را است پاداش نیک و زود است گوئیم برایش از امر خویش گشایش را (۸۹) پس پیروی کرد وسیلتی را (۹۰) تا گاهی که رسید برآمدنگاه خورشید را یافتش برمی‌آید بر گروهی نگذاشته‌ایم برای ایشان جز آن پوششی را (۹۱) چنین و همانا فراگرفتیم بدانچه نزد او است به دانش (۹۲) پس پیروی کرد وسیلتی را (۹۳) تا گاهی که رسید میان دو بند را یافت نارسیده بدانها گروهی را که نیارند دریابند گفتاری را (۹۴) گفتند ای ذوالقرنین همانا یاجوج و ماجوج تبهکاری کنند در زمین آیا بگذاریم برای تو هزینه‌ای بر آنکه بگذاری میان ما و آنان بندی را (۹۵) گفت آنچه فرمانروا کرده است مرا در آن پروردگارم بهتر است پس کمک دهیم به نیروئی تا بنهم میان شما و ایشان بندی انبوه را (۹۶) بیارید مرا خرده‌های آهن تا گاهی که یکسان شد میان دو کوه گفت بدهید تا گاهی که گردانیدش آتش گفت بیارید مرا بریزم بر آن آهن یا مس گداخته را (۹۷) پس نتوانستند چیره شوند بر آن و نتوانستندش سوراخ کردن را (۹۸) گفت این است رحمتی از پروردگارم تا گاهی بیاید وعده پروردگارم بگرداندش خرد و بوده است وعده پروردگارم درست (۹۹) و گذاردیم گروهی از ایشان را در آن روز موج زنند در گروهی و دمیده شد در صور پس گردشان آوردیم گرد آوردنی (۱۰۰) و عرض کردیم دوزخ را آن روز بر کافران عرض کردنی (۱۰۱) آنان که بود دیدگان‌شان در پرده از یاد من و بودند نمی‌توانستند شنیدن را (۱۰۲) آیا پنداشتند آنان که کفر ورزیدند که برگیرند بندگانم را جز من دوستانی همانا آماده کردیم دوزخ را برای کافران پیشکشی (۱۰۳) بگو آیا آگهی‌تان دهم به زیانکارتران در کردار (۱۰۴) آنان که تباه شده است کوشش ایشان در زندگانی دنیا و می‌پندارند که ایشان نکو می‌کنند عمل را (۱۰۵) آنانند که کفر ورزیدند به آیت‌های پروردگار خویش و ملاقات او پس تباه شد اعمال ایشان پس بپای نداریم برای آنان روز قیامت وزنی (ترازویی) را (۱۰۶) این است پاداش ایشان دوزخ بدانچه کفر ورزیدند و برگرفتند آیت‌های مرا و پیمبران مرا ریشخند (۱۰۷) همانا آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند بوده است ایشان را باغ‌های بهشت پیشکشی (۱۰۸) جاودانند در آن نجویند از آن جابجاشدن را (۱۰۹) بگو اگر می‌شد دریا مدادی برای سخنان پروردگارم همانا پایان می‌یافت دریا پیش از آنکه پایان یابند سخنان پروردگارم و هر چند بیاریم همانند آن کمک را (۱۱۰) بگو جز این نیست که من بشری هستم مانند شما وحی می‌شود به سویم که خدای شما است خداوند یکتا پس آنکه امید دارد ملاقات پروردگار خویش را باید بکند کرداری شایسته و شریک نگرداند به پرستش پروردگار خویش کسی را (۱۱۱)

مریم

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) کهیصص (۲) یادی از رحمت پروردگار تو به بنده خویش زکریا (۳) هنگامی که خواند پروردگار خود را خواندی آهسته (نهانی) (۴) گفت پروردگارا همانا سست شد استخوان از من و درخشید مرا سر به پیری و نبودم به خواندن تو پروردگار را تیره‌بخت (۵) و همانا ترسیدم خویشاوندانم را پس از من و بوده است زنم نازا پس ببخش مرا از نزد خود سرپرستی (فرزند) (۶) که ارث برد از من و ارث برد از خاندان یعقوب و بگردانش پروردگارا پسندیده (۷) ای زکریا همانا مژده دهیمت به پسری که نامش یحیی است قرار ندادیم برایش پیش از این همانمی (۸) گفت پروردگارا چگونه باشدم پسری و بوده است زنم نازا و بدرست رسیده‌ام از پیری خشکیدگی را (۹) گفت بدینسان گفت پروردگار تو آن است بر من آسان و همانا آفریدمت پیش از این و

نبودی چیزی (۱۰) گفت پروردگارا بگذار برای من آیتی گفت آیت تو آنکه سخن نگوئی با مردم سه شب تمامی (۱۱) پس برون آمد بر قوم خود از محراب پس رساند بدانان که تسبیح کنید بامداد و شب هنگام (۱۲) ای یحیی بگیر کتاب را به نیرومندی و دادیمش حکم را به کودک (۱۳) و مهربانی از نزد ما و پاکی و بوده است پرهیزکاری (۱۴) و نکوکاری به پدر و مادر خویش و نبود گردنکشی نابفرمان (۱۵) و درود بر او روزی که بزاد و روزی که بمیرد و روزی که برانگیخته شود زنده (۱۶) و یاد کن در کتاب مریم را گاهی که برگرفت دور از خاندان خویش جایگاهی خاوری را (۱۷) پس برگرفت دور از آنان پوششی پس فرستادیم بسوی او روح خود را تا نمایان شد برای او مردی درست (۱۸) گفت همانا پناه برم به خدای مهربان از تو اگر هستی پرهیزکار (۱۹) گفت همانا منم فرستاده پروردگار تو تا ببخشم به تو پسری پاک (۲۰) گفت چگونه باشدم پسری و به من نزدیک نشده است بشری و نبوده ام بدکاره (۲۱) گفت بدینسان گفت پروردگار تو آن است بر من آسان تا بگردانیمش آیتی برای مردم و رحمتی از ما و بوده است کاری گذشته (۲۲) پس بارور شد بدو پس کناره گرفت بدو جایگاهی دور را (۲۳) پس بیاوردش درد زائیدن بسوی شاخه خرما گفت کاش مرده بودم پیش از این و می شدم فراموشی فراموش شده (۲۴) پس بانگ بدو زد از زیرش که اندوهگین نباش همانا نهاد پروردگار تو زیر تو جوئی را (۲۵) و بجنبان بسوی خود شاخه خرما را می ریزد بر تو رطبی تازه چیده را (۲۶) پس بخور و بیاشام و چشم روشن باش و اگر دیدی از بشر کسی را بگو همانا نذر کردم برای خداوند مهربان روزه را و هرگز سخن نگویم امروز را انسی را (۲۷) پس بیاورد او را به نزد قومش حالی که به دوش همی کشیدش گفتند ای مریم هر آینه آوردی چیزی دروغ آمیز را (۲۸) ای خواهر هارون نبود پدر تو مردی زشت و نبود مادرت بدکاره (۲۹) پس او را نشان داد گفتند چگونه سخن گوئیم آن را که بوده است در گهواره کودک (۳۰) گفت همانا منم بنده خدا داد به من کتاب را و گردانید مرا پیمبری (۳۱) و گردانید مرا فرخنده هر کجا باشم و توصیه کرد مرا به نماز و زکات مادامی که هستم زنده (۳۲) و نکوکاری به مادرم و نگردانیدم فرمانفرمائی تیره بخت (۳۳) و درود بر من روزی که زادم و روزی که می میرم و روزی که برانگیخته شوم زنده (۳۴) این است عیسی پسر مریم سخن حقی که در آن شک می کنند (۳۵) نبوده است خدا که برگیرد فرزندی منزله است او هر گاه بگذراند کاری را جز این نیست که گوید بدو بشو پس می شود (۳۶) و همانا خدا است پروردگار من و پروردگار شما پس پرستیدش این است راه راست (۳۷) پس اختلاف کردند گروه ها از میان ایشان پس وای بر آنان که کفر ورزیدند از دیدار روزی بزرگ (۳۸) چه شنویند به ایشان و چه بینا روزی که آیند ما را لیکن ستمگراند در آن روز در گمراهی آشکار (۳۹) و برسانشان روز دریغ (حسرت) را هنگامی که گذشت کار و ایشانند در غفلتی و ایمان نمی آورند (۴۰) همانا ما خود میراث بریم زمین را و آنکه بر آن است و بسوی ما باز گردانیده شوند (۴۱) و یاد کن در کتاب ابراهیم را که بوده است او راستگوی پیمبری (۴۲) هنگامی که گفت به پدر خود ای پدر من چرا می پرستی آنچه را نمی شنود و نمی بیند و نه بی نیاز می کند از تو به چیزی (۴۳) ای پدر من همانا بیامده است مرا از دانش آنچه نیامده است تو را پس پیرویم کن تا رهبریت کنم راهی راست را (۴۴) ای پدر من پرستش نکن شیطان را که شیطان است برای خدای مهربان نابفرمان (۴۵) ای پدر من همانا می ترسم برسدت عذابی از خدای مهربان که بشوی برای شیطان دوستی (۴۶) گفت آیا روی گرداننده ای از خدایانم ای ابراهیم اگر کوتاه نیائی هر آینه سنگسارت می کنم و دوری گزین از من روزگاری دراز (یا اندک اندک) (۴۷) گفت سلام بر تو زود است آمرزش خواهم برای تو از پروردگار خویش همانا او بوده است به من مهربان (۴۸) و دوری گزینم از شما و آنچه خوانید جز خدا و می خوانم پروردگار خود را شاید نباشم به خواندن پروردگارم تیره روز (۴۹) پس هنگامی که دوری گزید از ایشان و آنچه می پرستیدند جز خدا بخشیدیم بدو اسحق و یعقوب را و هر کدام را گردانیدیم پیمبری (۵۰) و بخشیدیم بدیشان از رحمت خود و نهادیم برای ایشان زبان راستی فرازنده (۵۱) و یاد کن در کتاب موسی را که او است نالوده و بوده است پیمبری فرستاده شده (۵۲) و خواندیمش از کنار راست طور و نزدیک گردانیدیمش رازگویان (۵۳) و بخشیدیم بدو از رحمت خود برادرش هارون را پیمبری (۵۴) و یاد کن در کتاب اسماعیل را که او بوده است راست وعده و بوده است فرستاده پیمبری (۵۵) و بود می فرمود خاندان

خود را به نماز و زکات و بود نزد پروردگار خویش پسندیده (۵۶) و یاد کن در کتاب ادريس را که بوده است راستگوی پيمبري (۵۷) و بالا برديمش جاياگاهی بلند (۵۸) اينانند که بخشيد خدا بدیشان از پيمبران از فرزندان آدم و از آنان که سوار کردیم با نوح و از فرزندان ابراهيم و اسراييل و از آنان که هدايت کردیم و برگزيدیم که هرگاه خوانده شود بر ایشان آيتهای خدای مهربان بيفتند سجده کنان و گريان (۵۹) پس جانشين شد از پس ایشان پستی که تباہ کردند نماز را و پيروی کردند شهوتها را پس زود است برسند گمراهی را (۶۰) مگر آنکه توبه کرد و ايمان آورد و عمل صالح کرد که آنان در آيند بهشت را و ستم نشوند چیزی را (۶۱) بهشتهای جاودانی که وعده داد خدای مهربان بندگان خویش را پنهانی همانا بوده است وعده او آورده (۶۲) نشنوند در آن جز درودی و ایشان را است روزیشان در آن بامداد و شب هنگام (۶۳) اين است آن بهشتی که ارث دهيم بندگان خود را آنکو بوده است پرهيزکار (۶۴) و فرود نيايم مگر به دستور پروردگار تو وی را است آنچه پيش روی ما است و آنچه پشت سر ما و آنچه میان آن است و نيست پروردگار تو فراموش کننده (۶۵) پروردگار آسمانها و زمين و آنچه میان آنها است پس پرستش کن او را و شکیبائی گزين برای پرستش او آیا می دانی برای او همانمی را (۶۶) و گوید انسان آیا هر گاه بمردم هر آينه بزودی برون آورده می شوم زنده (۶۷) آیا یاد نمی آورد انسان که ما آفريدیمش از پيش حالی که نبود به چیزی (۶۸) سوگند به پروردگار تو هر آينه گردآوريمشان البته با شياطين پس احضارشان کنيم البته پيرامون دوزخ بر زانو نشستگان (۶۹) سپس البته برگيريم از هر گروهی هر کدام را از ایشان که سخت تر است بر خدای مهربان در سرکشی (۷۰) سپس ما هر آينه داناتريم بدانان که سزاوارترند بدان چشيدن را (۷۱) و نيست از شما جز در اينده آن است بوده است بر پروردگار تو بايسته ای گذرانیده (۷۲) پس می رهايم آنان را که پرهيزکاری کردند و بگذرايم ستمگران را در آن به زانو در آيندگان (۷۳) و هر گاه خوانده شود بر ایشان آيتهای ما تابناک گویند آنان که کفر ورزیدند بدانان که ايمان آوردند کدام از دو گروهند بهتر در جاياگاه و نکوتر در انجمن (۷۴) و بسا نابود کردیم پيش از ایشان از قرنهایی که نکوتر بودند در ابزار (کالاها) و در منظر (۷۵) بگو آنکه در گمراهی است پس بايد مهلت دهد بدو خداوند مهربان مهلتی تا گاهی که بيند آنچه را وعده داده شوند يا شکنجه و يا ساعت را زود است بدانند کيست آنکه بدتر است در جاياگاه و سست تر است در سپاه (۷۶) و بيفزايد خدا آنان را که پی جوی هدايتند را و بازمانده های شايسته بهتر است نزد پروردگار تو در پاداش و بهتر است در بازگشت (۷۷) آیا ديده ای آن را که کفر ورزید به آيتهای ما و گفت هر آينه داده شوم مال و فرزندی را (۷۸) آیا آگاهی يافت بر ناپيدا يا برگرفته است نزد خدای مهربان عهدي را (۷۹) نه چنين است زود است بنويسيم آنچه را گوید و کُشش دهيم در عذاب برای او کُششی (۸۰) و ارث بریم از او آنچه را گوید (يا ارث دهيمش آنچه را گوید) و بياید ما را تنها (۸۱) و برگرفتند جز خدا خدایانی تا باشند برای آنان عزتی (۸۲) نه چنين است زود است کفر ورزند به پرستش ایشان و باشند برای ایشان برابری (ضدّی) (۸۳) آیا ندیدی که ما فرستاديم شياطين را بر کافران تا بيازارندشان آزردي (يا برانگيزندشان انگيختنی) (۸۴) پس مشتتاب بر ایشان جز اين نيست که می شماريم برای ایشان (شمردنی) (۸۵) روزی که گردآوريم پرهيزکاران را بسوی خدای مهربان ميهمانانی (۸۶) و برانيم گنهکاران را بسوی دوزخ تشنگانی (۸۷) دارای شفاعت نيستند جز آنکو بگرفته است نزد خداوند مهربان پيمانی (۸۸) و گفتند بر گرفت خدا فرزندی (۸۹) همانا آوردید چیزی گران را (۹۰) که نزديک است آسمانها پاشيده شوند از آن و از هم بشکافد زمين و بيفتد کوه ها فرو ريخته (۹۱) چرا که خواندند برای خدای مهربان فرزندی (۹۲) و نيست شايسته برای خداوند مهربان که گيرد فرزندی را (۹۳) نيست هر کدام از آنان که در آسمانها و زمينند جز آينده است خداوند مهربان را بنده ای (۹۴) همانا فراگرفتشان و بشمردشان شمردنی (۹۵) و همگیشان آينده اند او را روز قيامت تنها (۹۶) همانا آنان که ايمان آوردند و عمل صالح کردند زود است بنهد برای ایشان خداوند مهربان دوستی را (۹۷) جز اين نيست که روانش گردانيدیم بر زبان تو تا بشارت دهی بدان پرهيزکاران را و بترسانی بدان قومی سرسخت را (۹۸) و بسا نابود کردیم پيش از ایشان قرنهایی آیا احساس می کنی از ایشان کسی را يا می شنوی برای ایشان آوازی را (۹۹)

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) طه (۲) نفرستادیم بر تو قرآن را تا رنج بری (۳) جز یادآوری برای آنکه می ترسد (۴) فرستادنی از آنکه آفرید زمین و آسمانهای افراشته را (۵) خداوند مهربان به عرش پرداخت (یا بر عرش استیلا- یافت) (۶) وی را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه میان آنها و آنچه زیر خاک است (۷) و اگر بلند گوئی سخن را همانا او می داند نهان و نهان تر را (۸) خدا نیست خدائی جز او وی را است نامهای نکو (۹) و آیا رسیده است به تو داستان موسی (۱۰) هنگامی که دید آتشی پس گفت به خاندان خویش درنگ کنید که من یافتم آتشی را شاید بیارم شما را از آن اخگری (گیرانه ای) یا بیابم بر آتش راهنمایی را (۱۱) پس هنگامی که پیامدش خوانده شد ای موسی (۱۲) همانا منم پروردگار تو پس در آور کفشهای خویش را که تویی بر درّه مقدّس طوی (۱۳) و منت برگزیدم پس گوش فراده بدانچه وحی شود (۱۴) همانا منم خدا نیست خداوندی جز من پس پرستش کن مرا و پپای دار نماز را برای یادکردنم (۱۵) همانا ساعت است آینده خواهم نهان دارمش تا پاداش داده شود هر کسی بدانچه می کوشد (۱۶) پس بازنداردت از آن آنکه ایمان نیاورد بدان و پیروی کند هوس خویش را تا نابود شوی (۱۷) و چیست این به دست راست تو ای موسی (۱۸) گفت این است چوبدست من که بدان تکیه کنم و بریزم برگها را بدان بر گوسفندانم و مرا است در آن حوائجی دیگر (۱۹) گفت بیفکنش ای موسی (۲۰) پس افکندش ناگهان آن است ماری شتابان (۲۱) گفت بگیرش و نترس زود است بازگردانیمش به شیوه نخستینش (۲۲) و بچسبان دست خود را به پهلوی خود برون آید تابنده ای بی آزار آیتی دیگر (۲۳) تا بنمایانیمت از آیتهای ما بزرگها را (۲۴) برو بسوی فرعون که او سرکشی کرد (۲۵) گفت پروردگارا فراخ گردان برای من سینه مرا (۲۶) و آسان کن برای من کار مرا (۲۷) و بازکن گرهی از زبانم (۲۸) تا دریابند گفتار مرا (۲۹) و قرار ده برای من وزیری از خاندانم (۳۰) هارون برادرم را (۳۱) استوار سازید بدو پشت مرا (۳۲) و شریکش گردان در کارم (۳۳) تا بستایمت بسیار (۳۴) و یادت کنیم بسیار (۳۵) که همانا بوده ای تو به ما بینا (۳۶) گفت همانا داده شدی خواست خود را ای موسی (۳۷) و همانا ممت نهادیم بر تو باری دیگر (۳۸) هنگامی که وحی کردیم بسوی مادرت آنچه وحی می شود (۳۹) که بیفکنش در تابوت پس بیفکنش در دریا به ساحل تا گیردش دشمن من و دشمن او و افکندم بر تو مهری (دوستی) را از خویش و تا ساخته شوی برابر چشمم (۴۰) هنگامی که می رفت خواهرت و می گفت آیا راهنمایی کنم شما را بر کسی که پرستاریش کند پس بازگردانیدیمت بسوی مادرت تا روشن شود دیده او و اندوهگین نشود و بکشتی تنی را پس رها ساختیمت از اندوه و آزمودیمت آزمایشی پس ماندی سالیانی در مردم مدین سپس آمدی بر تقدیری ای موسی (۴۱) و برگزیدمت برای خویش (۴۲) برو تو و برادرت با آیتهایم و سستی نکنید در یادم (۴۳) بروید بسوی فرعون که سرکشی کرد (۴۴) پس بگوئید بدو گفتاری نرم شاید یادآور شود یا بترسد (۴۵) گفتند پروردگارا ترسیم که پیش دستی گیرد بر ما یا سرکشی کند (۴۶) گفت نترسید که منم با شما می شنوم و می بینم (۴۷) پس بیائید او را و بگوئید ما فرستادگان پروردگار توئیم پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و شکنجه نکن ایشان را همانا آوردیمت آیتی از پروردگار تو و درود بر آنکه پیروی کند هدایت را (۴۸) همانا به ما وحی شد که شکنجه بر آن است که تکذیب کند و روی برگرداند (۴۹) گفت کیست پروردگار شما ای موسی (۵۰) گفت پروردگار ما است آنکه داد به هر چیزی آفرینش آن را پس هدایت کرد (۵۱) گفت پس چیست حال قرنهای پیشین (۵۲) گفت علم آن نزد پروردگار من است در کتابی که نه گم کند پروردگار من و نه فراموش کند (۵۳) آنکه گردانید برای شما زمین را گسترده و بنهاد برای شما در آن راههایی و فرستاد از آسمان آبی را پس برون آوردیم بدان جفتهایی از گیاهان گوناگون (۵۴) بخورید و بچرانید دامهای خود را که در آن است آیتهایی برای دارندگان خردها (۵۵) از آن آفریدیمتان و در آن برگردانیمتان و از آن برونتان آوریم بار دیگر (۵۶) و همانا نمایانیدیمش آیتهای خویش را همگی پس تکذیب کرد و سرپیچید (۵۷) گفت آیا ما را آمدی تا برون کنی ما را از زمین ما به جادوی خود ای موسی (۵۸) همانا بیاریمت به جادویی مانند آن

پس بگذار میان ما و تو وعده گاهی که تخلف نکنیم از آن ما و نه تو جایگاهی درست را (۵۹) گفت وعده گاه شما روز آرایش است و آنکه گردآورده شوند مردم چاشتگاه (۶۰) پس برگشت فرعون پس گردآورد نیرنگ خویش را پس بیامد (۶۱) گفت بدیشان موسی وای بر شما نبندید بر خدا دروغی را که نابودتان سازد به عذابی و همانا زیانمند شد آنکه دروغ بست (۶۲) پس ستیزه کردند کارشان را میان خود و نهان داشتند راز را (۶۳) گفتند همانا اینان دو جادوگرند خواهند برون کنند شما را از زمین خود به جادویشان و براندازند روش بهتر شما را (۶۴) پس گردآید نیرنگ خویش را و بیایید صفی به درست رستگار گشت امروز آنکه برتری جست (۶۵) گفتند ای موسی یا بیفکنی و یا باشیم ما نخستین کسی که بیفکند (۶۶) گفت بلکه بیفکنید که ناگهان رسناها و عصاهای ایشان به گمان می آمدش از جادوی ایشان که می دوند (۶۷) پس احساس کرد در خود ترسی را موسی (۶۸) گفتیم ترس همانا توئی برتر (۶۹) و بیفکن آنچه به دست راست تو است فروبرد آنچه را ساختند جز این نیست که آنچه ساختند افسون جادوگری است و رستگار نشود جادوگر هر جا آید (۷۰) پس بیفتادند جادوگران سجده کنان گفتند ایمان آوردیم به پروردگار هارون و موسی (۷۱) گفت آیا ایمان بدو آوردید پیش از آنکه به شما رخصت دهم همانا او است مهتر شما که بیاموختان جادو را همانا سخت ببرم دستها و پایهای شما را از برابر و همانا به دارتان کشم بر شاخه های درخت خرما و البته خواهید دید کدامین از ما سخت ترند در عذاب و پاینده تر (۷۲) گفتند هرگز نگرینیم تو را بر آنچه بیامد ما را از روشنائی ها سوگند بدانکه ما را آفرید پس بفرمای آنچه را می فرمائی جز این نیست که می فرمائی این زندگانی دنیا را (۷۳) همانا ما ایمان آوردیم به پروردگار خویش تا بیمارزد برای ما لغزشهای ما را و آنچه تو وادار کردی ما را بر آن از جادو و خدا بهتر است و پایدارتر (۷۴) همانا آنکه بیاید پروردگار خویش را گنهکار همانا او را است دوزخ نه بمیرد در آن و نه زنده ماند (۷۵) و آنکو بیایدش مؤمن که کرده باشد کارهای شایسته را پس آنان را است پایه های برتر (۷۶) بهشتهای جاودان که روان است زیر آنها جوی ها جاودانند در آن و این است پاداش آنکه پاکی جست (۷۷) و همانا وحی فرستادیم به موسی که شبانه ببر بندگان مرا پس برگیر برای ایشان راهی را در دریا خشک ترسی باز یافتنی را و نه هراسان باشی (۷۸) پس از پی آمدشان فرعون با سپاهیان خود پس فراگرفت ایشان را از دریا آنچه فراگرفت (۷۹) و گمراه کرد فرعون قوم خویش را و رهبری نکرد (۸۰) ای بنی اسرائیل همانا رهنیدیم شما را از دشمنان و وعده نهادیم با شما کنار راست طور را و فرستادیم بر شما منّ و سلوی را (۸۱) بخورید از پاکیزه های آنچه روزیتان دادیم و سرکشی نکنید در آن تا فرود آید بر شما خشم من و آنکه فرود آید بر او خشم من همانا تباه گشت (۸۲) و همانا منم بسیار آمرزنده آنکه بازگشت نمود و ایمان آورد و کردار شایسته کرد پس هدایت یافت (۸۳) و چه شتابانی (چه چیزت به شتاب آورد) از قوم خویش ای موسی (۸۴) گفت اینک ایشانند پشت سرم و شتافتم بسوی تو پروردگارا تا راضی شوی (۸۵) گفت همانا آزمودیم قومت را پس از تو و گمراهشان ساخت سامری (۸۶) پس بازگشت موسی بسوی قوم خود خشمگین افسوس خوران گفت ای قوم من آیا نوید نداد شما را پروردگار شما نویدی خوش آیا دراز کشید بر شما روزگار (مدّت) یا خواستید فرود آید بر شما خشمی از پروردگار شما که خلف کردید وعده گاه مرا (۸۷) گفتند خلف نکردیم وعده تو را به نیروی خود و لیکن بارشدیم بارهائی را از زیور قوم پس افکندیم آنها را و بدینگونه افکند سامری (۸۸) پس برون آورد برای ایشان گوساله ای پیکری که آن را است بانگی گفتند این است خدای شما و خدای موسی پس فراموش کرد (۸۹) آیا نبینند که بر نمی گرداند بدیشان سخنی را و نه دارا است برای ایشان زیان و نه سودی را (۹۰) و همانا گفت بدیشان هارون پیش از این که ای قوم من جز این نیست که آزموده شدید بدان و همانا پروردگار شما خدای مهربان است پس پیرویم کنید و فرمان برید امر مرا (۹۱) گفتند همیشه پیرومون آن بمانیم و پراکنده نمی شویم تا باز گردد بسوی ما موسی (۹۲) گفت ای هارون چه بازداشت تو را هنگامی که دیدی اینان را گمراه شدند (۹۳) که پیرویم نکردی آیا عصیان ورزیدی امر مرا (۹۴) گفت ای فرزند مادرم نگیر ریش و نه سر مرا همانا ترسیدم که گوئی جدائی افکندی میان بنی اسرائیل و چشم به راه نماندی سخن مرا (۹۵) گفت پس چیست کار تو ای سامری (۹۶) گفت دیدم آنچه را ندیدندش پس برگرفتم مشت از جای پای

فرستاده را پس افکندمش و بدینسان آراست برای من دلم (۹۷) گفت برو که تو را است در زندگی آنکه گوئی نیست سودنی (دست به من سوده نگرد) و همانا تو را وعده گاهی است که خلف کرده نشوی و بنگر بسوی خدایت آنکه پیوسته بر آن معتکفی که بسوزانیمش البتّه و سپس بپراکنیمش در دریا پراکندنی (۹۸) جز این نیست که خدای شما خداوندی است که نیست خدائی جز او فراگرفته است همه چیز را به دانش (۹۹) بدینسان خوانیم بر تو از داستانهای آنچه بگذشت و همانا آوردیم تو را از نزد خویش یادآوری را (۱۰۰) آنکه روی برگرداند از آن همانا بردارد روز قیامت گناهی را (۱۰۱) جاودانند در آن و بد است ایشان را روز قیامت باری (۱۰۲) روزی که دمیده شود در صور و گردآریم گنهکاران را در آن روز سبزچشمان (کور) (۱۰۳) آهسته گویند میان خود را نماندید مگر ده روز (۱۰۴) ما داناتریم بدانچه گویند گاهی که گوید بهترین ایشان در روش نماندید مگر یک روز (۱۰۵) پیرسندت از کوهها بگو پراکندشان (برافشاندها) پروردگار من پراکندنی (۱۰۶) پس می گذارد آنها را زمینی هموار (۱۰۷) که نبینی در آن کجی و نه بلندی را (۱۰۸) در آن روز پیروی کنند دعوت کننده را نیست کجی برایش و پست شد آوازاها برای خداوند مهربان پس نشنوی جز آهسته را (۱۰۹) در آن روز سود ندهد شفاعت مگر آن را که اذن دادش خدای مهربان و خوشنود شد برایش گفتار را (۱۱۰) می داند آنچه را پیش روی ایشان و آنچه پشت سر ایشان است فرانگیرندش به دانش (۱۱۱) و خوار شدند چهرهها برای خدای زنده پاینده و همانا زیانکار شد آنکه برداشت ستمی را (۱۱۲) و آنکه بکند از شایستهها حالی که مؤمن باشد پس نترسد ستمی را و نه پایمال شدن را (۱۱۳) و بدینسان فرستادیمش قرآنی عربی و گردانیدیم در آن از تهدید شاید پرهیزکاری کنند یا پدید آرد برای ایشان یادآوری را (۱۱۴) پس برتر است خدا پادشاه حقّ و نشتاب به قرآن پیش از آنکه گذرانده شود بسوی تو وحیش و بگو پروردگارا بیفزای مرا دانش (۱۱۵) و همانا پیمان بستیم با آدم (سپردیم به آدم) پیش از این پس فراموش کرد و نیافتیم برای او عزمی را (۱۱۶) و هنگامی که گفتیم به فرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند جز ابلیس که سرپیچید (۱۱۷) پس گفتیم ای آدم همانا این است دشمنی برای تو و همسرت هان تا برون نکند شما را از بهشت که تیره بخت شوی (۱۱۸) همانا تو را است که نه گرسنه شوی در آن و نه برهنه گردی (۱۱۹) و آنکه نه تشنه شوی در آن و نه در آفتاب مانی (۱۲۰) پس به ریو افکندش شیطان گفت ای آدم آیا راهبریت کنم بر درخت جاودانی و پادشاهی که کهنه نگردد (۱۲۱) پس خوردند از آن پس نمودار شد برای ایشان عورت‌های ایشان و آغاز کردند گرد آوردند بر خود از برگ‌های بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خویش را پس زیانکار شد (۱۲۲) سپس برگزید او را پروردگارش پس بازگشت بر او و هدایت کرد (۱۲۳) گفت فرود شوید از آن همگی گروهی از شما گروهی را دشمن تا گاهی که بیاید شما را از من رهبری پس آنکه پیروی کند راهنمایی مرا نه گمراه شود و نه رنج برد (یا بدبخت شود) (۱۲۴) و آنکه روی گرداند از یاد من همانا او را است زندگانی سخت و برون آریمش روز قیامت کور (۱۲۵) گوید پروردگارا چرا مرا برون آوردی کور حالی که بدم بینا (۱۲۶) گفت بدینسان آمدت آیت‌های ما پس فراموش کردی آنها را و بدینگونه امروز فراموش شوی (۱۲۷) و چنین پاداش دهیم آن را که اسراف کند و ایمان نیارد به آیت‌های پروردگار خود و همانا عذاب آخرت سخت تر است و پایدارتر (۱۲۸) آیا هدایت نشد برای ایشان (یا آیا هدایت نکردشان) آنکه بسا نابود کردیم پیش از ایشان از قرنهایی که می‌روند در نشیمنهای ایشان همانا در این است آیت‌هایی برای دارندگان خرد (۱۲۹) و اگر نبود سخنی که پیش گرفته است از پروردگار تو و سرآمدی نامبرده همانا می گردید لازم (۱۳۰) پس شکبیا شو بر آنچه گویند و تسبیح کن به ستایش پروردگار خویش پیش از برآمدن خورشید و پیش از فرو رفتن آن و از گاه‌های شب پس تسبیح کن و کنارهای روز شاید خوشنود شوی (یا خوشنود کنی) (۱۳۱) و ننگشای دیدگان خود را بدانچه کامیابی دادیم بدان مردان و زنانی را از ایشان شکوفه زندگانی دنیا تا بیازمائیشان در آن و روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر (۱۳۲) و امر کن خاندان خویش را به نماز و شکیائی گزین بر آن نخواهیم از تو روزی را ما روزی دهیمت و فرجام است از آن پرهیزکاری (۱۳۳) و گفتند چرا نیارد ما را آیتی از پروردگار خویش آیا نیامدشان نشانی (گواه) آنچه در نامه‌های پیشین است (۱۳۴) و اگر نابودشان می‌ساختیم به شکنجه‌ای پیش از آن همانا می‌گفتند پروردگارا

چرا نفرستادی بسوی ما پیمبری تا پیروی کنیم آیت‌های تو را پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم (۱۳۵) بگو همگی چشم به راهند پس چشم به راه باشید زود است بدانید کیستند صاحبان راه راست و کیست آنکه هدایت یافت (۱۳۶)

الأنبياء

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) نزدیک شد برای مردم حساب ایشان و ایشانند در غفلتی روگردانان (۲) نیایشان یادآوری از پروردگارشان نوین مگر بشنوندش و ایشانند بازی‌کنان (۳) سرگرم است دل‌های ایشان و نهان کردند رازگوئی را آنان که ستم کردند آیا این است جز بشری مانند شما پس آیا می‌آئید جادو را و شما می‌نگرید (۴) گفت پروردگار من می‌داند سخن را در آسمان و زمین و او است شنوای دانا (۵) بلکه گفتند خوابهائی است پریشان بلکه دروغ آوردش بلکه او است شاعری پس بیارد ما را آیتی بدانسان که فرستاده شدند پیشینان (۶) ایمان نیاورد پیش از ایشان شهری که نابودش ساختیم پس آیا اینان ایمان می‌آورند (۷) و نفرستادیم پیش از تو جز مردانی را که وحی می‌کردیم بسوی آنان پس پرسید اهل کتاب را اگر نمی‌دانید (۸) و نگردانیدیشان کالبدی که نخورند خوراک را و نبودند جاودانان (۹) پس راست آوردیمشان وعده را پس رهاشان ساختیم و هر که را خواهیم و نابود کردیم اسراف‌کنان را (۱۰) و همانا فرستادیم بسوی شما نامه‌ای که در آن است یادآوری شما پس آیا بخرد نمی‌یابید (۱۱) و چه بسا در هم شکستیم شهری را که بود ستمگر و پدید آوردیم پس از آن قومی دیگر را (۱۲) تا گاهی که احساس کردند خشم ما را ناگاه از آن می‌دوند (۱۳) ندوید و باز گردید بسوی آنچه هوسران بودید در آن و نشیمنهای خویش شاید پرسش شوید (۱۴) گفتند ای وای بر ما همانا بودیم ما ستمگران (۱۵) پس بود پیوسته این سخن ایشان تا گردانیدیمشان درویدگانی خموش (۱۶) و نیافریدیم آسمان و زمین و آنچه را میان آنها است بازی‌کنان (۱۷) اگر می‌خواستیم برگزیم سرگرمی همانا برمی‌گرفتیمش از نزد خود اگر بودیم کنندگان (۱۸) بلکه می‌افکنیم حق را بر باطل تا تباه سازدش که ناگهان آن است برافتاده و وای شما را از آنچه می‌ستائید (۱۹) و از آن وی است آنکه در آسمانها و زمین است و آنان که نزد اویند سرنیچند از پرستش او و نه خسته شوند (۲۰) تسبیح می‌کنند شب و روز و سستی نمی‌کنند (۲۱) آیا برگرفتند خدایانی از زمین که ایشان زنده کنند (۲۲) اگر می‌بود در آنها خدایانی جز خدا هر آینه فاسد می‌شدند پس منزّه است خدا پروردگار عرش از آنچه می‌ستائید (۲۳) پرسش نشود از آنچه کند و ایشان پرسش شوند (۲۴) یا برگرفتند جز وی خدایانی بگو بیارید برهان خود را این است یادآوری آنان که با منند و یادآوری آنان که پیش از منند بلکه بیشترشان نمی‌دانند حق را پس ایشانند روی گردانان (۲۵) و نفرستادیم پیش از تو پیمبری مگر وحی کردیم بدو که نیست خدائی جز من پس مرا پرستش کن (۲۶) و گفتند برگرفت خداوند مهربان فرزندی منزّه است او بلکه بندگانند گرامی (۲۷) پیشی نگیرند بر او به گفتار و ایشانند به فرمان او کارکنندگان (۲۸) می‌داند آنچه پیش روی ایشان و آنچه پشت سر ایشان و شفاعت نکنند جز برای هر که خواهد و ایشانند از بیم او هراسان (۲۹) و آنکه بگوید از ایشان منم خدائی جز او پس آن را پاداش دهیم دوزخ بدینگونه کیفر دهیم ستمکاران را (۳۰) آیا ندیدند آنان که کفر ورزیدند که آسمانها و زمین بسته بودند پس شکافتیم آنها را و گردانیدیم از آب هر چیز را زنده پس آیا ایمان نمی‌آورند (۳۱) و نهادیم در زمین لنگرهائی نبادا کج شود بدیشان و نهادیم در آن شکافها و راههائی شاید راهبری شوند (۳۲) و گردانیدیم آسمان را پوششی نگاه داشته و ایشانند از آیت‌های او روگردانان (۳۳) و او است آنکه آفرید شب و روز و مهر و ماه را هر کدامند در گردونه شناوری کنان (۳۴) و نهادیم برای بشری پیش از تو جاودانی را پس آیا اگر بمیری تو ایشانند جاودانان (۳۵) همه کس چشمنده مرگ است و می‌آزمائیم شما را به بدی و خوبی آزمودنی و بسوی ما باز گردانیده شوید (۳۶) و هر گاه بیندت آنان که کفر ورزیدند نگیرندت جز به استهزاء آیا این است آنکه یاد می‌کند خدایان شما را و آنانند به یاد خداوند مهربان کافران (۳۷) آفریده شد انسان از شتاب زود است بنمایانمتان آیت‌های خویش را پس شتاب نکنید (۳۸) و گویند کی (چه هنگام) است این وعده اگر هستید راستگویان (۳۹) اگر می‌دانستند آنان که کفر ورزیدند

گاهی را که بازدارند از چهره‌های خویش آتش را و نه از پشتشان و نه ایشان یاری می‌شوند (۴۰) بلکه می‌آیدشان ناگهان پس سراسیمه سازدشان که نتوانند بازگردانیدنش را و نه مهلت داده شوند (۴۱) و همانا استهزاء شد به پیمبرانی پیش از تو پس فرود آمد بدانان که سخریه کردند از ایشان آنچه بودند بدان استهزاء کنان (۴۲) بگو که نگه دارد شما را شب و روز از خداوند مهربان بلکه ایشانند از یاد پروردگار خویش روگردانان (۴۳) یا ایشان را است خدایانی که بازدارند از ایشان جز ما نتوانند یاری کردن خویش را و نه از ما همراهی شوند (۴۴) بلکه کامیابی دادیم بدیشان و پدرانشان تا دراز شد بر ایشان روزگار (عمر) آیا نبینند که می‌آئیم زمین را می‌کاهیمش از کنارهایش پس آیا ایشانند چیره‌شدگان (۴۵) بگو جز این نیست که شما را ترسانم به وحی و نشوند گنگان بانگ را گاهی که بیم داده شوند (۴۶) و اگر رسدشان دمی از عذاب پروردگار تو هر آینه گویند وای بر ما که ما بودیم ستمگران (۴۷) و برنهم ترازوهای داد را برای روز قیامت پس ستم نشود کسی چیزی را و اگر باشد سنگینی دانه خردلی بیاریمش و بس باشیم ما حسابگران (۴۸) و همانا دادیم به موسی و هارون جداکننده را و روشنائی و یادآوری برای پرهیزکاران (۴۹) آنان که می‌ترسند پروردگار خویش را پنهان و ایشانند از قیامت هراسان (۵۰) و این است یادداشتی فرخنده فرستادیمش آیا شمائید آن را ناشناسان (۵۱) و همانا دادیم به ابراهیم رهبریش را از پیش و بودیم بدان دانایان (۵۲) هنگامی که گفت به پدر خود و قوم خود چیست این پیکرهایی که شمائید بر آنها گردآمدگان (۵۳) گفتند یافتیم پدران خویش آنها را پرستش کنندگان (۵۴) گفت همانا بوده‌اید شما و پدرانتان در گمراهی آشکار (۵۵) گفتند آیا آورده‌ای ما را به حق یا تویی از بازی کنندگان (۵۶) گفت بلکه پروردگار شما پروردگار آسمانها و زمین است آنکه پدید آورد آنها را و منم بر این از گواهان (۵۷) و سوگند به خدا هر آینه بیاندیشم برای بتان شما پس از آنکه بروید پشت کنندگان (۵۸) پس گردانیدشان پاره‌هائی مگر بزرگی برای ایشان شاید بسوی او باز گردند (۵۹) گفتند آن که کرده است این را به خدایان ما همانا او است از ستمگران (۶۰) گفتند شنیدیم جوانی یادشان می‌کرد که گفته می‌شد بدو ابراهیم (۶۱) گفتند بیاریدش پیش چشم مردم شاید گواه باشند (۶۲) گفتند آیا تو کردی این را به خدایان ما ای ابراهیم (۶۳) گفت بلکه کرد آن را بزرگ ایشان این پس پرسیدشان اگر هستند سخن گویان (۶۴) پس باز گشتند به خود و گفتند همانا شمائید ستمگران (۶۵) پس سرافکنده آمدند که تو دانستی اینان سخن نگویند (۶۶) گفت آیا می‌پرستید جز خدا آنچه را سود ندهد به شما چیزی را و نه زیان رساند (۶۷) اف بر شما و بر آنچه می‌پرستید جز خدا پس آیا بخرد نمی‌آیید (۶۸) گفتند سخت بسوزانیدش و یاری کنید خدایان خویش را اگر هستید کنندگان (۶۹) گفتیم ای آتش باش سرد و سلامت بر ابراهیم (۷۰) و خواستند بدو نیرنگی را پس گردانیدیم ایشان را زیانکارتران (۷۱) و رهانیدیم او و لوط را بسوی سرزمینی که برکت نهادیم در آن برای جهانیان (۷۲) و بخشیدیم بدو اسحق و یعقوب را فرونی و هر یک را گردانیدیم شایستگان (۷۳) و گردانیدیمشان پیشوایانی که رهبری کنند به فرمان ما و وحی کردیم بسوی ایشان به جای آوردن خوبی‌ها را و پیا داشتن نماز و دادن زکات را و بودند برای ما پرستندگان (۷۴) و لوط را دادیم بدو حکم و دانش را و رهانیدیمش از شهری که بود همی می‌کرد پلیدها را همانا بودند قومی زشت و نافرمانان (۷۵) و در آوریدیمش به رحمت خویش همانا او است از شایستگان (۷۶) و نوح را هنگامی که برخواند پیش از این پس پذیرفتم خواستش را و رهائش دادیم او و خاندانش را از اندوه بزرگ (۷۷) و یاریش کردیم از قومی که دروغ پنداشتند آیت‌های ما را همانا بودند قومی زشت پس غرقشان ساختیم همگان (۷۸) و داود و سلیمان هنگامی که حکومت می‌کردند در کشتزار گاهی که پراکنده شدند در آن گوسفندان قوم و بودیم حکومت آنان را گواهان (۷۹) پس آموختیمش (فهمانیدیمش) به سلیمان و هر یک را دادیم حکمی و دانشی و فرمانبردار ساختیم با داود کوه‌ها را که تسبیح کنند و مرغان را و بودیم کنندگان (۸۰) و آموختیمش ساختن پوشاکی را برای شما تا نگهداردتان از خشم خویش پس آیا هستید سپاسگزاران (۸۱) و برای سلیمان باد را سخت وزنده روان می‌شد به فرمان او بسوی سرزمینی که برکت نهادیم در آن و بودیم به هر چیزی دانایان (۸۲) و از شیاطین آنان را که به دریا فرو می‌رفتند برایش و می‌کردند کاری را جز آن و بودیم برای آنان نگهبانان (۸۳) و ایوب هنگامی که خواند پروردگار خویش را که مرا رسید

رنج و تویی مهربانترین مهربانان (۸۴) پس پذیرفتیم از او و بگشودیم آنچه بدو بود از رنج و دادیم بدو خاندانش را و مانند آنان با آنان رحمتی از نزد ما و یادآوری برای پرستشگران (۸۵) و اسمعیل و ادريس و ذوالکفل هر کدام از صبرکنندگان (۸۶) و در آوردیمشان در رحمت خود همانا ایشانند از شایستگان (۸۷) و صاحب ماهی (یا خداوند ماهی) هنگامی که رفت خشمگین پس پنداشت که هرگز بدو قدرت نیابیم پس بنالید در تاریکی‌ها که نیست خدائی جز تو منزّهی تو همانا بودم من از ستمگران (۸۸) پس پذیرفتیم از او و رهائش دادیم از اندوه و بدینسان رهائی دهیم به مؤمنان (۸۹) و زکریا هنگامی که برخواند پروردگار خویش را پروردگارا نگذار مرا تنها و تویی بهترین ارث‌برندگان (۹۰) پس پذیرفتیم از او و بخشیدیم بدو یحیی را و شایسته گردانیدیم برایش همسرش را همانا بودند ایشان شتاب‌گیرندگان در خوبی‌ها و می‌خواندند ما را امیدی و بیمی و بودند برای ما فروتنان (۹۱) و آن زن که نگاه داشت فرجش را پس دمیدیم در آن از روح خویش و گردانیدیمش و پسرش را آیتی برای جهانیان (۹۲) همانا این است ملت شما ملتی یگانه و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید (۹۳) و پخش کردند کار خویش را میان خویش هر کدامند بسوی ما بازگردانندگان (۹۴) پس آنکو بکنند از کردارهای شایسته و او است مؤمن نباشد ناسپاسی کوشش او را و همانا مائیم برای آن نویسندگان (۹۵) و حرام است بر شهری که نابودش کردیم که آنان باز نمی‌گردند (۹۶) تا گاهی که گشوده شود یا جوج و مأجوج و ایشان از هر پشته‌ای سرازیر گردند (یا برون آیند) (۹۷) و نزدیک شد وعده حقّ که ناگهان باز است دیده آنان که کفر ورزیدند ای وای بر ما همانا بودیم در غفلتی از این بلکه بودیم ما ستمگران (۹۸) همانا شما و آنچه می‌پرستید جز خدا سوخت دوزخید شماید در آن در آیندگان (۹۹) اگر می‌بودند اینان خدایانی در آن نمی‌رفتند حالی که هر کدامند در آن جاودان (۱۰۰) ایشان را است در آن آه کشیدنی و ایشان در آن نمی‌شنوند (۱۰۱) همانا آنان که سبقت گرفت برای ایشان از مانکوئی آنانند از آن دورشدگان (۱۰۲) نشنوند حسش را و ایشانند در آنچه هوس کند دل‌های ایشان جاودانان (۱۰۳) اندوهگیشان نسازد آشوب بزرگتر و در آیند بر ایشان فرشتگان (یا پیشواز ایشان روند فرشتگان) که اینک روز شما آنکه بودید وعده داده می‌شدید (۱۰۴) روزی که پیچیم آسمان را مانند پیچیدن نامه‌دان نامه‌ها را بدانسان که آغاز کردیم نخستین آفرینش را باز گردانیمش وعده است بر ما همانا هستیم ما کنندگان (۱۰۵) و هر آینه نوشتیم در زبور پس از ذکر که زمین را ارث برند بندگان من شایستگان (۱۰۶) همانا در این است ابلاغی برای گروهی که پرستشگرند (۱۰۷) و نفرستادیمت مگر رحمتی برای جهانیان (۱۰۸) بگو جز این نیست که وحی شود بسوی من همانا خداوند شما است خداوند یکتا پس آیا شماید اسلام‌آرندگان (۱۰۹) پس اگر پشت کردند بگو آگهی‌تان دادم یکسان و ندانم آیا نزدیک است یا دور آنچه وعده داده شوید (۱۱۰) همانا او می‌داند آشکار را از سخن و می‌داند آنچه را نهان کنید (۱۱۱) و ندانم شاید آزمایشی باشد برای شما و بهره‌مندی تا زمانی (۱۱۲) گفت پروردگارا حکم کن به حقّ و پروردگار ما خدای مهربان است یاری جسته بر آنچه می‌ستائید (۱۱۳)

الحج

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای مردم بترسید پروردگار خود را که لرزش قیامت چیزی است بزرگ (۲) روزی که بینیدش فراموش کند هر شیردهنده از آنچه شیر دهد و بگذارد هر زن بارداری بار خود را و بینی مردم را مست و نیستند مستان و لیکن عذاب خدا است سخت (۳) و از مردم است آنکه می‌ستیزد در خدا بی‌دانش و پیروی می‌کند هر شیطان سرکشی را (۴) نوشته شد بر او که هر که پیرویش کند همانا گمراهش سازد و رهبریش کند بسوی عذاب سوزان (۵) ای مردم اگر هستید در شکی از رستاخیز پس ما آفریدیم شما را از خاکی پس از چکه آبی پس از خونی بسته پس از پاره‌گوشتی جویده تمام آفریده و تمام ناآفریده تا بیان کنیم برای شما و نهیم در رحمها هر چه را خواهیم تا سرآمدی معین پس برون آریمتان کودکی پس تا رسید نیروهای خود را و از شما است آنکه دریافت شود (بمیرد) و از شما است آنکه باز گردانیده شود بسوی پس‌ترین عمر (زندگانی) تا نداند پس از دانستن

چیزی را و بینی زمین را فسرده پژمرده تا گاهی که فرستیم بر آن آب را بجنبند و برآید و برویاند از هر جفتی زیبا (۶) این بدان است که خدا است حق و آنکه او زنده کند مردگان را و آنکه او است بر همه چیز توانا (۷) و آنکه ساعت است آینده نیست شکی در آن و آنکه خدا برانگیزد آنان را که در گورند (۸) و از مردم است آنکه بستیزد در خدا بی دانش و نه راهنمایی و نه نامه ای تابناک (۹) برتابنده پهلوی خویش تا گمراه کند مردم را از راه خدا او را است در دنیا خواری و چشانیمش روز قیامت عذابی سوزان (۱۰) این بدانچه پیش فرستاده است دستهای و نیست خدا ستمگر بر بندگان (۱۱) و از مردم است آنکه می پرستد خدا را بر نوکی (یا کناری) پس اگر رسدش خوشی برآساید بدان و اگر رسدش آزمایشی باز گردد بر روی خویش زیانمند است در دنیا و آخرت این است آن زیان آشکار (۱۲) می خواند جز خدا آنچه را نه زیانش رساند و نه سودش دهد این است آن گمراهی دور (۱۳) می خواند آن را که زیانش نزدیکتر است از سودش چه بد سرپرست و چه بد همدمی است (۱۴) همانا خدا درآرد آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند باغهایی که روان است زیر آنها جوی ها همانا خدا می کند آنچه را می خواهد (۱۵) آنکو می پندارد که هرگز یاریش نمی کند خدا در دنیا و آخرت پس بکشد ریسمانی بسوی آسمان پس ببرد پس بنگرد آیا می برد نیرنگ او آنچه را به خشم می آورد (۱۶) و بدینسان فرستادیمش آیتهایی روشن و آنکه خدا هدایت می کند هر که را خواهد (۱۷) همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که جهود شدند و صابیان و ترسایان و مجوس و آنان که شرک ورزیدند همانا خدا حکم می کند میان آنان روز قیامت همانا خدا است بر همه چیز گواه (۱۸) آیا ندیدی که خدا سجده می کند برایش آنکه در آسمانها و آنکه در زمین است و مهر و ماه و ستارگان و کوه ها و درخت و جنبندگان و بسیاری از مردم و بسیاری که فرود آمد (استوار شد) بر او عذاب و آن را که خوار سازد خدا پس نیستش سرافرازنده ای همانا خدا می کند آنچه را می خواهد (۱۹) اینان دو دشمنند که ستیزه کردند در پروردگار خویش پس آنان که کافر شدند بریده شد برای ایشان جامه هایی از آتش ریخته شود از فراز سرهای ایشان آب جوشان (۲۰) می گدازد بدان آنچه در شکمهای ایشان است و پوستها (۲۱) و ایشان را است گرزهایی از آهن (۲۲) هر گاه خواهند برون آیند از آن از اندوهی باز گردانیده شوند در آن و بچشید عذاب سوزان را (۲۳) همانا خدا درآرد آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند باغهایی که روان است زیر آنها جوی ها زیب داده شوند در آن با دستبندهایی از زر و مروارید و جامه ایشان است در آن حریر (۲۴) و رهبری شدند بسوی پاکیزه از سخن و رهبری شدند بسوی راه خداوند ستوده (۲۵) همانا آنان که کفر ورزیدند و باز می دارند از راه خدا و مسجد حرام که گردانیدیمش برای مردم یکسان نشیمن گزیده (مانده) در آن و بیابانی (دشت نشین) و آنکه خواهد در آن کجروی را به ستم چشانیمش از عذابی دردناک (۲۶) و هنگامی که جایگاه گردانیدم برای ابراهیم جای خانه را که شرک نورز به من چیزی را و پاک گردان خانه مرا برای طواف کنندگان و پیاپی استادگان و رکوع کنندگان سجد کنندگان (۲۷) و بانگ برآورد در مردم به حج آیندت پیادگان و بر هر اشری لاغر که می آیند از هر دره ای ژرف (۲۸) تا بنگرند سودهایی برای خویش و ببرند نام خدا را در روزهایی دانسته بر آنچه روزیشان داده است از دامهای چهارپا پس بخورید از آن و بخورانید به بینوای درویش (۲۹) پس تا بگذارند چرک (آلایش) خویش را و وفا کنند به نذرهای خود و طواف کنند گرد خانه کهن (۳۰) این و هر که بزرگ شمرد حرمت های خدا را پس آن بهتر است برای او نزد پروردگارش و حلال شد برای شما چهارپایان مگر آنچه خوانده شود بر شما پس دوری گزینید از پلیدی یعنی بتان و دوری گزینید از سخن ناروا (۳۱) یکتا پرستان برای خدا نه شرک ورزندگان بدو و آنکه شرک ورزد به خدا پس گوئیا درافتاده است از آسمان تا برپایدش پرنده یا بیراکنش باد به جایی دور (یا رانده) (۳۲) این و هر که بزرگ شمرد شعارهای خدا را همانا آن است از پرهیزکاری دلها (۳۳) برای شما است در آن سودهایی تا سرآمدی نامبرده سپس فرودگاهش بسوی خانه است کهن (۳۴) و برای هر ملتی نهادیم پرستشی تا ببرند نام خدا را بر آنچه روزیشان داد از دامهای چهارپا و خدای شما خداوند یکتا است پس برای او اسلام آرید و مژده ده به فروتنان (۳۵) آنان که هر گاه یاد شود خدا بترسد دلهاشان و شکیبایان بر آنچه رسدشان و بپادارندگان نماز و از آنچه روزیشان دادیم ببخشند (۳۶) و اشتران فربه (قربانی)

گردانیدیم آنها را برای شما از شعارهای خدا شما را است در آنها خویی پس ببرید نام خدا را بر آنها صف آرندگان تا گاهی که بیفتد پهلوه‌های آنها بخورید از آنها و بخورانید بینوا و دریوزه را بدینسان رام گردانیدمشان برای شما شاید شما سپاسگزارید (۳۷) هرگز نرسد خدا را گوشتها و نه خونهای آنها و لیکن رسدش پرهیزکاری از شما بدینگونه رام کردیم آنها را برای شما تا بزرگ شمرد خدا را بر آنچه راهبریتان کرد و بشارت ده نیکوکاران (۳۸) همانا خدا دفاع کند از آنان که ایمان آوردند همانا خدا دوست ندارد هر خیانتکار ناسپاسی را (۳۹) رخصت داده شد (یا اعلام شد) بدانان که پیکار می‌شوند که ستم شدند و همانا خدا است بر یاری آنان توانا (۴۰) آنان که برون رانده شدند از خانه‌های خود به ناحق جز آنکه می‌گفتند پروردگار ما خدا است و اگر نبود دور ساختن خدا مردم را گروهی با گروهی همانا ویران می‌شدند پرستشگاه‌ها و کلیساها و نمازها و مسجد هائی که برده شود در آنها نام خدا بسیار و البته یاری کند خدا هر که را یاریش کند همانا خدا است توانای عزتمند (۴۱) آنان که اگر فرمانروائیشان دهیم در زمین پبای دارند نماز را و بدهند زکات را و فرمان رانند به خوبی و بازدارند از بدی و برای خدا است فرجام کارها (۴۲) و اگر به دروغ گیرندت همانا به دروغ گرفتید پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود (۴۳) و قوم ابراهیم و قوم لوط (۴۴) و یاران مدین و دروغگو شمرده شد موسی پس مهلت دادم به کافران سپس گرفتم ایشان را پس چگونه بود برابری کردن و انتقام من (۴۵) و بسا شهری که نابودش کردیم و او است ستمگر پس آن است فرود آمده بر پایه‌های خود و چاهی ویران و کاخی افرشته (۴۶) آیا نگشتند در زمین تا باشندشان دلهائی که دریابند بدانها یا گوشهائی که بشنوند بدانها زیرا کور نشوند دیدگان و لیکن کور شوند دلهائی که درون سینه‌ها است (۴۷) و شتاب خواهند از تو در عذاب و هرگز نشکند خدا وعده خود را و همانا روزی نزد پروردگار تو مانند هزار سال است از آنچه می‌شمرند (۴۸) و بسا شهری که مهلت دادیم بدان حالی که ستمکار بود و سپس گرفتیم آن را و بسوی من است بازگشت (۴۹) بگو ای مردم جز این نیست که منم برای شما ترساننده‌ای آشکار (۵۰) پس آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند برای ایشان است آمرزشی و روزی گرامی (۵۱) و آنان که بشتافتند در آیت‌های ما به عجز آرندگان آنانند یاران دوزخ (۵۲) و نفرستادیم پیش از تو فرستاده‌ای و نه پیمبری مگر هر گاه آرزو می‌کرد می‌افکند شیطان در آرزوی او پس برمی‌انداخت خدا آنچه را شیطان می‌افکند سپس استوار می‌ساخت خدا آیت‌های خویش را و خدا است دانای حکیم (۵۳) تا بگرداند آنچه را می‌افکند شیطان آزمایشی برای آنان که در دلهاشان بیماری است و سنگین دلان و همانا ستمگرانند در دشمنی دور و دراز (۵۴) و تا بدانند آنان که داده شدند دانش را که آن است حق از پروردگار تو پس ایمان آرند بدان پس نرم شود برای آن دلهاشان و همانا خدا راهنمای آنانی است که ایمان آوردند بسوی راهی راست (۵۵) و پیوسته باشند آنان که کفر ورزیدند در شکی از آن تا بیایدشان ساعت ناگهان یا بیایدشان عذاب روزی نازا (بی‌مانند) (۵۶) پادشاهی در آن روز از آن خدا است حکم کند میان ایشان پس آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند در باغستان نعمتند (۵۷) و آنان که کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیت‌های ما را ایشان را است عذابی خوارکننده (۵۸) و آنان که از خانمان آواره شدند در راه خدا سپس کشته شدند یا مردند همانا خدا روزیشان دهد روزی نکو و همانا خدا است بهترین روزی دهندگان (۵۹) هر آینه در آردشان خدا جایگاهی که بپسندندش و هر آینه خدا است دانای بردبار (۶۰) این و هر که کیفر دهد مانند آنچه را شکنجه شده است پس ستم شود بر او هر آینه یاریش کند خدا و همانا خدا است در گذرنده آمرزگار (۶۱) این بدان است که خدا فرو می‌برد شب را در روز و فرو می‌برد روز را در شب و آنکه خدا است شنوای بینا (۶۲) این بدان است که خدا است حق و آنچه می‌خوانند جز او است باطل و آنکه خدا است برتر بزرگ (۶۳) آیا ندیدی که خدا فرستاد از آسمان آبی پس گردید زمین سرسبز همانا خداوند است نوازنده آگاه (۶۴) برای او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و همانا خدا است بی‌نیاز ستوده (۶۵) آیا ندیدی که خدا رام کرد برای شما آنچه در زمین است و کشتی که می‌رود در دریا به فرمانش و نگاه می‌دارد آسمان را که فرود آید بر زمین مگر با اذن او همانا خدا به مردم است نوازنده مهربان (۶۶) و او است آنکه زنده کرد شما را پس بمیراندتان و سپس زنده سازدتان و همانا انسان است بسیار ناسپاس (۶۷) برای هر

ملتی نهادیم روشی که ایشانند رونده آن پس نستیزند با تو در کار و برخوان بسوی پروردگار خود که تویی همانا بر هدایتی راست (۶۸) و اگر پرخاش کردند با تو بگو خدا دانایتر است بدانچه می کنی (۶۹) خدا حکم کند میان شما روز قیامت در آنچه بودید در آن اختلاف می کردید (۷۰) آیا ندانستی که خدا می داند آنچه در آسمان و زمین است همانا این است در نامه ای همانا این است بر خدا آسان (۷۱) و پرستش کنند جز خدا آنچه را نفرستاد بدان فرمانروایی و آنچه نیستشان بدان دانشی و نیست ستمکاران را یآوری (۷۲) و هر گاه خوانده شود بر ایشان آیت های ما روشن شناسی در چهره های آنان که کفر ورزیدند بدی را نزدیک است بتازند بر آنان که می خوانند بر ایشان آیت های ما را بگو آیا آگهی تان دهم به بدتر از این آتش وعده دادش خدا بدانان که کفر ورزیدند و بد بازگشتگاهی است (۷۳) ای مردم زده شد مثلی پس بشنویدش همانا آنان که می خوانید جز خدا هرگز نیافرند مگسی را و هر چند گرد آیند برای آن و اگر برابیدشان مگس چیزی را نستانندش از آن ناتوانند خواهند و خواسته (۷۴) ارج نگذاشتند خدا را حق ارجمندیش همانا خدا است توانای عزتمند (۷۵) خدا بگزیند از فرشتگان فرستادگانی و از مردم همانا خدا است شنوای بینا (۷۶) داند آنچه پیش روی ایشان و آنچه پشت سر ایشان است و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها (۷۷) ای آنان که ایمان آوردید رکوع گزاید و سجده کنید و پرستش کنید پروردگار خود را و بکنید خوبی را شاید رستگار شوید (۷۸) و بکوشید در راه خدا سزای کوشش او و برگزید شما را و نهاد بر شما در دین رنجی را ملت پدر شما ابراهیم او نامیدتان مسلمانان از پیش و در این (قرآن) تا باشد پیمبر گواهی بر شما و باشید گواهان بر مردم پس بپا دارید نماز را و بدهید زکات را و نگهداری از خدا جوئید او است سرپرست شما چه خوب سرپرست و چه خوب یآوری است (۷۹)

المؤمنون

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) همانا رستگار شدند مؤمنان (۲) آنان که در نماز خویشند فروتنان (۳) و آنان که از یاهو (بیهوده) اند روی گردانان (۴) و آنانکه هستند زکات را کنندگان (۵) و آنان که برای فرجهای خویشند نگهدارندگان (۶) مگر بر همسران خود یا آنچه دارا است دستهای ایشان که ایشانند نانکوهیدگان (۷) و آنکو خواهد ماورای این را پس آنانند تجاوزکنندگان (۸) و آنان که امانتها و عهدهای خویش را هستند رعایت کنندگان (۹) و آنان که بر نمازهای خویشند مواظبت کنندگان (۱۰) آنانند ارث برندگان (۱۱) که ارث برند بهشت را ایشانند در آن جاودانان (۱۲) و همانا آفریدیم انسان را از کشیده ای (یا چکیده) از گل (۱۳) پس گردانیدیمش چکه آبی در آرامگاهی جایدار (۱۴) پس آفریدیم نطفه (چکه) را خونی بسته پس آفریدیم خون را گوشتی جویده پس آفریدیم گوشت را استخوانهایی پس پوشانیدیم استخوانها را گوشتی سپس پدید آوردیمش آفرینشی دیگر پس خجسته باد خدا بهترین آفرینندگان (۱۵) سپس شمائید پس از آن هر آینه مردگان (۱۶) سپس همانا شما روز قیامت برانگیخته می شوید (۱۷) و همانا آفریدیم فراز شما هفت راه و نبودیم از آفرینش ناآگاهان (۱۸) و فرستادیم از آسمان آبی به اندازه ای پس جایگزین ساختیمش در زمین و همانا مائیم بر بردن آن توانایان (۱۹) پس پدید آوردیم برای شما بدان باغهایی از خرمانها و انگورها شما را است در آن میوه هایی فراوان و از آن می خورید (۲۰) و درختی که برون می آید از طور سیناء می روید با روغن و رنگی (نان خورشی) برای خوردنندگان (۲۱) و همانا شما را است در چهارپایان عبرتی بنوشانیمتان از آنچه در شکمهای آنها است و برای شما است در آنها سودهای فراوان و از آنها می خورید (۲۲) و بر آنها و بر کشتی بار می شوید (۲۳) و همانا فرستادیم نوح را بسوی قومش گفت ای قوم من پرستش کنید خدا را نیست شما را خدایی جز او آیا نمی ترسید (۲۴) پس گفتند گروهی که کفر ورزیدند از قومش نیست این مگر بشری همانند شما خواهد برتری جوید بر شما و اگر می خواست خدا هر آینه می فرستاد فرشتگانی نشیندیم بدین در پدران ما پیشینیان (۲۵) نیست او جز مردی که بدو است دیوانگی پس انتظار کشید بدو تا زمانی (۲۶) گفت پروردگارا یاریم کن بر آنچه دروغگویم شمردند (۲۷) پس وحی کردیم بدو که بساز کشتی را به دیدگان ما و به وحی ما تا گاهی که آید فرمان ما و

بجوشد تنور پس جای ده در آن از هر کدام دو جفت را و خاندان خویش را مگر آنکه پیشی گرفت بر او سخن از ایشان و سخن نگوی با من در آنان که ستم کردند که ایشانند غرق شدگان (۲۸) پس گاهی که استوار شدی تو و آنکه با تو است در کشتی بگو سپاس خدائی را که رهایی ما را از گروه ستمگران (۲۹) و بگو پروردگارا فرود آور مرا فرودگاهی فرخنده و توئی بهترین فرودآرندگان (۳۰) همانا در این است آیتهایی و همانا هستیم ما آزمایش کنندگان (۳۱) سپس پدید آوردیم پس از ایشان قری قرنیه دیگر را (۳۲) پس فرستادیم در ایشان فرستاده‌ای از ایشان که پرستش کنید خدا را نیست شما را خداوندی جز او آیا نمی‌ترسید (۳۳) و گفتند آن گروه از قومش که کفر ورزیدند و دروغ پنداشتند رسیدن را به آخرت و کافرانشان دادیم در زندگانی دنیا نیست این جز بشری مانند شما می‌خورد از آنچه می‌خورید از آن و می‌نوشد از آنچه می‌نوشید (۳۴) و اگر فرمان برید بشری را همانند خویش شما نیست در آن هنگام زیانکاران (۳۵) آیا وعده دهد شما را گاهی که مُردید و شدید خاکی و استخوانهایی آنکه شما نیست برون آوردگان (۳۶) دور است دور آنچه وعده داده می‌شوید (۳۷) نیست آن جز زندگانی نزدیک ما می‌میریم و زنده می‌شویم و نیستیم برانگیختگان (۳۸) نیست او مگر مردی که بسته است بر خدا دروغی را و نیستیم ما بدو ایمان‌آرندگان (۳۹) گفت پروردگارا یاریم کن بدانچه تکذیب کردند (۴۰) گفت پس از اندکی هر آینه خواهید گردید پشیمان (۴۱) پس گرفتشان خروشی به حق و گردانیدیشان خاشاکی به روی سیل پس دور باد برای گروه ستمگران (۴۲) سپس پدید آوردیم پس از ایشان قرنیه‌ای دیگران (۴۳) سبقت نگیرند هیچ ملتی سرآمد خویش را و نه پس افتند (۴۴) سپس فرستادیم فرستادگان خود را پی‌درپی هر گاه می‌آمد ملتی را فرستاده‌اش تکذیبش می‌کردند پس پیرو گردانیدیم گروهی را از برای گروهی و گردانیدیمشان داستانهای پس‌دورباد برای گروهی که ایمان نمی‌آوردند (۴۵) پس فرستادیم موسی و برادرش هارون را به آیتهای خویش و فرمانروائی آشکار (۴۶) بسوی فرعون و گروهش پس سرکشیدند و شدند قومی برتری جویان (۴۷) پس گفتند آیا ایمان آریم برای دو بشر همانند ما و قوم آنانند برای ما پرستش کنندگان (۴۸) پس تکذیبشان کردند پس شدند از هلاک شدگان (۴۹) و همانا دادیم به موسی کتاب را شاید ایشان رهبری شوند (۵۰) و گردانیدیم پسر مریم و مادرش را آیتی و پناهشان دادیم بسوی فرازی دارای آرامش و آبی گوارا (۵۱) ای پیمبران بخورید از پاکیزه‌ها و بکنید کاری شایسته همانا منم بدانچه می‌کنید دانا (۵۲) و همانا این است ملت شما ملتی یگانه و منم پروردگار شما پس مرا بترسید (۵۳) پس پخش کردند کار خود را میان خود نامه‌هایی هر حزبی است بدانچه نزد ایشان است شادمان (۵۴) پس بگذارشان در فرورفتگی‌شان تا زمانی (۵۵) آیا پندارند که آنچه کمک دهیمشان بدان از مال و فرزندان (۵۶) شتاب کنیم برای ایشان در خوبی‌ها بلکه در نمی‌یابند (۵۷) همانا آنان که از ترس پروردگار خویشند هراسان (۵۸) و آنان که به آیتهای پروردگار خویشند ایمان‌آرندگان (۵۹) و آنان که به پروردگار خویش شرک نورزند (۶۰) و آنان که دهند آنچه را دهند و دلهایشان لرزان است که بسوی پروردگار خویشند بازگشت‌کنان (۶۱) آنان می‌شتابند در خوبی‌ها و ایشانند آنها را پیشی گیرندگان (۶۲) و تکلیف نکنیم کس را جز به اندازه گشایش او (تاب و توانش) و نزد ما است نامه‌ای که سخن گوید به حق و ایشان ستم نمی‌شوند (۶۳) بلکه دلهایشان در گردابی است از این و ایشان را است کارهایی جز این که ایشانند آنها را کنندگان (۶۴) تا گاهی که گیریم هوسرانان (یا فرورفتگان) ایشان را به عذاب ناگهان فغان برآرند (۶۵) ننالید امروز همانا شما از ما یاری نشوید (۶۶) بودند آیتهای ما خوانده می‌شدند بر شما پس بودید بر پاشنه‌های خویش برمی‌گشتید (۶۷) کبرورزندگان بدان شب‌نشینی بیهوده‌گویان (۶۸) آیا تدبر نکردند سخن را یا بیامدشان آنچه نیامد پدرانیشان را آن پیشینیان (۶۹) یا شناختند پیمبر خویش را پس ایشانند او را انکارکنان (ناشناسان) (۷۰) یا گویند بدو آشفتگی است بلکه بیامدشان به حق و بیشتر ایشانند حق را ناخوش دارندگان (۷۱) و اگر پیروی کند حق هوسهای آنان را هر آینه فاسد شود آسمانها و زمین و هر که در آنها است بلکه آوردیمشان به ذکر خود پس ایشانند از ذکر خود روی گردانان (۷۲) آیا پرسیشان هزینه پس هزینه پروردگار تو بهتر است و او است بهترین روزی‌دهندگان (۷۳) و همانا تو خوانیشان بسوی راهی راست (۷۴) و همانا آنان که ایمان نمی‌آرند به آخرت از راهند کناره‌گیران (کجروان) (۷۵) و اگر رحم کنیم ایشان را و بگشائیم آنچه

بدیشان است از رنج همانا خیرگی کنند در سرکشی خود فرو روندگان (۷۶) و همانا گرفتیمشان به عذاب پس فروتن نشدند برای پروردگار خویش و نه زاری کنند (۷۷) تا گاهی که برگشودیم بر ایشان دری را دارای عذابی سخت ناگهان ایشانند در آن سراسیمه یا نومیدان (۷۸) و او است آنکه پدید آورد برای شما گوش و دیده گان و دلها را به کمی سپاسگزارید (۷۹) و او است آنکه آفرید شما را از زمین و بسوی او گردآورده شوید (۸۰) و او است آنکه زنده کند و بمیراند و برای او است گردش شبانه روز آیا بخرد نمی یابید (۸۱) بلکه گفتند همانند آنچه گفتند پیشینیان (۸۲) گفتند آیا گاهی که مریم و شدید خاکی و استخوانهایی آیا مائیم برانگیختگان (۸۳) همانا وعده داده شدیم ما و پدران ما این را از پیش نیست این جز افسانه های پیشینیان (۸۴) بگو از آن کیست زمین و آنکه در آن است اگر هستید دانایان (۸۵) زود است گویند برای خدا بگو پس چرا یادآور نمی شوید (۸۶) بگو کیست پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار عرش بزرگ (۸۷) بزودی گویند از آن خدا بگو پس چرا پرهیزکاری نکنید (۸۸) بگو کیست که به دست او است پادشاهی های همه چیز و او پناه دهد و بر او پناه داده نشود اگر می دانید (۸۹) زود است گویند برای خدا بگو پس به کجا افسون می شوید (۹۰) بلکه آوردیمشان به حق و همانا ایشانند دروغگویان (۹۱) برنگرفت خدا فرزندی و نبود با وی خدائی چه در آن هنگام می برد هر خدائی آنچه را بیافریده است و برتری می جست برخی از ایشان بر برخی منزّه است خدا از آنچه می ستایند (۹۲) دانای نهان و هویدا پس برتر است از آنچه شرک ورزند (۹۳) بگو پروردگارا اگر بنمایانیم آنچه را وعده داده شوند (۹۴) پروردگارا پس نگردان مرا در گروه ستمگران (۹۵) و همانا مائیم بر آنکه بنمایانیم آنچه را وعده بدیشان دهیم توانایان (۹۶) دور کن بدانچه آن بهتر است بدی را ما داناتریم بدانچه می ستایند (۹۷) و بگو پروردگارا پناه برم به تو از ریوهای شیاطین (۹۸) و پناه برم به تو پروردگارا از آنکه حاضر آیندم (۹۹) تا گاهی که بیاید یکیشان را مرگ گوید پروردگارا باز گردانید مرا (۱۰۰) شاید کرداری شایسته کنم در آنچه باز گذاردم نه چنین است همانا آن است سخنی که او است گوینده آن و از پشت سر آنان است برزخی (دیواری) تا روزی که برانگیخته شوند (۱۰۱) تا گاهی که دمیده شود در صور نباشد تباری میانشان در آن روز و نه از همدیگر پرسند (۱۰۲) پس آنکو سنگین شود سنجایش آنانند رستگاران (۱۰۳) و آنکه سبک شود سنجشایش پس آنانند که زیان کردند خویش را در دوزخند جاودانان (۱۰۴) بریان سازد روی های ایشان را آتش و ایشانند در آن چهره سوختگان (۱۰۵) آیا نبود آیتهای خوانده می شد بر شما پس بودید بدانها تکذیب کنندگان (۱۰۶) گفتند پروردگارا چیره گشت بر ما تیره روزی ما و شدید گروهی گمراهان (۱۰۷) پروردگارا برون آر ما را از آن سپس اگر باز گشتیم همانا مائیم ستمکاران (۱۰۸) گفت گم شوید (نهی که به سگ می زنند) در آن و با من سخن نگوئید (۱۰۹) همانا بودند گروهی از بندگانم می گفتند پروردگارا ایمان آوردیم پس پیامر ما را و رحم کن بر ما و توئی بهترین رحم کنندگان (۱۱۰) پس برگرفتیدشان مسخره تا فراموششان کردند یاد مرا و بودید بدیشان خنده زنان (۱۱۱) همانا پادشاهان دادم امروز بدانچه شکیا شدند که ایشانند رستگاران (۱۱۲) گفت چند ماندید در زمین به شمار سالیان (۱۱۳) گفتند ماندیم روزی یا پاره روزی پس بپرس از شمارندگان (۱۱۴) گفت نماندید مگر اندکی اگر بودید می دانستید (۱۱۵) پس آیا پنداشتید که شما را آفریدیم بیهده و آنکه شما بسوی ما باز نمی گردید (۱۱۶) پس برتر است خدا پادشاه حق نیست خدائی جز او پروردگار عرش گرامی (۱۱۷) و آنکو بخواند با خدا خدائی دیگر را که نیستش حجتی بر آن جز این نیست که حسابش نزد پروردگار او است و همانا رستگار نشوند کافران (۱۱۸) و بگو پروردگارا پیامر و رحم کن و توئی بهترین رحم کنندگان (۱۱۹)

النور

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سورتی است (بخشی است) فرستادیمش و بایسته داشتیمش و فرستادیم در آن آیتهایی روشن شاید یاد آورید (۲) زن زناکار و مرد زناکار بزیند هر کدام را از آنان صد ضربه (تازیانه) و نگیردتان بدانان رحمی در دین خدا اگر ایمان

دارید به خدا و روز بازپسین و باید گواه باشند شکنجه آنان را گروهی از مؤمنان (۳) مرد زناکار همسر نگیرد جز زناکاری یا مشرکی را و زن زناکار همسر نشود او را مگر زناکاری یا مشرکی و حرام است آن بر مؤمنان (۴) و آنان که پرتاب کنند بسوی زنان پارسا و سپس نیارند چهار تن گواهان پس بزیدشان هشتاد تازیانه و نپذیرید برای ایشان گواهیی هیچگاه و آنانند نافرمانان (۵) مگر آنان که بازگشتند از این پس و شایستگی گزیدند که خداوند است آمرزنده مهربان (۶) و آنان که پرتاب کنند بسوی زنان خود (پرتاب کردن بمعنی نسبت زنا دادن است) و نباشدشان گواهانی جز خویشان پس گواهی یکیشان چهار گواهی است سوگند به خدا که آن مرد است از راستگویان (۷) و پنجمین آنکه لعنت خدا باد بر او اگر باشد از دروغگویان (۸) و دور می کند از زن شکنجه را که گواهی دهد چهار گواهی سوگند به خدا که آن مرد است از دروغگویان (۹) و پنجمین آنکه خشم خدا بر او باد اگر آن مرد است از راستگویان (۱۰) و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش و آنکه خدا است توبه پذیرنده حکیم (۱۱) همانا آنان که آوردند تهمت را گروهی هستند از شما مپنداریدش بد برای شما بلکه آن خوب است برای شما هر مردی از ایشان است آنچه دست آورد است از گناه و آنچه برگرفته است بیشی از آن را از ایشان برای او است عذابی بزرگ (۱۲) چرا هنگامی که شنیدیدش گمان نبردند مردان و زنان مؤمن به همدیگر خوبی را و نگفتند این است تهمتی آشکار (۱۳) چرا نیاروندند بر آن چهار تن گواهان پس چون نیاروندند گواهان را آنانند نزد خدا دروغگویان (۱۴) و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش در دنیا و آخرت هر آینه می رسید شما را در آنچه فرو رفتید در آن عذابی بزرگ (۱۵) هنگامی که فرامی گرفتیدش به زبانهای خود و می گفتید با دهانهای خویش آنچه نبودتان بدان علمی و می پنداشتیدش آسان حالی که آن است نزد خدا بزرگ (۱۶) و چرا هنگامی که شنیدیدش نگفتید نرسد ما را که سخن رانیم بدین منزهی تو خدایا این است تهمتی بزرگ (۱۷) اندرز دهد شما را خدا نبادا باز گردید به مانند آن هیچگاه اگر هستید مؤمنان (۱۸) و آشکار سازد خدا برای شما آیتها را و خدا است دانای حکیم (۱۹) همانا آنان که دوست دارند که فراوان (یا فاش) شود فحشاء در آنان که ایمان آوردند ایشان را است عذابی دردناک در دنیا و آخرت و خدا می داند و شما نمی دانید (۲۰) و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش و آنکه خدا است رحمت آورنده مهربان (۲۱) ای آنان که ایمان آوردید پیروی نکنید گامهای شیطان را و هر که پیروی کند گامهای شیطان را همانا او امر کند به فحشاء و ناپسند و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش پاک نمی شد از شما کسی هیچگاه و لیکن خدا پاک سازد هر که را که خواهد و خدا است شنوای دانا (۲۲) و کوتاهی نکنند توانگران از شما و دارندگان گشایش که بدهند خویشاوندان و بینوایان و هجرت کنندگان را در راه خدا و باید عفو کنند و در گذرند آیا نمی خواهید (دوست ندارید) که بیامرزد خدا برای شما و خدا است آمرزنده مهربان (۲۳) همانا آنان که پرتاب کنند بسوی زنان پارسای بی خبر و مؤمن (آنان را به زنا متهم دارند) لعنت شوند در دنیا و آخرت و ایشان را است شکنجه ای بزرگ (۲۴) روزی که گواهی دهد بر ایشان زبانهایشان و دستهایشان و پاهایشان بدانچه بودند می کردند (۲۵) در آن روز بپردازدشان خدا دین ایشان را حق و بدانند که خداوند است حق آشکار (۲۶) زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلیدند و زنان پارسا (پاک) برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاکند آنان بیزارند از آنچه گویند ایشان را است آمرزشی و روزی گرامی (۲۷) ای آنان که ایمان آوردید درون نشوید خانه هائی را جز خانه های خویش تا آشنا شوید و سلام کنید بر اهلش این بهتر است برای شما شاید یاد آورید (۲۸) و اگر نیافتید در آنها کسی را پس در نیائید در آنها تا اذن داده شوید و اگر گفته شد به شما باز گردید پس باز گردید آن پاکتر است برای شما و خدا بدانچه کنید دانا است (۲۹) نیست بر شما باکی که در آئید به خانه های غیر مسکونی (تهی از کسان) که در آنها است کالا یا بهره ای برای شما و خدا می داند آنچه را آشکار کنید و آنچه را نهان دارید (۳۰) بگو به مؤمنان بپوشند دیدگان خود را و نگاه دارند فرجهای خود را آن پاکتر است برای ایشان همانا خدا آگاه است بدانچه می سازند (۳۱) و بگو به زنان مؤمنه فروپوشند دیدگان خود را و نگه دارند فرجهای خود را و آشکار نسازند زیور خود را مگر آنچه نمایان است (یا برآمده است از آن) و باید بیفکنند مقنعه های خود را بر گریبانهای خود و پدیدار نکنند زیور خویش را مگر برای شوهران خود یا پدران خود یا

پدران شوهران خود یا فرزندان خود یا فرزندان شوهران خود یا برادران خود یا برادرزادگان خود یا خواهرزادگان خود یا زنان خود یا آنچه مالک است دستهای ایشان یا پیروانی که ندارند گان کامند (یا نیازند) از مردان یا کودکانی که چیره نشده‌اند بر عورت‌های زنان و نکوبند زنان پای‌های خود را تا دانسته شود آنچه نهان دارند از زیور خویش و باز گردید بسوی خدا همگی ای مؤمنان شاید رستگار شوید (۳۲) و همسر گیرید زنان بی‌شوهر را از شما و شایستگان از بندگان و کنیزگان خویش را اگر باشند بینوایان بی‌نیازشان سازد خدا از فضل خود و خدا است گشایشمند دانا (۳۳) و باید خویشتن داری کنند (عفت ورزند) آنان که نمی‌یابند آمیزشی یا همسری تا بی‌نیازشان گرداند خدا از فضل خویش و آنان که خواستار مکاتبه هستند از آنچه دستهای شما مالک است پس مکاتبه کنید با ایشان اگر دانستید در ایشان خوبی را و دهیدشان از مال خدا که به شما داده است و وادار نکنید به ناخواه کنیزان خویش را به روسپی اگر خواهند خویشتن نگه‌داشتن را تا جوئید بهره زندگانی دنیا را و آنکو وادارشان کند همانا خداوند است پس از واداشتن آنان آمرزنده مهربان (۳۴) و همانا فرستادیم بسوی شما آیت‌هایی روشن و نمونه‌ای از آنان که گذاشتند پیش از شما و اندرزی برای پرهیزکاران (۳۵) خدا است نور آسمانها و زمین مثل نور او مانند قنبدیلی است که در آن است چراغی که آن چراغ است در بلوری آن بلور مانند ستاره است درخشان که افروخته شود از درخت خجسته زیتونی نه خاوری و نه باختری نزدیک است روغنش بتابد هر چند نرسدش آتش فروغی است بر فروغی رهبری کند خدا به نور خویش هر که را خواهد و بزند خدا مثلها را برای مردم و خدا است به همه چیز دانا (۳۶) در خانه‌هایی که رخصت داد خدا که افزاشته شود و برده شود در آنها نامش تسبیح گویدش در آنها بامدادان و شامگاه (۳۷) مردانی که سرگرمشان نسازد بازرگانی و نه سوداگری از یاد خدا و پپای داشتن نماز و دادن زکات ترسند روزی را که می‌گردد در آن دلها و دیده‌ها (۳۸) تا پاداششان دهد خدا بهتر آنچه کردند و بیفزایدشان از فضل خویش و خدا روزی دهد هر که را خواهد بی‌شمار (۳۹) و آنان که کفر ورزیدند کردارشان مانند سرابی است در خشکزاری که پنداردش تشنه لب آبی تا گاهی که بیایدش نیابدش چیزی و بیابد خدا را نزد آن پس بدو دهد حسابش را و خدا است شتابنده در حساب (۴۰) یا مانند تاریکی‌هایی در دریائی ژرف بیوشاندش موجی (فراگیردش) از فراز آن است موجی که از فراز آن است ابری تاریکی‌هایی است پاره‌ای از آنها بر فراز پاره‌ای گاهی که برون آرد دستش را نیارد که بیندش و آنکو نهاده است خدا برایش نوری پس نباشدش نوری (۴۱) آیا ندیدی که خدا تسبیح گویدش آنکه در آسمانها و زمین است و مرغان بال‌گشادگان هر کدام دانست نماز و تسبیحش را و خدا دانا است بدانچه کنند (۴۲) و برای خدا است پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا است بازگشت (۴۳) آیا نبینی که خدا براند ابری پس گرد آورد میانش تا بگرداندش توده انباشته که بینی باران را برون آید از شکافهای آن و بفرستد از آسمان از کوه‌هایی که در آنها است از تگرگ پس برساندش به هر که خواهد و باز گرداندش از هر که خواهد نزدیک است تابش برق آن ببرد دیدگان را (۴۴) می‌گرداند خدا شب و روز را همانا در این عبرتی برای خداوندان دیده‌ها است (۴۵) و خدا آفرید هر جنبنده را از آب پس از ایشان است آنکه می‌رود بر شکم خود و از ایشان است آنکه می‌رود بر دو پا و از ایشان است آنکه می‌رود بر چهار بیافرد خدا هر چه خواهد همانا خدا است بر همه چیز توانا (۴۶) همانا فرستادیم آیت‌هایی روشن و خدا هدایت کند هر که را خواهد بسوی راهی راست (۴۷) و گویند ایمان آوردیم به خدا و به رسول و فرمان بردیم پس پشت کنند گروهی از ایشان پس از آن و نیستند مؤمنان (۴۸) و گاهی که خوانده شوند بسوی خدا و پیمبرش تا حکم راند میانشان ناگاه گروهی از ایشانند روی گردانان (۴۹) و اگر باشد برای ایشان حق آیند بسوی او سرسپردگان (۵۰) آیا در دل‌های ایشان بیماری است یا شک دارند یا ترسند که ستم کند خدا بر ایشان و پیمبرش بلکه خود آنانند ستمکاران (۵۱) جز این نیست که گفتار مؤمنان گاهی که خوانده شوند بسوی خدا و پیمبرش تا حکم راند میان ایشان آن است که گویند شنیدیم و فرمانبردیم و ایشانند رستگاران (۵۲) و آنکو فرمان برد خدا و پیمبرش را و بترسد خدا را و بپرهیزدش پس آنانند کامیابان (۵۳) و سوگند یاد کردند به خدا سخت‌ترین سوگندان خود که اگر بفرومائیشان هر آینه برون روند بگو سوگند یاد نکنید فرمانبرداری است شناخته همانا خدا آگاه است بدانچه

می‌کنید (۵۴) بگو فرمان برید خدا را و فرمان برید پیمبر را پس اگر پشت کردند جز این نیست که بر او است آنچه بار شد و بر شما است آنچه بار شدید و اگر فرمانبریدش رهبری شوید و نیست بر پیمبر جز رساندن آشکار (۵۵) وعده داد خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و کردار شایسته کردند که جای‌نشین گردانندشان در زمین چنانکه جای‌نشین گردانید آنان را که پیش از ایشان بودند و هر آینه فرمانروا گردانند برای ایشان دینشان را که پسندید برای ایشان و همانا بدیشان دهد پس از ترسشان آسایشی پرستندم و شرک نوزند به من چیزی و آنکه کفر ورزد پس از این همانا آنانند نافرمانان (۵۶) و بیای دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمان برید پیمبر را شاید رحم شوید (۵۷) نپندار آنان را که کفر ورزیدند به عجز آرندگان در زمین و جایگاه ایشان است آتش و چه زشت بازگشتگاهی است (۵۸) ای آنان که ایمان آوردید باید دستور خواهند از شما آنان که مالک است دستهای شما و آنان که نرسیدند مردی را از شما سه بار پیش از نماز بامداد و گاهی که بگذارید جامه‌های خود را به نیمروز و پس از نماز شام سه عورت است برای شما نیست بر شما و نه بر ایشان پروائی پس از آنها گردش کنندگان باشند بر شما برخی بر برخی بدینسان بیان کند خدا برای شما آیتها را و خدا است دانای حکیم (۵۹) و هنگامی که رسند کودکان از شما مردی را پس باید دستوری خواهند چنانکه دستوری خواستند آنان که پیش از ایشان بودند بدینسان بیان کند خدای برای شما آیتهای خویش را و خدا است دانای حکیم (۶۰) و بازنشستگان از زنانی که امید آمیزش ندارند پس نیست بر ایشان پروائی که بگذارند جامه‌های خود را ناآشکار کنندگان زیوری و عفت جویند بهتر است برای ایشان و خدا است شنوای دانا (۶۱) نیست بر کور پروائی و نه بر لنگ پروائی و نه بر بیمار پروائی و نه بر شما که بخورید از خانه‌های خود یا خانه‌های پدران خود یا خانه‌های مادران خود یا خانه‌های برادران خود یا خانه‌های خواهران خود یا خانه‌های عمویان خود یا خانه‌های عمه‌های خود یا خانه‌های خالوهای خود یا خانه‌های خاله‌های خود یا آنچه دارید کلیدهای آن را یا دوستان نیست بر شما پروائی که بخورید همگی یا جدا جدا پس هنگامی که درآئید به خانه‌هایی سلام کنید بر خویشان درودی از نزد خدا فرخنده پاکیزه بدینسان روشن کند خدا برای شما آیتها را شاید بخرد آئید (۶۲) جز این نیست که مؤمنان آنانند که ایمان آوردند به خدا و پیمبرش و هر گاه با او باشند در کاری همگانی نروند تا دستوری از او خواهند همانا آنان که دستوری خواهند از تو آنانند که ایمان آرند به خدا و پیمبرش پس هر گاه دستوری خواستند از تو برای پاره کارشان پس دستوری ده به هر که خواهی از ایشان و آمرزش خواه برای ایشان از خدا که خدا است آمرزنده مهربان (۶۳) نگردانید خواندن پیمبر را میان شما مانند خواندن برخی از شما برخی را همانا داند خدا آنان را که می‌خزند از شما به پناهگاهی پس باید بترسند آنان که سرپیچند از فرمانش که برسدشان آزمایشی یا برسدشان شکنجه‌ای دردناک (۶۴) همانا خدا را است آنچه در آسمانها و زمین است به درست می‌داند آنچه را شما بر آنید و روزی که بازگردانیده شوند به سویش پس آگهیانشان دهد بدانچه کردند و خدا است به همه چیز دانا (۶۵)

الفرقان

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) خجسته باد آنکه فرستاد فرقان (جداکننده) را بر بنده خویش تا باشد برای جهانیان ترساننده (۲) آنکه وی را است پادشاهی آسمانها و زمین و برنگرفته است فرزندی و نبودش شریکی در پادشاهی و آفرید هر چیزی را و اندازه دادش اندازه دادنی (۳) و بر گرفتند جز وی خدایانی که نیافرند چیزی را و خود آفریده شوند و ندارند برای خویشان زیان و نه سودی را و ندارند مرگ و نه زندگی و نه برانگیختنی را (۴) و گفتند آنان که کفر ورزیدند نیست این مگر دروغی که بست آن را و یاریش کردند بر آن گروهی دگران همانا آوردند ستم و ناروایی را (۵) و گفتند افسانه‌های پیشینیان است بنوشته است آنها را پس خوانده می‌شوند بر او بامداد و شب هنگام (۶) بگو فرستاد آن را آنکه می‌داند نهان را در آسمانها و زمین همانا او است آمرزنده مهربان (۷) و گفتند چه شود این پیمبر را که می‌خورد خوراک را و می‌رود در بازارها چرا فرود آورده نشود بر او فرشته تا باشد با وی

ترساننده (۸) یا افکنده شود به سوی گنجی یا باشد برای او باغی که بخورد از آن و گفتند ستمگران پیروی نمی کنید جز مردی جادو شده را (۹) بنگر چگونه زدند برای تو مثلها را پس گمراه شدند پس نتوانند راهی را (۱۰) خجسته باد آنکه اگر خواهد بنهد برای بهتر از این باغهایی که روان است زیر آنها جوی ها و بنهد برای کاههایی را (۱۱) بلکه تکذیب کردند به ساعت و آماده کردیم برای آنکه تکذیب کند به ساعت آتش سوزان را (۱۲) گاهی که بنگردشان از جایگاهی دور بشنوند برایش خشمی و خروشی را (۱۳) و گاهی که افکنده شوند از آن به جایگاهی تنگ به هم فشرده بخواهند در آنجا مرگ را (۱۴) نخوانید امروز یک مرگ را و بخوانید مرگی فراوان را (۱۵) بگو آیا این بهتر است یا بهشت جاودانی که نوید داده شدند پرهیزکاران بوده است ایشان را پاداشی و بازگشتگاهی (۱۶) برای ایشان است آنچه خواهند جاودانان بوده است آن بر پروردگار تو وعده پرسیده (۱۷) و روزی که گردآردشان با آنچه پرستند جز خدا پس گوید آیا شما گمراه کردید بندگانم را اینان یا خود گم کردند راه را (۱۸) گویند منزهی تو نسزد ما را که گیریم جز تو دوستانی و لیکن کامیابیشان دادی و پدران ایشان را تا فراموش کردند کتاب را و شدند گروهی تباه (۱۹) پس به درست شما را تکذیب کردند بدانچه گویند پس توانید گردانیدنی و نه یاری کردن را و آنکه ستم کند از شما چشانیمش شکنجه ای بزرگ (۲۰) و فرستادیم پیش از تو از پیمبران جز آنکه آنان می خوردند خوراک را و راه می رفتند در بازارها و گردانیدیم برخی از شما را برای برخی آزمایش آیا شکیا شوید و بوده است پروردگار تو بینا (۲۱) و گفتند آنان که امید ندارند ملاقات ما را چرا فرود نشود بر ما فرشتگان یا بینیم پروردگار خویش را همانا برتری جستند در دلهاشان و سرکشی کردند سرکشی بزرگ (۲۲) روزی که بینند فرشتگان را نباد مژده در آن روز برای گنهکاران و گویند دور باشی دور (۲۳) و آمدیم بسوی آنچه کردند از کردار پس گردانیدیم گردی پراکنده (۲۴) یاران بهشت در آن روز بهترند در آرامش و نکوترند در آسودنگاه (۲۵) و روزی که بشکافد آسمان به ابر و فرستاده شوند فرشتگان فرستادنی (۲۶) پادشاهی در آن روز حق از آن خدای مهربان است و بوده است روزی بر کافران سخت (۲۷) و روزی که می گزد ستمگر دستهای خود را گوید کاش گرفته بودم با پیمبر راهی (۲۸) ای وای بر من کاش نمی گرفتم فلان را دوستی (۲۹) همانا گمراهم کرد از یادآوری (یا کتاب) پس از آنکه بیامدم و بوده است شیطان انسان را خوارسازنده (۳۰) و گفت پیمبر پروردگارا همانا قومم برگرفتند این قرآن را ترک شده (۳۱) و بدینسان قرار دادیم برای هر پیمبری دشمنی از گنهکاران و بس است پروردگار تو راهنما و یآوری (۳۲) و گفتند آنان که کفر ورزیدند چرا فرود آورده نشد بر او قرآن به یک بار بدینسان تا استوار سازیم بدان دلت را و به تدریج فرستادیمش تدریجی (۳۳) و نیارندت مثلی جز آنکه بیاریمت به حق و نکوتر تفسیری (۳۴) آنان که گرد آورده شوند (برانگیخته شوند) بر روی های خود بسوی دوزخ آنان بدترند در جایگاه و گمراه ترند در راه (۳۵) و همانا دادیم به موسی کتاب را و گردانیدیم با او برادرش هارون را وزیری (۳۶) پس گفتیم بروید بسوی قومی که دروغ پنداشتند آیت های ما را پس سرنگون ساختیمشان سرنگونی (۳۷) و قوم نوح هنگامی که تکذیب کردند فرستادگان را غرقشان کردیم و گردانیدیمشان برای مردم آیتی و آماده کردیم برای ستمگران عذابی دردناک را (۳۸) و عاد و ثمود و یاران رس و قرنهایی را میان آن بسیار (۳۹) و هر کدام زدیم برایش مثلها را و هر کدام را نابود کردیم نابودی (۴۰) و همانا آمدند بر شهری که باریده شد بارانی بد آیا نبودند که بینندش بلکه بودند امید نداشتند برانگیختنی را (۴۱) و هر گاه بینندت نگیرندت جز مسخره آیا این است آنکه برانگیختن خدا پیمبری (۴۲) نزدیک بود که گمراه کند ما را از خدایان ما اگر نه شکیا می شدیم بر آنها و زود است بدانند گاهی که بینند عذاب را کیست گمتر در راه (۴۳) آیا دیدی آن را که بگرفت خدای خویش را هوس خویش پس آیا تو هستی بر او وکیل (۴۴) یا پنداری که بیشترشان می شنوند یا بخرد می یابند نیستند جز مانند چهارپایان بلکه ایشانند گمتر در راه (۴۵) آیا ننگریستی بسوی پروردگار خویش چگونه پهن کرد سایه را و اگر می خواست هر آینه می گردانیدش مانده در یکجا سپس گردانیدیم خورشید را بر آن راهنما (۴۶) پس بگرفتیمش بسوی ما گرفتی آسان (۴۷) و او است آنکه گردانید برای شما شب را پوششی و خواب را آرامشی و گردانید روز را برانگیختنی (۴۸) و او است آنکه فرستاد بادهای را مژده پیش روی رحمتش و فرستادیم از آسمان آبی

پاک کننده (۴۹) تا زنده سازیم بدان شهری مرده را و بنوشانیمش از آنچه آفریدیم به دامها و مردمی بسیار (۵۰) و همانا گردانیدیمش میانشان تا یادآور شوند پس نخواستند بیشتر مردم جز ناسپاسی را (۵۱) و اگر میخواستیم هر آینه برمیانگیختیم در هر شهری ترسانندهای (۵۲) پس فرمانبرداری مکن کافران را و جهاد کن با ایشان بدان جهادی بزرگ (۵۳) و او است آنکه به هم آمیخت یا روان ساخت دو دریا را این گوارای پاکیزه و آن نمکی شور و بنهاد میان آن جداکنندهای و دیواری افراشته (۵۴) و او است آنکه آفرید از آب بشری پس گردانیدش تباری و پیوندی و بوده است پروردگار تو توانا (۵۵) و میپرستند جز خدا آنچه را نه سودشان دهد و نه زیانشان رساند و بوده است کافر بر پروردگار خویش پشتیبان (۵۶) و نفرستادیمت مگر نویددهنده و ترساننده (۵۷) بگو نپرسم شما را بر آن مزدی مگر آنکه خواهد که گیرد بسوی پروردگار خویش راهی (۵۸) و توکل کن بر زندهای که نمیرد و تسبیح کن به سپاسگزاری و بس است او به گناهان بندگان خویش آگاه (۵۹) آنکه آفرید آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است در شش روز سپس استوار شد بر عرش خداوند مهربان پس پیرس بدو آگهی را (۶۰) و هر گاه گفته شود بدینان سجده کنید برای خدای مهربان گویند چیست خدای مهربان آیا سجده کنیم برای آنچه تو ما را فرمائی و بیفزایدشان رمیدن (۶۱) خجسته باد آنکه نهاد در آسمان برجهایی و نهاد در آن چراغی و ماهی تابان را (۶۲) و او است آنکه گردانید شب و روز را جایگزین همدیگر برای آنکو بخواهد یادآور شود یا بخواهد سپاسگزاری را (۶۳) و بندگان خدای مهربان آناند که میروند بر زمین هموار و هر گاه سخن گویند با ایشان نادانان گویند سلامی (۶۴) و آنان که شب را به روز آرند برای پروردگار خویش سجده کنندگان و بپایستادگان (۶۵) و آنان که گویند پروردگارا بگردان از ما عذاب دوزخ را که عذاب آن است گیرنده (۶۶) همانا آن زشت است در آرامش و جایگاه (۶۷) و آنان که گاهی که اتفاق کنند نه فزون روند و نه سخت گیرند و باشند میان این اندازهای (۶۸) و آنان که نخوانند با خدا خدائی دیگر و نکشند تنی را که حرام کرد خدا مگر به حق و زنا نکنند و آنکه بکنندش بیابد کیفری را (۶۹) افزوده شود برایش عذاب روز قیامت و جاودان ماند در آن سرافکنده (۷۰) مگر آنکو باز گردد و ایمان آرد و کردار شایسته کند پس آنان تبدیل کند خدا بدی هاشان را به خوبیها و بوده است خدا آمرزنده مهربان (۷۱) و آنکه توبه کند و کردار نیک کند همانا باز گردد بسوی خدا بازگشتی (۷۲) و آنان که گواه نشوند ناروا را و گاهی که بگذرند به یاوه بگذرند بزرگواران (۷۳) و آنان که هر گاه یادآوری شوند به آیتهای پروردگار خویش نیفتند بر آنها کران و کوران (۷۴) و آنان که گویند پروردگارا ببخش ما را از همسران ما و فرزندان ما روشنی چشم و بگردان ما را برای پرهیزکاران پیشوائی (۷۵) آنان پاداش داده شوند جایگاه بلند را بدانچه شکبیا شدند و پیشکش شوند در آن بدرود و سلامی (۷۶) جاودانان در آن نکو آرامگاه و جایگاهی است (۷۷) بگو چه ارج نهد (پاک دارد) به شما پروردگار من اگر نبود دعای شما همانا تکذیب گردید پس زود است بشود لازم (گیرنده) (۷۸)

الشعراء

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) طسم (۲) این است آیتهای کتاب روشن (۳) شاید ببازی تو جان خویش را چرا نیستند مؤمنان (۴) اگر بخواهیم بفرستیم بر ایشان آیتی از آسمان پس بگردد گردنهاشان پیش آن فروتنان (۵) و نیایدشان یادآوری از خدای مهربان نوینی مگر آنکه باشند از آن روگردانان (۶) همانا تکذیب کردند پس زود هست بیایدشان داستانهای آنچه بودند بدان استهزاکنان (۷) آیا ننگرند بسوی زمین چه فراوان رویانیدیم در آن از هر جفتی گرامی (۸) در این است هر آینه آیتی و نیستند بیشترشان ایمان آرندگان (۹) و همانا پروردگار تو است عزتمند مهربان (۱۰) هنگامی که خواند پروردگار تو موسی را که برو به نزد گروه ستمگران (۱۱) قوم فرعون چرا پرهیزکاری نکنند (۱۲) گفت پروردگارا ترسم تکذیب کنند (۱۳) و تنگ شود سینهام و روان نگرده زبانم پس بفرست بسوی هارون (۱۴) و ایشان را است بر من گناهی و ترسم مرا بکشند (۱۵) گفت نه چنین است بروید شما هر دو به آیتهای ما که مائیم با شما شنوندگان (۱۶) پس درآئید بر فرعون و بگوئید مائیم فرستاده پروردگار جهانیان (۱۷) که بفرست با ما

بنی اسرائیل را (۱۸) گفت آیا نپرویدمت نزد ما به نوزادی و ماندی نزد ما از عمر خویش سالیانی (۱۹) و کردی کارت را آن را که کردی و بودی از ناسپاسان (۲۰) گفت کردمش آن هنگام و بودم من از گمراهان (۲۱) پس گریختم از شما گاهی که ترسیدمتان پس بخشید مرا پروردگار من فرمانی و گردانیدم از پیمبران (۲۲) و این نعمتی است که منتش را بر من نهی که بنده گرفتی بنی اسرائیل را (۲۳) گفت فرعون و چیست پروردگار جهانیان (۲۴) گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است اگر هستید یقین دارندگان (۲۵) گفت بدانان که در پیرامونش بودند آیا نمی شنوید (۲۶) گفت پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینیان (۲۷) گفت همانا پیمبر شما که فرستاده شده است بسوی شما هر آینه او است دیوانه (۲۸) گفت پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آنها است اگر هستید خردمندان (۲۹) گفت اگر بگرفتی خدائی جز من هر آینه بگردانمت از زندانیان (۳۰) گفت و اگر چه بیمارمت چیزی آشکار (۳۱) گفت پس بیارش اگر هستی از راستگویان (۳۲) پس افکند چوبدست خود را ناگهان آن است اژدری نمایان (۳۳) و برآورد دست خود را ناگهان آن است پرتوی برای بینندگان (۳۴) گفت بدان گروه که در گردش بودند همانا این است جادوگری دانشمند (۳۵) خواهد برون کند شما را از سرزمین شما به جادوی خویش تا چه فرمان دهید (۳۶) گفتند نگهدار او و برادرش را و بفرست در شهرستانها گردآورندگان (۳۷) تا بیارندت بهر جادوگری دانشمند (۳۸) پس گرد آورده شدند جادوگران برای وعده گاه روزی شناخته (۳۹) و گفته شد به مردم آیا شمائید گردآیندگان (۴۰) شاید پیروی کنیم جادوگران را اگر بودند پیروزمندان (۴۱) پس هنگامی که آمدند جادوگران گفتند به فرعون آیا ما را است مزدی اگر شدیم پیروزمندان (۴۲) گفت آری و همانا شمائید در آن هنگام از نزدیکان (۴۳) گفت بدیشان موسی بیفکنید آنچه را شمائید افکنندگان (۴۴) پس بیفکندند ریسمانها و چوبهای خود را و گفتند به فرعون مائیم همانا پیروزمندان (۴۵) پس افکند موسی چوبدست خویش را ناگهان فروبرد آنچه را به دروغ آوردند (۴۶) پس بیفتادند جادوگران سجده کنان (۴۷) گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان (۴۸) پروردگار موسی و هارون (۴۹) گفت ایمان آوردید بدو پیش از آنکه دستورتان دهم همانا او بزرگ شما است که آموخت به شما جادوگری را پس زود است بدانید همانا سخت بیزم دستها و پایهای شما را از برابر و هر آینه به دارتان کشم همگی (۵۰) گفتند نیست باکی مائیم بسوی پروردگار خویش بازگشتگان (۵۱) همانا امیدواریم بیامرزد برای ما پروردگار ما گناهان ما را که بودیم نخستین ایمان آرندگان (۵۲) و وحی کردیم به موسی که شبانه بر بندگانم را همانا شمائید پیروی شدگان (۵۳) پس فرستاد فرعون در شهرستانها گردآورندگان (۵۴) که اینانند همانا گروهی اندک (۵۵) و همانا ایشانند بر ما خشم آرندگان (۵۶) و هر آینه مائیم همگی بیمناکان (۵۷) پس برون راندمشان از باغها و چشمه سارها (۵۸) و گنجها و جایگاهی گرامی (۵۹) بدینسان و ارث دادیمش به بنی اسرائیل (۶۰) پس از پی ایشان بیامدند به هنگام خورشید تابان (۶۱) تا گاهی که نمودار شدند (دیدار کردند) دو گروه گفتند یاران موسی که مائیم دریافتگان (۶۲) گفت نهچنین است همانا با من است پروردگارم زود است رهبریم کند (۶۳) پس وحی کردیم به موسی که بزَن چوبدست خود را به دریا پس بشکافت و شد هر دیواری چون کوهی بزرگ (۶۴) و جای دادیم در آنجا دگران را (۶۵) و رهانیدیم موسی و آنان را که با او بودند همگی (۶۶) سپس به دریا فروبردیم دگران را (۶۷) همانا در این است آیتی و نیستند بیشترشان ایمان آرندگان (۶۸) و همانا پروردگار تو است هر آینه عزتمند مهربان (۶۹) و بخوان بر ایشان داستان ابراهیم را (۷۰) هنگامی که گفت به پدر خویش و قومش چه می پرستید (۷۱) گفتند می پرستیم بتانی را پس می باشیم پیرامون آنها گردآمدگان (۷۲) گفت آیا می شنوند شما را گاهی که می خوانید (۷۳) یا سودتان بخشند یا آیان رسانند (۷۴) گفتند بلکه یافتیم پدران خود را چنین می کردند (۷۵) گفت آیا دیدید آنچه را بودید می پرستید (۷۶) شما و پدران شما پیشتران (۷۷) که ایشان مرا دشمنند مگر پروردگار جهانیان (۷۸) آنکه مرا آفرید پس رهبریم کند (۷۹) و آنکه بخوراند و بنوشاندم (۸۰) و گاهی که بیمار شوم پس او بهبودیم دهد (۸۱) و آنکه بمیراندم سپس زنده سازدم (۸۲) و آنکه امیدوارم که بیامرزد برای من گناهانم را روز دین (۸۳) پروردگار ارازان دار مرا حُکمی و برسانم به شایستگان (۸۴) و قرار ده برای من زبان راستی در آخران (۸۵) و بگردانم از ارث برندگان بهشت نعمتها (۸۶) و

بیمارز برای پدرم که او بود همانا از گمراهان (۸۷) و خوارم نکن روزی که برانگیخته شوند (۸۸) روزی که سود ندهد مال و نه فرزندان (۸۹) مگر آنکه بیاید خدا را با دلی درست (۹۰) و آماده شد بهشت برای پرهیزکاران (۹۱) و پدید آورده شد دوزخ برای گمراهان (۹۲) و گفته شد بدیشان کجا بودید می پرستیدید (۹۳) جز خدا را آیا یاری کنند شما را یا یاری جویند (۹۴) پس به روی افکنده شدند در آن ایشان و گمراهان (۹۵) و سپاه‌های ابلیس همگان (۹۶) گفتند و ستیزه می کردند در آن (۹۷) سوگند به خدا همانا بودیم ما در گمراهی آشکار (۹۸) هنگامی که یکسان داشتیم شما را با پروردگار جهانیان (۹۹) و گمراه نکردند ما را مگر گنهکاران (۱۰۰) پس نیست ما را شفاعت گرانی (۱۰۱) و نه دوستی مهربان (۱۰۲) کاش ما را بازگشتی بودی تا می شدیم از مؤمنان (۱۰۳) همانا در این است آیتی و نیستند بیشتر ایشان ایمان آرندگان (۱۰۴) و همانا پروردگار تو او است عزتمند مهربان (۱۰۵) تکذیب کردند قوم نوح فرستادگان را (۱۰۶) هنگامی که گفت بدیشان برادرشان نوح چرا پرهیزکاری نکنید (۱۰۷) همانا منم برای شما فرستاده‌ای امین (۱۰۸) پس بترسید خدا را و مرا فرمان برید (۱۰۹) و نپرسمتان بر آن مزدی نیست مزد من جز بر پروردگار جهانیان (۱۱۰) پس بترسید خدا را و مرا فرمان برید (۱۱۱) گفتند آیا ایمان آوریم برایت و پیرویت کردند فرومایگان (۱۱۲) گفت چه دانائی است مرا بدانچه بودند می کردند (۱۱۳) نیست حسابشان جز بر پروردگار من اگر دریابید (۱۱۴) و نیستم من دورکننده مؤمنان (۱۱۵) نیستم من جز ترساننده آشکار (۱۱۶) گفتند اگر دست برنداری ای نوح هرآینه بشوی از سنگسارشدگان (۱۱۷) گفت پروردگارا همانا قومم تکذیب کردند (۱۱۸) پس بگشای میان من و ایشان گشایشی و برهانم و آنان را که با منند از مؤمنان (۱۱۹) پس رهانیدمیش و آنان که با او بودند در کشتی پرشده‌ای (۱۲۰) سپس غرق کردیم پس از این بازماندگان را (۱۲۱) همانا در این است آیتی و نیستند بیشترشان مؤمنان (۱۲۲) و همانا پروردگار تو است عزتمند مهربان (۱۲۳) تکذیب کردند عاد فرستادگان را (۱۲۴) هنگامی که گفت بدیشان برادرشان هود چرا پرهیزکاری نکنید (۱۲۵) همانا منم برای شما فرستاده امین (۱۲۶) پس بترسید از خدا و مرا فرمان برید (۱۲۷) و نپرسمتان بر آن پاداشی نیست مزدم مگر بر پروردگار جهانیان (۱۲۸) آیا بنیاد می نهید به هر پشته‌ای نشانی بیهده بازی کنید (۱۲۹) و برگزید کوشکهای شاید شما جاودان مانید (۱۳۰) و هر گاه خشمگین شوید خشمگین شوید ستمگرانه (۱۳۱) پس بترسید خدا را و مرا فرمان برید (۱۳۲) و بترسید آن را که یاری کرده است شما را بدانچه می دانید (۱۳۳) کمک کرده است شما را به دامها و فرزندان (۱۳۴) و باغها و چشمه سارها (۱۳۵) همانا می ترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ (۱۳۶) گفتند یکسان است بر ما چه اندرز دهی یا نباشی از اندرزگویان (۱۳۷) نیست این مگر این خوی پیشینیان (۱۳۸) و نیستم ما عذاب شدگان (۱۳۹) پس تکذیبش کردند پس نابودشان ساختیم همانا در این است آیتی و نیستند بیشترشان مؤمنان (۱۴۰) و همانا پروردگار تو است عزتمند مهربان (۱۴۱) تکذیب کردند ثمود فرستادگان را (۱۴۲) هنگامی که گفت بدیشان برادرشان صالح چرا پرهیز نکنید (۱۴۳) همانا منم برای شما فرستاده امین (۱۴۴) پس پرهیز کنید خدا را و مرا فرمان برید (۱۴۵) و پرسش نکنم شما را بر آن مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان (۱۴۶) آیا رها می شوید در آنچه اینجا است آرمیدگان (۱۴۷) در باغها و چشمه سارها (۱۴۸) و کشتزارها و نخلستانهایی که شکوفه آنهاست رسیده (یا گوارا) (۱۴۹) و می تراشید از کوهها خانه‌هایی کامرانان (۱۵۰) پس بترسید خدا را و فرمانم برید (۱۵۱) و اطاعت نکنید از دستور اسراف کنندگان (۱۵۲) آنان که تبهکاری کنند در زمین و درست کاری نکنند (اصلاح نکنند) (۱۵۳) گفتند جز این نیست که تویی از جادو شدگان (۱۵۴) نیستی تو جز بشری همانند ما پس بیاور آیتی اگر هستی از راستگویان (۱۵۵) گفت این است اشتری برای آن آبشخوری و برای شما است آبشخور روزی دانسته (۱۵۶) و نگردید گردش به بدی که بگیرد شما را شکنجه روزی بزرگ (۱۵۷) پس پی کردنش پس بامداد کردند پشیمانان (۱۵۸) پس گرفت ایشان را عذاب همانا در این است آیتی و نیستند بیشترشان ایمان آرندگان (۱۵۹) و همانا پروردگار تو او است عزتمند مهربان (۱۶۰) تکذیب کردند قوم لوط فرستادگان را (۱۶۱) گاهی که گفت بدیشان برادرشان لوط چرا پرهیزکاری نکنید (۱۶۲) همانا منم برای شما فرستاده امین (۱۶۳) پس بترسید خدا را و مرا فرمان برید (۱۶۴) و نپرسم شما را بر آن پاداشی نیست

مزد من مگر بر پروردگار جهانیان (۱۶۵) آیا در آمیزید با نران از جهانیان (۱۶۶) و می گذارید آنچه را آفریده است برای شما پروردگار شما از همسران خویش بلکه شمائید گروهی تجاوزگران (۱۶۷) گفتند اگر بس نکنی ای لوط همانا شوی از برون راندگان (۱۶۸) گفت همانا منم کار شما را از رها کنندگان (۱۶۹) پروردگارا برهان مرا و خاندانم را از آنچه می کنند (۱۷۰) پس نجاتش دادیم و خاندانش را همگی (۱۷۱) مگر پیرزنی در گذشتگان (۱۷۲) پس نگوئید که کردیم دگران را (۱۷۳) و باریدیم بر آنان بارانی پس چه زشت است باران بیم دادگان (۱۷۴) همانا در این است آیتی و نیستند بیشترشان ایمان آرندگان (۱۷۵) و همانا پروردگار تو است عزتمند مهربان (۱۷۶) تکذیب کردند یاران ای که فرستادگان را (۱۷۷) هنگامی که گفت بدیشان شعیب چرا پرهیزکاری نکنید (۱۷۸) همانا منم شما را فرستاده ای امین (۱۷۹) پس بترسید خدا را و فرمانم برید (۱۸۰) و نپرسم شما را بر آن مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان (۱۸۱) تمام دهید پیمانه را و نباشید از کم دهندگان (۱۸۲) و بسنجید با سنگ (ترازوی) راست (۱۸۳) و کم ندهید به مردم چیزهای ایشان را و نکوشید در زمین تباه کنندگان (۱۸۴) و بترسید آن را که آفرید شما را و آفریدگان پیشینان (۱۸۵) گفتند جز این نیست که توئی از جادو شدگان (۱۸۶) و نیستی تو مگر بشری مانند ما و همانا پنداریمت از دروغگویان (۱۸۷) پس بیفکن بر ما پاره هائی از آسمان اگر هستی از راستگویان (۱۸۸) گفت پروردگار من دانایتر است بدانچه می کنید (۱۸۹) پس تکذیبش کردند پس بگرفتشان عذاب روز ظلّه (سایبان) که بوده است آن عذاب روزی بزرگ (۱۹۰) همانا در این است آیتی و نیستند بیشتر ایشان مؤمنان (۱۹۱) و همانا پروردگار تو است عزتمند مهربان (۱۹۲) و همانا آن است فرود آوردن پروردگار جهانیان (۱۹۳) فرود آوردش روح الامین (۱۹۴) بر دل تو تا باشی از ترسانندگان (۱۹۵) به زبان عربی آشکار (۱۹۶) و همانا آن است در کتب پیشینان (۱۹۷) آیا نیست برای ایشان آیتی که بدانندش دانشمندان بنی اسرائیل (۱۹۸) و اگر می فرستادیمش بر یکی از گنگ زبانان (۱۹۹) پس می خواندش بر ایشان نبودند بدان ایمان آرندگان (۲۰۰) بدینسان راهش دادیم در دلهای گنهکاران (۲۰۱) که ایمان نیارند بدان تا ببینند عذاب دردناک را (۲۰۲) که بیایدشان ناگاه و ایشان ندانند (۲۰۳) پس گویند آیا مائیم مهلت دادگان (۲۰۴) آیا به عذاب ما می شتابند (۲۰۵) آیا دیده باشی که اگر کامروا گردانیمشان سالیانی (۲۰۶) پس بیایدشان آنچه وعده داده می شوند (۲۰۷) بی نیاز نکند از ایشان آنچه بودند بهره ور می شدند (۲۰۸) و نابود نساختیم شهری را مگر برای آن بود ترسانندگانی (۲۰۹) یاد آوردنی است و نیستیم ما ستمکاران (۲۱۰) و فرود نیاوردنش شیاطین (۲۱۱) و نسزد ایشان را و نتوانند (۲۱۲) همانا ایشانند از شنیدن دورماندگان (۲۱۳) پس نخوان با خدا خدائی دیگر را که باشی از عذاب شدگان (۲۱۴) و بترسان خویشاوندان خویش را نزدیکان (۲۱۵) و فرود کن بال خود را برای هر که پیرویت کند از مؤمنان (۲۱۶) پس اگر عصیان کردند بگو من بیزارم از آنچه می کنید (۲۱۷) و توکل کن بر خدای عزتمند مهربان (۲۱۸) آنکه می بیند گاهی که بیا می شوی (۲۱۹) و گردش تو را در سجده کنندگان (۲۲۰) که او است همانا شنوای دانا (۲۲۱) آیا آگهیبتان دهم که بر که فرود می آیند شیاطین (۲۲۲) فرود آیند بر هر دروغ پرداز گنهباری (۲۲۳) که فرادهند گوش را و بیشتر ایشانند دروغگویان (۲۲۴) و شاعران و پیروی کنند گمراهان (۲۲۵) آیا نبینی که ایشانند در هر بیغوله ای سرگردان (۲۲۶) و آنکه گویند آنچه را نکنند (۲۲۷) مگر آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و یاد کردند خدا را بسیار و یاری جستند پس از آن که ستم شدند و زود است بدانند آنان که ستم کردند چه بازگشتگاهی باز می گردند (۲۲۸)

النمل

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) طس این است آیت های قرآن و کتابی آشکار (۲) هدایت و بشارتی برای مؤمنان (۳) آنان که بپا می دارند نماز را و می دهند زکات را و ایشانند به آخرت یقین دارندگان (۴) همانا آنان که ایمان نیارند به آخرت آراستیم برای ایشان کارهای ایشان را پس ایشانند سرگردانان (۵) آنانند که برای ایشان است زشتی عذاب و ایشانند در آخرت زیانمندان (۶) و

همانا تو داده می‌شوی قرآن را از نزد حکیمی دانا(۷) هنگامی که گفت موسی به خاندانش که احساس کردم آتشی زود است بیارم شما را از آن خبری یا بیارم شما را اخگری گیرانه شاید گرم شوید(۸) پس هنگامی که پیامدش خوانده شد که خجسته باد آنکه در آتش است و آنکه پیرامون آن است و منزّه است خدا پروردگار جهانیان(۹) ای موسی همانا منم خداوند عزّتمند حکیم(۱۰) و بیفکن عصای خویش را پس گاهی که نگریستش می‌جنبید گوئیا ماری زبر و سبکخیز است باز گشت پشت کننده و به پشت برنگشت ای موسی نترس همانا نترسد نزد من فرستادگان(۱۱) مگر آنکه ستم کند پس جایگزین گرداند خوبی را پس از بدی که منم همانا آمرزنده مهربان(۱۲) و فرو بر دستت را در گریبان خود برون آید درخشنده بی‌آزاری در نه آیت بسوی فرعون و قومش که همانا بودند قومی فاسقان(۱۳) پس هنگامی که پیامدشان آیت‌های ما روشن گفتند این است جادویی آشکار(۱۴) و انکار کردند آنها را حالی که یقین بدانها داشت دل‌های ایشان به ستم و سرکشی پس بنگر چگونه بود فرجام تبه‌کاران(۱۵) و همانا ارزانی داشتیم به داود و سلیمان دانشی و گفتند سپاس خدای را که برتری داد ما را بر بسیاری از بندگان او مؤمنان(۱۶) و ارث بُرد سلیمان از داود و گفت ای مردم آموخته شدیم سخن مرغان را و داده شدیم از همه چیز همانا این است هر آینه فضلی آشکار(۱۷) و گردآورده شد برای سلیمان سپاه‌هایش از پری و آدمی و مرغان پس ایشانند بازداشت‌شدگان(۱۸) تا گاهی که آمدند بر درّه مورچگان گفت مورچه‌ای ای گروه مورچگان در آئید به نشیمنگاه خویش نبادا پایمالتان کنند سلیمان و سپاهیان و ایشان درنیابند(۱۹) پس لبخندی زد خندان از گفتارش و گفت پروردگارا توفیقم ده که سپاسگزارم نعمت را که ارزانی داشتی بر من و بر پدر و مادرم و آنکه شایسته‌ای کنم که تو را پسند آید و درآور مرا به رحمت خود در بندگان شایسته خویش(۲۰) و جُست مرغان را پس گفت چه شوم نبینم هُدهُد را یا شده است از ناپیدایان(۲۱) همانا شکنجه کنمش شکنجه‌ای سخت یا سرش را بُرم یا آنکه بیاردم فرمانی آشکار(۲۲) پس درنگ کرد نه دور گفت فراگرفتم آنچه را فرانگرفتی آن را و آوردمت از سبا داستانی را یقین(۲۳) هر آینه یافتم زنی را که پادشاه آنان بود و داده شده بود از همه چیز و بود او را تختی بزرگ(۲۴) یافتمش با کسان خود سجده می‌کردند برای خورشید نه خدا و آراسته بود برای ایشان شیطان کردار ایشان را پس بازداشته بودشان از راه پس راه نمی‌برند(۲۵) چرا سجده نکنند برای خداوندی که برون آرد نهانها را در آسمانها و زمین و می‌داند آنچه را نهان کنیدی و آنچه آشکار سازید(۲۶) خدا که نیست خدائی جز او پروردگار عرش بزرگ(۲۷) گفت زود است بنگریم آیا راست گفتی یا بودی از دروغگویان(۲۸) ببر نامه مرا این و بیفکنش بسوی آنان پس برگرد از ایشان و بنگر چه پاسخ گویند(۲۹) گفت آن زن ای گروه همانا به سویم افکنده شد نامه‌ای گرامی(۳۰) همانا آن از سلیمان است و همانا آن است به نام خداوند بخشنده مهربان(۳۱) که برتری نجوئید بر من و بیائید مرا تسلیم‌شوندگان(۳۲) گفت آن زن ای گروه دستوری دهیم در کارم نبوده‌ام برنده کاری تا شما گواهی دهید(۳۳) گفتند مائیم خداوندان توانائی و دارندگان نیروئی سخت و کار با تو است پس بنگر تا چه فرمان دهی(۳۴) گفت آن زن همانا شهان هرگاه به کشوری درآیند تباهش کنند و بگردانند مهتران مردمش را کهتران و بدینسان کار کنند(۳۵) و همانا من فرستنده‌ام بسوی ایشان پیشکشی پس نگرانم چه پاسخ آورند فرستادگان(۳۶) پس هنگامی که پیامد سلیمان را گفت آیا کمک کنید به مال همانا آنچه داد مرا خدا بهتر است از آنچه داد شما را بلکه شما خود را به پیشکش خویشید شادمان(۳۷) باز گرد بسوی ایشان که همانا بیاریم ایشان را لشگرهائی که تاب نباشدشان بدانان و همانا برون رانیمشان از آن خوار حالی که ایشانند سرافکندگان(۳۸) گفت ای گروه کدامین از شما آوردم تخت آن زن را پیش از آنکه بر من درآیند تسلیم‌شدگان(۳۹) گفت دیوی از پریان من آرمت بدان پیش از آنکه از جای خویش خیزی و منم هر آینه بر آن توانائی امین(۴۰) گفت آنکه نزدش بود دانشی از کتاب من آرمت بدان پیش از آنکه باز گردد بسوی تو مژه‌ات پس هنگامی که نگریستش جایگزین نزد خویش گفت این از فضل پروردگارم باشد تا نیازمایدم آیا شکر می‌کنم یا کفران ورزم و آنکه شکر کند جز این نیست که برای خویشتن سپاسگزارد و آنکه کفران کند همانا پروردگار من است بی‌نیازی گرامی(۴۱) گفت ناشناس دارید برایش تختش را بنگریم آیا رهبری می‌شود یا می‌باشد از آنان که رهبری نشوند(۴۲) پس گاهی که پیامد آن زن

گفته شد آیا چنین است تخت گفت گوئیا این است آن و داده شدیم دانش را پیش از آن و بودیم تسلیم شدگان (۴۳) و بازداشتش آنچه بود می پرستید جز خدا همانا بود او از گروهی کافران (۴۴) گفته شد بدو به کاخ اندرآی پس گاهی که نگرستش پنداشتش آبگیری و برهنه ساخت ساقهای خویش را گفت همانا آن است کاخی لغزنده ساخته از بلور گفت آن زن پروردگارا همانا ستم به خود کردم و اسلام آوردم با سلیمان برای خدا پروردگار جهانیان (۴۵) و همانا فرستادیم بسوی ثمود برادرشان صالح را که پرستش کنید خدا را ناگهان ایشان دو گروهند ستیزه کنان (۴۶) گفت ای قوم من چرا می شتابید به بدی پیش از خوبی چرا آمرزش نمی جوئید از خدا شاید رحم آورده شوید (۴۷) گفتند به فال بد گرفتیم تو و آنان را که با تو هستند گفت همانا فال بد شما نزد خدا است بلکه شمائید گروهی گرفتارشدگان (یا آزمودگان) (۴۸) و بودند در شهر نه تیره که تبهکاری می کردند در زمین و اصلاح نمی کردند (۴۹) گفتند سوگند یاد کنید به خدا که شیخون آریم بر او و خاندانش و سپس گوئیم به ولی او که ندیدیم (یا گواهی ندادیم) هلاک خویشاوندش را (یا خاندانش را) و هر آینه مائیم راستگویان (۵۰) و آوردند نیرنگی و آوردیم نیرنگی و آنان دریافتند (۵۱) پس بنگر چگونه شد فرجام نیرنگشان که واژگون ساختیم ایشان را با قومشان همگی (۵۲) پس اینک خانه های آنان فرود آمده بدانچه ستم کردند همانا در این است نشانی برای گروهی که می دانند (۵۳) و نجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزکاری می کردند (۵۴) و لوط را هنگامی که گفت به قوم خود آیا مرتکب فحشا شوید (ناشیست را آورید) و شمائید بینایان (۵۵) آیا شما با مردان گردائید به شهوت نه زنان بلکه شمائید گروهی نادانان (۵۶) پس نبود پاسخ قومش جز آنکه گفتند برون کنید خاندان لوط را از شهر خویش که ایشانند مردانی پاکیزگی جویان (۵۷) پس رهانیدیم او و خاندانش را مگر زنش که مقدر گردانیدیم او را از گذشتگان (۵۸) و باریدیم بر آنان بارانی پس چه زشت است باران بیم دادگان (۵۹) بگو سپاس خدا را و سلام بر بندگان او که برگزیده است آیا خدا بهتر است یا آنچه شرک می ورزند (۶۰) یا آنکه آفرید آسمانها و زمین را و فرستاد برای شما از آسمان آبی پس رویانیدیم بدان باغستانی خرم نرسد شما را که برویانید درختش را آیا خدائی است با خدا بلکه ایشانند قومی کجروان (۶۱) یا آنکه گردانید زمین را آرامشگاهی و گردانید میان آن جوی هائی و گردانید برای آنها لنگرهایی و گردانید میان دو دریا فاصلی (دیواری) آیا خدائی است با خدا بلکه بیشترشان نمی دانند (۶۲) یا آنکه اجابت کند بیچاره را گاهی که خواندش و بگشاید رنج را و بگرداند شما را جانشینان زمین آیا خدائی است با خدا به کمی یادآور شوید (۶۳) یا آنکه هدایت کند شما را در تاریکی های دشت و دریا و آنکه بفرستد باده را مرده ای پیش روی رحمتش آیا خدائی است با خدا برتر است خدا از آنچه شرک ورزند (۶۴) یا آنکه آغاز کند آفرینش را سپس برگرداندش و آنکه روزیتان دهد از آسمان و زمین آیا خدائی است با خدا بگو بیارید دستاویز خود را اگر هستید راستگویان (۶۵) بگو نداند آنکه در آسمان و زمین است نهان را بجز خدا و درنیابند کی (چه هنگام) برانگیخته شوند (۶۶) بلکه رسید دانش ایشان در آخرت بلکه ایشانند در شکی از آن بلکه ایشانند از آن کوران (۶۷) و گفتند آنان که کفر ورزیدند آیا گاهی که شدیم خاک و پدران ما آیا مائیم هر آینه برون آوردگان (۶۸) همانا وعده دادیم این را ما و پدران ما از پیش نیست این جز افسانه های پیشینیان (۶۹) بگو برگردید در زمین پس بنگرید چگونه بود فرجام گنهکاران (۷۰) و اندوهگین نباش بر ایشان و نباش در تنگنایی از آنچه نیرنگ آوردند (۷۱) و گویند کی (چه هنگام است) این وعده اگر هستید راستگویان (۷۲) بگو امید است نزدیک باشد برای شما پاره ای از آنچه شتاب می جوئید (۷۳) و همانا پروردگار تو دارای فضلی است بر مردم و لیکن بیشترشان سپاس ن گزارند (۷۴) و هر آینه پروردگار تو می داند آنچه را نهان کند سینه های ایشان و آنچه آشکار کنند (۷۵) و نیست ناپیدائی در آسمان و زمین مگر در کتابی است هویدا (۷۶) همانا این قرآن می سیراید بر بنی اسرائیل بیشتر آنچه را ایشانند در آن اختلاف کنندگان (۷۷) و همانا آن هدایت و رحمتی است برای مؤمنان (۷۸) همانا پروردگار تو حکومت می کند میان ایشان به حکم خود و او است عزتمند دانا (۷۹) پس توکل کن بر خدا که تویی بر حق هویدا (۸۰) هر آینه نشنوانی تو مُردگان را و نشنوانی به کران بانگ را گاهی که برگردند پشت کنان (۸۱) و نیستی تو هدایت کننده کوران را از گمراهی خود نشنوانی جز آن را

که ایمان آورد به آیت‌های ما پس ایشانند تسلیم شدگان (۸۲) و گاهی که فرود آید بر ایشان سخن برون آریم برای ایشان جنبنده‌ای را از زمین سخن گوید با ایشان که بودند مردم به آیت‌های ما یقین نمی‌آوردند (۸۳) و روزی که برانگیزیم از هر امتی گروهی را از آنان که تکذیب کنند به آیت‌های ما پس بازداشت شوند (۸۴) تا گاهی که آیند گوید آیا تکذیب کردید آیت‌های مرا و فرانگرفتید آنها را به دانش یا چه بود آنچه می‌کردید (۸۵) و فرود آمد بر ایشان سخن بدانچه ستم کردند پس ایشان سخن نگویند (۸۶) آیا نبینند که ما نهادیم شب را تا آرامش کنند در آن و روز را روشن همانا در این است آیت‌هایی برای گروهی که ایمان آرند (۸۷) و روزی که دمیده شود در صور پس بمیرند از هراس آنان که در آسمانها و آنان که در زمینند مگر آنکه خواهد خدا و همه بیابندش سرافکندگان (۸۸) و بینی کوه‌ها را پندار ایشان خشک بر جای خود حالی که می‌گذرند همانند گذشتن ابر ساخت خدائی که درست کرد همه چیز را همانا او آگاه است بدانچه می‌کنید (۸۹) آنکو نکوئی آرد پس او را است بهتر از آن و ایشانند از هراس در آن روز ایمنان (۹۰) و آنکه بدی آرد پس بروی افتد چهره‌های آنان در آتش آیا پاداش داده می‌شوید جز آنچه را بودید می‌کردید (۹۱) جز این نیست که فرمان داده شدم که پرستش کنم پروردگار این شهر را آنکه حرامش گردانید و برای او است همه چیز و دستور داده شدم که باشم از اسلام آرندگان (۹۲) و آنکه بخوانم قرآن را پس آنکه رهبری شود جز این نیست که رهبری شود برای خویشتن و آنکه گمراه شود بگو جز این نیست که منم از ترسانندگان (۹۳) و بگو سپاس خدای را زود است بنمایندگان آیت‌های خویش را تا بشناسید آنها را و نیست پروردگار تو ناآگاه از آنچه می‌کنید (۹۴)

القصص

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) طسم (۲) این است آیت‌های کتاب هویدا (۳) می‌خوانیم بر تو از داستان موسی و فرعون به حق برای گروهی که ایمان آرند (۴) همانا فرعون برتری جُست در زمین و گردانید مردمش را گروهائی ناتوان می‌گرفت دسته‌ای از آنان را سر می‌برد فرزندان ایشان را و می‌گذارد زنان ایشان را و همانا او بود از تباهکاران (۵) و خواهیم مَت نهیم بر آنان که ناتوان شمرده شدند در زمین و بگردانیمشان پیشوایانی و بگردانیمشان ارث‌برندگان (۶) و فرمانروائیشان دهیم در زمین و بنماییم فرعون و هامان و سپاه‌های ایشان را از آنان آنچه بودند می‌ترسیدند (۷) و وحی کردیم بسوی مادر موسی که شیرش ده تا گاهی که بیمناک شدی بر او بیفکنش در دریا و نترس و نه اندوهگین باش که ما برگرداننده‌ایم او را بسوی تو و گرداننده‌ایم او را از پیمبران (۸) پس برداشتندش خاندان فرعون تا بشود برای ایشان دشمنی و اندوهی همانا فرعون و هامان و سپاهیان ایشان بودند لغزشکاران (۹) و گفت زن فرعون روشنی چشمی است برای تو و من مکش او را باشد سودمند افتد ما را یا برگیریمش فرزندی و ایشان در نمی‌یافتند (۱۰) و بامداد کرد دل مادر موسی تهی نزدیک بود فاش سازدش اگر نه بسته بودیم دلش را تا بشود از ایمان آرندگان (۱۱) و گفت به خواهر خود جستجویش کن پس نگریستش از دور و ایشان نمی‌یافتند (۱۲) و حرام ساختیم بر او شیرخوارگاه‌ها را (پستانها را) از پیش پس گفت آن زن آیا راهنمائی نکنم شما را به خاندانی که پرستاریش کنند برای شما و ایشانند برای او نیک‌خواهان (۱۳) پس باز گردانیدیمش بسوی مادرش تا روشن شود چشمش بدو و اندوهگین نشود و تا بداند که وعده خدا است حق و لیکن بیشترشان نمی‌دانند (۱۴) و هنگامی که رسید نیروی خود را و استوار شد ارزانی داشتیمش حکم و دانش را و بدینسان پاداش دهیم به نکوکاران (۱۵) و در آمد به شهر هنگام غفلتی از مردمش پس یافت در آن دو مرد که کارزار می‌کردند این از دوستانش بود و آن از دشمنانش پس یاری جست از او آنکه از پیروانش بود بر آنکه از دشمنانش بود پس مشتی نواخت بر او موسی که کارش را ساخت گفت این از کار شیطان بود همانا او دشمنی است گمراه‌کننده‌ای آشکار (۱۶) گفت پروردگارا همانا ستم به خود نمودم پس بیامرز مرا پس آمرزید او را که او است آمرزنده مهربان (۱۷) گفت پروردگارا بدانچه به من ارزانی داشتی هرگز نشوم پشتیبان گنهکاران (۱۸) پس بامداد کرد در شهر هراسانی چشم به راه ناگهان آنی که یاریش کرده بود دیروز به یاریش می‌طلبید گفت بدو

موسی تویی همانا گمراهی آشکار (۱۹) پس گاهی که خواست خشم آرد بدانکه او دشمن هر دو بود گفت ای موسی آیا خواهی مرا کشی چنانکه کشتی تنی را دیروز تو همانا نخواهی جز آنکه ستمگری باشی در زمین و نخواهی که باشی از اصلاح کنندگان (۲۰) و آمد مردی از پایان شهر می‌دوید گفت ای موسی همانا مردم در اندیشه تواند که بکشندت پس برون شو همانا منم تو را از اندرز گویان (۲۱) پس برون رفت از آن هراسانی چشم به راه گفت پروردگارا نجاتم ده از گروه ستمگران (۲۲) و هنگامی که روی آورد بسوی مدین گفت امید است پروردگار من رهبریم کند به راه راست (۲۳) و هنگامی که وارد شد بر آب مدین یافت بر آن گروهی را از مردم که آب می‌دادند و یافت نزدیک ایشان دو زن که بازمی‌داشتند (گوسفندان را از گریختن) گفت چیست کار شما گفتند ما آب ندهیم تا باز آیند شبانان (سیراب کنند) و پدر ما پیری هست فرتوت (۲۴) پس سیراب کرد برای ایشان سپس بازگشت بسوی سایه و گفت پروردگارا همانا منم بدانچه فرستی به سویم از خیر نیازمند (۲۵) پس پیامدش یکی از آن دو زن که می‌آمد (که روان بود) بر آزمی گفت همانا پدرم تو را می‌خواند تا پردازدت مزد آنچه را آب دادی برای ما پس گاهی که بر او درآمد و خواند بر او داستانها را گفت بیم مدار رها شدی از گروه ستمگران (۲۶) گفت یکی از آن دو زن ای پدر مزدور ش گیر که بهترین آنان که مزدور گیری نیرومندی است امین (۲۷) گفت همانا خواهم که همسر تو گردانم یکی از دخترانم را اینان بر آنکه مزدورم باشی هشت سال و اگر ده سال را به پایان آوردی پس از نزد تو است و نخواهم سختی بر تو آرم زود است بیایی مرا اگر خدا خواهد از شایستگان (۲۸) گفت این میان من و تو است که هر یک از دو سرآمد را به پایان آوردم نباشد ستمی بر من و خدا است بر آنچه گوئیم و کیل (۲۹) پس گاهی که پایان آورد موسی سرآمد را و روان گشت با خاندان خویش دریافت از کنار طور آتشی را گفت به خاندان خویش درنگ کنید که من آتشی احساس کردم باشد بیمارمان از آن آگهی یا گیرانه اخگری شاید شما گرم شوید (۳۰) پس گاهی که آمد آن را خوانده شد از کنار راست درّه در سرزمین فرخنده از درخت که ای موسی همانا منم خدا پروردگار جهانیان (۳۱) و آنکه بیفکن چوبدست خود را تا گاهی که نگرستش می‌جنبد مانند ماری سبک‌خیز برگشت روی گردان و به پشت نگرست ای موسی بیا و نترس که تویی از ایمن شدگان (۳۲) فرو بر دستت را در گریبان خویش تا برون آید تابنده بی‌آزاری و بازگردان بسوی خود بال خود را از بیم پس اینها دو حجتند از پروردگار تو بسوی فرعون و کسانش که بودند ایشان همانا گروهی نافرمانان (۳۳) گفت پروردگارا کشتن از ایشان تنی را و ترسم که بکشندم (۳۴) و برادرم هارون او روانتر است از من در زبان پس بفرستش با من کمکی که تصدیقم کند زیرا می‌ترسم که مرا تکذیب کنند (۳۵) گفت زود است استوار سازم بازوی تو را به برادرت و بدهم به شما فرمانروائی تا نرسند به شما به آیتهای ما شما و هر که پیروی کند شما را هستید چیره آیندگان (۳۶) پس هنگامی که پیامدشان موسی به آیتهای ما تابناک گفتند نیست این جز جادوئی دروغ بسته و نشنیدیم بدان در پدران ما پیشینیان (۳۷) و گفت موسی پروردگار من داناتر است بدانکه هدایت آورده است از نزدش و آنکه برای او است پایان آن سرای همانا رستگار نشوند ستمگران (۳۸) و گفت فرعون ای قوم ندانم برای شما خدائی جز خویش پس بیفروز برایم ای هامان بر گل پس بساز برایم کوشکی شاید اطلاع یابم بر خدای موسی و همانا می‌پندارم من از دروغگویان (۳۹) و سرکشی کرد او و لشکرها را در زمین به ناروا و پنداشتند که ایشان بسوی ما باز گردانیده نمی‌شوند (۴۰) پس گرفتیم او و سپاهش را و افکندیمشان به دریا پس بنگر چگونه بود فرجام ستمگران (۴۱) و گردانیدیمشان پیشوایانی که می‌خوانند بسوی آتش و روز قیامت یاری نمی‌شوند (۴۲) و از پی آوردیمشان در این دنیا لعنتی و روز رستاخیز ایشانند از ناشایستگان (زشت‌شدگان) (۴۳) و هرآینه دادیم به موسی کتاب را پس از آنکه نابود ساختیم قرنها پیشین را بینشهایی برای مردم و راهنمایی و رحمتی شاید ایشان یادآور شوند (۴۴) و نبودى تو در کنار باختری هنگامی که گذرانیدیم بسوی موسی کار را و نبودى تو از گواهان (۴۵) لیکن ما پدید آوردیم قرنهائی پس دراز شد بر ایشان عمر (روزگار) و نبودى تو جایگزین در مردم مدین بخوانی بر ایشان آیتهای ما را و لیکن بودیم ما فرستندگان (۴۶) و نبودى تو در کنار طور هنگامی که فراخواندیم و لیکن رحمتی از پروردگارت تا بترسانی گروهی را که

نیامدستان بیم‌دهنده‌ای پیش از تو شاید یادآور شوند(۴۷) و اگر نبود آنکه گاهی که برسدشان پیش آمدی بدانچه پیش فرستاده است دستهای ایشان گویند پروردگارا چرا نفرستادی بسوی ما فرستاده‌ای تا پیروی کنیم آیت‌های تو را و باشیم از مؤمنان(۴۸) و هنگامی که بیامدشان حقّ از نزد ما گفتند چرا داده نشد مانند آنچه داده شد موسی آیا کفر نورزیدند بدانچه داده شد موسی از پیش گفتند دو جادویند پشتیبان همدیگر و گفتند هرآینه مائیم به هر کدام کافران(۴۹) بگو پس بیارید کتابی از نزد خدا راهنماینده‌تر از این دو تا پیرویش کنم اگر هستید راستگویان(۵۰) پس اگر نپذیرفتند از تو بدان که همانا پیروی کنند هوسهای خویش را و کیست گمراه‌تر از آنکه پیروی کند هوس خود را بی‌رهبری از خدا همانا خدا هدایت نکند گروه ستمکاران را(۵۱) و همانا پیوسته داشتیم برای ایشان گفتار را شاید یادآور شوند(۵۲) آنان که دادیمشان کتاب را پیش از آن ایشانشان بدان ایمان آرندگان(۵۳) و هر گاه خوانده شود بر ایشان گویند ایمان آوردیم بدان همانا آن است حقّ از پروردگار ما همانا بودیم پیش از آن اسلام آرندگان(۵۴) آنان داده شوند مزد خویش را دوبار بدانچه شکیبائی گزیدند و دور می‌کردند به خوبی بدی را و از آنچه روزیشان دادیم می‌دادند(۵۵) و هر گاه می‌شنیدند بیهده (یاوه) را روی می‌گردانیدند از آن و گفتند ما را است کردار ما و شما را است کردار شما سلام بر شما نخواهیم نادانان را(۵۶) همانا تو رهبری نکنی آن را که دوست داری و لیکن خدا رهبری کند هر که را که خواهد و او است دانای‌تر به راه‌یافتگان(۵۷) و گفتند اگر پیروی کنیم هدایت را با تو ربوده شویم از سرزمین خویش آیا فرمانروائیشان ندادیم در حرم امنی که آورده شود به سویش میوه‌های همه چیز روزی از نزد ما لیکن بیشترشان نمی‌دانند(۵۸) و بسا نابود کردیم شهری را که کامرانی گرفته بود زندگی خویش را پس اینک نشیمنهای آنان که نشیمن نشدند پس از ایشان مگر اندکی و بودیم ما ارث‌برندگان(۵۹) و نیست پروردگار تو نابودکننده شهرها تا برانگیزد در مادر آنها پیمبری که خواند بر ایشان آیت‌های ما را و نیستیم ما نابودکننده شهرها مگر و مردم آنها را ستمگران(۶۰) و آنچه داده شدید از چیزی پس بهره زندگانی دنیا و زیور آن است و آنچه نزد خدا است بهتر و پایدارتر است آیا بخرد نمی‌یابید(۶۱) آیا آن را که وعده‌ای دادیم وعده نیکی پس او است بدان رسنده مانند آن است که کامیابیش دادیم کامیابی زندگانی دنیا سپس او است روز قیامت از احضارشدگان(۶۲) و روزی که خواندشان پس گوید کجایند شریکان من آنان که بودید می‌پنداشتید(۶۳) گفتند آنان که فرود آمده بود بر ایشان سخن پروردگار اینانند که گمراه کردیم گمراهشان کردیم بدانسان که گمراه شدیم بیزاری جستیم به سویت نبودند ما را پرستندگان(۶۴) و گفته شد بخوانید شریکان خود را پس خواندند ایشان را پس پاسخ نگفتندشان و دیدند عذاب را اگر بودند هدایت می‌شدند(۶۵) و روزی که خواندشان پس گوید چه چیز پاسخ گفتید به فرستادگان(۶۶) پس کور شود بر ایشان آگهی‌ها در آن روز پس از همدیگر نپرسند(۶۷) امّا آنکه توبه کند و ایمان آورد و کردار شایسته کند پس امید است آنکه باشد از رستگاران(۶۸) و پروردگارت می‌آفریند هر آنچه خواهد و برگزیند نیستشان اختیاری منزّه و برتر است خدا از آنچه شرک ورزند(۶۹) و پروردگار تو داند آنچه نهان می‌دارد سینه‌های ایشان و آنچه پدیدار کند(۷۰) و او است خدا نیست خدائی جز او برای او است سپاس در آغاز و انجام و برای او است حکم و به سویش بازگردانیده شوید(۷۱) بگو آیا دیده‌اید اگر بگرداند خدا بر شما شب را پیوسته تا روز رستاخیز کدام خدا است جز خدا که بیارد شما را پرتوی آیا نمی‌شنوید(۷۲) بگو آیا دیده‌اید اگر گرداند خدا بر شما روز را همیشگی تا روز قیامت کدام خدا است جز خدا که آوردتان شبی که آرامش گیرید در آن آیا نمی‌بینید(۷۳) و از رحمتش نهاد برای شما شب و روز را تا بپارامید در آن و تا جوئید از فضلش و شاید سپاسگزارید(۷۴) و روزی که بخواندشان پس گوید کجا است شریکانم آنان که بودید می‌پنداشتید(۷۵) و گرفتیم از هر ملت گواهی و گفتیم بیارید دستاویز خویش را پس دانستند آنکه حقّ از آن خدا است و گم شد از ایشان آنچه بودند دروغ می‌بستند(۷۶) همانا قارون بود از قوم موسی پس سرکشی کرد بر ایشان و دادیمش از گنجها آنچه کلیدهایش گران می‌آید بر گروه نیرومند هنگامی که گفتند بدو قومش شادمانی نکن که خدا دوست ندارد شادمانان را(۷۷) و بجوی در آنچه خدا به تو داده است خانه آخرت را و فراموش مکن بهره خویش را از دنیا و

نکوئی کن چنانکه نکوئی کرد به تو خدا و نجوی تباهی را در زمین همانا خدا دوست ندارد تبهکاران را (۷۸) گفت جز این نیست که داده شدش بر دانشی نزد من آیا نمی‌داند که خدا نابود کرد پیش از او از قرنهای آنکه سخت‌تر از او بود در نیرو و بیشتر در گروه و پرسش نشوند از گناهانشان گنهکاران (۷۹) پس برون شد بر قومش در زیور خویش گفتند آنان که خواهند زندگانی دنیا را کاش ما را می‌بود مانند آنچه داده شده است قارون همانا او است دارای بهره گران (۸۰) و گفتند آنان که داده شدند دانش را وای بر شما پاداش خدا بهتر است برای آنکه ایمان آورد و کردار شایسته کند و داده نشوند آن را مگر شکیبایان (۸۱) پس فروبردیم او و خانه او را در زمین و نبود برایش دسته‌ای که یاریش کنند جز خدا و نبود از یاری‌شدگان (۸۲) و بامداد کردند آنان که آرزو می‌کردند جای او را دیروز می‌گفتند وای گوئیا خدا می‌گشاید روزی را برای هر که خواهد از بندگانش و تنگ می‌گرداند اگر نه منت می‌نهاد خدا بر ما هرآینه فرومی‌برد ما را وای گوئیا رستگار نشوند کافران (۸۳) اینک خانه آخرت نهیمش برای آنان که نجویند برتری در زمین و نه تبهکاری و فرجام است از آن پرهیزکاران (۸۴) آنکه خوبی را آرد وی را است بهتر از آن و آنکه بدی را آرد پس کیفر نشوند آنان که کردار زشت کنند مگر آنچه را بودند می‌کردند (۸۵) همانا آنکه بایسته داشت بر تو قرآن را بازگردانده است تو را بسوی بازگشتگاه بگو پروردگارم داناتر است که هدایت را آورده و کیست آنکه او است در گمراهی آشکار (۸۶) و نبود تو امیدوار بدانکه افکنده شود به سویت کتاب مگر رحمتی از پروردگارت پس نباش البتّه پشتیبانی برای کافران (۸۷) و بازدارندت از آیتهای خدا پس از آنکه فرستاده شد به سویت و بخوان بسوی پروردگار خویش و نباش از شرک‌ورزان (۸۸) و بخوان با خدا خدای دیگری نیست خدائی جز او هر چیزی نابود است جز رویش او را است حکم و به سویش بازگردانیده شوید (۸۹)

العنکبوت

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) الم (۲) آیا پنداشتند مردم که رها شوند آنکه گویند ایمان آوردیم و آزموده نگردند (۳) و همانا آزمودیم آنان را که پیش از ایشان بودند تا بدانند خدا آنان را که راست گفتند و تا بدانند دروغگویان را (۴) یا گمان دارند آنان که کنند بدی‌ها که بر ما سبقت گیرند زشت است آنچه حکم کنند (۵) آنکو امید دارد ملاقات خدا را همانا سرآمد خدا است آینده و او است شنوای دانا (۶) و آنکه می‌کوشد جز این نیست که می‌کوشد برای خویشتن همانا خدا بی‌نیاز است از جهانیان (۷) و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند همانا بستریم از ایشان بدی‌های ایشان را و هرآینه پاداششان دهیم بهتر آن را که بودند می‌کردند (۸) و اندرز دادیم انسان را به پدر و مادرش نکوئی کردن و اگر کوشیدند با تو که شرک‌ورزی با من آنچه را نیست بدان دانشی پس فرمانبرداریشان نکن بسوی من است بازگشت شما تا آگهی‌تان دهم بدانچه بودید می‌کردید (۹) و آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند هرآینه در آریمشان در شایستگان (۱۰) و از مردمند آنان که گویند ایمان آوردیم به خدا پس گاهی که آزرده شود در راه خدا بگرداند آزار مردم را چون عذاب خدا و اگر بیاید یاری از پروردگارت هرآینه گویند ما با شما بودیم آیا نیست خدا را داناتر بدانچه هست در سینه‌های جهانیان (۱۱) و تا بدانند خدا آنان را که ایمان آوردند و تا بدانند آنان را که نفاق (دوروئی) ورزیدند (۱۲) و گفتند آنان که کفر ورزیدند بدانان که ایمان آوردند پیروی کنید راه ما را و باید به دوش کشیم گناهان شما را و نیستند حمل‌کنندگان گناهان ایشان به چیزی همانا ایشانند دروغگویان (۱۳) و هرآینه به دوش کشند بارهای خود را و بارهایی با بارهای خود و هرآینه پرسش شوند روز قیامت از آنچه بودند دروغ می‌بستند (۱۴) و همانا فرستادیم نوح را بسوی قومش پس ماند در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال پس گرفت ایشان را طوفان حالی که بودند ستمگران (۱۵) پس رهانیدیمش و یاران کشتی را و گردانیدیمش آیتی برای جهانیان (۱۶) و ابراهیم هنگامی که گفت به قوم خود پرستش کنید خدا را و بترسیدش این بهتر است برای شما اگر بدانید (۱۷) جز این نیست که می‌پرستید جز خدا بتانی را و می‌آفرید دروغی را (می‌پردازید) همانا آنان که می‌پرستید جز خدا دارا نیستند برای شما روزی پس بجوئید نزد خدا روزی را و او را پرستش کنید و شکرش گزارید بسوی او

بازگردانیده می‌شود(۱۸) و اگر تکذیب کنید همانا تکذیب کردند ملت‌هایی پیش از شما و نیست بر پیمبر مگر رساندن آشکار(۱۹) آیا نبینند چگونه پدید آرد خدا آفرینش را و سپس بازگرداندش همانا آن است بر خدا آسان(۲۰) بگو بگردید در زمین پس بنگرید چگونه آغاز آفرینش کرد سپس خدا پدید آورد پیدایش بازپسین را همانا خدا بر همه چیز است توانا(۲۱) عذاب کند هر که را خواهد و بیاورد هر که را خواهد و بسوی او بازگردانیده شود(۲۲) و نیستید شما عاجزکنندگان در زمین و نه در آسمان و نیستان جز خدا دوست و نه یاور(۲۳) و آنان که کفر ورزیدند به آیت‌های خدا و ملاقات او آنان نومیدند از رحمت و آنان را است عذابی دردناک(۲۴) پس نبود پاسخ قومش جز آنکه گفتند بکشیدش یا بسوزانیدش پس رها ساختش خدا از آتش همانا در این است آیت‌هایی برای قومی که ایمان آرند(۲۵) و گفت جز این نیست که برگرفتید جز خدا بت‌هایی به دوستی میان خویش در زندگانی دنیا پس روز قیامت کفر ورزد برخی از شما به برخی و لعن کند برخی از شما برخی را و جای شما آتش است و نیست شما را یارانی(۲۶) پس ایمان آورد برایش لوط و گفت همانا منم هجرت‌کننده بسوی پروردگار خویش همانا او است عزتمند حکیم(۲۷) و بخشیدیم بدو اسحق و یعقوب را و نهادیم در نژادش پیمبری و کتاب را و دادیم بدو مزدش را در دنیا و همانا او است در آخرت از شایستگان(۲۸) و لوط گاهی که گفت به قوم خود آیا می‌آئید (یا آرید) فاحشه (ناشایست) را که پیشی نگرفته است شما را بدان کسی از جهانیان(۲۹) آیا شما در آئید بر مردان و ببرید راه را و بیارید در انجمن خویش ناپسند را پس نبود پاسخ قومش جز آنکه گفتند بیاور ما را به عذاب خدا اگر هستی از راستگویان(۳۰) گفت پروردگارا یاریم کن بر گروه بدکاران(۳۱) و هنگامی که آمدند فرستادگان ما ابراهیم را به مژده گفتند هر آینه نابودکننده‌ایم مردم این شهر را همانا مردمش بودند ستمگران(۳۲) گفت همانا در آن است لوط گفتند ما دانستیم بدانکه در آن است هر آینه نجاتش دهیم او و خاندانش را مگر زنش را که بوده است از گذشتگان(۳۳) و هنگامی که آمدند فرستادگان ما لوط را به رنج شد از ایشان و تنگ شد بدیشان تاب و توان او گفتند نترس و اندوهگین مباش که مائیم نجات‌دهندگان تو و خاندانت مگر آن تو که او است هر آینه از گذشتگان(۳۴) همانا مائیم فرستنده بر مردم این شهر چرکی را از آسمان بدانچه بودند نافرمانی می‌کردند(۳۵) و همانا بازگذاریم از آن نشانی آشکار برای گروهی که بخرد می‌بایند(۳۶) و بسوی مدین برادرشان شعیب را پس گفت ای قوم پرستش کنید خدا را و امید دارید روز بازپسین را و نکوشید در زمین تباهکاران(۳۷) پس تکذیبش کردند پس بگرفتشان لرزشی که بامداد کردند در خانه خویش مردگان(۳۸) و عاد و ثمود و بدرست پدیدار شد برای شما از نشیمنی‌های آنان و بیاراست برای ایشان شیطان کردارشان را پس بازداشتشان از راه حالی که بودند بنیایان(۳۹) و قارون و فرعون و هامان و همانا بیامدشان موسی با نشانی‌ها پس سرکشی ورزیدند در زمین و نبودند پیشی گیرندگان(۴۰) پس هر کدام را گرفتیم به گناهش پس از ایشان است آنکه فرستادیم بر او سنگ‌ریزه و از ایشان است آنکه بگرفتند خروش و از ایشان است آنکه فروبردیمش در زمین و از ایشان است آنکه غرق کردیم و نبود خدا ستم بر ایشان کند و لیکن بودند خویشان را ستمکاران(۴۱) مثل آنان که گرفتند جز خدا دوستانی مانند عنکبوت است که برگرفت خانه‌ای و هر آینه سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است اگر بدانند(۴۲) همانا خدا می‌داند آنچه را خوانند جز وی از چیزی و او است عزتمند حکیم(۴۳) و این مثلها را می‌زنیم برای مردم و بخرد نیابندش جز دانایان(۴۴) آفرید خدا آسمانها و زمین را به حق همانا در این است آیتی برای مؤمنان(۴۵) بخوان آنچه را وحی شد بسویت از کتاب و پبای‌دار نماز را که همانا نماز بازدارد از فحشاء (ناشایست) و منکر (ناپسند) و هر آینه یاد خدا بزرگتر است و خدا داند آنچه را می‌سازید(۴۶) و نستیزید با اهل کتاب مگر بدانچه آن است بهتر مگر آنان که ستم کردند از ایشان و بگوئید ایمان آوردیم بدانچه فرستاده شد بسوی ما و فرستاده شد بسوی شما و خدای ما و خدای شما یکی است و مائیم برای او اسلام آرندگان(۴۷) و چنین فرستادیم بسویت کتاب را پس آنان که دادیمشان کتاب را ایمان آرند بدان و از ایشان است آنکه ایمان آرد بدان و خیرگی نکنند در آیت‌های ما مگر کافران(۴۸) و نبود تو بخوانی پیش از این کتابی و نه بنویسیش با دست راست آن هنگام هر آینه شک می‌آوردند نادرستان(۴۹) بلکه آن آیت‌های آشکارائی است در سینه‌های

آنان که داده شدند دانش را و برابری نکنند به آیت‌های ما مگر ستمکاران (۵۰) و گفتند چرا فرستاده نشد بر او آیت‌هایی از پروردگارش بگو جز این نیست که آیت‌ها نزد خدا است و جز این نیست که منم ترساننده آشکار (۵۱) آیا پس نشد ایشان را که فرستادیم بر تو کتاب را خوانده می‌شود بر ایشان همانا در این است رحمت و یاد آوردنی برای گروهی که ایمان آرند (۵۲) بگو بس است خدا میان من و شما گواه داند آنچه را در آسمانها و زمین است و آنان که ایمان آرند به باطل و کفر ورزند به خدا آنانند زیانکاران (۵۳) و شتاب خواهند از تو در عذاب و اگر نبود سرآمدی نامبرده هر آینه می‌آمدشان عذاب و همانا بیایدشان ناگهان و ایشان درنیابند (۵۴) شتاب خواهند از تو در عذاب و همانا دوزخ است فراگیرنده به کافران (۵۵) روزی که فراگیردشان عذاب از فرازشان و از زیر پای‌هایشان و گوید بچشید آنچه را بودید می‌کردید (۵۶) ای بندگان من که ایمان آوردید همانا زمین من پهناور است پس مرا پرستش کنید (۵۷) همه کس چشیده مرگ است سپس بسوی ما برگردانیده شوید (۵۸) و آنان که ایمان آرند و کردار شایسته کنند هر آینه جایگاه گردانیمشان از بهشت غرفه‌هایی که روان است زیر آنها جوی‌ها جاودانان در آن چه خوب است پاداش عمل کنندگان (۵۹) آنان که شکیبائی ورزیدند و بر پروردگار خویش توکل کنند (۶۰) و بسا جنبنده‌ای که برنارد روزی خویش را خدا روزی دهدش و شما را و او است شنوای دانا (۶۱) و اگر پرسیشان که آفرید آسمانها و زمین را و رام کرد مهر و ماه را هر آینه گویند خدا پس کجا به دروغ رانده می‌شوند (۶۲) خدا فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ گرداند برایش همانا خداوند است به همه چیز دانا (۶۳) و اگر پرسیشان که فرستاد از آسمان آبی تا زنده کرد بدان زمین را پس از مردنش هر آینه گویند خدا بگو سپاس خدای را بلکه بیشترشان بخرد در نمی‌یابند (۶۴) و نیست این زندگانی دنیا جز هوسرانی و بازی و همانا خانه بازپسین است زندگانی اگر بدانند (۶۵) پس گاهی که سوار شوند در کشتی خوانند خدا را پاک‌کنندگان برای او دین را تا گاهی که رهانیدشان بسوی دشت ناگهان ایشان شرک ورزند (۶۶) تا کفر ورزند بدانچه دادیمشان و تا کامیاب شوند پس زود است بدانند (۶۷) آیا نبینند که ما نهادیم حرمی امن و ربوده شوند مردم از پیرامونش آیا به باطل ایمان آرند و به نعمت خدا کفر ورزند (۶۸) و کیست ستمگرتر از آنکه بست بر خدا دروغی یا دروغ پنداشت حق را گاهی که آمدش آیا نیست در دوزخ جایگاهی برای کافران (۶۹) و آنان که بکوشند در راه ما هر آینه بنمایانیمشان راه‌های خویش را همانا خدا است با نکوکاران (۷۰)

الروم

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) الم (۲) شکست خوردند روم (۳) در نزدیکترین سرزمین و ایشان پس از شکستشان زود است پیروز شوند (۴) در چند سال برای خدا است کار از پیش و از پس و در آن روز خرسند شوند مؤمنان (۵) به یاری خدا یاری کند هر که را خواهد و او است عزتمند مهربان (۶) وعده خدا است و نشکند خدا وعده خویش را لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (۷) می‌دانند روئی (ظاهری) را از زندگانی دنیا و ایشانند از آخرت ناآگهان (۸) آیا نیندیشیدند پیش خود که نیافریده است خدا آسمانها و زمین و آنچه را میان آنها است جز به حق و سرآمدی نامبرده و هر آینه بیش از مردمند به ملاقات پروردگار خویش کافران (۹) آیا نمی‌گردند در زمین تا بنگرند چگونه بود فرجام آنان که بودند پیش از ایشان بودند سخت‌تر از ایشان در نیرو و کاویدند زمین را (یا شخم زدند) و آبادان ساختندش بیشتر از آنچه اینان آباد کردندش و بیامدندشان پیمبرانشان به روشنائی‌ها پس نبود خدا ستم کند بر ایشان لیکن بودند خویشتن را ستم می‌کردند (۱۰) پس شد فرجام آنان که بدی کردند آنکه دروغ پنداشتند آیت‌های خدا را و بودند بدانها مسخره‌کنان (۱۱) خدا آغاز کند آفرینش را پس باز گرداندش و سپس بسویش باز گردانیده شوید (۱۲) و روزی که بپاشود ساعت سراسیمه شوند گنهکاران (۱۳) و نبود ایشان را از شریکانشان شفاعت کنندگانی و بودند به شریکان خویش کفرورزان (۱۴) و روزی که بپاشود ساعت در آن روز پراکنده شوند (۱۵) پس آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ایشانند در چمنزاری شادمان (۱۶) و اما آنان که کفر ورزیدند و دروغ پنداشتند آیت‌های ما را و رسیدن را به آخرت آنانند در عذاب

احضار شدگان (۱۷) پس منزه است (یا منزّه شمرد) خدا را هنگامی که شام کنید و هنگامی که بامداد کنید (۱۸) و او را است سپاس در آسمانها و زمین و شامگاهان و گاهی که نیمروز کنید (۱۹) برون آرد زنده را از مرده و برون آرد مرده را از زنده و زنده می کند زمین را پس از مردنش و بدینسان برون آورده شوید (۲۰) و از آیتهای او آن است که آفرید شما را از خاکی ناگاه شما بشرید پراکنندگان (۲۱) و از آیتهای او آن است که آفرید برای شما از خودتان جفتی تا بیارامید بدانان و نهاد در میان شما دوستی و مهری را همانا در این است آیتهایی برای گروهی که اندیشه کنند (۲۲) و از آیتهای آفرینش آسمانها و زمین و گوناگون بودن زبانهای شما و رنگهای شما است همانا در این آیتهایی برای دانایان (۲۳) و از آیتهای خواب شما است در شب و روز و روزی جستن شما از فضلش همانا در این است آیتهایی برای گروهی که می شنوند (۲۴) و از آیتهای بنماید به شما برق را بیمی و امیدی و بفرستد از آسمان آبی که زنده سازد بدان زمین را پس از مردنش همانا در این است آیتهایی برای گروهی که بخرد یابند (۲۵) و از آیتهای آنکه بپایستد آسمان و زمین به فرمانش تا گاهی که بخواند شما را خواندنی از زمین ناگاه برون آید (۲۶) و او را است آنکه در آسمانها و زمین است همگانند برای او فروتنان (۲۷) و او است آنکه آغاز کند آفرینش را پس باز گرداندش و آن آسانتر است بر او و برایش مثل برتر است در آسمانها و زمین و او است عزتمند حکیم (۲۸) زده است برای شما مثلی از خود شما آیا شما را است از آنچه مالک است یمنهای شما شریکانی در آنچه روزیتان دادیم که شما نید در آن یکسان همی ترسیدشان همانند ترستان از خویشتن بدینگونه تفصیل دهیم آیتها را برای گروهی که بخرد یابند (۲۹) بلکه پیروی کردند آنان که ستم کردند هوسهای خویش را به نادانی پس که راهنمایی کند آن را که گمراه ساخت خدا و نیست ایشان را یاورانی (۳۰) پس راست کن روی خود را بسوی دین یکتا پرست آفرینش خدائی که سرشت مردم را بر آن نیست دگرگون شدنی برای آفرینش خدا این است دین استوار و لیکن بیشتر مردم نمی دانند (۳۱) زاری کنندگان به سویش و بترسیدش و بپای دارید نماز را و نباشید از شرک و ورزان (۳۲) از آنان که پراکنده ساختند دین خود را و گشتند گروههایی هر حزبی است بدانچه نزد خویش است شادمان (۳۳) و هر گاه رسد مردم را رنجی خوانند پروردگار خود را زاری کنان بسویش تا آنگاه که چشاندشان از خویش رحمتی ناگهان گروهی از ایشانند به پروردگار خویش شرک و ورزان (۳۴) تا کفر ورزند بدانچه آوردیمشان پس بهره مند باشید زود است بدانید (۳۵) یا فرستادیم بر ایشان فرمانی که سخن گوید بدانچه بودند بدان شرک و ورزان (۳۶) و هر گاه چشانیم مردم را رحمتی شادمان شوند بدان و اگر رسدشان بدی بدانچه پیش فرستاد دستهایشان ناگاه ایشانند نومیدان (۳۷) آیا ندیدند که خدا فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد و تنگ سازد همانا در این است آیتهایی برای گروهی که ایمان آرند (۳۸) پس بده به خویشاوندان بهره اش را و بینوا و وامانده در راه این نکوتر است برای آنان که خواهانند روی خدا و آنانند رستگاران (۳۹) و آنچه آید از ربایی (سود) که بیفزاید در مالهای مردم پس فزونی نگیرد نزد خدا و آنچه آید از زکاتی که خواهید بدان روی خدا را پس آنانند فزونی گیرندگان (۴۰) خدا است آنکه آفرید شما را پس روزیتان داد پس بمیراند شما را و سپس زنده سازدتان آیا هست از شریکان شما آنکه بکند از اینها چیزی را او منزه و برتر است از آنچه شرک می ورزند (۴۱) پدیدار شد تباهی در دشت و دریا بدانچه فراهم کرد دستهای مردم تا چشاندشان پاره ای از آنچه کردند شاید باز گردند (۴۲) بگو بگردید در زمین پس بنگرید چگونه بود فرجام آنان که از پیش بودند بیشتر ایشان شرک و ورزندگان (۴۳) پس راست کن روی خود را بسوی دین استوار پیش از آنکه بیاید روزی که نیستش بازگشتی از خدا آن روز شکافته شوند از هم (۴۴) هر که کفر ورزد پس بر او است کفرش و هر که کار نکو کند پس برای خویش آماده می کنند (۴۵) تا پاداش دهد آنان را که ایمان آوردند و کارهای نکو کردند از فضلش همانا او دوست ندارد کافران را (۴۶) و از آیتهای آنکه بفرستد بادها را مژده دهندگان و تا چشاندتان از رحمتش و تا روان شود کشتی به فرمانش و تا جوئید روزی را از فضلش و شاید سپاسگزاری (۴۷) و هر آینه فرستادیم پیش از تو فرستادگانی بسوی قوم خویش پس بیامدندشان به روشنائی ها پس انتقام گرفتیم از آنان که گناه کردند و هست حقّی بر ما یاری کردن مؤمنان (۴۸) خدا است آنکه می فرستد بادها را پس برانگیزد ابری پس پهن

سازدش در آسمان هر گونه خواهد و بگرداندش پاره‌هائی و بینی باران را برون آید از شکافهایش تا گاهی که رساندش به هر که خواهد از بندگان خویش ناگاه ایشانند شادمانی کنان (۴۹) و اگرچه بودند پیش از آنکه فرستاده شود بر ایشان پیش از آن پژمردگان (۵۰) پس بنگر بسوی آثار رحمت خدا چسان زنده سازد زمین را پس از مرگش همانا آن است زنده‌سازنده مردگان و او است بر همه چیز توانا (۵۱) و اگر بفرستیم بادی که نگرندش زردفام همانا آغاز کنند پس از آن کفران کنندگان (۵۲) هرآینه تو نشنوانی مردگان را و نشنوانی به کران بانگ را گاهی که باز گردند پشت کنندگان (۵۳) و نیستی تو راهنمای کوران از گمراهیشان نشنوانی مگر آن را که ایمان آورد به آیت‌های ما پس آنانند اسلام‌آرندگان (۵۴) خدا است آنکه آفرید شما را از سستی پس قرار داد پس از سستی توانائی پس قرار داد پس از نیرومندی سستی و پیری را می‌آفرد هر چه خواهد و او است دانای توانا (۵۵) و روزی که بپا شود ساعت سوگند یاد کنند و همراهیشان کن ماندند جز ساعتی بدینسان بودند به دروغ رانده می‌شدند (۵۶) و گفتند آنان که داده شدند دانش و ایمان را همانا شما درنگ کردید در کتاب خدا تا روز برانگیختن پس این است روز برانگیختن لیکن بودید شما نمی‌دانستید (۵۷) پس آن روز سود ندهد آنان را که ستم کردند بهانه آوردنشان و نه بازخواست شوند (۵۸) و هر آینه زدیم برای مردم در این قرآن از هر مثلی و اگر بیاریشان آیتی همانا گویند آنان که کفر ورزیدند نیستید شما جز نادرستان (۵۹) چنین مهر نهد خدا بر دل‌های آنان که نمی‌دانند (۶۰) پس شکبیا شو که وعده خدا است حق و سبکسارت نکنند آنان که نیستند یقین‌دارندگان (۶۱)

لقمان

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) الم (۲) این است آیت‌های کتاب استوار (۳) راهنمایی و رحمتی برای نیکوکاران (۴) آنان که پبای دارند نماز را و دهند زکات را و ایشانند به آخرت یقین‌دارندگان (۵) آنانند بر هدایتی از پروردگارشان و آنانند رستگاران (۶) و از مردم است آنکه می‌خرد داستانهای بیهوده (سخنهای هوسناک) را تا گمراه کند از راه خدا به نادانی و بگیرد آنها را به استهزاء آنان را است عذابی خوارکننده (۷) و گاهی که خوانده شود بر او آیت‌های ما پشت کند کبرورزنده چنانکه گوئی نشنیده است آن را گوئی که در گوشه‌هایش است سنگینی پس نویدش ده به عذابی دردناک (۸) همانا آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشان را است باغستان نعمتها (۹) جاودانان در آن وعده خدا به درست و او است عزتمند حکیم (۱۰) آفرید آسمانها را بی‌ستونی که بیندیش و افکند در زمین لنگرهائی نبادا کج شود به شما و پراکند در آن از هر جنبنده‌ای و فرستادیم از آسمان آبی پس رویانیدیم در آن از هر جفتی گرامی (۱۱) این است آفرینش خدا پس بنمایانیدم چه چیز آفریدند آنان که جز اویند بلکه ستمگرانند در گمراهی آشکار (۱۲) و همانا دادیم به لقمان حکمت را که سپاسگزار برای خدا و آنکه سپاس گزارد جز این نیست که سپاس گزارد برای خویش و آنکه ناسپاسی ورزد همانا خدا است بی‌نیاز ستوده (۱۳) و گاهی که گفت لقمان به فرزند خود و اندرزش همی‌داد ای پسرک من شرک نورز به خدا همانا شرک است ستمی بزرگ (۱۴) و اندرز گفتیم انسان را در باره پدر و مادر بارور گشت بدو مادرش سستی‌ای بر سستی‌ای و از شیر بازگرفتنش در دو سال که شکرگزار برای من و برای پدر و مادر خویش بسوی من است بازگشت (۱۵) و اگر کوشیدند با تو که شرک ورزی با من آنچه را نیستت بدان دانشی پس فرمانبرداریشان نکن و همراهیشان کن در دنیا به خوشی و پیروی کن راه آن را که بازگشت کند بسوی من بسوی من است بازگشت شما پس آگهی‌تان دهم بدانچه بودید می‌کردید (۱۶) ای پسرک من همانا آن اگر باشد به سنگینی دانه‌ای از خردل پس باشد در سنگی خارا یا در آسمانها یا در زمین بیاردش خدا همانا خدا است بخشنده آگاه (۱۷) ای پسرک من پبای دار نماز را و فرمان کن به نیکی و بازدار از بدی و شکبیا شو بر آنچه رسدت همانا این است از عزیمت کارها (۱۸) و درم نساز روی خود را برای مردم و نرو در زمین خرامان همانا خدا دوست ندارد آن را که خرامانی خودپسند است (۱۹) و میانه‌رو باش در روش خویش و فروکش از آواز خویش همانا ناخوشترین آوازاها آواز خران است (۲۰) آیا نبینید که خدا رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و فراوان کرد بر شما روزی‌های

خویش را آشکار و نهان و از مردم است آنکه بستیزد در خدا بی دانشی و نه رهبری و نه کتابی درخشان (۲۱) و اگر گفته شود بدیشان پیروی کنید آنچه را فرستاد خدا گویند بلکه پیروی کنیم آنچه یافتیم پدران خویش را بر آن و اگر چه باشد شیطان بخواندشان بسوی عذاب سوزان (۲۲) و آنکه تسلیم کند روی خود را بسوی خدا و او است نکوکار همانا پناه جست به دستاویزی استوار و بسوی خدا است فرجام کارها (۲۳) و آنکه کفر ورزد اندوهگین نسازدت کفرش بسوی ما است باز گشت ایشان تا آگهیانشان دهیم بدانچه کردند همانا خدا دانا است به راز سینه‌ها (۲۴) بهره‌مندشان سازیم اندکی و سپس ناگزیرشان سازیم بسوی عذابی انبوه (۲۵) و اگر پرسیشان که آفرید آسمانها و زمین را هر آینه گویند خدا بگو سپاس خدا را بلکه بیشتر ایشان نمی‌دانند (۲۶) خدای را است آنچه در آسمانها و زمین است همانا خدا است بی‌نیاز ستوده (۲۷) و اگر باشد آنچه در زمین است از درخت قلمهائی و دریا را کمک کند از پس آن هفت دریا پایان نیابد سخنان خدا همانا خدا است عزتمند حکیم (۲۸) نیست آفرینش شما و نه برانگیختن شما مگر چون یک تن همانا خدا است شنوای بینا (۲۹) آیا نبینی خدا فرو می‌برد شب را در روز و فرو می‌برد روز را در شب و رام کرد مهر و ماه را هر کدام روان است بسوی سرآمدی نامبرده و آنکه خدا است به آنچه می‌کنید آگاه (۳۰) این بدان است که خدا است حق و هر چه خوانند جز او باطل است و آنکه خدا است مهتر بزرگ (۳۱) آیا ندیدی کشتی روان است در دریا به نعمت خدا تا بنمایاند شما را از آیتهایش همانا در این است آیتهای برای هر شکیبائی سپاسگزار (۳۲) و هر گاه فراگیردشان موجی چون توده‌های ابر خوانند خدا را پاک‌دارنده برایش دین را و هنگامی که رهانیدشان بسوی خشکی از ایشان است میانه‌روی و نستیزد با آیتهای ما جز هر پیمان‌شکنی ناسپاس (۳۳) ای مردم بترسید پروردگار خود را و بترسید از روزی که بی‌نیاز نگرداند پدری از فرزند خویش و نه فرزندی که بی‌نیاز کند از پدر خود چیزی را همانا وعده خدا است حق پس نفریبید شما را زندگانی دنیا و نفریبید شما را به خدا فریبنده (سرگرمی) (۳۴) همانا خدا نزد او است علم ساعت و فرود آورد باران را و داند آنچه را در زهدانها است و نداند کسی چه چیز فراهم می‌آورد فردا و نداند کسی به کدام زمین می‌میرد همانا خدا است دانای آگاه (۳۵)

السجده

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) الم (۲) فرود آوردن کتاب نیست شکی در آن از پروردگار جهانیان (۳) یا گویند دروغ بست آن را بلکه آن است حق از پروردگارت تا بترسانی گروهی را که نیامدستشان بیم‌دهنده‌ای پیش از تو شاید ایشان رهبری شوند (۴) خدا است آنکه آفرید آسمانها و زمین را و آنچه میان آنها است در شش روز سپس استوار شد بر عرش نیست شما را جز او دوست و نه شفاعتگری پس آیا یادآور نمی‌شوید (۵) پردازد کار را از آسمان بسوی زمین سپس بالا رود بسویش در روزی که اندازه آن هزار سال است از آنچه می‌شمرد (۶) این است دانای نهان و هویدا آن عزتمند مهربان (۷) آنکو نکو کرد هر چیزی آفرینش آن را و آغاز کرد آفرینش انسان را از گل (۸) پس گردانید نژادش را از چکه‌ای از آبی پست (۹) سپس آراستش و دمید در آن از روح خویش و گذاشت برای شما گوش و دیدگان و دلها را به کمی سپاس گزارید (۱۰) و گفتند آیا هر گاه گم شدیم در زمین آیا مائیم در آفرینشی نوین بلکه ایشانند به ملاقات پروردگار خویش کافران (۱۱) بگو دریابد شما را فرشته مرگ که گمارده شده است بر شما سپس بسوی پروردگار خویش بازگردانیده شوید (۱۲) و اگر بینی هنگامی که گنهکاران سرافکندگانند نزد پروردگارشان پروردگارا دیدیم و شنیدیم پس برگردان ما را تا بکنیم کاری شایسته همانا مائیم یقین‌دارندگان (۱۳) و اگر می‌خواستیم هر آینه می‌دادیم به هر کس رهبریش را و لیکن استوار گشت سخن از من که همانا پر سازم دوزخ را از پریان و مردم همگی (۱۴) پس بچشید بدانچه فراموش کردید رسیدن را به روزتان این همانا ما فراموشتان کردیم و بچشید عذاب دوزخ را بدانچه بودید می‌کردید (۱۵) جز این نیست که ایمان آرند به آیتهای ما آنان که هر گاه یادآوری شوند بدانها بیفتد سجده کنان و تسبیح گویند به سپاس پروردگار خویش و ایشانند کبرناورزندگان (۱۶) دوری گزیند پهلوهای ایشان از خوابگاه‌ها خوانند پروردگار خویش را بیمی و امیدی و از

آنچه روزیشان دادیم ببخشند (۱۷) پس نمی‌داند کسی چه نهان شده است برای ایشان از روشنی چشم پاداشی بدانچه بودند می‌کردند (۱۸) پس آیا آنکه مؤمن است مانند آنی است که نافرمان است نیستند یکسان (۱۹) اما آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند پس ایشان را باغستان جایگاه پیشکشی بدانچه بودند می‌کردند (۲۰) و اما آنان که نافرمانی کردند پس جایگاه ایشان است آتش هر گاه خواهند برون آیند از آن بازگردانیده شوند در آن و گفته شود برای ایشان بچشید عذاب آتشی را که بودید بدان تکذیب می‌کردید (۲۱) و همانا بچشانیمشان از شکنجه نزدیک نرسیده به شکنجه بزرگ باشد ایشان باز گردند (۲۲) و کیست ستمگرتر از آنکه یادآوری شود به آیت‌های پروردگار خویش پس روی برتابد از آنها همانا مائیم از گنهکاران کین کشند گان (۲۳) و همانا دادیم به موسی کتاب را پس نباش در شکی از ملاقاتش و گردانیدیمش رهبری برای بنی اسرائیل (۲۴) و گردانیدیم از ایشان پیشوایانی که راهنمایی می‌کنند به فرمان ما چنانکه شکیبائی کردند و بودند به آیت‌های ما یقین دارند گان (۲۵) و همانا پروردگارت جدائی افکند میانشان روز رستاخیز در آنچه بودند در آن اختلاف می‌کردند (۲۶) آیا رهبریشان نکرد که بسا نابود ساختیم پیش از ایشان از قرنهایی که روانند در آرامگاه‌های آنان همانا در این است آیت‌هایی آیا نمی‌شنوند (۲۷) آیا ندیدند که روان می‌سازیم آب را بسوی زمینی خشکزار پس برون آریم بدان کشتی را که می‌خورند از آن دام‌های ایشان و ایشان پس آیا نمی‌نگرند (۲۸) و گویند کی است این گشایش (یا پیروزی) اگر هستید راستگویان (۲۹) بگو روز پیروزی سود ندهد آنان را که کفر ورزیدند ایمانشان و نه مهلت داده شوند (۳۰) پس روی برتاب از ایشان و منتظر باش که ایشانند منتظران (۳۱)

الأحزاب

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) ای پیمبر بترس خدا را و فرمانبردار نباش کافران و دورویان را همانا خدا است دانشمند حکیم (۲) و پیروی کن آنچه وحی شود بسویت از پروردگار خویش همانا خدا است بدانچه می‌کنید آگاه (۳) و توکل کن بر خدا و بس است خداوند وکیل (۴) نهاد خدا برای مردی دودل در اندرونش و نگردانید خدا همسران شما را آنان که ظاهر کنید از ایشان مادران شما و نگردانید پسرخواندگان شما را فرزندان شما این گفتار شما است با دهانهای شما و خدا گوید حق را و او است هدایت‌کننده به راه (۵) بخوانید ایشان را برای پدران ایشان آن دادگرانه‌تر است نزد خدا پس اگر ندانستید پدران ایشان را پس برادران شما ایند در دین و بندگان شما و نیست بر شما پروائی در آنچه خطا کردید بدان و لیکن آنچه خواست دل‌های شما و خدا است آمرزنده مهربان (۶) پیمبر سزاوارتر است به مؤمنان از خود ایشان و زنان او مادران ایشانند و خویشاوندان برخیشان سزاوارترند به برخی در کتاب خدا از مؤمنان و مهاجران مگر آنکه کنید در باره دوستانان نکوئی بوده است آن در کتاب نوشته (۷) و هنگامی که بگرفیم از پیمبران پیمان‌شان را و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ابن مریم و گرفتیم از ایشان پیمانی گران (۸) تا بپرسد راستگویان را از راستیشان و آماده کرد برای کافران عذابی دردناک (۹) ای آنان که ایمان آوردید یاد آرید نعمت خدا را بر خویش گاهی که بیامد شما را لشکریانی پس فرستادیم بر آنان بادی و لشکریانی که ندیدید و خدا است بدانچه می‌کنید بینا (۱۰) گاهی که آمدند شما را از فراز شما و از زیر شما و گاهی که گردیدند دیدگان و رسید دل‌ها گلوگاه‌ها را و گمان می‌بردید به خدا گمان‌ها را (۱۱) آنجا (یا آنگاه) آزمایش شدند مؤمنان و لرزیدند لرزشی سخت (۱۲) و هنگامی که می‌گفتند مردمان دوروی و آنان که در دل‌هاشان بیماری است که وعده نداد ما را خدا و پیمبرش مگر فریبی را (۱۳) و هنگامی که گفتند گروهی از ایشان ای مردم یثرب نیست جایگاهی برای شما پس باز گردید و دستوری می‌خواست گروهی از ایشان از پیمبر می‌گفتند همانا خانه‌های ما برهنه است و نیستند آنها برهنه و نخواهند جز گریزی را (۱۴) و اگر ورود شود بر ایشان در آنها از هر سوی سپس درخواست شوند فتنه (جنگ) را هر آینه آرندش و درنگ نکنند بدان مگر اندکی (۱۵) و همانا بودند پیمان بستند با خدا از پیش که برنتابند پشتها را و هست پیمان خدا پرسش‌شده (۱۶) بگو سود ندهد شما را گریز اگر بگریزید از مرگ یا کشتن و آن هنگام کامیاب نشوید مگر اندکی (۱۷) بگو

کیست که نگهدارد شما را از خدا اگر خواهد به شما رنجی یا خواهد برای شما رحمتی و نیاید برای خویش جز خدا دوست و نه یآوری را (۱۸) بسا داند خدا بازدارندگان را از جنگ از شما و گویندگان را به برادران خویش بیاید بسوی ما و نیایند نبرد را جز اندکی (۱۹) بخل ورزانند بر شما تا گاهی که بیاید ترس بینیشان بنگرند در تو می گردد دید گانشان مانند آنکه فرا گرفته باشدش مرگ تا گاهی که برود ترس آزارتان کنند با زبانهائی تیز خوددارانند از نیکی آنان ایمان نیاوردند پس تباه ساخت خدا کردار ایشان را و آن است بر خدا آسان (۲۰) پندارند احزاب را نرفتند و اگر بیایند احزاب دوست دارند کاش برون بودند در مردم دشت نشین و از دور اخبار شما را می پرسیدند و اگر می بودند در شما پیکار نمی کردند جز اندکی (۲۱) همانا شما را است در پیمبر خدا پیرویی نکو برای آن که امید دارد خدا و روز بازپسین را و یاد کند خدا را بسیار (۲۲) و هنگامی که دیدند مؤمنان احزاب را گفتند این است آنچه وعده داد به ما خدا و پیمبرش و راست گفت خدا و پیمبرش و نیفزود ایشان را مگر ایمان و تسلیمی (۲۳) از مؤمنانند مردانی که راست گفتند آنچه را با خدا پیمان بر آن بستند پس از ایشان است آنکه گذرانند پیمان خویش را و از ایشان است آنان که انتظار کشند و تبدیل نکردند تبدیلی (۲۴) تا پاداش دهد خدا راستگویان را به راستیشان و عذاب کند دورویان را اگر خواهد یا توبه پذیرد از ایشان همانا خدا است آمرزنده مهربان (۲۵) و باز گردانید خدا آنان را که کفر ورزیدند به خشمشان نرسیدند به خیری و کفایت کرد خدا مؤمنان را از جنگ و خدا است نیرومند عزیز (۲۶) و فرود آورد آنان را که پشتیبانیشان کردند از اهل کتاب از کاخهای ایشان و افکند در دلهای آنان هراس را که گروهی را کشتید و برده گرفتید گروهی را (۲۷) و ارث داد به شما سرزمین ایشان و خانههای ایشان و خواستههای ایشان را و سرزمینی را که تاخت نیاوردید بر آن و خداست بر همه چیز توانا (۲۸) ای پیمبر بگو به زنان خویشان اگر خواهان زندگانی دنیا و زیور آئید پس بیاید بهره مند سازم شما را و رها سازم شما را رها کردنی نیکو (۲۹) و اگر خواستار خدا و پیمبرش و خانه آخرت باشید پس خدا آماده کرده است برای نکوکاران از شما پاداشی بزرگ را (۳۰) ای زنان پیمبر هر کس از شما فحشایی (ناشایستی) آشکار آرد افزوده شود برایش شکنجه به دو برابر و همانا آن است بر خدا آسان (۳۱) و آنکه فروتنی کند از شما برای خدا و پیمبرش و کرداری شایسته کند دهیمش مزدش را دوبار و آماده کردیم برای او روزی گرامی را (۳۲) ای زنان پیمبر نیستید شما مانند یکی از زنان اگر می ترسید خدا را پس نرمی نشان ندهید در گفتار تا امید بندد آنکه در دلش بیماری است و بگوئید گفتاری نکو را (۳۳) و بیارمید در خانههای خویش و خودنمایی نکنید مانند خودنمایی جاهلیت نخستین (پیکر خود را آشکار نسازید) و پای دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمانبرداری کنید از خدا و پیمبرش جز این نیست که خواهد خدا دور کند از شما چرک (پلیدی) را ای اهل خانه و پاک سازد شما را پاک ساختنی (۳۴) و یاد آرید آنچه را خوانده می شود در خانههای شما از آیتهای خدا و حکمت همانا خداوند است تیزبین کار آگاه (۳۵) همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکیا و زنان شکیا و مردان نرم دل و زنان نرم دل و مردان بخشنده و زنان بخشنده و مردان روزه دار و زنان روزه دار و مردانی که فرجهای خود را نگه دارند و زنان نگهدارنده و مردانی که یاد خدا بسیار کنند و زنان یاد کننده آماده کرده است خدا برای ایشان آمرزشی و پاداشی بزرگ را (۳۶) و نرسد مرد مؤمن و نه زن مؤمنی را که هر گاه بگذارند خدا و پیمبرش کاری را آنکه باشد برای ایشان اختیاری در کار خویش و آنکه سر از فرمان خدا و پیمبرش برتابد همانا گمراه شده است گمراهی آشکار (۳۷) و هنگامی که می گفتی بدان که نعمت داده بود خدا بدو و نعمت داده بودی تو بدو نگهدار نزد خویش همسر خود را و بترس خدا را و نهان می داشتی نزد خود آنچه خدا است آشکار کننده آن و می ترسیدی مردم را و خدا سزاوارتر است که بترسیش تا گاهی که بگذرانید زید از آن زن حاجت را همسر تو گردانیدیمش تا نباشد بر مؤمنان سخت گیری در زنان پسر خواند گانشان گاهی که بگذرانند از آنان حاجت را و بوده است کار خدا شدن (۳۸) نیست بر پیمبر پروائی (سخت گیری) در آنچه بایسته داشت خدا برایش شیوه خدا در آنان که گذشتند از پیش و بوده است کار خدا اندازه ای گذارده (۳۹) آنان که رسانند پیامهای خدا را و ترسندش و ترسند کسی را جز خدا و

بس است خدا حساب گیرنده (۴۰) نیست محمد (صلی الله علیه و آله) پدر یکی از مردان شما و لیکن پیمبر خدا و سرآمد پیمبران و بوده است خدا به همه چیز دانا (۴۱) ای آنان که ایمان آوردید یاد کنید خدا را یاد کردنی فراوان (۴۲) و تسبیحش گوید بامدادان و شامگاهان (۴۳) او است آنکه درود (آمزش) فرستد بر شما او و فرشتگانش تا برون آرد شما را از تاریکی‌ها بسوی روشنائی و بوده است به مؤمنان مهربان (۴۴) درودشان روزی که بدو رسند سلام است و آماده کرد برای ایشان پاداشی گرامی را (۴۵) ای پیمبر همانا فرستادیم گواهی و مژده‌رسانی و بیم‌دهنده‌ای (۴۶) و خواننده‌ای بسوی خدا به فرمانش و چراغی درخشان (۴۷) و مژده ده به مؤمنان که آنان را است از نزد خدا فضلی بزرگ (۴۸) و فرمانبرداری مکن کافران و دورویان را و رها کن آزدن ایشان را و توکل کن بر خدا و بس است خدا و کیلی (۴۹) ای آنان که ایمان آوردید هر گاه کابین بستید بر زنان مؤمنه پس رهاشان ساختید پیش از آنکه بدیشان نزدیکی کنید پس نیست شما را بر ایشان سرآمدی که در انتظارش نشینید پس بهره بدیشان دهید و رهاشان کنید رهائی نکو (۵۰) ای پیمبر همانا حلال ساختیم برایت همسران تو را آنان که مزد ایشان را پرداختی و آنچه را مالک است یمین تو از آنچه خدا بهره جنگ به تو ارزانی داشت و دختران عمت را و دختران عمه‌هایت را و دختران خالت را و دختران خاله‌هایت را که هجرت کردند با تو و زنی مؤمنه را اگر ببخشد خویشتن را به پیمبر اگر خواهد پیمبر که همسر گیردش تنها از آن تو است این و نرسد به مؤمنان همانا دانستیم آنچه را بایسته کردیم بر ایشان در همسرانشان و آنچه دارا است دستهای ایشان تا نباشد بر تو سخت آمدنی و بوده است خدا آمرزنده مهربان (۵۱) برانی آن را که خواهی از آن زنان و نزد خویش جای دهی هر که را خواهی از ایشان و هر که را خواهی از آنان که دور کردی پس نیست باکی بر تو این است نزدیکتر بدان که روشن شود دیدگان‌شان و اندوهگین نشوند و خرسند شوند بدانچه دادیشان همگی ایشان و خدا می‌داند آنچه را در دلهای شما است و خدا است دانای بردبار (۵۲) حلال نیست برایت زنان از این پس و نه آنکه برگزینی به جای آنان همسرانی و هر چند خوش آیدت زیبایی آنان جز آنکه دارا شود دستت و خدا است بر همه چیز نگهبان (۵۳) ای آنان که ایمان آوردید در نیائید به خانه‌های پیمبر جز آنکه دستور داده شود به شما بسوی خوراکی نانگرنان بجای آن و لیکن هر گاه خوانده شدید در آئید و هر گاه خوردید پس پراکنده شوید و نه انس گیرندگان به سخنی همانا این آزار می‌داد پیمبر را و او شرم می‌داشت از شما و خدا پروا ندارد از حق و هر گاه خواستار کالایی باشید از ایشان پس بخواهید از ایشان از پشت پرده (پوششی) این پاکتر است برای دلهای شما و دلهای آنان و نرسد شما را که بیازارید پیمبر خدا را و نه آنکه همسر گیرید زنان را از پس او هیچگاه همانا آن است نزد خدا گران (بزرگ) (۵۴) اگر آشکار سازید چیزی را یا نهان داریدش همانا خدا است به همه چیز دانا (۵۵) پروائی نیست بر آن زنان در پدران ایشان و نه فرزندان ایشان و نه برادران ایشان و نه برادرزادگان ایشان و نه خواهرزادگان ایشان و نه زنان ایشان و نه آنچه دارا است دستهای ایشان و بترسید ای زنان خدا را که خدا است بر همه چیز گواه (۵۶) همانا خدا و فرشتگانش درود (آمزش) فرستند بر پیمبر ای آنان که ایمان آوردید درود فرستید بر او و سلام کنید سلام کردنی (فرمانش را گردن نهید گردن نهادنی) (۵۷) همانا آنان که بیازارند خدا و پیمبرش لعن کرد ایشان را خدا در دنیا و آخرت و آماده کرد برای ایشان عذابی خوارسازنده را (۵۸) و آنان که بیازارند مردان و زنان مؤمن را بجز آنچه فراهم کردند همانا برداشتند تهمتی و گناهی آشکار را (۵۹) ای پیمبر بگو به زنان خویش و دختران خویش و زنان مؤمنین که فروهلند بر خویشتن از روپوشهای خویش این نزدیکتر است بدان که شناخته شوند پس آزار نشوند و خدا است آمرزنده مهربان (۶۰) اگر کوتاه نیایند (پس نکنند) دورویان و آنان که در دلهایشان بیماری است و هرزه در آیان در شهر (اراجیف گویان) هر آینه بشورانیمت بر آنان تا همسایگیت نکنند در آن مگر اندکی (۶۱) لعن شدگان (رانندگان) هر کجا یافت شوند دستگیر شوند و سخت کشته شوند کشته‌شدنی (۶۲) شیوه خدا در آنان که گذشتند از پیش و هرگز نیابی شیوه خدا را دگرگونی (۶۳) پرسندت مردم از ساعت بگو جز این نیست که علم آن نزد خدا است و چه دانی تو (یا چه دانا سازدت) شاید ساعت است نزدیک (۶۴) همانا خدا لعن کرد کافران و آماده کرد برای ایشان آتشی سوزان (۶۵) جاودانان در آن همیشه نیابند یاری و نه یآوری را (۶۶) روزی که گردش داده شود روی‌های

ایشان در آتش گویند کاش فرمانبرداری می کردیم خدا را و فرمانبرداری می کردیم پیمبر را (۶۷) و گفتند پروردگارا همانا فرمان بردیم مهتران خویش و بزرگان خویش را پس گمراه ساختند ما را از راه (۶۸) پروردگارا بدیشان دو برابر فرما از عذاب و لعن کن ایشان را لعنی بزرگ (۶۹) ای آنان که ایمان آوردید نباشید مانند آنان که آزرده موسی را پس بیزار شمرش خدا از آنچه گفتند و بود نزد خدا آبرومند (۷۰) ای آنان که ایمان آوردید بترسید خدا را و بگوئید گفتاری استوار (۷۱) تا ساز آرد برای شما کارهای شما را و بیامرزد گناهان شما را و آنکه فرمان برد خدا و پیمبرش را همانا رستگار شده است رستگاری بزرگ (۷۲) همانا عرض کردیم سپرده را بر آسمانها و زمین و کوهها پس نیارستند برداشتنش را و بیمناک شدند از آن و برداشتش انسان همانا او بوده است ستمگری نادان (۷۳) تا عذاب کند خدا مردان دوروی و زنان دوروی را و مردان مشرک و زنان مشرک را و باز گشت کند خدا بر مردان و زنان مؤمن و بوده است خدا آمرزنده مهربان (۷۴)

سبا

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سپاس خدای را که از آن وی است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او را است سپاس در آخرت و او است حکیم آگاه (۲) داند آنچه را فرو می رود در زمین و آنچه برون آید از آن و آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و او است مهربان آمرزنده (۳) و گفتند آنان که کفر ورزیدند نیاید ما را ساعت بگو بلی سوگند به پروردگارم هر آینه بیاید شما را دانای نهان است گم نشود از او سنگینی ذره ای در آسمانها و نه در زمین و نه کوچتر از آن و نه بزرگتر مگر در کتابی است آشکار (۴) تا پاداش دهد آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ایشان را است آمرزشی و روزی گرامی (۵) و آنان که کوشیدند در آیتهای ما به عجز آرندگان ایشان را است عذابی از پلید دردناک (۶) و بیند آنان که داده شدند دانش را که آنچه فرستاده شد بسویت از پروردگارت حق است و راهنمایی کند بسوی راه خدای عزّتمند ستوده (۷) و گفتند آنان که کفر ورزیدند آیا نمایانیم به شما مردی را که آگهیّتان دهد هر گاه پراکنده شدید مُنتهای پراکندگی را همانا شمائید در آفرینشی نوین (۸) آیا دروغی بر خدا بسته است یا بدو دیوانگی است بلکه آنان که باور ندارند بازپسین را در شکنجه و گمراهی دورند (۹) آیا ننگرند بدانچه پیش روی ایشان است و آنچه پشت سر ایشان است از آسمان و زمین که اگر خواهیم فروبریمشان در زمین یا افکنیم بر ایشان پاره هائی از آسمان همانا در این است آیتی برای هر بنده بازگشت کننده (۱۰) و همانا دادیم داود را از خویش فضلی ای کوهها تسبیح گوئید با او و مرغان و نرم ساختیم برایش آهن را (۱۱) که بساز زره هائی آراسته و اندازه بگذار در زره و بکنید شایسته که همانا منم بدانچه می کنید بینا (۱۲) و برای سلیمان باد را پیشینش یک ماه و پسینش یک ماه و روان (ذوب) ساختیم برایش چشمه مس را و از پریان آنان را که کار می کردند پیش رویش به دستور پروردگار او و آنکو کجروی می کرد از ایشان از فرمان ما می چشاندیمش از عذابی سوزان (۱۳) می ساختند برایش هر چه می خواست از پرستشگاهها و پیکرها و جامه هائی همانند آبگیرها (حوضها) و دیگهائی بر جای نشاند (در کوه یا سنگ) بکنید ای خاندان داود شکر را و کم است از بندگان من شکر گزار (۱۴) پس هنگامی که گذرانیدیم بر او مرگ را رهبریشان نکرد بر مرگش جز جنبنده زمین که می خورد چوبدستش را تا گاهی که به روی در افتاد دریافتند پریان که اگر می دانستند ناپیدا را نمی ماندند در عذابی خوار کننده (۱۵) همانا بود سبا را در نشیمنشان آیتی دو باغ از راست و چپ بخورید از روزی پروردگار خویش و سپاس گزاید برایش شهری پاکیزه و پروردگاری آمرزگار (۱۶) پس روی برتافتند پس فرستادیم بر ایشان سیل بیکران را و بدیشان دادیم جای دو باغ ایشان دو باغ دارنده میوه (یا خوراکی) «خمط» و «اثل» و چیزی از درخت سدر اندک (۱۷) این را پاداششان دادیم بدانچه کفر ورزیدند و آیا کیفر همی دهیم جز به کفرورزنده (۱۸) و گذاردیم میان ایشان و میان شهرستانی که برکت نهاده بودیم در آنها شهرهائی پدیدار و مقرر کردیم در آنها راه پیمودن را بروید در آنها شبهائی و روزهائی ایمن شدگان (۱۹) پس گفتند پروردگارا دوری افکن میان سفرهای ما و ستم کردند خویش را پس

گردانیدیمشان داستانهای و پریشان (پراکنده) ساختمشان مُتَهای پریشانی را همانا در این است آیتهایی برای هر شکیبائی سپاسگزار (۲۰) و همانا راست آورد بر ایشان ابلیس پندار خویش را پس پیرویش کردند مگر گروهی از مؤمنان (۲۱) و نیستش بر ایشان فرمانروایی مگر تا بشناسیم آن را که ایمان آورد به آخرت از آنکه او است در شکی از آن و پروردگار تو است بر همه چیز نگهبان (۲۲) بگو بخوانید آنان را که پنداشتید جز خدا دارا نیستند سنگینی ذره در آسمانها و نه در زمین و نیستشان در آنها شرکتی و نیست او را از ایشان پشتیبانی (۲۳) و سود ندهد شفاعت نزد او جز برای آنکه دستور دهدش تا گاهی که گرفته شود طپیدن هراس از دلهای ایشان گویند چه گفت پروردگار شما گویند حق را و او است برتر بزرگوار (۲۴) بگو که روزیتان دهد از آسمانها و زمین بگو خدا و ما یا شمائیم هر آینه بر هدایتی یا در گمراهی آشکار (۲۵) بگو پرسش نشوید از آنچه ما کردیم و نه پرسش شویم از آنچه شما کنید (۲۶) بگو گردآورد میان ما پروردگار ما سپس بگشاید میان ما به حق و او است گشاینده دانا (۲۷) بگو بنمایانیدیم آنان را که پیوستش کردید شریکانی نه چنین است بلکه او است خداوند عزّتمند حکیم (۲۸) و نفرستادیم تو را مگر برای همه مردم مژده‌دهنده و ترساننده و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (۲۹) و گویند چه هنگام است این وعده اگر هستید راستگویان (۳۰) بگو شما را است وعده گاه روزی که نه دیر کنید از آن ساعتی و نه پیشی گیرید (۳۱) و گفتند آنان که کفر ورزیدند هرگز ایمان نیاریم بدین قرآن و نه بدانچه پیش روی آن است و کاش می‌دیدید گاهی که ستمگران بازداشت شدگانند نزد پروردگار خویش برگردانند برخی از ایشان به برخی گفتار را گویند آنان که ناتوان شمرده شدند بدانان که برتری جستند اگر نبودید شما هر آینه می‌بودیم ما مؤمنان (۳۲) گفتند آنان که برتری جستند بدانان که ناتوان شمرده شدند آیا ما بازداشتیم شما را از رهبری پس از آنکه بیامد شما را بلکه بودید شما گنهکاران (۳۳) و گفتند آنان که ناتوان شمرده شدند بدانان که کبر ورزیدند بلکه نیرنگ شب و روز بود هنگامی که فرمان می‌دادید ما را که کفر ورزیم به خدا و قرار دهیم برایش همتایانی و نهان داشتند پشیمانی را گاهی که دیدند عذاب را و نهادیم زنجیرها را در گردنهای آنان که کفر ورزیدند آیا پاداش داده شوند جز آنچه را بودند می‌کردند (۳۴) و نفرستادیم در شهری ترساننده‌ای مگر گفتند هوسرانان آنکه مائیم بدانچه فرستاده شدید بدان کافران (۳۵) و گفتند ما بیشتریم در مالها و فرزندان و نیستیم ما عذاب‌شدگان (۳۶) بگو هر آینه پروردگار من فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد و تنگ کند و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (۳۷) و نیستند مالهای شما و نه فرزندان شما که نزدیک گردانند شما را نزد ما جایگاهی نزدیک مگر آنکه ایمان آورد و کردار شایسته کرد که آنان را است پاداش دو برابر بدانچه کردند و آنانند در کاخها آرمیدگان (۳۸) و آنان که می‌کوشند در آیتهای ما به عجز آرندگان آنانند در عذاب احضارشدگان (۳۹) بگو هر آینه پروردگار من گشایش دهد روزی را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ گرداند بر او و آنچه دهید از چیزی پس او جانشین (عوض) آردش و او است بهترین روزی‌دهندگان (۴۰) و روزی که گرد آردشان همگی سپس گوید به فرشتگان آیا اینان بودند شما را می‌پرستیدند (۴۱) گفتند منزهی تو توئی دوست ما نه آنان بلکه بودند می‌پرستیدند پریان را بیشتر ایشانند بدانان گروندگان (۴۲) پس امروز دارا نیست برخی از شما برای برخی سود و نه زیانی و گوئیم بدانان که ستم کردند بچشید عذاب آتشی را که بودید آن را دروغ می‌پنداشتید (۴۳) و گاهی که خوانده شود بر ایشان آیتهای ما روشن گویند نیست این جز مردی که خواهد بازدارد شما را از آنچه بودند می‌پرستیدند پدران شما و گفتند نیست این جز دروغی پرداخته و گفتند آنان که کفر ورزیدند به حق گاهی که آمدشان نیست این جز جادوئی آشکار (۴۴) و ندادیمشان کتابهایی که آنها را درس خوانند و نفرستادیم بسوی ایشان پیش از تو ترساننده‌ای (۴۵) و تکذیب کردند آنان که پیش از ایشان بودند و نرسیدند ده یک آنچه بدیشان دادیم و تکذیب کردند فرستادگانم را پس چسان است کین کشیدن من (۴۶) بگو همانا اندرز دهم شما را به یکی که بپای ایستید برای خدا دو دو و یک یک سپس بیندیشید که نیست بر یار شما دیوانگی نیست او جز ترساننده برای شما پیش روی عذابی سخت (۴۷) بگو هر چه خواهم از شما از مزدی پس از آن شما است نیست مزدم جز بر خدا و او است بر همه چیز گواه (۴۸) بگو همانا پروردگار من بیفکند حق را او است دانای نهانها (۴۹) بگو بیامد

حقّ نه آغاز کند باطل و نه بازگرداند (۵۰) بگو اگر گمراه شوم همانا گمراه شوم بر خود و اگر هدایت یابم پس بدان چیز است که وحی فرستد به سویم پروردگارم همانا او است شنوای نزدیک (۵۱) و کاش میدیدی گاهی را که هراسان شوند پس نیست گریزی (در رفتنی) و دستگیر شدند از جایگاهی نزدیک (۵۲) و گفتند ایمان آوردیم بدان و کجا است ایشان را سودمندشان از جایگاهی دور (۵۳) حالی که کفر ورزیدند بدان از پیش و می افکنند به ناپیدا از جایگاهی دور (۵۴) و جدائی افکنده شد میان ایشان و میان آنچه هوس کردند بدانسان که شد به پیروانشان از پیش که ایشان بودند در شکی شک آورنده (۵۵)

فاطر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سپاس خدا را آفریننده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان فرستادگانی دارندگان بالهائی دوتا و سه تا و چهارتا بیفزاید در آفرینش آنچه خواهد همانا خدا است بر همه چیز توانا (۲) آنچه بگشاید خدا برای مردم از رحمت نیستش بازدارنده و آنچه بازدارد نیستش رهاکننده ای پس از او و او است عزتمند حکیم (۳) ای مردم یاد آرید نعمت خدا را بر شما آیا هست آفریننده ای جز خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست خدائی جز او پس کجا به دروغ رانده می شوید (۴) و اگر تکذیب کنند همانا تکذیب شدند فرستادگانی پیش از تو و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها (۵) ای مردم همانا وعده خدا است حقّ پس نفرید شما را زندگانی دنیا و فریب ندهد شما را به خدا فریب دهنده (۶) همانا شیطان شما را است دشمنی پس برگزیدش دشمن جز این نیست که می خواند دسته خویش را تا شوند از یاران آتش سوزان (۷) آنان که کفر ورزیدند برای ایشان است شکنجه ای سخت و آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ایشان را است آمرزشی و مزدی بزرگ (۸) آیا کسی که آراسته شود برایش بدی کارش پس آن را نکو بیند همانا خدا گمراه سازد هر که را خواهد و هدایت کند هر که را خواهد پس نرود جانت اندوه هائی (دریغ هائی) بر ایشان همانا خدا دانا است بدانچه می سازند (۹) و خدا است آنکه فرستاد بادها را پس برانگیزند ابری پس رانندیش بسوی شهری مرده پس زنده سازیم بدان زمین را پس از مرگش چنین است برانگیختن (یا گرد آوردن) (۱۰) آنکو عزت جوید پس برای خدا است عزت همگی بسویش بالا رود سخنان پاک و کردار نیک را او بالا برد و آنان که نیرنگهای زشت آرند ایشان را است عذابی سخت و نیرنگ آنان است تباه و نابود (۱۱) و خدا بیافرید شما را از خاکی پس از چکه آبی سپس گردانید شما را جفت هائی و بارور نگردد ماده ای و نه بنهد بارش را جز با علم او و سالمند نشود سالمندی و نه کاسته شود از سالش مگر در کتابی است همانا آن است بر خدا آسان (۱۲) و یکسان نیستند دو دریا این خوشکام شیرین که گوارا است نوشابه آن و آن نمکی شور (یا تلخ) و از هر یک خورید ماهی تازه و برون آرید زیوری که پوشیدش و بینی کشتی ها را در آن رونده تا بجوئید از فضلش و شاید سپاسگزارید (۱۳) فروبرد شب را در روز و فروبرد روز را در شب و رام گرداند مهر و ماه را هر کدام روانند تا سرآمدی نامبرده این است پروردگار شما وی را است پادشاهی و آنان که خوانید جز او دارا نیستند پوست هسته خرمائی (۱۴) اگر بخوانیدشان نشنوند بانگ شما را و اگر می شنیدند پاسخ نمی گفتند تان و روز قیامت کفران ورزند به شرک ورزی شما و آگاه نسازدت همانند کاردان (۱۵) ای مردم شما نید نیازمندان به خدا و خدا است بی نیاز ستوده (۱۶) اگر خواهد ببرد شما را و بیارد آفرینشی نوین (۱۷) و نیست آن بر خدا گران (۱۸) و بر ندارد گنهباری بار دیگری را و اگر بخواند گرانباری بسوی بارش برداشته نشود از او چیزی و اگر چه باشد خویشاوند جز این نیست که بیم دهی آنان را که می پرستند پروردگار خویش را به نهان و پهای دارند نماز را و آنکه پاکی جوید جز این نیست که برای خویش پاکی جوید و بسوی خداست بازگشت (۱۹) یکسان نیستند کور و بینا (۲۰) و نه تاریکی ها و نه روشنائی (۲۱) و نه سایه و نه سوزش گرما (۲۲) و یکسان نیستند زندگان و نه مردگان همانا خدا می شنواند هر که را خواهد و نیستی تو شنوانده آنان که در گورستانند (۲۳) نیستی تو جز بیم دهنده (۲۴) همانا فرستادیمت به حقّ نویددهنده و ترساننده و نیست ملتی جز آنکه بگذشت در آن ترساننده ای (۲۵) و اگر تکذیب کنند همانا تکذیب کردند آنان که پیش از ایشان

بودند بیامدندشان پیمبرانشان به نشانی‌ها و به کتابها و به نامه درخشان (۲۶) سپس برگرفتیم آنان را که کفر ورزیدند پس چگونه بود کيفرم (۲۷) آیا ندیدی که خدا فرستاد از آسمان آبی پس برون آوردیم بدان میوه‌هایی به رنگهای گوناگون و از کوه‌ها راه‌هایی سفید و سرخ رنگارنگ و سیاه‌هایی تار (۲۸) و از مردم و جنبندگان و دامها به رنگهای گوناگون بدینسان جز این نیست که می‌ترسند خدا را از بندگانش دانشمندان همانا خدا است عزتمند آمرزگار (۲۹) آنان که خوانند کتاب خدا را و بپای دارند نماز را و دهند از آنچه روزیشان دادیم نهان و آشکارا امید دارند سوداگری را که هرگز تباه نگردد (۳۰) تا پردازد بدیشان پاداش ایشان را تمامی و بیفزایدشان از فضل خویش و او است آمرزنده سپاسگزار (۳۱) و آنچه وحی فرستادیم بسوی تو از کتاب آن است حقّ تصدیق‌کننده آنچه پیش روی آن است همانا خداوند است به بندگان خویش آگهی بینا (۳۲) سپس ارث دادیم کتاب را بدانان که برگزیدیم از بندگان خویش پس از ایشان است ستم‌کننده بر جان خود و از ایشان است میانه‌روی و از ایشان است سبقت‌گیرنده به خوبی‌ها به دستور خدا این است آن فضل بزرگ (۳۳) بهشت‌های جاودان در آنها درآیند آراسته شوند در آنها با زیورهای از زر و دستبرنج‌های زرین و مروارید و پوشاک ایشان در آن است حریر (ابریشم) (۳۴) و گفتند سپاس خدای را که برد از ما اندوه را همانا پروردگار ما است آمرزنده سپاسگزار (۳۵) آنکو جایگزین ساخت ما را در سرای آرمیدن از فضل خویش نرسد ما را در آن خستگی و نه ما را رسد در آن رنجی (۳۶) و آنان که کفر ورزیدند ایشان را است آتش دوزخ نه گذرانیده شود بر ایشان تا بمیرند و نه کاسته شود از ایشان از عذابش بدینسان پاداش دهیم به هر ناسپاسی (۳۷) و ایشان می‌نالند در آن پروردگارا برون آر ما را تا بکنیم کرداری شایسته جز آنچه بودیم می‌کردیم آیا عمر ندادیم شما را آنچه یادآور شود در آن آنکه یادآور شود و بیامد شما را ترساننده‌ای پس بچشید که نیست ستمگران را یاوری (۳۸) همانا خدا است داننده نهان آسمانها و زمین همانا او است دانا بدانچه در سینه‌ها است (۳۹) او است آنکه گردانید شما را جانشینانی در زمین پس آنکو کفر ورزد بر او است کفرش و نیفزاید کافران را کفرشان نزد پروردگارشان مگر خشمی و نیفزاید کافران را کفرشان مگر زبانی (۴۰) بگو آیا دیدید شریکان خویش را که خوانید جز خدا بنمایانیدم چه چیز آفریدند از زمین یا آنان را است شرکتی در آسمانها یا دادیم بدیشان کتابی پس ایشانند بر روشنائی (یا نشانی) از آن بلکه وعده نمی‌دهند ستمگران برخی از ایشان برخی را جز فریب (۴۱) همانا خدا نگهدارد آسمانها و زمین را از آنکه بیفتند و اگر بیفتند نگه ندارد آنها را کسی پس از او همانا او است بردبار آمرزگار (۴۲) و سوگند یاد کردند به خدا سخت‌ترین سوگندان خویش را که اگر بیامدشان ترساننده‌ای هر آینه باشند راه یابنده‌تر از یکی از امتهای پس هنگامی که بیامدشان ترساننده‌ای نیفزود ایشان را جز رمیدنی (نفرتی) (۴۳) برتری‌جستنی در زمین و نیرنگ زشت و فرود نیاید نیرنگ زشت جز به اهلش پس آیا جز شیوه پیشینیان را منتظرند که هرگز نیابی شیوه خدا را دگرگونی و نه هرگز یابی شیوه خدا را بازگشتنی (۴۴) آیا نگشتند در زمین تا بنگرند چگونه بود فرجام آنان که پیش از ایشان بودند بودند سخت‌تر از ایشان در نیرو و نبود خدا به عجز آورنده او چیزی در آسمانها و نه در زمین همانا او است دانای توانا (۴۵) و اگر بگیرد خدا مردم را بدانچه فراهم کردند نگذارد بر پشت آن جنبنده‌ای لیکن پس اندازدشان تا سرآمدی نامبرده پس گاهی که بیاید سرآمدشان همانا خدا است به بندگان خویش بینا (۴۶)

یس

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) یس (۲) سوگند به قرآن استوار (۳) که توئی همانا از فرستادگان (۴) بر راهی راست (۵) فرستادن خداوند عزیز مهربان (۶) تا بیم دهی قومی را که بیم‌داده نشدند پدران ایشان پس آنانند ناآگاهان (۷) همانا راست آمد (یا فرود آمد) سخن بر بیشتر ایشان پس ایشان ایمان نمی‌آرند (۸) همانا نهادیم در گردنهای ایشان زنجیرهایی پس دستهایشان بسوی چانه‌ها است پس ایشانند لگام زدگان (سر به بالا نگاه‌داشتگان) (۹) و گذاردیم پیش روی ایشان سدی و از پشت سرشان سدی پس پوشانیدمشان پس ایشان نبینند (۱۰) و یکسان است بر ایشان چه بترسانیشان یا نترسانیشان ایمان نیارند (۱۱) جز این نیست که می‌ترسانی آن را که

پیروی ذکر کند و بترسد خدای مهربان را به نهان پس مژده ده او را به آمرزشی و مزدی گرامی (۱۲) همانا ما زنده کنیم مردگان را و نویسیم آنچه پیش فرستادند و آثار ایشان را و هر چیزی را فراهم کردیم در پیشوائی آشکار (۱۳) و بزنی برای ایشان مثل یاران شهر را هنگامی که آمدندش فرستادگان (۱۴) هنگامی که فرستادیم بسوی آنان دو تن پس تکذیبشان کردند پس تقویت کردیم آنان را به سیمینی پس گفتند همانا مائیم بسوی شما فرستادگان (۱۵) گفتند نیستید شما جز مردمی مانند ما و نفرستاده است خدای مهربان چیزی را و نیستید شما جز دروغگویان (۱۶) گفتند پروردگار ما داند که مائیم بسوی شما هر آینه فرستادگان (۱۷) و نیست بر ما جز رساندن آشکار (۱۸) گفتند همانا به فال بد گرفتیم شما را اگر کوتاه نیائید هر آینه سنگسارتان کنیم و البته رسد شما را از ما شکنجه دردناک (۱۹) گفتند فال بد شما همراه شما است آیا اگر که یادآوری شوید بلکه شمائید گروهی فزونی جویان (۲۰) و آمد از دورترین جای شهر مردی می‌دوید گفت ای قوم من پیروی کنید فرستادگان را (۲۱) پیروی کنید آنان را که نخواهند از شما مزدی و ایشانند راه‌یافتگان (۲۲) و چه شود مرا که نپرستم آن را که بیافریدم و بسوی او باز گردانیده شوید (۲۳) آیا برگیرم جز او خدایانی که اگر خواهم خدای مهربان به رنجی بی‌نیاز نگرداندم شفاعت ایشان به چیزی و نه رها سازندم (۲۴) همانا منم آن هنگام در گمراهی آشکار (۲۵) همانا ایمان آوردم به پروردگار شما پس مرا بشنوید (۲۶) گفته شد به بهشت درآی گفت ای کاش قوم من دانستند (۲۷) که آمرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا از گرامی داشتگان (۲۸) و نفرستادیم بر قومش پس از او لشکری از آسمان و نبودیم فرستندگان (۲۹) نبود آن جز یک خروش که ناگهان ایشانند مُردگان (۳۰) افسوس بر بندگان که نیایدشان پیمبری جز آنکه هستند بدو استهزاکنندگان (۳۱) آیا ندیدند بسا نابود کردیم پیش از ایشان از قرن‌ها که آنان بسوی ایشان بازنگردند (۳۲) و هر آینه همگانند با هم به نزد ما احضارشدگان (۳۳) و آیتی برای ایشان زمین مرده است که زنده کردیمش و برون آوردیم از آن دانه‌ای که از آن می‌خورند (۳۴) و نهادیم در آن باغهایی از خرمانها و انگورها و بشکافیم در آن از چشمه‌ها (۳۵) تا خورند از میوه آن و آنچه ساختش دستهای ایشان پس آیا سپاس نگرانند (۳۶) منزّه است آنکه آفرید جفتها را همگی از آنچه می‌رویاند زمین و از خود ایشان و از آنچه نمی‌دانند (۳۷) و آیتی برای ایشان شب است که برکنیم از آن روز را ناگاه ایشانند به تاریکی شدگان (۳۸) و خورشید روان است سوی آرامگاهی برایش این است اندازه‌نهادن (یا مقرر داشتن) عزّتمند دانا (۳۹) و ماه را گردانیدیم منزلهایی تا بازگشت چون شاخه خرما می‌کهن (خشکیده) (۴۰) نه مهر را سزد که به ماه رسد و نه شب است پیشی گیرنده بر روز و هر کدامند در گردونه‌ای شناوران (۴۱) و آیتی است برای ایشان آنکه ما سوار کردیم نژاد ایشان را در کشتی انباشته (۴۲) و آفریدیم برای ایشان از نمونه چه را سوار شوند (۴۳) و اگر خواهیم غرقشان سازیم تا به فریادرسی ایشان را باشد و نه رهانیده شوند (۴۴) جز رحمتی از ما و کامیابی تا زمانی (۴۵) و گاهی که گفته شود بدیشان برسید آنچه را پیش روی شما و آنچه پشت سر شما است شاید رحم شوید (۴۶) و نمی‌آیدشان آیتی از آیتهای پروردگارشان مگر هستند از آن روی گردانان (۴۷) و گاهی که گفته شود بدیشان دهید از آنچه روزیتان داده است خدا گویند آنان که کفر ورزیدند بدانان که ایمان آوردند آیا خورانیم آن را که اگر می‌خواست خدا می‌خورانیدش نیستید شما مگر در گمراهی آشکار (۴۸) و گویند چه هنگام است این وعده اگر هستید راستگویان (۴۹) ننگرند (چشم به راه نیستند) جز یک خروش را که بگیردشان حالی که ایشانند با هم ستیزه‌کنان (۵۰) پس نتوانند وصیت گذاردنی و نه بسوی خاندان خویش بازگردند (یا سخن گویند) (۵۱) و دمیده شد در صور که ناگاه ایشانند از گورها بسوی پروردگار خویش شتابندگان (۵۲) گویند وای بر ما که برانگیخت ما را از خوابگاه ما این است آنچه وعده داد خداوند مهربان و راست گفتند فرستادگان (۵۳) نبود آن جز یک خروش که ناگهان ایشانند همگان با هم نزد ما احضارشدگان (۵۴) پس امروز نه ستم شود به کسی چیزی و نه پاداش داده شوید جز آنچه بودید می‌کردید (۵۵) همانا یاران بهشت امروز دست بکار کامرانند (۵۶) آنان و همسرانشان در سایه‌هایی بر اریکه‌هایند تکیه‌کنندگان (۵۷) آنان را است در آن میوه و آنان را است در آن هر چه می‌خواهند (۵۸) سلامی است گفتاری از پروردگار مهربان (۵۹) و جدا شوید امروز ای گنهکاران (۶۰) آیا اندرز ندادم شما را ای بنی‌آدم که نپرستید شیطان را که

او شما را است دشمنی آشکار (۶۱) و آنکه مرا پرستید این است راهی راست (۶۲) و هر آینه گمراه ساخت از شما گروهی بسیار را آیا نبودید بخرد یابید (۶۳) این است دوزخی که بودید وعده داده می شدید (۶۴) بچشیدش امروز بدانچه بودید ناسپاسی می کردید (۶۵) امروز مَهر نهیم بر دهانهای ایشان و سخن گویند با ما دستهای ایشان و گواهی دهند پاهای ایشان بدانچه بودند فراهم می کردند (۶۶) و اگر می خواستیم می گرفتیم دیدگان ایشان را پس سبقت گرفتند بسوی راه ولی کجا بیند (۶۷) و اگر می خواستیم هر آینه مسخ می کردیم ایشان را (پیکری دیگر می آوردیمشان) با فرمانروایشان پس نتوانند رفتن را و نه باز گردند (۶۸) و هر که را سالمند گردانیم بکاهیمش در آفرینش آیا بخرد نیابند (۶۹) و نیاموختیم بدو شعر را و نه سزدش نیست آن جز یادآوری و قرآنی آشکار (۷۰) تا بترساند آن را که زنده است و فرود آید سخن بر کافران (۷۱) آیا ندیدند که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه ساخت دستهای ما چهارپایانی پس ایشانند آنها را دارندگان (۷۲) و رام کردیم آنها را برای ایشان پس از آنها است سواری ایشان و از آنها می خورند (۷۳) و برای ایشان است در آنها سودهائی و آبشخورها (نوشابهائی) پس آیا سپاسی نگزارند (۷۴) و بگرفتند جز خدا خدایانی شاید یاری شوند (۷۵) نتوانندشان یاری کردن و ایشانند آنان را لشکری فراخواندگان (احضارشدگان) (۷۶) پس اندوهگین نسازدت سخن ایشان همانا دانیم آنچه را نهان دارند و آنچه پدیدار کنند (۷۷) آیا ندیده است انسان که ما آفریدیمش از چگه آبی پس ناگهان او است دشمنی یا ستیزه جوئی (آشکار) (۷۸) و بزد برای ما مثلی و فراموش کرد آفرینش خود را گفت کیست که زنده کند استخوانها را حالی که آنها را خاک پوسیده (۷۹) بگو زنده کند آنها را آنکه پدید آورد یا بیافرید آنها را نخستین بار و او است به هر آفرینشی دانا (۸۰) آنکه نهاد برای شما از درخت سبز آتشی که ناگهان شمائید از آن فروزندگان (۸۱) آیا نیست آنکه آفرید آسمانها و زمین را توانا بر آنکه بیافرد مانند ایشان را بلی و او است آفریننده دانا (۸۲) جز این نیست کار او گاهی که چیزی خواهد که بدو گوید بشو پس بشود (۸۳) پس منزّه است آنکه به دستش پادشاهی های همه چیز است و بسوی او باز گردانیده شوید (۸۴)

الصفات

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند بدانان که صف بندند صف بستنی (۲) و آنان که برانند راندنی (۳) و بسرایندگان ذکر (۴) همانا خدای شما است هر آینه یکی (۵) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است و پروردگار خاورها (۶) همانا آراستیم آسمان نزدیک را به زیور ستارگان (۷) و نگهداشتیمش از هر شیطانی گردنکش (۸) نتواند گوش دادن را بسوی گروه فرازین و پرتاب شوند از هر سوی (۹) رانندگان و ایشان را است شکنجه ای پیوسته (۱۰) مگر آنکو برباید ربودنی که از پی اش رود شهابی تیز (۱۱) پس پرسشان آیا آنان سخت ترند در آفرینش یا آنکه ما آفریدیم همانا بیافریدیمشان از گلی چسبنده (۱۲) بلکه شگفت ماندی و مسخره کنند (۱۳) و گاهی که یادآوری شوند یاد نیارند (۱۴) و گاهی که بیند آیتی به مسخره گیرند (۱۵) و گویند نیست این جز جادویی آشکار (۱۶) آیا گاهی که مُردیم و شدیم خاکی و استخوانهای آیا مائیم برانگیختگان (۱۷) آیا و پدران ما پیشینان (۱۸) بگو آری و شمائید سرافکندگان (۱۹) جز این نیست که آن یک راندن (یا یک خروش) است که ناگهان ایشانند نگرانان (۲۰) و گفتند وای بر ما این است روز دین (۲۱) این است روز جدا شدن که بودید بدان تکذیب می کردید (۲۲) گرد آرید آنان را که ستم کردند و همسرانشان را و آنچه را بودند می پرستیدند (۲۳) جز خدا پس رهبریشان کنید بسوی راه دوزخ (۲۴) و بازداشتشان کنید که ایشانند پرسش شدگان (۲۵) چه شود شما را که همدیگر را یاری نکنید (۲۶) بلکه ایشانند در آن روز تسلیم شدگان (۲۷) و روی آورد برخی از ایشان به برخی پرسش کنان (۲۸) گفتند همانا شما بودید می آمدید ما را از راست (۲۹) گفتند بلکه نبودید شما گروندگان (۳۰) و نبود ما را بر شما فرمانروائی بلکه بودید شما گروهی گردنکشان (۳۱) و راست آمد بر ما سخن پروردگار ما که مائیم همانا چشندگان (۳۲) پس گمراهتان کردیم که بودیم ما گمراهان (۳۳) پس آنانند در آن روز در عذاب شریک شدگان (۳۴) همانا ما بدینسان کنیم با گنهکاران (۳۵) که بودند گاهی که گفته می شد بدیشان نیست خدائی جز خدا کبر

می‌ورزیدند (۳۶) و می‌گفتند آیا ما رها کنیم خدایان خویش را برای شاعری دیوانه (۳۷) بلکه آمد به راستی و تصدیق کرد به فرستادگان (۳۸) که شماست همانا چشندگان عذاب دردناک (۳۹) و کیفر نشوید جز آنچه بودید می‌کردید (۴۰) مگر بندگان خدا را نالودگان (۴۱) که آنان را است روزی دانسته (۴۲) میوه‌هایی و آنانند گرامی داشتگان (۴۳) در باغستان نعمتها (۴۴) بر تخت‌هایی روی به روی (۴۵) گردانیده شود بر ایشان جامی از باده پدیدار (۴۶) تابناکی خوشکامی برای نوشندگان (۴۷) نه در آن است مستی (بی‌بشی و یا رنجی) و نه آنانند از آن بازگرفتگان (۴۸) و نزد ایشان است کوتاه‌مژگانی درشت‌چشمان (۴۹) گوئیا تخم‌های ماکیانند به پرده پوشیدگان (۵۰) و روی آورد برخی از ایشان به برخی پرسش‌کنان (۵۱) گفت گوینده‌ای از ایشان که همانا بود مرا همنشینی (۵۲) می‌گفت آیا توئی از راست پنداران (تصدیق‌کنندگان) (۵۳) آیا گاهی که مُردیم و شدیم خاکی و استخوان‌هایی آیا مائیم هر آینه کیفردادگان (۵۴) گفت آیا شماست سربرآرندگان (۵۵) پس سربرآورد پس نگریشش در میان دوزخ (۵۶) گفت به خدا سوگند همانا نزدیک بود مرا سرنگون کنی (۵۷) و اگر نبود نعمت پروردگار من هر آینه می‌بودم از احضارشدگان (۵۸) آیا پس نیستیم ما مُردگان (۵۹) جز مرگ نخستین را و نیستیم ما عذاب‌شدگان (۶۰) همانا این است آن رستگاری بزرگ (۶۱) به مانند این پس باید کنند کنندگان (۶۲) آیا این بهتر است پیشکشی یا درخت تلخکام زقوم (۶۳) همانا ما گردانیدیمش گرفتاری برای ستمگران (۶۴) هر آینه آن درختی است که برون آید در ته دوزخ (۶۵) شکوفه (یا میوه) آن همچون سرهای دیوان (شیاطین) (۶۶) هر آینه ایشانند از آن خورندگان پس شکمها را از آنند آکنندگان (۶۷) سپس ایشان را است بر آن آمیخته از آبی جوشان (۶۸) پس بازگشت ایشان است همانا بسوی دوزخ (۶۹) که ایشان یافتند پدران خویش را گمراهان (۷۰) پس ایشانند در پی آنان (پا بر نشان پای‌های آنان) شتابندگان (۷۱) و همانا گمراه شدند پیش از ایشان بیشتر پیشینیان (۷۲) و همانا فرستادیم در ایشان ترسانندگانی (۷۳) پس بنگر چگونه بود فرجام بیم‌دادگان (۷۴) جز بندگان خدا آن پاکشدگان (نالودگان) (۷۵) و همانا خواند ما را نوح پس چه خوبند پاسخ‌دهندگان (۷۶) و رها ساختیمش با خاندانش از اندوه بزرگ (۷۷) و گردانیدیم نژادش را بازماندگان (۷۸) و گذاردیم بر او در پس آیندگان (۷۹) سلامی بر نوح در جهانیان (۸۰) همانا بدینسان پاداش دهیم به نیکوکاران (۸۱) که او است همانا از بندگان ما مؤمنان (۸۲) سپس غرق ساختیم دگران را (۸۳) و هر آینه از پیروان وی است ابراهیم (۸۴) گاهی که آمد پروردگار خویش را با دلی سالم (۸۵) هنگامی که گفت به پدر خویش و قومش چه را می‌پرستید (۸۶) آیا به دروغ خدایانی را جز خدا خواهید (۸۷) آیا چیست گمان شما به پروردگار جهانیان (۸۸) پس نگریشش نگریشتی در ستارگان (۸۹) پس گفت همانا منم بیمار (۹۰) پس روی برتافتد از او پشت‌کنندگان (۹۱) پس خرامید (خزید) بسوی خدایان ایشان پس گفت چرا نمی‌خورید (۹۲) چه شود شما را که سخن نگوئید (۹۳) پس روی آورد بر ایشان می‌نواخت با دست راست (۹۴) پس روی آوردند بسویش به انبوه دوندگان (۹۵) گفت آیا می‌پرستید آنچه را می‌تراشید (۹۶) و خدا آفریدتان با آنچه می‌سازید (۹۷) گفتند بنیاد نهید برایش بنیانی پس بیفکنیدش در دوزخ (۹۸) و خواستند بدو نیرنگی را پس گردانیدیمشان پست‌شدگان (۹۹) گفت همانا می‌روم بسوی پروردگار خویش زود است رهبریم کند (۱۰۰) پروردگارا ببخش مرا از شایستگان (۱۰۱) پس نویدش دادیم به پسری خردمند (۱۰۲) تا گاهی که رسید با وی کوشش (یا دویدن را) گفت ای پسرک من همانا دیدم در خواب که می‌کشتم پس بنگر تا چه می‌بینی گفت ای پدر بکن آنچه را فرمان می‌شوی زود است بیایم اگر خدا خواهد از شکیبایان (۱۰۳) تا گاهی که گردن نهادند هر دو (۱۰۴) و افکندش به پیشانی و خواندیمش ای ابراهیم (۱۰۵) همانا راست آوردی خواب را ما بدینسان پاداش دهیم نیکوکاران (۱۰۶) این است هر آینه آن آزمایش آشکار (۱۰۷) و فدیة دادیمش به کشتنی بزرگ (۱۰۸) و باز گذاردیم بر او در آیندگان (۱۰۹) سلامی بر ابراهیم (۱۱۰) چنین پاداش دهیم نیکوکاران را (۱۱۱) همانا او است از بندگان ما مؤمنان (۱۱۲) و نوید دادیمش به اسحق پیمبری از شایستگان (۱۱۳) و برکت نهادیم بر او و بر اسحق و از نژاد آنان است نیکوکاری و ستمگری بر خویشتن آشکار (۱۱۴) و همانا منت نهادیم بر موسی و هارون (۱۱۵) و رهانشان ساختیم و قومشان را از اندوه بزرگ (۱۱۶) و یاریشان کردیم پس شدند چیرگان (پیروزمندان) (۱۱۷) و بدیشان

دادیم نامه روشن (۱۱۸) و رهبریشان کردیم به راهی راست (۱۱۹) و باز گذاردیم بر ایشان در بازماندگان (۱۲۰) سلام بر موسی و هارون (۱۲۱) بدینسان پاداش دهیم به نکوکاران (۱۲۲) همانا بودند آنان از بندگان ما گروندگان (۱۲۳) و همانا الیاس است از فرستادگان (۱۲۴) گاهی که گفت به قوم خویش چرا پرهیزکاری نکنید (۱۲۵) آیا می خوانید بعل را و می گذارید (رها کنید) بهترین آفرینندگان (۱۲۶) خدا را پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینان (۱۲۷) پس دروغش پنداشتند و همانا ایشانند فراخواندگان (احضارشدگان) (۱۲۸) مگر بندگان خدا ناآلودگان (۱۲۹) و باز گذاردیم بر او در آیندگان (۱۳۰) سلامی بر آل یاسین (یا خاندان الیاس) (۱۳۱) که ما بدینسان پاداش دهیم نیکوکاران (۱۳۲) همانا او است از بندگان ما گروندگان (۱۳۳) و هر آینه لوط است از فرستادگان (۱۳۴) هنگامی که رهانیدیم خود و خاندانش را همگان (۱۳۵) مگر پیرزنی در بازماندگان (۱۳۶) سپس سرنگون ساختیم دگران را (۱۳۷) و هر آینه شما می گذرید بر ایشان بامداد (۱۳۸) و به شب پس آیا بخرد نمی یابید (۱۳۹) و همانا یونس است از فرستادگان (۱۴۰) گاهی که گریخت بسوی کشتی آکنده (۱۴۱) پس تیر گرفت پس شد از فروافتادگان (انداختگان) (۱۴۲) پس فرو بردش ماهی و او بود نکوهیده (۱۴۳) پس اگر نبود از تسبیح گویان (۱۴۴) هر آینه می ماند در شکمش تا روزی که برانگیخته شوند (۱۴۵) پس افکندیمش به دشت و او بود بیمار (۱۴۶) و رویانیدیم بر او درختی را از کدو (۱۴۷) و فرستادیمش بسوی صد هزار تن بلکه می افزودند (۱۴۸) پس ایمان آوردند پس بهره مندشان ساختیم تا زمانی (۱۴۹) پس بیریشان آیا پروردگار تو را است دختران و ایشان را است پسران (۱۵۰) یا آفریدیم فرشتگان را ماده گانی و ایشانند گواهان (۱۵۱) همانا ایشان از دروغ پردازیشان گویند (۱۵۲) خدا را است فرزندی و همانا ایشانند دروغ گویان (۱۵۳) آیا برگزیده است دختران را بر پسران (۱۵۴) چه شود شما را چگونه حکم کنید (۱۵۵) آیا یادآوری نمی شوید (۱۵۶) آیا شما را است فرمانروائی آشکار (۱۵۷) پس بیارید کتاب خویش را اگر هستید راستگویان (۱۵۸) و بنهادند میان او و میان پریان پیوندی و هر آینه دانند پریان که ایشانند احضارشدگان (۱۵۹) پس منزّه است خدا از آنچه می ستایند (۱۶۰) مگر بندگان خدا ناآلودگان (۱۶۱) همانا شما و آنچه می پرستید (۱۶۲) نیستید بر آن فریب دهندگان (۱۶۳) مگر آن را که او است چشنده دوزخ (۱۶۴) و نیست از ما مگر او را است پایگاهی دانسته (۱۶۵) و هر آینه مائیم صف کشندگان (۱۶۶) و همانا مائیم تسبیح کنندگان (۱۶۷) و هر چند (یا همانا) بودند می گفتند (۱۶۸) که اگر می بود نزد ما یادآوری از پیشینان (۱۶۹) هر آینه می بودیم بندگان خدا ناآلودگان (۱۷۰) پس کفر ورزیدند بدان پس زود است بدانند (۱۷۱) و هر آینه سبقت گرفت سخن ما به بندگان ما فرستادگان (۱۷۲) که ایشانند همانا یاری شدگان (۱۷۳) و همانا سپاه ما آنانند پیروزمندان (۱۷۴) پس روی برتاب از ایشان تا هنگامی (۱۷۵) و بنگرشان که زود است می نگرند (۱۷۶) آیا به عذاب ما شتاب خواهند (۱۷۷) تا گاهی که فرود آید به ساحت ایشان پس چه زشت است بامداد بیم دادگان (۱۷۸) و پشت کن بر ایشان تا زمانی (۱۷۹) و بنگر که زود است می نگرند (۱۸۰) منزّه است پروردگار تو پروردگار عزّت از آنچه می ستایند (۱۸۱) و سلامی بر فرستادگان (۱۸۲) و سپاس خدای را بر پروردگار جهانیان (۱۸۳)

ص

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به قرآن دارنده ذکر (۲) بلکه آنان که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزند (۳) چه بسا نابود کردیم پیش از ایشان از قرنی که بانگ زدند و نیست گاه رهائی (۴) و شگفت ماندند که پیامدشان ترساننده ای از ایشان و گفتند کافران این است جادوگری دروغگوی (۵) آیا گردانیده است خدایان را یک خدا همانا این است چیزی شگفت (۶) و رفتند گروهی از ایشان (رأی دادن) که بروید و شکبیا شوید بر خدایان خویش همانا این است چیزی خواسته (۷) نشنیدیم بدین در ملت بازپسین نیست این جز تازه درآورده نوین (۸) آیا فرستاده شده است بر او ذکر از میان ما بلکه ایشانند در شکی از ذکر بلکه هنوز نچشیده اند عذاب مرا (۹) یا نزد ایشان است گنجهای رحمت پروردگارت آن عزّتمند بخشاینده (۱۰) یا ایشان را است پادشاهی آسمانها و زمین و

آنچه میان آنها است پس بالا روند در درها (درهای آسمان) (۱۱) سپاهی اندک است آنجا شکست خورده از گروه‌ها (۱۲) تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون دارنده ستونها (یا میخها) (۱۳) و ثمود و قوم لوط و یاران ای که آنانند گروه‌ها (۱۴) نیست هیچیک جز آنکه تکذیب کرد فرستادگان را پس سزاوار گشت (یا فرود آمد) عذاب مرا (۱۵) و چشم به راه ندارند اینان جز یک خروش را که نیستش بریدنی (پایانی) (۱۶) و گفتند پروردگارا بشتاب برای ما در بهره ما پیش از روز شمار (۱۷) شکبیا شو بر آنچه گویند و یاد کن بنده ما را داود خداوند نیروها همانا او است بسیار بازگشت کننده (۱۸) هر آینه رام ساختیم کوه‌ها را تسبیح گویند با وی شامگهان و بامداد (خورشید برآمدنگاه) (۱۹) و مرغان را گردآورده هر کدامند بسویش بازگشت کننده (۲۰) و استوار ساختیم پادشاهیش را و دادیمش حکمت را و فصل خطاب (داوری را) (۲۱) و آیا رسیدت داستان ستیزنده گاهی که بالا رفتند بر دیوار پرستشگاه (۲۲) هنگامی که درآمدند بر داود پس هراسید از ایشان گفتند نترس ما دو ستیزه گریم ستم کرده است یکی از ما بر دیگری پس حکومت کن میان ما به حقّ و گزاف نگوی و رهبری کن ما را بسوی راه راست (میان) (۲۳) همانا این برادر من است و او را است نود و نه گوسفند و مرا است یک گوسفند پس گفت به من واگذارش و سرکشی کرد بر من در سخن (۲۴) گفت هر آینه ستم بر تو کرده است بخواستن گوسفندت بسوی گوسفندان خویش و همانا بسیاری از شریکان ستم ورزند برخیشان بر برخی مگر آنان که ایمان آرند و کردار شایسته کنند و چه کمند آنان و پنداشت داود که آزمودیمش پس آمرزش خواست از پروردگار خویش و بروی در افتاد پرستش کننده و بازگشت کرد (۲۵) پس آزمیزیدیم برایش آن را و هر آینه برای او است نزد ما تقرّبگاهی و نکوبازگشتگاه (۲۶) ای داود همانا گردانیدیمت جانشینی در زمین پس حکم ران میان مردم به حقّ و پیروی مکن هوس را که گمراهت کند از راه خدا همانا آنان که گم شوند از راه خدا ایشان را است شکنجه‌ای سخت بدانچه فراموش کردند از روز شمار (۲۷) و نیافریدیم آسمان و زمین و آنچه را میان آنها است بیهده این است پندار آنان که کفر ورزیدند پس وای بر آنان که کفر ورزیدند از آتش (۲۸) یا می گردانیم آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند مانند تبهکاران در زمین یا می گردانیم پرهیزکاران را چون گنهکاران (۲۹) نامه‌ای است فرستادیمش بسویت فرخنده تا بپندیشند آیتهایش را و تا یادآور شوند دارندگان خردها (۳۰) و بخشیدیم به داود سلیمان را چه خوب بنده‌ای است او است بسیار بازگشت کننده (۳۱) گاهی که عرض شد بر او شامگاهان اسب صافنات تیزتک (که بر سه پا ایستند و نوک سم چهارم را بر زمین گذارند) (۳۲) گفت همانا خوابیدم برای دوست داشتن اسبان از یاد پروردگار خویش تا نهان شد در پرده (۳۳) باز گردانیدش بر من پس آغاز کرد دست سودن به ساقها و گردنها (۳۴) و همانا آزمودیم سلیمان را و افکندیم بر تختش کالبدی سپس بازگشت (۳۵) گفت پروردگارا بیامرز برایم و ارزانی دار مرا پادشاهی که نسزد کسی را پس از من همانا توئی بسیار بخشنده (۳۶) پس رام ساختیم برایش باد را روان بود به فرمانش به آرامی و نرمی هر کجا می خواست (۳۷) و دیوان (شیاطین) را هر سازنده‌ای و هر فرورونده در آب (۳۸) و دیگرانی بستگان به زنجیرها (۳۹) این است بخشش ما پس منت نه یا نگهدار بی شمار (۴۰) و همانا او را است نزد ما تقرّبگاهی و نکوبازگشتگاه (۴۱) و یاد کن بنده ما ایوب را گاهی که خواند پروردگار خویش را که همانا رسانید مرا شیطان رنج و شکنجه‌ای (۴۲) فرو بر پای خویش را این است شستشو گاهی خنک و نوشابه (۴۳) و دادیمش خاندانش را و مانند آنان را با آنان رحمتی از ما و یاد آوردنی برای دارندگان خردها (۴۴) و بگیر با دست خویش دسته‌ای (بسته‌ای) پس بزن بدان و سوگند نشکن همانا یافتیمش شکیبائی چه خوب بنده‌ای است او همانا او است بسیار بازگشت کننده (۴۵) و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را دارندگان نیروها و دیده‌ها (۴۶) همانا مخصوصشان داشتیم به خاصه‌ای یادآوردن آن سرای (۴۷) و همانند ایشانند نزد ما از برگزیدگان خوبان (۴۸) و یاد کن اسمعیل و یسوع و ذوالکفل را و هر کدامند از نیکان (۴۹) این است یادآوری و همانا پرهیزکاران است نکوبازگشتگاه (۵۰) بهشتهای جاودان گشوده است برای ایشان درها (۵۱) تکیه کنند گانند در آنها خوانده شوند در آنها بسوی میوه فراوان و نوشابه (۵۲) و نزد ایشان است زنان کوتاه مژگانی (که جز شوهر خویش را ننگرند) همسالان (۵۳) این است آنچه نوید داده می‌شوید

برای روز شمار (۵۴) همانا این است روزی ما نیستش پایانی (۵۵) این و همانا گردنکشان را است بد باز گشتگاهی (۵۶) دوزخ چشندش و چه زشت است آن بسترها (۵۷) این پس بچشیدش آبی جوشان و چرکی گند آلود (۵۸) و دیگری همانندش جفتھائی (۵۹) این است گروهی فرورونده با شما نباد خوش آمد بر ایشان همانند آنانند چشندگان آتش (۶۰) گفتند بلکه شما نباد خوش آمد بر شما شما پیش فرستادید آن را برای ما پس چه زشت است آن آرامگاه (۶۱) گفتند پروردگارا هر که پیش فرستاد برای ما این را بیفزایش عذابی دو برابر در آتش (۶۲) و گفتند چه شود ما را نبینیم مردانی را که بودیم می شمردیمشان از بدان (۶۳) آیا گرفتیمشان به مسخره یا لغزید از ایشان دیدگان (۶۴) همانا این است حقّ ستیزه کردن اهل آتش (۶۵) بگو جز این نیست که منم ترساننده و نیست خداوندی جز خدای یگانه خشم آور (۶۶) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است مهتر آمرزگار (۶۷) بگو آن داستانی است بزرگ (۶۸) که شما ئید از او روی گردانان (۶۹) نیست مرا دانائی به گروه بالا گاهی که می ستیزند (۷۰) وحی نمی شود به من جز آنکه منم ترساننده آشکار (۷۱) هنگامی که گفت پروردگارت به فرشتگان من آفریننده بشری از گل (۷۲) تا گاهی که درستش کردم و دمیدم در او از روح خویش پس بیفتید برایش سجده کنان (۷۳) پس سجده کردند فرشتگان همگی با هم (۷۴) مگر ابلیس که برتری جست و شد از کافران (۷۵) گفت ای ابلیس چه بازداشت تو را از آنچه سجده کنی برای آنچه آفریدم با دستهایم آیا کبر ورزیدی یا شدی از برتری جویان (۷۶) گفت من بهترم از او مرا آفریدی از آتش و آفریدی او را از گل (۷۷) گفت پس برون شو از آن که توئی رانده (۷۸) و همانا بر تو است لعن من تا روز دین (۷۹) گفت پروردگارا پس مهلم ده تا روزی که برانگیخته شوند (۸۰) گفت همانا توئی از مهلت دادگان (۸۱) تا روز هنگام دانسته (۸۲) گفت پس به عزّت سوگند هر آینه گمراشان سازم همگی (۸۳) جز بندگان تو از ایشان آن نآلودگان (۸۴) گفت پس حقّ است و حقّ را گویم (۸۵) که همانا آکنده سازم دوزخ را از تو و از آنان که پیرویت کنند از ایشان همگی (۸۶) بگو نپرسم شما را بر آن مزدی و نیستم من از رنج دهندگان (۸۷) نیست آن جز یادآوری برای جهانیان (۸۸) و هر آینه بدانید داستانش را پس از زمانی (۸۹)

الزمر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) فرستادن نامه از نزد خدای عزّتمند حکیم (۲) همانا فرستادیم بسوی تو کتاب را به حقّ پس پرستش کن خدا را پاک کننده برای او دین را (۳) همانا برای خدا است دین پاک و آنان که بگرفتند جز وی دوستانی نمی پرستیمشان مگر تا نزدیک گردانند ما را بسوی خدا جایگاهی همانا خدا حکم کند میان ایشان در آنچه در آن اختلاف کنند همانا خدای رهبری نکند آن را که او است دروغگوی ناسپاس (۴) اگر می خواست خدا که بگیرد فرزندی هر آینه برمی گزید از آنچه می آفرید هر چه را می خواست منزّه است او است خداوند یکتای خشم آور (۵) آفرید آسمانها و زمین را به حقّ می افکند شب را بر روز و می افکند روز را بر شب و رام کرد مهر و ماه را هر کدام روان است بسوی سرآمدی نامبرده همانا او است عزّتمند آمرزگار (۶) آفرید شما را از یک تن پس قرار داد از آن جفتش را و فرستاد برای شما از دامها هشت جفت می آفریند شما را در شکمهای مادراتان آفرینشی پس از آفرینشی در تاریکی های سه گانه این است خدا پروردگار شما وی را است پادشاهی نیست خدائی جز او پس به کجا گردانیده می شوید (۷) اگر کفر ورزید همانا خدا بی نیاز است از شما و نپسندد برای بندگان خود کفر را و اگر سپاسگزاری پسنشدش برای شما و بر ندارد هیچ گنهباری بار گناه دگری را سپس بسوی پروردگار شما است باز گشت شما تا آگهیّتان دهد بدانچه بودید می کردید همانا او دانا است بدانچه در سینه ها است (۸) و گاهی که رسد انسان را رنجی خواند پروردگار خویش را زاری کنان بسویش سپس هنگامی که دهدش نعمتی از خویش فراموش کند آنچه را بود می خواند بسوی آن از پیش و قرار دهد برای خدا همتایانی تا گمراه سازد از راهش بگو بهره مند باش به کفر خویش اندکی که توئی از یاران آتش (۹) آیا آنکه او فروتن است گاه های شب سجده کنان و ایستاده می ترسد از آخرت و امید دارد رحمت پروردگار خویش را بگو آیا یکسانند آنان که می دانند و

آنان که نمی‌دانند جز این نیست که یادآور می‌شوند خردمندان (۱۰) بگو ای بندگان من که ایمان آوردید بترسید پروردگار خویش را آنان را که نکوئی کردند در این دنیا خوبی است و زمین خدا است پهناور جز این نیست که پاداش داده شوند شکیبایان مزد خویش را بی‌شمار (۱۱) بگو هر آینه مأمور شدم که پرستش کنم خدا را پاک دارنده برایش دین را (۱۲) و مأمور شدم که باشم نخستین اسلام‌آوران (۱۳) بگو همانا ترسم اگر نافرمانی کنم پروردگار خویش را از عذاب روزی بزرگ (۱۴) بگو خدا را می‌پرستم پاک‌دارنده برایش دین خویش را (۱۵) پس پرستش کنید هر چه خواهید جز او بگو همانا زیانکاران آنانند که زیان کردند خویش و خاندان خویش را روز رستاخیز همانا این است آن زیان آشکار (۱۶) آنان را است از فرازشان پوشهائی از آتش و از زیرشان پوشهائی این است که می‌ترساند خدا بدان بندگان خویش را ای بندگان من پس مرا بترسید (۱۷) و آنان که دوری گزیدند از ستمگر سرکش که پرستندش و بازگشتند بسوی خدا ایشان را است مژده پس مژده ده بندگان مرا (۱۸) آنان که می‌شنوند سخن را پس پیروی می‌کنند بهترش را آنانند که رهبریشان کرده است خدا و آنانند دارندگان خردها (۱۹) آیا آنکه استوار شد بر او سخن عذاب آیا تو می‌رهانی آن را که در آتش است (۲۰) لیکن آنان که ترسیدند پروردگار خویش را برای ایشان است غرفه‌هائی که از فراز آنهاست غرفه‌هائی ساخته روان است از زیر آنها جوی‌ها وعده خدا است نشکند خدا وعده خویش را (۲۱) آیا ندیدی که خدا فرستاده است از آسمان آبی پس براندش به خزانه‌هائی در زمین تا برون آرد بدان کشتی را که گوناگون است رنگهایش پس بخشکد که بینش زرد شده سپس بگرداندش کوبیده همانا در این است یادآوردنی برای خردمندان (۲۲) آیا آنکه بگشوده است خدا سینه‌اش را برای اسلام پس او است بر نشانی از پروردگار خویش پس وای بر سنگین‌دلان از یاد خدا آنانند در گمراهی آشکار (۲۳) خدا فرستاد نکوترین داستان را نامه‌ای همانند بر گردانهائی که موی راست شود از آن بر پیکر آنان که می‌ترسند پروردگار خویش را سپس نرم شود پوستها و دل‌های ایشان بسوی یاد خدا این است رهبری خدا که هدایت کند بدان هر که را خواهد و آن را که گمراه کند خدا پس نیستش راهنمائی (۲۴) آیا آنکه دور کند بروی خویش بدی عذاب را روز قیامت و گفته شد به ستمگران بچشید آنچه را بودید فراهم می‌کردید (۲۵) تکذیب کردند آنان که پیش از ایشان بودند پس پیامدشان عذاب از جایی که نمی‌دانستند (۲۶) پس چشائید خدا بدیشان خواری را در زندگانی دنیا و همانا عذاب آخرت است بزرگتر اگر بودند می‌دانستند (۲۷) و همانا زدیم برای مردم در این قرآن از هر مثلی شاید یادآور شوند (۲۸) قرآنی است عربی نادارنده کجی شاید ایشان پرهیز کنند (۲۹) بزد خدا مثلی را مردی که در او است شریکانی ستیزه‌جوی و مردی مختص به یک مرد آیا یکسانند در مثل سپاس خدا را بلکه بیشتر ایشان نمی‌دانند (۳۰) همانا تو مُرده‌ای و ایشانند مُردگان (۳۱) سپس شمائید روز رستاخیز نزد پروردگار خویش ستیزه‌کنان (۳۲) پس کیست ستمگرتر از آنکه بست بر خدا دروغ را و دروغ پنداشت راست را هنگامی که پیامدش آیا نیست در دوزخ جایگاهی برای کافران (۳۳) و آنکه راستی آورد و راست پنداشتش آنانند پرهیزکاران (۳۴) ایشان را است آنچه خواهند نزد پروردگارشان این است پاداش نکوکاران (۳۵) تا بزدايد خدا از ایشان زشت‌ترین کاری را که کردند و بپردازد بدیشان مزد ایشان را به بهتر آنچه بودند می‌کردند (۳۶) آیا نیست خدا کفایت‌کننده بنده خویش و می‌ترسانند بدانان که جز اویند و آن را که گمراه سازد خدا نیستش راهنمائی (۳۷) و آنکو هدایت کندش خدا نیستش گمراه‌کننده‌ای آیا نیست خدا عزّتمند انتقام‌جوی (۳۸) و اگر پرسیشان که آفریده است آسمانها و زمین را هر آینه گویند خدا بگو آیا دیدید آنچه را می‌خوانید جز خدا اگر خواهیم خدا به رنجی آیا هستند آنان گشاینده رنج او و اگر خواهیم به رحمتی آیا هستند آنان بازدارنده رحمتش بگو بس است مرا خدا بر او توکل کنند توکل‌کنان (۳۹) بگو ای قوم عمل بکنید بر توانائی خویش همانا منم عمل‌کننده پس زود است بدانید (۴۰) که را آید عذابی که خوار سازدش و فرود آید بر او عذابی پایدار (۴۱) همانا فرستادیم بر تو کتاب را برای مردم به حقّ پس آنکو رهبری شود برای خویش است و آنکه گمراه شود جز این نیست که گمراه شود بر خویش و نیستی تو بر ایشان وکیل (۴۲) خدا دریابد جانها را هنگام مرگشان و آنکه نمرده است در خوابگاه خویش است پس نگاهدارد آن را که مرگ را بر او گذرانیده است و رها کند آن

دگر را تا سرآمدی نامبرده همانا در این است آیتهایی برای گروهی که بیندیشند (۴۳) آیا برگرفتند جز خدا شفیعانی بگو اگر چه باشند مالک نباشند چیزی را و نه بخرد یابند (۴۴) بگو از آن خدا است شفاعت همگی او را است پادشاهی آسمانها و زمین سپس بسوی او باز گردانیده شوید (۴۵) و گاهی که نام خدا برده شود به تنهایی برنجند دلهای آنان که ایمان ندارند به آخرت و هر گاه یاد شوند آنان که جز اویند ناگاه ایشانشان شادمانان (۴۶) بگو بار خدایا پدید آرنده آسمانها و زمین دانای نهان و پدیدار تو حکم کنی میان بندگان خویش در آنچه بودند در آن اختلاف می کردند (۴۷) و اگر باشد برای آنان که ستم کردند آنچه در زمین است همگی و مانند آن با آن هر آینه بجای خویش دهند از بدی عذاب روز قیامت و پدیدار شود برای ایشان از خدا آنچه را نبودند که به شمار آرند (۴۸) و نمودار شد برای ایشان بدیهای آنچه فراهم کردند و برگرفتشان آنچه بودند بدان تمسخر می کردند (۴۹) و هر گاه رسد انسان را رنجی بخواند ما را تا گاهی که دهیمش نعمتی از ما گوید جز این نیست که داده شدمش به دانشی بلکه آن است آزمایشی و لیکن بیشترشان نمی دانند (۵۰) همانا گفتندش آنان که پیش از ایشان بودند پس بی نیاز نکرد از ایشان آنچه بودند فراهم می کردند (۵۱) پس رسید بدیشان زشتیهای آنچه دست آوردند و آنان که ستم کردند از ایشان زود است رسیدشان زشتیهای آنچه دست آوردند و نیستند به عجز آرندگان (۵۲) آیا ندانستند که خدا فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد و تنگ کند همانا در این است آیتهایی برای قومی که ایمان آرند (۵۳) بگو ای بندگان من که اسراف کردید بر جان خویش نومید نباشید از رحمت خدا همانا خدا بیامرزد گناهان را همگی همانا او است آمرزگار مهربان (۵۴) و باز گردید بسوی پروردگار خویش و تسلیم شوید برایش پیش از آنکه بیاید شما را عذاب سپس یاری نشوید (۵۵) و پیروی کنید بهتر آنچه را فرستاده شد بسوی شما از پروردگار شما پیش از آنکه بیاید شما را عذاب ناگهان و شما ندانید (۵۶) که گوید کسی دریغ بر آنچه کوتاه آمدم در باره خدا و هر آینه بودم من از مسخره کنندگان (۵۷) یا گوید اگر خدا هدایت می کرد همانا می شدم از پرهیزکاران (۵۸) یا گوید گاهی که بیند عذاب را کاش مرا بازگشتی می بود تا بشوم از نکوکاران (۵۹) بلی آمدت آیتهای من پس تکذیب کردی بدانها و کبر ورزیدی و شدی از کافران (۶۰) و روز قیامت بینی آنان را که دروغ گفتند بر خدا روی هاشان سیاه شده آیا نیست در دوزخ جایگاهی برای کبرورزان (۶۱) و برهاند خدا آنان را که پرهیز کردند به پناهگاهشان نرسدشان بدی و نه اندوهگین شوند (۶۲) خدا است آفریدگار هر چیزی و اوست بر همه چیز وکیل (۶۳) وی را است کلیدهای آسمانها و زمین و آنان که کفر ورزیدند به آیتهای خدا ایشانشان زیانکاران (۶۴) بگو آیا جز خدا را فرمان دهیدم که پرستم ای نادانان (۶۵) و هر آینه وحی شد بسوی تو و بسوی آنان که پیش از تو بودند که اگر شرک ورزی هر آینه تباه شود کردارت و همانا شوی از زیانکاران (۶۶) بلکه خدا را پرستش کن و باش از سپاس گزاران (۶۷) و ارج نگذاشتند خدا را حق ارجمندیش و زمین همگی در چنگ او است روز قیامت و آسمانها پیچیده اند به دستش منزّه و برتر است او از آنچه شرک ورزند (۶۸) و دمیده شد در صور پس بیهوش افتاده اند آنان که در آسمانها و آنان که در زمین اند مگر آنکه خواست خدا سپس دمیده شد در آن بار دیگر ناگاه ایشانشان ایستادگانی نگران (۶۹) و درخشید زمین به نور پروردگار خویش و گذارده شد کتاب و آورده شدند پیغمبران و گواهان و داوری شد میان آنان به حقّ و ایشان ستم نشوند (۷۰) و پرداخت شد به هر کس هر آنچه کرد و او دانتر است بدانچه می کنند (۷۱) و رانده شدند آنان که کفر ورزیدند بسوی دوزخ گروههایی تا گاهی که بیامدندش و گشوده شد درهایش و گفتند بدیشان نگهبانانش آیا نیامد شما را فرستادگانی از خود شما بسرایند بر شما آیتهای پروردگار شما را و بترسانندتان از رسیدنتان بدین روز گفتند بلی و لیکن راست آمد سرنوشت عذاب بر کافران (۷۲) گفته شد در آیند به درهای دوزخ جاودانان در آن چه زشت است جایگاه گردن فرازان (۷۳) و رانده شدند آنان که پرهیزکاری کردند بسوی بهشت گروههایی تا گاهی که آمدندش و گشوده شد درهایش و گفتند بدیشان نگهبانانش سلام بر شما خوش آمدید (پاک شدید) پس درآید در آن جاودانان (۷۴) و گفتند سپاس خدای را که راست آورده ما را وعده خویش و ارث داد به ما زمین را جای گیریم از بهشت هر جا که خواهیم و چه خوب است پاداش عمل کنندگان (۷۵) و بینی فرشتگان را فراگیرندگان پیرامون عرش تسبیح کنند به سپاس پروردگار

خویش و داوری شد میان ایشان به حقّ و گفته شد سپاس خدای را پروردگار جهانیان (۷۶)

غافر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) حم (۲) فرستادن کتاب از خداوند عزّتمند دانا (۳) آمرزنده گناه پذیرنده توبه سخت شکنجه خداوند نیرومندی نیست خدائی جز او بسوی او است بازگشت (۴) نستیزند در آیتهای خدا جز آنان که کفر ورزیدند پس نفریدت گردش آنان در شهرها (۵) تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و احزاب از پس ایشان و آهنگ کرد هر ملتی پیغمبر خویش را تا بگیرندش و ستیزه کردند بوسیله باطل تا نابود کنند بدان حقّ را پس بگرفتیمشان پس چگونه بود مرا عقوبت (۶) و بدینسان راست آمد سخن پروردگارت بر آنان که کفر ورزیدند که آنانند یاران آتش (۷) آنان که بردارند عرش را و آنان که گرد آنند تسبیح کنند به سپاس پروردگار خویش و ایمان آرند بدو و آمرزش خواهند برای آنان که ایمان آوردند پروردگارا فراگرفتی همه چیز را به رحمت و دانش پس بیامرز آنان را که توبه کردند و پیروی کردند راه تو را و بازدارشان از عذاب دوزخ (۸) پروردگارا و درآور ایشان را بهشتهای جاودانی که نوید دادی بدیشان و آنان که شایسته شدند از پدران ایشان و همسران ایشان و فرزندان ایشان که توئی همانا عزتمند حکیم (۹) و دورسازشان از بدیها و آن را که از بدیها دور ساختی آن روز همانا رحمتش آوردی و این است آن رستگاری بزرگ (۱۰) همانا آنان که کفر ورزیدند بانگ داده شوند که همانا خشم خدا بزرگتر است از خشم شما خویشان را گاهی که خوانده می شدید بسوی ایمان پس کفر ورزیدید (۱۱) گفتند پروردگارا می راندى ما را دوبار و زنده ساختی ما را دوبار پس اعتراف کردیم به گناهان خویش آیا هست بسوی بازگشت راهی (۱۲) این بدان است که هر گاه خوانده می شد خدا به تنهایی کفر می ورزیدید و اگر شرک ورزیده می شد بدو می گرویدید پس حکومت از آن خدای برتر بزرگ است (۱۳) او است آنکه بنماید به شما آیتهای خویش را و فرستد برای شما از آسمان روزی و یادآور نشود مگر آنکه بازگشت کند (۱۴) پس بخوانید خدا را پاک دارنده برایش دین را و اگر چه ناخوش دارند کافران (۱۵) بلند پایگاهها دارنده عرش فرستد روح را از امر خویش بر هر که خواهد از بندگان خویش تا بترساند از روز ملاقات (۱۶) روزی که ایشان نمودارند نهان نماند بر خدا از ایشان چیزی از آن کیست پادشاهی در آن روز از آن خدا است یکتای چیره جوی (۱۷) امروز پاداش داده شود هر کس بدانچه فراهم کرده است ستمی امروز همانا خدا است شتابنده در شمار (۱۸) و بترسانشان از روز نزدیک گاهی که دلها نزد گلوگاهها است خشم فروخورندگان نیست ستمگران را دوست و نه شفاعتگری که فرمانبرداری شود (۱۹) می داند چشمک زدن دیدگان را و آنچه نهان دارند سینهها (۲۰) و خدا داوری کند به حقّ و آنان را که خوانند جز وی داوری نکنند به چیزی همانا خدا است شنوای بینا (۲۱) آیا نگشتند در زمین تا بنگرند چگونه بوده است فرجام آنان که بودند پیش از ایشان بودند سخت تر از ایشان در نیرو و نشانیهای بجای مانده در زمین پس بگرفتندشان خدا به گناهانشان و نبود ایشان را از خدا نگهبانی (۲۲) این بدان است که ایشان بودند بیامدشان پیغمبرانشان به نشانیها پس کفر ورزیدند پس بگرفتشان خدا که او است نیرومند سخت شکنجه (۲۳) و همانا فرستادیم موسی را به آیتهای خویش و فرمانروایی آشکار (۲۴) بسوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند جادوگری است دروغگوی (۲۵) تا گاهی که بیامدشان به حقّ از نزد ما گفتند بکشید پسران آنان را که ایمان آوردند با وی و باز گذارید زنان ایشان را و نیست نیرنگ کافران جز در گمراهی (۲۶) و گفت فرعون بگذارید مرا بکشم موسی را و بخواند پروردگار خویش را چه ترسم دگرگون کند کیش شما را یا آنکه پدید آرد در زمین تباهی را (۲۷) و گفت موسی همانا پناه بردم به پروردگار خود و پروردگار شما از هر کبرورزنده که نمی گردد به روز شمار (۲۸) و گفت مرد مؤمنی از کسان فرعون که نهان می داشت ایمان خود را آیا می کشید مردی را بدانکه گفت پروردگار من خدا است حالی که آورده است شما را به نشانیها از پروردگار خویش و اگر دروغگو باشد پس بر او است دروغش و اگر راستگو باشد برسد شما را پاره آنچه وعده دهد به شما همانا خدا هدایت نکند آنان را که او است فزونی جوینده

دروغگوی (۲۹) ای قوم من شما را است پادشاهی امروز چیره آیندگانید در زمین پس که یاری کند ما را از خشم خدا اگر بیاید ما را گفت فرعون ننمایم به شما جز آنچه بینم و نه رهبریتان کنم مگر به راه راست (۳۰) و گفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم همانا ترسم بر شما مانند روز احزاب (۳۱) مانند شیوه قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که پس از ایشان بودند و نیست خدا خواهان ستمی بر بندگان (۳۲) و ای قوم همانا ترسم بر شما از روز فریاد (۳۳) روزی که روی برتابید پشت کتان نیست شما را از خدا نگهدارنده ای و آن را که گمراه کند خدا نباشدش راهنمایی (۳۴) و هر آینه پیامدتان یوسف پیش از این به نشانی ها پس ماندید پیوسته در شکی از آنچه بیاوردتان تا گاهی که مرد گفتید هرگز نیانگیزد خدا پس از وی پیمبری بدینسان گمراه کند خدا هر که را او است فرونی خواه شک آورنده (۳۵) آنان که می ستیزند در آیت های خدا بی فرمانروایی که دهدشان بزرگ کین و رزی است نزد خدا و نزد آنان که ایمان آوردند چنین مهر نهد خدا بر هر دل برتری جوی گردن فراز (۳۶) و گفت فرعون ای هامان بنیاد کن برایم برجی (کاخ) شاید رسم به درها (۳۷) درهای آسمانها پس سر بر آرم به خدای موسی و هر آینه گمان دارمش دروغگوی و بدینسان بیاراست برای فرعون زشتی کردارش و بازداشته شد از راه و نیست نیرنگ فرعون جز در تباهی (۳۸) و گفت آنکه ایمان آورد ای قوم مرا پیروی کنید رهبریتان کنم به راه راست (۳۹) ای قوم من جز این نیست که این زندگانی دنیا است بهره و همانا خانه آخرت است سرای آرامگاه (۴۰) هر که کردار زشت کند کیفر نشود جز همانندش و هر که کردار شایسته کند از نر یا ماده حالی که او است مؤمن پس آنان به بهشت در آیند روزیمنند شوند در آن بی شمار (۴۱) و ای قوم چه شود مرا که خوانمتان بسوی نجات و شما خوانیدم بسوی آتش (۴۲) خوانیدم که کفر ورزم به خدا و شریک گردانم با وی آنچه را نیستم بدان دانشی و من خوانمتان بسوی خداوند عزتمند آمرزگار (۴۳) ناگزیر آنچه مرا بسویش خوانید نیستش دعوتی در دنیا و نه در آخرت و آنکه بازگشت ما بسوی خدا است و آنکه فرونی خواهانند یاران آتش (۴۴) زود است یاد آرید آنچه را به شما گویم و بگذارم کار خویش را به خدا که خدا به بندگان است بینا (۴۵) پس نگهداشتش خدا از بدی های آنچه نیرنگ آوردند و فرود آمد به خاندان فرعون زشتی عذاب (۴۶) آتش عرض شوند بر آن بامدادان و شامگاه و روزی که بپا شود ساعت در آید خاندان فرعون را به سخت ترین عذاب (۴۷) و گاهی که پرخاش کنند در آتش پس گویند ناتوانان بدانان که کبر ورزیدند که ما بودیم شما را پیروانی آیا شمائید بی نیازکنندگان از ما بهره ای را از آتش (۴۸) گفتند آنان که کبر ورزیدند مائیم همگی در آن همانا خدا حکومت کرد میان بندگان (۴۹) و گفتند آنان که در آتشند به نگهبانان دوزخ بخوانید پروردگار خویش را بکاهد از ما روزی را از عذاب (۵۰) گفتند آیا نبود آنکه بیاید شما را پیغمبرانتان به نشانی ها گفتند بلی گفتند پس بخوانید که نیست خواندن کافران جز در گمراهی (۵۱) ما هر آینه یاری می کنیم فرستادگان خویش را و آنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و روزی که بپا شوند گواهان (۵۲) روزی که سود ندهد ستمگران را بهانه جستن ایشان و ایشان را است لعنت و ایشان را است بدی آن سرای (۵۳) و همانا دادیم به موسی رهبری را و ارث دادیم به بنی اسرائیل کتاب را (۵۴) هدایت و یادآوری برای دارندگان خردها (۵۵) پس شکیا شو که وعده خدا است حق و آمرزش خواه برای گناه خویش و تسبیح گوی به سپاس پروردگار خود شامگاهان و بامداد (۵۶) همانا آنان که می ستیزند در آیت های خدا نه به فرمانروایی که آمدستشان نیست در سینه های آنان جز کبرورزی که نیستند بدان رسیده پس پناه بر به خدا که او است شنوای بینا (۵۷) همانا آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر است از آفرینش مردم و لیکن بیشتر مردم نمی دانند (۵۸) و یکسان نیستند کور و بینا و آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و نه بدکار به کمی یادآور شوید (۵۹) همانا ساعت آینده است شکی در آن و لیکن بیشتر مردم نمی گروند (۶۰) و گفت پروردگار شما بخوانیدم می پذیرم برای شما همانا آنان که سرپیچند از پرستش من زود است در آیند دوزخ را سرافکنندگان (۶۱) خدا است آنکه نهاد برای شما شب را تا بیارمید در آن و روز را بینا همانا خدا دارای فضل است بر مردم و لیکن بیشتر مردم سپاس نگرانند (۶۲) این است خدا پروردگار شما آفریدگار همه چیز نیست خدائی جز او پس کجا به دروغ رانده شوید (۶۳) چنین به دروغ رانده شدند آنان که بودند آیت های خدا را انکار می کردند (۶۴) خدا است آنکه گردانید برای شما زمین را

پایگاهی و آسمان را سازمانی و پیکر ساخت شما را پس نکو کرد پیکرهای شما را و روزی داد شما را از پاکیزه‌ها این است خدا پروردگار شما پس بزرگ است خدا پروردگار جهانیان (۶۵) او است زنده نیست خدائی جز او پس بخوانیدش پاک‌دارندگان برایش دین را سپاس خدای را پروردگار جهانیان (۶۶) بگو هر آینه بازداشته شدم از آنکه پرستم آنان را که خوانید جز خدا هنگامی که بیامدم نشانی‌ها از پروردگارم و مأمور شدم که تسلیم شوم برای پروردگار جهانیان (۶۷) او است آنکه بیافرید شما را از خاکی پس از چکه آبی پس از خونی بسته پس درآورد شما را کودکی سپس تا برسید به نیروهای خویش پس تا باشید پیرانی و از شما است آنکه بمیرد از پیش و تا برسید سرآمدی نامبرده را و شاید شما بخرد آئید (۶۸) او است آنکه زنده کند و بمیراند و گاهی که بگذراند کاری را جز این نیست که بگویدش بشو پس می‌شود (۶۹) آیا ندیدی آنان را که ستیزه می‌کنند در آیت‌های خدا کجا رانده می‌شوند (۷۰) آنان که تکذیب کردند کتاب را و آنچه فرستادیم بدان فرستادگان خویش را زود است می‌دانند (۷۱) گاهی که غلها در گردنهای آنان است و زنجیرها کشیده شوند (۷۲) در آب جوشان سپس در آتش افکنده شوند (۷۳) پس گفته شود بدیشان کجا بودید شرک می‌ورزیدید (۷۴) جز خدا را گفتند گم شدند از ما بلکه نبودیم بخوانیم از پیش چیزی را بدینسان گمراه می‌کند خدا کافران را (۷۵) این بدان است که بودید شادی می‌کردید در زمین به ناحق و بدانچه بودید هوسرانی می‌کردید (۷۶) در آئید درهای دوزخ را جاودانان در آن چه زشت است جایگاه گردنفرزان (۷۷) پس شکبیا شو که وعده خدا حق است و اگر بنمائیم پاره آنچه وعده دهیمشان یا دریابیم (بمیرانیم) پس بسوی ما باز گردانیده شوند (۷۸) و هر آینه فرستادیم فرستادگانی پیش از تو از ایشان است آنان که داستان سرودیم بر تو و از ایشان است آنان که نخواندیم به داستان بر تو و نرسد پیمبری را که بیارد آیتی جز به دستور خدا تا هنگامی که درآید امر خدا داوری شود به حق و زیانکار شوند در آنجا تباه کاران (۷۹) خدا است آنکه قرار داد برای شما دامها را تا سوار شوید از آنها و از آنها می‌خورید (۸۰) و شما را است در آن سودهائی و تا برسید بدان نیازی را در سینه‌های خویش و بر آنها و بر کشتی سوار شوید (۸۱) و بنماید شما را آیت‌های خویش پس کدام یک از آیت‌های خدا را منکرید (۸۲) آیا نگشتند در زمین تا بنگرند چگونه بوده است فرجام آنان که پیش از ایشان بودند بودند بیشتر از ایشان و سخت‌تر در نیرو و نشانی‌های جای‌گذارده در زمین پس بی‌نیاز نکرد از ایشان آنچه بودند فراهم می‌کردند (۸۳) و هنگامی که بیامدشان فرستادگانشان به نشانی‌ها شاد شدند بدانچه نزد ایشان بود از دانش و فرود آمد بدیشان آنچه بودند بدان مسخره می‌کردند (۸۴) تا گاهی که دیدند خشم ما را گفتند ایمان آوردیم به خدا تنها و کفر ورزیدیم بدانچه بودیم بدان شرک ورزندگان (۸۵) و نبود سودشان دهد ایمانشان گاهی که دیدند خشم ما را شیوه خدا است که گذشت در بندگانش و زیانکار شدند در آنجا کافران (۸۶)

فصلت

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) حم (۲) فرستادنی است از خداوند بخشنده مهربان (۳) کتابی است جدا گردیده است آیت‌های قرآنی عربی برای گروهی که بدانند (۴) نویددهنده و بیم‌دهنده پس روی برتافتند بیشتر ایشان پس نمی‌شنوند (۵) و گفتند دل‌های ما در پوشش‌هایی است از آنچه می‌خوانید ما را بدان و در گوش‌های ما است سنگینی و میان ما و تو است پرده‌ای پس عمل میکن که مائیم عمل کنندگان (۶) بگو همانا منم بشری مانند شما وحی می‌شود بسویم که خدای شما خدای یکتا است پس استقامت کنید بسویش و آمرزش از او خواهید و وای بر مشرکان (۷) آنان که نمی‌دهند زکات را و ایشانند به آخرت کافران (۸) همانا آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ایشان را است مزدی بی‌منت (یا بی‌پایان) (۹) بگو آیا شما کفر می‌ورزید بدانکه بیافریده است زمین را در دو روز و قرار دهید برایش همتیانی این است پروردگار جهانیان (۱۰) و نهاده است در آن لنگرهائی از فراز آن و برکت نهاده است در آن و مقرر گردانید در آن روزی‌هایش را در چهار روز یکسان (برابر) برای پرسش کنندگان (۱۱) سپس پرداخت به آسمان و بود آن دودی پس گفت بدان و به زمین بیایید خواه و ناخواه گفتند آمدیم فرمانبرداران (۱۲) پس گذراند آنها را هفت آسمان در دو روز و

وحی کرد در هر آسمانی امر آن را و آراستیم آسمان نزدیک را به چراغهایی و نگهبانی را این است کارپردازی خداوند عزّتمند دانا(۱۳) پس اگر روی برتابند بگو ترسانیدم شما را از صاعقه (آتش آسمانی) مانند صاعقه عاد و ثمود(۱۴) گاهی که پیامدشان فرستادگان از پیش روی ایشان و از پشت سر ایشان که نپرستید جز خدا را گفتند اگر میخواست پروردگار ما هر آینه میفرستاد فرشتگانی و همانا مائیم بدانچه فرستاده شدید بدان کافران(۱۵) اما عاد پس کبر ورزیدند در زمین به ناحق و گفتند کیست سخت تر از ما به نیرو آیا ندیدند آنکه خدائی که آفریدشان سخت تر از ایشان به نیرو و بودند به آیتهای ما انکار می کردند(۱۶) پس فرستادیم بر ایشان بادی سخت را در روزهایی شوم تا چشانیمشان عذاب خواری را در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت است خوارتر و ایشان یاری نشوند(۱۷) و اما ثمود پس راهنمائیشان کردیم پس برگزیدند کوری را بر رهبری پس بگرفتشان صاعقه شکنجه خواری بدانچه بودند دست می آوردند(۱۸) و رهانیدیم آنان را که ایمان آوردند و بودند پرهیز می کردند(۱۹) و روزی که گرد آورده شوند دشمنان خدا بسوی آتش پس ایشانند بازداشت شدگان(۲۰) تا گاهی که آیندش گواهی دهد بر ایشان گوششان و دیده هاشان و پوستهایشان بدانچه بودند می کردند(۲۱) و گفتند به پوستهای خویش چرا گواهی دادید بر ما گفتند به سخن آورد ما را خدائی که به سخن آورد همه چیز را و او آفرید شما را نخستین بار و بسویش بازگردانیده شوید(۲۲) و نبودید نهان دارید که گواهی دهد بر شما گوشتان و نه دیدگانتان و نه پوستهایتان و لیکن پنداشتید که خدا نمی داند بسیاری را از آنچه می کنید(۲۳) و این است پندار شما که گمان برید به پروردگار خویش نابود ساخت شما را پس بامداد کردید از زیانکاران(۲۴) پس اگر شکبیا شوند آتش است جایگاه ایشان و اگر بهانه آرند نباشند از بهانه پذیرفتگان (یا اگر خواهان عتاب شوند نباشند از عتاب شدگان)(۲۵) و برانگیختیم برای ایشان همنشینانی پس آراستند برای ایشان و آنچه پیش روی ایشان و پشت سر ایشان است و راست آمد بر ایشان سخن در ملتئانی که بگذشت پیش از ایشان از پری و آدمی که بودند زیانکاران(۲۶) و گفتند آنان که کفر ورزیدند گوش فراندهید بدین قرآن و یاوه گوئید در آن شاید چیره شوید(۲۷) همانا چشانیم آنان را که کفر ورزیدند عذابی سخت و هر آینه پاداششان دهیم به بدترین چیزی که بودند می کردند(۲۸) این است کیفر دشمنان خدا آتش ایشان را است در آن سرای جاودانی پاداشی بدانچه بودند آیتهای ما را پایمال می کردند(۲۹) و گفتند آنان که کفر ورزیدند پروردگارا بنمایان به ما آن دو تن را که گمراه کردند ما را از پری و آدمی تا بگذاریمشان زیر پاهای خویش تا بگردند از پست تر آن(۳۰) همانا آنان که گفتند پروردگار ما خدا است و سپس پایداری ورزیدند فرود آید بر ایشان فرشتگان که ترسید و نه اندوهگین باشید و مژده باد شما را به بهشتی که بودید نوید داده می شدید(۳۱) مائیم دوستان شما در زندگانی دنیا و در آخرت و شما را است در آن آنچه هوس کند دلهای شما و شما را است در آن هر آنچه خواهید(۳۲) پیشکشی از نزد آمرزنده مهربان(۳۳) و کیست نکوتر در سخن از آنکه بخواند بسوی خدا و کردار نیک کند و گوید منم از اسلام آرندگان(۳۴) و نیستند یکسان خوبی و نه بدی دور کن بدانچه آن است نکوتر که ناگاه آنکه میان تو و او دشمنی است گوئیا او است دوستی گرم(۳۵) و داده نشوندش جز آنان که شکبیا شدند و داده نشودش مگر دارنده بهره ای بزرگ(۳۶) و اگر بخلد در دلت از شیطان شوریدگی پس پناه بر به خدا که او است همانا شنوای دانا(۳۷) و از آیتهای او است شب و روز و مهر و ماه سجده نکنید برای مهر و ماه و سجده کنید برای خداوندی که بیافرید آنها را اگر هستید او را پرستش کنان(۳۸) پس اگر کبر ورزیدند همانا آنان که نزد پروردگار تسبیح گویند برایش به شب و روز و ایشان خسته نشوند(۳۹) و از آیتهای او است که بینی زمین را پژمرده تا گاهی که فرستیم بر آن آب را بجنب و برآید همانا آنکه زنده سازدش زنده کننده مُردگان است هر آینه او است بر همه چیز توانا(۴۰) همانا آنان که خیرگی کنند در آیتهای ما پوشیده نیستند بر ما آیا آنکه افکنده شود در آتش بهتر است یا آنکه بیاید ایمن روز قیامت بکنید هر آنچه خواهید که او بدانچه کنید بینا است(۴۱) همانا آنان که کفر ورزیدند به ذکر گاهی که پیامدشان و همانا آن است کتابی عزتمند(۴۲) نیایدش نادرستی از پیش رویش و نه از پشت سرش فرستادنی از حکیمی ستوده(۴۳) گفته نمی شود به تو جز آنچه گفته شد به پیمبران پیش از تو که همانا پروردگار تو دارای آمرزش است و دارای شکنجه دردناک(۴۴) و اگر

می گردانیدیمش قرآنی گنگ زبان (به زبان جز عربی) همانا می گفتند چرا جدا نشد آیتهایش آیا عجمی و عربی بگو آن برای آنان که ایمان آوردند رهبری و بهبودی است و آنان که ایمان نیاوردند در گوشه‌هایشان سنگینی است و آن است بر ایشان کوری آنان خوانده می شوند از جایگاهی دور (۴۵) و همانا دادیم به موسی کتاب را پس اختلاف شد در آن و اگر نبود سخنی که پیشی گرفت از پروردگارت هر آینه حکم می شد میان ایشان و همانا ایشانند در شکی از آن شک آرنده (۴۶) آنکو نکوئی کند پس برای خویشان است و آن که بدی کند پس بر آن است و نیست پروردگارت ستم کننده بر بندگان (۴۷) بسوی او باز گردانیده شود علم ساعت و آنچه برون آید از میوه‌ها از شکوفه‌های خویش و نه بارور شود ماده و نه بار نهد مگر به علمش و روزی که خواندشان کجایند شریکان من گویند اعلام کنیمت که نیست از ما گواهی (۴۸) و گم شد از ایشان آنچه بودند می خواندند از پیش و پنداشتند نیستشان گریزگاهی (۴۹) خسته نگردد انسان از خواهش خوب و اگر رسدش بدی پس بسی نومید و بسی دل‌سرد است (۵۰) و اگر چشانیمش رحمتی از خویش پس از سختی که بدو رسیده است هر آینه گوید این از آن من است و نپندارم ساعت را پاشونده و اگر باز گردانیده شوم بسوی پروردگارم همانا مرا است نزد او نکوئی پس آگاه سازیم همانا آنان را که کفر ورزیدند بدانچه کردند و بچشانیمشان هر آینه از عذابی انبوه (۵۱) و هر گاه بخشایش کنیم بر انسان روی برتابد و دور گرداند پهلوی خویش را و هر گاه رسدش شری پس او است دارای دعائی پهن‌آور (۵۲) بگو آیا دیده‌اید که اگر باشد از نزد خدا پس کفر ورزیدید بدان کیست گمراه‌تر از آنکه در ناسازگاری (ستیزه‌جویی) است دور (۵۳) زود است بنمایانیمشان آیت‌های خویش را در سراسر گیتی و در خود ایشان تا روشن شود برای ایشان که او است حقّ آیا بس نیست پروردگار تو که او بر همه چیز گواه است (۵۴) همانا ایشانند در تردیدی از ملاقات پروردگار خویش همانا او است به همه چیز فراگیرنده (۵۵)

الشوری

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) حم (۲) عسق (۳) بدینسان سروش فرستد بسوی تو و بسوی آنان که پیش از تو بودند خداوند عزّتمند حکیم (۴) او را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او است فرازنده بزرگ (۵) نزدیک است آسمانها بشکافند (پاشند) از فراز آنها و فرشتگانی تسبیح گویند به سپاس پروردگار خویش و آمرزش خواهند برای آنان که در زمینند همانا او است آمرزگار بخشنده (۶) و آنان که برگرفتند جز وی دوستانی خدا است نگهبان بر ایشان و نیستی تو بر ایشان وکیل (۷) و بدینسان وحی فرستادیم بسوی تو قرآنی عربی را تا بترسانی مادر شهرها را و آنان که پیرامون آنند و بترسانی روز گردآمدن را که نیست شکی در آن گروهی در بهشتند و گروهی در دوزخ (۸) و اگر می‌خواست خدا هر آینه می گردانیدشان یک ملت و لیکن درآرد هر که را خواهد در رحمتش و ستمگران را نیستشان یار و نه یآوری (۹) یا برگرفتند جز او دوستانی پس خدا است دوست و او زنده کند مُردگان را و او است به همه چیز توانا (۱۰) و آنچه اختلاف کردید در آن از چیزی پس حکمش بسوی خدا است این است خدا پروردگار من بر او توکل کنم و بسوی او بازگردم (۱۱) پدیدآورنده آسمانها و زمین قرار داد برای شما از خود شما همسرانی و از دامها جفت‌هایی می‌آفریند شما را در آن نیست همانندش چیزی و او است شنوای بینا (۱۲) از آن وی است کلیدهای آسمانها و زمین بگشاید روزی را برای هر که خواهد و تنگ گرداند همانا او به همه چیز است دانا (۱۳) آئین نهاد برای شما از کیش آنچه اندرز داد بدان نوح را و آنچه وحی فرستادیم بسوی تو و آنچه توصیه کردیم بدان ابراهیم و موسی و عیسی را که بپای دارید دین را و پراکنده نشوید در آن گران است بر مشرکان آنچه خوانیشان بدان خدا گزیند بسوی خویش هر که را خواهد و رهبری کند به خویش هر که را باز گردد (۱۴) و پراکنده نشدند مگر پس از آنچه پیامدشان دانش به ستم میان خویش و اگر نبود سرنوشتی که پیشی گرفت از پروردگارت تا سرآمدی نامبرده هر آینه گذرانیده می‌شد (داوری می‌شد) میان ایشان و همانا آنان که ارث داده شدند کتاب را پس از ایشان در شکی از آنند به شکّ اندازنده (۱۵) پس بسوی این برخوان و پایداری کن چنانکه امر شدی و پیرو نکن هوسهای ایشان

را و بگو ایمان آوردم بدانچه فرستاد خدا از کتاب و مأمور شدم که دادگری کنم میان شما خدا است پروردگار ما و پروردگار شما ما را است کردارهایی و شما را است کردارهای شما و نیست دستاویزی میان ما و شما (یا نیست ستیزی) خدا گردآورد میان ما و بسوی او است بازگشت (۱۶) و آنان که ستیزه کنند در باره خدا پس از آنچه پذیرفته شد برای ایشان دستاویزشان تبه است نزد پروردگارشان و بر ایشان است خشمی و ایشان را هست عذابی سخت (۱۷) خدا است آنکه فرستاد کتاب را به حق و ترازو را و چه دانی تو (یا چه دانا سازدت) شاید ساعت است نزدیک (۱۸) شتاب جویند بدان آنان که ایمان ندارند بدان و آنان که ایمان آوردند هراسانند از آن و دانند که آن حق است همانا آنان که شک دارند در ساعت هر آینه در گمراهی هستند دور (۱۹) خدا مهربان است به بندگان خویش روزی دهد هر که را خواهد و او است توانای عزیز (۲۰) آنکو خواهد کشت آخرت را بیفزائیمش در کشتش و آنکه کشت دنیا را خواهد دهیمش از آن و نیستش در آخرت بهره‌ای (۲۱) یا ایشان را است شریکانی در دین بستند برای ایشان از آئین آنچه فرمان نداد بدان خدا و اگر نبود سرنوشت جداکننده هر آینه داوری می‌شد میان ایشان و همانا ستمگران را است عذابی دردناک (۲۲) بینی ستمگران را هراسان از آنچه فراهم کردند و آن است فرودآینده بر ایشان و آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند در باغهای بهشت ایشان را است آنچه خواهند نزد پروردگار خویش این است آن فضل بزرگ (۲۳) این است آنچه نوید داد خدا بندگان را آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند بگو نپرسم شما را بر آن مزدی جز دوستی را در نزدیکان (خویشاوندان) و آنکه فراهم کند نیکی را بیفزائیمش در آن نکوئی را همانا خداوند است آمرزنده سپاسگزار (۲۴) یا گویند بست بر خدا دروغی پس اگر خواهد خدا مهر نهد بر دلت و نابود کند بیهده را و درست کند (راست آرد) درست را به سخنان خویش همانا او دانا است بدانچه در سینه‌ها است (۲۵) و او است آنکه پذیرد توبه را از بندگان خویش و درگذرد از بدی‌ها و داند آنچه را می‌کنید (۲۶) و می‌پذیرد از آنان که ایمان آوردند و کردار نیک کردند و بیفزایدشان از فضل خویش و کافران را است عذابی سخت (۲۷) و اگر فراخ گرداند خدا روزی را برای بندگان خویش هر آینه سرکشی کنند در زمین و لیکن فرستد به اندازه هر چه خواهد همانا او است به بندگان خویش آگاه بینا (۲۸) و او است آنکه فرستد باران را پس از آنچه نومید شدند و گستراند رحمت خویش را و او است سرپرست ستوده (۲۹) و از آیت‌های او است آفرینش آسمانها و زمین و آنچه گسترانید در آنها از جنبندگان و او است بر گردآوردن آنان گاهی که خواهد توانا (۳۰) و آنچه به شما رسد از پیش آمدها پس به چیزی است که فراهم کردند دست‌های شما و درگذرد از بسیاری (۳۱) و نیستید شما به عجزآرندگان در زمین و نیست شما را جز خدا یار و نه یآوری (۳۲) و از آیت‌های او است روندگان در دریا همانند کوه‌ها (۳۳) اگر خواهد آرام گرداند باد را تا بمانند به جای ایستادگان بر پشتش همانا در این است آیت‌های برای هر شکیبائی سپاسگزار (۳۴) یا نابودشان کند بدانچه فراهم کردند و درگذرد از بسیاری (۳۵) و بدانند آنان که ستیزه کنند در آیت‌های ما که نیستشان گریز گاهی (۳۶) پس آنچه داده شدید از چیزی همانا بهره زندگانی دنیا است و آنچه نزد خدا است بهتر و پایدارتر است برای آنان که ایمان آوردند و بر پروردگار خویش توکل کنند (۳۷) و آنان که دوری گزینند از بزرگ‌های گناهان و پرده‌ری‌ها (فواحش) و هر گاه خشم آرند بیمارزند (۳۸) و آنان که پذیرفتند برای پروردگار خود و پبای داشتند نماز را و کارشان مشورت است میان ایشان و از آنچه روزیشان دادیم ببخشند (۳۹) و آنان که هر گاه رسدشان ستم یاری جویند (۴۰) و کیفر بد بدیی است مانندش و آنکه درگذرد و اصلاح کند پس پاداش او بر خدا است همانا او دوست ندارد ستمگران را (۴۱) و همانا آنکه یاری جوید پس از ستمی که بر او شود آنان را نیست بر ایشان راهی (۴۲) جز این نیست که راه بر آنان است که ستم کنند بر مردم و سرکشی کنند در زمین به ناروا که ایشان را است عذابی دردناک (۴۳) و هر که شکبیا شود و آمرزش کند همانا آن است از عزیمت کارها (۴۴) و آن را که گمراه سازد خدا نباشدش دوستی پس از او و بینی ستمگران را گاهی که بینند عذاب را گویند آیا هست بسوی بازگشت راهی (۴۵) و بینی ایشان را عرض شوند بر آن سرافکندگان از خواری بنگرند از گوشه چشم نهانی و گفتند آنان که ایمان آوردند زیانکاران آنانند که زیان کردند خویش و خاندان خویش را روز رستاخیز همانا ستمگراند هر آینه در

عذابی پایدار (۴۶) و نبودشان دوستانی که یاریشان کنند جز خدا و آن را که گمراه سازد خدا پس نیستش راهی (۴۷) بپذیرید از پروردگار خود پیش از آنکه بیاید روزی که نیستش بازگشتی از خدا نیست شما را پناهگاهی آن روز و نیستتان برابری کردن (۴۸) پس اگر روی برتافتند همانا نفرستادیم بر ایشان نگهبانی نیست بر تو جز رسانیدن و ما هر گاه چشاییم انسان را از خود رحمتی شادمان شود بدان و اگر رسدشان بدی بدانچه پیش آورده است دستهای ایشان همانا انسان است بسی ناسپاس (۴۹) خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین بیافرد هر چه خواهد ببخشد هر که را خواهد مادگانی و ببخشد بدانکه خواهد نران (۵۰) یا جُفت کندشان نرانی و مادگانی و بگرداند هر که را خواهد نازا همانا او است دانای توانا (۵۱) و نبوده است بشری را که سخن گویدش خدا مگر سروشی یا از پشت پرده یا فرستد پیکی پس وحی کند به دستورش آنچه خواهد همانا او است فرازنده حکیم (۵۲) و بدینسان وحی فرستادیم بسوی تو روحی (روانی) را از امر ما نبودی بدانی چیست کتاب و نه ایمان و لیکن گردانیدیمش تابشی که رهبری کنیم بدان هر که را خواهیم از بندگان خود و همانا تو راهنمایی کنی بسوی راهی راست (۵۳) راه خدائی که او را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همانا بسوی خدا باز گردند کارها (۵۴)

الزخرف

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) حم (۲) سوگند به کتاب آشکار (۳) که ما گردانیدیمش قرآنی عربی شاید شما بخرد یابید (۴) و همانا آن است در مادر کتاب نزد ما فرازنده حکیم (۵) آیا می‌زنیم از شما ذکر را (یادآوری را) کناری که شمائید قومی فزونی‌جویان (۶) و بسا فرستادیم پیمبری در پیشینیان (۷) و نمی‌آمدشان پیمبری جز آنکه بودند بدو مسخره‌کنان (۸) پس نابود ساختیم سخت‌تر از ایشان را در نیرو (جنگ‌آوری) و گذشت مثل پیشینیان (۹) و اگر پرسیشان که آفریده است آسمانها و زمین را هر آینه گویند آفرید آنها را خدای عزّتمند دانا (۱۰) آنکه گردانید برای شما زمین را آرامگهی و نهاد برای شما در آن راه‌هایی شاید رهبری شوید (۱۱) و آنکه فرستاد از آسمان آبی به اندازه‌ای پس زنده ساختیم بدان شهری مُرده را بدینگونه برون آورده شوید (۱۲) و آنکه آفرید جُفتها را همگی و قرار داد برای شما از کشتی و دامها آنچه را سوار شوید (۱۳) تا استوار شوید بر پشتهای آن پس یاد آرید نعمت پروردگار خویش را گاهی که استوار شدید بر آنها و گویند منزّه است خدائی که رام کرد برای ما این را و نبودیم ما آن را هم‌آوردان (۱۴) و هر آینه مائیم بسوی پروردگار خویش بازگشتگان (۱۵) و قرار دادند برای او از بندگان بخشی همانا انسان است ناسپاس آشکار (۱۶) یا بگرفت از آنچه بیافریدست دخترانی و برگزیده است شما را به پسران (۱۷) و گاهی که مژده داده شود یکیشان بدانچه زده است برای خداوند مهربان مثلی گردد چهره او سیاه و او است خشم‌خورنده (۱۸) آیا آنکو آراسته گردد به زیور و او در سبزه‌گری (یا دشمنان) است ناآشکار (۱۹) و قرار دادند فرشتگانی را که بندگان خدای مهربانند مادگانی آیا گواه شدند آفرینش آنان را زود است نوشته شود گواهی‌شان و پرسش شوند (۲۰) و گفتند اگر می‌خواست خداوند مهربان نمی‌پرستیدیمشان نیستشان بدان دانشی نیستند آنان جز آنکه دروغ می‌گویند (۲۱) یا دادیم بدیشان کتابی پیش از آن پس ایشانند بدان چنگ‌زنندگان (۲۲) بلکه گفتند یافتیم پدران خویش را بر ملّتی و مائیم همانا بر نشانی‌های آنان پیروان (۲۳) و بدینسان نفرستادیم پیش از تو در شهری ترساننده‌ای جز آنکه گفتند هوسرانانش که یافتیم همانا پدران خویش را بر ملّتی و مائیم هر آینه بر نشانی‌های آنان پیروان (۲۴) گفت و اگر چه بیارم شما را به راهنما از آنکه یافتید بر آن پدران خویش را گفتند همانا مائیم بدانچه فرستاده شدید بدان کافران (۲۵) پس انتقام گرفتیم از ایشان پس بنگر چگونه بود عاقبت تکذیب‌کنندگان (۲۶) و هنگامی که گفت ابراهیم به پدر خویش و قومش که منم همانا بیزار از آنچه می‌پرستید (۲۷) مگر آنکه مرا آفرید که او زود است رهبریم کند (۲۸) و گردانید آن را سخنی پایدار از پس خویش (یا در نژاد خویش) شاید ایشان باز گردند (۲۹) بلکه بهره‌مند ساختم ایشان و پدران ایشان را تا بیامدشان حقّ و فرستاده‌ای آشکار (۳۰) و هنگامی که بیامدشان حقّ گفتند این است جادوئی و همانا مائیم بدان کافران (۳۱) و گفتند چرا

فرستاده نشد این قرآن بر مردی از دو شهر بزرگوار (۳۲) آیا آنان پخش کنند رحمت پروردگار تو را ما قسمت کردیم میان ایشان روزی ایشان را در زندگانی دنیا و برتری دادیم برخی از ایشان را بر برخی در پایه‌ها تا بگیرد بعضی از آنان بعضی را مسخره و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه گرد آرند (۳۳) و اگر نبود که می‌شدند مردم ملّتی یگانه هر آینه قرار می‌دادیم برای آنان که کفر ورزیدند به خدای مهربان برای خانه‌های آنان پوشهائی از سیم و نردبانهای که بر آنها برآیند (۳۴) و برای خانه‌های آنان درهائی و تختهائی که بر آنها تکیه زنند (۳۵) و زیوری و هر آینه همه اینها بهره زندگانی دنیا است و آخرت است نزد پروردگار تو از آن پرهیزکاران (۳۶) و هر که روی برتابد از یاد خدای مهربان برمی‌انگیزیم برایش شیطانی پس او است وی را همنشین (۳۷) و همانا آنان بازدارندشان از راه و پندارند که ایشانند راه‌یافتگان (۳۸) تا گاهی که آید ما را گوید کاش میان من و تو دوری خاور و باختر بودی که چه زشت همنشینی است (۳۹) و هرگز سودتان ندهد امروز گاهی که ستم کردید که شمائید در عذاب شرکت کنندگان (۴۰) پس آیا تو می‌شنوانی کران را یا رهبری کنی کوران را و آن را که او است در گمراهی آشکار (۴۱) پس اگر تو را بریم همانا مائیم از ایشان انتقام گیرندگان (۴۲) یا نمائیم تو را آنچه بدیشان وعده دادیم همانا مائیم بر ایشان توانایان (۴۳) پس چنگ آن بدانچه وحی شد بسویت که توئی همانا بر راه راست (۴۴) و هر آینه آن یادآوری است برای تو و قومت و زود است پرسش شوید (۴۵) و بیرس آن را که فرستادیم پیش از تو از فرستادگان خویش آیا قرار دادیم جز خدای مهربان خدایانی که پرستش شوند (۴۶) و همانا فرستادیم موسی را به آیت‌های خویش بسوی فرعون و کسانش پس گفت من فرستاده پروردگار جهانیان (۴۷) تا گاهی که پیامدشان به آیت‌های ما ناگاه ایشانند بر آن خنده‌زنان (۴۸) و ننمائیمشان آیتی مگر آن است بزرگتر از خواهرش (دیگری) و گرفتیمشان به عذاب باشد ایشان باز گردند (۴۹) و گفتند ای جادوگر بخوان برای ما پروردگار خویش را بدانچه نزد تو سپرده است که مائیم همانا هدایت شدگان (۵۰) پس هنگامی که برداشتیم از ایشان عذاب را ناگاه ایشانند پیمان‌شکنان (۵۱) و بانگ برآورد فرعون در قوم خویش گفت ای قوم من آیا نیست از آن من پادشاهی مصر و این جوی‌ها روانند از زیرم آیا نمی‌بینید (۵۲) بلکه من بهترم از آن که او است زبون و نیارد که گویا گردد (۵۳) پس چرا افکنده نشد بر او دست‌بند‌هایی از زر یا بیاوند با وی فرشتگان برابر (دوشادوش) (۵۴) پس سبکسر ساخت قومش را پس فرمانبردارش کردند که بودند ایشان همانا گروهی نابفرمان (۵۵) تا گاهی که به خشم آوردند ما را کین کشیدیم از ایشان پس غرق ساختیم ایشان را همگی (۵۶) پس گردانیدیمشان گذشته و نمونه‌ای برای بازماندگان (۵۷) و گاهی که زده شد پسر مریم مثلی ناگاه قومت از او بازدارند (یا برگردند) (۵۸) و گفتند آیا خدایان ما بهترند یا او نزدندش برای تو جز به ستیزگی بلکه ایشانند گروهی ستیزه‌جویان (۵۹) نیست او جز بنده‌ای که بخشیدیم بدو و گردانیدیمش مثلی برای بنی‌اسرائیل (۶۰) و اگر می‌خواستیم قرار می‌دادیم بجای شما فرشتگانی در زمین جانشین شوند (۶۱) و همانا آن علمی است به ساعت پس شک نورزید بدان و مرا پیروی کنید این است راهی راست (۶۲) و باز ندارد شما را شیطان که او شما را است دشمنی آشکار (۶۳) و هنگامی که پیامد عیسی به نشانی‌ها گفت همانا آوردم شما را به حکمت و تا بیان کنم برای شما پاره آنچه را در آن اختلاف دارید پس بترسید خدا را و مرا فرمان برید (۶۴) همانا خدا است پروردگار من و پروردگار شما پس پرستیدش این است راهی راست (۶۵) پس اختلاف کردند احزاب از میان ایشان پس وای برای آنان که ستم کردند از عذاب روزی دردناک (۶۶) آیا چشم به راهند جز ساعت را که بیایندشان ناگاه و ایشان ندانند (۶۷) دوستان در آن روز بعضیشان بعضی را دشمنند مگر پرهیزکاران (۶۸) ای بندگان من نیست بیمی بر شما امروز و نه اندوهگین باشید (۶۹) آنان که ایمان آوردند به آیت‌های ما و بودند اسلام‌آرندگان (۷۰) درآید به بهشت شما و همسرانتان شادمانان (۷۱) گردانیده شود بر ایشان جامهائی از زر و صراحی‌هایی و در آن است آنچه هوس کنند دلها و لذت برند دیدگان و شمائید در آن جاودانان (۷۲) و این است بهشتی که ارث داده شدیدش بدانچه بودید می‌کردید (۷۳) شما را است در آن میوه فراوان که از آن می‌خورید (۷۴) همانا گنهکاران در عذاب دوزخند جاودانان (۷۵) بریده نگردد از ایشان و ایشانند در آن سرافکنندگان (۷۶) و ستم نکردیم بر ایشان و لیکن بودند ایشان ستمکاران (۷۷) و

بانگ برآوردند ای مالک حکم کند بر ما (یکسره کند کار ما را) پروردگارت گوید همانا شمائید ماندگان (۷۸) همانا آوردیم شما را به حق و لیکن بیشتر شمائید حق را ناخوش دارندگان (۷۹) بلکه استوار کردند کاری را که مائیم همانا استوارکنان (۸۰) یا پندارند که ما نمی‌شنویم نهان ایشان و راز ایشان را بلی و فرستادگان ما نزد ایشانند نویسنده‌گان (۸۱) بگو اگر باشد خدا را فرزندی هر آینه منم نخستین پرستندگان (۸۲) منزّه است پروردگار آسمانها و زمین پروردگار عرش از آنچه می‌ستایند (۸۳) پس بگذارشان فروروند و بازی کنند تا برسند روز خویش را آن روزی که وعده داده شوند (۸۴) و او است آنکه در آسمان خدا است و در زمین خدا است و او است حکیم دانا (۸۵) و فرخنده باد آنکه وی را پادشاهی آسمانها است و زمین و آنچه میان آنها است و نزد او است علم ساعت و بسویش بازگردانیده شوید (۸۶) و دارا نیستند آنان که جز وی خوانند شفاعت را جز آنکو گواهی دهد به حق و ایشان می‌دانند (۸۷) و اگر پرسیشان که آفریدستشان هر آینه گویند خدا پس کجا به دروغ رانده می‌شوند (۸۸) و گفتارش که پروردگارا همانا اینانند گروهی ایمان‌نیارندگان (۸۹) پس در گذر از ایشان و بگو سلامی پس زود است بدانند (۹۰)

الدخان

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) حم (۲) سوگند به کتاب آشکار (۳) که ما فرستادیمش همانا در شبی فرخنده که ما بودیم هر آینه بیم‌دهندگان (۴) در آن جدا گردد هر کاری استوار (۵) کاری از نزد ما همانا مائیم فرستندگان (۶) رحمتی از پروردگار تو که او است شنوای دانا (۷) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است اگر هستید یقین دارندگان (۸) نیست خدائی جز او زنده کند و بمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینان (۹) بلکه ایشانند در شکی بازی کنان (۱۰) پس چشم به راه باش روزی را که بیارد آسمان دودی آشکار (۱۱) فراگیرد مردم را این است عذابی دردناک (۱۲) پروردگارا بگشای از ما عذاب را که مائیم ایمان‌آرندگان (۱۳) کجا است ایشان را یاد آوردن و بیامدشان فرستاده‌ای آشکار (۱۴) پس روی برتافتند از او و گفتند آموخته‌ای است دیوانه (۱۵) همانا گشاینده‌ایم عذاب را اندکی همانا شمائید بازگشت کنان (۱۶) روزی که خشم آریم خشم بزرگ را همانا مائیم انتقام گیرندگان (۱۷) و هر آینه آزمودیم پیش از ایشان قوم فرعون را و بیامدشان فرستاده‌ای گرامی (۱۸) که بسپرد به من بندگان خدا را که منم برای شما فرستاده‌ای امین (۱۹) و آنکه گردنکشی نکنید بر خدا که آورده‌ام شما را به فرمانروایی آشکار (۲۰) و همانا پناه بردم به پروردگار من و پروردگار شما از آنکه مرا بیفکنید (۲۱) و اگر نگرویدید به من پس از من دوری گزینید (۲۲) پس خواند پروردگار خویش را که اینانند گروهی گنهکاران (۲۳) پس ببر بندگانم را در شب که شمائید پیروی‌شدگان (۲۴) و بگذار دریا را آرام که ایشانند سپاهی غرق‌شدگان (۲۵) بسا باز گذاردند از باغها و چشمه‌سارهای (۲۶) و کشتزارها و جایگاهی گرامی (۲۷) و نعمتی که بودند در آن برخورداران (۲۸) بدینسان ارث دادیم آنها را به گروهی دگران (۲۹) پس نگریست بر ایشان آسمان و زمین و نبودند مهلت‌دادگان (۳۰) و همانا رهانیدیم بنی‌اسرائیل را از عذاب خوارکننده (۳۱) از فرعون که او بود همانا گردن‌فرازی از فزونی‌جویان (۳۲) و همانا برگزیدیمشان بر دانشی بر جهانیان (۳۳) و دادیمشان از آیتها آنچه را در آن است آزمایشی آشکار (۳۴) همانا اینان گویند (۳۵) نیست آن جز مرگ نخستین ما و نیستیم ما گردآوردگان (۳۶) پس بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان (۳۷) آیا اینان بهترند یا قوم تبع و آنان که پیش از ایشان بودند نابودشان کردیم که بودند ایشان همانا گنهکاران (۳۸) و نیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است بازی کنان (۳۹) نیافریدیمشان جز به حق و لیکن بیشتر ایشان نمی‌دانند (۴۰) همانا روز جدا کردن وعده‌گاه ایشان است همگی (۴۱) روزی که بی‌نیاز نگرداند دوستی از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری شوند (۴۲) مگر آنکو رحم کند خدا که او است همانا عزّتمند مهربان (۴۳) همانا درخت زقوم (۴۴) خوراک گنهکار است (۴۵) چون آهن گداخته جوشد در شکمها (۴۶) بسان جوشیدن آب جوشان (۴۷) بگیریدش پس بکشیدش به میان دوزخ (۴۸) پس بریزید بر سرش از شکنجه آب جوشان (۴۹) بجش که تویی همانا آن مهتر گرامی (۵۰) این است آنچه بودید در آن شک می‌کردید (۵۱) همانا پرهیزکارانند در

جایگهی آرام (۵۲) در باغها و چشمه سارهایی (۵۳) پوشند از سُندس و استَبْرَق روی به روی (۵۴) بدینگونه و همسر آوردیمشان به حور عین (۵۵) خوانند در آن به هر میوه ای ایمن شدگان (۵۶) نچسند در آن مرگ را جز مرگ نخستین و نگهداشت ایشان را از عذاب دوزخ (۵۷) فضلی از پروردگار تو این است آن رستگاری بزرگ (۵۸) جز این نیست که روانش ساختیم بر زبانت شاید یادآور شوند (۵۹) پس منتظر باش که ایشانند هر آینه منتظران (۶۰)

الْجَانَّةُ

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) حم (۲) فرستادن کتاب از خداوند عزّتمند حکیم (۳) همانا در آسمانها و زمین است آیتهایی برای ایمان آرندگان (۴) و در آفرینش شما و آنچه می گستراند از جُنبنده آیتهایی است برای قومی که یقین دارند (۵) و در گردش شبانه روز و آنچه فرستاد خدا از آسمان از روزی که زنده کرد بدان زمین را پس از مُردنش و گردانیدن بادهای آیتهایی است برای قومی که بخرد یابند (۶) این است آیتهای خدا همی خوانیمش بر تو به حقّ پس به کدام سخن پس از خدا و آیتهایش ایمان می آورند (۷) وای بر هر دروغگوی گنهکاری (۸) که می شنود آیتهای خدا را خوانده می شوند بر او پس اصرار ورزد برتری جویان چنانکه گوئی نشنیدستش پس مژده ده او را به عذابی دردناک (۹) و گاهی که داند از آیتهای ما چیزی را برگیردش به ریشخند برای ایشان است عذابی خوارکننده (۱۰) از پس ایشان است دوزخ و بی نیاز نکند از ایشان آنچه فراهم کردند چیزی و نه آنچه برگرفتند جز خدا دوستانی و ایشان را است عذابی بزرگ (۱۱) این است راهنمایی و آنان که کفر ورزیدند به آیتهای پروردگار خویش ایشان را است عذابی از پلید دردناک (۱۲) خدا است آنکه رام کرد برای شما دریا را تا روان شود در آن کشتی به فرمانش و تا بجوید روزی را از فضلش و شاید سپاسگزارید (۱۳) و رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همگی از آن وی است همانا در این است آیتهایی برای گروهی که اندیشه کنند (۱۴) بگو بدانان که ایمان آوردند بیمارزند برای آنان که امید ندارند روزهای خدا را تا پاداش دهد گروهی را بدانیچه بودند دست می آوردند (۱۵) آنکه کردار نیک کند پس برای خویش است و آنکه بدی کند پس بر آن است سپس بسوی پروردگار خویش باز گردانیده شوید (۱۶) و هر آینه دادیم به بنی اسرائیل کتاب و حکم و پیمبری را و روزیشان دادیم از پاکیزه ها و برتریشان دادیم بر جهانیان (۱۷) و آوردیمشان تابشهایی (نشانی هائی) از کار پس اختلاف نکردند مگر از پس آنکه پیامدشان دانش به سرکشی میان خویش همانا پروردگار تو داوری کند میان ایشان روز رستاخیز در آنچه بودند در آن اختلاف می کردند (۱۸) سپس قرار دادیم تو را بر آئینی از کار پس پیرویش کن و پیروی مکن هوسهای آنان را که نمی دانند (۱۹) همانا ایشان بی نیازت نکنند از خدا به چیزی و همانا ستمگراند برخیشان دوستان برخی و خدا است دوست پرهیزکاران (۲۰) این بینشهایی است برای مردم و راهنمایی و رحمتی برای گروهی که یقین دارند (۲۱) یا پنداشتند آنان که فراهم کردند بدی ها را که بگردانیمشان مانند آنان که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند یکسان زندگانشان و مُردنشان چه زشت است آنچه حکم کنند (۲۲) و آفرید خدا آسمانها و زمین را به حقّ و تا پاداش داده شود هر که بدانیچه دست آورد و ایشان ستم نشوند (۲۳) آیا دیدی آن را که برگرفت خدای خویش را هوس خویش و گمراهش ساخت خدا با دانائی و مُهر نهاد بر گوش او و دلش و نهاد بر دیده او پرده ای پس که رهبریش کند پس از خدا آیا یادآور نمی شوند (۲۴) و گفتند نیست آن جز زندگانی نزدیک ما می میریم و زنده شویم و نمیراند ما را جز روزگار و نیستشان به این دانشی نیستند آنان جز پندارندگان (۲۵) و گاهی که خوانده شود بر ایشان آیتهای ما روشن نباشد دستاویز ایشان جز آنکه گویند بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان (۲۶) بگو خدا زنده سازد شما را پس بمیراندتان سپس گرد آورد شما را بسوی روز رستاخیز نیست شکی در آن و لیکن بیشتر مردم نمی دانند (۲۷) و خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین و روزی که بپا شود ساعت آن روز زیانکار شوند نادرستان (۲۸) و بینی هر ملّتی را به زانو درآمده هر ملّتی خوانده شوند بسوی کتاب خویش امروز پاداش داده می شوید آنچه را بودید می کردید (۲۹) این است کتاب ما

سخنگوی است بر شما به حقّ همانا ما استنساخ می کردیم (می نوشتیم) آنچه را بودید می کردید (۳۰) اما آنان که ایمان آوردند و کردارهای نکو کردند پس در آردشان پروردگارشان در رحمت خویش این است آن رستگاری آشکار (۳۱) و امّا آنان که کفر ورزیدند آیا نبود آیتهای من خوانده می شد بر شما پس کبر ورزیدید و شدید گروهی گنهکاران (۳۲) و هر گاه گفته می شد که وعده خدا است حقّ و ساعت نیست شکی در آن می گفتید ندانیم چیست ساعت نپنداریم جز گمانی و نیستیم ما یقین دارندگان (۳۳) و پدیدار شد برای ایشان بدی های آنچه کردند و فرود آمد بدیشان آنچه بودند بدان مسخره می کردند (۳۴) و گفته شد امروز فراموش کنیم شما را بدانسان که فراموش کردید رسیدن را به روز خویش این و جایگاه شماست آتش و نیست شما را یارانی (۳۵) این بدان است که گرفتید آیتهای خدا را ریشخند و فریب داد شما را زندگانی دنیا پس امروز برون آورده نشوند از آن و نه بهانه پذیرفته شود از ایشان (۳۶) پس خدای را است سپاس پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار جهانیان (۳۷) و او را است برتری در آسمانها و زمین و او است عزّتمند حکیم (۳۸)

الأحقاف

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) حم (۲) فرستادن کتاب از خداوند عزّتمند حکیم (۳) نیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است جز به حقّ و سرآمدی نامبرده و آنان که کفر ورزیدند هستند از آنچه بیم داده شدند روی گردانان (۴) بگو آیا دیدید آنچه را خوانید جز خدا بنماید چه چیز آفریدند از زمین یا ایشان را است شرکتی در آسمانها بیاریدم به کتابی از پیش از این یا بازمانده ای از دانش اگر هستید راستگویان (۵) و کیست گمراه تر از آنکه خواند جز خدا آن را که نپذیرد برایش تا روز رستاخیز و ایشانند از خواندن آنان ناآگاهان (۶) و گاهی که گردآورده شوند مردم باشند ایشان را دشمنانی و باشند به پرستش ایشان کافران (۷) و گاهی که خوانده شود بر ایشان آیتهای ما روشن گویند آنان که کفر ورزیدند به حقّ گاهی که پیامدشان این است جادویی آشکار (۸) یا گویند به دروغش آوردی بگو اگر دروغش آرم دارا نباشید برای من از خدا چیزی را او دانایتر است بدانچه فروروید در آن بس است او گواهی میان من و شما و او است آمرزگار مهربان (۹) بگو نیست من نوظهوری (تازه درآمدی) از پیغمبران و ندانم چه کرده می شود به من و نه به شما پیروی نکنم جز آنچه را وحی شود بسویم و نیستم من جز ترساننده آشکار (۱۰) بگو آیا دیدید اگر باشد از نزد خدا و کفر ورزیدید بدان و گواهی دهد گواهی از بنی اسرائیل بر مانند آن پس ایمان آورد و شما کبر ورزیدید همانا خدا رهبری نکند گروه ستمگران را (۱۱) و گفتند آنان که کفر ورزیدند بدانان که ایمان آوردند اگر خوبی می بود پیشی نمی گرفتند از ما بدان و چون رهبری نشدند بدان زود است گویند آن است دروغی کهن (۱۲) و از پیشش کتاب موسی پیشوا و رحمتی و این است کتابی تصدیق کننده به زبان عربی تا بترساند آنان را که ستم کردند و مژده است برای نیکوکاران (۱۳) همانا آنان که گفتند پروردگار ما خدا است و سپس پایدار ماندند نیست بیمی بر ایشان و نه اندوهگین شوند (۱۴) آنانند یاران بهشت جاودانان در آن پاداشی برابر آنچه بودند می کردند (۱۵) و پند دادیم انسان را در باره پدر و مادرش به نیکی بارور شد بدو مادرش به ناخواه و بنهادش به ناخواه و باروریش و از شیر گرفتنش سی ماه تا گاهی که رسید نیروهای خود را و رسید به چهل سال گفت پروردگارا رهنمونم باش تا سپاس گزارم نعمت را آن را که ارزانی داشتی به من و به پدر و مادرم و تا کنم کرداری شایسته که بپسندیش و اصلاح کن برایم در فرزندانم همانا باز گشتم بسوی تو و همانا منم از اسلام آرندگان (۱۶) آنانند که پذیریم از ایشان بهتر آنچه را کردند و در گذریم از بدی های ایشان در یاران بهشت وعده راستی که بودند وعده داده می شدند (۱۷) و آن که گفت به پدر و مادر خویش وای بر شما (آوخ از شما) آیا وعده دهیدم (بیم دهیدم) که برون آورده شوم حالی که گذشتند قرنهای پیش از من و آنان (پدر و مادر) به فریاد می خوانند خدا را که وای بر تو ایمان آر زیرا وعده خدا است حق پس گفت نیست این جز افسانه های پیشینیان (۱۸) آنانند که راست آمد (فرود آمد) بر ایشان سخن در ملتّهائی که گذشتند پیش از ایشان از پری و آدمی که ایشانند همانا زیانکاران (۱۹) و هر

کدام را پایه‌هایی است از آنچه عمل کردند و تا سراسر دهد بدیشان کردارهای ایشان را و ایشان ستم نشوند (۲۰) و روزی که عرضه شوند آنان که کفر ورزیدند بر آتش بردید (به پایان رسانیدید) خوشی‌های خویش را در زندگانی دنیای خویش و کامیاب شدید بدانها پس امروز کیفر داده شوید عذاب خواری را بدانچه بودید برتری می‌جستید در زمین به ناروا و بدانچه بودید نافرمانی می‌کردید (۲۱) و یاد کن برادر عاد را گاهی که ترسانید قومش را در احقاف و هر آینه گذشته بودند ترسانندگان از پیش رویش و از پشت سرش که پرستش نکنید جز خدا را همانا می‌ترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ (۲۲) گفتند آیا آمدی ما را تا فریب دهی ما را از خدایان ما پس بیار ما را آنچه بیم دهی ما را اگر هستی از راستگویان (۲۳) گفت جز این نیست که دانش نزد خدا است و می‌رسانم به شما آنچه فرستاده شدم بدان و لیکن بینم شما را گروهی نادانان (۲۴) تا گاهی که نگریستندش ابری روی آورده بسوی درّه‌هاشان گفتند این است ابری بارنده بر ما بلکه آن است آنچه شتاب می‌خواستید بدان بادی است در آن عذابی دردناک (۲۵) سرنگون سازد هر چیز را به فرمان پروردگار خویش پس بامداد کردند دیده نمی‌شد جز نشیمنهای آنان بدینگونه پاداش دهیم به گروه گنهکاران (۲۶) و هر آینه فرمانرواشان ساختیم در آنچه فرمانروا نساختم شما را در آن و قرار دادیم برای ایشان گوسی و دیدگانی و دل‌هایی پس بی‌نیاز نکرد از ایشان گوششان و نه دیدگان‌شان و نه دل‌هایشان چیزی را گاهی که بودند برابری (پایمال) کردند آیت‌های خدا را و فرود آمد بدیشان آنچه بودند بدان مسخره می‌کردند (۲۷) و همانا نابود ساختیم آنچه پیرامون شما است از شهرها و گردانیدیم (زیر و رو کردیم) آیتها را باشد آنان باز گردند (۲۸) پس چرا یاریشان نکردند آنان که برگرفتند جز خدا برای نزدیک شدن به خدا خدایانی بلکه گم شدند از ایشان و این است دروغ ایشان (تهمت ایشان) و آنچه بودند دروغ می‌آوردند (۲۹) و گاهی که روی آور ساختیم بسویت تنی چند از پریان که قرآن را شنوند پس هنگامی که نزدش آمدند (حضورش را دریافتند) گفتند خموش باشید تا گاهی که پایان یافت باز گشتند بسوی قوم خویش بیم‌دهندگان (۳۰) گفتند ای قوم ما همانا شنیدیم کتابی را فرستاده شده بود پس از موسی تصدیق‌کننده آنچه پیش روی آن است رهبری کند بسوی حق و بسوی راهی راست (۳۱) ای قوم ما بپذیرید دعوت‌کننده خدا را و ایمان آرید بدو پیامرزد برای شما از گناهان شما و پناه دهد شما را از عذابی دردناک (۳۲) و آنکه اجابت نکند دعوت خدا را پس نیست عاجز‌کننده در زمین و نیستش جز او دوستانی آنانند در گمراهی آشکار (۳۳) آیا ندیدند آنکه خداوندی که آفرید آسمانها و زمین را و خسته نگردید از آفریدن آنها توانا است که زنده کند مُردگان را بلی همانا او است بر همه چیز توانا (۳۴) و روزی که عرضه شوند کافران بر آتش آیا نیست این حق گفتند بلی سوگند به پروردگار ما گفت پس بچشید عذاب را بدانچه بودید کفر می‌ورزیدید (۳۵) پس شکبیا شو چنانکه شکبیا شدند دارندگان عزم از پیمبران و شتاب نخواه برای ایشان گوئیا ایشان روزی که بنگرند آنچه را وعده داده شوند نمانده‌اند جز ساعتی از روز ابلاغی (رساندنی) است پس آیا نابود شوند جز گروه نافرمانان (۳۶)

محمد

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) آنان که کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا گمراه کرد کردار ایشان را (۲) و آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و ایمان آوردند بدانچه فرستاده شد بر محمد «ص» و آن است حق از پروردگارشان بستر از ایشان بدی‌های ایشان را و بساز آفریدگار بار ایشان را (۳) این بدانست که آنان که کفر ورزیدند پیروی کردند باطل را و آنان که ایمان آوردند پیروی کردند حق را از پروردگارشان بدینسان زند خدا برای مردم مثل‌های ایشان را (۴) پس هر گاه رسیدید بدانان که کفر ورزیدند پس زدن گردنها تا گاهی که بخون آغشته سازیدشان پس استوار کنید بستن را سپس یا منت نهادنی پس از این و یا فدیة گرفتنی تا بگذارد جنگ بارهای خود را این و اگر می‌خواست خدا هر آینه پیروزی می‌جست برایشان و لیکن تا بیازماید گروهی از شما را به گروهی و آنان که کشته شدند و در راه خدا گم نکند هرگز کردار ایشان را (۵) زود است رهبریشان کند و ساز آرد سامان

ایشان را (۶) و در آردشان بهشت آراسته است آن را برای ایشان (شناسا ساخته است) (۷) ای آنانکه ایمان آوردید اگر یاری کنید خدا را یاریتان کند و استوار سازد قدمهای شما را (۸) و آنان که کفر ورزیدند پس وای بر ایشان (زشت بادشان) و گم کرد کارهای آنان را (۹) این بدان است که ایشان ناخوش داشتند آنچه را فرستاد خدا پس تباه ساخت کارهای ایشان را (۱۰) آیا نگشتند در زمین تا بنگرند چگونه بود فرجام آنان که پیش از ایشان بودند واژگون ساخت خدا بر ایشان و کافران را است نمونه‌های آنها (۱۱) این بدان است که خدا دوست آنانی است که ایمان آوردند و کافران را نیست دوستی (سرپرستی) (۱۲) همانا خدا در آورد آنان را که ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند باغهایی که روان است زیر آنها جوی‌ها و آنان که کفر ورزیدند کامرانی کنند و خورند بدانسان که خورند دامها و آتش است جایگاهی برای آنان (۱۳) و بسا شهری که سخت‌تر بود در نیرو از شهر تو که برون راندت نابودشان ساختیم پس نیست یآوری ایشان را (۱۴) آیا آنکه او است بر روشنائی (یا نشانی) از پروردگار خویش مانند آن است که بیاراست برایش زشتی کردارش و پیروی کردند هوسهای خود را (۱۵) مثل بهشتی که وعده داده شدند پرهیزکاران در آن است جوی‌هایی از آبی ناگشته‌رنگ و جوی‌هایی از شیر ناگشته‌مزه و جوی‌هایی از باده خوشکام برای نوشندگان و جوی‌هایی از انگبین پالوده و ایشان را است از همه میوه‌ها و آمرزشی از پروردگارشان مانند آنکه او است جاودان در آتش و نوشانیده شدند آبی جوشان که پاره پاره ساخت روده‌های آنان را (۱۶) و از ایشان است آنکه گوش فرا دهد بسویت تا گاهی که برون روند از نزدت گویند بدانان که داده شدند دانش را چه گفت پیش آنانند که مَهر نهاد خدا بر دلهاشان و پیروی کردند هوسهای خویش را (۱۷) و آنان که رهبری خواستند بیفزودشان رهبری و داد بدیشان پرهیزکاری ایشان را (۱۸) آیا چشم براهند جز ساعت را که بیایدشان ناگاه چه همانا پیامد نشانی‌های آن پس کجا برای ایشان است گاهی که بیایدشان یادآوریشان (۱۹) پس بدان که نیست خدائی جز خدا و آمرزش خواه برای گناه خویش و برای مردان و زنان مؤمن و خدا داند گردشگاه شما و آرامگاه شما را (۲۰) و گویند آنان که ایمان آوردند چرا فرود نیاید سوره‌ای پس هر گاه فرستاده شود سوره‌ای محکم و یادآوری شود در آن جنگ بینی آنان را که در دلهاشان بیماری است نگرند بسویت نگرستن بیهوش گشته از مرگ پس سزاوار باد ایشان را (مرگ بر ایشان) (۲۱) فرمانبرداری و سخنی پسندیده تا گاهی که استوار شود کار پس اگر راست می‌گفتند خدا را هر آینه بهتر بود ایشان را (۲۲) پس آیا امید دارید (چنین است) که هر گاه به سرپرستی گمارده شدید آنکه تبهکاری کنید در زمین و ببرید رشته خویشاوندی‌های خویش را (۲۳) آنانند که لعنشان کرد خدا پس کر ساختشان و کور ساخت دیدگان ایشان را (۲۴) آیا فرونمی‌روند (تدبر نمی‌کنند) در قرآن یا بر دلهایی است قفل‌های آنها (۲۵) همانا آنان که برگشتند بر پشتهای خویش از پس آنکه آشکار شد برای ایشان هدایت شیطان بیاراست برای ایشان و فریبتان داد (۲۶) این بدان است که گفتند بدانان که ناخوش داشتند آنچه را خدا فرستاد زود است فرمانبرداری کنیم شما را در پاره‌ای از کار و خدا داند نهان داشتن آنان را (۲۷) پس چگونه است گاهی که بیابندشان فرشتگان زنند روی‌های ایشان و پشتهای ایشان را (۲۸) این بدان است که پیروی کردند آنچه را به خشم آورد خدا را و ناخوش داشتند خوش آیند او را پس تباه ساخت کردارهای ایشان را (۲۹) یا پنداشتند آنان که در دلهاشان بیماری است که هرگز برون نیارد خدا کینه‌های آنان را (۳۰) و اگر می‌خواستیم هر آینه می‌نمودیمت آنان را که بشناسیانشان با چهره‌هاشان و بشناسیانشان هر آینه در آهنگ گفتار و خدا داند کارهای شما را (۳۱) هر آینه بیازمائیم شما را تا بدانیم کوششگران را از شما و شکیبایان را و بیازمائیم داستانها (یا آگهی‌های) شما را (۳۲) همانا آنان که کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا و ستیزه کردند با پیمبر پس از آنکه روشن شد برای ایشان رهبری هرگز آسیب نرسانند خدا را به چیزی و زود است تباه سازد کارهای آنان را (۳۳) ای آنان که ایمان آوردید فرمان برید خدا را و فرمان برید پیمبر را و تباه نسازید کارهای خود را (۳۴) همانا آنان که کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا پس مردند حالی که بودند کافران هرگز نیامرزد خدا آنان را (۳۵) پس زبون (سست) نشوید که خوانید بسوی آشتی و شمائید سرافرازان (چیره‌گان) و خدا با شما است و هرگز نکاهد از شما کارهای شما را (۳۶) جز این نیست که زندگانی دنیا بازی و هوسرانی است و اگر ایمان آرید و

پرهیزکاری کنید بپردازد به شما مرزهای شما را و نپرسد از شما (نخواهد) خواسته‌های شما را (۳۷) اگر بپرسد آنها را از شما پس ایستادگی کند در خواستن (سختی ورزد) خودداری کنید و برون آرد (آشکار کند) کینه‌های شما را (۳۸) اینک شماست که خوانده می‌شوید به اتفاق کردن در راه خدا پس از شما است آنکه خودداری کند (بخل ورزد) و هر که خودداری کند جز این نیست که بر جان خویش خودداری کند و خدا بی‌نیاز است و شماست نیازمندان و اگر پشت کنید بگیرد بجای شما گروهی را جز شما پس نباشند مانند گان شما (۳۹)

الفتح

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) همانا پیروزی دادیم پیروزی آشکار (یا بگشودیم برایت گشایشی آشکار) (۲) تا بیا مرزد برایت خدا آنچه را که پیشی گرفت از گناهت و آنچه را پس آمد و انجام رساند نعمتش را بر تو و رهبریت کند به راهی راست (۳) و یاریت کند خدا یاری سرفراز (عزّتمند) (۴) او است آنکه فرستاد آرامش را در دل‌های مؤمنان تا بیفزایند ایمانی بر ایمانشان و خدا را است لشکرهای آسمانها و زمین و خدا است دانای حکیم (۵) تا در آرد مردان و زنان مؤمن را به بهشتهائی که روان است زیر آنها جوی‌ها جاودانان در آنها و بزادید از ایشان بدی‌های ایشان را و آن است نزد خدا رستگاری بزرگ (۶) و عذاب کند مردان و زنان منافق (دوروی) و مردان و زنان مشرک را آنان که به خدا گمان بد برند بر ایشان بار گردش بد (پیش آمد بد) و خشم گیرد خدا بر ایشان و لعن کند ایشان را و آماده سازد برای ایشان دوزخ را و چه زشت است جایگاهی (۷) و خدا را است لشکرهای آسمانها و زمین و خدا است عزّتمند حکیم (۸) همانا فرستادیم گواهی و مژده دهنده و ترساننده (۹) تا ایمان آرید به خدا و پیمبرش و یاریش کنید (گرامیش دارید) و ارجمندش دارید و تسبیحش گوید بامدادان و شب‌هنگام (۱۰) همانا آنان که با تو پیمان بندند (دست بیعت به تو دهند) جز این نیست که با خدا پیمان بندند دست خدا است فراز دستهای ایشان پس هر که پیمان شکنی کند جز این نیست که بر خویش پیمان شکند و آنکه پایدار ماند (وفا کند) بر آنچه پیمان بست با خدا بر آن زود است بدو دهد پاداشی گران (بزرگ را) (۱۱) زود است به تو گویند بازنشستگان از دشت نشینان که سرگرم داشت ما را خواسته‌های ما و خاندانهای ما پس آمرزش خواه برای ما گویند با زبانهای خویش آنچه را نیست در دلهایشان بگو پس که دارا گردد برای شما از خدا چیزی را اگر بخواهد به شما زبانی را یا بخواهد به شما سودی را بلکه خدا است بدانچه می‌کنید آگاه (۱۲) بلکه پنداشتید که هرگز بازنگردند پیمبر و مؤمنان بسوی کسانشان هیچگاه و بیاراست این در دلهای شما و گمان بردید گمان بد را و شدید قومی تباہ (۱۳) و آنکه ایمان نیارد به خدا و پیمبرش همانا آماده ساختم برای کافران آتش سوزان را (۱۴) خدای را است پادشاهی آسمانها و زمین بیا مرزد برای هر که خواهد و عذاب کند هر که را خواهد و خدا است آمرزنده مهربان (۱۵) زود است گویند بازنشستگان گاهی که روان شوید بسوی برده‌هائی که به چنگ زرید بگذارید از پی شما آئیم خواهند دگرگون کنند سخن خدا را بگو از پی ما نیائید هرگز بدینسان گفته است خدا از پیش زود است گویند بلکه شما به ما حسادت ورزید بلکه آنان در نیابند جز اندکی را (۱۶) بگو به بازنشستگان از دشت نشینان زود است خوانده می‌شوید بسوی گروهی دارنده نیرویی سخت پیکارشان کنید یا (تا) اسلام آرند پس اگر فرمانبرداری کنید بدهد شما را خدا پاداش نیک و اگر پشت کنید بدانسان که پشت کردید از پیش عذاب کند شما را عذابی دردناک (۱۷) نیست بر کور پروائی و نه بر لنگ پروائی و نه بر بیمار پروائی و آنکه فرمانبرداری کند خدا و پیمبرش را در آردش بهشتهائی که روان است زیرا آنها جوی‌ها و آنکه پشت کند عذابش کند عذابی دردناک (۱۸) همانا خوشنود شد خدا از مؤمنان گاهی که پیمان بستند (بیعت کردند) با تو زیر آن درخت پس دانست آنچه در دلهای ایشان است پس فرود آورد آرامش را بر ایشان و پاداش داد بدیشان پیروزی نزدیک را (۱۹) برده‌هائی فراوان که به چنگ آرند آنها را و خداست عزّتمند حکیم (۲۰) وعده داد شما را خدا خواسته‌هائی (برده‌هائی) فراوان که به چنگ آرید آنها را پس شتافت برای شما در این و باز داشت دستهای مردم را از شما و تا باشد آیتی برای

مؤمنان و رهبری کند شما را به راهی راست (۲۱) و دیگری که توانا نبودید بر آن همانا خدا فراگرفت آن را و خدا است بر همه چیز توانا (۲۲) و اگر جنگ کنند با شما آنان که کفر ورزیدند هر آینه برگردانند پشتهای خویش را سپس نیابند دوست و نه یآوری را (۲۳) شیوه خدا که گذشت از پیش و هرگز نیایی برای شیوه خدا دگرگونی را (۲۴) و اوست آنکه باز داشت دستهای ایشان را از شما و دستهای شما را از ایشان در شکم مگه از پس آنکه پیروزی داد شما را بر ایشان و خدا است بدانچه کنید بینا (۲۵) آنانند که کفر ورزیدند و بازداشتند شما را از مسجد حرام و قربانی را بسته از آنکه به جایگاه خود رسد و اگر نبود مردان مومن و زنان مؤمنه که نشناخته پامال کنید پس برسد شما را از ایشان گنهی به نادانی تا درآرد خدا به رحمت خویش هر که را خواهد اگر جدا می شدند هر آینه عذاب می کردیم آنان را که کفر ورزیدند از ایشان عذابی دردناک (۲۶) گاهی که نهادند آنان که کفر ورزیدند در دل خویش خون گرمی (غیرت) را خون گرمی جاهلیت پس فرستاد خدا آرامش خویش را بر پیمبرش و بر مؤمنان و همراه ایشان داشت گفتار پرهیزکاری (کلمه تقوی) را و آنانند سزاوارتر بدان و اهل آن و خدا است به همه چیز دانا (۲۷) همانا راست آورد خدا به پیمبر خویش خواب را به درست (به حق) که درآئید در مسجد حرام اگر خدا خواهد آسودگان (ایمنان) تراشندگان سرهای خویش و کوتاه کنندگان (ناخن و موی) ناهراسندگان پس دانست آنچه را ندانستید پس گذارد نزدیک آن پیروزی نزدیک را (۲۸) او است آنکه فرستاد پیمبر خود را به رهبری و کیش حق تا چیره گرداندش بر کیشها همگی و بس است خدا گواهی (۲۹) محمد (صلی الله علیه و آله) فرستاده خدا است و آنان که با اویند سخت گیرانند بر کفار مهربانند به خویشان بینیشان رکوع گزاران و سجده کنان جویند فضلی از خدا و خوشنودی را نشانی (سیمای) ایشان در چهره های ایشان است از جای سجده این است مثل آنان در تورات و مثل آنان در انجیل چون کشتی است که برون دهد بوته های خود را پس استوارش کند تا سطر گردد و بر پایه های خویش ایستد شگفت آرد برزگران را تا به خشم آرد بدیشان کافران را نوید داد خدا آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند از ایشان آمرزشی و پاداشی بزرگ را (۳۰)

الحجرات

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای آنان که ایمان آوردید پیش نیفتید پیش روی خدا و پیمبرش و بترسید خدا را که خدا است شنونده دانا (۲) ای آنان که ایمان آوردید بلند نکنید آواز خویش را بالای آواز پیمبر و بلند با وی سخن نگوئید مانند بلند سخن گفتن برخی از شما با برخی نبادا تباه شود کارهای شما و شما درنیابید (۳) همانا آنان که فروکشند آوازه های خویش را نزد پیمبر خدا آنانند که بیازموده است خدا دلهای ایشان را برای پرهیزکاری ایشان را است آمرزشی و پاداشی بزرگ (۴) همانا آنان که خوانند از پس غرفه ها بیشترشان خردمند نباشند (۵) و اگر ایشان صبر می کردند تا برون آئی برایشان هر آینه بهتر بود آنان را و خدا است آمرزگار مهربان (۶) ای آنان که ایمان آوردید اگر بیاید شما را گنهکاری (فاسقی) به آگهی پس بازرسی کنید نبادا بکشید قومی را به نادانی پس بامداد کنید بر آنچه کردید پشیمانان (۷) و بدانید که در شما است پیمبر خدا اگر سخن شما را شنود (اطاعت شما کند) در بسی از کارها هر آینه به رنج افتید و لیکن خدا دوست (خوش آیند) کرد نزد شما ایمان را و بیاراستش در دلهای شما و ناخوش آیند کرد نزد شما کفر و نافرمانی و سرکشی را آنانند راه یافتگان (۸) فضلی است از خدا و نعمتی و خدا است دانا حکیم (۹) و اگر دو گروه از مؤمنان کارزار کردند پس آشتی افکنید میان آنان و اگر ستم کرد یکیشان بر دیگری پس نبرد کنید با آن که ستمگر است تا برگردد بسوی فرمان خدا و اگر باز گشت پس آشتی افکنید میان آنان به داد و دادگری کنید که خدا دوست دارد دادگران را (۱۰) جز این نیست که مؤمنان برادرند پس آشتی افکنید میان برادران خویش و بترسید خدا را شاید رحم شوید (۱۱) ای آنان که ایمان آوردید مسخره نکنند گروهی از گروهی شاید باشند بهتر از ایشان و نه زنانی از زنانی شاید باشند بهتر از ایشان و نکوهش نکنید خویشان را و سرزنش نکنید همدیگر را به لقبها بد نامی است سرکشی پس از ایمان و آنکه توبه نکرد

پس آنانند ستمگران (۱۲) ای آنان که ایمان آوردید دوری گزینید از بسی گمانها چه پاره‌ای از گمانها گناه است و کاوش در کار مردم نکنید و زشت نستایند پشت سر برخی از شما برخی آیا دوست دارد یکی از شما که خورد گوشت برادر خویش را مرده همانا ناخوش داشتیدش و بترسید خدا را که خدا است فزون توبه پذیرنده مهربان (۱۳) ای مردم همانا ما آفریدیمتان از نری و ماده و گردانیدیم شما را شاخه‌هائی و تیره‌هائی تا شناسا شوید همانا گرامیترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شما است همانا خدا است دانای آگاه (۱۴) گفتند دشت‌نشینان ایمان آوردیم بگو ایمان نیاوردید و لیکن گوئید اسلام آوردیم و هنوز درنیامد (درون نشد) ایمان به دل‌های شما و اگر فرمان برید خدا و پیمبرش را نکاهد شما را از کارهای شما چیزی همانا خدا است آمرزنده مهربان (۱۵) جز این نیست که مؤمنان آنانند که ایمان آوردند به خدا و پیمبرش و سپس شک نیاوردند و کوشیدند (جهاد کردند) به خواسته‌ها و جانهای خویش در راه خدا آنانند راستگویان (۱۶) بگو آیا می‌آموزید به خدا دین خویش را و خدا داند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خدا است به همه چیز دانا (۱۷) منت نهند بر تو که اسلام آوردند بگو منت نگذارید بر من اسلام خویش را بلکه خدا منت نهد بر شما که رهبریتان کرد بسوی ایمان اگر هستید راستگویان (۱۸) همانا خدا داند ناپیدای آسمانها و زمین را و خدا بینا است بدانچه می‌کنید (۱۹)

ق

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ق سو گند به قرآن گرامی (۲) بلکه شکفت ماندند که بیامدشان بیم‌دهنده‌ای از ایشان و گفتند کافران این است چیزی شکفت (۳) آیا گاهی که مُردیم و شدیم خاکی این است بازگشتی دور (۴) هر آینه دانستیم آنچه را می‌کاهد زمین از ایشان و نزد ما است کتابی نگهبان (۵) بلکه تکذیب کردند به حقّ گاهی که بیامدشان پس آنانند در کاری آشفته (۶) آیا ننگریستند بسوی آسمان بر فراز ایشان چگونه ساختیمش و آراستیمش و نیستش شکافهائی (۷) و زمین را گسترانیدیمش و افکندیم در آن لنگرهائی و رویانیدیم در آن از هر جفتی زیبا (۸) بینش و یادآوری برای هر بنده‌ای بازگشت‌کننده (۹) و فرستادیم (فرود آوردیم) از آسمان آبی خجسته را پس رویانیدیم بدان باغهای و دانه درویده (۱۰) و خرمانها را بلند اندام که آنها را است شکوفه‌ای به هم پیوسته (۱۱) روزی برای بندگان و زنده ساختیم بدان شهری مُرده را چنین است برون آمدن (۱۲) تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و یاران رس و ثمود (۱۳) و عاد و فرعون و برادران لوط (۱۴) یاران آیکه و قوم تُبع هر کدام تکذیب کردند پیمبران را پس فرود آمد (یا سزاوار شد) بیم دادن مرا (۱۵) آیا خسته شدیم به آفرینش نخستین بلکه ایشانند در پرده (یا اشتباهی) از آفرینش نوین (۱۶) و همانا آفریدیم انسان را و دانیم آنچه را می‌خلد در دلش و ما نزدیک‌تریم بدو از بند ورید (رگ گردن) (۱۷) هنگامی که دریابند آن دو دریابندگان از راست و از چپ نشسته‌ای (۱۸) به لب نراند سخنی را جز آنکه نزد او است نگهبانی آماده (۱۹) و آمد بیهشی مرگ به حقّ این است آنچه بودی از آن گریزان (۲۰) و دمیده شد در صور این است روز بیم (۲۱) و آمد هر کسی با او راننده‌ای و گواهی (۲۲) همانا بودی در غفلتی از این پس برداشتیم از تو پرده‌ات را پس دیده تو امروز است تیز (۲۳) و گفت همنشین این است آنچه نزد من است آماده (۲۴) بیفکنید در دوزخ هر ناسپاس کین‌ورزی (۲۵) فراوان بازدارنده از خوبی تجاوزگری شک آور (۲۶) که قرار داد با خدا خدائی دیگر را پس بیفکنیدش در شکنجه سخت (۲۷) گفت همنشین او پروردگارا من به سرکشیش و انداشتم لیکن بود او در گمراهی دور (۲۸) گفت نستیزید نزد من حالی که پیش فرستادم بسوی شما بیم دادن را (۲۹) دگرگون نگرده سخن نزد من و نیستم ستم‌کننده به بندگان (۳۰) روزی که گوئیم به دوزخ آیا پر شدی و گوید آیا هست بیشی (۳۱) و جایگاه شد بهشت برای پرهیزکاران نه دور (۳۲) این است آنچه وعده داده شوید برای هر بازگشت‌کننده نگهدارنده (۳۳) آنکه بترسد خدای مهربان را به نهان و بیاید با دلی بازگشت‌کننده (۳۴) در آئید در آن به سلامی این است روز جاودانی (۳۵) آنان را است هر چه خواهند در آن و نزد ما است فزونی (۳۶) و بسا نابود ساختیم پیش از ایشان قرنی که بودند سخت‌تر

از ایشان در نیرو پس کاویدند در شهرها آیا هست گریزگاهی (۳۷) همانا در این است یادآوری برای هر که وی را دلی است یا گوش فرا دهد حالی که او است گواه (۳۸) و همانا آفریدیم آسمانها و زمین و آنچه را میان آنها است در شش روز و نرسید ما را خستگی (۳۹) پس شکبیا شو بر آنچه گویند و تسبیح گوی به سپاس پروردگار خویش پیش از برآمدن خورشید و پیش از فرورفتن (۴۰) و از شب پس تسبیح گوی او را و از پس سجدهها (۴۱) و گوش فرا دار به روزی که بانگ دهد بانگ دهنده از جایگاهی نزدیک (۴۲) روزی که شنوند خروش را به حق آن است روز برون آمدن (۴۳) همانا ما زنده کنیم و بمیرانیم و بسوی ما است بازگشت (۴۴) روزی که بشکافد زمین از ایشان شتابندگان آن است برانگیختنی بر ما آسان (۴۵) ما داناییم بدانچه گویند و نیستی تو بر ایشان فرمانده پس یاد آور به قرآن آن را که بترسد از بیم دادن من (۴۶)

الذاریات

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سوگند بپاشندگان پاشیدنی (۲) پس بردارندگان به سنگینی (۳) پس روندگان به آسانی (۴) پس بخش کنندگان کار (۵) که آنچه وعده داده شوید همانا راست است (۶) و هر آینه دین است واقع (۷) سوگند به آسمان تو در تو (۸) شمائید همانا در گفتاری گوناگون (۹) به دروغ رانده شود از آن آن که به دروغ رانده شود (۱۰) کشته شود دروغ پردازان (۱۱) آنان که ایشانند در گردابی (یا فرو رفتگی) فراموش کنان (۱۲) پرسند چه هنگام است روز دین (۱۳) روزی که ایشان بر آتش آزموده شوند (۱۴) بجشید آزمایش خود را این است آنچه بودید بدان می شتافتید (۱۵) همانا پرهیزکارانند در باغهای و چشمه های (۱۶) گیرندگان آنچه را دهدشان پروردگارشان همانا ایشان بودند پیش از این نکوکاران (۱۷) بودند کمی از شب را می خوابیدند (۱۸) و در سحرها ایشان آمرزش می خواستند (۱۹) و در مالهای ایشان بهره ای برای دریوزه و بینوا بود (۲۰) و در زمین است آیتهایی برای یقین دارندگان (۲۱) و در جانهای شما آیا نمی نگرید (۲۲) و در آسمان است روزی شما و آنچه وعده داده شوید (۲۳) پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که همانا آن است حق مانند آنچه شما سخن گوئید (۲۴) آیا رسیدت داستان مهمانان ابراهیم آن گرامیان (۲۵) هنگامی که بر او درآمدند پس گفتند سلامی پس گفت سلامی گروهی ناشناختگان (۲۶) پس خزید بسوی خاندان خویش و بیاورد گوساله فربه (۲۷) پس نزدیکش ساخت بدانان و گفت چرا نخورید (۲۸) پس به دل برداشت از ایشان هراسی گفتند نترس و مژده دادندش به پسری دانشمند (۲۹) پس روی آورد زنش با فریاد پس سلی نواخت به چهره خویش و گفت پیرزنی نازا (۳۰) گفتند چنین است گفتار پروردگارت که او است همانا حکیمی دانا (۳۱) گفت پس چیست کار شما ای فرستادگان (۳۲) گفتند همانا فرستاده شدیم بسوی گروهی گنهکاران (۳۳) تا بفرستیم بر ایشان سنگی از گِل (۳۴) نشان زده نزد پروردگار تو برای فزونی خواهان (۳۵) پس برون آوردیم هر که را در آن بود از مؤمنان (۳۶) پس نیافتیم در آن جز خانه ای از اسلام آرندگان (۳۷) و بجا گذاشتیم در آن نشانه ای برای آنان که ترسند از عذاب دردناک (۳۸) و در موسی گاهی که فرستادیمش بسوی فرعون با فرمانروائی آشکار (۳۹) پس برتافت روی (یا پشت) خود را و گفت جادوگری است یا دیوانه (۴۰) پس گرفتیم او و لشکرهايش را پس بیفکنندیشان به دریا و او بود نکوهیده (۴۱) و در عاد هنگامی که فرستادیم بر ایشان باد را نازا (۴۲) نمی گذارد چیزی را که می گذشت بر آن جز می گردانیدش مانند خاکی پوسیده (۴۳) و در ثمود گاهی که گفته شد بدیشان بهره مند باشید تا هنگامی (۴۴) پس سرکشیدند از فرمان پروردگار خویش پس بگرفتشان صاعقه و بودند نگرانان (۴۵) پس نیارستند ایستادن را و نبودند یاری جویان (۴۶) و قوم نوح را از پیش که بودند ایشان قومی نافرمانان (۴۷) و آسمان را بنیاد نهادیم به نیروی و همانا مائیم فراخی دهندگان (۴۸) و زمین را گسترانیدیم پس چه خوبند گسترانندگان (۴۹) و از هر چیزی آفریدیم دو جفت شاید یادآور شوید (۵۰) پس بگریزد بسوی خدا که منم برای شما از او ترساننده آشکار (۵۱) و قرار ندهید با خدا خدائی دیگر همانا منم برای شما از او ترساننده آشکار (۵۲) بدینسان نیامد آنان را که پیش از ایشان بودند فرستاده ای جز آنکه گفتند جادوگری است یا

دیوانه (۵۳) آیا اندرز دادند یکدیگر را بدان بلکه ایشانند گروهی گردنکشان (۵۴) پس روی برتاب از ایشان که نیستی تو نکوهیده (۵۵) و یادآوری کن که یادآوری سود دهد به مؤمنان (۵۶) و نه آفریدم پری و آدمی را مگر تا پرستش کنند (۵۷) نخواهم از آنان روزی و نخواهم که مرا خوراندند (۵۸) همانا خدا است روزی دهنده توانای نیرومند (۵۹) هرآینه آنان را که ستم کردند بهره‌ای است مانند بهره یارانشان پس شتاب نجویند از من (۶۰) پس وای از برای آنان که کفر ورزیدند از روز ایشان که وعده داده شوند (۶۱)

الطور

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سوگند به طور (۲) و نامه نوشته (۳) در پوستی گسترده (۴) و خانه آبادان (۵) و پوش افراشته (۶) و دریای آکنده (۷) همانا عذاب پروردگار تو است فرودآینده (۸) نیستش دورکننده (۹) روزی که خزد آسمان خزیدنی (۱۰) و روان شوند کوه‌ها روان شدنی (۱۱) پس وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان (۱۲) آنان که در سرگرمی بازی کنند (۱۳) روزی که رانده شوند بسوی آتش دوزخ راندنی (۱۴) این است آن آتش که بودید بدان تکذیب می‌کردید (۱۵) پس آیا جادوئی است این یا شما نمی‌بینید (۱۶) بچشیدش که شکبیا شوید یا ناشکیبا یکسان است بر شما جز این نیست که پاداش داده می‌شوید آنچه را بودید می‌کردید (۱۷) همانا پرهیزکارانند در باغها و نعمتها (۱۸) برخوردارند از آنچه دادشان پروردگارشان و بازداشت ایشان را پروردگارشان از عذاب دوزخ (۱۹) بخورید و بیاشامید گوارا بدانچه بودید می‌کردید (۲۰) تکیه کنند بر تختهایی به صف آورده و همسر گردانیدیشان با حورعین (سفید پوستان چشم درشت) (۲۱) و آنان که ایمان آوردند و پیروی کردند ایشان را فرزندانشان به ایمان پیوستیم بدیشان فرزندانشان را و نکاستیمشان از کردارشان چیزی هر مردی است بدانچه فراهم آورده است گروگان (۲۲) و کمک کردیمشان به میوه و گوشتی از آنچه هوس کنند (۲۳) برابند از همدیگر جامی را (یا بستیزند با هم در جامی) که نه هرزه است در آن و نه گناه‌آوری (۲۴) و گردش کنند بر ایشان پسرانی گوئیا آنانند مرواریدی پوشیده (۲۵) و روی آورد برخی از ایشان به برخی پرسش کنان (۲۶) گفتند همانا ما بودیم پیش از این در خاندان خویش هراسان (۲۷) پس منت نهاد خدا بر ما و نگهداشت ما را از عذاب نفوذکننده (۲۸) که ما بودیم از پیش می‌خواندیمش همانا او است نکوکار مهربان (۲۹) پس یادآوری کن که نیستی تو قسم به نعمت پروردگارت پیش گوئی و نه دیوانه (۳۰) یا گویند شاعری است که چشم به راهیم بدو گردش روزگار را (یا پیش آمدهای مرگ) (۳۱) بگو چشم به راه باشید که منم با شما از چشم به راهان (۳۲) یا دستورشان دهد خردهاشان بدین بلکه ایشانند گروهی گردنکش (۳۳) یا گویند پرداختش (پرداخت این سخن را) بلکه ایمان نیارند (۳۴) پس بیارند داستانی همانندش اگر هستند راستگویان (۳۵) یا آفریده شدند بی چیزی یا ایشانند آفرینندگان (۳۶) یا آفریدند آسمانها و زمین را بلکه ایشان یقین ندارند (۳۷) یا نزد ایشان است گنجهای پروردگار تو یا ایشانند فرمانفرمایان (فرمانروایان) (۳۸) یا آنان را است نردبانی که بشنوند بر آن پس بیارد شنونده ایشان به فرمانروائی آشکار (۳۹) یا او را است دختران و شما را است پسران (۴۰) یا پرسیشان پاداشی پس ایشانند از هزینه سنگین باران (۴۱) یا نزد ایشان است ناپیدا پس ایشان می‌نویسند (۴۲) یا خواهند نیرنگی را پس آنان که کفر ورزیدند ایشانند فریب‌دادگان (۴۳) یا ایشان را است خدائی بجز خدا منزّه است خدا از آنچه شرک می‌ورزند (۴۴) و اگر بینند پاره‌ای را از آسمان فرودآینده گویند ابری است انبوه (۴۵) پس بگذارشان تا برسند به روزشان که در آن به صاعقه سوزند (۴۶) روزی که بی‌نیاز نگرداند از ایشان نیرنگشان چیزی را و نه یاری شوند (۴۷) و همانا آنان را که ستم کردند عذابی است نارسیده بدان (نزدیک بدان) و لیکن بیشترشان نمی‌دانند (۴۸) و شکبیا شو برای فرمان پروردگار خویش که توئی پیش چشم ما و تسبیح گوی به سپاس پروردگارت گاهی که برخیزی (۴۹) و از شب پس تسبیح گویش و پشت سر ستارگان (۵۰)

النجم

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به ستاره گاهی که فرود آید (۲) نه گمراه شد یار شما و نه گم گشت (۳) و نه سخن گوید از روی هوس (۴) نیست آن جز سروشی که وحی شود (۵) بیاموختش کسی که سخت نیروها است (۶) نیرومندی پس استوار شد (۷) و او است بر افق فراتر (۸) سپس نزدیک شد پس فرود آمد (۹) تا شد اندازه پهنای دو کمان یا نزدیکتر (۱۰) پس وحی فرستاد بسوی بنده خویش آنچه وحی فرستاد (۱۱) دروغ نگفت دل آنچه را دید (۱۲) آیا ستیزه کنید با او بر آنچه می بیند (۱۳) و هر آینه دید او را باری دیگر (۱۴) نزد درخت سدره المنتهی (۱۵) که نزد آن است بهشت جایگاه (۱۶) گاهی که پوشانید سدره را آنچه پوشانید (۱۷) نلغزید دیده و نه سرکشی کرد (۱۸) همانا دید از آیتهای پروردگار خویش بزرگتر را (۱۹) آیا دیدید شمالات و عزّی (۲۰) و منوّه سیمین دیگر را (۲۱) آیا شما را است نرینه و او را است مادینه (۲۲) این است آن هنگام بخش کردنی ناهنجار (۲۳) نیست آن مگر نامهایی که نامیدید آنها را شما و پدران شما نفرستاده است خدا بدانها فرمانروایی پیروی نکنند جز گمان را و آنچه هوس کند دلها و هر آینه بیامدشان از پروردگارشان راهنما (۲۴) یا انسان را است آنچه آرزو کند (۲۵) پس خدا را است انجام و آغاز (۲۶) و بسا فرشتگانی در آسمانها که بی نیاز نگرداند شفاعتشان چیزی را مگر پس از آنکه دستور دهد خدا به هر که خواهد و خوشنود شود (۲۷) همانا آنان که ایمان نیارند به آخرت نامند فرشتگان را به نام (نامیدن) ماده (۲۸) نیستشان بدان دانشی پیروی نکنند جز گمان را و همانا گمان بی نیاز نگرداند از حقّ چیزی را (۲۹) پس روی برتاب از آنکه روی گردانید از یاد ما و نخواست جز زندگانی دنیا (۳۰) این است اندازه رسیدنشان به دانش همانا پروردگار تو داناتر است بدانکه گم شود از راهش و او است داناتر بدانکه راه یافت (۳۱) و خدا را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا پاداش دهد آنان را که بد کردند بدانچه کردند و پاداش دهد آنان را که نکو کردند به نکوئی (۳۲) آنان که دوری گزینند گناهان بزرگ را و ناشایسته ها را (پرده دری ها را) جز اندیشه گناه (یا گناه خرد) همانا پروردگار تو پهناور است آمرزش او و او داناتر است به شما گاهی که پدید آورد شما را از زمین و گاهی که شما نهان بودید در شکمهای مادران خویش پس خویشتن را نستائید (پاک نشمرید) او است داناتر بدانکه پرهیز کرد (۳۳) آیا دیدی آن را که روی برتافت (۳۴) و بخشید اندکی و خودداری کرد (۳۵) آیا نزد او است علم ناپیدا پس او می بیند (۳۶) یا آگهی داده نشد بدانچه در نامه های موسی است (۳۷) و ابراهیم که وفا کردار است (۳۸) که بر ندارد هیچ گنهباری بار دگری را (۳۹) و آنکه نیست انسان را جز آنچه بکوشد (یا بدود) (۴۰) و آنکه کوشش او زود است دیده شود (۴۱) پس پاداش داده شودش پاداش رساتر (۴۲) و آنکه بسوی پروردگار تو است پایان (۴۳) و آنکه او است که بخندانید و بگریانید (۴۴) و آنکه او است که میرانید و زنده ساخت (۴۵) و آنکه او آفرید دو جفت را نر و ماده (۴۶) از چگّه آبی گاهی که ریخته گردد (۴۷) و آنکه بر او است پدید آوردن دیگر (۴۸) و آنکه او بی نیاز کرد و نگاه داشت (۴۹) و آنکه او است پروردگار شعری (ستاره است) (۵۰) و آنکه او نابود ساخت عاد نخستین را (۵۱) و ثمود را بجای نگذارد (۵۲) و قوم نوح را از پیش که ایشان بودند ستمگرتر و سرکش تر (۵۳) و باژگون شدگان را فرود آورد (۵۴) پس پوشانیدش آنچه پوشانید (۵۵) پس به کدام نعمتهای پروردگار خویش می ستیزی (۵۶) این است بیم دهنده از بیم دهندگان پیشین (۵۷) نزدیک گشت نزدیک شونده (۵۸) نیستش جز خدا گشاینده (۵۹) آیا از این داستان شگفت مانید (۶۰) و خندید و نگریید (۶۱) و شما نیکوکاران (۶۲) پس سجده کنید برای خدا و ستایش کنید (۶۳)

القمر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) نزدیک شد ساعت و بشکافت ماه (۲) و اگر بینند آیتی روی برتابند و گویند جادویی است گذران (یا نیرومند) (۳) و تکذیب کردند و پیروی کردند هوسهای خویش را و هر کاری است پایدار (جایگزین) (۴) و هر آینه بیامدشان از

داستانها آنچه در آن است بازداشتی (۵) حکمتی است رسا پس بی نیاز نکنند ترسانندگان (۶) پس روی برتاب از ایشان روزی که خواند خواننده به چیزی ناپسند (۷) سرافکنده است دیدگان نشان برون آیند از گورها گوئیا آنانند ملخهای پراکنده (۸) شتابندگان بسوی خواننده گویند کافران امروز است روزی سخت (۹) تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح پس تکذیب کردند بنده ما را و گفتند دیوانه است و آزرده شد (۱۰) پس خواند پروردگار خویش را که منم شکست خورده پس یاری کن (۱۱) پس گشودیم درهای آسمان را به آبی ریزنده (۱۲) و بشکافتیم زمین را چشمه هائی پس به هم پیوستند آبها بر کاری مقدّر شده (۱۳) و سوارش کردیم بر دارنده تخته ها و میخهائی (۱۴) روان می شد پیش چشم ما پاداشی برای آنکه کفران شد (۱۵) و همانا گذاردیم آن را آیتی پس آیا هست یادآورنده (۱۶) پس چگونه بود عذابم و ترسانیدم (۱۷) و همانا آسان ساختیم قرآن را برای یاد آوردن پس آیا هست یادآورنده (۱۸) تکذیب کردند عاد پس چگونه بود عذاب من و ترسانیدم (۱۹) همانا فرستادیم بر ایشان تندبادی در روزی شوم پیوسته (۲۰) برمی انداخت مردم را گوئیا آنانند بنهای نخلهای کنده شده (۲۱) پس چگونه بود عذاب من و ترسانیدم (۲۲) و همانا هموار ساختیم قرآن را برای یاد آوردن پس آیا هست یادآورنده (۲۳) دروغ پنداشتند ثمود ترسانندگان مرا (۲۴) پس گفتند آیا بشری را از خویش که یکتا است پیروی کنیمش همانا مائیم آن هنگام در گمراهی و آتشی (۲۵) آیا افکنده شد بر او ذکر از میان ما بلکه او است دروغ پردازی برتری جوی (۲۶) زود است بدانند فردا کیست دروغ پرداز برتری جوی (۲۷) ما فرستنده ایم اشر ماده را آزمایشی برای ایشان پس بنگر ایشان را و شکبیا شو (۲۸) و آگهی شان ده که آب بخش است میان ایشان هر آبشخوری است حاضر شده (۲۹) پس خواندند یار خویش را پس بیامد پس پی کرد (۳۰) پس چگونه بود عذاب من و ترسانندگان من (۳۱) همانا فرستادیم بر ایشان خروشی را تا شدند مانند برگ خشکیده کوخ سازنده (۳۲) و همانا آسان ساختیم قرآن را برای یاد آوردن پس آیا هست یادآورنده (۳۳) تکذیب کردند قوم لوط ترسانندگان را (۳۴) همانا فرستادیم بر ایشان سنگریزه جز خاندان لوط که رهائیشان دادیم به سحر (۳۵) نعمتی از نزد ما بدینسان پاداش دهیم آن را که سپاسگزارد (۳۶) و هر آینه ترسانید ایشان را از خشم ما پس ستیزه کردند با بیم دهندگان (۳۷) و همانا کام خواستندش از میهمانانش پس پوشیدیم دیدگان ایشان را پس بچشید عذاب من و ترسانندگان مرا (۳۸) و همانا بامداد کرد بر ایشان بگاه عذابی جایگزین (۳۹) پس بچشید عذاب من و ترسانندگان مرا (۴۰) و همانا آماده ساختیم قرآن را برای یاد آوردن پس آیا هست یادآورنده (۴۱) و همانا بیامدند خاندان فرعون را ترسانندگان (۴۲) پس تکذیب کردند به آیت های ما همگی آنها پس گرفتیمشان گرفتن مهتری نیرومند (۴۳) آیا کافران شما بهترند از اینان یا شما را است بیزاری در کتب (۴۴) یا گویند مائیم همگی یاری شدگان (۴۵) زود است شکست خورند گروه و باز گردانند پشتها را (۴۶) بلکه ساعت است وعده گاه ایشان و ساعت است هراسناک تر و تلخ تر (۴۷) همانا گنه کارانند در گمراهی و آتشی سوزان (۴۸) روزی که کشیده شوند در آتش بر روی های خویش بچشید سودن دوزخ (۴۹) همانا ما همه چیز را آفریدیم به اندازه ای (۵۰) و نیست کار ما جز یکی مانند دیدنی به چشم (بهم زدن چشم) (۵۱) و هر آینه نابود ساختیم پیروان شما را پس آیا هست یادآورنده ای (۵۲) و هر چیزی که کردند در کتابها است (۵۳) و هر کوچکی و بزرگی است نوشته (۵۴) همانا پرهیزکارانند در باغها و چشمه هائی (۵۵) در نشیمنی راست نزد پادشاهی نیرومند (۵۶)

الرحمن

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) خدای مهربان (۲) بیاموخت قرآن (۳) بیافرید انسان (۴) بیاموختش بیان (۵) مهر و ماه به شمارند (۶) و ستاره و درخت سجده کنند (۷) و آسمان را برافراشت و بنهاد ترازو را (۸) که سرکشی نکنید در سنجش (۹) و بپای دارید سنجش را به داد و نكاهید سنجش را (۱۰) و زمین را بنهادش برای جهانیان (۱۱) در آن است میوه و خرما بن دارنده شکوفه ها (۱۲) و دانه دارنده برگ و روزی (۱۳) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می کنید (۱۴) آفرید انسان را از گل خشکی

مانند سفال پخته (۱۵) و آفرید پری را از آمیخته‌ای از آتش (۱۶) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۱۷) پروردگار خاوران و پروردگار باختران (۱۸) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۱۹) آمیخت دو دریا را به هم رساند (۲۰) که میان آنها است فاصله (دیواری) تا ستم نکنند (۲۱) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۲۲) برون آید از آنها مروارید و مرجان (۲۳) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۲۴) و او را است روندهائی برافراشته در دریا مانند کوه‌ها (۲۵) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۲۶) هر کس بر آن است نابود شود (۲۷) و به جای ماند روی پروردگار تو دارای مهتری و بزرگواری (۲۸) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۲۹) پرسندش آنان که در آسمانها و زمینند هر روزی او است در کاری (۳۰) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۳۱) زود است پردازیم به شما ای سنگینان (ای دو گرانبایگان) (۳۲) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۳۳) ای گروه جنّ و انس اگر توانستید درون روید از اطراف آسمانها در زمین (یا برون روید) پس بروید نمی‌روید مگر به فرمانروائی (۳۴) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۳۵) ریخته شود بر شما شراره (یا گداخته یا آمیخته) از آتش و مس پس یاری نشوید (۳۶) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۳۷) تا گاهی که بشکافد آسمان پس گردد گلی رنگ چون روغن روان (۳۸) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۳۹) پس آن روز پرسش نشود از گناهش آدمی و نه پری (۴۰) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۴۱) شناخته شوند گنهکاران به نشانشان (به چهره‌شان) پس گرفته شوند پیشانی‌ها و قدمها (۴۲) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۴۳) این است دوزخی که تکذیب می‌کردند بدان گنهکاران (۴۴) گردش کنند میان آن و میان آب جوشانی گرم (۴۵) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۴۶) و آن را که بترسد جایگاه پروردگار خویش را در بهشت است (۴۷) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۴۸) دارندگان شاخسارها (۴۹) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۵۰) در آنها است دو چشمه روان (۵۱) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۵۲) در آنها است از هر میوه دو جفت (۵۳) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۵۴) تکیه کنندگان بر جامه‌های خواب که آسترهای (یا لبه‌های) آنها است از استبرق و میوه دو بهشت است نزدیک (۵۵) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۵۶) در آنها است کوه‌چشمانی که نیامیخته است با آنان آدمی پیش از ایشان و نه پری (۵۷) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۵۸) گوئیا آنانند یاقوت و مرجان (۵۹) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۶۰) آیا هست پاداش نکوکاری جز نکوکاری (۶۱) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۶۲) و نزدیک آنها است دو بهشت (۶۳) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۶۴) دو بهشت سبز سیاه‌فام (۶۵) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۶۶) در آنها است دو چشمه جوشان (۶۷) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۶۸) در آنها است میوه و خرما بنی و اناری (۶۹) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۷۰) در آنها است نکو زنانی زیبايان (۷۱) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۷۲) سفیدپوستانی بازداشته در سراپرده‌ها (۷۳) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۷۴) نیامیخته است با آنان آدمی پیش از ایشان و نه پری (۷۵) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۷۶) تکیه کنندگان بر بالشهای سبز و زر تارهایی نکو (یا زیبا) (۷۷) پس آیا به کدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب می‌کنید (۷۸) فرخنده باد نام

پروردگار تو خداوند شکوه و احترام (۷۹)

الواقعه

بنام خداوند بخشاينده مهربان (۱) گاهی که فرود آید فرود آينده (۲) نيست فرود آمدنش را دروغی (۳) فرود آورنده و بالا برنده (۴) گاهی که بلرزد زمين لرزيدنی (۵) و رانده شوند کوهها راندنی (۶) پس گردند گردی پراکنده (۷) و شويد گروههایی سه گانه (۸) پس ياران راست چيست ياران راست (۹) و ياران چپ چيست ياران چپ (۱۰) و پيش آهنگان (پيشی گیرندگان) آن پيش آهنگان (۱۱) آنانند نزديک گشتگان (۱۲) در بهشتهاي نعمتها (۱۳) پاره ای از پيشينيان (۱۴) و اندکی از آيندگان (۱۵) بر تختهاي بافته (۱۶) تکیه کنندگان بر آنها روی به روی (۱۷) بگردند بر ايشان پسرانی جاودانان (۱۸) با جامها و صراحی ها و جامی از باده نمایان (۱۹) نه درد سر گیرند از آن و نه از خرد افتند (۲۰) و میوه ای از آنچه برگزینند (۲۱) و گوشت مرغی از آنچه هوس کنند (۲۲) و زنان سفیداندام فراخ چشمان (۲۳) مانند گان مرواريد پوشيده (۲۴) پاداشی بدانچه بودند می کردند (۲۵) نشوند در آن بيهوده و نه گناه بستن را (۲۶) جز گفتار سلامی سلامی (۲۷) و ياران راست چه ياران راستی (۲۸) زير درخت سدری بی خار (۲۹) و موزی به هم پیچيده (۳۰) و سایه ای کشيده (۳۱) و آبی ريزان (۳۲) و میوه ای فراوان (۳۳) نابريده و نه بازداشته (۳۴) و زنانی افزاشته (بلندبالا) (۳۵) همانا پديد آورديمشان پديد آوردنی (۳۶) پس گردانيديمشان شوی ناديد گانی (۳۷) شوهر دوستانی همسالان (۳۸) برای ياران راست (۳۹) گروهی از پيشينيان (۴۰) و گروهی از بازماندگان (۴۱) و ياران چپ چه ياران چپ (۴۲) در آتش سوراخ کننده و آبی جوشان (۴۳) و سایه ای از دود سیاه (۴۴) نه خنک و نه گرمی (۴۵) همانا ايشان بودند پيش از اين هوسرانان (۴۶) و بودند اصرار می ورزيدند بر گناه (یا پيمان شکنی) بزرگ (۴۷) و بودند می گفتند آیا گاهی که مُردیم و شدیم خاکی و استخوانهاي آيا مائيم برانگيختگان (۴۸) آيا و پدران ما پيشينيان (۴۹) بگو همانا پيشينيان و پسینيان (۵۰) گرد آورده شوند بسوی وعده گاه روزی دانسته (۵۱) سپس شما ای گمراهان تکذيب کنندگان (۵۲) همانا خورنده ايد از درختی از زقوم (۵۳) پس آکنده ايد از آن شکمها را (۵۴) پس آشامنده ايد بر آن از آب جوشان (۵۵) پس نوشنده ايد نوشيدن اشتران تشنگی زده (۵۶) اين است پيشکش ايشان روز دين (۵۷) ما آفريديمتان پس چرا تصديق نمی کنيد (۵۸) آيا ديديد آنچه را می ريزيد (آب منی) (۵۹) آيا شما می آفريدش يا مائيم آفرينندگان (۶۰) ما نهاديم میان شما مرگ را و نيستيم پيشی گرفته شدگان (۶۱) و آنکه تبديل کنيم مانند گان شما را و پديد آوريمتان در آنچه نمی دانيد (۶۲) و همانا دانستيد پيدایش نخستين را پس چرا ياد آور نشويد (۶۳) آيا ديديد آنچه را می کاريد (۶۴) آيا شما کشتش کنيد يا مائيم کشت آوران (۶۵) اگر خواهيم گردانيمش خشک پس بمانيد زمزمه کنان (۶۶) که مائيم زيانکاران (۶۷) بلکه مائيم ناکامان (۶۸) آيا ديديد آبی را که نوشيد (۶۹) آيا شما فرودش آورديد از ابر يا مائيم فرود آورندگان (۷۰) اگر می خواستيم می گردانيديمش تلخکام پس چرا سپاس نگزاريد (۷۱) آيا ديديد آتشی را که افروزيد (۷۲) آيا شما پديد آورديد درختش را يا مائيم پديد آورندگان (۷۳) ما گردانيديمش يادآوری و بهره ای برای نیازمندان (۷۴) پس تسبیح گوی به نام پروردگار بزرگ خویش (۷۵) پس سوگند نخورم به فرودگاه های ستارگان (۷۶) و همانا آن است سوگندی اگر بدانيد گران (۷۷) همانا آن است قرآنی گرمی (۷۸) در نامه ای پوشيده (۷۹) دست بدان نسایند جز پاک شدگان (۸۰) فرستادنی از پروردگار جهانيان (۸۱) پس آيا بدین داستان شمائيد چاپلوسان (۸۲) و قرار دهيد روزی خود را که تکذيب کنيد (۸۳) پس چرا گاهی که رسد به گلوگاه (۸۴) و شمائيد آن هنگام نگرانان (۸۵) و مائيم نزديکتر بدو از شما و ليکن نبينيد (۸۶) پس چرا اگر هستيد شما ناکيفرشدگان (۸۷) بازش گردانيد اگر هستيد راستگويان (۸۸) پس اگر بود از مقربان (۸۹) پس آرامشی و روزی و بهشت نعمت (۹۰) و اما اگر بود از ياران راست (۹۱) پس سلامی تو را از ياران راست (۹۲) و اما اگر بود از تکذيب کنندگان گمراهان (۹۳) پس پيشکشی از آب جوشان (۹۴) و چشيدن دوزخ (۹۵) همانا اين است حق يقين (۹۶) پس تسبیح گوی به نام پروردگار بزرگ خویش (۹۷)

الحديد

بنام خداوند بخشاينده مهربان (۱) تسبیح گوید برای خدا آنچه در آسمانها و زمین است و او است عزّتمند حکیم (۲) وی را است پادشاهی آسمانها و زمین زنده کند و بمیراند و او است بر همه چیز توانا (۳) او است آغاز و انجام و پیدا و نهان و او است به همه چیز دانا (۴) او است آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش روز سپس استوار شد بر عرش داند آنچه را فرو رود در زمین و آنچه برون آید از آن و آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و او با شما است هر جا باشید و خدا است بدانچه می کنید بینا (۵) او را است پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها (۶) فروبرد شب را در روز و فروبرد روز را در شب و او دانا است بدانچه در سینه ها است (۷) ایمان آرید به خدا و پیمبرش و ببخشید از آنچه گردانید شما را جانشینان در آن پس آنان که ایمان آوردند از شما و بخشایش کردند ایشان را است مُزدی بزرگ (۸) و چه شود شما را ایمان نیارید به خدا و پیمبر همی خواندتان تا ایمان آرید به پروردگار خویش و همانا بگرفت پیمان شما را اگر هستید مؤمنان (۹) او است آنکه فرستد بر بنده خویش آیت های روشن را تا برون آرد شما را از تاریکی ها بسوی روشنائی و همانا خدا است به شما نوازنده مهربان (۱۰) و چه شود شما را انفاق نکنید در راه خدا و خدا را است میراث آسمانها و زمین یکسان نیستند از شما است آنان که انفاق کردند پیش از پیروزی و کارزار کردند آنان بزرگتر در پایه از آنان که انفاق کردند پس از این و کارزار کردند و هر کدام را نوید داده است خدا نکوئی را و خدا است بدانچه می کنید آگاه (۱۱) کیست آنکه وامی دهد خدا را وام نکو سپس چند برابر کند برایش و او را است پاداشی گرامی (۱۲) روزی که بینی مردان و زنان مؤمن را می دود نورشان پیش روی ایشان و از سوی راست ایشان مژده باد شما را امروز باغهایی که روان است زیر آنها جوی ها جاودانان در آنها این است آن رستگاری بزرگ (۱۳) روزی که گویند مردان و زنان دوروی بدانان که ایمان آوردند بنگرید به ما تا بهره مند شویم به پرتوی از نور شما گفته شد باز گردید پشت سر خویش پس بجوئید پرتوی پس زده شد میانشان حصاری (دیواری) که آن را است در اندرونش رحمت و برونش از پیش آن است عذاب (۱۴) بانگ دهندشان آیا نبودیم با شما گفتند بلی و لیکن شما فریب دادید خویش را و درنگ کاری نمودید و شک آوردید و سرگرمتان داشت آرزوها تا بیامد امر خدا و فریب داد شما را به خدا فریبکار (۱۵) پس امروز گرفته نشود از شما بدلی و نه از آنان که کفر ورزیدند جایگاه شما آتش است آن است دوست شما و چه زشت است آن جایگاه (۱۶) آیا هنگام آن نشده است برای آنان که ایمان آوردند که فروتن گردد دلهاشان برای یاد خدا و آنچه بیامد از حقّ و نباشند مانند آنان که داده شدند کتاب را از پیش پس دراز شد بر ایشان روزگار پس سنگین شد دل های آنان و بسیاری از ایشانند نافرمانان (۱۷) بدانید که خدا زنده سازد زمین را پس از مرگش همانا بیان کردیم برای شما آیتها را شاید بخرد آئید (۱۸) همانا مردان تصدّق کننده و آنان تصدّق کننده و وام دهندگان به خدا وامی نکو افزوده شود برای ایشان و ایشان را است پاداشی ارجمند (۱۹) و آنان که ایمان آوردند به خدا و فرستادگانش آنانند راستگویان و گواهان نزد پروردگار خویش ایشان را است مزد ایشان و نورشان و آنان که کفر ورزیدند و تکذیب کردند به آیت های ما آنانند یاران دوزخ (۲۰) بدانید که زندگانی دنیا بازی و هوسرانی و خودآرائی و فخر کردن است بر همدیگر و بیشی جستن است در خواسته ها و فرزندان مانند بارانی که شگفت آورد کافران را رستنی آن پس خشک شود تا بینیش زردفام سپس کوبیده شود و در آخرت عذابی است سخت و آمرزشی از خدا و خوشنودیی و نیست زندگانی دنیا جز مایه فریب (۲۱) پیشی جوئید بر همدیگر بسوی آمرزشی از پروردگار خویش و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است آماده شد برای آنان که ایمان آوردند به خدا و فرستادگانش این است فضل خدا دهدش به هر که خواهد و خدا است دارای فضلی بزرگی (۲۲) نرسد مصیبتی در زمین و نه در خود شما جز در کتابی است پیش از آنکه آفریمش همانا آن است بر خدا آسان (۲۳) تا دریغ نخورید (اندوهگین نشوید) بر آنچه از شما رود و نه شاد شوید بدانچه شما را آید و خدا دوست ندارد هر خرامان نازنده را (۲۴) آنان که بخل ورزند و فرمان دهند مردم را به

بخل ورزیدن و هر که روی برتابد همانا خدا است بی نیاز ستوده (۲۵) همانا فرستادیم پیمبران خویش را به نشانی‌ها و فرستادیم با ایشان کتاب و ترازو را تا قیام کنند مردم به داد و فرستادیم آهن را در آن نیروئی سخت و سودهائی برای مردم و تا بداند خدا آن را که یاری کند او و فرستادگانش را به نهان همانا خدا است توانای عزتمند (۲۶) و همانا فرستادیم نوح و ابراهیم را و نهادیم در نژادشان پیمبری و کتاب را پس از ایشان است رهبری و بسیاری از ایشانند نافرمانان (۲۷) سپس از پی ایشان آوردیم فرستادگان خویش را و پشت سر ایشان آوردیم عیسی ابن مریم را و دادیم بدو انجیل را و نهادیم در دل‌های آنان که پیرویش کردند مهربانی و ترحمی را و گوشه گیری که از خویش درآوردند (بدعت کردند) نوشتیمش بر ایشان جز از پی خوشنودی خدا پس رعایتش نکردند حق رعایتش را پس دادیم بدانان که ایمان آوردند از ایشان مزدشان را و بسیاری از ایشانند نافرمانان (۲۸) ای آنان که ایمان آوردید بترسید خدا را و ایمان آرید به پیمبرش دهد شما را دو بهره از رحمتش و قرار دهد برای شما تابشی که راه روید بدان و بیامرزد شما را و خدا است آمرزنده مهربان (۲۹) تا بدانند اهل کتاب که توانایی ندارند بر چیزی از فضل خدا و آنکه فضل به دست خدا است دهدش به هر که خواهد و خدا است دارنده فضلی بزرگ (۳۰)

المجادله

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) هر آینه شنید خدا سخن آن زن را که با تو ستیزه می کرد درباره شویش و داوری می خواست از خدا و خدا می شنید گفتگوی شما را همانا خدا است شنوای بینا (۲) آنان که ظاهر می کنند از شما از زنان خویش نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادرانشان مگر آنان که زائیدندشان و هر آینه گویند ناپسندی از سخن و دروغی را و همانا خدا است گذشت کننده آمرزشگر (۳) و آنان که ظاهر می کنند از زنان خویش پس باز می گردند بدانچه گفتند پس آزاد کردن بنده پیش از آنکه به هم نزدیک شوند این را اندرز داده شوید بدان و خدا است بدانچه می کنید آگاه (۴) و آنکه نیافت پس روزه دو ماه پی در پی پیش از آنکه به هم نزدیک شوند و آنکه نتوانست پس خوراک شصت تن بینوایان تا ایمان آرید به خدا و پیمبرش و این است مرزهای خدا و کافران را است عذابی دردناک (۵) همانا آنان که دشمنی کنند با خدا و پیمبرش سرنگون شوند بدانسان که سرنگون شدند آنان که پیش از ایشان بودند و همانا فرستادیم آیت‌هایی روشن و کافران را است عذابی خوارکننده (۶) روزی که برانگیزدشان خدا همگی پس آگهی‌شان دهد بدانچه کردند بشمردش خدا و فراموشش کردند و خدا است بر همه چیز گواه (۷) آیا ننگریستی که خدا داند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و نیست رازگوئی سه تن جز آنکه او است چهارمیشان و نه پنج تن جز آنکه او است ششمین ایشان و نه کمتر از این و نه بیشتر جز آنکه او است با ایشان هر جا باشند و سپس آگهی‌شان دهد به آنچه کردند روز رستاخیز همانا خدا است به هر چیزی دانا (۸) آیا ننگریستی بدانان که نهی شدند از راز گفتن (آهسته سر به گوشی سخن گفتن) پس باز گردند بدانچه نهی شدند از آن و راز گویند به گناه و دشمنی و نافرمانی پیمبر و هر گاه آیندت درودت گویند بدانچه درودت نگفت بدان خدا و گویند پیش خود چرا عذاب نکند ما را خدا بدانچه گوئیم بس است ایشان را دوزخ چشندش پس چه زشت است آن جایگاه (۹) ای آنان که ایمان آوردید گاهی که با هم راز گوئید راز نگوئید به گناه و دشمنی و نافرمانی پیمبر و راز گوئید به نیکوکاری و پرهیزکاری و بترسید خدائی را که بسویش گردآورده شوید (۱۰) جز این نیست که رازگوئی از شیطان است تا اندوهگین سازد آنان را که ایمان آوردند و نیست زیان رساننده آنان به چیزی جز به دستور خدا و بر خدا پس باید توکل کنند مؤمنان (۱۱) ای آنان که ایمان آوردید هر گاه گفته شود به شما جای باز کنید در نشستگاه‌ها پس جای دهید تا جای دهد شما را خدا و گاهی که گفته شود برخیزید پس برخیزید بالا برد خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و آنان را که داده شدند دانش را پایه‌هایی و خدا است بدانچه کنید آگاه (۱۲) ای آنان که ایمان آوردید هر گاه راز گوئید با پیمبر پس پیش فرستید پیش روی راز گفتن خویش صدقه این بهتر است شما را و پاکتر پس اگر نداشتید همانا خدا است آمرزنده مهربان (۱۳) آیا ترسیدید که پیش

پردازید پیش روی راز گوئی خویش صدقه‌هایی اکنون که نکردید و توبه کرد خدا بر شما پس بیای دارید نماز را و بدهید زکات را و فرمان برید خدا و پیمبرش را و خدا است بدانچه کنید آگاه (۱۴) آیا ننگریستی بدانان که دوستی کردند با گروهی که خشم گرفت خدا بر ایشان نیستند ایشان از شما و نه از ایشان و سوگند یاد کنند بر دروغ و خود می‌دانند (۱۵) آماده کرد خدا برای ایشان عذابی سخت همانا زشت است آنچه بودند می‌کردند (۱۶) بگرفتند سوگندهای خود را سپری تا بازداشتند از راه خدا پس ایشان را است عذابی خوارکننده (۱۷) بی‌نیاز نگرداند از ایشان خواسته‌های ایشان و نه فرزندانشان از خدا چیزی را آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان (۱۸) روزی که برانگیزدشان خدا همگی پس سوگند یاد کنند برایش چنانکه سوگند یاد کنند برای شما و گمان کنند که ایشانند بر چیزی همانا ایشانند دروغگویان (۱۹) چیره شد بر ایشان شیطان پس فراموششان کرد یاد خدا را آنانند حزب شیطان همانا حزب شیطانند زیانکاران (۲۰) همانا آنان که دشمنی کنند با خدا و پیمبرش آنانند در جرگه سرافکنندگان (۲۱) نوشت خدا که پیروز می‌شوم من و فرستادگانم همانا خدا است توانای عزیز (۲۲) نیایی گروهی را که ایمان آرند به خدا و روز بازپسین دوستی کنند با آنکه دشمنی کند با خدا و پیمبرش و هر چند باشند پدرانیشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان آنان نوشت در دلهاشان ایمان را و کمک کرد ایشان را با روحی از خویش و درآردشان باغهایی که روان است زیر آنها جوی‌ها جاودانان در آنها خوشنود باشد خدا از ایشان و خوشنود باشند از او آنانند حزب خدا همانا حزب خداوندند رستگاران (۲۳)

الحشر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) تسبیح گفت خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او است عزّتمند حکیم (۲) او است آنکه برون آورد آنان را که کفر ورزیدند از اهل کتاب از خانه‌های خویش در آغاز گردآوردن گمان نمی‌کردید که برون روند و می‌پنداشتند که بازدارنده است آنان را درهای ایشان از خدا پس بیامدشان خدا از جایی که نمی‌پنداشتند و افکند در دلهای ایشان هراس را ویران می‌کردند خانه‌های خود را با دستهای خود و دستهای مؤمنان پس عبرت گیرید ای دارندگان خردها (یا دیدگان) (۳) و اگر نبود اینکه نوشته است خدا بر ایشان کوچ را هر آینه شکنجه می‌کرد ایشان را در دنیا و ایشان را است در آخرت عذاب آتش (۴) این بدان است که ستیزه کردند با خدا و پیمبرش و آنکه بستیزد با خدا همانا خدا است سخت عقوبت (۵) آنچه بریدید از خرمابنها یا باز گذاردید آنها را ایستاده بر بنهای خود پس به دستور خدا است و تا خوار سازد نافرمانان را (۶) و آنچه بهره داد خدا پیمبر خویش را از ایشان پس نتاختید بر آن اسبان و نه اشترانی و لیکن خدا چیره گرداند فرستادگانش را بر هر که خواهد و خدا است بر همه چیز توانا (۷) و آنچه ارزانی داشت خدا بر پیمبرش از اهل شهرها پس از آن خدا است و از آن پیمبر و از آن نزدیکان (خویشاوندان) و یتیمان و بینوایان و درماندگان راه تا نباشد دستخوش گردشی میان توانگران شما و آنچه داد به شما پیمبر پس بگیری‌دش و آنچه بازداشت شما را از آن پس باز ایستید و بترسید خدا را که خدا است سخت عقوبت (۸) برای بینوایان از مهاجرانی است که برون رانده شدند از خانه‌ها و خواسته‌های خویش در پی فضلی از خدا و خوشنودیی و یاری کنند خدا و پیمبرش را آنانند راستگویان (۹) و آنان که جایگزین شدند خانه و ایمان را پیش از ایشان دوست دارند آنان را که هجرت کنند بسوی ایشان و نیابند در سینه‌های خویش نیازمندی بدانچه داده شدند و برگزینند بر خویش و هر چند باشد بدیشان تنگدستی و آنکه نگهداشته شود از بخل خویش پس آنانند رستگاران (۱۰) و آنان که آمدند از پس ایشان گویند پروردگارا پیامرزی ما و برای برادران ما آنان که پیشی گرفتند ما را به ایمان و نگذار در دلهای ما کینی برای آنان که ایمان آوردند پروردگارا همانا توئی نوازنده مهربان (۱۱) آیا ننگریستی بدانان که نفاق ورزیدند گویند به برادران خویش آنان که کفر ورزیدند از اهل کتاب اگر برون رانده شوید برون آئیم با شما و فرمان نبریم در شما کسی را هیچگاه و اگر کارزار با شما شود هر آینه یاری کنیم شما را و خدا گواهی دهد که ایشانند همانا دروغگویان (۱۲) اگر برون رانده شوند برون نروند با ایشان و اگر نبرد با ایشان شود یاریشان نکنند و اگر یاریشان کنند برتابند پشته‌ها

را سپس یاری نشوند (۱۳) همانا شما ترسناکترید در سینه‌های ایشان از خدا این بدان است که ایشانند گروهی نادریابندگان (۱۴) پیکار نکنند با شما همگی جز در شهرهای بارودار یا از پشت دیوارها ترس ایشان میان ایشان است سخت پنداریشان پیوسته و دلهاشان پراکنده است این بدان است که ایشانند گروهی نابخردان (۱۵) مانند آنان که پیش از ایشان بودند به نزدیک چشیدند بد فرجامی کار خویش را و ایشان را است عذابی دردناک (۱۶) مانند شیطان گاهی که گفت به انسان کافر شو پس هنگامی که کفر ورزید گفت همانا من بیزارم از تو همانا من ترسم خدا را پروردگار جهانیان (۱۷) پس شد فرجام آنان که هر دو در آتشند جاودان در آن و این است کیفر ستمکاران (۱۸) ای آنان که ایمان آوردید بترسید خدا را و باید بنگرد هر کس چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسد خدا را که خدا آگاه است بدانچه کنید (۱۹) و نباشید مانند آنان که فراموش کردند خدا را پس فراموششان ساخت خویشان را ایشانند نافرمانان (۲۰) یکسان نیستند یاران آتش و یاران بهشت یاران بهشتند رستگاران (۲۱) اگر می‌فرستادیم این قرآن را بر کوهی هر آینه می‌دیدیش سرافکنده از هم پاشیده از ترس خدا و این مثلها را همی‌زنیم برای مردم شاید اندیشه کنند (۲۲) او است خدائی که نیست خدائی جز او دانای نهان و هویدا او است بخشنده مهربان (۲۳) او است خدائی که نیست خدائی جز او پادشاه پاک سلام امان‌دهنده نگهبان عزتمند فرمانفرمای بزرگ‌جوی منزّه است خدا از آنچه شرک ورزند (۲۴) او است خداوند آفریدگار پدیدآورنده پیکرساز او را است نامهای نکو تسبیح گویدش آنچه در آسمانها و زمین است و او است عزتمند حکیم (۲۵)

الممتحنة

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای آنان که ایمان آوردید نگیرید دشمن من و دشمن خویش را دوستانی که افکنید با ایشان دوستی را و آنان کفر ورزیدند بدانچه بیامد شما را از حقّ برون رانند پیمبر را با شما از آن رو که ایمان آوردید به پروردگار خویش اگر هستید شما برون آیندگان برای جهاد در راه من و در پی خوشنودی‌های من می‌نمائیدشان پنهان دوستی را و منم دانای بدانچه نهان دارید و آنچه آشکار سازید و آنکو بکنند این را از شما همانا گم کرده است راه راست را (۲) اگر دست یابند بر شما باشند برای شما دشمنانی و باز کنند بسوی شما دستهای خویش و زبانهای خویش را به بدی و دوست دارند کاش می‌شدید کافران (۳) سود ندهد شما را خویشاوندی‌های شما و نه فرزندان شما روز قیامت جدائی افکند میان شما و خدا بدانچه کنید بینا است (۴) همانا بود برای شما پیروی نکوئی در ابراهیم و آنان که با اویند گاهی که گفتند به قوم خویش مائیم بیزاران از شما و از آنچه پرستید جز خدا کفر ورزیدیم به شما و پدیدار شد میان ما و شما دشمنی و کین همیشه مگر آنکه ایمان آرید به خدا تنها بجز گفتار ابراهیم به پدرش که آمرزش خواهم البته برایت و دارا نیستم برای تو از خدا چیزی را پروردگارا بر تو توکل کردیم و بسوی تو باز گشتیم و بسوی تو است بازگشت (۵) پروردگارا نساز ما را دستخوش آنان که کفر ورزیدند و بیامرز ما را پروردگارا توئی همانا عزتمند حکیم (۶) همانا بود برای شما در ایشان پیروی نکو برای آنکه امید دارد خدا و روز بازپسین را و آنکه پشت کند همانا خدا است بی‌نیاز ستوده (۷) امید است خدا نهد میان شما و میان آنان که دشمنی کردید از ایشان دوستی و خدا توانا است و خدا است آمرزنده مهربان (۸) باز ندارد شما را خدا از آنان که جنگ با شما نکردند در دین و برون نراندند شما را از خانه‌های خویش که نیکی کنید با آنان و از در دادگری با آنان در آئید همانا خدا دوست دارد دادگران را (۹) جز این نیست که خدا باز دارد شما را از آنان که پیکار کردند با شما در دین و برون راندند شما را از خانه‌های خویش و پشتیبانی کردند بر برون راندن شما که دوستی با آنان کنید و آنکه دوستشان دارد همانا آنانند ستمکاران (۱۰) ای آنان که ایمان آوردید اگر آمدند شما را زنان مؤمنان هجرت کنندگان پس بیازمائیدشان خدا داناتر است به ایمان آنان پس اگر دانستید ایشان را ایمان‌آرندگان بازنگردانیدشان بسوی کافران نه اینان حلالند آنان را و نه آنان حلالند اینان را و بدهید بدیشان آنچه را هزینه کردند و نیست پروائی بر شما که کابین

بندید بر آنان هر گاه دهیدشان مزدهای ایشان را و چنگ نزنید (دل نبندید) به عصمتهای آنان کفرورزنده و بخواهید آنچه هزینه کردید و باید بخواهند آنچه هزینه کردند این است حکم خدا که حکم کند میان شما و خدا است دانای حکیم (۱۱) و اگر از دست شما رفت چیزی از زنان شما بسوی کافران پس در برابر از آنان برده گرفتید پس پردازید بدانان که رفتند همسرانشان مانند آنچه را هزینه کردند و بترسید خداوندی را که شما نیکو بدو ایمان آرند گان (۱۲) ای پیمبر هر گاه آیندت زنان ایمان آورنده که با تو پیمان بندند (بیعت کنند) بر آنکه شرک نورزند به خدا چیزی را و نه دزدی کنند و نه زنا کنند و نکشند فرزندان خویش را و نیاورند دروغی (تهمتی) که بر بندندش در باره دستهای خویش و پایهای خویش و نافرمانیت نکنند در خوبی پس پیمان بند (بیعت کن) با ایشان و آموزش خواه برای ایشان از خدا همانا خدا است آمرزنده مهربان (۱۳) ای آنان که ایمان آوردید دوستی نکنید با گروهی که خشم آورد خدا بر ایشان همانا نومید شدند از آخرت چنانکه نومید شدند کافران از یاران گورستان (۱۴)

الصف

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) تسبیح گفت خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او است عزتمند حکیم (۲) ای آنان که ایمان آوردید چرا گوئید آنچه را نکنید (۳) گران است خشمی نزد خدا که گوئید آنچه را نکنید (۴) همانا خدا دوست دارد آنان را که پیکار کنند در راه خدا صف بستگان گوئیا ایشانند ساختمان ریخته چون رودی (۵) و هنگامی که گفت موسی به قوم خویش ای قوم من چرا آزارم کنید و دانید شما که منم فرستاده خدا بسوی شما پس هنگامی که لغزیدند لغزاید خدا دلهای ایشان را و خدا رهبری نکند گروه نافرمانان را (۶) و هنگامی که گفت عیسی ابن مریم ای بنی اسرائیل همانا منم فرستاده خدا بسوی شما تصدیق کننده آنچه پیش روی من است از تورات و مژده دهنده به فرستادهای که بیاید پس از من نام او است احمد تا گاهی که پیامدشان به تابشها (به نشانیها) گفتند این است جادویی آشکار (۷) و کیست ستمگرتر از آنکه بست بر خدا دروغ را و او خوانده می شود بسوی اسلام و خدا رهبری نکند گروه ستمگران را (۸) خواهند خموش کنند نور خدا را با دهانهای خویش و خدا است تمام کننده نور خویش و اگر چه ناخوش دارند کافران (۹) او است آنکه فرستاد پیمبرش را به رهبری و کیش حق تا چهره گرداندش بر کیشها همگی و اگر چه ناخوش دارند شرک ورزان (۱۰) ای آنان که ایمان آوردید آیا راهنمایی نکنم شما را به سوداگری که برهاند شما را از عذابی دردناک (۱۱) ایمان آرید به خدا و پیمبرش و کوشش کنید در راهش به خواسته ها و جانهای خویش این بهتر است شما را اگر باشید بدانید (۱۲) پیامرزد برای شما گناهان شما را و درآرد شما را بهشتهایی که روان است زیر آنها جویها و نشیمنهای پاک در بهشتهای جاودان این است رستگاری بزرگ (۱۳) و دیگری که دوست داریدش یاری از خدا و پیروزی نزدیک و مژده ده به مؤمنان (۱۴) ای آنان که ایمان آوردید باشید یاوران خدا چنانکه گفت عیسی ابن مریم به حواریون کیست یاوران من بسوی خدا گفتند حواریون مائیم یاوران خدا پس ایمان آوردند گروهی از بنی اسرائیل و کفر ورزیدند گروهی پس کمک کردیم آنان را که ایمان آوردند بر دشمنشان پس بامداد کردند پیروزمندان (۱۵)

الجمعة

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) تسبیح گوید خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است پادشاه پاک عزتمند حکیم (۲) او است آن که برانگیخت در ناخوانان پیمبری را از ایشان بخواند بر ایشان آیتهای او را و پاک سازد ایشان را و پیامورزشان کتاب و حکمت را اگر چه بودند پیش از آن همانا در گمراهی آشکار (۳) و دیگران از ایشان که هنوز نپیوستند بدانان و او است عزتمند حکیم (۴) این است فضل خدا دهدش به هر که خواهد و خدا است دارای فضلی بزرگ (۵) مثل آنان که بار شدند تورات را سپس برنداشتندش مانند خر است که بردارد کتابهایی زشت مثل گروهی که تکذیب کردند آیتهای خدا را و خدا رهبری نکند گروه

ستمگران را (۶) بگو ای آنان که جهود شدید اگر پندارید که شما دوستانید خدا را جز مردم پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان (۷) و آرزو نکنندش هرگز بدانچه پیش آورده است دستهای آنان و خدا دانا است به ستمگران (۸) بگو همانا مرگی که از آن گریزانید رسنده است به شما سپس باز گردانیده شوید بسوی دانای نهان و هویدا تا آگهی‌تان دهد بدانچه بودید می‌کردید (۹) ای آنان که ایمان آوردید هر گاه بانگ داده شود برای نماز از روز جمعه (آدینه) پس بشتابید بسوی یاد خدا و رها کنید سوداگری را این بهتر است برای شما اگر بدانید (۱۰) سپس گاهی که پایان یافت نماز پس پراکنده شوید در زمین و بجوئید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار شاید رستگار شوید (۱۱) و هر گاه بیند سوداگری یا هوسرانی بروند بسویش و بگذارندت ایستاده بگو آنچه نزد خدا است بهتر است از هوسرانی و از سوداگری و خدا است بهترین روزی دهندگان (۱۲)

المنافقون

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) هر گاه آیندت دورویان گویند گواهی دهیم که توئی پیمبر خدا و خدا داند که توئی فرستاده او و خدا گواهی دهد که دورویانند همانا دروغگویان (۲) برگرفتند سوگندهای خویش را سپری پس بازداشتند از راه خدا همانا زشت است آنچه بودند می‌کردند (۳) این بدان است که ایشان ایمان آوردند سپس کافر شدند پس مَهر نهاد بر دلهایشان پس درنیابند (۴) و هر گاه ببینیشان شگفت آردت کالبدهای آنان و اگر سخن گویند گوش دهی به گفتار ایشان گوئیا آنانند چوبهای تکیه داده شده پندارند هر فریادی را بر ایشان ایشانند دشمن پس بترسشان بکشیشان خدا کجا به دروغ رانده شوند (۵) و گاهی که گفته شود بدیشان بیائید آموزش خواهد برای شما پیمبر خدا باز گردانند سرهای خویش را و ببینشان باز می‌دارند (یا دوری گزینند) و ایشانند کبرورزندگان (۶) یکسان است بر ایشان چه آموزش خواهی برای ایشان یا آموزش نخواهی برای ایشان هرگز نیامرزیشان خدا همانا خدا هدایت نکند گروه نافرمانان را (۷) آنانند که گویند انفاق نکنید بر آنان که نزد پیمبر خدایند تا پراکنده شوند و خدا را است گنجهای آسمانها و زمین لیکن منافقان درنیابند (۸) گویند اگر باز گشتیم بسوی شهر همانا برون راند گرامی‌تر (عزیزتر) از آن خوارتر را و از آن خدا است عزّت و از آن پیمبرش و از آن مؤمنان و لیکن منافقان نمی‌دانند (۹) ای آنان که ایمان آوردید سرگرم‌تان نسازد خواسته‌های شما و نه فرزندان شما از یاد خدا و آنکه بکند این را پس آنانند زیانکاران (۱۰) و بدهید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه آید یکی از شما را مرگ پس گوید پروردگارا کاش پس می‌انداختی مرا تا سرآمدی نزدیک تا تصدّق کنم و بشوم از شایستگان (۱۱) و هرگز پس نیندازد خدا جائی را گاهی که بیاید سرآمدش و خدا آگاه است بدانچه می‌کنید (۱۲)

التغابن

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) تسبیح گوید برای خدا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است او را است پادشاهی و از آن وی است سپاس و او است بر همه چیز توانا (۲) او است آنکه آفرید شما را پس از شما است کافری و از شما است مؤمنی و خدا بدانچه کنید بینا است (۳) آفرید آسمانها و زمین را به حقّ و پیکر ساخت شما را پس نکو ساخت پیکرهای شما را و بسوی او است بازگشت (۴) داند آنچه در آسمانها و زمین است و می‌داند آنچه را نهان دارید و آنچه آشکار کنید و خدا دانا است بدانچه در سینه‌ها است (۵) آیا نیامد شما را داستان آنان که کفر ورزیدند از پیش پس چشیدند بد فرجامی کار خود را و ایشان را است عذابی دردناک (۶) این بدان است که بودند می‌آمدندشان پیامبرانشان به نشانی‌ها پس گفتند آیا بشری ما را رهبری کند پس کفر ورزیدند و پشت کردند و بی‌نیازی گرفت خدا و خدا است بی‌نیاز ستوده (۷) پنداشتند آنان که کفر ورزیدند که هرگز برانگیخته نشوند بگو بلی سو گند به پروردگارم هر آینه برانگیخته شوید سپس آگاه شوید بدانچه کردید و آن است بر خدا آسان (۸) پس ایمان آرید به خدا و پیمبرش و روشنائی که فرستادیم و خدا است بدانچه کنید آگاه (۹) روزی که گردآورد شما را برای روز گردآوردن آن است

روز تغابن (بی بهره گی) و آنکه ایمان آورد به خدا و بکند کرداری شایسته بزدايد از او بدی هایش را و در آردش باغهایی که روان است زیر آنها جوی ها جاودانان در آنها همیشه این است آن رستگاری بزرگ (۱۰) و آنان که کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیت های ما را آنانند یاران آتش جاودانان در آن و چه زشت است آن جایگاه (۱۱) نرسد پیش آمدی جز به دستور خدا و آنکه ایمان آورد به خدا رهبری کند دلش را و خدا است به همه چیز دانا (۱۲) و فرمان برید خدا و فرمان برید پیمبر را پس اگر روی برتابید نباشد بر فرستاده ما جز رسانیدن آشکار (۱۳) خداوند نیست خدائی جز او و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان (۱۴) ای آنان که ایمان آوردید هر آینه از زنان شما و فرزندان شما دشمنی است شما را پس بترسیدشان و اگر در گذرید و چشم پوشی کنید و بیامرزید همانا خدا است آمرزنده مهربان (۱۵) جز این نیست که خواسته های شما و فرزندان شما آزمایشی است و خدا نزد او است پاداشی بزرگ (۱۶) پس بترسید خدا را هر آنچه بتوانید و بشنوید و فرمانبرداری کنید و بخشایش کنید بهتر است برای شما و آنکو نگهداشته شود بخل ورزی خویش را همانا آنانند رستگاران (۱۷) اگر وام دهید خدا را وامی نکو بیفزایدش برای شما و بیامرزد شما را و خدا است سپاسگزار بردبار (۱۸) دانای نهران و هویدا عزتمند حکیم (۱۹)

الطلاق

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) ای پیمبر هر گاه طلاق گفتید زنان را پس طلاقشان گوئید برای عده آنان و بشمرید عده را و بترسید خدا را پروردگار خویش برونشان نرانید از خانه های خویش و برون نروند مگر آنکه بیارند فحشائی آشکار و این است مرزهای خدا و آنکه بگذرد از مرزهای خدا همانا ستم کرده است خویش را ندانی شاید خدا پدید آرد پس از این کاری را (۲) تا گاهی که رسیدند سرآمد خویش را پس نگاهشان دارید به خوشی یا دوری گزینید از ایشان به خوشی و گواه گیرید دو تن عدالتمند را از شما و پبای دارید گواهی را برای خدا بدین اندرز داده شود آنکو ایمان آرد به خدا و روز آخر و آنکه بترسد خدا را نهید برایش برون شدن گاهی (۳) و روزیش دهد از آنجا که در شمار نیارد و آنکو توکل کند بر خدا پس باشدش همانا خدا است رسنده کار او هر آینه نهاده است خدا برای هر چیزی اندازه ای (۴) و آنان که نومید شدند از خون دیدن از زنان شما اگر شک آوردید پس عده ایشان سه ماه است و آنان که حیض نشدند (خون ندیدند) و زنان باردار سرآمد ایشان آن است که نهند بار خود را و آنکو بترسد خدا را قرار دهد برای او از کارش گشایشی (۵) این است امر خدا که فرستادش بسوی شما و آنکو بترسد خدا را بستر از او گناهانش را و بزرگ کند برایش پاداش را (۶) بنشانید زنان را آنجا که خود نشستید از دارائی خویش (یا از گشایش خویش) و نیازاریدشان که تنگ بر ایشان گیرید و اگر باشند بارداران پس هزینه کنید بر ایشان تا بنهند بار خود را و اگر شیر دادند برای شما پردازید بدیشان مرزهای ایشان را و بسازید با همدیگر به خوشی و اگر سخت باشد شما را زود است شیر دهدش دیگری (۷) باید هزینه کند گشایشمند از گشایش خویش و آنکه تنگ شده است بر او روزی پس باید بدهد از آنچه خدایش داده است تکلیف نکند خدا کسی را جز آنچه بدادش زود است نهید خدا پس از تنگی گشایشی (۸) و بسا شهری که سرپیچید از فرمان پروردگار خود و فرستادگانش پس رسیدیم حسابش را حسابی سخت و شکنجه کردیمش شکنجه ای زشت (۹) پس چشید فرجام کار خویش را و شد پایان کار او زیانکاری (۱۰) آماده کرد خدا برای ایشان عذابی سخت پس بترسید خدا را ای خردمندان آنان که ایمان آوردید همانا فرستاد خدا بسوی شما ذکری (یادداشتی) (۱۱) پیمبری که بسراید بر شما آیت های خدا را روشن تا برون آورد آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند از تاریکی ها بسوی روشنائی و آنکه ایمان آرد به خدا و بکند کاری شایسته در آردش باغهایی که روان است زیر آنها جوی ها جاودانان در آن همیشه به راستی نکو کرده است خدا برایش روزی را (۱۲) خدا است آنکه آفرید هفت آسمان و از زمین مانند آنها فرود آید کار میان آنها تا بدانید که خدا بر همه چیز است توانا و آنکه خدا فراگرفته است همه چیز را به دانش (۱۳)

التحریم

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای پیمبر چرا حرام می کنی آنچه را حلال کرد خدا برای تو خواهی خشنودی همسران خویش را و خدا است آمرزنده مهربان (۲) همانا خدا بایسته داشت بر شما حلال بودن سوگندهای شما را و خدا است دوست شما و او است دانای حکیم (۳) و گاهی که نهان داشت پیمبر بسوی بعضی از زنان خویش داستانی را پس گاهی که آگهیش داد بدان و فاش ساختش خدا بر او شناسانید پاره‌ای از آن را و روی برتافت از پاره‌ای و هنگامی که آگهیش داد بدان گفت که تو را آگهی داده است بدین گفت آگهیم داده است خداوند دانای آگاه (۴) اگر توبه کنید ای دو زن بسوی خدا هر آینه گرویده است دل‌های شما و اگر چیرگی کنید بر او همانا خدا است دوست او و جبرئیل و شایستگان از مؤمنان و فرشتگانند پس از آن پشتیبان (۵) امید است پروردگار او اگر طلاق گوید شما را تبدیلیش کند زنانی نکوتر از شما مسلمانانی مؤمنانی فروتنانی توبه‌کنندگانی و پرستندگانی رهروانی بیوه‌گانی و شوی‌ن‌دیدگانی (۶) ای آنان که ایمان آوردید بازدارید خود و خاندان خویش را از آتشی که سوخت آن مردمان است و سنگ بر آن است فرشتگانی درم (درشت خوی) سخت‌گیرانی که نافرمانی نکنند خدا را آنچه فرمایندشان و بکنند آنچه را که فرموده شوند (۷) ای آنان که کفر ورزیدند بهانه نیارید امروز جز این نیست که پاداش داده شوید آنچه را بودید می‌کردید (۸) ای آنان که ایمان آوردید توبه کنید بسوی خدا توبه نصوح امید است پروردگار شما بسترده از شما بدی‌های شما را و درآرد شما را باغ‌هایی که روان است زیر آنها جوی‌ها روزی که خوار نگرداند خدا پیمبر و آنان را که ایمان آوردند با او پرتو ایشان می‌دود پیش روی ایشان و بر سوی راستشان گویند پروردگارا تمام گردان برای ما نور ما را و بیمار ما را که تویی بر همه چیز توانا (۹) ای پیمبر جهاد کن با کافران و منافقان و درستی کن بر ایشان و جایگاه ایشان است دوزخ و چه زشت است آن جایگاه (۱۰) زده است خدا مثلی برای آنان که کفر ورزیدند زن نوح و زن لوط بودند زیر فرمان دو بنده‌ای از بندگان ما شایستگانی پس خیانت کردند با آنان پس بی‌نیاز نساخندشان از خدا چیزی را و گفته شد به آتش درآئید با درآیندگان (۱۱) و زده است خدا مثلی برای آنان که ایمان آوردند زن فرعون را گاهی که گفت پروردگارا بساز برایم نزد خویش خانه‌ای در بهشت و برهانم از فرعون و کردارش و برهانم از گروه ستمگران (۱۲) و مریم دخت عمران را که نگهداشت فرج خویش را تا دمیدیم در آن از روح خویش و تصدیق کرد به سخنان پروردگار خود و کتابهای او و گشت از فروتنان (۱۳)

الملک

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) خجسته باد آنکه به دستش پادشاهی است و او است بر همه چیز توانا (۲) آنکه آفرید مرگ و زندگی را تا بیازماید شما را کدامین نکوترید در کردار و او است عزتمند آمرزگار (۳) آنکه آفرید هفت آسمان تودرتو (یا پی‌درپی) نبینی در آفرینش خدای مهربان تفاوتی (کم و بیشی) پس بگشای دیده را آیا بینی شکافی را (۴) پس برگردان دیده را دوبار باز گردد بسویت چشم سرافکنده حالی که آن است کند (یا خوار) (۵) و هر آینه آراستیم آسمان نزدیک را به چراغ‌هایی و گردانیدیم آنها را پرتاب‌هایی برای دیوان (شیاطین) و آماده ساختیم برای ایشان عذابی سوزان (۶) و آنان را که کفر ورزیدند به پروردگار خویش عذاب دوزخ است و چه زشت است آن جایگاه (۷) گاهی که افکنده شوند در آن بشنوند برایش دمیدنی (یا خروشی) و آن است جوشان (۸) نزدیک است جدا شود از خشم هر گاه افکنده شوند در آن فوجی پرسندشان نگهبانانش آیا نیامد شما را ترساننده‌ای (۹) گفتند بلی بیامد ما را ترساننده‌ای پس تکذیب کردیم و گفتیم نفرستاده است خدا چیزی نیستید شما مگر در گمراهی گران (۱۰) و گفتند اگر بودیم می‌شنیدیم یا بخرد می‌یافتیم نمی‌شدیم در یاران آتش سوزان (۱۱) پس اقرار کردند به گناه خویش پس دور باد برای یاران آتش سوزان (۱۲) همانا آنان که بترسند پروردگار خویش را به نهان آنان را است آمرزشی و مزدی

بزرگ (۱۳) و نهان کنید سخن خویش را یا آشکارش سازید همانا او است دانا بدانچه در سینه‌ها است (۱۴) آیا نداند آنکه بیافریده است و او است تیزبین کارآگاه (۱۵) او است آنکه گردانید برای شما زمین را رام پس روان شوید به هر سویش و بخورید از روزیش و بسوی او است گردآمدن (۱۶) آیا ایمن شدید از آنکه در آسمان است که فروبرد شما را در زمین ناگاه آن است لرزنده (۱۷) یا ایمن شدید از آنکه در آسمان است که بفرستد بر شما سنگ ریزه پس زود است بدانید چگونه بوده است ترساننده من (۱۸) و همانا تکذیب کردند آنان که پیش از ایشان بودند پس چگونه بود کین کشیدن من (۱۹) آیا ننگریستند مرغان بر فراز ایشان بال‌گشایندگان و بازدارندگان بالهای خویش نگاه ندارشان جز خداوند مهربان همانا او است به همه چیز بینا (۲۰) آیا آنکه اوست سپاهی برای شما یاریتان کند جز خدای مهربان نیستند کافران مگر در فریب (۲۱) آیا آنکه او روزیتان همی‌دهد اگر باز دارد روزی خویش را بلکه خیره‌گی کردند در سرکشی و رمیدنی (۲۲) آیا آنکه روان است افتاد به روی خویش رهنمون‌تر است یا آنکه می‌رود استوار بر راهی راست (۲۳) بگو او است آنکه پدید آورد شما را و نهاد برای شما گوش و دیدگان و دلها را به کمی سپاس گزاید (۲۴) بگو او است آنکه آفرید شما را در زمین و بسویش باز گردانیده شوید (۲۵) و گویند کی است این وعده اگر هستید راستگویان (۲۶) بگو جز این نیست که علم نزد خدا است و جز این نیست که منم ترساننده آشکار (۲۷) تا هنگامی که دیدندش جایگزین (یا نزدیک) دژم گشت چهره‌های آنان که کفر ورزیدند و گفته شد این است آنچه بودیدش به سختی می‌خواستید (۲۸) بگو آیا دیدید اگر نابود سازدم خدا و آنکو با من است یا رحم کند بر ما که پناه دهد کافران را از عذابی دردناک (۲۹) بگو او است خدای مهربان ایمان آوردیم بدو و بر او توکل کردیم زود است بدانید کیست آنکه او است در گمراهی آشکار (۳۰) بگو آیا دیدید اگر بامداد کند آب شما فرو رفته کیست که آورد شما را به آبی نمایان (۳۱)

القلم

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ن سوگند به قلم و آنچه نویسند (۲) نیستی تو به نعمت پروردگارت دیوانه (۳) و همانا تو را است مزدی بی‌منت (یا بی‌پایان) (۴) و همانا تویی بر خوئی بزرگ (۵) پس زود است بنگری و بنگرند (۶) کدامیک از شماست فریب‌خورده (کم خرد) (۷) هر آینه پروردگارت داناتر است بدانکه گمراه است از راه او و او است داناتر به راه‌یافتگان (۸) پس فرمانبری مکن تکذیب‌کنندگان را (۹) دوست داشتند کنار آبی (چاپلوسی کنی) تا کنار آیند (۱۰) و فرمان نبر هر فراوان سوگندخورنده زبونی را (۱۱) نکوهش‌گری پوینده به سخن چینی (۱۲) بسیار بازدارنده از نیکی تجاوزکننده گنهکاری (۱۳) درشت‌خوئی پس از آن بی‌تباری (۱۴) که هست دارای خواسته و فرزندان (۱۵) هر گاه خوانده شود بر او آیت‌های ما گوید افسانه‌های پیشینیان است (۱۶) زود است مهر نهیمش به پیشانی (داغ بر بینی) (۱۷) همانا آزمودیم ایشان را چنانکه آزمودیم یاران بهشت را گاهی که سوگند یاد کردند که برندش البته بامداد کنان (۱۸) و استثناء نکنند (۱۹) پس گردش کرد بر ایشان گردکننده‌ای از پروردگار تو و بودند خسیدگان (۲۰) پس بامداد کرد مانند شب تاریک (بریده) (۲۱) پس بانگ دادند همدیگر را بامداد کنان (۲۲) که بامداد کنید (بروید) بر کشت خود اگر هستید برندگان (۲۳) پس روی آوردند و بودند رازگویان (۲۴) که نبادا درآیدش امروز بر شما بینوایی (۲۵) و بامداد کردند بر بازداشتن بینوایان نیرومندان (۲۶) تا هنگامی که دیدندش گفتند همانا مائیم گمراهان (۲۷) بلکه مائیم بی‌بهره‌گان (۲۸) گفت میانی ایشان آیا نگفتم به شما چرا تسبیح نکنید (۲۹) گفتند منزّه است پروردگار ما همانا بودیم ما ستمگران (۳۰) پس روی آوردند برخیشان به برخی نکوهش‌کنان (۳۱) گفتند وای بر ما همانا بودیم ما سرکشان (۳۲) امید است پروردگار ما تبدیل کند ما را به از این که مائیم بسوی پروردگار خویش گرایندگان (۳۳) چنین است عذاب همانا عذاب آخرت است بزرگتر اگر باشند بدانند (۳۴) همانا پرهیزکاران را است نزد پروردگار ایشان بهشت‌های نعمتها (۳۵) آیا گردانیم مسلمانان را چون گنهکاران (۳۶) چه شود شما را چگونه حکم کنید (۳۷) یا شما را است کتابی که در آن درس خوانید (۳۸) همانا شما را است در آن آنچه برگزینید (۳۹) یا شما را است بر ما

سوگندهائی رسنده به روز قیامت که شما را است آنچه فرمان دهید (۴۰) پیریشان کدامین از ایشان است بدان گروندگان (یا پندارنده) (۴۱) یا ایشان را است شریکانی پس بیارند شریکان خویش را اگر هستند راستگویان (۴۲) روزی که گشوده شود از ساق (پرده از روی کار برداشته شود) و دعوت شوند به سجده کردن پس نتوانند (۴۳) سرافکنده باشد دید گانشان چیره گردد بر ایشان خواری و همانا بودند دعوت می شدند به سجده کردن حالیکه بودند تندرستان (۴۴) پس بهل مرا با آنکه تکذیب کند بدین داستان زود است به آهستگی شان گیرم از آنجا که ندانند (۴۵) و نیرنگ کنم برای ایشان که نیرنگ من است استوار (۴۶) یا پرسیشان پاداشی که ایشانند از هزینه سنگین باران (۴۷) یا نزد ایشان است ناپیدا پس ایشان می نویسند (۴۸) پس شکبیا شو برای فرمان پروردگار خویش و نباش مانند خداوند ماهی که بانگ برآورد و او بود از خشم گلوگیر (۴۹) اگر نه دریافته بودش نعمتی از پروردگارش هرآینه افکنده می شد به دشت و می بود او نکوهیده (۵۰) پس برگزیدش پروردگارش و گردانیدش از شایستگان (۵۱) و همانا نزدیک است آنان که کفر ورزیدند بلغزانند با دیدگان خویش هنگامی که شنیدند ذکر را و گویند او است دیوانه (۵۲) و نیست او جز ذکری از برای جهانیان (۵۳)

الحاقه

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) آن فرودآینده (۲) چیست آن فرودآینده (۳) و ندانست چیست فرودآینده (۴) تکذیب کردند ثمود و عاد به کوبنده (۵) اما ثمود پس نابود شدند به سرکشنده (۶) و اما عاد پس نابود شدند به بادی تندوزنده سرکش (۷) بگماردش بر ایشان هفت شب و هشت روز داشت روز پی در پی که بینی گروه را در آن بیهوش افتاده گوئیا آنانند تنه های نخل فروافتاده (۸) پس آیا می نگری برای ایشان بازماندگانی (۹) و آمد فرعون و آنان که پیش از او بودند و بازگون شدگان به گناه (۱۰) پس سرپیچیدند فرستاده پروردگار خویش را پس بگرفتشان گرفتنی سخت (۱۱) همانا گاهی که فزونی گرفت آب سوارتان کردیم در رونده (۱۲) تا بگردانیمش برای شما یادآوری و بشنوندش گوشهائی شنونده (۱۳) تا گاهی که دمیده شود در صور یک دمیدن (۱۴) و برداشته شوند زمین و کوه ها پس کوبیده شوند یک کوبیدن (۱۵) در آن روز فرود آید فرودآینده (۱۶) و شکافت آسمان پس آن است در آن روز سست (۱۷) و فرشته بر اطراف آن است و بردارد عرش پروردگارت را بر فراز ایشان در آن روز هشت تن (۱۸) در آن روز عرضه شوید نهان نماند از شما نهان شونده (۱۹) اما آنکه داده شد کتابش را به راستش گوید اینک بیائید بخوانید نامه مرا (۲۰) من می پنداشتم که رسنده ام به حساب خویش (۲۱) پس او است در زندگانی خوشنود (پسندیده) (۲۲) در بهشتی بلند (افراشته) (۲۳) که چیده های آن است فرود و نزدیک (۲۴) بخورید و بنوشید گوارا باد شما را بدانچه گذشت از شما در روز گاران گذشته (۲۵) و اما آنکه داده شد نامه خویش را به چپش گوید کاشکیم داده نمی شدم نامه خویش را (۲۶) و نمی دانستم چیست حساب من (۲۷) کاش می بود آن گذرنده (۲۸) سودی نداد (بی نیاز نگردانید) مرا دارائیم (۲۹) برفت از من فرمانروائیم (۳۰) بگیری دش پس به زنجیرش کشید (۳۱) سپس به دوزخش درآرید (۳۲) پس در زنجیری که درازیش هفتاد ذراع است او را بکشید (۳۳) که بود او ایمان نمی آورد به خدای بزرگ (۳۴) و ترغیب نمی کرد به خوراندن بینوا (۳۵) پس نیستش امروز در اینجا دوستی (۳۶) و نه خوراکی جز از چرک دوزخیان (۳۷) نخورندش جز گنه کاران (۳۸) پس سوگند یاد نمی کنم بدانچه بینید (۳۹) و آنچه نبینید (۴۰) که آن است همانا سخن پیمبری گرامی (۴۱) و نیست گفتار شاعری به کمی ایمان آورید (۴۲) و نه گفتار پیش گوئی به کمی یاد آورید (۴۳) فرستادنی است از پروردگار عالمیان (۴۴) و اگر می بست بر ما پاره سخنان را (۴۵) هر آینه می گرفتیم از او به دست راست (۴۶) و سپس می بریدیم از او رگ گردن را (۴۷) و نبودش کسی از شما نگهدارنده (۴۸) و همانا آن است یادآوری برای پرهیزکاران (۴۹) و همانا دانیم که از شما است تکذیب کنندگان (۵۰) و همانا آن است دریغی بر کافران (۵۱) و همانا آن است در حقّ یقین (۵۲) پس تسبیح گوی به نام پروردگارت آن بزرگ (۵۳)

المعارج

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) پرسید پرسش کننده ای از عذابی فرود آینده (۲) برای کافران نیستش بازدارنده (۳) از خدا خداوند نردبانها (معراجها) (۴) بالاروند فرشتگان و روح بسویش در روزی که اندازه آن است پنجاه هزار سال (۵) پس شکیبائی کن شکیبائی نکو (۶) که آنان بینندش دور (۷) و ما بینیمش نزدیک (۸) روزی که گردد آسمان چون روغن گداخته (۹) و گردند کوهها چون پشم (۱۰) و نرسد دوستی دوستی را (۱۱) نمایانیده شوند بدیشان دوست دارد گناهکار کاش فدیة می داد از عذاب آن روز پسرانش (۱۲) و یارش (همسرش) و برادرش (۱۳) و خویشاوندانی که پناهش دهند (۱۴) و هر که در زمین است همگی پس برهاندش (۱۵) نه چنین است همانا آن است شراره (۱۶) کننده پوست (۱۷) می خواند آن را که پشت کرد و روی برتافت (۱۸) و گرد آورد پس نگهداشت (۱۹) همانا انسان آفریده شده است آزمند (۲۰) گاهی که رسدش بدیی نالان (۲۱) و گاهی که رسدش خوبی خودداری کنان (۲۲) مگر نماز گزاران (۲۳) آنان که بر نماز خویشند پیوستگان (۲۴) و آنان که در خواسته های ایشان است بهره دانسته (۲۵) برای دریوزه و بینوا (۲۶) آنان که تصدیق کنند به روز دین (۲۷) و آنان که از عذاب پروردگار خویشند هراسان (۲۸) همانا عذاب پروردگار ایشان است تا ایمن شده (۲۹) و آنان که برای فرجهای خویشند نگه دارندگان (۳۰) جز بر همسرانشان یا آنچه دارا است یمینهای ایشان که آنانند نانکوهیدگان (۳۱) و آنکه خواست جز این را پس آنانند تجاوزگران (۳۲) و آنان که برای سپرده های خویش و پیمان خویشند رعایت کنندگان (۳۳) و آنان که به گواهی های خویشند قیام کنندگان (۳۴) و آنان که بر نماز خویشند محافظت کنندگان (۳۵) آنانند در باغهای گرامیان (۳۶) چه شود آنان را که کفر ورزیدند به نزد تو رمنندگان (۳۷) از راست و از چپ گروهائی (۳۸) آیا امید دارد هر مردی از ایشان که در آورده شود به بهشت نعمتها (۳۹) نه چنین است همانا ما آفریدیمشان از آنچه می دانند (۴۰) پس سوگند یاد نکنم به پروردگار خاورها و باخترها که ما ئیم توانایان (۴۱) بر آنکه تبدیل کنیم بهتر از ایشان را و نیستیم ما پیشی گرفتگان (۴۲) پس بگذارشان فروروند و بازی کنند تا برسند به روزشان آنی که وعده داده شوند (۴۳) روزی که برون آیند از گورها شتابان گویا آنانند بسوی پایه های نشانه روان (۴۴) سرافکنده است دیدگان شان فراگیردشان خواری این است روزی که بودند وعده داده می شدند (۴۵)

نوح

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) همانا فرستادیم نوح را بسوی قومش که بترسان قومت را پیش از آنکه بیامدشان عذابی دردناک (۲) گفت ای قوم همانا منم برای شما ترساننده آشکار (۳) که پرستش کنید خدا را و بترسیدش و مرا فرمان برید (۴) تا بیامرزد برای شما از گناهانتان و پس اندازد شما را تا سرآمدی نامبرده که هر گاه سرآمد خدا بیاید پس انداخته نشود اگر بدانید (۵) گفت پروردگارا همانا خواندم قوم خویش را شب و روز (۶) پس نیفزودشان خواندم جز گریختنی (۷) و آنکه هر گاه خواندمشان تا بیامرزی برای ایشان نهادند انگشتان خویش را در گوشهای خویش و پوشیدند خویشان را با جامه های خویش و اصرار کردند و کبر ورزیدند کبرورزیدنی (۸) سپس هر آینه بخواندمشان من به آواز بلند (آشکارا) (۹) پس آشکار ساختم برای ایشان و نهان داشتم نهان داشتنی (۱۰) پس گفتم آمرزش خواهید از پروردگار خویش همانا او است بسیار آمرزنده (۱۱) فرستد آسمان را بر شما ریزنده (۱۲) و کمک کند شما را به خواسته ها و فرزندان و قرار دهد برای شما باغهایی و قرار دهد برای شما جوی هایی (۱۳) چه شود شما را امید ندارید برای خدا وقاری (شکوهی) (۱۴) و هر آینه بیافریدتان گوناگون (۱۵) آیا ندیدید چگونه آفرید خدا هفت آسمان را تودرتو (۱۶) و گردانید ماه را در آنها نوری و گردانید مهر را چراغی (۱۷) و خدا رویانید شما را از زمین روئیدنی (۱۸) سپس باز گرداند شما را در آن و برون آورد شما را برون آوردنی (۱۹) و گردانید خدا برای شما زمین را بستری (گسترشی) (۲۰) تا بروید در

آن راه‌هائی گشوده (شکافته) (۲۱) گفت نوح پروردگارا اینان عصیانم کردند و پیروی کردند آن را که نیفزودش مالش و فرزندش به جز زبانی (۲۲) و نیرنگ آوردند نیرنگ گرانی (۲۳) و گفتند رها نکنید خدایان خویش را و رها نکنید و د را و نه شوع را و نه یغوث را و نه یعوق را و نه نسر را (۲۴) و به درست گمراه کردند بیشی را و نیفزای ستمگران را جز گمراهی (۲۵) پس از گناهانشان غرق شدند پس درآورده شدند آتشی را و نیافتند برای خویش جز از خدا یارانی (۲۶) و گفت نوح پروردگارا نگذار بر زمین از کافران دّیاری (۲۷) که اگر بگذاریشان گمراه کنند بندگان را و نزنند جز گنهکار ناسپاسی (۲۸) پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و آن را که به خانه‌ام درآید مؤمن و مردان مؤمن و زنان مؤمنه را و نیفزای ستمگران را مگر تباهی (۲۹)

الجن

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) بگو وحی شد بسویم که گوش فراداشتند تنی چند از جن (پریان) پس گفتند همانا ما شنیدیم قرآنی شگفت را (۲) که رهبری می‌کرد بسوی راستی (خردمندی) پس ایمان آوردیم بدان و هرگز شرک نورزیم به پروردگار خویش کسی را (۳) و آنکه برتر شد پایه پروردگار ما که نگرفت همسری و نه فرزندی را (۴) و آنکه بود می‌گفت کم‌خرد ما بر خدا یاوه (بیپنده) را (۵) و آنکه ما پنداشتیم هرگز نگویند آدمی و پری بر خدا دروغی را (۶) و آنکه بودند مردانی از آدمیان پناه می‌بردند به مردانی از پریان پس بیفزودندشان گناه (۷) و آنکه آنان پنداشتند چنانکه پنداشتید که هرگز برنیانگیزد خدا کسی را (۸) و آنکه ما آسمان را سودیم پس یافتیمش پر شده است نگهبانانی سرسخت و شهابهائی (۹) و آنکه ما بودیم می‌نشستیم از ایشان نشستگاه‌هائی برای شنیدن پس هر کس گوش فرا دارد اکنون بیابد برای خویش شهابی را به کمین (۱۰) و آنکه ما ندانیم آیا بدی خواسته شده است با آنان که در زمینند یا خواسته است با ایشان پروردگارشان نیکی را (۱۱) و آنکه از ما شایستگانند و از ما کمتر از آن بوده‌ایم گروه‌هائی گوناگون (۱۲) و آنکه ما دانستیم که هرگز به عجز نیاریم خدا را در زمین و هرگز به عجزش نیاریم به گریختن (۱۳) و آنکه ما گاهی که شنیدیم راهنمایی را ایمان آوردیم بدان پس هر که ایمان آورد به پروردگار خویش نترسد کاهش و نه ستمی را (۱۴) و آنکه از ما مسلمانانند و از ما کجروان پس آنکو اسلام آورد آنانند که در پی بوده‌اند راستی و درستی را (۱۵) و اما کجروان پس بوده‌اند دوزخ را هیزم (۱۶) و آنکه اگر پایدار می‌شدند بر روش هر آینه می‌نوشانیدیمشان آبی فراوان (۱۷) تا بیازماییمشان در آن و آنکو روی برتابد از یاد پروردگار خویش ببردش در عذابی سخت (۱۸) و آنکه سجده گاه‌ها از آن خدا است پس نخوانید با خدا کسی را (۱۹) و آنکه هنگامی که پبای خاست بنده خدا تا بخواندش نزدیک بود بشوند بر او انبوه‌هایی (۲۰) بگو جز این نیست که خوانم پروردگار خویش را و شرک نورزم بدو کسی را (۲۱) بگو همانا من ندارم برای شما زیان و نه سودی را (۲۲) بگو همانا مرا پناه ندهد هرگز از خدا کسی و نه هرگز یابم جز او پناهگاهی را (۲۳) جز رساندن از خدا و پیامهایش و آنکه نافرمانی کند خدا و پیمبرش را هر آینه او را است آتش دوزخ جاودان در آن همیشه (۲۴) تا گاهی که دیدند آنچه را وعده داده شوند زود است بدانند کیست ناتوان‌تر یاور و کیست کمتر بشمار (۲۵) بگو ندانم آیا نزدیک است آنچه وعده داده شوید یا برنهد برایش پروردگارم سرآمدی را (۲۶) دانای نهان پس آگاه (یا چیره) نگرداند بر نهان خویش کسی را (۲۷) جز آنکو پسندد از فرستاده‌ای که می‌رود پیش رویش و از پشت سرش نگهبانی (۲۸) تا بداند که همانا رسانند پیامهای پروردگار خویش را و فرا گرفته است بدانچه نزد ایشان است و بشمرد (یا پایان رساند) است همه چیز را بشمار (۲۹)

المزمل

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) ای جامه به خود پیچیده (۲) پبای خیز شب را جز اندکی (۳) نیمش را یا بکاه از آن اندکی (۴) یا بیفزای بر آن و بسرای قرآن را سرودنی (۵) همانا زود است افکنیم بر تو گفتاری سنگین (۶) همانا پیدایش شب پررنج‌تر است و

استوارتر است در گفتار (۷) همانا تو را است در روز شناورایی دراز (بلند) (۸) و یاد کن نام پروردگار خویش را و به سویش گرای گرائیدنی (۹) پروردگار خاور و باختر نیست خدائی جز او پس برگیرش وکیل (۱۰) و شکیا شو بر آنچه گویند و دوری گزین از ایشان دوری جستن نکو (۱۱) و بهل مرا با تکذیب کنندگان دارندگان نعمت و مهلتشان ده اندکی (۱۲) همانا نزد ماست شکنجه‌هایی و دوزخی (۱۳) و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک (۱۴) روزی که بلرزد زمین و کوه‌ها و بگردند کوه‌ها پشته‌ای پاشیده (پراکنده) (۱۵) همانا فرستادیم بر شما پیمبری که گواه است بر شما چنانکه فرستادیم بسوی فرعون پیمبری (۱۶) پس عصیان کرد فرعون پیمبر را پس گرفتیمش گرفتنی سخت (۱۷) پس چگونه پرهیزید اگر کفر ورزید روزی را که بگرداند کودکان را پیر (۱۸) آسمان است شکافته بدان بوده است وعده شدنی (۱۹) همانا این است یادآوردنی تا هر که خواهد گیرد بسوی پروردگار خویش راهی (۲۰) همانا پروردگار تو داند که برمی‌خیزی کمتر از دو ثلث شب را و نیمی از آن و سه یک از آن را و گروهی از آنان که با تو هستند خدا است اندازه‌دهنده (مقدرکننده) شب و روز دانست که هرگز فرا نگیری‌دش پس توبه کرد بر شما پس بخوانید هر چه دست به هم دهد از قرآن دانست بزودی باشد از شما بیمارانی و دیگرانی که بگردند در زمین در پی فضل خدا و دیگرانی که پیکار کنند در راه خدا پس بخوانید آنچه فراهم شود از آن و پیای دارید نماز را و بدهید زکات را و وام دهید خدا را و می‌نکو و آنچه پیش فرستید برای خویش از نیکی بیایدش نزد خدا بهتر و بزرگتر به پاداش و آمرزش خواهید از خدا که خدا است همانا آمرزنده مهربان (۲۱)

المذثر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) ای به جامه خواب‌رفته (۲) پیای شو پس بترسان (۳) و پروردگار خویش را بزرگ شمر (۴) و جامه‌های خویش را پاک ساز (۵) و چرک را دوری گزین (۶) و منت منه که فزونی جوئی (۷) و برای پروردگار خویش بشکب (۸) پس گاهی که دمیده شد در صور (۹) آن است آن روز روزی دشوار (۱۰) بر کافران ناهموار (۱۱) بهل مرا با آنکه آفریدم تنها (۱۲) و نهادم برایش مالی پهناور (۱۳) و پسرانی گواهان (۱۴) و آماده کردم برایش آمادگی (۱۵) سپس امید دارد که بیفزایم (۱۶) نه چنین است همانا او است آیت‌های ما را دشمن (۱۷) زود است رسانمش به عذابی سخت (۱۸) همانا او اندیشید و سنجید (۱۹) پس کشته شود چگونه سنجید (۲۰) سپس کشته شود چگونه سنجید (۲۱) پس نگریست (۲۲) پس چهره درم ساخت و روی در هم کشید (۲۳) پس پشت کرد و کبر ورزید (۲۴) پس گفت نیست این جز جادوئی که رسد (۲۵) نیست این جز گفتار بشر (۲۶) زود است چشانیمش دوزخ (۲۷) و ندانی تو چیست دوزخ (۲۸) نه به جای گذارد و نه فروهلد (۲۹) دگرگون سازد پوست را (۳۰) بر آن است نوزده تن (۳۱) و نگردانیدیم یاران آتش را مگر فرشتگانی و نگردانیدیم شمار آنان را جز آزمایشی برای آنان که کفر ورزیدند تا یقین رسانند آنان که داده شدند کتاب را و بیفزایند آنان که ایمان آوردند ایمانی و دودل نکردند آنان که داده شدند کتاب را و مؤمنان و تا گویند آنان که در دل‌هایشان بیماری است و کافران چه چیز خواست خدا بدین مثل چنین گمراه سازد خدا هر که را که خواهد و رهبری کند هر که را که خواهد و نداند لشگرهای پروردگارت را جز او و نیست آن جز یادآوردی برای بشر (۳۲) نه چنین است سوگند به ماه (۳۳) و شب گاهی که روی برتابد (۳۴) و بامداد گاهی که رخ گشاید (۳۵) که آن است همانا یکی از گرانشا (۳۶) ترساننده برای بشر (۳۷) برای هر که بخواهد از شما پیش رود یا پس آید (۳۸) هر کس (هر جان) بدانچه فراهم کرد گروگان است (۳۹) مگر یاران راست (۴۰) در باغهایی پرسش کنند (۴۱) از گنجهکاران (۴۲) که چه چیز شما را درآورد به دوزخ (۴۳) گویند نبودیم از نمازگزاران (۴۴) و نبودیم بخورانیم به ناتوان (۴۵) و بودیم فرو می‌رفتیم با فروروندگان (۴۶) و بودیم تکذیب می‌کردیم به روز دین (۴۷) تا بیامد ما را یقین (۴۸) پس سود ندهدشان شفاعت شفاعتگران (۴۹) پس چه شودشان که از یاد آوردند روی گردانان (۵۰) گوئیا آنانند خران رمنده (۵۱) که گریخته‌اند از شیری ژبان (۵۲) بلکه خواهد هر مردی از ایشان که داده شود نامه‌هایی گشاده (پهناور) (۵۳) نه چنین است

بلکه بیم ندارند آخرت را (۵۴) نه چنین است همانا آن یادآوری است (۵۵) که هر که خواهد یاد آوردش (۵۶) و یادآور نشوند جز آنکه بخواد خدا اوست اهل پرهیزکاری و اهل آمرزیدن (۵۷)

القیامه

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سوگند یاد نکنم به روز رستاخیز (۲) و نه سوگند آرم به نهاد (به روان) سرزنشگر (۳) آیا پندارد انسان که هرگز گرد نیاریم استخوانهایش را (۴) بلی توانائیم بر آنکه راست کنیم سرانگشتانش را (۵) بلکه خواهد انسان که باز کند پیش رویش را (۶) پرسد کی است روز قیامت (۷) تا گاهی که بدرخشد دیده (۸) و بگیرد ماه (۹) و گردآورده شوند مهر و ماه (۱۰) گوید انسان در آن روز کجا است گریزگاه (۱۱) نه چنین است نیست گریزگاه (۱۲) بسوی پروردگار تو است در آنروز آرامشگاه (۱۳) آگاه شود انسان در آن روز بدانچه پیش فرستاد و پس انداخت (۱۴) بلکه انسان است بر جان خویشتن بینا (۱۵) و هر چند بیفکند بهانه‌های خویش را (۱۶) نجبان بدان زبانت را تا بشتابی بدان (۱۷) که همانا بر ما است گردآوردنش و خواندنش (۱۸) تا گاهی که خوانیمش پس پیروی کن از خواندنش (۱۹) سپس همانا بر ما است بیانش (۲۰) نه چنین است بلکه دوست دارید شتابان را (۲۱) و رها کنید پایان را (۲۲) چهره‌هایی است در آن روز خرم (۲۳) بسوی پروردگار خویش نگران (۲۴) و چهره‌هایی است در آن روز دژم (۲۵) پندارند که کرده نشود با ایشان کاری کمرشکن (۲۶) نه چنین است بلکه گاهی که برسد گلوگاه‌ها را (۲۷) و گفته شود کیست درمان‌بخش (فسونگر) (۲۸) پندارد که آن است جدائی (۲۹) و بیچد ساق به ساق (۳۰) بسوی پروردگار تو است در آن روز شدنگاه (۳۱) پس نه تصدیق کرد و نه نماز گزارد (۳۲) و لیکن تکذیب کرد و روی برتافت (۳۳) پس روان شد بسوی خاندان خویش خرامان (خمیازه‌کشان) (۳۴) تو را سزد پس تو را سزد (۳۵) سپس تو را سزد پس تو را سزد (۳۶) آیا پندارد انسان که گذارده شود رها (۳۷) آیا نبود چکه‌ای از منی که ریخته شود (۳۸) پس گردید خونی بسته پس بیافرید پس بیاراست (۳۹) پس گردانید از او دو جفت را نر و ماده (۴۰) آیا نیست آن توانا بر آنکه زنده سازد مرده گان را (۴۱)

الإنسان

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) آیا گذشت بر انسان گاهی از روزگار که نبود چیزی یادآورده (۲) همانا ما آفریدیم انسان را از چکه آبی به هم آمیخته که می‌آزمودیمش پس گردانیدیمش شنوائی بینا (۳) همانا رهبریش کردیم راه را یا سپاسگزار و یا ناسپاس (۴) همانا ما آماده ساختیم برای کافران زنجیرهایی و گندهائی و آتشی سوزان (۵) همانا نیکان می‌آشامند از جامی که آمیزش آن است کافور (۶) چشمه‌ای که نوشند از آن بندگان خدا بشکافندش شکافتنی (۷) پایدار مانند بر نذر و ترسند روزی را که بدی آن است پرزنان (۸) و خوراندند خوراک را با دوست داشتنش به بینوائی و یتیمی و برده‌ای (۹) جز این نیست که می‌خورانیم شما را برای روی خدا نخواهیم از شما پاداشی و نه سپاسی (۱۰) همانا ترسیم از پروردگار خویش روزی را دژم‌خوی آشفته‌روی (۱۱) پس نگهداشتشان خدا از بدی آن روز و بدیشان ارزانی داشت خرمی و شادمانی (۱۲) و پاداششان داد بدانچه شکبیا شدند بهشتی و حریری (۱۳) تکیه‌کنانند در آن بر بالینها نبینند در آن آفتابی و نه سرمائی (۱۴) و نزدیک است بدیشان سایه‌هایش و رام گردیدند میوه‌هایش رام‌شدنی (۱۵) و گردش داده شود بر ایشان جامه‌هایی از سیم و پیاله‌ها (صراحی‌هایی) که باشند آبگینه‌هایی (۱۶) آبگینه‌هایی از سیم که پرداختندش پرداختنی (۱۷) و نوشانیده شوند در آن جامی که باشد آمیزش آن زنجیل (۱۸) چشمه‌ای در آن که نامیده شود سلسیل (۱۹) و گردش کنند بر ایشان پسرانی جاودانی گاهی که بنگریشان پنداریشان مرواریدهای پوشیده (۲۰) و گاهی که بنگری آنجا بینی نعمتهائی و پادشاهی بزرگ (۲۱) بر ایشان (فراز ایشان) است جامه‌های سندس سبزی و استبرقی و زیب داده شدند با دست‌بندهایی از سیم و نوشانیدشان پروردگارشان نوشابه پاک‌کننده (۲۲) همانا این است شما

را پاداشی و بوده است کوشش شما سپاسگزارده (۲۳) همانا ما فرستادیم بر تو قرآن را فرستادنی (۲۴) پس شکبیا شو برای حکم پروردگار خویش و فرمانبرداری نکن از ایشان گنهکاری را یا ناسپاسی (۲۵) و ببر نام پروردگارت را بامدادان و شب هنگام (۲۶) و از شب پس سجده کن برایش و تسبیحش گوی شبی دراز (۲۷) همانا اینان دوست دارند شتابان را و بگذارند پشت سر خویش روزی سنگین را (۲۸) ما آفریدیمشان و استوار ساختیم آفرینش ایشان را و هر گاه خواهیم تبدیل کنیم بمانندگان ایشان تبدیلی (۲۹) همانا این است یادآوری تا هر که خواهد برگردد بسوی پروردگار خویش راهی را (۳۰) و نخواهید جز آنکه خواهد خدا همانا بوده است خدا دانشمند حکیم (۳۱) درآرد هر که را خواهد به رحمت خویش و ستمگران را آماده ساخت برای ایشان عذابی دردناک (۳۲)

المرسلات

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سوگند به فرستادگان پیایی (انبوه چون یال اسب) (۲) پس تندوزندگانی از بادها وزیدنی تند (۳) و بگسترانندگان گسترانیدنی (۴) پس به جداکنندگان جداکردنی (۵) پس با فکنندگان ذکر (۶) بهانه‌ای یا بیمی را (۷) که آنچه وعده داده شوید فرودآینده است (۸) پس گاهی که ستارگان نابود شوند (۹) و گاهی که آسمان شکافته شود (۱۰) و گاهی که کوه‌ها پراکنده شوند (۱۱) و گاهی که فرستادگان وقت داده شوند (۱۲) برای چه روزی پس انداخته شده است (۱۳) برای روز جداشدن (۱۴) و ندانستند چیست روز جداشدن (۱۵) وای در آن روز برای تکذیب‌کنندگان (۱۶) آیا نابود نساختیم پیشینیان را (۱۷) پس پیرو کردیمشان پسینیان را (۱۸) چنین کنیم به گنهکاران (۱۹) وای در آن روز برای تکذیب‌کنندگان (۲۰) آیا نیافریدیمتان از آبی خوار و زبون (۲۱) پس نهادیمش در آرامگهی جایدار (۲۲) تا اندازه دانسته (۲۳) پس اندازه نهادیم پس چه خوبند اندازه‌نهان (۲۴) وای در آن روز برای تکذیب‌کنندگان (۲۵) آیا نگردانیدیم زمین را فراگیرنده (۲۶) زندگان را و مردگان را (۲۷) و نهادیم در آن لنگرهائی افراشته و نوشانیدیمتان آبی گوارا (۲۸) وای در آن روز برای تکذیب‌کنندگان (۲۹) بروید بسوی آنچه بودید بدان تکذیب می‌کردید (۳۰) بروید بسوی سایه سه شعبه (۳۱) که نه سایه افکن است و نه بی‌نیاز کند از شراره آتش (۳۲) پرتاب کند همانا شراره‌هائی چون کاخ (۳۳) گوئیا آن است اشتری زردفام (۳۴) وای در آن روز برای تکذیب‌کنندگان (۳۵) این است روزی که سخن نگویند (۳۶) و نه دستور داده شوند تا بهانه آرند (۳۷) وای در آن روز برای تکذیب‌کنندگان (۳۸) این است روز جداکردن گردآوریم شما را و پیشینیان (۳۹) اگر شما را است نیرنگی پس آهنگم کنید (۴۰) وای در آنروز برای تکذیب‌کنندگان (۴۱) همانا پرهیزکارانند در سایه‌ها و چشمه‌سارهای (۴۲) و میوه‌ای از آنچه هوس کنند (۴۳) بخورید و بنوشید نوش باد بدانچه بودید می‌کردید (۴۴) همانا ما بدینگونه پاداش دهیم به نکوکاران (۴۵) وای در آن روز برای تکذیب‌کنندگان (۴۶) بخورید و برخوردار شوید اندکی که شمائید گنهکاران (۴۷) وای در آن روز برای تکذیب‌کنندگان (۴۸) و هر گاه گفته شود بدیشان رکوع بگزاید نگزارند (۴۹) وای در آن روز برای تکذیب‌کنندگان (۵۰) پس به کدام داستانند پس از این ایمان آرندگان (۵۱)

النبأ

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) از چه چیزند پرسش‌کنان (۲) از داستان (آگهی) بزرگ (۳) آنکه آنانند در آن اختلاف‌کنان (۴) نه چنین است زود است بدانند (۵) پس نه چنین است زود است بدانند (۶) آیا نگردانیدیم زمین را آرامگاهی (۷) و کوه‌ها را میخهائی (۸) و آفریدیم شما را جفتهائی (۹) و گردانیدیم خواب شما را بیهشی (یا آسایشی) (۱۰) و گردانیدیم شب را پوشاکی (۱۱) و گردانیدیم روز را روزی گهی (۱۲) و بنیاد نهادیم فراز شما هفت گانه‌ای استوار (۱۳) و نهادیم چراغی درخشان (۱۴) و فرستادیم از فشرده‌ها آبی ریزان (۱۵) تا برون آریم بدان دانه و رستنی (۱۶) و باغستانی پیچاپیچ (۱۷) همانا روز جداشدن است وعده‌گهی (۱۸) روزی که دمیده شود در صور پس آیند گروه‌هائی (۱۹) و گشوده شود آسمان پس بگردد درهائی (۲۰) و رانده شوند کوه‌ها پس شوند

سرابی (۲۱) همانا دوزخ است کمینگاهی (۲۲) برای سرکشان بازگشتگاهی (۲۳) ماندگانند در آن سالهائی (۲۴) نچشند در آن خنکی و نه نوشابه‌ای (۲۵) مگر آبی جوشان و چرکی (۲۶) کیفری برابر (۲۷) که بودند ایشان امید نداشتند حسابی (۲۸) و تکذیب کردند آیت‌های ما را تکذیبی (۲۹) و هر چیزی را فرا آوردیم در نامه‌ای (۳۰) پس بچشید که هرگز نیفزائیم شما را جز عذابی (۳۱) همانا برای پرهیزکاران است برخورداری گاهی (۳۲) باغچه‌هائی و تاکهائی (۳۳) و آنان پستان برآمده همسالانی (۳۴) و جامی لبریز (۳۵) نشنوند در آن یاه و نه تکذیبی (۳۶) پاداشی از پروردگارت بخششی به شمار (۳۷) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است خداوند مهربان که دارا نیستند از او خطابی (سخن گفتنی) (۳۸) روزی که پپای ایستند روح و فرشتگان به صفی سخن نگویند جز آنکو دستوری دهدش خداوند مهربان و گوید درستی (۳۹) آن است روز حقّ تا هر که خواهد برگیرد بسوی پروردگار خویش بازگشتگاهی (۴۰) همانا بیم دادیم شما را از عذابی نزدیک روزی که بنگرد مرد آنچه را پیش فرستاده است دو دستش و گوید کافر کاش می‌بودم خاکی (۴۱)

النازعات

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سوگند به برکنندگان به قوت (۲) و به کشندگان کشیدنی (یا جهندگاه جهشی) (۳) و به شناوری کنان شناوری (۴) پس پیشی گیرندگان پیشی گرفتنی (۵) پس کاربردان کاری (۶) روزی که بلرزد لرزنده (۷) از پیش آید پی درآینده (۸) دل‌هائی است در آن روز هراسان (۹) دیدگان آنها است سرافکنده (۱۰) گویند آیا مائیم بازگردانیده در گور (یا در حال نخستین) (۱۱) آیا گاهی که گردیدیم استخوانهائی پوسیده (۱۲) گویند آن است آن هنگام بازگشتی زیانمند (۱۳) پس جز این نیست که خروشی است یگانه (۱۴) ناگهان ایشانند به روی زمین (۱۵) آیا بیامدت داستان موسی (۱۶) گاهی که بانگ دادش پروردگارش بر درّه مقدّس طوی (۱۷) برو بسوی فرعون که او سرکشی کرد (۱۸) پس بگو آیا تو را است بسوی آنکه پاکی جوئی (۱۹) و رهبریت کنم بسوی پروردگارت پس بترسی (۲۰) پس نمایاندش آیت بزرگ را (۲۱) پس تکذیب کرد و سرپیچید (۲۲) سپس پشت کرد می‌دوید (۲۳) پس گردآورد پس برخواند (۲۴) پس گفت منم پروردگار بزرگتر شما (۲۵) پس گرفتش خدا به کیفر انجام و آغاز (۲۶) همانا در این است عبرتی برای آنکه بترسد (۲۷) آیا شما سخت‌ترید در آفرینش یا آسمان که ساختش (۲۸) برافراشت پوشش را پس بیاراستش (۲۹) و تاریک ساخت شبش را و برآورد روزش (۳۰) و زمین را از آن پس گسترانیدش (۳۱) برون آورد از آن آبش را و چراگاهش (۳۲) و کوه‌ها را لنگر گردانیدش (۳۳) بهره‌مندیی برای شما و برای دام‌های شما (۳۴) پس گاهی که آید فرودآینده‌ای بزرگتر (۳۵) روزی که یاد آورد انسان آنچه را کوشیده است (۳۶) و آشکار گردد دوزخ برای هر که بیند (۳۷) پس اما آنکه سرپیچید (۳۸) و زندگانی دنیا را برگزید (۳۹) همانا دوزخ است جایگاهش (۴۰) و اما آنکه بترسد جایگاه پروردگار خویش را و بازدارد خویشتن را از هوسها (۴۱) همانا بهشت است جایگاهش (۴۲) پرسندت از ساعت کی است لنگرگاهش (۴۳) در چیستی تو از یادآوردنش (۴۴) بسوی پروردگار تو است پایانش (۴۵) جز این نیست که توئی ترساننده آنکه بترسدش (۴۶) گوئیا ایشان روزی که بیندش نماندند جز شبی یا روزش (۴۷)

عبس

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) روی درهم کشید و پشت کرد (۲) که آمدش کور (۳) و چه دانست شاید او پاکی جوید (۴) یا یادآور شود پس سود دهدش یادآوردن (۵) اما آنکه بی‌نیازی جست (۶) پس تواش پذیرفتی (۷) و نیست بر تو که او پاکی نجوید (۸) و اما آنکه بیامدت می‌دوید (۹) و او می‌ترسید (۱۰) پس تو از او سرگرمی جستی (۱۱) نه چنین است همانا آن است یادآوری (۱۲) که هر که خواهد یاد آوردش (۱۳) در نامه‌هایی گرامی (۱۴) برافراشته پاک‌شده (۱۵) به دستهای پیام‌آورانی (۱۶) گرامیانی نیکانی (۱۷) کشته باد

انسان چه ناسپاس است (۱۸) از چه چیز آفریدش (۱۹) از نطفه بیافریدش پس مقدر داشتش (اندازه نهادش) (۲۰) سپس راه را آماده ساختش (۲۱) پس میرانیدش و به گور بردش (۲۲) سپس هر گاه خواست برون آردش (۲۳) نه چنین است هنوز نگذارد آنچه فرمودش (۲۴) پس بنگرد انسان بسوی خوراکش (۲۵) که ریختیم ما آب را ریزی (۲۶) پس شکافتیم زمین را شکافتنی (۲۷) پس رویانیدیم در آن دانه (۲۸) و انگوری و خرمائی (۲۹) و زیتونی و خرمانی (۳۰) و باغچه‌هایی پیچیده (۳۱) و میوه‌ای و چمنی (۳۲) بهره‌ای برای شما و برای دامهای شما (۳۳) پس گاهی که آید خروش کرسازنده (۳۴) روزی که گریزد مرد از برادرش (۳۵) و مادرش و پدرش (۳۶) و همسرش و فرزندانش (۳۷) هر مردی از ایشان را است در آن روز کاری که به خود واداردش (۳۸) چهره‌هایی است در آن روز گشوده (۳۹) خندان شادان (۴۰) و چهره‌هایی در آن روز بر آنهاست گردی (۴۱) دستخوش سازدش پریشانی (۴۲) آنانند کافران پرده‌دران (۴۳)

التکویر

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) گاهی که خورشید بی فروغ گردد (۲) و گاهی که ستارگان تیره شوند (۳) و گاهی که کوه‌ها رانده شوند (۴) و گاهی که اشتران آبستن (یا آبستنان) رها کرده شوند (۵) و گاهی که وحشیان گردآورده شوند (۶) و گاهی که دریاها به هم آمیخته شوند (۷) و گاهی که نفوس جفت کرده شوند (۸) و گاهی که گور شده پرسیده شود (۹) به کدام گناه کشته شد (۱۰) و گاهی که نامه‌ها گشوده شود (۱۱) و گاهی که آسمان برکنده شود (۱۲) و گاهی که دوزخ افروخته شود (۱۳) و گاهی که بهشت آماده (یا نزدیک) شود (۱۴) بدانند هر کسی آنچه احضار کرده است (۱۵) پس سوگند نیارم به فروروندگان (۱۶) رونندگان نهان شدگان (۱۷) و شب‌گاهی که تیرگیش پشت کند (۱۸) و بامداد گاهی که بدرخشد (۱۹) که آن است همانا گفتار فرستاده گرامی (۲۰) توانگری نزد خداوند عرش ارجمند (یا سخن روائی) (۲۱) فرمانروائی آنجا امینی (۲۲) و نیست یار شما دیوانه (۲۳) و هر آینه بدیدش در افقی آشکار (۲۴) و نیست او بر ناپیدا بخیل (۲۵) و نیست آن سخن شیطان رانده شده (۲۶) پس کجا می‌روید (۲۷) نیست آن جز یادآوری برای جهانیان (۲۸) برای آنکه خواهد از شما که راستی گزیند (یا پایداری کند) (۲۹) و نخواهید جز آنکه خواهد خدا پروردگار جهانیان (۳۰)

الانفطار

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) گاهی که آسمان بشکافد (۲) و گاهی که ستارگان بپاشد (یا بریزد) (۳) و گاهی که دریاها شکافته شود (۴) و گاهی که گورها برانگیخته شود (۵) داند کسی چه پیش فرستاده است و چه پس آورده است (۶) ای انسان چه چیزت فریفت (یا چه فریفته تو را) به پروردگار کریمت (۷) آنکه آفریدت پس راست آوردت پس معتدلت ساخت (۸) به هر پیکری که خواست تو را پرداخت (۹) نه چنین است بلکه تکذیب کنید به دین (۱۰) و همانا بر شما است نگهبانانی (۱۱) گرامیانی نویسندگان (۱۲) دانند آنچه کنید (۱۳) همانا نیکانند در نعمتها (۱۴) و همانا گنهکارانند در دوزخ (۱۵) چشندش روز دین (۱۶) و نیستند ایشان از آن ناپدیدان (۱۷) و ندانی تو چیست روز دین (۱۸) پس ندانی تو چیست روز دین (۱۹) روزی که دارا نیست کسی برای کسی چیزی و کار در آن روز خدا را است (۲۰)

المطففین

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) وای بر کم‌فروشان (۲) آنان که هر گاه پیمایند بر مردم تمام بردارند (۳) و هر گاه پیمایندشان یا سنجندشان کم دهند (۴) آیا نپندارند که ایشان برانگیختگانند (۵) برای روزی بزرگ (۶) روزی که پلای خیزند مردم برای پروردگار

جهانیان (۷) نه چنین است همانا نامه گنهکاران است در سَجِّین (۸) و چه دانست چیست سَجِّین (۹) نامه‌ای است نوشته (۱۰) وای در آن روز بر تکذیب کنندگان (۱۱) آنان که تکذیب کنند به روز دین (۱۲) و تکذیب نکند بدان جز هر تجاوزگری گنهکار (۱۳) که هر گاه خوانده شود بر او آیت‌های ما گوید این است افسانه‌های پیشینیان (۱۴) نه چنین است بلکه چیره گشت بر دل‌های آنها بودند فراهم می کردند (۱۵) نه چنین است همانا ایشانند از پروردگارشان آن روز راندگان (۱۶) سپس ایشانند همانا چشندگان دوزخ (۱۷) پس گفته شود این است آنچه بودید بدان تکذیب می کردید (۱۸) نه چنین است همانا نامه نیکان است در عِلِّین (۱۹) و چه دانست چیست عِلِّین (۲۰) نامه نوشته (۲۱) که گواهی‌دهنده نزدیکان (۲۲) همانا نیکانند در نعمتها (۲۳) بر بالشها (یا تختها) نگران (۲۴) بشناسی در چهره‌شان خرمی نعمتها (۲۵) نوشاینده شوند از جامی مُهرزده (۲۶) مُهر آن است مشک و بدین پس باید بگرزند گروندگان (۲۷) و آمیزش آن است از تسنیم (۲۸) چشمه‌ای که نوشند از آن نزدیکان (۲۹) همانا آنان که گنهکارانند بودند بر آنان که ایمان آوردند خنده‌زنان (۳۰) و هر گاه می گذشتند بر آنان به چشم طعن و استهزاء بنگرند (۳۱) و هر گاه باز می گشتند بسوی خاندان خویش باز می گشتند لبخندزنان (۳۲) و هر گاه می دیدندشان می گفتند همانا اینانند گمراهان (۳۳) و فرستاده نبودند بر ایشان نگهبانان (۳۴) پس امروز آنان که ایمان آوردند به کافرانند خنده‌زنان (۳۵) بر بالشهایند نگران (۳۶) آیا پاداش داده شدند کَفَّار آنچه را بودند می کردند (۳۷)

الانشقاق

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) گاهی که آسمان بشکافت (۲) و فرمان برد برای پروردگار خویش و سزاوار شد (۳) و گاهی که زمین کشیده (پهن) شد (۴) و افکند آنچه در آن است و تهی شد (۵) و فرمان برد پروردگار خویش را و سزاوار شد (۶) ای انسان همانا تویی رنج‌برنده بسوی پروردگار خویش رنجی را پس رسنده‌ای بدان (۷) امّا آنکه داده شود نامه خویش را به راستش (۸) پس زود است حساب شود حسابی آسان (۹) و باز گردد بسوی خاندان خویش شادان (۱۰) و اما آنکه داده شود نامه خویش را از پشت سرش (۱۱) پس زود است بخواند مرگ را (۱۲) و بچشد آتش را (۱۳) که بود او همانا در خاندان خود شادان (۱۴) او همانا پنداشت که هرگز باز نگردد (۱۵) بلکه پروردگار او است بدو بینا (۱۶) پس سوگند نیارم به خورگاه (شفق) (۱۷) و به شب و آنچه فراگیرد (۱۸) و به ماه گاهی که تمام شود (۱۹) که هر آینه سوار گردید پستی بر پستی (طبقه‌ای پس از طبقه‌ای) (۲۰) پس چه شودشان که ایمان نیارند (۲۱) و گاهی که خوانده شود بر ایشان قرآن سجده نکنند (۲۲) بلکه آنان که کفر ورزیدند تکذیب کنند (۲۳) و خدا دانا است بدانچه در خویشان نهان دارند (۲۴) پس مژده ده ایشان را به عذابی دردناک (۲۵) مگر آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند که ایشان را است مزدی بی پایان (یا بی‌مَنّت) (۲۶)

البروج

بنام خداوند بخشنده مهربان (۱) سوگند به آسمان دارنده برجها (۲) و به روز وعده‌شده (۳) و به گواه و گواهی‌شده (۴) کشته شوند یاران حفره‌ها (۵) آن آتش فروزان (یا دارنده) سوخت (۶) گاهی که ایشانند بر آن نشستگان (۷) و آنانند بر آنچه به مؤمنان کنند گواهان (۸) و خشم نگرفتند بر ایشان جز از آن رو که ایمان آوردند به خدای عزّتمند ستوده (۹) آنکه وی را است پادشاهی آسمانها و زمین و خدا است بر همه چیز گواه (۱۰) همانا آنان که فریب دادند مردان و زنان مؤمن را سپس توبه نکردند ایشان را است عذاب دوزخ و ایشان را است عذاب سوزان (۱۱) همانا آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ایشان را است باغهایی که روان است زیر آنها جوی‌ها این است رستگاری بزرگ (۱۲) همانا خشم‌آوری پروردگار تو است سخت (۱۳) همانا او پدید آرد و باز گرداند (۱۴) و او است آمرزگار دوست‌دار (۱۵) دارنده عرش گرامی (۱۶) کننده هر آنچه خواهد (۱۷) آیا بیامدت داستان

لشکرها (۱۸) فرعون و ثمود (۱۹) بلکه آنان که کفر ورزیدند در تکذیبند (۲۰) و خدا است از پشت سرشان فراگیرنده (۲۱) بلکه آن قرآنی است گرامی (۲۲) در لوحی نگهداشته (۲۳)

الطارق

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به آسمان و به شب درآینده (۲) و چه دانست چيست شب درآینده (۳) آن ستاره تابنده (۴) نيست کسی جز بر او است نگهبانی (۵) پس بنگرد انسان از چه شد آفریده (۶) آفریده شد از آبی جهنده (۷) که برون آید از میان کمر و استخوانهای سینه (۸) همانا او است بر بازگردانیدنش توانا (۹) روزی که فاش شوند رازهای درون (۱۰) پس نيستش نیروئی و نه یاورى (۱۱) سوگند به آسمان دارای برگشت یا باران (۱۲) و به زمین دارای شکاف (۱۳) که آن است همانا گفتاری جداسازنده (۱۴) و نيست آن یاوه (شوخی) (۱۵) همانا ایشان نیرنگ آرند نیرنگی (۱۶) و نیرنگ آرم نیرنگی (۱۷) پس مهلت ده کافران را مهلتشان ده اندکی (۱۸)

الأعلى

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) تسبیح گوی نام پروردگار خویش را آن برتر (۲) آنکه آفرید پس راست کرد (۳) و آنکه تقدیر کرد پس هدایت کرد (۴) و آنکو برون آورد چراگاه را (۵) پس گردانیدش خشک سیاه (۶) زود است بخوانیم بر تو (خوانا گردانیمت) تا فراموش نکنی (۷) مگر آنچه خواهد خدا که او می داند آشکار را و آنچه نهان شود (۸) و روان گردانیمت بسوی آسانی (۹) پس یادآوری کن اگر سود دهد یادآوردن (۱۰) زود است یادآورد آنکه می ترسد (۱۱) و دوری گزیندش بدبخت تری (۱۲) که می چشد آتش بزرگتر را (۱۳) پس نمیرد در آن و نه زنده شود (۱۴) همانا رستگار شد آنکه پاکی جست (۱۵) و یاد کرد نام پروردگار را پس نماز گزارد (۱۶) بلکه برمی گزینید زندگانی دنیا را (۱۷) و آخرت بهتر است و پایدارتر (۱۸) همانا این است در نامه های نخستین (۱۹) نامه های ابراهیم و موسی (۲۰)

الغاشية

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) آیا پیامدت داستان فراگیرنده (۲) روی هائی است در آن روز سرافکننده (۳) کارکننده اند رنجبرنده (۴) چشند آتشی سوزان (۵) نوشانیده شوند از چشمه جوشان (۶) نيستشان خوراکی جز از خار (۷) نه فربه سازد و نه بی نیاز کند از گرسنگی (۸) روی هائی است در آن روز شاداب (۹) از کوشش خویشند خوشنود (۱۰) در بهشتی فرازنده (۱۱) نشوند در آن یاوه ای (۱۲) در آن است چشمه روان (۱۳) در آن است تختهائی افراشته (۱۴) و جامهائی نهاده (۱۵) و بالشهائی چیده (صف آورده) (۱۶) و پرده های گسترده (۱۷) آیا ننگرند بسوی اشتر چگونه آفریده شد (۱۸) و بسوی آسمان چگونه افراشته شد (۱۹) و بسوی کوه ها چگونه نشانده شد (۲۰) و بسوی زمین چگونه گسترده شد (۲۱) پس یادآوری کن جز این نيست تویی یادآورنده (۲۲) نيستی بر ایشان فرمانده (۲۳) مگر آنکه روی برتافت و کفر ورزید (۲۴) که عذاب کندش خدا آن عذاب بزرگتر (۲۵) همانا بسوی ماست بازگشتشان (۲۶) سپس همانا بر ماست حسابشان (۲۷)

الفجر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به بامداد (۲) و شبهای ده گانه (۳) و جفت و تک (۴) و به شب گاهی که برود (۵) آیا هست در این سوگندی برای خردمند (۶) آیا ندیدی چه کرد پروردگار تو به عاد (۷) ارم دارای ستون (۸) آنی که آفریده نشد مانندش در

شهرها (۹) و ثمودی که بریدند سنگ را به درّه (۱۰) و فرعون دارنده ستونها (یا میخها) (۱۱) آنان که سرکشی کردند در شهرها (۱۲) پس فراوان کردند در آنها تبهکاری را (۱۳) پس بریخت بر آنان پروردگار تو تازیانه عذاب (۱۴) همانا پروردگار تو است در کمینگاه (۱۵) اما انسان هر گاه بیازمایدش پروردگارش پس گرامیش دارد و نعمتش دهد گوید پروردگارم گرامیم داشت (۱۶) و اما هر گاه بیازمایدش پس تنگ گیرد بر او روزیش را گوید پروردگارم خوارم ساخت (۱۷) نه چنین است بلکه گرامی ندارید یتیم را (۱۸) و ترغیب نکنید بر خوراندن بینوا (۱۹) و خورید میراث را خوردنی گوارا (یا انبوه) (۲۰) و دوست دارید مال را دوستی فراوان (۲۱) نه چنین است هر گاه کوبیده شود زمین کوبیدنی کوبیدنی (۲۲) و بیاید پروردگار تو با فرشتگان صفی صفی (۲۳) و آورده شود آن روز دوزخ در آن روز یادآور شود انسان و کجاستش یادآوری (۲۴) گوید کاش پیش می فرستادم برای زندگانی خویش (۲۵) پس در آن روز عذاب نشود چون عذاب او کسی (۲۶) و بسته نشود چون بستن او کسی (۲۷) ای روان آسوده (یا ای نفس آرمیده) (۲۸) بازگرد بسوی پروردگار خویش خشنود خشنود شده (۲۹) پس در آی در بندگانم (۳۰) و در آی در بهشتم (۳۱)

البلد

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند نیارم بدین شهر (۲) و توئی جای گزین در این شهر (۳) و پدری و آنچه فرزند نهاد (۴) که آفریدیم انسان را در رنج (۵) آیا پندارد که توانائی ندارد هرگز بر او کسی (۶) گوید تباه کردم مالی انبوه را (۷) آیا پندارد که ندیدش کسی (۸) آیا ننهادیم برایش دیدگانی (۹) و زبانی و لبانی (۱۰) و رهبریش کردیم بدان دو پشته (۱۱) پس برنیامد (یا نگذشت) بر آن پشته (۱۲) و چه دانست چیست آن پشته (۱۳) آزاد کردن یک بنده (۱۴) یا خوراندنی در روز پریشانی (یا روزی دارنده گرسنگی) (۱۵) به یتیمی خویشاوند (۱۶) یا بینوائی خاکسار (یا نیازمند) (۱۷) سپس گشت از آنان که ایمان آوردند و سفارش کردند به شکیبائی و سفارش کردند به مهربانی کردن (۱۸) آنانند یاران راست (۱۹) و آنان که کفر ورزیدند به آیتهای ما آنانند یاران چپ (یا شومی) (۲۰) بر ایشان است آتش افروخته (یا انبوه یا پوشیده) (۲۱)

الشمس

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به خورشید و پرتوش (یا آفتابش) (۲) و به ماه گاهی که از پیش آید (۳) و به روز گاهی که تابناکش سازد (۴) و به شب گاهی که بپوشدش (۵) و به آسمان و آنچه (یا آنکه) بساختش (۶) و به زمین و آنچه گستردهش (۷) و به روان و آنچه راست آوردش (۸) پس سروشش فرستاد گنجهکاریش و پرهیزش (۹) همانا رستگار شد آنکه پاک ساختش (۱۰) و همانا آیان کرد آنکه بفریفتش (یا نهان داشتش) (۱۱) تکذیب کرد ثمود به سرکشیش (۱۲) گاهی که برانگیخت بدنهادتر (یا تیربخت ترش) (۱۳) پس گفت بدیشان پیمبر خدا اشتر خدا را و آبشخورش (۱۴) پس تکذیبش کردندش پس پی کردندش پس برآشت بر ایشان پروردگارشان به گناهشان پس یکسانش کرد (۱۵) و نهراسد از فرجامش (۱۶)

اللیل

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به شب گاهی که فراگیرد (۲) و روز گاهی که برتابد (۳) و آنچه (یا آنکه) آفرید نر و ماده را (۴) که کوشش شما است همانا گوناگون (۵) پس اما آنکه بخشید و پرهیزکاری کرد (۶) تصدیق به نیکوکاری کرد (۷) زود است رهنمونش شویم بسوی گشایش (۸) و اما آنکه بخل ورزید و بی نیازی گرفت (۹) و تکذیب به نیکوکاری کرد (۱۰) پس زود است برانیمش بسوی دشواری (۱۱) و بی نیاز نکند از او مالش گاهی که تباه شود (۱۲) همانا بر ما است هدایت (۱۳) و همانا برای ما است بازپسین و نخستین (۱۴) پس ترسانیدم شما را از آتش که زبانه کشد (۱۵) نپچشدش جز بدبخت تری (۱۶) که تکذیب کند و پشت

کند (۱۷) و زود است دور شودش پرهیز کارتری (۱۸) که دهد مالش را پاکی جوید (۱۹) و نیست کسی را نزدش نعمتی که پاداش داده شود (۲۰) جز در پی روی پروردگار برترش (۲۱) و همانا بزودی خوشنود شود (۲۲)

الضحی

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به چاشتگاه (یا روز) (۲) و به شب گاهی که تیرگی افکند (۳) بدرودت نگفت پروردگارت و نه خشمگین شد (۴) و همانا انجام بهتر است تو را از آغاز (۵) و هر آینه زود است دهدت پروردگارت تا خوشنود شوی (۶) آیا نیافتت یتیمی پس جای داد (۷) و یافتت سر به گمی پس رهبری کرد (۸) و یافتت گرانباری (عیالمند) پس بی نیاز کرد (۹) اما یتیم را پس خشم نیار (۱۰) و اما دریوزه را پس نران (یا نهیب زن) (۱۱) و اما به نعمت پروردگار خویش پس زبان گشای (۱۲)

الشرح

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) آیا فراخ نگردانیدیم (گشاده نداشتیم) برایت سینهات را (۲) و نهادیم از تو بارت را (۳) آن را که بشکست پشتت را (۴) و بلند ساختیم برایت نامت (یا سخت) را (۵) همانا با سختی است گشایشی (۶) همانا با سختی است گشایشی (۷) پس هر گاه که فراغت یافتی بایست (بکوش) (۸) و بسوی پروردگار خویش بگرای (۹)

التین

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به انجیر و زیتون (۲) و طور سینین (یا سینا) (۳) و این شهر آرام (یا ایمن) (۴) که آفریدیم انسان را در نکوتر اندام (۵) سپس باز گردانیدیمش فرود فرودین (۶) مگر آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند که ایشان را است مزدی بی پایان (۷) پس چه چیز تکذیب کند تو را از این پس به دین (۸) آیا نیست خدا حکم کننده ترین حکم کنندگان (۹)

العلق

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) بخوان به نام پروردگار خویش که آفرید (۲) آفرید انسان را از خون بسته (۳) بخوان و پروردگار تو است مهتر (۴) آنکه بیاموخت قلم را (۵) آموخت به انسان آنچه را ندانست (۶) نه چنین است همانا انسان سرکشی کند (۷) که بیندش بی نیاز شود (۸) همانا بسوی پروردگار تو است بازگشت (۹) آیا دیدی آن را که بازدارد (۱۰) بنده ای را گاهی که نماز گزارد (۱۱) آیا دیدی اگر بود بر هدایت (۱۲) یا فرمود به پرهیزکاری (۱۳) آیا دیدی اگر تکذیب کرد و پشت کرد (۱۴) آیا ندانست که خدا می بیند (۱۵) نه چنین است همانا اگر دست برنداشت کشانیمش به پیشانی (۱۶) پیشانی دروغگوی لغزشکار (۱۷) پس بخواند انجمنش را (۱۸) زود است بخوانی (نگهبانان) دوزخ را (۱۹) نه چنین است فرمانبرداریش نکن و سجده کن و نزدیک شو (چشم به راه باش) (۲۰)

القدر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) همانا فرستادیمش در شب قدر (۲) و چه دانستت چیست شب قدر (۳) شب قدر بهتر است از هزار ماه (۴) فرود آیند فرشتگان و روح در آن به دستور پروردگارشان در هر کار (۵) سلامی است آن تا برآمدن بامداد (۶)

البینة

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) نبودند آنان که کفر ورزیدند از اهل کتاب و مشرکان دست بردارندگان تا بیایدشان نشانی (۲) فرستاده‌ای از خدا که خواند نامه‌هایی پاک شده (۳) در آنها است نوشته‌هایی استوار (۴) و پراکنده نشدند آنان که داده شدند کتاب را مگر پس از آنکه پیامدشان نشانی (۵) و فرموده نشدند مگر آنکه پرستند خدا را پاک‌دارندگان برای او دین را یکتا پرستان و پبای دارند نماز را و بدهند زکات را و این است دین استوار (۶) همانا آنان که کفر ورزیدند از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند جاودانان در آن آنانند بدترین جهانیان (۷) همانا آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند آنانند بهترین جهانیان (۸) پاداششان نزد پروردگارشان بهشتهای جاودانی است که روان است از زیر آنها جوی‌ها جاودانان در آنها همیشه خشنود شد خدا از ایشان و خشنود شدند از او این برای آن است که بترسد از پروردگارش (۹)

الزَّلْزَلَةُ

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) گاهی که بلرزد زمین لرزشش را (۲) و برون آرد زمین گرانهایش را (یا سنگین‌ها یا کالاهایش را) (۳) و گوید انسان چیست آن را (۴) آن روز بسراید داستانهایش را (۵) که پروردگارت سروش فرستاد بدان (۶) آن روز برون آیند مردم گوناگون تا نمایانده شوند کردارهای خویش را (۷) پس هر که کند سنگینی ذره نیکی بیندش (۸) و هر که کند سنگینی ذره بدی بیندش (۹)

الْعَادِيَات

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به دوندگان به ستوه آمدن (۲) پس آتش افروزندگان به نواختن سمها بر زمین (۳) پس تاخت آرندگان به بامداد (۴) پس برانگیزند بدان گردی (۵) پس در آیند بدان در میان گروهی (۶) همانا انسان است به پروردگار خویش ناسپاس (۷) و همانا او است بر این گواه (۸) و همانا او است در دوستی خواسته (یا اسبان) سرسخت (۹) پس آیا نداند گاهی که انگيخته شود آنچه در گورها است (۱۰) و فراهم شود آنچه در سینه‌ها است (۱۱) که پروردگار ایشان است بدیشان آگاه (۱۲)

الْقَارِعَةُ

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) آن کوبنده (۲) چیست کوبنده (۳) و چه دانست چیست کوبنده (۴) روزی که شوند مردم چون پروانه‌های پراکنده (۵) و شوند کوه‌ها مانند پشم زده (۶) پس اما آنکه سنگین آید سنجشهایش (ترازوهایش) (۷) پس او است در زندگی پسندیده (۸) و اما آنکه سبک گردد ترازوهایش (۹) پس مادر اوست هاویه (۱۰) و ندانست چیست آن (۱۱) آتشی است سوزنده (۱۲)

النَّكَارُ

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) بفریفت شما را (سرگرم ساخت) فزونی جستن (۲) تا رسیدید به گورستان (۳) نه چنین است زود است بدانید (۴) پس نه چنین است زود است بدانید (۵) نه چنین است اگر بدانید دانستن یقین (۶) هر آینه ببینید البته دوزخ را (۷) سپس ببینیدش البته عین یقین (یقین نمایان) (۸) سپس پرسش شوید همانا در آن روز از نعمتها (۹)

العصر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) سوگند به عصر (روزگار بازپسین) (۲) که همانا انسان است در زیانکاری (۳) مگر آنان که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و سفارش کردند به حق (به درستی) و سفارش کردند به شکیب (۴)

الهمزة

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) وای بر هر نکوهشگری عیبجوی (۲) آنکه گردآورد مالی را و شمردش (۳) پندارد که مالش جاودان داردش (۴) نه چنین است همانا انداخته شود در حطمه (۵) و ندانست چیست حطمه (۶) آتش خدای افروخته (۷) که چیره گردد بر دلها (۸) همانا آن است بر ایشان افروخته (یا پوشیده) (۹) در ستونهای کشیده (۱۰)

الفیل

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) آیا ندیدی چه کرد پروردگار تو به یاران (یا خداوندان) فیل (۲) آیا نگردانید نیرنگ آنان را در گم گشتگی (۳) و فرستاد بر ایشان مرغانی گروه گروه (۴) می افکندند بر ایشان (پرتاب می کردند) سنگی را از سجیل (۵) پس گردانیدشان مانند خوشه (یا برگ) خورده شده (۶)

قریش

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) برای جان دادن (یا الفت گرفتن) قریش (۲) الفت ایشان به کوچیدن زمستان و تابستان (۳) پس باید پرستش کنند پروردگار این خانه را (۴) که خوراندشان پس از گرسنگی و ایمنشان ساخت پس از ترس (۵)

الماعون

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) آیا دیدی آن را که تکذیب کند به دین (۲) پس آن است که می راند یتیم را (۳) و ترغیب نکند بر خوراک بینوا (۴) پس وای بر نمازگزاران (۵) آنان که از نماز خویشند غفلت کنندگان (۶) آنان که خودنمایی کنند (۷) و بازدارند زکات را (یا خیر را) (۸)

الکوثر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) همانا ارزانی داشتیم کوثر (۲) پس نماز گزار برای پروردگار خویش و قربان کن (یا سجود و رکوع کن) (۳) همانا بدخواه تو است دنباله بریده (۴)

الکافرون

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) بگو ای گروه کافران (۲) پرستم آنچه را پرستید (۳) و نه شما پرستندگانید آنچه را پرستم (۴) و نه منم پرستنده آنچه پرستش کردید (۵) و نه شما پرستندگانید آنچه را پرستم (۶) شما را است دینتان و مرا است دینم (۷)

النصر

بنام خداوند بخشاینده مهربان (۱) گاهی که آید یاری خدا و پیروزی (۲) و بینی مردم را درآیند به دین خدا گروه گروه (۳) پس تسبیح

گوی به سپاس پروردگار خویش و آمرزش خواهش که او است همانا آمرزگار(۴)

المسد

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) بریده باد دستهای ابی لهب و بریده باد(۲) بی نیاز نکرد از او مالش و آنچه فراهم کرد(۳) زود است بچشد آتشی شعله ور(۴) و زن او بردارنده هیزم(۵) در گردنش بندی است از لیف خرما(۶)

الإخلاص

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) بگو او است خدای یکتا(۲) خداوند است صمد(۳) نه زائید و نه زاده شده(۴) و نبودش همتا کسی(۵)

الفلق

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) بگو پناه برم به پروردگار بامداد (شکاف صبح)(۲) از بدی آنچه آفرید(۳) و از بدی تاریکی گاهی که فراگیرد (یا فرورود)(۴) و از بدی زنان دمنده در گره ها(۵) و از بدی حسود گاهی که حسد ورزد(۶)

الناس

بنام خداوند بخشنده مهربان(۱) بگو پناه به پروردگار مردم(۲) پادشاه مردم(۳) خدای مردم(۴) از بدی وسوسه کننده نهان شونده(۵) آنکه وسوسه کند در سینه های مردم(۶) از پریان و مردم(۷)